

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بررسی فراز و فرودهای  
گروه بی‌تی‌اس  
از منظر هواداران ایرانی  
ج ۱

/دکتر مرتضی منطقی/

/۱۴۰۳/





## فهرست کامل این مجموعه

### ۱- مقدمه

### ۲- کمپانی بیگ هیت و اهداف آن

- ۱-۲- اهداف اقتصادی- سیاسی کمپانی بیگ هیت
- ۱-۱-۲- تلاش در جهت کسب درآمد برای کمپانی
- ۲-۱-۲- اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری کشور کره جنوبی
- ۳-۱-۲- اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری جهانی
- ۲-۲- اهداف فرهنگی- اجتماعی کمپانی بیگ هیت
- ۱-۲-۲- به رخ کشیدن قدرت فرهنگی کره
- ۲-۲-۲- تلاش در جهت گسترش فرهنگ لیبرالی
- ۳-۲-۲- تلاش در جهت ایجاد جذابیت‌های فرهنگی- اجتماعی برای نظام سرمایه‌داری
- ۴-۲-۲- تلاش در جهت به انحراف کشاندن انتقادات از نظام سرمایه‌داری
- ۳-۲- اهداف اخلاقی- عقیدتی کمپانی بیگ هیت
- ۱-۳-۲- بی‌توجهی ستاره‌های بی‌تی‌اس به دین
- ۲-۳-۲- پررنگ کردن ابعاد مادی (و همزمان کم رنگ کردن ابعاد معنوی) در چشم و دل هواداران
- ۳-۳-۲- توجه ستاره‌ها به اخلاق نسبیت‌گرا
- ۴-۳-۲- دامن زدن به برخی از سردرگمی‌های اخلاقی
- ۵-۳-۲- اثربخشی (احتمالی) کمپانی از اندیشه‌های ایلومیناتی
- ۶-۳-۲- ایجاد وابستگی نسبت به ستاره‌ها
- ۷-۳-۲- توهم زده کردن هواداران
- ۸-۳-۲- طرح غیرمستقیم خط‌مشی‌های لذت‌مدار
- ۹-۳-۲- تبلیغ بی‌هویتی جنسی

### ۳- تلاش در مسیر پردازش گروهی بی‌همتا

- ۱-۳- شناخت دقیق روان‌شناسی نوجوان و جوانان
- ۲-۳- به معرض دید نهادن زیباترین چهره‌های جامعه در برابر مخاطبان
- ۳-۳- پرداختن به مسایل نوجوان و جوانان
- ۴-۳- کمک به بهبود حال بد نوجوان و جوانان
- ۵-۳- انگیزه‌بخشی به نوجوان و جوانان
- ۶-۳- امیدبخشی به نوجوان و جوانان
- ۷-۳- اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی
- ۸-۳- ارتقای اعتماد به نفس نوجوان و جوانان
- ۹-۳- پیش گرفتن فعالیت‌های نودوستانه و خیرخواهانه
- ۱۰-۳- پیش گرفتن فعالیت‌های اجتماعی (در سطح ملی و بین‌المللی)
- ۱۱-۳- پیش گرفتن فعالیت‌های زیست محیطی
- ۱۲-۳- برخورد تسامح‌آمیز با دیگران
- ۱۳-۳- مقابله با نژادپرستی و تبعیض جنسیتی

- ۱۴-۳- تلاش در جهت جهانی شدن و جهانی ماندن
- ۱۵-۳- ارضای هیجان جویی جوانان
- ۱۶-۳- فعالیت در جهت سرگرم سازی هواداران
- ۱۷-۳- آموزش برخی از مهارت های اجتماعی
- ۱۸-۳- تربیت خلاق هواداران
- ۱۹-۳- به نمایش نهادن چندوجهی بودن اعضای گروه
- ۲۰-۳- به نمایش کشیدن وحدت و همداستانی گروه
- ۲۱-۳- طرح ستاره ها به مثابه الگو
- ۲۲-۳- استفاده از بستر سازی های اولیه در جامعه (ادغام کی پاپ و کی درامر)
- ۲۳-۳- فرانسازان مطرح کردن پسران گروه بی تی اس
- ۲۴-۳- پیش گرفتن تبلیغات جذاب در طرح گروه
- ۲۵-۳- تعمیق رابطه ستاره ها با هواداران
- ۲۶-۳- ایجاد وابستگی عاطفی در هواداران
- ۲۷-۳- ایجاد هویت جمعی جدید در سطح هواداران
- ۲۸-۳- توهمزده کردن هواداران
- ۲۹-۳- ایجاد فضایی نسبتاً مبهم
- ۳۰-۳- مضامین و اجراهای نسبتاً متفاوت کی پاپ با پاپ غربی
- ۳۱-۳- تلاش در جهت ارایه محتوایی نسبتاً متفاوت
- ۳۲-۳- تنوع موضوعی موسیقی بی تی اس
- ۳۳-۳- رعایت نسبی ادب در محتوای موسیقی بی تی اس
- ۳۴-۳- ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری در بی تی اس
- ۴- فشارهای طاقت فرسای روانی وارده به ستاره ها**
- ۱-۴- گذراندن دوره دشوار کارآموزی
- ۲-۴- الزام ستاره ها به تبعیت از دستورالعمل های متعدد کمپانی
- ۳-۴- الزام ستاره ها به کاهش حریم خصوصی خودشان
- ۴-۴- ممانعت کمپانی از حق ازدواج و قرار ملاقات ستاره ها با جنس مخالف
- ۵-۴- الزام ستاره ها در به نمایش نهادن رفتارهای جنسی خلاف هویت جنس خودشان
- ۶-۴- فشار کمپانی به ستاره ها برای بی نقص جلوه کردن در برابر هواداران
- ۷-۴- الزام ستاره ها به ارایه فن سرویس (ارایه خدمات به هواداران)
- ۸-۴- مواجهه با برخورد ابزاری کمپانی و برخی از هواداران با ستاره ها
- ۹-۴- سوءاستفاده سیاسی از ستاره ها
- ۱۰-۴- زیر ذره بین بودن رفتار ستاره ها
- ۱۱-۴- نداشتن حق اعتراض ستاره ها نسبت به شایعات مرتبط با خودشان
- ۱۲-۴- کم توجهی کمپانی نسبت به سلامت جسمانی ستاره ها
- ۱۳-۴- کم توجهی کمپانی نسبت به سلامت روانی ستاره ها
- ۱۴-۴- توهین، نفرت پراکنی و تهدید به قتل ستاره ها از سوی هواداران افراطی گروه های دیگر
- ۱۵-۴- روبرو شدن با طرفداران سمی (ساسنگ فن ها)

- ۴-۱۶- احساس مالکیت هواداران نسبت به ستاره‌ها
- ۴-۱۷- مواجهه ستاره‌ها با شایعه‌پردازی‌های کمپانی، فندوم‌ها و رسانه‌های زرد
- ۴-۱۸- نوسان یافتن بین شادی و غم به‌افراط
- ۴-۱۹- مواجهه ستاره‌ها با تناقض‌های ارزشی و رفتاری کمپانی
- ۴-۲۰- مواجهه با جریان ایلومیناتی در عرصه موسیقی
- ۴-۲۱- طرح مسأله کلون‌سازی برای ستاره‌ها
- ۴-۲۲- اندیشه انحلال گروه بی‌تی‌اس و جایگزینی گروهی دیگر به جای آن
- ۵- تلاش برای پاسخ به تعارض‌ها و کاهش آن‌ها: طرح هویت ربات مانند (رباتیک)**
- ۵-۱- کاربری از نام مستعار
- ۵-۲- نداشتن اجازه تغییر رنگ موی خویش
- ۵-۳- پذیرش نظام تغذیه پیشنهادی کمپانی
- ۵-۴- کاربری از زیورآلات پیشنهادی کمپانی در اجرای ستاره‌ها
- ۵-۵- پذیرش پرداخت هزینه برگزاری جهانی جشن تولد ستاره‌ها از سوی آنان
- ۵-۶- مصرف الزامی نشان (برند)هایی که ستاره‌ها به تبلیغ آن‌ها پرداخته‌اند
- ۵-۷- پذیرش زندگی محصور در کمپ
- ۵-۸- پذیرش بهره‌کشی از ستاره‌ها
- ۵-۹- محدودیت در ملاقات با خانواده و دیدار دوستان
- ۵-۱۰- پذیرش کاهش حریم خصوصی زندگی خویش با سوق یافتن با سمت بلاگری سبک زندگی
- ۵-۱۱- تبعیت از دستورهای کمپانی در جریان حضور یافتن در فضای مجازی
- ۵-۱۲- اقدام در جهت جنسیت‌زدایی از آرایش
- ۵-۱۳- پذیرش جنسیت‌زدایی از پوشش
- ۵-۱۴- تبعیت از جنسیت‌زدایی از عشق (به نمایش نهادن گرایش جنسی به هر دو جنس)
- ۵-۱۵- الزام به پذیرش برنامه‌های کاری متراکم و سنگین
- ۵-۱۶- الزام به شاداب ظاهر شدن (تحت هر شرایطی) بر روی صحنه
- ۵-۱۷- ضرورت بیان نقطه نظرهای کمپانی در جریان ارتباط با هواداران
- ۵-۱۸- الزام به سکوت در مواجهه با تعارض‌های موجود بین شعارها و عمل کمپانی
- ۵-۱۹- پذیرش جراحی زیبایی با خواست کمپانی
- ۵-۲۰- الزام ستاره‌ها به سکوت درباره گرایش جنسی خودشان
- ۵-۲۱- پذیرش بی‌هویتی جنسی به جای هویت جنسی مردانه خویش
- ۵-۲۲- الزام به سکوت در برابر توهین به شأن انسانی خویش
- ۵-۲۳- مواجهه با بی‌توجهی کمپانی به دفاع از ستاره‌ها
- ۵-۲۴- ضرورت به نمایش نهادن شخصیتی متفاوت در برابر دوربین
- ۵-۲۵- ضرورت تبعیت تام در برابر درخواست‌های کمپانی
- ۵-۲۶- پذیرش برخورد ابزاری با ستاره‌ها
- ۵-۲۷- الزام در سانسور عقاید دینی خویش
- ۵-۲۸- ضرورت سانسور عقاید سیاسی خویش
- ۵-۲۹- الزام سانسور عقاید اقتصادی خویش

## ۵-۳۰- الزام کمپانی به چگونه دیدن و اندیشیدن ستاره‌ها

۵-۳۱- آگاهی از تبعات سنگین اخراج ستاره‌ها از کمپانی

۵-۳۲- الزام به سکوت در برابر برخوردهای غیراخلاقی برخی از هواداران

۵-۳۳- الزام به سکوت در برابر سردرگم کردن ارزشی هواداران

۵-۳۴- الزام به سکوت نسبت به توهّم زده کردن هواداران

۵-۳۵- الزام به سکوت در برابر سوق دادن هواداران به سمت برخوردهای هیجان‌مدار

۵-۳۶- الزام به سکوت در برابر وابسته شدن برخی از هواداران به اعضای گروه

۵-۳۷- الزام به سکوت نسبت به تبعات دامن زدن به عشق تخیلی هواداران دختر

۵-۳۸- الزام به سکوت نسبت به کاهش اعتماد به نفس برخی از هواداران

۵-۳۹- الزام به سکوت نسبت به تحقیر اقتصادی بسیاری از هواداران

۵-۴۰- الزام به سکوت نسبت به تحقیر نژادی هواداران

۵-۴۱- الزام به سکوت در به عصیان کشیدن هواداران علیه نسل بزرگ‌سال

۵-۴۲- الزام به سکوت نسبت به اتلاف وقت هواداران

۵-۴۳- الزام به سکوت در برابر زدن غیرمستقیم آسیب جسمانی

## ۶- تأملی دوباره

## فهرست مطالب کتاب حاضر

|                                                                                            |     |
|--------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| ۱- مقدمه .....                                                                             | ۱۱  |
| ۲- کمپانی بیگ هیت و اهداف آن .....                                                         | ۱۹  |
| ۱-۲- اهداف اقتصادی- سیاسی کمپانی بیگ هیت .....                                             | ۱۹  |
| ۱-۱-۲- تلاش در جهت کسب درآمد برای کمپانی .....                                             | ۲۰  |
| ۲-۱-۲- اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری کشور کره جنوبی .....                    | ۲۲  |
| ۳-۱-۲- اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری جهانی .....                             | ۲۸  |
| ۲-۲- اهداف فرهنگی- اجتماعی کمپانی بیگ هیت .....                                            | ۳۷  |
| ۱-۲-۲- به رخ کشیدن قدرت فرهنگی کره .....                                                   | ۳۹  |
| ۲-۲-۲- تلاش در جهت گسترش فرهنگ لیبرالی .....                                               | ۴۱  |
| ۳-۲-۲- تلاش در جهت ایجاد جذابیت‌های فرهنگی- اجتماعی برای نظام سرمایه‌داری .....            | ۴۷  |
| ۴-۲-۲- تلاش در جهت به انحراف کشاندن انتقادها از نظام سرمایه‌داری .....                     | ۵۳  |
| ۳-۲- اهداف اخلاقی- عقیدتی کمپانی بیگ هیت .....                                             | ۵۶  |
| ۱-۳-۲- بی توجهی ستاره‌های بی تی اس به دین .....                                            | ۵۷  |
| ۲-۳-۲- پررنگ کردن ابعاد مادی (و همزمان کم رنگ کردن ابعاد معنوی) در چشم و دل هواداران ..... | ۵۹  |
| ۳-۳-۲- توجه ستاره‌ها به اخلاق نسبیت‌گرا .....                                              | ۶۰  |
| ۴-۳-۲- دامن زدن به برخی از سردرگمی‌های اخلاقی .....                                        | ۶۱  |
| ۵-۳-۲- اثرپذیری (احتمالی) کمپانی از اندیشه‌های ایلومیناتی .....                            | ۶۲  |
| ۶-۳-۲- ایجاد وابستگی نسبت به ستاره‌ها .....                                                | ۶۴  |
| ۷-۳-۲- توهم زده کردن هواداران .....                                                        | ۶۵  |
| ۷-۳-۲- طرح غیرمستقیم خط‌مشی‌های لذت‌مدار .....                                             | ۶۶  |
| ۸-۳-۲- تبلیغ بی‌هویتی جنسی .....                                                           | ۶۹  |
| ۳- در مسیر یکتایی .....                                                                    | ۷۳  |
| ۱-۳- شناخت دقیق روانشناسی نوجوان و جوان .....                                              | ۷۳  |
| ۲-۳- به معرض دید نهادن زیباترین چهره‌های جامعه در برابر مخاطبان .....                      | ۷۹  |
| ۳-۳- پرداختن به مسایل نوجوان و جوانان .....                                                | ۸۵  |
| ۴-۳- کمک به بهبود حال بد نوجوان و جوانان .....                                             | ۹۰  |
| ۵-۳- انگیزه بخشی به نوجوانان و جوانان .....                                                | ۹۶  |
| ۶-۳- امید بخشیدن به نوجوانان و جوانان .....                                                | ۱۰۴ |
| ۷-۳- اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی .....                                                        | ۱۱۰ |
| ۸-۳- ارتقای اعتماد به نفس نوجوانان و جوانان .....                                          | ۱۱۳ |
| ۱۰-۳- پیش‌گرفتن فعالیت‌های اجتماعی (در سطح ملی و بین‌المللی) .....                         | ۱۲۰ |
| ۱۱-۳- پیش‌گرفتن فعالیت‌های زیست محیطی .....                                                | ۱۲۸ |
| ۱۲-۳- برخورد تسامح‌آمیز با دیگران .....                                                    | ۱۳۳ |
| ۱۳-۳- مقابله با نژادپرستی و تبعیض جنسیتی .....                                             | ۱۳۷ |

|          |                                                                              |
|----------|------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۳۹..... | ۱۴-۳- تلاش در جهت جهانی شدن و جهانی ماندن.....                               |
| ۱۴۳..... | ۱۵-۳- ارضای هیجان جویی جوانان.....                                           |
| ۱۴۹..... | ۱۶-۳- فعالیت در جهت سرگرم سازی هواداران.....                                 |
| ۱۶۶..... | ۱۷-۳- آموزش برخی از مهارت های اجتماعی.....                                   |
| ۱۶۸..... | ۱۸-۳- تربیت خلاق هواداران.....                                               |
| ۱۷۶..... | ۱۹-۳- به نمایش نهادن چندوجهی بودن اعضای گروه.....                            |
| ۱۸۱..... | ۲۰-۳- به نمایش نهادن وحدت و همداستانی گروه.....                              |
| ۱۸۳..... | ۲۱-۳- الگوبرداری از ستاره ها.....                                            |
| ۱۹۶..... | ۲۲-۳- استفاده از بستر سازی های اولیه در جامعه (ادغام کی پاپ و کی درامر)..... |
| ۲۰۴..... | ۲۳-۳- معرفی پسران بی تی اس به صورت افرادی فراانسان.....                      |
| ۲۱۱..... | ۲۴-۳- پیش گرفتن تبلیغات جذاب برای طرح گروه.....                              |
| ۲۱۹..... | ۲۵-۳- تعمیق رابطه ستاره ها با هواداران.....                                  |
| ۲۳۹..... | ۲۶-۳- ایجاد وابستگی عاطفی در هواداران (عشق تخیلی).....                       |
| ۲۴۸..... | ۲۷-۳- ایجاد هویت جمعی جدید در سطح هواداران.....                              |
| ۲۵۹..... | ۲۸-۳- توهمزده کردن هواداران.....                                             |
| ۲۶۸..... | ۲۹-۳- ایجاد فضایی نسبتاً مبهم.....                                           |
| ۲۷۴..... | ۳۰-۳- مضامین و اجراهای نسبتاً متفاوت کیپاپ با پاپ غربی.....                  |
| ۲۸۱..... | ۳۱-۳- تلاش در جهت ارایه محتوایی نسبتاً متفاوت.....                           |
| ۲۹۳..... | ۳۲-۳- تنوع موضوعی موسیقی بی تی اس.....                                       |
| ۲۹۸..... | ۳۳-۳- رعایت نسبی ادب در محتوای موسیقی بی تی اس.....                          |
| ۳۰۲..... | ۳۴-۳- ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری در بی تی اس.....                   |

## ۱- مقدمه

«به عیان مشاهده می‌افتد که کودکان و جوانان به پرورش و مجالست کسانی که به خُلقی موسومند، آن خُلق را از افراد فرا می‌گیرند» (خواجه نصیرالدین طوسی<sup>۱</sup>).

الگوها از اهمیت وافری در شکل دادن به شخصیت انسانی انسان‌ها و جوامع برخوردارند. الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راه را بر کشتی‌ها نشان می‌دهند، راه را بر کشتی وجودی انسان‌ها و جوامع می‌نمایانند. از همین رو از دیدگاه‌های دینی گرفته تا دیدگاه‌های معاصر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، همگی بر اهمیت الگوها صحّه نهاده از ضرورت عطف توجه انسان‌ها و جوامع بشری نسبت بدان‌ها یاد کرده‌اند. از منظر دیدگاه دینی در عین وجود الگوها و اسوه‌های حسنه، الگوهای غیرحَسَن نیز وجود دارند که برخلاف اعتلایابی و تحول‌آفرینی که در اسوه‌های حسنه برای انسان‌ها وجود دارد، اسوه‌های غیرحَسَن در سقوط ارزشی و انسانی انسان‌ها، ذی‌نقش بوده، اسباب اضمحلال آنان را فراهم می‌آورند.

در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوبرداری افراد، ذیل نظریات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. هرگنهان و السون<sup>۲</sup> در این زمینه می‌نویسند:

«مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با آن، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر دیده شده، مکاتب روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند».

سایت سلامتی نیز با اشاره به مقاله منتشره لئوناردو<sup>۳</sup> که در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در نشریه ساینس منتشر شده است، ذیل عنوان الگوبرداری کودکان، از اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فراویشان یاد می‌کند.

مسأله الگو، الگویابی و جامعه‌پذیری نیز از مباحث مورد توجه در نظریات جامعه‌شناسی بوده است (هر چند جامعه‌شناسان مقوله الگوبرداری را گسترده‌تر از روان‌شناسان دیده و مسأله الگوگیری را در ابعاد اخلاقی تا فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی، گسترده دیده‌اند).

نقش پراهمیتی که الگوها در تربیت انسان‌ها و جوامع بشری دارند، سبب شده است که هم انسان‌ها و نهادهای نیک‌اندیش و هم انسان‌های بد و نهادهایی که در پی به تاراج بردن هستی انسان‌ها و جوامع بشری هستند، متوجه الگوها شده، منطبق با خواست خود به پردازش الگوهای مطلوب طبع خویش اقدام کنند. بالطبع از آنجا که انسان‌ها و نهادهای بداندیش به صراحت نمی‌توانند با طرح الگوهای سیئه و ناپاک، دیگران را معطوف به خود کنند، می‌کوشند تا با پردازش الگوهایی به ظاهر ارزشمند و متعالی، انسان‌ها را با اتکاء به الگوهای به ظاهر جذاب، به سمت اهداف سوء خویش هدایت کرده و راهنمون سازند.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان (؟، ترجمه محمد رازی، ۱۳۶۵)<sup>۴</sup>، در توضیح آیه ۲۳ از سوره نوح که ناظر بر مسأله الگوها است، به اشاره همین مسأله پرداخته است. به این معنا که طبرسی خاطرنشان می‌سازد، برخی از الگوها ممکن است دارای ویژگی‌های قابل توجهی باشند، اما در عمل انسان‌ها را به راه‌های نامناسبی سوق می‌دهند که اسباب سقوط و اضمحلال آنان و جوامعشان را فراهم می‌آورند.

بررسی چگونگی پردازش الگوها در طول تاریخ بشر، بیانگر آن است که ورای الگوهای دینی که چند بعدی هستند، الگوهای عامی که در سطح جوامع بشری پردازش می‌شده‌اند، در ابتدا، تنها واجد یک ویژگی قابل ملاحظه بودند، مثلاً رستم کوهی از عضله بود، باربد و نکبسا، نوازندگی شگفتی داشتند، کلتوباترا از چهره زیبایی برخوردار بود و مانند آن‌ها. اما اهمیت تعیین کننده الگوها سبب شد تا بشر طی چند دهه اخیر، برای تحقق بیش از پیش اهدافش، رو به پردازش الگوهای فراگیرتر و قدرتمندتری بیاورد، از این رو با ادغام دو جریان ورزشی و هنری، در صد پردازش الگوهایی دو بُعدی برآمد. به عنوان مثال، آرنولد که چندین بار قهرمان پرورش اندام در سطح جهان شده بود، پا به عرصه هنر نهاد و در فیلم‌های سینمایی نقش‌آفرین واقع شد.

<sup>۱</sup> - خواجه نصیرالدین طوسی (؟). اخلاق ناصری. به تصحیح مجتبی مینوی. ۱۳۶۵. تهران: خوارزمی.

<sup>۲</sup> - هرگنهان، بی. آر. و السون، میتو، اچ. (؟). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. ج ۱. ۱۳۹۶.

<sup>۳</sup> - Leonardo, J. (2017). When Adults Show Determination, Babies Copy. Massachusetts Institute of Technology, department of brain and cognitive sciences, Cambridge. Science, Sept. 22, 2017.

<sup>۴</sup> - طبرسی، ابوالفضل ابن الحسن (؟). مجمع البیان. ترجمه حاج شیخ محمد رازی. ۱۳۶۵. ج ۲۵. تهران: فراهانی.

در موج جدید پردازش الگوها، به فرض اگر کسی علاقه‌مند به مسایل ورزشی بود، پای فیلم افرادی همچون آرنولد، استالونه، بروس لی و نظایر آن‌ها می‌نشست و فیلم آن‌ها را می‌دید و اگر کسی هم علاقه‌مند به هنر سینما بود، باز پای همان فیلم‌ها نشسته و به کاربری از همان فیلم‌ها می‌پرداخت.

بررسی روند پردازش الگوها در حال حاضر بیانگر آن است که اهمیت وافر الگوها، سبب شده است که برخی از نهادها و جریان‌های اجتماعی در پی محقق کردن بیش از پیش اهداف خودشان، در صدد پردازش الگوهای چند بُعدی برآیند. از همین رو، روند پردازش الگوها پس از تبدیل الگوهای یک بُعدی به دو بُعدی، از حالت اخیر به پردازش الگوهای چند بُعدی سوق یافته و ارتقاء پیدا کرده اند. از جمله نهادهایی که در پردازش الگوهای چند بُعدی موفق عمل کرده اند، می‌توان از کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت (کمپانی گروه کی‌پاپی بی‌تی‌اس) یاد کرد.<sup>۱</sup> این کمپانی در جریان شکل دادن به گروه خویش، از آغاز، پردازش الگوهای چند بُعدی را مدنظر قرار داده و عملی ساخته است.

کمپانی بیگ‌هیت در گام نخست برای شروع فعالیت خویش، پسرانی «زیبا رو» را برای تشکیل گروه خود گزینش کرد. افراد زیباروی اخیر، طی سال‌ها کارآموزی در زمینه‌های خوانندگی، رقص، رسانه، بازیگری و مانند آن، هم‌زمان با اجرای آهنگ‌های خویش، به نمایش «رقصی پرهیجان» نیز می‌پردازند که نمایش دشوار اخیر از عهده افراد عادی خارج است.

پسران بی‌تی‌اس علاوه بر اجراهای پرهیجان و باشکوهی که دارند، با ارایه آهنگ‌هایی که ناظر بر مسایل و مشکلات دوران جوانی و جوانی افراد است، خود را به صورت «مدافع جوانان» به نمایش کشیده و با دادن رهنمود در مورد عصیان علیه ارزش‌های نسل بزرگسال خود را به صورت «گروهی روشنفکر» تثبیت کرده و با ارایه رهنمود در مورد چگونه ادامه دادن و چگونه زیستن در جهان دشواری که جوانان را دربر گرفته است، با طرح حمایت تام خویش از جوانان، خود را به صورت «منجی جوانان» مطرح می‌سازند.

از سوی دیگر پسران گروه بی‌تی‌اس، هم‌زمان با تلاش در جهت ارایه تولیدهایی برای «پر کردن فراغ‌بال هواداران و سرگرم کردن آنان»، دست به «ایجاد روابطی عمیق با هواداران» زده، به فرض شعار می‌دهند: «اگر شما هیچ پناهی ندارید، ما در سئول در اندیشه شما هستیم و شما می‌توانید ما را همواره پشتیبان و یاور خودتان ببینید».

---

<sup>۱</sup> - کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، در سال ۲۰۱۰ گروه بی‌تی‌اس را شکل داد و با پا به عرصه نهادن این گروه در سال ۲۰۱۳ تا به حال، گروه بی‌تی‌اس به موفقیت‌های قابل توجهی در سطح جهان دست یافته است.

«مدیرعامل کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، بانگ شی - هیوک با این اندیشه که جوانان امروز نیازمند قهرمانانی هستند که بدون آن که آنان را از موضع بالا موعظه کنند، تکیه‌گاه آنان قرار گرفته و دست به همراهی با آنان بزنند» (ویکی‌پدیا)، به گروه بی‌تی‌اس (که با نام بنگتن بویز نیز شناخته می‌شود)، شکل داد.

شوگا یکی از اعضای ۷ نفره گروه بی‌تی‌اس نیز در مصاحبه‌ای خاطرنشان می‌کرد، ما برای آن که با مخاطبان خودمان همدلی ایجاد کنیم، در صدد بیان داستان‌هایی برآمدم که مردم تمایل به شنیدنشان داشتند، یعنی داستان‌هایی از عواطف و احساسات آنان و طرح اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و دردهای مردم، چیزی که دیگران کمتر به طرح آن‌ها می‌پرداختند.

اندیشه‌های اخیر سبب شد، گروه بی‌تی‌اس، فضایی نسبتاً متفاوت از گروه‌های پاپ کره‌ای را رقم بزند و در این مسیر با استقبال داخل و خارجی گسترده‌ای روبرو شود.

«رتبه اول آهنگ خون، عرق و اشک در تمامی جداول کره جنوبی، رتبه اول آهنگ نقشه روح: ۷، در صدر جداول ۱۰۰ آهنگ داغ و جدول بیل‌بورد ۲۰۰، شکستن رکورد پربیننده‌ترین نمایش اولیه یوتیوب و شکستن بیش‌تر از ۱۰۰ میلیون بازدید آهنگ طی ۲۴ ساعت پس از انتشار و دریافت ۱۲ جایزه در جشنواره موسیقی بیل‌بورد، تنها قسمتی از دستاوردهای قابل توجه گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌روند» (ویکی‌پدیا). تبدیل شدن اعضای گروه به الگوی بسیاری از نوجوانان و جوانان از دیگر دستاوردهای گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت است.

اما کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن، ورای دستاوردهای قابل توجه اخیر، از ابعاد ناشناخته‌ای نیز برخوردارند که مجموعه حاضر کوشیده است تا با مصاحبه میدانی با طرفداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس، از آن‌ها پرده بردارد و در کنار ارزیابی موفقیت‌های جهانی اخیر، اهداف آشکار و پنهان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی - عقیدتی، روان‌شناختی و زیباشناختی کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن را عمیق‌تر واکاوی کند.



اقدام‌های «نوع‌دوستانه و به ظاهر نوع‌دوستانه» گروه بی‌تی‌اس از سویی و «فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی» آنان از سوی دیگر، جذابیت‌های دیگری هستند که گروه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت از آن برخوردار است و در نهایت، پسران با پرهیز از ازدواج و یا حتی گذاشتن یک قرار ملاقات با جنس مخالف، به شکل غیرمستقیم خود را به صورت «عشق» و «همسر بالقوه مخاطبان دختر» خویش مطرح می‌سازند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس را به صورت الگوهای چند بعدی (زیبا، سرشار از هیجان، با صدایی زیبا، نوع‌دوست، با توجهات اجتماعی-سیاسی، روشنفکر، منجی جوانان و مانند آن) مطرح می‌سازد که شاید در طول پردازش الگوهای بشری، مشابه آن‌ها یافت نشود.

بررسی شواهد میدانی در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس، حکایت از اثرگذاری فوق‌تصور این گروه بر مخاطبان خویش، خاصه هواداران مؤنث، دارد.

بررسی‌های مقدماتی پژوهشگر و دانشجویانش در زمینه شناخت اثرات گروه بی‌تی‌اس بر هوادارانش، بیانگر آن است که گاه تشکلهای هواداری قدرتمندی در سطح طرفداران گروه بی‌تی‌اس شکل گرفته است که به فرض با عرضه ۸ ساعت ویدیوی سفر سالانه پسران بی‌تی‌اس (بن ویاژ) در فضای مجازی، تنها یک گروه ۳۰ نفره مترجم از یک تشکل هواداری، هم‌زمان تمامی شب روی ترجمه فیلم‌های پسران گروه کار می‌کنند و با اتمام ترجمه، محتوای تهیه شده را به دست ویراستاران گروه سپرده، می‌خوانند تا جمع ویراستارها نیز پس از ویرایش نهایی متن تهیه شده، آن را برای بارگذاری به دست جمع سوم تیمشان بسپارند و خودشان به استراحت بپردازند و گروه بارگذاری نیز بلافاصله، با بارگذاری محتوای تهیه شده در فضای مجازی، آن را به دست خیل هواداران گروه بی‌تی‌اس می‌رساند. به همین ترتیب در موارد متعددی مشاهده شده است که برخی از هواداران، با نشر آهنگ‌های جدید بی‌تی‌اس، برای آن که آهنگ گروه مورد علاقه‌شان در سایت‌های مطرح موسیقیایی جهان، از رتبه بالایی برخوردار شود و یا جوایز انتخاب‌های مردمی را ببرند، «به شکل ۲۴ ساعته شروع به گوش کردن آهنگ مورد نظر کرده» یا «به کار رأی دادن پرداخته‌اند» تا به این ترتیب با افزایش دفعات کاربری از آهنگ مورد نظر، میزان بازدید و آرای آن (استریمینگ) افزایش یافته، رتبه بالایی را در سایت‌های مطرحی مانند بیلپورد، اسپاتیفای و نظایر آن‌ها به دست بیاورند یا جوایز انتخاب‌های مردمی را از آن خود سازند.

یکی از دانشجویان نگارنده، در گزارش خویش خاطرنشان می‌ساخت، وقتی وی برای گردآوری داده‌های مورد نظرش، به یکی از دبیرستان‌های دخترانه مراجعه کرده بود، ملاحظه کرد، قریب به نیمی از دانش‌آموزان مدرسه گریه می‌کنند و وقتی وی با شگفتی جویای این امر شده بود که آیا کسی از کادر آموزشی شما در گذشته است که شما این چنین بی‌تابی می‌کنید، دانش‌آموزان به وی پاسخ داده بودند که «نه، جین -یکی از پسران عضو بی‌تی‌اس- به سربازی رفته است!»

دختران زیادی در جریان مصاحبه‌هایشان اظهار می‌داشتند: «حاضرند جانشان را برای پسران گروه بدهند»، «در مواجهه با نفرت‌پراکنان گروه‌های رقیب، دچار حمله ترس (پنیک) شده‌اند»، «حاضر است کلیه‌اش را بفروشد و بهای آن را برای یک شب به سر بردن نزد جیمین، بپردازد»، «سر این که فلان آیدول (ستاره)، شوهر من است، با دیگر دانش‌آموزان به دعوا و مرافعه و گیس و گیس‌کشی در مدرسه پرداخته‌اند»، «سفارش تهیه داستان‌های هرزه‌نگار (فن‌فیکشن‌های اسمات) با محوریت خود و یکی از پسران گروه را به افرادی که از قلم‌گیری برخوردارند، داده‌اند»، «خانواده خودشان را تهدید کرده‌اند که آن‌ها را به کره جنوبی (موطن بی‌تی‌اس) بفرستند، وگرنه خودکشی خواهند کرد»، «دست به برگزاری گردهمایی (میتینگ)های بزرگ با حضور ادمین کانال‌های بی‌تی‌اس، ادمین‌های صفحات بی‌تی‌اس، کلسیونرهای (کالکشنرهای) بی‌تی‌اس، داستان‌نویس‌ها (فن‌فیک یا فن‌فیکشن)های بی‌تی‌اس و هواداران (فن‌های) ساده، برای تجلیل از پسران گروه در ایران زده‌اند»، «دست به تمرین ۵-۶ ساعت رقص در روز می‌زنند تا حداقل به عنوان رقاصان پس‌صحنه اجرای بی‌تی‌اس پذیرفته شوند»، «با شنیدن شایعه رابطه ستاره مورد علاقه‌شان با یک دختر، به اندیشه خودکشی افتاده‌اند» و «به گونه‌ای حرف می‌زنند که انگار با ستاره مورد نظرشان ازدواج کرده‌اند» و یا حتی «داعیه و توهم باردار شدن از ستاره مورد نظرشان را دارند».

بررسی میدانی مقدماتی گروه پژوهش دلالت بر آن داشت که دانش‌آموزان قابل توجهی (حتی در مقطع دبستان) فراگیری خودآموز زبان کره‌ای را شروع کرده، برخی در حدی با این زبان آشنا شده‌اند که به راحتی متن‌های به زبان کره‌ای را ترجمه کرده و یا اصولاً صفحه اینستاگرامی خویش را با نوشتار کره‌ای اداره می‌کنند.

فروش بالای کتاب‌های آموزش زبان کره‌ای (پس از کتاب‌های زبان انگلیسی) در جامعه، شاهد مثال بارز دیگری در موفقیت گروه‌های کی‌پاپ و خاصه گروه بی‌تی‌اس در سطح نوجوانان و جوانان جامعه است و این در حالی است که وقتی دانش‌آموزان دبیرستانی، روی صفحه رایانه‌های

مدرسه‌شان، تصویر اعضای ۷ نفره پسران گروه بی‌تی‌اس را می‌گذارند، اولیای آموزشی مدرسه یا آن‌ها را نمی‌شناسند و یا به سادگی از کنار علت و دلیل این امر، عبور می‌کنند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، نگارنده را بر آن داشت تا در جهت روشنگری در امر تحول‌های پدید آمده در پردازش الگوها در جهان معاصر اقدام کند که در پی این امر با همراهی دانشجویانش، به پژوهش در این جهت پرداخت.<sup>۱</sup>

روند تهیه مجموعه حاضر به این ترتیب بود که نگارنده، پس از آموزش مقدماتی روش کیفی داده بنیاد به دانشجویانش در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، و پس از ارایه برخی از اطلاعات اولیه در مورد اهمیت الگوها و چگونگی پردازش الگوهای گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت به دانشجویان، از آنان می‌خواست تا در برخورد با هواداران این گروه، دست به مصاحبه عمیق با آنان بزنند و دیدگاه‌های آنان

---

<sup>۱</sup> - درباره روش پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این تحقیق، روش پژوهش، روش کیفی بوده است.

گاهی پژوهش‌گران حوزه‌های انسانی با مسأله‌ها و پرسش‌هایی رو به رو می‌شوند که امکان پاسخ‌گویی آن‌ها با کمک روش‌های معمول پژوهش میسر نیست. معمولاً در این پرسش‌ها مؤلفه‌ها و مفاهیمی وجود دارد که نمی‌توان به راحتی آن‌ها را تعریف کرد، یا سابقه‌ای از موارد مشابه آن‌ها در متون قبلی وجود ندارد و بر این اساس نمی‌توان فرضیه‌ای تدوین کرد و در نتیجه نمی‌توان به آزمون فرضیه پرداخت. پژوهش کیفی برای پاسخ به شرایط اخیر، مناسب‌ترین گزینه است.

اجرای پژوهش کیفی فرآیندی غیرخطی است و قسمت‌های مختلف آن بیش از آن که در پی یکدیگر قرار گیرند، در کنار هم قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، در پژوهش کیفی هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش‌گر به نقطه اشباع برسد. منظور از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بستگی) داده‌های گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت.

رویکرد پژوهش کیفی در این پژوهش روش داده‌بنیاد بود. روش داده‌بنیاد، روش مناسبی برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است.

نظریه‌پردازان نظریه داده‌بنیاد، سعی بر آن دارند که درکی از فرایندهای مرتبط با موضوع‌های بنیادی به وجود آورند. در همه پژوهش‌های کیفی محقق باید یافته‌های خود را که بیش‌تر جنبه تفسیری دارند، بدون تکیه بر روش‌های آماری، به نحو متقاعد کننده‌ای گزارش کند.

معمولاً کتاب‌های روش تحقیق کیفی در مورد حجم نمونه مورد بررسی ارقام ۸، ۱۲ و یا ۲۰ مصاحبه کیفی عمیق را در مورد مسأله مورد بررسی پیشنهاد کرده‌اند که به زعم پژوهش‌گر، این ارقام به چند دلیل در ایران درست جواب نمی‌دهند.

دلیل نخست را می‌توان در تفاوت روند جامعه‌پذیری در غرب و در ایران خلاصه کرد، به این معنا که به نظر می‌رسد روند جامعه‌پذیری در ایران، روندی دشوار و بعضاً متناقض است، در حالی که در غرب چنین نیست. به عنوان مثال، آنچه خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در ایران به کودک یا جوان القا می‌کند، خط‌مشی‌هایی ناهمگون است. به تعبیر دیگر، در ایران اولیا از فرزند می‌خواهند، وی تنها به فکر بیرون کشیدن گلیم خویش از آب باشد، اولیای آموزشی در مدرسه به دانش‌آموز مستقیم و غیرمستقیم القا می‌کنند که وی باید ایثار، جهاد و شهادت را در دستور کار خود داشته باشد و سرانجام همین فرد در جامعه شاهد آن است که فساد اقتصادی در جامعه شکل نظام‌مند به خود گرفته و بسیاری از مسوولان و نزدیکان آنان در زمینه رانت‌خواری با یکدیگر مسابقه نهاده‌اند، از این رو روند جامعه‌پذیری در ایران با دشواری و تنگنا پیش رفته و محقق می‌گردد، در حالی که نهادهای خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در غرب، در غالب موارد به گونه‌ای یک‌دست و هماهنگ عمل می‌کنند.

دلیل بعدی احتیاط در افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی در ایران را باید در عدم حمایت مالی بسیاری از پژوهش‌ها در ایران دید. به این معنا که به فرض در غرب، پژوهش‌گر خود را موظف می‌داند، در برابر گرفتن وقت مصاحبه‌شونده، با پرداخت وجهی، قدردانی لازم را از همکاری و صرف وقت فرد مصاحبه شده انجام دهد، در حالی که این امکان در ایران، در غالب موارد میسر نیست و همین مسأله سبب می‌شود، مصاحبه‌شوندگان به ویژه در پژوهش‌های کیفی که مستلزم صرف وقت کافی است، حاضر به صرف وقت مناسب نشده، مصاحبه خود را زودتر از حد لازم به پایان برسانند. ترس سیاسی پاسخ‌دهندگان در محیط ایران - که البته در این پژوهش به میزان نسبتاً کمی مطرح بود- و بی‌حوصلگی، عدم تمرکز و پاسخ‌های بعضاً متعارض پاسخ‌دهندگان - که در پاسخ‌دهندگان کم سن، طبیعی است- از دیگر مشکلات پژوهش کیفی به شمار می‌روند.

مسایل اخیر سبب می‌شود، پژوهش‌گران ایرانی برای وقوف کامل به پدیده کیفی مورد نظر، آمار مصاحبه‌های عمیق خویش را افزایش دهند، همان‌گونه که در پژوهش حاضر، تعداد مصاحبه‌های مورد نظر برای گردآوری داده‌های تحقیق، بیش‌تر از موارد توصیه شده در کتاب‌های پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است.

در ارتباط با فراز و فرودهای کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران این گروه را جویا شده، پس از بررسی مصاحبه توسط نگارنده، نکات جا مانده آن مشخص و در مصاحبه تکمیلی پیگیری شوند.

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های انجام شده از نمونه‌های در دسترس بهره جسته، اما در شهرهای مختلف ایران صورت پذیرفته است. شرط انجام مصاحبه نیز هواداری و شناخت کافی از گروه بی‌تی‌اس بود.

سازمان‌بندی اولیه پژوهش حاضر، شامل «بررسی ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت (کمپانی مالک گروه بی‌تی‌اس)»، «بررسی ابعاد آشکار و پنهان گروه پسران بی‌تی‌اس» و «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» بود.

پس از گردآوری اطلاعات میدانی لازم، اطلاعات گردآمده، در دو زیر مجموعه ارایه گردیدند.

زیر مجموعه نخست، شامل مصاحبه‌های انجام شده حول محورهای «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» (۲۳ مصاحبه)، «ابعاد آشکار و پنهان گروه بی‌تی‌اس» (۱۲ مصاحبه) و «ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت» (۱۲ مصاحبه) بود که پس از درج کامل اظهارات دانش‌آموزان و دانشجویان<sup>۱</sup> مصاحبه شده، در یک بررسی کیفی مقدماتی با روش داده بنیاد، جمع‌بندی لازم در مورد موضوع پژوهش، صورت پذیرفته است.

در زیر مجموعه دوم، اولاً با توجه به فیش‌های گردآوری شده از تمامی مصاحبه‌های انجام شده (۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده در پژوهش) و ثانیاً با تحلیل برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و ثالثاً با استعانت از معدودی از پژوهش‌های انتقادی انجام شده در مورد گروه بی‌تی‌اس و برخی از منابع مربوط به تحول‌های نوجوانان و جوانان، موضوع‌های مورد نظر پژوهش، به شکل عمیق‌تری مورد بررسی قرار گرفتند و به این ترتیب کتاب‌های زیر مجموعه دوم، تدوین گردیدند. به تعبیر دیگر، زیر مجموعه نخست، بیش‌تر سنخ یک تحلیل داده بنیاد اصیل را دارد که بدون اتکاء به اطلاعات دیگر و صرفاً مبتنی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، به ارایه جمع‌بندی لازم پرداخته است، اما در زیر مجموعه دوم، سنخ تحلیل کیفی انجام شده، بیش‌تر متمایل به روش کیفی سه سویه‌سازی است که در آن اطلاعات حاصل از جمعیت تحقیق، با اطلاعات حاصل از محدود اسناد و مدارک موجود و نظریات دیگر پژوهشگران در زمینه موضوع پژوهش، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته اند.

مجموعه حاضر شامل ۱۴ جلد کتاب است، عناوین کتاب‌های زیر مجموعه نخست به قرار زیرند:

– چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) (۲ جلد)

– چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره اعضای این گروه (۲ جلد)

– چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره هواداران این گروه (۳ جلد)

عنوان‌های کتاب‌های زیر مجموعه دوم به شرح زیر است:

– بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

– بررسی اهداف آشکار و پنهان گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

– بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۳ جلد).

کتاب حاضر دارای یک مقدمه و ۵ فصل است.

در مقدمه کتاب، ضمن اشاره به روش‌شناسی پژوهش، دورنمایی کلی از مباحث مطرح در مجموعه ۱۴ جلدی حاضر ارایه شده است.

<sup>۱</sup> – با توجه به سرعت تحولات اجتماعی از سویی و بی‌عنایتی به بررسی‌های پژوهشی در مورد مسایل انسانی – اجتماعی جامعه، در کلان نظام دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی کشور، درج مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق، واجد این مزیت هست که ترسیمی هر چند نسبی از تحول‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی – عقیدتی و سیاسی آنان را به دست می‌دهد و اگر چه نگارنده در انتهای کتاب‌های یاد شده، با اتکاء به همین مصاحبه‌ها، دست به جمع‌بندی‌های لازم زده و برهمان مبنای به ارایه رهنمود اقدام ورزیده است، اما این مصاحبه‌ها می‌توانند به عنوان یک ماده خام، مورد استفاده سایر پژوهشگران انسانی – اجتماعی قرار گیرند.

از این رو ارایه کامل مصاحبه‌های انجام شده، در برهوت تحقیقاتی ایران، به نظر می‌رسد، ابداع ارزشمندی باشد که به دیگر پژوهشگران مسایل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نوجوانان و جوانان در فهم بهتر تحول‌های نسل‌های جدید ایران، یاری خواهند رساند.

فصل‌های بعدی کتاب که ماحصل جمع‌بندی ۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده با هواداران گروه بی‌تی‌اس درباره پسران گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت از منظر هواداران ایرانی است، کوشیده است تا دورنمایی از فراز و فرودهای پسران بی‌تی‌اس و عمق اثرگذاری آنان بر مخاطبان خودشان را ارایه کند. در این قسمت، بررسی چگونگی رقم خوردن گروه بی‌تی‌اس که از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده، اثرگذاری فوق‌العاده گسترده‌ای بر مخاطبانش دارد، مورد توجه خاص کتاب بوده است.

در فصل نخست کتاب، پس از تذکر اهمیت بسیار زیاد الگوها برای هدایت کودکان، نوجوانان، جوانان و دیگر اقشار اجتماعی، از تحولی که الگوهای یک یا دو بُعدی جهان حاضر را به سمت پردازش الگوهای چند بُعدی سوق داده، سخن رفته است. به همین ترتیب این فصل حاوی تذکراتی درباره روش‌شناسی پژوهش است.

در فصل دوم، با عنوان «کمپانی بیگ‌هیت و اهداف آن» تلاش شده است تا دورنمایی از اهداف کمپانی بیگ‌هیت ارایه شود. از آنجا که در مطالعه یک پدیده، باید آن پدیده را در بافت کلی خودش دید، برای ترسیم اهداف کمپانی بیگ‌هیت، توجه به الزام‌های جامعه سرمایه‌داری کره و الزام‌های جامعه سرمایه‌داری جهانی (که کره از اقمار آن محسوب می‌گردد)، ضرورت دارد، از این رو با توجه به بستر کلانی که کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن در آن قرار دارند، برخی از الزام‌های بستر اخیر با عناوین اهداف اقتصادی - سیاسی کمپانی بیگ‌هیت (تلاش در جهت کسب درآمد برای کمپانی، اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری کشور کره جنوبی و اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری جهانی)؛ اهداف فرهنگی - اجتماعی کمپانی بیگ‌هیت (به رخ کشیدن قدرت فرهنگی کره، تلاش در جهت گسترش فرهنگ لیبرالی، تلاش در جهت ایجاد جذابیت‌های فرهنگی - اجتماعی برای نظام سرمایه‌داری و تلاش در جهت به انحراف کشاندن انتقادات از نظام سرمایه‌داری)؛ اهداف اخلاقی - عقیدتی کمپانی بیگ‌هیت (بی‌توجهی ستاره‌های بی‌تی‌اس به دین، پررنگ کردن ابعاد مادی - و همزمان کم رنگ کردن ابعاد معنوی - در چشم و دل هواداران، توجه ستاره‌ها به اخلاق نسبیست‌گرا، دامن زدن به برخی از سردرگمی‌های اخلاقی، اثرپذیری - احتمالی - کمپانی از اندیشه‌های ایلومیناتی، ایجاد وابستگی نسبت به ستاره‌ها، توهم زده کردن هواداران، طرح غیرمستقیم خط‌مشی‌های لذت‌مدار و تبلیغ بی‌هویتی جنسی)، با اتکاء به بیانات جمعیت تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند.

در فصل سوم کتاب با عنوان «تلاش در مسیر پردازش گروهی بی‌همتا»، چگونگی پردازش گروه بی‌تی‌اس از جمعیت مورد بررسی، مورد پرسش قرار گرفته است، موضوع‌های مطرح شده از سوی هواداران مصاحبه شده در این قسمت به قرار زیر بوده است:

شناخت دقیق روان‌شناسی نوجوان و جوانان، به معرض دید نهادن زیباترین چهره‌های جامعه در برابر مخاطبان، پرداختن به مسایل نوجوان و جوانان، کمک به بهبود حال بد نوجوان و جوانان، انگیزه‌بخشی به نوجوان و جوانان، امیدبخشی به نوجوان و جوانان، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، ارتقای اعتماد به نفس نوجوان و جوانان، پیش‌گرفتن فعالیت‌های نوع‌دوستانه و خیرخواهانه، پیش‌گرفتن فعالیت‌های اجتماعی، پیش‌گرفتن فعالیت‌های زیست محیطی، برخورد تسامح‌آمیز با دیگران، مقابله با نژادپرستی و تبعیض جنسیتی، تلاش در جهت جهانی شدن و جهانی ماندن، ارضای هیجان‌جویی جوانان، فعالیت در جهت سرگرم‌سازی هواداران، تربیت خلاق هواداران، به نمایش نهادن چندوجهی بودن اعضای گروه، طرح ستاره‌ها به مثابه الگو، فرانسای مطرح کردن پسران گروه بی‌تی‌اس، ادغام کی‌پاپ و کی‌درامر، پیش‌گرفتن تبلیغات جذاب در طرح گروه، تعمیق رابطه با هواداران، ایجاد وابستگی عاطفی در هواداران، ایجاد هویت جمعی جدید در سطح هواداران، توهم‌زده کردن هواداران، ایجاد فضایی نسبتاً مبهم، مضامین و اجراهای نسبتاً متفاوت کی‌پاپ با پاپ غربی، تلاش در جهت ارایه محتوایی نسبتاً متفاوت، تنوع موضوعی موسیقی بی‌تی‌اس، رعایت نسبی ادب در محتوای موسیقی بی‌تی‌اس، ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری در بی‌تی‌اس.

در فصل چهارم با عنوان «فشارهای طاقت فرسای روانی وارده به ستاره‌ها» موانع موجود بر سر پردازش گروهی ایده‌آل مورد بررسی قرار گرفته است. جمعیت مورد بررسی در این زمینه، از فشارهای زیر به عنوان فشارهای طاقت‌فرسایی که ستاره‌ها در جریان تحقق اهداف کمپانی بیگ‌هیت باید متحمل شوند، یاد کرده اند:

گذراندن دوره دشوار کارآموزی، الزام ستاره‌ها به تبعیت از دستورالعمل‌های متعدد کمپانی، الزام ستاره‌ها به کاهش شدید حریم خصوصی خودشان، ممانعت کمپانی از حق ازدواج و قرار ملاقات ستاره‌ها با جنس مخالف، الزام ستاره‌ها در به نمایش نهادن رفتارهای جنسی خلاف هویت جنسی خودشان، فشار کمپانی به ستاره‌ها برای بی‌نقص جلوه کردن در برابر هواداران، الزام ستاره‌ها به ارایه فن‌سرویس (ارایه خدمات به هواداران)، مواجهه با برخورد ابزاری کمپانی و برخی از هواداران با ستاره‌ها، سوءاستفاده سیاسی از ستاره‌ها، زیر ذره‌بین بودن رفتار ستاره‌ها در جامعه،

کم‌توجهی کمپانی نسبت به سلامت جسمانی ستاره‌ها، کم‌توجهی کمپانی نسبت به سلامت روانی ستاره‌ها، توهین، نفرت‌پراکنی و تهدید به قتل ستاره‌ها از سوی هواداران افراطی گروه‌های دیگر؛ روبرو شدن با طرفداران سمی (ساسنگ فن‌ها)، احساس مالکیت هواداران نسبت به ستاره‌ها، نوسان یافتن بین شادی و غم به افراط، مواجهه ستاره‌ها با شایعه‌پردازی‌های مختلف کمپانی، فندوم‌ها و رسانه‌های زرد، مواجهه با تناقض‌های ارزشی و رفتاری کمپانی، مواجهه با جریان ایلومیناتی در عرصه موسیقی، طرح مسأله کلون‌سازی برای ستاره‌ها، اندیشه به جایگزینی گروهی دیگر و انحلال گروه بی‌تی‌اس.

در فصل بعد با عنوان «تلاش برای پاسخ به تعارض‌ها و کاهش آن‌ها»، پاسخ کمپانی بیگ‌هیت در ارتباط با رفع موانع موجود در مسیر پردازش گروهی بی‌همتا مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این بررسی ذیل عنوان کلی هویت ربات‌مانند (هویت رباتیک) یا برده‌داری مدرن، تدوین و ارایه گردیده اند.

جمعیت تحقیق در تبیین چگونگی عملکرد کمپانی بیگ‌هیت در ارتباط با اعضای گروه بی‌تی‌اس، با طرح موارد زیر، داده‌های لازم را برای مفهوم سازی هویت ربات‌مانند، به دست داده اند:

کاربری از نام مستعار، نداشتن اجازه تغییر رنگ موی خویش، پذیرش نظام تغذیه پیشنهادی کمپانی، کاربری از زیورآلات پیشنهادی کمپانی در اجرای ستاره‌ها، پذیرش پرداخت هزینه برگزاری جهانی جشن تولد ستاره‌ها از سوی آنان، مصرف الزامی نشان(برند)هایی که ستاره‌ها به تبلیغ آن‌ها پرداخته اند، پذیرش زندگی محصور در کمپ، پذیرش بهره‌کشی از ستاره‌ها، محدودیت در ملاقات با خانواده و دیدار دوستان، پذیرش کاهش حریم خصوصی زندگی خویش با سوق یافتن با سمت بلاگری سبک زندگی، تبعیت از دستورهای کمپانی در جریان حضور یافتن در فضای مجازی، اقدام در جهت جنسیت‌زدایی از آرایش، پذیرش جنسیت‌زدایی از پوشش، تبعیت از جنسیت‌زدایی از عشق (به نمایش نهادن گرایش جنسی به هر دو جنس)، پذیرش اجراهای سنگین، الزام به شاداب ظاهر شدن (تحت هر شرایطی) بر روی صحنه، ضرورت بیان نقطه نظرهای کمپانی در جریان ارتباط با هواداران، الزام به سکوت در مواجهه با تعارض‌های موجود بین شعارها و عمل کمپانی، پذیرش جراحی زیبایی با خواست کمپانی، الزام ستاره‌ها به سکوت درباره گرایش جنسی خودشان، پذیرش بی‌هویتی جنسی به جای هویت جنسی مردانه خویش، الزام به سکوت در برابر توهین به شأن انسانی خویش، مواجهه با بی‌توجهی کمپانی به دفاع از ستاره‌هایش، ضرورت به نمایش نهادن شخصیتی متفاوت در برابر دوربین، ضرورت تبعیت تام در برابر خواست‌های کمپانی، پذیرش برخورد ابزاری با ستاره‌ها، الزام در سانسور عقاید دینی خویش، ضرورت سانسور عقاید سیاسی خویش، الزام سانسور عقاید اقتصادی خویش، الزام کمپانی به چگونه دیدن و اندیشیدن ستاره‌ها، آگاهی از تبعات سنگین اخراج ستاره‌ها از کمپانی، الزام سکوت نسبت به اتلاف وقت هواداران، الزام سکوت نسبت به تبعات دامن زدن به عشق تخیلی هواداران دختر، الزام سکوت نسبت به توهّم زده کردن هواداران و الزام به سکوت در به عصیان کشیدن هواداران علیه نسل بزرگ‌سال.

مجموعه مواردی که از آن‌ها یاد شد، در عمل به تربیت افرادی می‌انجامد که با کنار نهادن عواطف و اندیشه‌های خویش، بسان یک ربات تربیت شده، شایسته نام‌گذاری هویت ربات‌مانند (رباتیک) است. افراد اخیر که از هویت ربات‌مانند برخوردار شده اند، تنها و تنها مجری اهدافی قرار می‌گیرند که بدان‌ها دستور داده شده است. دستورهای اخیر می‌توانند از تبلیغ این کالا و آن کالا گرفته تا اتخاذ خط‌مشی سیاسی خاصی (نظیر محکوم کردن سیاست‌های کره شمالی) و تا الزام ستاره‌ها به استفاده از آرایش‌های زنانه و نمایش رفتارهای هم جنس‌گرایانه، گسترده باشند.

در آخرین فصل کتاب، حصول اهداف کمپانی مورد بحث و تأیید قرار گرفته است. به این معنا که کمپانی بیگ‌هیت در جریان عمل، با تربیت ربات‌مانند ستاره‌های خودش، با پشت سر نهادن گروه‌های کی‌پاپ رقیب در داخل کره، گروه‌های پاپ و غیر پاپ غربی را نیز پشت سر نهاده است و در فروش آلبوم‌ها، کسب رتبه در سایت‌های مطرح موسیقی جهان مانند بیل‌بورد، اسپاتیفای، ساندکلود و مانند آن‌ها و همین‌طور کسب جوایز جشنواره‌های مردمی، به رتبه‌های نخست و یا رتبه‌های قابل توجهی دست یافته است، اما ماحصل این تلاش‌ها (که به طرح مفهوم هویت ربات‌مانند انجامیده است)، در درجه نخست اهمیت با تخریب روانی ستاره‌های گروه و در درجه بعدی اهمیت آسیب زدن نسبی به هواداران گروه، همراه بوده است. به تعبیر دیگر، اگر زمانی الگوهای معمول مطرح در جوامع بشری، تنها دارای یک ویژگی قابل توجه، نظیر برخورداری از قدرت جسمانی بسیار، صدای زیبا، چهره نیکو و مانند آن بوده اند، بشر در چند دهه گذشته به طرح الگوهایی با دو ویژگی قابل توجه دست یافت، به این معنا که مثلاً قهرمان‌های پرورش اندام یا ورزش‌های رزمی، با بازی در فیلم‌های سینمایی، در عمل دو جریان هنری و ورزشی را با یکدیگر ادغام کردند، اما مطالعه کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن بیانگر آن است که بشر با گذر از الگوهای یک بُعدی یا دو بُعدی، در حال حاضر به پردازش الگوهایی چندین و چند بُعدی نایل آمده است که نمود عینی آن را می‌توان در گروه بی‌تی‌اس و کمپانی آن دید.

ستاره‌های بی‌تی‌اس در عین آن که به لحاظ جسمانی، از ابتدا از افراد زیبا رو انتخاب شده اند و زیبایی آنان با تیغ جراحی زیبایی، بیش‌تر هم شده است، خوانندگی خویش را با رقصی پرتحرک نیز آمیخته اند، مضاف بر این با شناخت دقیق روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، با پرداختن به دغدغه‌های آن‌ها در آهنگ‌هایشان و تلاش در جهت ارایه رهنمود در این جریان، خود را به صورت منجی جوانان معرفی کرده اند. اشتغال‌های مختلف اعضای گروه (نظیر پرداختن به کارهای هنری همچون نقاشی یا تهیه دست‌سازه‌های هنری) آنان را افرادی چندوجهی ترسیم می‌کند و فعالیت‌های نودوستانه، اجتماعی و سیاسی آنان، نظیر عهده‌دار شدن سفیری یونسکو، سخنرانی در سازمان ملل، ملاقات با رئیس‌جمهور کره و امریکا و موارد مشابه، اعضای گروه بی‌تی‌اس را از خوانندگان معمولی که عمدتاً به کار خواندن خویش می‌پردازند، جدا و متمایز ساخته است. تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، طراحی انبوهی از برنامه‌های سرگرمی و دادن رنگ عاطفی شدید به رابطه هواداران با ستاره‌ها (با ممنوعیت مقوله ازدواج و قرار ملاقات ستاره‌ها با جنس مخالف، برای آن که هر دختر هواداری حداقل در ذهن خودش، به ستاره‌های بی‌تی‌اس، به عنوان همسر یا دوست جنس مخالف خودش، ببیند)، از دیگر اقدام‌هایی است که کمپانی با الزام پسران گروه به اجرای آن‌ها، از ستاره‌های بی‌تی‌اس، در عمل الگوهایی پردازش کرده است که تنها واجد یک یا دو ویژگی برتر نیستند و واجد ویژگی‌های قابل توجه بسیار بیش‌تری هستند و همین مصداق، حکایت از مواجهه جامعه با الگوهای چندین و چندبُعدی دارد و از آنجا که الگوهای اخیر به دنبال تحقق اهداف اقتصادی - سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و اخلاقی - عقیدتی موطن خودشان و نظام سرمایه‌داری جهانی هستند که کره جنوبی، از اقمار آن محسوب می‌شود، اثرات این الگوهای چندبُعدی در هوادارانشان واجد ویژگی‌های خاصی است که در دیگر مجلدات این مجموعه بدان‌ها اشاره رفته است.

در خاتمه باید از دانشجویان محترم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در امر پژوهش میدانی گسترده تحقیق، به نگارنده یاری رسانده و وی را رهین منت خویش کردند، سپاس‌گزاری داشته باشم. عزیزان همکار در تهیه مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

آتنا رعیتی، آلا سیاحی، امیرحسین عمویی، پرینان بحرینی، پریسا عزیزآبادی فراهانی، پویان عزتی‌زاده، پیمان اصغری، ثمین مرادی، جواد بشردوست، حانیه یاسمن، درناز دشتی‌زاده، زهرا بزرگی، زهرا خجوی، زهرا قاضی زاهدی، زینب‌سادات موسوی، ساجده فرخی، ستاره ورزشی، سعید علوی، سینا هداوند، صدف سادات حقیقت‌زاده، عارفه جامه بزرگ، عسل یمینی، علی امینی، علی دراج، علی شهباز، فاطمه ایمانی، فاطمه رمضانی، فاطمه سیادت، فاطمه قلی‌زاده، فاطمه کریمی‌زاده، فاطمه یاری‌سعدی، مایده طاهری، مایده واعظی، مبینا رهگشای، مجید طهماسبی، محمدحسین دستورانی، محمدکاظم آذرکمان، مرضیه حمیدی، مرضیه دمرچی‌لو، مریم حسینی، مریم خوانساری، مریم فرشاد، مریم قربانی، معید مطهری، ملیکا ابراهیمی، مهتا شیردل، مهرگان نظام اسلامی، مهسا فرمانی، مهشید محمدلو، مهناز سرمستی، المیرا داودخانی، المیرا قاسمی، میرمحمد مشرقی، مینا مردای تبار، نرجس رحمتی، نسرين جعفری، نگین شهریاری و نیکا مهدی‌زاده.

زحمت تایپ کتاب نیز بر عهده خانم اکرم مظاهری بود که از ایشان نیز تشکر و قدردانی به عمل می‌آید. اجرشان مأجور باد.

## ۲- کمپانی بیگ هیت و اهداف آن

کمپانی بیگ هیت در کشور کره جنوبی، به طور رسمی گروه بی تی اس را از سال ۲۰۱۳ رونمایی و راه اندازی کرد. از آنجا که فهم بهتر یک پدیده منوط به دیدن آن پدیده در قالب کلی و کلانی است که پدیده مورد نظر در آن قرار گرفته است، برای فهم بهتر فراز و فرودهای پسران گروه بی تی اس، ضرورت دارد تا در دیدی کلان نگر، کمپانی بیگ هیت را در روابط اجتماعی- اقتصادی- سیاسی خودش با کشور سرمایه داری کره جنوبی و در سطحی وسیع تر در نظام سرمایه داری جهان مورد بررسی اجمالی قرار داد تا امکان تحلیل هر چه واقع نگرتر گروه پسران بی تی اس فراهم آید.

از این رو پیش از ورود در تحلیل فراز و فرودهای گروه بی تی اس، پس از مرور کلی که بر برخی از اقتضائات ملی و بین المللی کمپانی بیگ هیت خواهیم داشت، به بررسی گروه بی تی اس به عنوان زیر مجموعه این کمپانی پرداخته خواهد شد.

اگر چه کمپانی بیگ هیت کره جنوبی، به عنوان یک کمپانی اقتصادی در پی کسب سود و منافع اقتصادی خویش است، اما نباید فراموش کرد که در بررسی نظام سرمایه داری، تقلیل مسایل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و حتی زیبا شناختی و زیست محیطی به مسایل اقتصادی درست نیست و نظام سرمایه داری را باید یک بسته کامل حاوی ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، عقیدتی و موارد مشابه دید. از این رو همان گونه که اشاره شد، پیش از تحلیل فراز و فرودهای گروه بی تی اس، نخست این گروه و کمپانی آن را در چارچوب کلی کشور کره و در ادامه نظام سرمایه داری جهانی دیده، سپس با اتکاء و استناد به یافته های کلان نگر، به بررسی جزء نگر گروه بی تی اس، پرداخته خواهد شد. در ادامه و در تعقیب اهداف پیش گفته، عناوین ابعاد اقتصادی- سیاسی، فرهنگی- اجتماعی و اخلاقی- عقیدتی مدنظر کمپانی بیگ هیت مورد بررسی اجمالی قرار خواهند گرفت.

### ۲-۱- اهداف اقتصادی- سیاسی کمپانی بیگ هیت

در بررسی اهداف اقتصادی- سیاسی کمپانی بیگ هیت یا هاب، می توان با اتکاء به یافته های میدانی، سه مقوله «تلاش کمپانی جهت کسب درآمد بیشینه»، «اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه داری کشور کره» و «اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه داری جهانی» را تشخیص داد.

در عنوان «تلاش در جهت کسب درآمد برای کمپانی»، می توان از مواردی نظیر: ارتقای صنعت موسیقی به صنعت سرگرمی در کمپانی بیگ هیت، تبدیل ستاره های بی تی اس به بلاگر و بلاگری، استفاده از ستاره ها در جهت مدلینگ و تبلیغات تجاری، برگزاری تورهای بین المللی، تهیه و تولید مرچ (دست سازه های پسران گروه)، تلاش در جهت پوشش دادن اقشار مختلف (با عدم موضع گیری های تعیین کننده) و جابه جایی اعضای گروه (جهت جلوگیری از اشباع شدن هواداران از گروه)، یاد کرد.

در عنوان «اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه داری کشور کره» از مواردی مانند: کسب درآمد قابل توجه کمپانی، حمایت از تصمیم های دولت کره جنوبی، تبلیغ مهاجرت نخبگان به کشور کره، تشویق مصرف گرایی مخاطبان و منحرف کردن افکار عمومی جامعه در مواقع ضرورت، می توان یاد کرد.

در عنوان «اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه داری جهانی»، مواردی همچون تبلیغ فردگرایی مفرط، ایفای نقش تخریبی برای سرگرم سازی مردم، دامن زدن به مصرف گرایی، تبلیغ نشان (برند) های نظام سرمایه داری، حمایت از نظام سرمایه داری و استفاده ابزاری از سلبریتی ها، طی پژوهش به دست آمده و قابل طرح هستند. در ادامه عناوین یاد شده، به اجمال مورد بحث قرار خواهند گرفت.



## ۲-۱-۱- تلاش در جهت کسب درآمد برای کمپانی

کمپانی بیگ‌هیت در یکی از اولین اقدام‌های خود برای کسب سود بیش‌تر، کوشید تا صنعت موسیقی کی‌پاپ را به صنعت سرگرمی ارتقاء دهد. به این معنا که بین ارایه دو آهنگ جدید، به طور متوسط ماه‌ها و یا حتی سال‌ها فاصله هست و به همین سبب، بسیاری از خوانندگان با فاصله افتادن بین اجراهایشان، رفته‌رفته از ذهن مخاطبان زدوده می‌شوند تا دوباره در اجرای بعدی آن‌ها، مردم جامعه و طرفداران دوباره متوجه خواننده‌های اخیر شوند.

اما اگر در فترت ایجاد شده بین دو آهنگ، خوانندگان بتوانند حضور خود را در چشم و دل مخاطبان‌شان به نحوی حفظ کرده و تداوم ببخشند، بالطبع از شرایط مناسب‌تری برخوردار خواهند شد. گروه بی‌تی‌اس با تهیه انبوهی از برنامه‌های سرگرم سازنده مانند: ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ، بن ویژ، جشن فستا و نظایر آن، در عمل صنعت موسیقی کره را به صنعت سرگرمی ارتقاء داده است.

دیپای ۱۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به محتوای برخی از برنامه‌های ران بی‌تی‌اس، از یادگیری سفالگری، یوگا و مانند آن توسط اعضای گروه، در جریان اجرای برنامه طنزآمیز ران بی‌تی‌اس یاد می‌کند.



کمپانی در فراز دیگری از تلاش‌های خود برای کسب درآمد بیش‌تر، کوشیده است با تعمیق رابطه ستاره‌های بی‌تی‌اس با هواداران، با افزایش میزان هواداران سود بیش‌تری را متوجه خود کند، از این رو برخلاف خوانندگان غربی که تنها در محل اجرا با مخاطبان خودشان روبرو هستند و مخاطبان راهی به سوی کسب اطلاع از زندگی شخصی آنان را ندارند، کمپانی ستاره‌های خود را به سمت و سوی بلاگری (بلاگری سبک زندگی) سوق داده است و با اتکاء به مواردی مانند زندگی محصور شده ستاره‌ها در کمپ (که حدود یک دهه ادامه داشت)، این امکان را برای مخاطبان خود فراهم آورده است که حتی به فیلم‌های ستاره‌ها در اتاق خواب یا دستشویی آن‌ها نیز دسترسی داشته باشند.

صباي ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، کمپانی فراتر از وظایف خوانندگی و رقص ستاره‌ها، آنان را در عمل به صورت یک بلاگر درآورده است تا به این ترتیب سود بیش‌تری از آنان ببرد.

استفاده کمپانی از ستاره‌ها به عنوان مدل و یا افرادی که تبلیغات تجاری مختلف را عهده‌دار شده اند، فراز دیگری است که بر میزان کسب درآمد کمپانی از قبل ستاره‌ها می‌افزاید. ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در توصیف نمونه‌ای از تبلیغات داخلی ستاره‌های بی‌تی‌اس، بیان می‌دارد:

«بی‌تی‌اس محصولاتشون رو معرفی هم می‌کنن؟»

بین بیش‌تر مثلاً توی تبلیغات ازشون استفاده می‌کنن یا مثلاً مدلینگ ان، مثلاً تبلیغ گوشی سامسونگ، تبلیغ خوراکیا، تبلیغ حتی صندلی! خب چون ظاهر و اندامشونم خوبه، مدلینگ هستن دیگه، یه نوع نوشیدنی‌هایی هست که عکس اعضای بی‌تی‌اس رو به باهاشون موکبانگ<sup>۱</sup> درست می‌کنن، یا کوکی و خوراکی‌های دیگه‌ای که عکس بی‌تی‌اس رو شون خورده و خوردن شون صدا می‌ده و باهاش موکبانگ می‌سازن.

– خوب بی‌تی‌اس که لاغر هستن و رژیم‌های افراطی رو دنبال می‌کنن، پس چه طور اعضاهاش با خوردن غذا و نوشیدنی زیاد موکبانگ می‌سازن؟ این واسه من تناقض ایجاد کرده.

خب بیش‌تر جنبه تبلیغی داره، بعدم همیشه که این همه غذا نمی‌خورن، برای گرفتن کلیپ و یا مثلاً تبلیغ این کار رو می‌کنن، اون جوری که باید چاق می‌بودن، ولی خیلی‌هاشون لاغر ان حتی. بیش‌تر جنبه تبلیغش منظورشونه به نظرم.

– خوب بی‌تی‌اس خودش مروج لاغری و رعایت رژیم و این‌هاست، ولی طرفدارهاش با این کار به نظرت نسبت بهشون خیانت نمی‌شه؟ نه. واسشون تبلیغ می‌کنن!

– یعنی تبلیغ به قیمت کنار گذاشتن اصول گروه؟

خب اصول گروه بیش‌تر برای خود آیدول‌ها هست، طرفدارهاش که مجبور نیستن این همه افراطی رعایت کنن.

– ولی خب طرفدار واقعی اصول آیدول مورد علاقه‌اش براش مهمه نه؟ سعی می‌کنه هر چه بیش‌تر شبیهش بشه.

بین خب اونا به خاطر کارشون مجبورن یه سری اصول رو رعایت کنن و اگر کارشون نباشه، خودشون شاید این جوری نباشن. پس یه آدم معمولی که تحت فشار خاصی از جایی نیست، مجبور نیست که.

– به نظرت چرا عکساشون رو روی خوراکی‌ها یا محصولات دیگه می‌زنن؟

خب چون معروف ان و همه دوستشون دارن، وقتی عکسشون رو روی یه محصولی می‌بینن ترغیب می‌شن که بخرنش.

– تو هم دوست داری اون محصولات رو امتحان کنی؟

آره ولی خب همه چیزاشون تو ایران نیست، ولی بعضی وسایل و محصولاتش هستن که عکس اعضای بی‌تی‌اس یا نمادشون رو به.

برگزاری تورهای بین‌المللی و اجراهای گروه بی‌تی‌اس در استادیوم‌هایی که گاه ۹۰-۸۰ هزار نفر را در خود جای داده اند، درآمد قابل توجهی نصیب کمپانی بیگ هیت می‌سازد.

<sup>۱</sup>- Mukbang

موکبانگ به عنوان برنامه خوردن شناخته می‌شود، یک پخش آنلاین سمعی و بصری است که در آن یک میزبان هنگام تعامل با مخاطب، مقدار زیادی غذا مصرف می‌کند. در سال ۲۰۱۰ در کره جنوبی محبوب شد و از آن زمان به یک روند جهانی تبدیل شد (ویکی پدیا).

پسران گروه بی‌تی‌اس هر یک در کنار اشتغال‌های معمولشان، از سوی کمپانی تشویق می‌شوند که برای به نمایش نهادن چندتوانی خویش، تولیدهای دستی و هنری داشته باشند. این تولیدها که با عنوان مرچ شناخته می‌شوند، جهت فروش به هواداران ارایه می‌گردند و محل درآمد دیگری را برای کسب سود هر چه بیش‌تر کمپانی بیگ‌هیت پدید می‌آورند.



کمپانی بیگ‌هیت برای زیر پوشش بردن هواداران بیش‌تر، از ستاره‌های خود خواسته است تا نه تنها از اعتقادات خودشان به شکل مثبت و منفی هیچ حرفی نزنند، بلکه در مورد موارد دیگری همچون هویت جنسی خودشان نیز به مخاطبان‌شان هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی نداشته باشند تا هم مثلاً افراد دیندار و هم افراد غیردیندار و هم مثلاً افراد دگرجنس‌گرا و هم افراد هم‌جنس‌گرا، دلیلی برای کناره‌گیری از ستاره‌های گروه (نظیر این که مثلاً وی برخلاف من دیندار نیست یا وی برخلاف من به هم‌جنس‌گرایی گرایش دارد)، نداشته باشند.

محمدرضای ۲۱ ساله با تأکید بر به حراج نهادن اعتقادات افراد برای کسب سود بیش‌تر، در عمل از همسویی و حمایت گروه پسران از سرمایه‌داری جهانی که چیزی جز سود را نمی‌شناسد، یاد کرده است:

«- در مورد عقاید چه طور، می‌تونه روی عقاید افراد هم تأثیر بگذاره؟»

خب معمولاً باز عقاید خودشون رو خیلی نباید بگن، چون کلی موافق و مخالف وجود داره و باز احتمال هیت شدن و بقیه داستانا رو به وجود میاره، مثلاً فرض کنیم یکی از اعضای گروه بگه که آقا من خیلی به خدا اعتقاد دارم، بعد یهو کسایی که خیلی به خدا و دین و اینا اهمیت نمی‌دن، دیگه گروه رو دنبال نمی‌کنن، خب بعدشم کلاً براشون ضرر به وجود میاره دیگه».

احسان ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌اش همچون محمدرضا، معتقد است کمپانی بیگ‌هیت برای زیر پوشش بردن همه اقشار اجتماعی، به ستاره‌های خود دستور می‌دهد تا با به نمایش نهادن رفتارهایی که شائبه هم‌جنس‌گرایی دارند، به هدف خویش نایل آید.

جا به جاسازی اعضای گروه، مقوله مهم دیگری است که سبب می‌شود، اگر در گذر زمان ستاره‌های گروه با افزایش سنشان، دیگر مطلوب طبع نوجوانان و جوانان مخاطب نبودند و یا در اثر وقوع مسأله اشباع، هواداران نسبت به ستاره‌ها کم علاقه شدند، کمپانی با تغییر گروه و جایگزینی افراد جدید به جای افراد پیشین، روند سودآوری گروه خویش را تضمین کرده و تداوم ببخشد.

ریحانه ۱۷ ساله، درباره کمپانی بیگ‌هیت بیان می‌دارد، برای کمپانی تنها چیزی که مطرح هست، کسب سود و سود هر چه بیش‌تر است، از این رو با افزایش سن ستاره‌ها و اشباع شدن نسبی مخاطبان نسبت به آنان، بلافاصله ستاره‌های خویش را عوض می‌کند تا درآمدش کاستی نگیرد. حدیث ۱۴ ساله نیز در مصاحبه خود هدف اصلی کمپانی را کسب سود معرفی کرده، خاطرنشان می‌سازد که کمپانی از هر موقعیتی برای افزایش درآمد خودش سود می‌برد و در این زمینه به هیچ چیز دیگری، حتی بود و نبود ستاره‌های خودش توجهی ندارد.

## ۲-۱-۲- اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری کشور کره جنوبی

هدف نهایی نظام سرمایه‌داری کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر است، از این رو جامعه و جوامعی که در مصرف‌گرایی غرق شده باشند و به همین ترتیب، سرگرم هوا و هوس خویش باشند تا نظام سرمایه‌داری را با چالش مواجه نکنند، ایده‌آل این نظام به شمار می‌روند. از این رو نظام سرمایه‌داری از سویی در تلاش برای دستیابی به منابع خام و از سوی دیگر بازارهایی برای فروش محصول تهیه شده است.

کشورهایی که در راستای اهداف اخیر در خدمت نظام سرمایه‌داری جهانی باشند، جزو اقمار این نظام به شمار آمده و کشورهایی که از خط‌مشی‌های مورد نظر نظام سرمایه‌داری تبعیت تام نداشته باشند، کشورهای نسبتاً متخاصم یا متخاصم در نظر گرفته می‌شوند. کمپانی بیگ‌هیت به عنوان یک نهاد در نظام سرمایه‌داری کره جنوبی و کشور کره به عنوان یکی از کشورهای اقماری نظام سرمایه‌داری جهانی خود را موظف می‌داند که ضمن بازسازی برای نظام اخیر، کشورهای متعارض با این نظام را نفی و انکار کند، مضاف بر این، از آنجا که در نظام سرمایه‌داری، فردگرایی و رقابت در اوج ممکن وجود دارد، برخی از افراد و نهادهای در صحنه، می‌کوشند تا با دور زدن دیگران به مقاصد خویش جامه عمل بپوشانند که این امر موجب برخی از درگیری‌ها سیاسی می‌شود که کمپانی بیگ‌هیت نیز با توجه به امکان جلب توجه مخاطبان، در راستای پوشش دادن به اقتضائات سیاسی پیش‌گفته، می‌تواند به سهم خود وارد صحنه شده، خدمات‌رسانی لازم را به نظام سیاسی سرمایه‌داری داشته باشد.



سحر ۱۵ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جدایی که داشته‌اند، کمپانی بیگ‌هیت و اساساً کره جنوبی را زیر سلطه و سیطره امریکا توصیف کرده‌اند.

سمانه ۱۷ ساله و شبنم، ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان خاطرنشان می‌سازند، کمپانی هاب خود را موظف به دفاع از کلان نظام سرمایه‌داری کره جنوبی می‌داند.

حدیث ۱۴ ساله و شقایق ۱۹ ساله در مصاحبه‌های خودشان، کمپانی بیگ‌هیت را در برابر کشورهایی می‌دانند که با نظام سرمایه‌داری امریکا مخالفت دارند:

«- گفتی کره شمالی از کی‌پاپ متنفره. دلیل این تنفر چیه؟»

خب کره جنوبی و شمالی کلاً اصلاً باهم خوب نیستن و کی‌پاپم چون برای کره جنوبیه و خیلی باعث پیشرفتش شده، کره شمالی خیلی از کی‌پاپ بدش میاد. خود کره شمالی یه گروه ساخته که تنها گروه موسیقی‌شونه و فقط آهنگاشون راجع به رهبرشونه و تو آهنگ‌شون فقط از اون تعریف می‌کنن و اعضای اون گروه جزو ارتش ان و اگه کسی از کره شمالی به چیزی جز اینا گوش بده دستگیر یا حتی اعدام می‌شه».

«- بعد اون وقت از این‌ها برای مسایل سیاسی هم استفاده می‌کنن؟»

آره، قطعاً. اصلاً اینا با حکومت باهم ان دیگه. یه وقت چیزی شد از لحاظ سیاسی تو دنیا و یا اقتصادی هر ور گفتن، باید از اون ور حمایت کنن، مثلاً تو قضیه کره شمالی و حالا بمب ساختنش و اینا اومدن کلی هیت دادن، مثلاً گفتن اینا آدم نیستن و حقوق بشر رو نمی‌دونن و جنایت کار ان و بمب ساختن که همه رو بکشن و جو سازی کردن و یا در مورد حالا قضیه اسرائیل و فلسطین و اینا، همیشه خب طرف اسرائیل گرفتن نامحسوس و گفتن سرزمین یهودیا هست و حق اوناست در واقع همیشه همسو با نظام سرمایه‌داری هستن».

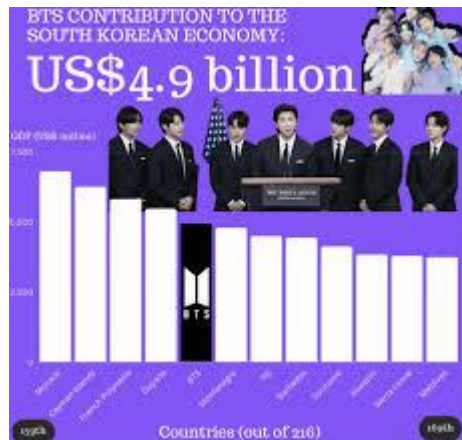
سارینای ۱۳ ساله، دیبای ۱۵ ساله و نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، یکی از وظایف عمده کمپانی بیگ‌هیت را پوشش دادن به آبروریزی‌های سیاسی داخل کشور کره دانسته‌اند.

عرفان ۲۱ ساله، از زاویه دیگری به مسأله کمپانی بیگ‌هیت ورود کرده است و آن نقد پردازش مردان لطیف یا زن صفت هست که مرد تولید کننده را به مرد مصرف کننده، تقلیل داده و در صدد ارایه هویتی مرزی از مردی است که باید با رفع مشکلات و سازندگی خویش، جامعه را به پیش ببرد.

به نظر می‌رسد، مجموعه اهداف فرهنگی و اجتماعی که درباره کمپانی بیگ‌هیت از آن یاد شد، در عمل جامعه را به سمت پذیرش نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر اندیشه لیبرالیستی است، سوق دهد.

دانشنامه ویکی‌پدیا گزارش می‌دهد، از هر ۱۳ گردشگری که به کره جنوبی سفر می‌کنند، یک نفر از آنان به دلیل اثرگذاری مثبت گروه بی‌تی‌اس، متمایل به سفر به کره شده است. به همین ترتیب ویکی‌پدیا گزارش می‌دهد، گروه پسران بی‌تی‌اس سالانه قریب به ۵ میلیارد دلار برای کمپانی و کشورشان درآمد کسب می‌کنند که این درآمد بیانگر منافع مشترک کمپانی بیگ‌هیت از سوئی و دولت کره جنوبی از سوی دیگر است.

بررسی‌های مقدماتی دلالت بر آن دارد که علاقه مردم به ستاره‌ها، سبب می‌شود، آنان از آنچه رنگ و بویی از ستاره‌ها را هم دارند، بر مبنای مدل شرطی کلاسیک، استقبال کنند. به عنوان مثال، ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، او و اطرافیانش به صرف دیدن تصویر ستاره‌ها روی یک محصول، نسبت به مصرف آن علاقه‌مند می‌شوند. مسأله اخیر سبب می‌شود، کمپانی بیگ‌هیت برای پیش‌برد اهدافش به تبلیغات میلیاردی روی آورد.



مه‌لقای ۱۹ ساله، در مصاحبه خود اصولاً صنعت کی‌پاپ را صنعتی کثیف توصیف می‌کند. وی در توصیف یکی از دلایل کثیف بودن کی‌پاپ، از اندیشه سود بردن بیش‌تر و بیش‌تر کمپانی، حتی اگر به بهای آسیب خوردن اعضای گروه باشد، یاد می‌کند. مه‌لقا در ادامه استدلال خویش مبنی بر کثیف بودن صنعت کی‌پاپ، از این مسأله یاد کرده است که به تصور وی اساساً کمپانی ملعبه دست نظام سرمایه‌داری است:

«این که می‌گی خیلی خوشگل ان دلت نخواست که با عمل و این چیزا شبیه اونا بشی؟»

نه، هیچ وقت این طوری نبوده، چون هیچ وقت عمل کردن رو کلاً دوست نداشتم و قبولشم نداشتم، مخصوصاً الآن باز بیش‌تر به خاطر این که این طوریم که برای چی باید خودمون رو بازیچه معیارایی بکنیم که سیستم سرمایه‌داری اومده درست کرده که به خودش سود برسه، قرار نیست که سودی به ما برسونه که ما خودمون رو شبیه هم بکنیم که ما خودمون رو نزدیک به معیارهای زیبایی اونا بکنیم و صرفاً سعی کردم که تحسین بکنم زیبایی اونا رو و هیچ وقت این طوری نبوده که... البته گاهی وقت‌ها شاید کمی حسودی می‌کردم، اما هیچ وقت این طوری نبوده که بخوام عمل کنم و به کاری کنم که شبیه اونا بشم.

– به نظرت هدف سیستم سرمایه‌داری چیه؟

اسمش روزه دیگه، واسه پول و سرمایه، میان مغزای ما رو شست و شو می‌دن و با ترفندای خاص‌شون، خیلی ریز بدون این که بفهمیم کاری می‌کنن که ما حس کنیم به محصولاتی که این سیستم برامون تدارک دیده، نیاز داریم. اون قدر زیر پوستی رخنه می‌کنه که به هیچ وجه نمی‌فهمیم و حتی نمی‌تونیم دنیایی رو تصور کنیم که توش پولی وجود نداره. مثل سیستم همسان ساز کره شمالی که کاری کرده که مردمش

حتی نتون تصور کنن جور دیگه‌ای هم می‌شه زندگی کرد و هیچ تعریف درستی از آزادی نداشته باشن. کاپیتالیسم می‌خواد دنیا روی پول بچرخه و برای مردم احساس نیاز ایجاد می‌کنه و هر چه قدر تقاضا بالاتر بره، سود این سیستم بالاتر می‌ره».

حمایت از تصمیم‌های دولت کره جنوبی، وظیفه دیگری است که کمپانی بیگ‌هیت خود را در برابر آن متعهد می‌بیند. به عنوان مثال، ترنم ۱۸ ساله نیز در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، اعضای گروه بی‌تی‌اس در راستای تصمیم کلان نظام مبنی بر اقتصادی کردن «منطقه بوسان» کره، به سهم خود از این تصمیم حمایت کرده، در جهت موفقیت آن می‌کوشند:

«تو بوسان کنسرت گروهی گذاشتن. اونا سفیر بوسان هم برای جذب گردشگر به بوسان هستن و اونجا کنسرت گذاشتن».



کمپانی بیگ‌هیت در راستای حمایت از نظام سیاسی کره جنوبی، وظیفه خود می‌داند که با تبلیغات مناسب، برای نخبگانی که در صدد مهاجرت هستند، شرایط مناسبی را در کشور کره ترسیم کند.

شادی ۱۵ ساله و صبا ۱۶ ساله، از تبلیغ گروه بی‌تی‌اس برای مهاجرت افراد نخبه به کره و انتخاب کره به عنوان مقصد گردشگری خویش، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- زندگی شخصی‌شون رو هم با مخاطبان به اشتراک می‌گذارند؟

آره، حالت بلاگر لایف استایل هم دارن و از زندگی‌شون هم فیلم می‌گیرن، می‌ذارن. مثلاً غذا درست کردن‌شون یا کارای روزمره‌شون یا خرید، ولی خب یه مقدار فیکه چیزایی که نشون می‌دن.

- یعنی چی؟

یعنی مثلاً خب کسی اول صبح ساعت ۶ که نمی‌ره خرید، بعدش بیاد با اونا صبحونه درست کنه، یعنی یه کم ایده‌آله چیزی که نشون می‌دن یا مثلاً بعدش تازه بره حمام و بیاد صبحونه بخوره، تو زندگی واقعی، ما اول صبح فقط داریم می‌دویم که به کارمون برسیم (باخنده) یا مثلاً هر جا می‌رن صف نیست، مگه می‌شه؟ همه جا خلوته، خب اونجا هم جمعیتش خیلی کم نیست، این جوری خیلی ایده‌آله در واقع.

- یعنی تبلیغ کشورشون رو می‌کنن؟

آره فکر می‌کنم یه کم این جوریه که مثلاً همه جا خلوته و صف نیست و کارها زود راه می‌افته و همه جا شیک و خوشگله و نو و زندگی‌شون لاکچریه، شاید کمپانی می‌خواد این جوری ایده‌آل نشون‌شون بده، چون اینا هر کاری که کمپانی بگه رو می‌کنن دیگه».

«- سبک زندگی که گروه بی‌تی‌اس به اشتراک می‌گذاره، چه جوریه؟

بیش‌تر حالت مصرف‌گرا و لباسای زیاد و متنوع و هی رنگ مو عوض بشه و ایناست دیگه، هر دفعه رنگ مو تغییر می‌کنه و لباسا عوض می‌شه هی و اکسسوری جدید و ... .

و این که هی می‌گن خودت رو دوست داشته باش و در واقع جسم هست منظور که خب خودشون خلاف این هستن و هی عوض می‌شن و متناقضه این حرف با عمل و این که خب برو بگرد و زندگی بکن و لذت ببر و اینا،

خودشونم که تبلیغ کشورشون رو این وسطا می‌کنن و یه جورایی زرنج بازیه خب دیگه که جذب مهاجر بکنن. می‌رن می‌گردن و هی می‌گن والو چه قدر اینجا قشنگه و چه قدر هوا عالیه و چقد حال‌مون خوبه و آدم رو بیش‌تر می‌سوزونن (خنده) که خب تو می‌بینی این جوری نیستی تو زندگیت و چقد بدبختی درمقایسه با اونا».



در نظام‌های سرمایه‌داری که کسب سود، هدف غایی است، تبلیغ برای ترغیب آحاد افراد جامعه برای مصرف و مصرف هر چه بیش‌تر، امری طبیعی است. زهرای ۲۴ ساله و محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، از تبلیغات انجام شده گروه بی‌تی‌اس و هدف غایی این تبلیغات، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- لطف می‌کنید نمونه‌هایی از فعالیت‌های خارج از صنعت موسیقی گروه رو بیان کنید؟

فعالیت‌های خیلی زیادی دارن، شاید عمده‌ترین‌هاش مربوط به همین تبلیغات باشه. مثلاً ورزشکارهای معروف هم خیلی تو کار تبلیغات فعال هستن، حالا این می‌تونه تو فضای مجازی یا تلویزیون و بیلبردهای شهر باشه. البته همه تبلیغاتی هم که انجام می‌شه هدفش نشون دادن نقطه مثبت‌های بی‌تی‌اس نیست، خیلی وقت‌ها تبلیغات برای شرکت‌های بزرگ کره‌ای انجام می‌شه مثلاً هیوندا<sup>۱</sup> به نوع ماشین درست کرد که آسیب خیلی کمی به محیط زیست وارد می‌کنه. برای تبلیغ اون ماشینش از بی‌تی‌اس استفاده کرد، چون شهرت جهانی دارن و ماشینی هم که دارن تبلیغش رو انجام می‌دن، داره تو سطح جهان دیده می‌شه».

«- یعنی فکر می‌کنی مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند؟

متوجه نشدم یعنی چی مصرف‌گرایی؟

- یعنی مخاطب‌شان را تشویق می‌کنند به مصرف کردن حتی اگر نیاز نداشته باشند؟  
آره، این طوره به نظرم».

بسیاری از افراد مصاحبه شده در گزارش‌شان خاطرنشان می‌ساختند، یکی از همراهی‌های گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت با نظام سیاسی حاکم بر کره، منحرف کردن افکار عمومی جامعه، در مواقع ضروری (نظیر منحرف کردن توجه مردم از یک افتضاح سیاسی) است. دیبای ۱۵ ساله و نسترن ۱۹ ساله در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، از موضوع اخیر به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- آیا به نظرت کی‌پاپ یا گروه بی‌تی‌اس به طور کلی روی سیاست‌های کره یا سیاست بین‌المللی تأثیری داشته؟

<sup>1</sup>- Hyundai



بله، به نظرم خیلی تأثیر می‌گذارن، مثلاً اخبار و شایعه قرار گذاشتن جنی با جی‌دراگون<sup>۱</sup> که منتشر شد، می‌گفتن که یه گندی از سیاست کره در اومده که با شایعه قرار گذاشتن این‌ها می‌خوان اون رو جمع کنن و این قطعاً روی مردم تأثیر می‌گذاره که دوتا عضو از گروه‌های به این معروفی باهم قرار می‌گذارن و توجه‌شون منحرف می‌شه و خب از یه نظر هم می‌شه گفت، روی اقتصاد هم تأثیر می‌گذارن چون درآمدهای حاصل از کنسرت‌ها و شهرت کی‌پاپ و شاید بارزتر بی‌تی‌اس، وارد سیستم مالیاتی کره می‌شه و قطعاً مبلغ قابل توجهی می‌شه.»

«- خوب من یه چیزی که دیدم راجع به سایت دیسپچ بود که به چت ستاره‌ها دسترسی داره و چت‌ها رو افشاء می‌کنه. آره.

- شکایتی از این‌ها نمی‌تونن بکنن؟ کاملاً نقض حریم خصوصی.

دقیقاً (باخنده) منم همین رو می‌گم. جدیداً دیسپچ<sup>۲</sup> این روند جدیدش رو شروع کرده و چت افشا می‌کنه و واقعاً متوجه نیستیم که چه جوری به گوشی و چت مردم دسترسی داره و چه جوری افشاشون می‌کنه، ولی احساس می‌کنم، چون هیچ راهی نیست که به گوشی مردم دسترسی داشته باشی... فکر می‌کنم، مثلاً خود همون بازیگر یا خواننده‌ای که درگیر اون رسوایی شدن میان این چت‌ها رو به خود دیسپچ می‌دن. دیسپچ بیاد قضیه رو برا عموم مردم روشن کنه، چون دیگه چت خیلی چیز خصوصی هست. فکر نمی‌کنم کسی از لحاظ امنیت گوشی بتونه بهش دسترسی داشته باشه.

الته چون خیلی از این رسواییا و شلوغ کردنا برای پوشوندن یه اتفاق سیاسی تو کشورشونه، بعید هم نیست کار نیروهای امنیتی کشور خودشون باشه. چون تا جایی که مثلاً من شنیدم اینا خیلی توی خود جامعه حریم خصوصی براشون مهمه یا مثلاً این قدر دوربین امنیتی دارن که اگه یه وسیله‌ای رو بذارن یه جایی، امممم نمی‌دونم مثلاً کافه‌ای، جایی. کسی برش نمی‌داره. چون فیلمش ثبت می‌شه. یعنی می‌خوام بگم اینا مهمه براشون. بعد چون ندیدم مثلاً کسی بیاد اعتراض کنه بعد پخش کردن چتش. می‌گم حالا ممکنه شاید این دم و دستگاه مثلاً دولت‌شون خودشون این کار رو کنن.»



<sup>۲</sup> - جی‌دراگون لیدر گروه بیگ‌بنگ (Big Bang) یکی از مؤثرترین گروه‌های صنعت موسیقی کی‌پاپ است که در انتشار فرهنگ کره‌ای یا موج کره‌ای در جهان بسیار تأثیرگذار بوده است.

<sup>۱</sup> - یکی از معروف‌ترین رسانه‌های زرد کره جنوبی که با استفاده از حواشی و بازی دادن حس کنجکاوی مردم مطرح شده است، دیسپچ نام دارد. این مجله کار خود را در سال ۲۰۱۱ شروع کرد. اعضای آن در ابتدا شامل پنج نویسنده، چهار عکاس و دو کارمند دفتری می‌شدند. آن‌ها کارمندان سابق یک رسانه ورزشی بودند که سال‌ها کارشان عکس انداختن از هنرمندان بوده است. از دلایل مطرح شدن دیسپچ حرکتی پرحاشیه و جنجال برانگیز بود.

دیسپچ در روز اول ماه ژانویه سال ۲۰۱۳، خبر دو نفر از هنرمندانی که به دور از اطلاع دیگران باهم قرار می‌گذاشتند را منتشر کرد. در ادامه نیز در اولین روز سال ۲۰۱۴ نیز لیست جدیدی منتشر کرد. این رویه آن چنان ادامه پیدا کرد که از آن به عنوان سنت دیسپچ نام برده می‌شود. سنت دیسپچ یعنی هر سال در اولین روز سال خبر قرار گذاشتن حداقل دو نفر از هنرمندان که مخفیانه باهم در ارتباط بودند، فاش می‌شود. اخبار زوج‌های جدید و ستاره‌های کره‌ای در بقیه روزهای سال نیز از طرف دیسپچ و دیگر خبرگزاری‌ها منتشر می‌شود. اما استقبال از حرکت جدید دیسپچ در اولین روز سال به قدری بود که سال ۲۰۲۰ که این رسانه هیچ خبری منتشر نکرد، با اعتراض افراد زیادی رو به رو شد. دیسپچ علت انتشار ندادن خبر را موج تازه بیماری کرونا عنوان کرد. سنت هر ساله دیسپچ زیر پا گذاشتن حقوق زندگی شخصی افراد است. البته اطلاعاتی که دیسپچ منتشر می‌کند، تنها محدود به فاش کردن رابطه ستاره‌ها نیست. آن‌ها زندگی گذشته آیدول‌ها را نیز برای پیدا کردن خبر دست اول واکاوی می‌کنند.

## ۲-۱-۳- اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری جهانی



در بررسی مقدماتی اقدام‌های عملی کمپانی بیگ‌هیت در ارتباط با حمایت از نظام سرمایه‌داری جهانی، از بررسی‌های میدانی تحقیق، موارد زیر به دست آمد: تبلیغ فردگرایی مفرط، ایفای نقش تخدیرکنندگی (جهت بازداری از اقدام‌های انقلابی مردم علیه نظام سرمایه‌داری)، دامن زدن به مصرف‌گرایی، مدلینگ و تبلیغ نشان(برند)های جهان سرمایه‌داری، حمایت از نظام سرمایه‌داری و استفاده ابزاری از سلبریتی‌ها. عنوان «تشویق فردگرایی مفرط»، ناظر بر ویژگی دیگری است که گروه بی‌تی‌اس تحت مدیریت مسوولان کمپانی بیگ‌هیت به القای آن می‌پردازند.

فردگرایی یکی از ارکان مهم نظام سرمایه‌داری است و کمپانی بیگ‌هیت نیز وظیفه خودش می‌داند با وجود صبغه اعتراضی که بعضاً به آهنگ‌های گروه پسران می‌دهد، در نهایت مسایل و مشکلات موجود را به کلان نظام سیاسی حاکم بر جامعه سرمایه دار ارجاع نداده، بلکه به خود افراد ارجاع دهند و همه مسایل از موفقیت و لذت‌جویی گرفته تا شکست و اندوه ناشی از آن را به خود فرد منتسب سازند.

از مقوله فردگرایی مفرط می‌توان به عنوان سنگ زیربنای جامعه سرمایه‌داری یاد کرد. برخلاف جوامع جمع‌گرا، در جامعه فردگرا، جمع از اصالت برخوردار نبوده، بلکه فرد است که اصیل شمرده می‌شود و باید هر فردی با کنار زدن دیگر رقیبان خویش، به مطلوب خود دست یابد.

ریحانه ۱۵ ساله و گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، از اخذ ارزش فردگرایی از گروه بی‌تی‌اس (در جامعه جمع‌گرای خودشان)، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- سعی کردی که ویژگی‌های اخلاقی مثل اون‌ها رو هم داشته باشی؟

تو این دو، سه سال که دنبال شون می‌کنم، یه سری چیزا از شون یاد گرفتم، مثلاً این که با آدم‌ها مهربون‌تر باشم یا مثلاً به نظر کسی خیلی اهمیت ندم و کاری که خودم دوست دارم، انجام بدم... .

- یعنی دوست نداری تو کارهات نظر بقیه رو بدونی؟



بیشتر دوست دارم خودم برای خودم تصمیم بگیرم، از این که یکی هی بهم دستور بده بدم میاد. دوست ندارم چیزی تو دلم بمونه و برام عقده بشه.

- ریحانه در کل فکر می کنی نقاط مثبت و منفی که بی تی اس برات داشته، چیه؟

خب همون طور که گفتم بی تی اس به من یاد داده که نظر بقیه برام مهم نباشه و خودم برای خودم تصمیم بگیرم. از روزی که این کار رو کردم خیلی حالم بهتره و راضی ترم. یا وقتی که ناراحتم می رم کلیپ هاشون رو می بینم یا آهنگشون رو گوش می دم، می رقصم و بهتر می شم.»

«- دیگه کدوم آهنگ رو خیلی دوست داری؟

آهنگ سو وات<sup>۱</sup> خیلی عالی هستش. یعنی خب که چی.

- می شه بگی راجع به چیه؟

اولش می گه: یکی می گه من آدم درستی ام و یکی می گه اشتباهی ام، من اهمیت نمی دم، تو چه طور، خب که چی؟ ما جوون و سرکش و رها هستیم. خب که چی؟ نگرانی های ما آخرش بی جواب می مونن. خب که چی و از این حرفا. بیشتر می خواد بگه که آزاد باش و به حرف هیچ کس اهمیت نده، چون هیچ فایده ای نداره، اگه از زندگی و جوونی لذت نبری.



- یعنی خودت هم معتقدی که به حرف هیچ کس نباید اهمیت داد؟

آره. من به همه اش معتقدم. من به تک تک کلماتی که توی آهنگ هاشون هست باور دارم. چون که همه اش درسته.

- یعنی واقعاً نه به حرف کسی اهمیت می دی و نه نگران چیزی هستی؟

نه واقعاً. جدی می گم. نه هیچ وقت نگرانم، نه به حرف کسی اهمیت می دم. چرا بخوام دروغ بگم. واقعاً احساسم همینه که گفتم.

- حتی نسبت به حرف پدر و مادرت؟

وقتی احساس کنم چیزی درست نیست یا چیزی رو دلم نمی خوادش، حتی حرف اونا، مجبور نیستم بهش گوش بدم. هر کسی خودش می دونه چی براش بهتره و خودش مسوول کاریه که می کنه. همه آزادن تا کارایی که دلشون می خواد و ازش لذت می برن رو انجام بدن، وگرنه زندگی بی معنی می شه.

- منظورت اینه که معنای زندگی در آزادی و لذت بردن از زندگی خلاصه می شه؟

آره، وقتی لذت نبری از زندگی و به هیچ کدوم از آرزوهات نرسی، دیگه زندگی چه معنایی می تونه داشته باشه برات. هدف از زندگی اینه که کارایی که می تونی انجام بدی و کارایی که دوست داری انجام بدی رو تموم کنی و چیزی رو از دست ندی. نباید زندگی رو باخت. به نظرم گوش دادن به اونا حتی باعث شده که ما خیلی از چیزای مسخره ای که تو مردمون هست رو قبول نکنیم و متفاوت بشیم.

- این فقط عقیده ی خودته یا همه ی آرمی ها همین طور فکر می کنند؟

آره، وقتی لذت نبری از زندگی و به هیچ کدوم از آرزوهات نرسی، دیگه زندگی چه معنی می تونه برات داشته باشه. وقتی عقیده بی تی اس اینه آرمی ها هم باید همین عقیده رو داشته باشند، ولی ممکنه کسی جور دیگه ای فکر کنه. اون آرمی هایی که دوست من هستن، همه با من هم عقیدان؛ وقتی با من مصاحبه می کنی انگار داری با اونا مصاحبه می کنی.»

<sup>۱</sup> - So what آهنگ پرتعداد بی تی اس به زبان انگلیسی.



ایفای نقش «تخديرکنندگی»، عنوان بعدی است که از مصاحبه‌های انجام شده، برداشت می‌شود.

جوامع سرمایه‌داری به سبب رقابت‌های شدیدی که افراد آن بر سر تصاحب امکانات و موقعیت‌ها باهم دارند، همواره از دو قشر غالب و پیروز و شکست خورده و ناکام برخوردار است، بالطبع انسان‌هایی که نظام سرمایه‌داری آنان را از برخورداری از ضروریات زندگی نیز بعضاً محروم ساخته است، از این نظام خشمگین بوده، عصیان آن‌ها علیه نظام، ممکن است به واژگونی آن بینجامد، بنابراین در جوامع سرمایه‌داری تلاش وافری صورت می‌پذیرد تا مردم و خاصه جوانان جامعه، چنان سرگرم و تخدير شوند که هرگز به اندیشه قیام علیه نظام سرمایه‌داری نیفتند. مه‌لقا و نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خود شواهدی از موضوع اخیر را ارایه کرده اند:

«- تو الآن دیگه کی پاپر نیستی؟

نه، تقریباً یک‌سال می‌شه دیگه پیگیری نمی‌کنم.

- می‌شه بگی چرا؟

هم دغدغه‌هام و زندگیم تغییر کرده، هم از اون دنیای فانتزیه نوجوونی بیرون اومدم و متوجه شدم که خود کانسپت «فن بودن» یعنی بت ساختن، چه بخوای چه نخوای تو وجودت بذر تعصب می‌کاره. فهمیدم نباید این قدر خودم رو بازیچه‌ی موسیقی مارکتی و کاپیتالیسم بکنم. کی پاپ اون دنیای رنگارنگ و گوگولی‌ای که تو موزیک ویدیوهاشون نشون می‌دن، نیست. کثیف بودن هالیوود برای همه آشکاره، اما کی پاپ با ظاهرسازی میاد لاپوشونی می‌کنه و کاری می‌کنه حتی وقتی بفهمی توش چه خبره، نتونی ازش بکشی بیرون.

- منظورت چیه که می‌گی کمپانی کاری می‌کنه نتونی ازش بکشی بیرون؟ ممکنه این جمله رو برام شفاف‌تر کنی؟

خب ببین یه چیزی که خیلی واضحه، طبیعتاً تو هر چه قدر فن کی پاپ بیش‌تر باشه، سودش برای کره و صنعت موسیقیش بیش‌تره، حالا اینا چه پلنایی دارن و میان چه کارا می‌کنن... کاپیتالیسم و موسیقی مارکتی میان جایزه‌های مختلف می‌ذارن مراسمای مختلف می‌ذارن، برنامه‌های مختلفی و متنوعی درست می‌کنن با اون آیدولاشون و این مراسمای مختلف جشنواره‌های مختلف همه‌شون رأی‌گیری و جایزه داره، اون جایزه برای این که مثلاً یه نفر اون جایزه رو ببره براش رأی‌گیری وجود داره، نمی‌دونم چندمدل رأی‌گیری استریم زدن وجود داره، توی اسپاتیفای، نمی‌دونم توی یوتوب و توی پلتفرمای مختلف و این که یا مثلاً توی توییتر خیلی چیزای مختلفی وجود داره و این که تو بخوای واردش بشی و از کسی که فنشی حمایت کنی، یک سره درگیری و وارد یه سیکل معیوبی می‌شی که دائماً در حال رأی‌گیری هستی، این رأی‌گیری تموم می‌شه، رأی‌گیری بعدی، چه می‌دونم، فلان مراسم تموم می‌شه، مراسم بعدی و دائماً تو رو درگیر این داستان می‌کنه.

بعد گروه‌های کی پاپ چون اکثرشون این طوری ان که تو فاصله خیلی کوتاه‌تری موزیک می‌دن تا مثلاً خواننده‌های غربی، یک گروه کره‌ای ممکنه توی یک سال، یه فول آلبوم بده با دوتا مینی آلبوم حداقلش، می‌دونی چی می‌گم؟ به خاطر همین تو دائماً درگیری، تو دائماً درگیر کام‌بک‌هاشونی، تو دائماً درگیر مراسمای مختلف‌شون هستی و اصلاً وقت نمی‌کنی به چیزای دیگه فکر بکنی و اینا به علاوه لاپوشونی‌هایی که می‌کنن، یعنی توی هالیوود کاملاً یه چیز عادیه که طرف درباره دوست دختر و دوست پسرش حرف بزنه یا توی رابطه باشه، ولی توی کی پاپ اصلاً به هیچ وجه این طوری نیست، یعنی نمی‌بینی که توی یک مراسمی حالا توی یک برنامه یا هر چیزی طرف بیاد درباره پارتنرش حرف بزنه، اصلاً همچین چیزی نداریم و خیلی چیزا در این وسط همه‌اش سانسور می‌شه، حتی رفتاراشون و شخصیتی که دارن هم خیلی

وقت‌ها سانسور می‌شه و همه اتفاقات پشت صحنه هم به خاطر همینکه که میان گندا رو لاپوشونی می‌کنن و با برنامه‌های مختلفی که دارن، تو رو توی اون سیکله نگه می‌دارن توی اون دایره نگه می‌دارن که تو همه‌اش درگیر همین کی‌پاپ باشی».



«- اصطلاحاً این رسوایی‌هایی که حالا ازشون به عنوان رسوایی ستاره‌ها اسم می‌برن و قضیه پوشاندن اون‌ها چیزی می‌دونی؟ آره. خیلی هست یعنی خیلی هم جدیداً زیاد شده.

- چه جوریه، مثال می‌تونی بزنی؟

مثال آره. کره خیلی حالا ماهایی که ان قدر در جریانیم می‌دونیم که خب کره خیلی کشور فاسدی داره، یعنی از لحاظ مثلاً چیز، امممم... - سیاستش؟

آره. مسوولان خیلی فاسدی داره و خیلی فساد توشه. یعنی به خاطر همین هر چند وقت یه بار یه رسوایی دارن. اگر بخوام مثال برات بزنم، جدیداً نمی‌دونم رئیس جمهورشون یه کاری کرده بود یا پسر رئیس جمهور یه کاری کرده بود. اومدن مثلاً خبر قرار گذاشتن یه خواننده رو پخش کردن که مثلاً فوکس (توجه) مردم بره روی اون خبر و بی‌خیال این خبر بشن، یا مثلاً چند وقت پیشش یه خبر پخش شد که مثلاً در این حد من می‌دونم که تیم ملی والیبال زنان کره یه دوقلو هستن که خیلی خب تو کره معروف هستن و اینا خبرش پخش شد که مثلاً اینا توی مدرسه بقیه دانش‌آموزا رو اذیت می‌کردن قبلاً. برای این که خب اون تیم ملی رو حفظ کنن و اینا اومدن کلی خبر دیگه مثلاً زورگویی خواننده‌های دیگه رو اومدن حالا یه سرپاش اکثراً دروغ پخش کردن که مثلاً فوکس مردم بیش‌تر بره رو اونا یا مثلاً دیگه به اون تیم ملی و بازیکن تیم ملی اهمیت ندن. چون اونا مثلاً مهم‌تر بودن. اینا این جور یه ان دیگه».



دامن‌زدن به «مصرف‌زدگی» یا تبدیل مردان تولید کننده به مردان لطیف سر تا پا مصرف، خدمت دیگری است که اعضای گروه بی‌تی‌اس، به نظام سرمایه‌داری جهانی دارند.

یونا کیم استاد ارتباطات در دانشگاه پنسیلوانیا<sup>۱</sup> در کتابی که در باب گروه بی‌تی‌اس دارد، خاطرنشان می‌سازد، با وجود انتقادات تند و تیز اعضای گروه بی‌تی‌اس از شرایط اجتماعی، این انتقادهای کلان نظام سرمایه‌داری را هدف قرار نداده، در نهایت با تبلیغ ضرورت سخت‌کوشی افراد، در عمل به تأیید فردگرایی و اندیشه اقتصادی نظام سرمایه‌داری می‌پردازد:

«... اما آیدول‌های کی‌پاپ، بدون توجه به مسایل اساسی و ساختاری‌ای که افراد با آن مواجه‌اند، یک فانتزی سمعی‌بصری دربارهٔ موفقیت، آزادی، لذت‌جویی، سبک‌زندگی مصرفی آلامد و خودشیفتگی به وجود آورده‌اند. اجرای تئاتری غلبه بر مشکلات، حرکات مبالغه‌آمیز بدنی و نمایش عاطفی همگی عواملی بصری‌اند در تضاد با موضوعاتی که بی‌تی‌اس گاه‌وبیگاه ادعای پرداختن به آن‌ها را دارد، مسایل روزمرهٔ زندگی هواداران که باید، در راستای برابری و عدالت، تغییراتی ساختاری و اساسی کنند. مثلاً در «دوپ»، اولین ترانهٔ مهم این گروه در سال ۲۰۱۵، بی‌تی‌اس به سبک و کیفیت منحصر به فرد رقص خود می‌نازد. این موزیک‌ویدیو، در کنار استفادهٔ خلاقانه از دستگاه برای تقلید صدای ساکسیفون، حرکات رقص جسورانهٔ اعضای بی‌تی‌اس را نیز نشان می‌دهد که حکایت از اعتماد به نفس و موفقیت آن‌ها دارد. اعضای گروه، با یونیفرم‌های پلیس، نظامی، مدیرعامل، رانندهٔ ماشین مسابقه، پزشک و کارآگاه که همه حکایت از منزلت و قدرت دارد، زندگی پرشور خود را نتیجهٔ سخت‌کوشی نشان می‌دهند. رهبر این گروه (آر. ام) رسانه‌ها و هستهٔ قدرت را مقصر بی‌انگیزگی و کرختی جوانان معرفی می‌کند، منتها شعار مثبت هم می‌دهد و می‌گوید هیچ‌وقت تسلیم نشوند. این گروه موفقیت را به سخت‌کوشی و امید و ایمان اعضا نسبت می‌دهد، پس نمی‌تواند دربارهٔ ابعاد ساختاری مشکل‌ها آگاهی‌بخشی انتقادی کند، بلکه تنها راهکارشان از نوع فردی است: سخت‌کوشی».

یونا کیم در فراز دیگری از کتابش با یادآوری این که اصولاً کمپانی بیگ‌هیت، ستاره‌های خود را از مردانگی سخت به سمت مردانگی نرم و لطیف سوق داده است و آنان را غرق در مصرف کرده است، از تبدیل مردانگی سخت تولیدگرا، به مردانگی نرم مصرف‌گرا در اندیشه بی‌تی‌اس یاد کرده است.



مدلینگ و «تبلیغ‌نشان (برند)های جهان سرمایه‌داری»، از دیگر فعالیت‌های گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌آید. فرشته ۱۸ ساله، در توصیف قدرت تبلیغاتی پسران بی‌تی‌اس در مصاحبه‌اش، به ارایه شواهد زیر پرداخته است: «جوناگ کوک طی یک لایو آبمیوه می‌خورد و یه کم هم ازش تعریف کرد و توی لایو بعدی، وقتی می‌خواست آبمیوه سفارش بده، آبمیوه سولد اوت شده بود و آرمی‌ها این کار رو کرده بودن، حتی عکساشون هم موجوده. - ممکنه این عکسا رو برام بفرستی؟ آره حتماً. بعد نمونه‌های دیگه‌ای هم می‌تونم بفرستم؟ - حتماً فرشته جان راحت باش.»

در یه نمونه دیگه، اعضای بی‌تی‌اس برند لباس‌های خیابانی رو در ویدیوی "Euphoria" پوشیدند و اون لباس‌ها بلافاصله سولداوت شدند. بعد از پوشیدن لباس‌های برند A Piece of Cake توسط بی‌تی‌اس در یوفوریا محصولات اون به سولداوت رسید. بی‌تی‌اس به طور رسمی به اون تصویر استایل ایده‌آل رسیده، در حالی که می‌دونیم اون‌ها لباس‌هاشون بی‌عیب و نقص هست، این هفته یک قدم به جلوتر برداشتن، در ویدیو

<sup>1</sup> - Youna Kim (2022). The Soft Power of the Korean Wave: Parasite, BTS and Drama. Routledge.

ترجمه معرفی کتاب، توسط علیرضا شفیعی‌نسب انجام گرفته است.

جدیدشون یوفوریا، جیهوپ و جونگ کوک هر دو لباس‌هایی رو از برند کره جنوبی A Piece of Cake هست رو پوشیدند و طبق گفته‌های این برند، این استایل به طور کامل به فروش رسیده.

در گفته‌ای از این برند، اون‌ها نوشتند: «این خیلی خوب بود که اون‌ها با این حالت جالب انگیز محصولاتمون رو به بقیه نشون دادند. ممنون بی‌تی‌اس برای این علاقه‌تون». این طور به نظر می‌رسه که اون‌ها توقع این بازخورد سریع رو برای آیتم‌هایی که توسط بی‌تی‌اس پوشیده شده رو نداشتند.

این برند همچنین گفته که «برای این که تقاضاهای زیادی که داشتیم، بی‌جواب نمونه ما تصمیم به تولید دوباره اون دو آیتم کردیم. فقط ممکنه چند روز طول بکشه تا به دست‌تون برسه، ما می‌خواهیم ازتون تشکر کنیم برای صبر و عشقی که نشون دادید».

در مورد دیگه‌ای تنها یک روز بعد از آن که جونگ کوک شراب Sangiovese را در وی‌لایوش خورد، سولداوت شد. جونگ کوک که رسانه‌های کره‌ای به اون لقب «پادشاه سولداوت» رو دادن، بار دیگه محبوبیت و قدرتش رو در این زمینه ثابت کرد و دو تیشرتی که یکی در لایو جیهوپ و دیگری لباسی که در سامر پکیج به تن داشت، در سریع‌ترین زمان ممکن سولداوت شدند. همچنین باید اضافه کرد که عروسک جونگ کوک که مائل (کمپانی سازنده باربی) اون رو ساخته، در حال حاضر در لیست پرفروش‌ترین محصول است.



طبق اطلاعات منتشر شده، Shin نویسنده‌ی کتاب 'Life energy of Language' که پس از دیده شدن در دست تهیونگ، سولداوت شد، به تازگی کتابی با عنوان 'Humanities' منتشر کرده که در پیش‌گفتار آن از تهیونگ تشکر کرده و گفته امیدواره داستان‌های زیبای بی‌تی‌اس و طرفداران بیش‌تر گسترش پیدا کند».

قدرت تبلیغاتی که فرشته از آن یاد می‌کند، امر واضحی است که محرک بسیاری از کمپانی‌های اقتصادی جهت بهره بردن از شرایط اخیر شده است.

محمدرضای ۲۱ ساله و زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خودشان بر این مسأله صحه نهاده اند که گروه بی‌تی‌اس مبلغ نشان (برند)‌های جهان سرمایه‌داری قرار گرفته، دست به تبلیغ کالاهای گران‌قیمتی می‌زند که شاید اقشار مرفه جامعه نیز یارای تهیه و خرید آن‌ها را ندارند (به تعبیر دیگر، برخلاف شعارهای نوعدوستانه گروه بی‌تی‌اس، در عمل مخاطبان با مشاهده تبلیغ نشان-برند-های فوق‌العاده گران‌قیمت توسط پسران بی‌تی‌اس، تحقیر می‌شوند):

«- آلبوم یا کلاً وسایلی که خود ستاره‌ها استفاده می‌کنن یا مثلاً تبلیغ می‌کنن رو خریدی؟

من نه راستش تو این مورد من اصلاً حوصله‌اش رو ندارم، بعد هزینه کردن برای خرید اینا هم زیاده واقعاً، ولی خب دوستایی دارم که آره این کارا رو انجام می‌دن.

می‌دونی چیزایی که تبلیغ می‌کنن، واقعاً در سطح توان خرید خیلیا نیست، اصن یعنی چیزایی تبلیغ می‌کنن که همه‌شون برند ان، مثلاً یه لباسش شاید نزدیک ۱۴، ۱۵ تومن قیمتش باشه، بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً یه کاپشن تبلیغ کرده بودن من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا یه کفش تبلیغ کرده بودن، اگه درست یادم باشه ورساچه بود، نمی‌دونم یا کوچی یا ورساچه بود، یکی از این دوتا قیمتش ۱۱۵ میلیون بود. خیلی چیزای دیگه هم هست که خب با این قیمتا تعداد خیلی کمی توان خریدش رو دارن».



«... تو زمینه پوشاک تبلیغات‌شون برای شرکت‌های خارجی، مثلاً فیلا به برند ایتالیایی هست، این برند کلاً معروف بود، ولی وقتی برای تبلیغاتش از بی‌تی‌اس استفاده کرد، به نظرم خیلی معروف‌تر شد.

– چه طور متوجه شدید که شهرت این برند بیش‌تر شده؟

تو اینستا پست‌هایی که مربوط به این شرکت هست زیاده، یعنی تو فضای مجازی خیلی فعال هستن، بعد پست‌هایی که می‌دارن در مورد فروشگاه‌هاشون تو سراسر جهان چون فروشگاه‌های زنجیره‌ای هم دارن و بیش‌تر شدن فروش‌شون رو نشون می‌ده که خیلی بهتر و بیش‌تر داره این برند رشد می‌کنه، مخصوصاً لباس‌ها و کفش‌هایی که طرح بی‌تی‌اس رو دارن، خیلی محبوب ان، مثلاً وقتی مسی رفت پاریس سنت ژرمن فروش پیرهن این تیم خیلی خیلی زیاد شد، بی‌تی‌اس هم وقتی برای فیلا تبلیغ کرد، فروش‌شون خیلی بیش‌تر شد.

– و علاوه بر فیلا برای چه شرکت‌های خارجی دیگه‌ای تبلیغ می‌کنند؟

یه شرکت دیگه‌ای که هر کس که مشهور می‌شه بازی می‌کنه کوکاکولا و مک‌دونالد (باخته) کلاً تبلیغات برای این شرکت‌های خوراکی رو یه تعداد قابل توجهی انجام دادن. باز مثلاً مسی رو بگم که برای پیسی تبلیغ انجام داد یا قبل ترش بکهام انجام داده بود.

بی‌تی‌اس هم برای این دوتا شرکت تاحالا تبلیغ انجام داده، یک بار هم نبوده، بیش‌تر بوده، فک می‌کنم برای مک‌دونالد بیش‌تر بوده باشه، بعد برای مک‌دونالد هم که تبلیغ کردن، مک‌دونالد اومد کاور خوراکی‌هاش که قرمز هستن رو تغییر داد و بنفش کرد برای یه مدت کوتاه».

«اقدام در جهت حمایت از نظام سرمایه‌داری جهانی»، وجه دیگری از اقدام‌های مشترک کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن به شمار می‌رود. کمپانی بیگ‌هیت ضمن آن که از ستاره‌های خودش در زمینه مدلینگ بهره می‌برد، از آنان می‌خواهد تا به تبلیغ برخی از نشان‌(برند)های قدرتمند نظام سرمایه‌داری بپردازند و به شکل غیرمستقیم با تبلیغ نشان‌های فوق‌العاده‌گران قیمت، در عمل روی جامعه طبقاتی نظام سرمایه‌داری صحه بگذارند. اما در این میان تمامی نقدهای تند و تیز گروه بی‌تی‌اس به وضعیت فردی و اجتماعی افراد در جامعه سرمایه‌داری خودشان، در نهایت به این مسأله ختم می‌شود که برای غلبه بر مشکلات، صرفاً تلاش فردی بیش‌تر افراد تجویز می‌شود تا کلان نظام سرمایه‌داری در این میان دچار آسیب و خسران نگردد.

زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه خود از اقدام پسران گروه به مدل شدن و تبلیغات آن‌ها برای برخی از کالاها، به قرار زیر یاد کرده است:

«... فیلا<sup>۱</sup> یه برند ایتالیایی هست، این برند کلاً معروف بود، ولی وقتی برای تبلیغاتش از بی‌تی‌اس استفاده کرد، به نظرم خیلی معروف‌تر شد.

– چه طور متوجه شدید که شهرت این برند بیش‌تر شده؟

تو اینستا پست‌هایی که مربوط به این شرکت هست زیاده، یعنی تو فضای مجازی خیلی فعال هستن، بعد پست‌هایی که می‌دارن در مورد فروشگاه‌هاشون تو سراسر جهان چون فروشگاه‌های زنجیره‌ای هم دارن و بیش‌تر شدن فروش‌شون رو نشون می‌ده که خیلی بهتر و بیش‌تر داره این برند رشد می‌کنه، مخصوصاً لباس‌ها و کفش‌هایی که طرح بی‌تی‌اس رو دارن، خیلی محبوب ان، مثلاً وقتی مسی رفت پاریس سنت ژرمن<sup>۲</sup> فروش پیرهن این تیم خیلی خیلی زیاد شد، بی‌تی‌اس هم وقتی برای فیلا تبلیغ کرد، فروش‌شون خیلی بیش‌تر شد.



– و علاوه بر فیلا برای چه شرکت‌های خارجی دیگه‌ای تبلیغ می‌کنند؟

<sup>۱</sup>- Fila

<sup>۲</sup>- Paris Saint-Germain

یه شرکت دیگه‌ای که هر کس که مشهور می‌شه بازی می‌کنه کوکاکولا<sup>۱</sup> و مک‌دونالد<sup>۲</sup> (باخنده) کلاً تبلیغات برای این شرکت‌های خوراکی رو یه تعداد قابل توجهی انجام دادن. باز مثلاً مسی رو بگم که برای پیسی<sup>۳</sup> تبلیغ انجام داد یا قبل ترش بکهام انجام داده بود.

بی‌تی‌اس هم برای این دوتا شرکت تاحالا تبلیغ انجام داده، یک بار هم نبوده، بیش‌تر بوده، فک می‌کنم برای مک‌دونالد بیش‌تر بوده باشه، بعد برای مک‌دونالد هم که تبلیغ کردن، مک‌دونالد اومد کاور خوراکی‌هاش که قرمز هستن رو تغییر داد و بنفش کرد برای یه مدت کوتاه». محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش گزارش می‌دهد، نشان(برند)های تبلیغ شده گروه بی‌تی‌اس، گاه چنان گران هستند که شاید اقشار مرفه جامعه نیز توان خرید آن‌ها را نداشته باشند و این تبلیغات خود به نوعی تداعی گر پذیرش یک جامعه به شدت طبقاتی است. محمدرضا پس از بیان قیمت‌های فوق تصور برخی از نشان(برند)های تبلیغ شده گروه بی‌تی‌اس، از کارگران استثمار شده‌ای یاد می‌کند که در اقصاء نقاط جهان مشغول تهیه نشان(برند)های مزبور هستند، اما کم‌ترین توجهی از سوی ستاره‌های بی‌تی‌اس بدان‌ها نمی‌شود. «حمایت از نظام سرمایه‌داری»، عنوان دیگری است که برخی از مصاحبه‌شوندگان، متذکر آن گردیده‌اند.

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به دیدار پسران بی‌تی‌اس با رئیس جمهور امریکا، خاطرنشان می‌سازد، پسران گروه با ریختن شهرت خویش به پای بایدن، به حمایت وی پرداخته‌اند:

«- چه ارتباطی بین گروه بی‌تی‌اس و حاکمیت در کره و آمریکا برقرار هست؟

گروه بی‌تی‌اس زیر نظر کمپانی وابسته به حاکمیت کره دایر شده و به رشد خود ادامه داده و گروه هر ملاقاتی رو زیر نظر کمپانی انجام می‌ده و دیدار گروه بی‌تی‌اس با رئیس جمهور بایدن به منظور شرکت در مراسم ماه میراث (جنايات نفرت و تبعیض ضد آسیایی) است تا میراث رو جشن بگیرن و با رئیس جمهور بایدن درباره افزایش نگران کننده جنايات و نفرت و تبعیض ضد آسیایی در ایالات متحده گفت‌وگو کنند. شاید شنیده باشی که نفرت آمریکایی‌ها به آسیایی‌های ساکن آمریکا به حدی زیاد شده که در ۱۶ مارس یک مرد مسلح آمریکایی هشت نفر از جمله شش زن آسیایی رو به قتل رساند.

- عرفان حضور گروه بی‌تی‌اس در کاخ سفید و ملاقات با بایدن از نظر فرهنگی و اجتماعی چه تأثیری در جهان داشته؟

خیلی از لحاظ فرهنگی تونسته تأثیر داشته باشه. گروهی از پسران زیباروی و جذاب کره‌ای با ملاقات‌شون با رئیس جمهور وقت آمریکا جوابیدن سر تیتتر خبرهای مجلات و روزنامه‌های آمریکا و سراسر دنیا شده و این خودش بزرگ‌ترین تبلیغ برای گروه بی‌تی‌اس به شمار میاد. با این کار گروه بی‌تی‌اس به عنوان سفیران جوان صلح در سراسر دنیا معرفی شدن و بر محبوبیت و معروفیت‌شون افزوده شد.

- این ملاقات چه سودی برای دوران ریاست جمهوری بایدن دارد؟

در تمام سال‌های گذشته و در دوران ریاست جمهوری جوابیدن مردم آمریکا بارها و بارها خشم و نفرت خود را از آسیایی تبارهای ساکن آمریکا نشان دادن. هم با تبعیض نژادی هم با کشتن آسیایی‌های مقیم آمریکا هم با تحقیر آن‌ها انزجار خود رو نشون دادن. این حرکت جو بایدن پیام صلح و برابری تمام انسان‌های ساکن آمریکا رو نشون می‌ده. این حرکت از نظر سیاسی بازتاب‌های خیلی خوبی داشته.

- از نظر سیاسی چه بازتابی برای جوابیدن داشته؟

با این کار رئیس جمهور جو بایدن تونسته نظر خیلی از مخالفان خود رو جلب کنه و خودش رو به یه چهره صلح دوست و مبارز با تبعیض نژادی و برابری انسان‌ها به دور از رنگ و نژاد معرفی کنه. این برای بایدن خیلی تأثیرگذاره اگر بعد از تمام شدن دوره ریاست جمهوری‌ش باز بخواد کاندید ریاست جمهوری بشه».

شقایی ۱۹ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با طرح مضامینی مشابه از همسویی سیاسی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری به شرح زیر یاد کرده است:

«- بعد اون وقت از این‌ها برای مسایل سیاسی هم استفاده می‌کنن؟

1- Coca-Cola

2- Mc-Donald's

3- Pepsi

آره، قطعاً. اصلاً اینا با حکومت باهمن دیگه. یه وقت چیزی شد از لحاظ سیاسی تو دنیا و یا اقتصادی هر ور گفتن، باید از اون ور حمایت کنن، مثلاً تو قضیه کره شمالی و حالا بمب ساختنش و اینا اومدن کلی هیت دادن، مثلاً گفتن اینا آدم نیستن و حقوق بشر رو نمی‌دونن و جنایت کارن و بمب ساختن که همه رو بکشن و جو سازی کردن و یا در مورد حالا قضیه اسرائیل و فلسطین و اینا، همیشه خب طرف اسرائیل گرفتن نامحسوس و گفتن سرزمین یهودیا هست و حق اوناست در واقع همیشه همسو با نظام سرمایه‌داری هستن».

«استفاده ابزاری از سلبریتی‌های بی‌تی‌اس»، از دیگر موضوع‌های مورد توجه جمعیت تحقیق بود، حدیث ۱۴ ساله و شکوفه ۱۸ ساله، در گزارش‌های خود در این ارتباط به قرار زیر یاد کرده اند:

«- ایلومیناتی که می‌گی هم توی هالیوود هست و هم توی کی‌پاپ، چی هست؟

ایلومیناتی یه فرقه شیطان‌پرستیه و قدرتمندترین و ثروتمندترین فرقه جهانیه که هیچ کس نمی‌دونه رئیساشون کیان و کیا اداره‌اش می‌کنن، اما خیلیا می‌گن رئیساشون رپتایلنه و هدف‌شون اینه که جمعیت جهان خیلی خیلی کم بشه که راحت‌تر بتونن روی مردم کنترل داشته باشن و همه‌ی جهان تابع اونا باشن. بعد اینا برای این هدف‌شون میاد می‌گن که اگه بتونیم روی نوجوون‌ها و جوون‌ها کنترل داشته باشیم، بیش‌تر به نفع خودمونه و این جوری به هدف خودمون نزدیک‌تر می‌شیم. حالا نوجوون‌ها و جوونا از چی خوش‌شون میاد و وقت‌شون رو می‌ذارن روش؟ خواننده‌ها و بازیگرا و سلبریتی‌های معروف و خفن که خیلی تأثیرگذارن روشن. حالا وقتی یه خواننده جدید میاد توی صنعت موسیقی، میان اولین آهنگش رو خیلی می‌ترکونن و معروفش می‌کنن و کلی پول دارش می‌کنن، بعد میان بهش می‌گن حالا که ما این کار رو برای تو کردیم، تو هم باید برای ما کار کنی، ما هم هر چی بخوای بهت می‌دیم، یه دنیا پول، خونه خوب، ماشین خفن و کلی معروفت می‌کنیم. خب کیه که به این پیشنهاد نه بگه؟ خواننده‌ها و بازیگرا و سلبریتی‌ها هم قبول می‌کنن و یه قراردادی رو امضاء می‌کنن که باید اون رو با خون خودشون امضاء کنن. بعد از اون قرارداد باید چندتا مراسم انجام بدن و به این کارا می‌گن، فروختن روح به شیطان. وقتی روح‌شون رو می‌فروشن کنترل همه چی‌شون حتی پلک زدن‌شون با خودشون نیست و کاملاً کنترل همه چی‌شون با ایلومیناتیه».

«- کمپانی خودش مستقلاً کار می‌کنه یا تحت نظر ارگان دیگه‌ای فعالیت می‌کنه؟

ظاهراً مستقل عمل می‌کنه، البته شایعاتی مبنی بر عقد قرارداد بین کمپانی و ایلومیناتی هست که اگر صحیح باشه، یعنی ارگان بالا دستی، کمپانی ایلومیناتی هستش. ولی کسی در این باره اطمینان نداره.



- درباره ایلومیناتی چی می‌دونی؟

ایلومیناتی یه کمپانی فراماسونری هستش که با شرکت‌های تولید محتوا و یا سلبریتی‌های جهان قرارداد می‌بنده و در ازای شهرت ازشون می‌خواد که به طور نامحسوس نمادها و علائم و افکار اونا رو در محتواها و اجراهاشون جا بدن و استفاده کنن و در واقع این طور تعبیر می‌شه که سلبریتی‌ها روح‌شون رو به شیطان می‌فروشن. این کمپانی قدرت خیلی زیادی داره و همون طور که می‌تونه به طور شگفت‌آوری سبب



شهرت سلبریتی‌ها بشه، به همون اندازه هم می‌تونه اونا رو از عرصه فعالیت خودشون محو کنه، به طوری که در سطح جهان دیگه آثارشون دیده نشن و این خیلی ترسناکه. در کره سن سربازی تا ۳۰ سالگیه و ایلومیناتی از دوره تین ایجری با آیدول‌ها قرارداد می‌بندن و قراردادهاشون ۱۰ تا ۲۰ ساله است و زمانی که قراردادشون تموم می‌شه دیگه به سن سربازی رسیدن و بعد از دوره سربازی، دیگه نه شهرتی دارن و نه درآمدی.



– از هنرمندهایی که با ایلومیناتی قرارداد دارن، می‌تونن کسی رو اسم ببرن؟  
بله، افرادی مثل امینیم و ریحانا در اجراها و شعرهاشون می‌گن که ما روحمون رو به شیطان فروختیم و بعضی از آهنگ‌ها هم هستن که اگه ریورس کنی، یعنی با استفاده از دستگاه، برعکسش کنی، توش جملاتی پیدا می‌کنی که عقاید شیطان‌پرستی بیان می‌شه و گفته می‌شه که عضو این گروه‌اند. همین طور شرکت سونی زیر مجموعه ایلومیناتی هستش. همسر صاحب کمپانی سونی «ماریا کری» بود. زمانی که مایکل جکسون زنده بود، ماریا کری به مایکل می‌گه که شوهرش آدم خوبی نیست و دیوانه است و این حرفا، مایکل توی یکی از آهنگ‌هاش علیه کمپانی سونی چیزی می‌خونه و بعد از اون مایکل جکسون به طور مرموزی می‌میره. گفته می‌شه کمپانی حامی بی‌تی‌اس، زیر مجموعه کمپانی سونی هستش.

– سلبریتی‌ها نمی‌تونن بعد از اتمام قراردادهشون دوباره با ایلومیناتی قرارداد ببندن؟  
معمولاً دل‌شون می‌خواد زودتر از ایلومیناتی خارج بشن، مثلاً می‌گن بریتنی اسپیتز از قصد دیوانه بازی در می‌آورد که زودتر از قرارداد بیرون بیاد.

– نماد ایلومیناتی چیه؟  
نمادش همون مثلث معروفه و می‌گن اگر در اجراها با دست علامت مثلث رو نشون بدن یعنی از نماد ایلومیناتی استفاده کردن و اعلام می‌کنن که عضو ایلومیناتی شدن.

– سلبریتی‌ها می‌تونن بدون قرارداد با ایلومیناتی به شهرت برسن؟  
می‌گن یه همچین چیزی اصلاً امکان نداره و راه کلاً برای شهرت بسته هست.  
– خوب چرا این قدر درباره بی‌تی‌اس شایعه زیاده؟

خب افرادی که شهرت دارن و معروف ان، قطعاً درباره‌شون شایعه زیاده و هیت‌رها به خاطر این که ازشون خیلی متنفرن، سعی می‌کنن یه جورایی اینا رو بد جلوه بدن و خیلی‌ها هم هستن که این شایعات رو باور می‌کنن، مثلاً همین موضوع همجنس‌گرایی و این که شیطان‌پرستان و روح‌شون رو به شیطان فروختن».

## ۲-۲- اهداف فرهنگی – اجتماعی کمپانی بیگ‌هیت



بررسی آرای ارایه شده مصاحبه شوندگان تحقیق در زمینه اهداف فرهنگی کمپانی بیگ‌هیت، چهار مقوله کلی «به رخ کشیدن قدرت فرهنگی کره»، «بسترسازی جهت گسترش فرهنگ لیبرالی»، «تلاش در جهت ایجاد جذابیت‌های فرهنگی اجتماعی برای نظام سرمایه‌داری» و «تلاش در جهت به انحراف کشاندن انتقادات از نظام سرمایه‌داری» را به دست می‌دهد.

سردمداران کره و به تبع آن نهادهایی همچون بیگ‌هیت، در راستای تبیین قدرت فرهنگی کره، در صدد استفاده از تبعات این مسأله که مترادف جذب مهاجر، افراد نخبه و دانشجو (و در ادامه تقویت بنیه اقتصادی کره) است، برآمده اند. سردمداران نظام سیاسی کره و در ذیل آن‌ها کمپانی بیگ‌هیت، در مقوله «بسترسازی جهت گسترش فرهنگ لیبرالی»، در اندیشه تبیین خط‌مشی‌های فرهنگی لیبرالی، در کنار اقتصاد لیبرالی کره جنوبی برآمده اند، به این معنا که اندیشه لیبرالی، تنها در اقتصاد یک جامعه خود را به معرض دید نمی‌گذارد، بلکه در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی و حتی زیباشناسی نیز اثرگذار واقع شده، رنگ و بوی لیبرالی خود را به آن‌ها نیز می‌دهد.

فرهنگ لیبرال، فرهنگی خواهان آزاداندیشی فرهنگی است که این مسأله می‌تواند واجد ابعاد مثبت یا منفی باشد. به این معنا که اگر فرهنگ لیبرال به اقتضائات افراد و جامعه عطف توجه داشته باشد، این فرهنگ می‌تواند در عمل گفت‌وگوهای فرهنگی و حتی گفتمان تمدن‌ها را به دنبال داشته باشد، اما اگر فرهنگ لیبرالی، با اسم آزادی، انسان‌ها را برای انجام هر کاری آزاد بگذارد، و از سوی دیگر رسانه‌های جامعه از بدو کودکی کودکان (یعنی زمان دیگر پیروی آنان و زمانی که تا شکل‌گیری تفکر انتزاعی و انتخاب‌گر آنان سال‌ها باقی مانده است)، بدان‌ها طبیعی بودن انواع انحرافات را القاء کند، به این ترتیب به اسم فرهنگ لیبرال و آزاداندیش، ضد آزاداندیشی عمل کرده است، زیرا به کودکانی که واجد تفکر انتزاعی نیستند و در مقطع دیگر پیروی خویش به سر می‌برند و به سن تصمیم‌گیری آگاهانه خود نرسیده اند، القاءات گسترده‌ای در مورد مسایل مختلف فرهنگی دارد.

مواردی مانند: جنسیت‌زدایی از عشق، آرایش و پوشش، از مسایل حساسی هستند که القای آن‌ها در سنین پایین به کودکان و نوجوانان، ضد آزاداندیشی عمل کردن است. به بیان دیگر، گرفتن ژست آزاداندیشی و ضد اقتضائات آزاداندیشی عمل کردن، مشکل بنیانی جوامع غربی است. القای مفاهیمی مانند بدون جنسیت بودن عشق، آرایش و پوشش، در سن دیگر پیروی کودکان و نوجوانان (که طبق نظریه پیاژه تاحدود ۱۱-۱۲ سالگی به طول می‌انجامد) و هم برای جوانان با سن بالاتر، ایده‌آل‌ترین اندیشه ممکن برای نظام سرمایه‌داری به شمار می‌روند، زیرا پذیرش مفاهیم اخیر با مصرف‌گرایی و غرق شدن در دنیای شهوات ملازمه دارد، به تعبیر دیگر همان‌گونه که فوکویاما از آن یاد می‌کند، سکس به مثابه ماده مخدر عصر جدید، انسان‌ها را از انقلابی بودن و انقلابی‌گری دور می‌کند. به همین ترتیب با غرق شدن افراد در مصرف‌گرایی، ایده‌آل دیگر نظام سرمایه‌داری که افزایش مصرف و در نتیجه افزایش سود آن است، مترادف است.



«تلاش در جهت ایجاد جذابیت‌های فرهنگی - اجتماعی برای نظام سرمایه‌داری»، به این معنا است که نظام سرمایه‌داری (و به تبع آن نهادهای زیر مجموعه آن، خاصه نهادهای با صبغه فرهنگی) به جدّ می‌کوشند تا با طرح برخی از ویژگی‌هایی که برای مردم جامعه از مطلوبیت برخوردارند و انتساب این ویژگی‌ها به جامعه‌ای که در آن نظام سرمایه‌داری حاکمیت دارد، برای این نظام (و بالطبع نهادهای آن)، جذابیت ایجاد کنند. تأکید گروه بی‌تی‌اس (و گروه‌های مشابه) در مسایلی همچون نودوستی، دامن زدن به تسامح، طرح الگوهای خویش به مثابه یک منجی، نفی نژادپرستی، حفاظت از محیط زیست و برخی از موارد مشابه، از جمله مواردی هستند که برای جامعه و نهادهای زیر مجموعه نظام سرمایه‌داری کره (و سرمایه‌داری جهانی)، مطلوبیت و جذابیت ایجاد می‌کنند، اما باید دانست که برخی از شعارهای اخیر در نظام سرمایه‌داری، به صورت عکس اجرا می‌شوند. به عنوان مثال، گروه بی‌تی‌اس در عین دادن شعار علیه نژادپرستی، به سبب کاربری از برنامه رایانه‌ای وایت واشینگ که به سفید کردن تصاویر و فیلم‌های ستاره‌های گروه می‌پردازد، عین نژادپرستی است، زیرا ستاره‌های کره‌ای با نفی نژاد خویش که دارای پوست زرد هستند، با سفید کردن چهره خودشان در عمل پوست سفید را برتر می‌شمرند. به همین ترتیب گروه بی‌تی‌اس با دادن شعارهای زیبا در جهت حمایت از محیط زیست، به دلیل حضور در تبلیغاتی که فقط در صدد دامن زدن به مصرف‌گرایی مخاطبان‌ش هست، و یا با به نمایش کشیدن غرق‌شدگی خویش در رفاه و مصرف بیشینه، در عمل ضد اهداف زیست محیطی عمل می‌کنند.

عنوان «تلاش در جهت به انحراف کشاندن انتقاد از نظام سرمایه‌داری»، بیانگر این معنا است که گروه‌های زیر مجموعه نظام سرمایه‌داری، همچون گروه بی‌تی‌اس در فرازی از اقدام‌هایشان در صدد هستند تا با دادن آدرس‌های غلط و اشتباه، در عمل لبه تیز انتقادات و حملات مخاطبان خویش را از کلان نظام سرمایه‌داری که به جامعه‌ای به شدت طبقاتی انجامیده است، منحرف کرده، با نشان دادن مسایلی نظیر گسست نسلی، عصبان و اعتراض نسل جوان را متوجه نسل بزرگ سال جامعه کند و یا با تشویق هرج و مرج طلبی و آنارشیزم در جوانان، به نوعی اسباب تخلیه روانی آنان را در مواجهه با ظلم‌ها و تبعیض‌های گسترده‌ای که در جامعه زیر سیطره نظام سرمایه‌داری آنان وجود دارند، فراهم آورد.

از این رو در ادامه با طرح مقوله «به رخ کشیدن قدرت فرهنگی کره»، «بسترسازی جهت گسترش فرهنگ لیبرالی»، «تلاش در جهت ایجاد جذابیت‌های فرهنگی اجتماعی برای نظام سرمایه‌داری» و «تلاش در جهت به انحراف کشاندن انتقادات از نظام سرمایه‌داری»، خدمت کمپانی بیگ‌هیت به فرهنگ و نظام سرمایه‌داری عیان خواهد شد.

## ۲-۲-۱- به رخ کشیدن قدرت فرهنگی کره

برخی از افراد شرکت کننده در تحقیق نیز یکی از اهداف مهم کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن را دست‌یابی کره به قدرت فرهنگی و به رخ کشیدن آن برای دیگران دانسته‌اند. زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه خود در این جهت می‌گوید:

«... برای این که الان در دنیا اگر کشوری بخواد بگه من قدرتمند هستم، یکی از عوامل مهم می‌تونه فرهنگ باشه. کشور خودمون هم دنبال صادر کردن فرهنگش هست.

هر کشوری اگر بتونه فرهنگ خودش رو صادر کنه به نظرم دریغ نمی‌کنه و این کار رو انجام می‌ده. آرایش کردن پسرهای کره‌ای کاملاً طبیعی هست، البته بهتره بگیم برای شرقی‌ها. این که فرهنگ یک کشور صادر بشه برای کشورهای دیگه ممکنه خوشایند نباشه، اما برای کشور مبدا خیلی هم خوبه».



ترانه ۱۸ ساله، در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، صنعت کی‌دراما و کی‌پاپ در ایجاد گرایش نوجوانان و جوانان ایرانی به سمت کشور کره، نقش قابل توجهی داشته‌اند.

ریحانه ۲۱ ساله، در فرازی از مصاحبه‌اش اذعان می‌دارد که یکی از فعالیت‌های گروه بی‌تی‌اس، صادرات فرهنگ و ارزش‌های خودش به سرتاسر دنیا است:

«... گاهی اوقات، مثل همین آلبوم اخیر بی‌تی‌اس، یعنی پروف<sup>۱</sup>، اکثر آهنگ‌ها برای سلیقه و پسند عمومی مردم کره ساخته شده و مورد استقبال اینترنت‌نشنال قرار نمی‌گیره و این برای گروه جهانی‌ای مثل بی‌تی‌اس، می‌تونه مقداری مشکل‌ساز باشه. باید در کنار حفظ هویت و اصل خود آرتیست، سلیقه و تقاضای اکثریت فن‌ها هم مد نظر قرار بگیره.

البته بی‌تی‌اس حالا یک اکت جهانیه و همین‌طور که گفتیم، در سطح استانداردهای جهانی هم کار می‌کنه. اما مخصوصاً برای گروه‌های تازه‌کار، جا باز کردن بین فن‌های کره‌ای و بین مدیاهای خود کره، خیلی مهمه و باید هم همین باشه. اولین و مهم‌ترین مصرف‌کننده‌ی محتواهای کره‌ای، خود کره‌ای‌ها هستن. مردم کشور خودشون. اون‌ها در برنامه‌های بی‌تی‌اس شرکت می‌کنن، ازشون حمایت می‌کنن، در کنسرت‌هاشون شرکت می‌کنن، مرچ‌ها<sup>۲</sup> و آلبوم‌هاشون رو بدون واسطه خریداری می‌کنن و طرفداری‌هایی از این دست رو دارن. پس منطق حکم می‌کنه که در درجه‌ی اول، رضایت طرفدارهای داخلی کسب بشه.

علاوه بر این کی‌پاپ در حال صادر کردن فرهنگ و معیارها و ارزش‌های خودش به سرتاسر دنیاست. پس طبیعتاً باید در موسیقی و بقیه‌ی محتواهای خودش، طبق اصول خودش، سلیقه و فرهنگ کشور خودش عمل کنه و معیارهای خودش رو بین معیارهای جهانی جا بده. پس مقداری با استانداردهای جهانی سازگار می‌شه تا به مارکت‌های جهانی موسیقی وارد بشه و هم‌زمان هویت خودش رو حفظ می‌کنه تا فرهنگ خودش رو نشر بده».

<sup>۱</sup> - Proof، آخرین آلبوم منتشر شده و اولین آلبوم آنتولوژی گروه بی‌تی‌اس است که در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲، توسط بیگ‌هیت میوزیک منتشر شد. تک‌آهنگ آغازین این آلبوم، «زیباترین لحظه در راه است» نیز در همان روز منتشر شد.

<sup>۲</sup> - مرچ Merch در حوزه بازرگانی معنای کالای تجاری می‌دهند. مرچ‌ها انواع مختلفی دارند و هم برای رویدادهای مختلفی طراحی، تولید و فروخته می‌شوند. مرچ‌ها برای کنسرت‌ها، فن‌ساین، آلبوم یا سینگل‌های منتشر شده، تولد اعضای گروه، رویدادهای خاص از جمله همکاری با برندها، موزیکال‌ها، سالگرد گروه یا زیرگروه یا فندوم، و مانند آن، ارایه می‌شوند. انواع مرچ‌ها هم خیلی متنوع هست. مثل تی‌شرت، کلاه، حوله، انواع سرکلیدی از نماد یا تاریخ تولد اعضا، فتوکارت ساده یا هولوگرام یا متحرک یا استند یا مدل‌های دیگر. مرچ‌هایی که اصطلاحاً PhoneTab گفته می‌شوند و ترکیبی از فتوکارتی برای پشت قاب شفاف موبایل و آویز موبایل هستند، تقویم، پوستر، انواع استیکر وسایلی مثل کیف دستی یا چتر یا بادبزن وسایل تزئینی مثل عروسک‌های کوچک یا بوک لمپ و مانند آن‌ها از دیگر انواع مرچ به شمار می‌آیند.





گذشته از تلاش کره در طرح خویش به مثابه یک قدرت فرهنگی و گسترش زبان و فرهنگ کره‌ای در سطح جهان، سردمداران کره جنوبی با اتکاء به منطق جهان سرمایه‌داری که لیبرال مسلک بودن است، با ترویج فرهنگ لیبرالی (با دامن زدن به مواردی مانند جنسیت‌زدایی از عشق، پوشش و آرایش)، در صدد تأیید بنیان‌های فرهنگی نظام سرمایه‌داری برآمده اند و کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن، به عنوان مجری خط‌مشی‌های کلان جامعه سرمایه‌داری کره جنوبی، در صدد تحقق خط‌مشی‌های فرهنگی اخیر برمی‌آیند.

## ۲-۲-۲- تلاش در جهت گسترش فرهنگ لیبرالی

فرهنگ می‌تواند در تقویت نظام اقتصادی و سیاسی لیبرالیسم و سرمایه‌داری غرب ذی‌نقش و مؤثر باشد. شیدای ۲۰ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، گروه بی‌تی‌اس در آغاز نوعی از هنجارشکنی را به طرفداران خودش القاء می‌کند. در پرتو این نوع از هنجارشکنی‌ها، می‌توان جامعه نسبتاً سنتی کره و دیگر جوامع آسیایی را نسبت به پذیرش القائات هنجارشکن بعدی گروه بی‌تی‌اس، نظیر جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق قانع‌تر کرد.



الناز ۱۲ ساله، شادی ۱۵ ساله و گلاره ۱۴ ساله در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، در ارتباط با جنسیت‌زدایی پسران بی‌تی‌اس از آرایش به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- خوب در مورد استایل موهاشون خوب ما توی ایران ندیدیم که پسری بیاید موهاش رو زرد یا صورتی کنه، نظرت راجع به این موضوع چیه؟»

خب به نظر من این جور چیزها جنسیت نداره و هم دخترها و هم پسرها می‌تونن موهاشون رو رنگ کنن و به نظرم مشکلی نداره.  
- خوب به نظرت این کار جدا از این که همه انجام می‌تونن بدن، درسته؟  
آره.

- خوب تاحالا شده که دامن یا لباس پرنسی پیوشند؟  
یکی از اعضاء توی موزیک ویدیو باتر یا داینامایت دامن پوشیده بود، مطمئن نیستیم کدوم آهنگ، ولی لباس پرنسی نه (می‌خندد).  
«- جنسیت زدایی هم از پوشش می‌کنن؟  
یعنی مثل دخترا لباس بیوشن؟  
- آره.

آره خب، خیلی زیاد مثل دخترا لباس پوشیدن و حتی شاید بشه گفت، اکثراً لباساشون دخترانه هست (باخنده) تا پسرانه و رفتاراشون، حتی اکسسوری که می‌اندازن و رنگ مو و میکاپ هم همین طور». «حتی اون اوایل که با بی‌تی‌اس آشنا شده بودم، این که رنگ موهاشون بعضی وقت‌ها خیلی روشن بود، برام خیلی عجیب بود، مثلاً طلایی و مشکی و قهوه‌ای و اینا اوکی بود، ولی مثلاً موهای جیمین صورتی بود یا موهای تهیونگ آبی بود، این‌ها یه کم برام عجیب بود، ولی خب بعدش که فهمیدم این چیزها طبیعیه و مشکلی نداره و باید توی جامعه جا بیفته، دیگه برای من هم درست شد». محمدرضای ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌اش، از تلاش گروه بی‌تی‌اس برای عادی‌سازی آرایش پسران یاد کرده است. محسن ۲۲ ساله، از اثرگذاری اندیشه بدون جنسیت بودن آرایش در دوستش یاد کرده و احسان ۱۷ ساله، استقبال مردان از آرایش‌های زنانه را که به نوعی سبب می‌شود، مردان به سمت زنانگی سوق یافته، از اقتدارگرایی پیشین خودشان فاصله بگیرند، یک مسأله مطلوب طبع جریان‌های فمینیستی می‌داند.

الناز ۱۲ ساله و مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خودشان از القاءات گروه بی‌تی‌اس در زمینه پوشش یاد کرده اند. شبنم ۲۵ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، از پذیرش اندیشه جنسیت‌زدایی بی‌تی‌اس از پوشش می‌گوید.



پریناز ۱۸ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، از جنسیت‌زدایی پسران بی‌تی‌اس در زمینه پوشش به قرار زیر یاد کرده است:  
«اعضاء در رابطه با جنسیت‌زدایی از لباس‌ها اقدام می‌کنن، مثلاً توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت

جدا کرد و کلاً هر کدام از اعضا سبک لباس خودشان رو دارن و حتی اینم بگم که اعضا همه رنگ رو می پوشن و این طوری نیست که بگن چون لباس صورتیه و دخترونه هس، نمی شه اون رو پوشید و این رو توی جاهای مختلف با کارهاشون نشون دادن». مریم ۱۸ ساله و بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه های جداگانه ای که داشته اند، خاطرنشان ساخته اند که اعضای گروه بی تی اس در راستای جنسیت زدایی از عشق، حمایت از اقلیت جنسی را در دستور کار خود قرار داده اند.

مه لقای ۱۹ ساله در مصاحبه خودش، از تلاش نسبتاً پنهان گروه بی تی اس در جنسیت زدایی از عشق یاد کرده است: «به نظرم توی کی پاپ حالا اوایلش توی کی دراما، طرح روابط همجنس گرا در ابتدا خیلی زیرپوستی بود و کم کم اومد رو و به نظرم، به نظرم (تأکید می کند)، شیوه خوبی رو داره اعمال می کنه، اممم که عادی داره سعی می کنه جلوه بده، داره سعی می کنه خیلی ریز بندازتش وسط، بدون این که یه چیزی باشه که مستقیم بخوره توی صورتت و تو یهو شوکه بشی، این طوریه کم کم داره رخنه می کنه و این به نظرم خیلی بهتره تا این که تو یهو یه دیتای (داده) گنده بدی به جامعه و انتظار داشته باشی که جامعه بتونه اون دیتای گنده رو هضمش کنه، امم کاری که هالیوود می کنه، می دونی چی می گم؟ ولی کی دراما یا کی پاپ این کار رو انجام نمی ده و به نظرم شیوه خوبی رو در پیش گرفته، یک شیوه امم در واقع محتاطانه هست که به نظرم عمل می کنه این که تو آروم آروم پیش بری».



زهرای ۲۴ ساله، بنفشه ۲۰ ساله و شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه های جداگانه ای که داشته اند، با اشاره به پسران گروه بی تی اس از تلاش آنان در جنسیت زدایی از عشق، به قرار زیر یاد کرده اند:

«این که یک نفر از گرایش جنسی خودش حرفی نمی زنه خب معقول و منطقی هست، چون جزو شخصی ترین مسایل فرد هست. اما وقتی یک فرد در معرض این قرار می گیره که بهش بگن همجنس گرا، اون هم با دیدگاه های غالباً منفی که شما هم عرض کردید، به نظر شما چرا سکوت می کنه و تأیید یا تکذیب نمی کنه؟

این جزو یکی از مواردی هست که تصمیمش با گروه نیست و کمپانی تصمیمش رو گرفته. ببینید کمپانی ها دنبال منفعت خودشان هستن. اگر هر گروه و یا فردی همجنس گرا بودن یا نبودن خودش رو تأیید کنه، احتمال بسیار بالا، تعدادی از دنبال کننده های خودش رو از دست می ده و کمپانی حاضر نیست ضرر کنه، پس به خواننده های خودش اجازه بیان حقیقت رو نمی ده.

– چون ممکن هست که دنبال کننده هاشون رو از دست بدن؟

اگر بگن آره، ما همجنس گرا هستیم با وجود اون دیدگاه های منفی که گفتیم قطعاً طرفدارهاشون کم می شه. اگر هم بگن نه ما همجنس گرا نیستیم، باز هم بازخوردهای منفی دیگه ای براشون به همراه داره از طرف افرادی که همجنس گرا هستن».

«– آیا در کل بی تی اس از جامعه ال جی بی تی حمایت می کنه؟

آره خب، تو کنسرت ها اکثراً این اتفاق می افته که با نوع پوششون حمایتشون رو از جامعه ال جی بی تی نشون می دن، مثلاً دامنی که شوگا توی مجله وگ پوشید و یا جونگ کوک که پرچم ال جی بی تی رو گرفته و نامجونم که لباس دامن طور پوشیدن.



یه بحثی هم که هست، می‌کن جیمین به حمایت از جامعه ال‌جی‌بی‌تی موهاش رو این رنگی کرده برای موزیک ویدیو، البته من مطمئن نیستم و این فقط یک تئوری هست که آرمیا می‌کن، وگرنه شاید دوست داشته موهاش رو این شکلی کنه».

«- چه رفتارهایی داشتن که می‌گی جذاب ان؟»

بین کلاً به دلیل کارا و مدل حرف زدن شون که مثلاً صداشون نازک بود یه کم البته و عمل کرده بودن خیل‌باشون، کیوت بودن و مثلاً زیادی باهم صمیمی هستن، حتی آدم فکر می‌کنه بعضاً هم جنس‌گرایی چیزی هستن در این حد. مثلاً خب اونا همه‌شون پسر ان ولی همدیگه رو از لب ماچ می‌کردن که البته تو آمریکا و اینا هم الان رایج شده بین دوستا و این حرکت مثلاً چند سال پیش که می‌کردن خیلی رایج نبود. حالا چون من الان زیاد فن‌شون نیستم یه کم منتقدانه راجع به‌شون می‌گم وگرنه فن‌های فعلی شون که اصلاً نمی‌شه جلوشون این جور ی گفت». صبای ۱۶ ساله و شقایق ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌های جداگانه خویش، از اثرپذیری دوستانشان از رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه یاد کرده اند.

فرشته ۱۹ ساله، در تبیین دامن زدن گروه بی‌تی‌اس به هم‌جنس‌گرایی، از هدف کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر کمپانی بیگ‌هیت یاد کرده و عرفان ۲۱ ساله در عین پذیرش اندیشه کسب سود، از تلاش‌های فرهنگی کمپانی دال بر استقرار و گسترش فرهنگ لیبرالی یاد کرده است.

در تحلیل کلی اهداف فرهنگی کمپانی و گروه بی‌تی‌اس آن، می‌توان نظر عرفان را بیش‌تر مقرون به صحت دید، زیرا با توجه به مسن شدن نسبی ستاره‌های بی‌تی‌اس و با توجه به سنت موجود در کی‌پاپ کره که با رفتن اعضای پسر گروه‌های کی‌پاپ به سربازی، گروه‌های مزبور غالباً منحل شده، گروه جدیدی جای آن‌ها را می‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت، ستاره‌های بیگ‌هیت که در انتهای فعالیت خویش در کمپانی قرار گرفته اند، موظف به طرح صریح‌تر اندیشه‌های کمپانی بیگ‌هیت شده اند. پونه ۱۸ ساله و نگین ۱۳ ساله در مصاحبه‌های خودشان شواهدی از این نظر را به دست داده اند.

سبک زندگی انسان‌ها بسته به اعتقادات آن‌ها می‌تواند به میزان زیادی متفاوت از هم باشد. به عنوان مثال، افراد دیندار یا معنویت‌گرا، از آنجا که خودشان را در جهان هستی تکلیف‌مدار می‌بینند با افراد لائیک که بدون هر گونه اعتقادی، تنها لذات خود را در مدار هستی خویش قرار داده اند، متفاوت است.

کمپانی بیگ‌هیت در بستر سرمایه‌داری کره جنوبی و این کشور در ذیل زعامت نظام سرمایه‌داری غرب، خود را موظف به ترویج لیبرالیسم و سبک زندگی لیبرالیستی یا مبتنی بر لذت‌مداری می‌داند. از این رو گروه بی‌تی‌اس، در جریان تحقق اهداف و منویات کمپانی بیگ‌هیت، به تبلیغ سبک زندگی لذت‌مدار و تشویق مصرف‌زدگی تاحدی که مصرف تبدیل به هدف و ایدئولوژی افراد شود، می‌پردازد.

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود، در توصیف اجمالی «سبک زندگی» ای که اعضای گروه بی‌تی‌اس به نمایش آن می‌پردازند، دو عامل مصرف-گرایی بی‌حد و حصر و لذت‌گرایی مفرط (که البته دستورالعمل کمپانی بدان‌ها است) را در سبک زندگی پیشنهادی گروه بی‌تی‌اس، مورد تأکید قرار می‌دهد. نگین ۱۳ ساله نیز بهره‌وری از هر دو جنس را به عنوان عاملی اساسی در سبک زندگی پیشنهادی گروه بی‌تی‌اس مورد تأیید خویش قرار داده است:



«- سبک زندگی شون بیش تر بر پایه چی هست؟

یعنی چی رو نمایش می دن؟

- یعنی مثلاً مادیات رو بیش تر نمایش می دن یا چیز دیگه ای؟

آره، کلاً مادیات رو نشون می دن اصن. دیگه هر دقیقه لباس عوض کردن شون و اکسسوری عوض کردن یعنی همین دیگه».

«- گفتی یک سری خبر بد و یک سری خبر خوب بوده؟

آهان ببینید خبر بدی نیست، چیز خاصی هم نیست، یعنی مثلاً برای نسل ما کاملاً یکی اون طوری باشه اصلاً مهم نیست می دونید، اوکییم ما باهاش.

- چه چیزی هست؟

مجبورام بگم دیگه شرمنده، ولی نمی دونم شاید شنیده باشین بایوسکچوال، مثل این که جیمین یک سری عکس هایی را منتشر کرده که تم خانواده ال جی بی تی را دارد و رنگ آبی و صورتی وقتی کنار هم بیاد یعنی بایوسکچوال و طراح لباس های جیمین هم یک طراح ایرانی گی هستش و (خنده) جیمین قبل از منتشر کردن عکس ها توییت کرده که من این ها را از صمیم قلبم و با توجه به زندگی ام این عکس ها را گرفتم و انتخاب خودم بوده و کسی مجبورام نکرده، حالا ما نمی گیم قطعاً، ولی بعضی ها می گن شاید بایوسکچوال باشه.

- این چه معنایی برای شما دارد؟ شما و دوستانتون به چه چیزهایی فکر می کنید؟

خوب ما اصلاً راستش برامون مهم هم نیست، یعنی ما از اول اش هم می دونستیم، یعنی شما طرف هر آیدولی برین، یک چیز این طوری راجع بهش هست و خوب ما هم مشکلی نداریم، ما از اولش هم قبل از این که آرمی بشیم، همه دوست های من قول داده بودیم که در هر شرایطی حمایت شون می کنیم، اصلاً مهم نیست گرایش شون چی باشه، چه جوری زندگی می کنن، با صورت و قیافه و این ها شون چی کار می کنن.



- اون سری که مثل شما فکر نمی کنن، طرز تفکر شون به چه صورت است؟

نوع دیگه یک سری کامنت ها روی این عکس ها هست، روی این شایعه ها که مثلاً می گه نه خیر جیمین پاک تر از این حرف ها هست و اصلاً از این کارها نمی کنه و لزوماً این ها آرمی هایی نیستن که جزو ال جی بی تی باشن و این ژست را می گیرن که یعنی ما آدم های ناپاکی هستیم، مثلاً ما آدم های بدی هستیم، آدم بی خودی هستیم و این حس خوبی نمی ده».

در راستای تأکید پسران بی تی اس بر روی مصرف و لذت طلبی، به عنوان عوامل شاخص سبک زندگی پیشنهادی آنان، گلنوش ۱۴ ساله و باران ۲۰ ساله، از توصیه پسران بی تی اس به شاد بودن و شادمان زندگی کردن یاد کرده اند. اما باید توجه داشت که مفهوم شادی در جهان بینی الهی و جهان بینی مادی متفاوت است، و برخلاف جهان بینی مادی که شادی در آن مترادف کسب لذت و به دست آوردن مادیات است، در جهان بینی الهی، شادی افراد در نتیجه ادای تکلیف و تلاش در جهت تحقق حق و عدالت در زیست محیط، مناسبات انسانی جامعه و جامعه جهانی محقق می گردد. اما شادی پیشنهادی پسران بی تی اس، شادی مبتنی بر کسب لذات مادی و جسمانی است:

«- خب چه طوری از شون راهنمایی می گیری؟

من هر موقع که مشکلی برام پیش میاد، آهنگای مورد علاقه خودم رو گوش می‌دم و انگار بهم الهام می‌شه باید چه کار کنم یا بعضی وقتا باعث می‌شه بعضی چیزا بهم الهام بشه، باید چه کار کنم یا بعضی وقتا باعث می‌شه، بعضی چیزا بهم یادآوری بشه و کم‌تر خودم رو اذیت کنم.

- مثلاً چی بهت یادآوری می‌شه وقتی آهنگ‌ها رو گوش می‌دی؟

مثلاً همون آهنگ سو وات، همیشه بهم یادآوری می‌کنه، همون چیزهایی که بهت گفتم رو... یا مثلاً خیلی آهنگ‌ها بهم یادآوری می‌کنن که دنیا ارزش غصه خوردن رو نداره و از زندگیم لذت ببرم.

- اگه یک روز به این نتیجه برسی که بی‌تی‌اس اشتباه کرده یا تو راه اشتباه رو رفتی، پشیمون نمی‌شی؟

اولاً که بی‌تی‌اس هیچ وقت اشتباه نمی‌کنه. دوماً یک آرمی یاد گرفته که هیچ وقت از کاری که کرده پشیمون نشه.

«نامجون می‌گه، اگر می‌خوای بقیه رو دوست داشته باشی، باید اول خودت رو دوست داشته باشی، این رو خیلی دوست دارم و نامجون تو کنسرت هم یه بار گفت، از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید و کلاً راجع به سلف لاو خیلی صحبت می‌کنن.

یونگی هم می‌گه، کسانی که رؤیایی ندارن، مشکلی نیست. مهم اینه که خوشحال زندگی کنین، اینم خیلی دوست دارم، یه موقع‌هایی می‌شه تو زندگی که حال آدم خوب نیست و خسته شده از دویدن و تلاش کردن و این جمله یونگی همیشه بهم امید می‌ده که مهم اینه خوشحال باشی و اینا، این آهنگ رو وقتایی که انگیزه‌ام پایینه گوش می‌دم، خیلی دوستش دارم.

لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ استیل ویت یو از کوکیه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزنم».

تشویق به «هنجارشکنی» و هنجارشکن واقع شدن، موضوع مهم دیگری است که در یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، قابل ملاحظه است.

تشویق به هنجارشکنی، خاصه در جوامع آسیایی که رفتارهای جمع‌گرایانه بر آن‌ها حاکم است، عرصه مناسبی برای جلوه‌گری فردگرایی مطلوب طبع جهان سرمایه‌داری است.

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، مصادیقی از تشویق و ترغیب پسران بی‌تی‌اس در مورد هنجارشکنی را ارایه کرده است:

«- یعنی از همون نه سالگی تو به مهاجرت فکر می‌کردی؟

آره. از همون موقع به این فکر می‌کردم که برم. حتی زودتر از کلاس اول (می‌خندد). ولی از نه سالگی که با اینا آشنا شدم خیلی دیگه جدی‌تر شد برام. بعد یه چیز دیگه که خیلی برام جالب بود تیپ و استایل‌شون بود. مثلاً همین که پسر موهاشون رو رنگ می‌کردن یا مثلاً می‌تونستن آرایش کنن یا لاک بزنن. یا لباسای رنگی و دخترونه می‌تونستن بپوشن. این خیلی جذبه کرد.

- چرا جذبت کرد؟

چون که فرق داشت با اون چیزی که ما یاد گرفته بودیم که مثلاً این چیزا فقط برای دختراس و اینا. برام جذاب بود. تازگی داشت. البته الان دیگه خیلی زیاد شده. اولش که توی خود کره. بعدش الان توی ایرانم مثلاً پسرایی متفاوت می‌زنن، لاک می‌زنن، برق لب می‌زنن و به نظرم این کی‌پارها بودن که این کار رو کردن.



- چرا مواردی مانند لاک زدن و رنگ کردن موی پسرها به نظرت اتفاق خوبی بود؟

چون قبل از این جریان‌ها کسی حق انتخاب نداشت. مثلاً پسری که دوست داشت رقص رو نمی‌تونست یا جرأت نمی‌کرد بره سمتش. ولی الآن دیگه اون طوری نیست. آدم‌ها حق انتخاب دارن و این حق انتخاب رو نه بر اساس جنسیت‌شون که به خاطر علاقه‌هاشون دارن و دیگه کسی از بابتش خجالت نمی‌کشه. از بابت چیزی که دوست داره و اون کسی که هستش خجالت نمی‌کشه. اینش برام قشنگه. مثلاً بی‌تی‌اس این کار رو توی کره کرد یا لیدی گاگا مثلاً پرچم ال‌جی‌بی‌تی‌ها رو بالا برد و ازشون حمایت کرد. البته خانواده‌ها نسبت به این موضوعات حساس‌ان. مثلاً هنرجوهایی من دارم که نه سالشه یا دوازده سالشه و عاشق بی‌تی‌اس هستن ولی خانواده‌هاشون ناراحت‌ان و می‌گن این تپیش و اداهاش داره مثل اونا می‌شه و خوش‌شون نمیاد....

یک کار دیگه که بی‌تی‌اس کرده و می‌کنه اینکه این پیام رو به طرفداراش می‌ده که اون کاری که دلت می‌خواد یا الآن توی فکرته یا به قول خودمون توی جوش هستی رو انجام بده، بدون این که فکر کنی عاقبتش چی می‌شه و بدون این که بررسی کنی که چه کسی در برابرت می‌ایسته و می‌خواد جلوت رو بگیره. یه جورایی می‌گه برو توی دل ماجرا. مثلاً درباره کسانی که تصمیم گرفتن عمل تغییر جنسیت انجام بدم من خیلی بدم میاد که یه سریا می‌گن بیایم باهاشون حرف بزیم یا مثلاً بفرستیم‌شون پیش مشاور که شاید نظرشون عوض بشه. به نظرم نباید کسی جلوشون رو بگیره».

## ۲-۳- تلاش در جهت ایجاد جذابیت‌های فرهنگی - اجتماعی برای نظام سرمایه‌داری

گروه بی‌تی‌اس در راستای حمایت از نظام سرمایه‌داری کره جنوبی و حمایت از نظام سرمایه‌داری جهانی که کره جنوبی نیز عضوی از آن است، می‌کوشد تا به عنوان نهادی از جامعه سرمایه‌داری کره، جذابیت‌های مختلفی را به خود بگیرد تا در پوششی موجه و پذیرفتنی‌تر، سایر اهداف نظام سرمایه‌داری را در سطح مخاطبان خویش محقق سازد.

برخی از جذابیت‌هایی که جمعیت مورد بررسی در ارتباط با گروه بی‌تی‌اس به طرح آن پرداخته‌اند، به قرار زیر است: «نوعدوستی»، «تلاش برای ایجاد مرجعیت برای گروه بی‌تی‌اس»، «جهانی شدن و جهانی اندیشیدن»، «طرح الگوهای بی‌تی‌اس به مثابه منجی انسان‌ها»، «نفی نژادپرستی» و «حمایت از زیست محیط».

«نوعدوستی» رفتاری است که در آن بدون آن که فرد یا افرادی دنبال منافع خاصی باشند، در جهت حمایت از دیگران، وارد عرصه شده، به یاری آنان می‌شتابند.

اعضای گروه با کمک‌های گاه و بی‌گاه به مؤسسات خیریه یا پیشنهاد دادن هدایای تولد ستاره‌ها، به مؤسسات خیریه، چهره‌ای نوعدوست از خود به معرض دید نهاده‌اند.

در راستای اقدام‌های نوعدوستانه‌ای که از آنها یاد شد، کمپانی بیگ هیت تلاش وافر به کار برده است تا گروه پسران بی‌تی‌اس با حضور در مجامع بین‌المللی نظیر یونیسف، سازمان ملل، ملاقات با رئیس‌جمهور امریکا و مانند آن‌ها، وجه‌ای فراتر از خوانندگی یافته، با به دست آوردن نوعی از «مرجعیت»، از جذابیت بیش‌تری برای مخاطبان خویش برخوردار شوند.

گروه‌های موسیقیایی موجود، به طور معمول فاقد اهداف سیاسی خاصی هستند، اما به نظر می‌آید گروه بی‌تی‌اس، به دلیل مورد توجه قرار گرفتن در سطح جامعه و جامعه بین‌المللی، از سوی نظام سیاسی کره و در سطحی گسترده‌تر، نظام سیاسی سرمایه‌داری جهانی، در جهت پیش‌برد بیش از پیش اهداف آنان، به کار گرفته شده است.

سونیای ۱۷ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- به نظر شما بی‌تی‌اس در زمینه سیاست فعال هست؟

نه، به نظرم در زمینه سیاست فعالیت ندارند.

- با توجه به محتواهایی که دیدیم، مثل سخنرانی در سازمان ملل یا دیدار بایدن داخل کاخ سفید، به نظرتون فعالیت سیاسی ندارند؟

آره، اونا رو منم دیدم. ولی بهشون نمی‌گم فعالیت سیاسی. بیش‌تر فعالیت اجتماعی، چون وقتی فرصتایی مثل همونایی که شما گفتید، براشون پیش اومده، از صلح و عدم تبعیض صحبت کردن. به نظر من تو زمینه اجتماعی آره فعال‌ان، ولی سیاسی نه، چون توی کی‌پاپ کلاً سیاست

خیلی جایی نداره. یعنی کی‌پای‌ها کاری با سیاست ندارن معمولاً. متن صحبت بی‌تی‌اس تو سازمان ملل رو دارم، برات می‌فرستم تا ببینی چه قدر دغدغه‌های اجتماعی دارن».



مهرشید ۲۱ ساله نیز در مصاحبه خودش با اشاره به رفتن پسران بی‌تی‌اس به سازمان ملل، ملاقات با رئیس جمهور وقت امریکا، همکاری با یونیسف و یا برگزاری فستیوال هنری در بوسان کره جنوبی، به شکل غیرمستقیم از ژست سیاسی کشور کره جنوبی با اتکاء به گروه پسران بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد می‌کند:

«- تاحالا در رابطه با این موضوع که از رسوایی‌ها و حاشیه‌های بی‌تی‌اس و یا کی‌پاپ برای پوشاندن فسادهای سیاسی استفاده می‌کنن، چیزی شنیدی؟

کلاً راجع به مسایل سیاسی این رو بهت بگم حالا اگه از کسی چیزی شنیدی. اگه قرار بود بی‌تی‌اس خودش رو وارد مسایل سیاسی بکنه، الان جین نمی‌رفت سر بازی.

«جهانی شدن و جهانی اندیشیدن»، مقوله دیگری است که برخی از افراد مصاحبه شده بدان اشاره داشته‌اند، به این معنا که فناوری‌ها در عمل این امکان را برای افراد فراهم آورده است که در عین آن که در سرزمین و موطن خود به سر می‌برند، به شکل هم‌زمان از اخبار و رخدادهای آن سوی جهان نیز مطلع گردند. بالطبع امکان عمل اخیر، ضمن آن که به طرح ایده‌های نویی برای افراد می‌پردازد، امکان مقایسه شرایط اجتماعی جامعه فرد و دیگر جوامع بشری را هم فراهم می‌آورد. رخداد اخیر که با عنوان جهانی شدن شناخته می‌شود، نسل نوجوان و جوان را بیش‌تر درگیر خود می‌سازد که در قیاس با والدینشان، کاربری بیش‌تری از فناوری‌ها داشته، از کنجکاوی بیش‌تری نیز برخوردارند.

غزل ۱۶ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌اش با یاد کردن از هماهنگی‌های بین‌المللی جهت استریم زدن و رأی دادن برای انتخاب‌های مردمی، در عمل از جهانی شدن و جهانی اندیشیدن خود و دوستانش یاد می‌کند.

ثنا ۱۶ ساله از منظر دیگری به جهانی شدن اشاره دارد و آن اطلاع‌یابی از وضعیت دیگر کشورهای جهان است که امکان مقایسه این اطلاعات با وضعیت کشور خودش را به دست می‌آورد.

گلاره ۱۴ ساله در مصاحبه خود، از تغییر ارزشی خویش تحت تأثیر جهانی اندیشیدن، به قرار زیر یاد کرده است:

«- گلاره جان آیا بی‌تی‌اس روی شکل‌گیری شخصیت شما تأثیری داشته یا نه؟

آره داشته، البته من سعی کردم کنترل کنم که مثلاً هر چیزی روم تأثیر نگذاره، ولی مثلاً خب من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت (به روز رسانی) کرد».

«افزایش تسامع هواداران در روابط اجتماعی»، از دیگر نتایج حاصل از کاربری از گروه بی‌تی‌اس کمپانی هایب است.

از آنجا که کمپانی بیگ‌هیت در صدد پوشش دادن همه اقبال اجتماعی زیر پوشش گروه بی‌تی‌اس است، تسامح را هم در متن آهنگ‌ها و هم به صورت یک الزام رفتاری برای ستاره‌های خویش مورد تأکید قرار داده است، از این رو کاربران گروه بی‌تی‌اس، در جریان یک یادگیری مشاهده‌ای از رفتارهای تسامح‌آمیز گروه تأثیر پذیرفته، احتمالاً از این مسأله در تعامل‌های اجتماعی خویش سود می‌برند.

مهرشید ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در توصیف نمونه‌ای از تسامح پسران بی‌تی‌اس می‌گوید:

«اصولاً گروه‌های خواننده و بازیگرا موقع ماه رمضان اصطلاحاً پیام ماه رمضان می‌فرستن و تبریک می‌گن این ماه رو به مسلمون‌ها و براشون آرزوی سلامتی می‌کنن و به دلیل این که کره یه سری مناسبت فرهنگی با کشور اندونزی داره و با یه سری چیزایی که حالا مسلمونا دارن، آشنا هستن و ازشون اطلاع دارن، یکیش همین ماه رمضان هست که خب بی‌تی‌اس هم چندین بار پیام ماه رمضان فرستاده.



راجع به حجاب هم بخوام بگم، این که تو یه برنامه ازشون پرسیدن که شما مثلاً فن‌های مسلمان دارید در کنسرت‌ها و برنامه‌هاتون، چه نظری راجع بهشون دارید، بعد اون وقت نامجون گفتش که فن‌های مسلمان ما کم نیستن و خیلی خوش حال کنده هست که ما فن مسلمان هم داریم و می‌بینمشون در کنسرت‌ها و برنامه‌ها، بعد یونگی می‌گفتش که به نظر من دخترهای کره‌ای زیبا هستن، ولی فن‌های مسلمون از دخترای کره‌ای هم زیباترن، چون که مجبور هستن زیبایی خودشون رو بپوشونن که بلکه یه کم از زیبایی‌شون کم‌تر بشه، یعنی استدلال این رو داشته که این قدر زیباتر هستند که مجبور هستن، مثلاً روسری سر خودشون کنن و مجبورن لباس‌های پوشیده بپوشن.

خیلی نسبت به فن‌های مسلمان دید خوبی دارن و خیلی اوکی ان و می‌دونن که نباید دست بزنین، نباید تاچ (لمس) بکنن، نباید بغل بکنند، مثلاً کنسرتی بودش گفتن که با ۵ نفر عکس می‌گیریم... ۵ نفر از طرفدارا... بعد وقتی که فنی که قرار بود باهاش عکس بگیرن، مسلمون بود، سریع جیهوپ اومد به همه گفتش که حواستون باشه، بغل نکنید، دست ندید، خیلی نزدیک نشید، تاچ نکنید و این‌ها بعد با رعایت همه این موارد، باهاش عکس گرفتن، صحبت کردن، پس اینا یه سری چیزا رو می‌دونن».

شادی و نیکوی ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌های جداگانه خویش، از تسامح حاکم بر گروه و تأثیرپذیری مخاطبان از آن، یاد کرده، خاطرنشان ساخته اند که آنان تحت تأثیر تسامح اخلاقی پسران بی‌تی‌اس، برخی از تنگ‌نظری‌های خویش را کنار نهاده اند و مثلاً با تسامح اخلاقی با اقوامی که پیش‌تر با دیده نفی بدان‌ها می‌نگریستند، برخورد کرده اند.

«ارایه الگو جهت الگوبرداری هواداران»، از دیگر اهداف کمپانی بیگ‌هیت است که اعضای گروه بی‌تی‌اس در صدد تحقق آن هستند.

الگوها چگونه بودن و چگونه شدن انسان‌ها را رقم می‌زنند و همچون فانوس‌های دریایی که راه را به کشتی‌ها می‌نمایانند، راه را بر کشتی وجودی انسان‌ها آشکار می‌سازند، در این میان الگوهای پسندیده، اسباب تعالی‌یابی و نیک‌بختی افراد و الگوهای ناپسند، اسباب سقوط و ذلت آدمی را فراهم می‌آورند.

نکته مهمی که در باب اثرپذیری از الگوها باید بدان توجه داشت، برخورد‌های عاطفی یا صفر و صد افراد علاقه‌مند به الگو است. به این معنا که شدت علاقه به الگو ممکن است شناخت فرد را کور کند.



هواداران گروه بی‌تی‌اس، به دلایل متعددی از جمله حمایت پسران بی‌تی‌اس از نوجوانان و جوانان، اعتماد به نفس بخشی گروه به جوانان، دلداری دادن به جوانان در مشکلات فرارویشان، تأکید بر این که آینده از آن جوانان است و موارد مشابه، در عمل خود را به مثابه یک «منجی» برای هوادارانشان مطرح ساخته اند.

زهرای ۲۴ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، نمونه‌ای در همین جهت مطرح می‌سازد:

«- دغدغه‌هایی که پسرها تو شعرهاشون ازش صحبت می‌کنن، بیش‌تر در ارتباط با چه مواردی هستن؟»

بخوام خیلی کلی بگم مفهوم شعرهاشون خوبه و خب دغدغه‌هایی که ازش صحبت می‌کنن در مورد زندگی روزمره و واقعیت‌هایی هست که تو خیلی از جوامع وجود دارن.

- امکانش هست، مثالی رو در موردش بیان کنید؟

بله، مثلاً تو چندتا از شعرهاشون درباره‌ی دخالت بزرگ‌ترها تو تصمیمات کوچک‌ترها صحبت می‌کنن، در مورد این که بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها رو تحت فشار می‌گذارن برای این که مسیر آینده‌شون رو طوری انتخاب کنن که خودشون می‌خوان، یعنی مطابق میل خود بچه نباشه و در آخر هم می‌گه باید دنبال علاقه خودتون برید و چیزی که دوست ندارید، نباید به شما تحمیل بشه».

هواداران دیگری (خاصه هوادارانی که تصور می‌کنند پسران گروه بی‌تی‌اس افق‌های جدیدی فراروی آنان و زندگی‌شان گشوده اند) برای ستاره‌های بی‌تی‌اس نوعی از تقدس را قایل بوده، نگاهی فرانسسانی بدان‌ها دارند.

«نفی نژادپرستی»، از دیگر مقوله‌هایی بود که جمعیت تحقیق به عنوان اهداف اجتماعی کمپانی بیگ‌هیت معرفی کرده بودند. به این معنا که برخی از افراد مصاحبه شده، با استناد به بیانات ستاره‌های بی‌تی‌اس، از نفی نژادپرستی آن‌ها یاد کرده بودند.

زهرای ۲۴ ساله و مهدیه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، با ستایش از رفتارهای ضد نژادپرستی گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«بی‌تی‌اس کارزار «خودم را دوست دارم» را با همکاری یونیسف برگزار کرد و آرمی نیز با کارزارهای آنلاینی همچون #BTS Love Myself در این زمینه فعالیت کرد. اخیراً آرمی، با الهام‌گیری از جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است» کارزاری در دفاع از عدالت نژادی در ایالات متحده آغاز کرده است».





«- می‌تونی یه نمونه تلاش برای اصلاح این افکار رو از طرف کی‌دراما و کی‌پاپ رو بگی؟

آره حتماً. گروه بی‌تی‌اس یه سخنرانی در این باره توی سال ۲۰۱۸ توی سازمان ملل انجام دادند و بعد از اون هم بارها و بارها آیدول‌های دیگه و به خصوص گروه بی‌تی‌اس در مورد این موضوع صحبت کردند. که توی اون سخنرانی سال ۲۰۱۸، لیدر گروه برمی‌گردد می‌گه که رنگ پوست شما، ملیت شما، سن شما، جنسیت شما، هیچ اهمیتی نداره. تنها چیزی که اهمیت داره اینه که به فکر خودتون باشید، خودتون رو دوست داشته باشید و در صلح و آرامش زندگی کنید.

حتی توی کنسرت‌هاشون هم که بری می‌بینی که همه مردم از سراسر دنیا، از نژادهای مختلف میان کنار هم جمع می‌شن، با هم رفیق می‌شن، رابطه خوبی برقرار می‌کنند، به همدیگه کمک می‌کنند.

توی آهنگ‌هاشون هم دوباره در مورد همین تبعیض نژادی صحبت کردند. توی موزیک ویدیوی یکی از آهنگ‌های جدیدشون، بچه‌هایی از نژادهای مختلف که سرخ پوست، سفید پوست، زرد پوست و سیاه پوست بودند رو کنار همدیگه آوردند، تا نشون بدن که هیچ تبعیضی بین نژادهای مختلف نیست. چون این مسأله حتی خودشون رو هم خیلی اذیت می‌کنه. خیلی از آیدول‌هاشون هستند که که رنگ پوست سبزه یا زرد دارند و به خاطر این موضوع خیلی اذیت می‌شن. به خاطر همین هست که دوباره این موضوع توی کی‌دراما و کی‌پاپ خیلی صحبت می‌شه و ما از اونجا این چیزها رو یاد گرفتیم».

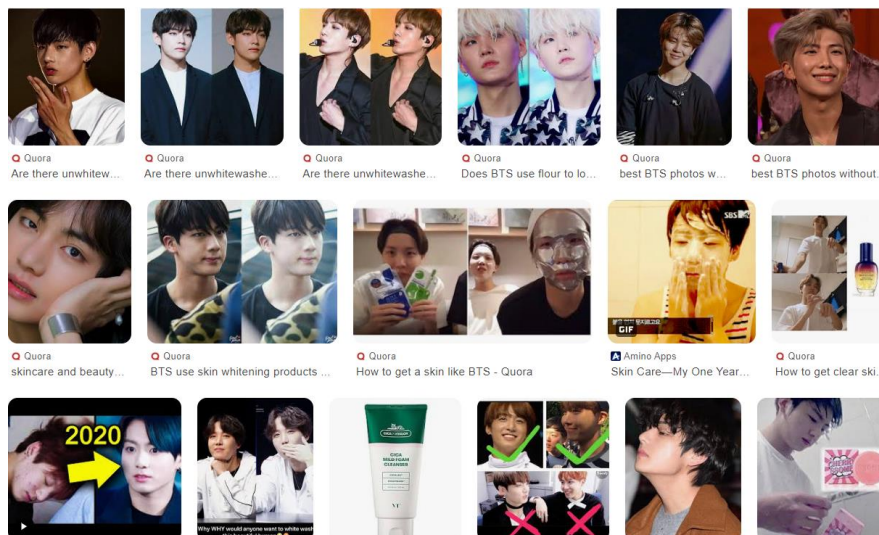
برخی از هواداران که از دید نقادانه‌تری برخوردار بوده‌اند، با استناد به مسأله سفید کردن رنگ پوست ستاره‌ها در تصاویر و فیلم‌های منتشره کمپانی، نژادپرستی کمپانی را نتیجه گرفته‌اند، زیرا نسل مردم کره زرد هست و پردازش ستاره‌ها با برنامه وایت‌واشینگ به رنگ سفید، به نوعی ارج نهادن و برتر دانستن رنگ پوست سفید است که متعلق به نسل افراد ساکن در غرب است.

محسن ۲۲ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با توجه به سفید کردن پوست ستاره‌ها در تصاویر و فیلم‌هایشان، اتفاقاً کمپانی بیگ‌هیت را نژادپرست دانسته است:

«... من با این کارای اینا که سفید کننده می‌مالن به سر و صورت‌شون مخالفم.

- چرا؟

چون به من حداقل این حس رو می‌ده که می‌خواهی خوب باشی، زیبا باشی باید سفید باشی. من که چیزی راجع به اخلاق و انسانیت نشنیدم از بی‌تی‌اس. خودم خیلی خوندم راجع به اینا، خیلی جذب خوشگلی اینا می‌شن. آخه یعنی چی که هر کی سفید نباشه قشنگ نیست. بعضی وقتا فکر می‌کنم نژادپرستن اینا».



نظام سرمایه‌داری خواهان مصرف بیشینه است، زیرا سود نظام سرمایه‌داری در گرو مصرف شهروندان است، اما از سوی دیگر، مصرف حداکثری، با مسایل و بحران زیست‌محیط همخوانی چندانی ندارد. بنابراین کمپانی بیگ‌هیت در تعارض موجود، در درجه نخست اهمیت از موضع‌گیری‌های

صریح زیست‌محیطی پرهیز دارد، اما به شکل جسته و گریخته، با تشویق اعضای گروه بی‌تی‌اس به انجام برخی از اقدام‌های زیست‌محیطی، می‌کوشد تا وجهه مثبتی در این ارتباط هم برای خودش دست و پا کند، همان‌گونه که در مقوله نژادپرستی، کمپانی در عمل با کاربری از برنامه وایت‌واشینگ، با تغییر چهره زرد ستاره‌هایش به چهره سفید، در عمل پوست و نژاد سفید را برتر از حتی نژاد زرد خود مردم کره قلمداد می‌کند، اما در شعارهایش، با گرفتن مواضع ضد نژادپرستی، شعارهایی با ۱۸۰ درجه تفاوت با عمل خودش را در دستور کار خویش قرار می‌دهد. مرضیه ۱۹ ساله و معصومه ۲۰ ساله در مصاحبه‌هایی که دارند، در توصیف یکی از تبلیغات کمپانی دال بر این که ما حامی زیست‌محیط هستیم، بیان می‌دارند:

«... از گارد گوشی بازیافتی برای حمایت از محیط زیست استفاده می‌کنند.

– استفاده از گارد گوشی بازیافتی؟! می‌تونی واضح‌تر توضیح بدی؟

یک موردی که بین استوری جیهوپ و پست نامجون مشترک، گارد گوشیشونه که توسط برند آرک ساخته شدن این برند حامی محیط زیسته و تمام محصولات با استفاده از زباله‌های بازیافتی تولید می‌شه».

«– اعضاء در زمینه فعالیت‌های خیرخواهانه هم فعالیت می‌کنن؟

آره. اومم بذار ببینم می‌تونم چند موردشون رو برات پیدا کنم.

آره. ببین.

– این ویژگی اعضاء باعث نشده که روی فندوم اثر بذاره و بخوان از این دست فعالیت‌ها انجام بدن؟

اینم زیاده، مثل به سرپرستی گرفتن حیوانات در معرض انقراض، همین چند وقت پیش گمونم یه گونه نهنگ بود یا کاشت جنگل‌ها».

مرضیه، در فراز دیگری از مصاحبه‌اش، در توجیه آتش زدن ۱۳ اتوموبیل برای اجرای آهنگ آتش (فایر)، در صدد تعدیل این اقدام ضد زیست‌محیطی گروه بی‌تی‌اس برآمده، خاطرنشان می‌سازد، کمپانی منافع اجرای آهنگ مزبور را به یک مؤسسه خیریه کمک کرده است.



هستی ۲۰ ساله نیز در گزارش خویش از برخی از اقدام‌های حمایت حیوانات توسط هواداران گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است:

«ما از فنای خارجی یاد گرفتیم که میتینگ می‌ذارن و کیک درست می‌کنن و دور هم خوش می‌گذرونن. دل‌مون خواست و ما هم انجامش دادیم. بعد کم‌کم دوست شدیم و انجامش دادیم. همین خیریه‌های تولد دیدیم که فن‌های خارجی این کارا رو می‌کنن. البته اونا پول‌شون بیش‌تره، مثلاً حیوون به سرپرستی قبول می‌کنن یا برا حیوونا کمپ می‌زنن. یه چیزی که مثلاً همون آیدول هم دوستش داره. مثلاً اگر یه آیدولی گربه دوست داره، می‌رن پناهگاه گربه درست می‌کنن به اسم اون آیدول».

بررسی مصاحبه‌های جمعیت مورد بررسی دلالت بر آن دارد که غالب مصاحبه‌شوندگان، با ملاحظه عملی پوشیدن لباس‌های نشان‌دار (برند) گران‌قیمت، تعویض روزانه لباس‌های نشان‌دار (برند) توسط پسران گروه و موارد مشابه، بیش‌تر اقدام‌های کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس را در تضاد و تخالف با حفظ محیط زیست می‌دانند.

شادی ۱۵ ساله هم در گزارشی که از پسران بی‌تی‌اس دارد، خاطرنشان می‌سازد، آن‌ها هر روز زیورآلات و لباس‌های خودشان را عوض می‌کنند. سرانجام محسن ۲۲ ساله در مصاحبه‌اش یادآور می‌شود، گروه بی‌تی‌اس با القائات خاص خودش، در عمل مصرف را از حالت نیاز مرسوم و محدود انسان خارج کرده، ایدئولوژی شدن مصرف را برای مخاطبانش رقم می‌زند:



«- یعنی فکر می کنی ستاره‌ها مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند؟

متوجه نشدم یعنی چی مصرف‌گرایی؟

- یعنی مخاطب‌شان را تشویق می‌کنند به مصرف کردن حتی اگر نیاز نداشته باشند؟

آره، این طوریه به نظرم».

بنابراین اگر چه حمایت از زیست محیطی، امر مطلوبی بوده، در نظر همه مستحسن و پسندیده شمرده می‌شود، اما گروه بی‌تی‌اس در این زمینه شعارها و عملش متفاوت بوده، پسران گروه از سویی با به نمایش نهادن اوج مصرف‌زدگی و رفاه بی‌اندازه در زندگی خودشان، و از سوی دیگر با تبلیغ مصرف‌گرایی در تبلیغات تجاری خودشان، در عمل مخالف شعارهای زیست محیطی که می‌دهند، اقدام کرده و می‌کنند.

## ۲-۲-۴- تلاش در جهت به انحراف کشاندن انتقادهای از نظام سرمایه‌داری

نظام سرمایه‌داری به دلیل ایجاد یک جامعه طبقاتی که در آن قشر اندکی با برخورداری از امکانات جامعه در رفاه کامل زندگی می‌کنند و اکثریت نابرخوردار، از امکانات لازم و بعضاً امکانات حداقلی زندگی نیز برخوردار نیستند، به شدت زیر سوال است، زیرا انسان‌های محروم، نه تنها از لحاظ امکانات در ضیق و تنگنا قرار می‌گیرند، بلکه به لحاظ روانی نیز با دیدن نابرابری‌هایی که آن‌ها را فراگرفته است، زندگی روانی ناآرام و متشنجی را تجربه می‌کنند.

در شرایط اخیر، احتمال پیوستن افراد ذره ذره شده در جامعه به هم و طغیان آن‌ها علیه نظام حاکم وجود دارد، از این رو حاکمان و اقشار برخوردار لازم می‌بینند که با مداخله پیش‌گیرانه در جهت حفظ منافع خود اقدام کنند و به شکل‌های مختلف امکان وحدت یافتن اقشار نابرخوردار با یکدیگر و مورد هجوم قرار گرفتن نظام سلطه توسط آنان را بگیرند.



در این میان یکی از تمهیدات مرسوم که مدنظر حاکمان جامعه قرار می‌گیرد، دادن آدرس‌های غلط به محکومان جامعه است تا آنان در زندگی پر رنج و تألم خویش به درستی پی به نقش ویرانگر حاکمان نبرند.

بررسی عملکرد گروه بی‌تی‌اس در این زمینه حکایت از آن دارد که گروه اخیر با دادن آدرس‌های غلط، به میزان زیادی در به انحراف کشاندن انتقادهای تیز و برنده به نظام سرمایه‌داری، موفق عمل کرده است.

با تحلیل آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، ملاحظه می‌شود که هیچ گاه عامل فقر و فاقه مردم جامعه، نظام سرمایه‌داری معرفی نشده، بلکه مخاطبان یا به «عصیان و اعتراض علیه نسل بزرگسال» دعوت شده اند و یا به «شورشگری» بی‌هدف تشویق شده اند که این دست از موارد هم به دلیل ناهماهنگی و آشفتگی به انجام مشخصی نخواهند رسید.

در زیر فرازهایی از آهنگ‌های «کودک درون»، «آیدل» و «دیگه چی» آمده اند. اطلاعات ارایه شده در این آهنگ‌ها حاوی آدرس‌های غلطی هستند که مخاطبان را در فهم دلایل نابرخورداری و فقرشان به اشتباه می‌اندازند:

«... ما به هیچ آموزشی نیاز نداریم،

به هیچ کنترل فکری نیاز نداریم،

و هیچ زخم زبانی در کلاس درس،  
معلم‌ها بچه‌ها را تنها بگذارید».  
«... انگشتت رو به سمتم می‌گیری، هیچ اهمیتی نداره،  
برام مهم نیست برای چی سرزنشم می‌کنی،  
من می‌دونم چی هستم،  
می‌دونم چی می‌خوام،  
هیچ وقت عوض نمی‌شم،  
هیچ وقت وارد بده بستون نمی‌شم،  
راجع به چی داری پرحرفی می‌کنی؟  
من کاری رو می‌کنم که می‌خوام، پس تو هم سرت تو کار خودت باشه».  
«... یکی می‌گه من آدم درستیم،  
یکی می‌گه من اشتباهیم،  
من اهمیت نمی‌دم،  
تو چطور؟  
خب که چی؟  
بی‌خیال، از همه اینا رد شو».  
فرازهای اخیر با معرفی نسل بزرگ‌سال به عنوان عامل دردها و رنج‌های جوانان جامعه، هواداران را تشویق به عصیان علیه آنان می‌کنند.  
در فرازی دیگر پسران بی‌تی‌اس با دعوت افراد ناب‌خوردار و رنج کشیده به شورشگری بی‌هدف، نوعی از «آنا‌رشیسم» را به افراد مخاطب پیشنهاد می‌کنند که هیچ هدف مشخصی جز ویرانگری بی‌سرانجام را تعقیب نمی‌کند.  
آهنگ‌های «آتش» و «دوپ»، شواهدی از سوق دادن عصیان جوانان به سمت ویرانگری و برخوردهای آنا‌رشیستی را به معرض دید می‌گذارند:  
«همه جا داره می‌سوزه،  
آتش، آتش، آتش، آتش،  
وقتی توی اتاقم از خواب بیدار می‌شم،  
هیچی ندارم،  
بعد از غروب ، وقتی راه می‌رم تلو تلو می‌خورم،  
من کاملاً مست مستم،  
تو خیابونا دری وری می‌گم،  
من زندگی رو باختم، من مثل یه دیوونه‌ام،  
همه چیز به هم ریخته، زندگی‌ام مثل بوق (سانسور) می‌مونه (سبک زندگی منشوری و غیرقابل پخش هست)،  
هر طور که می‌خوای زندگی کن، در هر حال زندگی خودته،  
(زیاد) تلاش نکن، بازنده بودن اشکالی نداره،  
همه بگین لا لا لا لا...  
بگین لا لا لا لا...  
دستاتون رو بالا ببرید، فریاد بزنید، آتیشش بزنید،  
همه جا داره می‌سوزه،  
همه چیز رو آتیش بزنید بووووووووو،

همه چیز رو آتیش بزنیید بووووووووووو،  
هی، آتیشش بزن،  
انگار که می‌خوای همه چیز رو بسوزونی،  
هی، ادامه بده،  
تا وقتی که صبح بشه،  
فقط زنده بمون چون ما هنوز جوان هستیم،  
من رو با افراد دیگه مقایسه می‌کنی، تو کی هستی که من رو مقایسه کنی؟  
من فقط یه آدمم،  
خب که چی،  
هر طور که می‌خوای زندگی کن، در هر حال زندگی خودته،  
[زیاد] تلاش نکن، بازنده بودن اشکالی نداره،  
همه بگین لا لا لا لا لا...  
بگین لا لا لا لا لا...  
دستاتون رو بالا ببرید، فریاد بزنیید، آتیشش بزنیید،  
می‌سوزه،  
همه چیز رو به آتیش بکشید، بووووووووووو،  
همه چیز رو به آتیش بکشید، بووووووووووو،  
(آتیش) همه شماهایی که زیاد ترس دارید، بیایید اینجا،  
(آتیش) همه شماهایی که رنج می‌برید، بیایید اینجا،  
تمام شب مشتاتون رو بلند کنید،  
(آتیش) راه‌پیمایی کنید،  
بپرید و دیوونه باشید،  
همه چی رو به آتش بکشید بووووووووووو،  
همه چی رو به آتش بکشید بووووووووووو،  
آتیش، آتیش،  
همه چی رو به آتش بکشید،  
آتیش، آتیش،  
همه چی رو به آتش بکشید،  
من تو را خواهم بخشید».



«جزو سامپو<sup>۱</sup> هستی یا جزو اوپو<sup>۲</sup>؟

من عدد شش رو دوس دارم ، می‌خوای منم جزو یوکیپو<sup>۳</sup> شم.

رسانه‌ها و بزرگ‌ترا می‌گن که ما اراده نداریم،

اونا باهامون درست رفتار نمی‌کنن،

چرا قبل این که تلاش‌مون رو بکنیم، ما رو می‌کشن ، دشمن، دشمن، دشمن،

چرا شماها این قدر راحت قبول می‌کنین، به خودتون بیاین، انرژی، انرژی، انرژی،

هیچ وقت تسلیم نشو، می‌دونی که تنها نیستی،

طلوع ما از روشنایی روز هم درخشان‌تره،

یه کم امید به خودت تزریق کن،

جوونیت رو هدر نده، بزن بریم».



## ۲-۳- اهداف اخلاقی- عقیدتی کمپانی بیگ‌هیت

«- تو صحبت‌هاات همه‌اش می‌گی یاد می‌گیرم، یعنی بی‌تی‌اس به نظرت این قدرت رو داره که بخواد یک سری اصول رو به ما یاد بده؟

---

<sup>۱</sup>- سامپو به افرادی گفته می‌شود که قید سه اصل عشق، ازدواج و بچه‌دار شدن را می‌زنند.

<sup>۲</sup>- اوپو هم به افرادی گفته می‌شود که قید پنج اصل عشق، ازدواج، بچه‌دار شدن، شاغل شدن و خانه خریدن را می‌زنند.

<sup>۳</sup>- یوکیپو افرادی اند که قید شش اصل عشق، ازدواج، بچه‌دار شدن، شاغل شدن، خانه خریدن و روابط اجتماعی را می‌زنند.

صد در صد، کافیه اعضاء بیان راجع به یک موضوعی حرف بزنن، واسه ما فن‌ها اون حرفاشون می‌شه منشور اخلاق اصلاً» (سما، ۱۹ ساله). از آنجا که باید نظام سرمایه‌داری را به صورت یک بسته کامل دید، نمی‌توان در مورد عامل مهم و مؤثر اعتقادی در رفتارهای اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و زیست‌محیطی انسان‌ها حرفی به میان نیاورد، زیرا اعتقادات دینی، اقتصاد را هدف غایی ندانسته، با اعتقاد به نوعی از سوسیالیسم، در عمل در تعارض با نظام سرمایه‌داری معاصر قرار می‌گیرد، همان‌گونه که سبک زندگی پیشنهادی در نظام سرمایه‌داری با سبک زندگی در یک نظام ایدئولوژیک متفاوت بوده، در سبک زندگی نخست، فردگرایی و رفاه و فراوانی مورد توجه است، در حالی که در سبک زندگی دوم، جمع‌گرایی و قناعت و نوعی از سوسیالیسم اجتماعی به پیروان پیشنهاد می‌شود، به همین ترتیب برخلاف دید زیست‌محیطی نظام سرمایه‌داری که به دنبال بهره‌برداری کامل از مواهب زمین، توجهی به تخریب زیست‌محیط ندارد، دیدگاه دینی برای زیست‌محیط احترام خاصی قایل است و هر نوع بی‌احترامی و تخریب در آن را نهی کرده، افرادی را که به زیست‌محیط خودشان آسیب می‌زنند، مفسد فی‌الارض دانسته، سخت‌ترین عقوبت‌ها را برای آنان قایل شده است.

جمعیت مورد بررسی در توصیف اهداف اخلاقی- عقیدتی کمپانی بیگ‌هیت، به طرح مواردی مانند: «بی‌توجهی ستاره‌های بی‌تی‌اس به دین»، «پررنگ کردن ابعاد مادی (و هم‌زمان کم رنگ کردن ابعاد معنوی) در چشم و دل هواداران»، «توجه ستاره‌ها به اخلاق نسبیت‌گرا»، «دامن زدن به برخی از سردرگمی‌های اخلاقی»، «اثربرداری کمپانی از اندیشه‌های ایلومیناتی»، «طرح غیرمستقیم خط‌مشی‌های لذت‌مدار»، «ایجاد وابستگی نسبت به ستاره‌ها»، «توهم زده کردن هواداران» و «تبلیغ بی‌هویتی جنسی» پرداخته اند.

مجموعه موارد بی‌توجهی به دین، پذیرش اخلاق نسبیت‌گرا و توجه خاص به مسایل مادی و شهوی، خود به خود بسیاری از افراد را از عرصه دین و معنویت‌گرایی دور می‌سازد. در ضمن، در صورت صحت پیش فرض برخی از مصاحبه‌شوندگان، دال بر اثربرداری کمپانی از اندیشه ایلومیناتی، از آنجا که اندیشه ایلومیناتی خود را در تعارض با دین می‌داند، شدت فاصله‌گیری هواداران تحت تأثیر کمپانی و گروه بی‌تی‌اس وی، زیاد شده، هواداران جدی گروه، نسبت به دین و دیانت کم توجه یا بی‌توجه می‌گردند. در ادامه، عناوین مورد اشاره مورد بحث قرار خواهند گرفت.

## ۲-۳-۱- بی‌توجهی ستاره‌های بی‌تی‌اس به دین

کمپانی بیگ‌هیت در جریان پردازش گروه بی‌تی‌اس، اگر چه تلاش دارد، ژست‌های روشنفکرانه‌ای به خود بگیرد، اما در یک خط‌مشی کلی برای ستاره‌های خود، ممنوع کرده است که آنان از مواردی مانند دیدگاه عقیدتی خویش، دیدگاه سیاسی خود، گرایش جنسی خویش و مانند آن، کم‌تر صحبتی به میان بیاورند، زیرا ارایه اطلاعات دقیق از افراد و کل گروه، سبب می‌شود افراد منطبق با خط‌مشی‌های ستاره‌ها، به علایق خود به آنان ادامه داده، اما افراد غیرمنطبق با خط‌مشی‌های صریح اعلان شده ستاره‌ها، به احتمال زیاد از آنان فاصله گرفته و هواداری گروه را وامی‌نهند. بنابراین ضرورت دارد که ستاره‌ها با «عدم طرح هرگونه اعتقاد و جهان‌بینی» خویش، در عمل همه مخاطبان را زیر پوشش خود حفظ کنند.

باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در توصیف برخی از ژست‌های روشنفکرانه گروه بی‌تی‌اس، اظهار می‌دارد:

«- از دیدگاه تو طرفدار کی‌پاپ بودن استانداردها رو بالا می‌بره؟ مثلاً بعضی افراد تو رسانه‌ها دیده می‌شن که دوست پسرشون شاکی ان از این قضایا 😊»

برای من بله، اکثر آرمی‌هایی که دیدم دنبال درس و کار ان و تو انتخاب دوست و پارتنر استانداردهاشون زیاد شده، مثلاً بی‌تی‌اس اون قدر برای زن‌ها احترام قایله که متن آهنگ‌ها رو با یه متخصص حقوق زنان چک می‌کنه که بی‌احترامی به زن‌ها توش نباشه. همین قضایا هست که باعث می‌شه استانداردهای ما بره بالا».

تینای ۱۹ ساله و سونای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، از تلاش ستاره‌ها دال بر عدم طرح دیدگاه عقیدتی خویش به قرار زیر یاد کرده اند:

«- پسران بی‌تی‌اس راجع به دین‌شون هم صحبت کرده اند؟ چون صحبت‌هایی که در این رابطه شنیدم یه مقداری تناقض داشته، بعضیا اعتقاد دارن که دین‌شون مسیحیه، بعضیا هم می‌گن که آتئیست هستن.

یادمه که همین چند وقت پیشا من توی توئیتر خوندم که بی‌تی‌اس هیچ وقت به صورت آفیشال (رسمی) نگفتن دین‌شون چیه، مثلاً تو یوتیوب یه بار یه ویدیو دیدم که خودشون حدس زده بودن با توجه به این که چه می‌دونم روی گردنبدن یکی‌شون صلیب دیدن، طرف شاید مسیحی

باشد. مثلاً دوتای دیگه رو گفتن که خب هیچ وقت هیچی مطرح نکردن، خب شاید اعتقادی نداشتن. ولی خب کلاً من تا جایی که می‌دونم خود کره‌ای‌ها یا همون مسیحی اینان یا از اینان که هیچ اعتقادی ندارن کلاً. بعد واقعاً اینا نمی‌تونن همچین چیزایی رو بگن دیگه و می‌دونم یه همچین حرفایی نزدن. حالا یا شایدم طرف خونده، من هنوز نخوندم. مثلاً من حالا با اعتماد به نفسم، همه چی رو خیلی رد نکنم. امکانش هست طرف بی‌دین باشه، چون خیلی از کره‌ای‌ها این بین‌شون هست که دین ندارن، شاید حتی از نصف بیش‌تر».



«- اعضاء در مورد دین خودشون چیزی نگفتن؟

اصلاً، اصلاً (با شدت فراوان) نگفتن و نبایدم بگن.

- چرا نباید بگن؟

اگه مثلاً مسیحی باشن ممکنه کلی طرفدار که مسلمون ان یا دین دیگه‌ای دارن رو از دست بدن. حتی اگه بگن خدا رو قبول دارن یا ندارن هم باز همینه. خیلیا که خدا رو قبول دارن، اگر متوجه بشن اینا خدا رو نمی‌پرستن، ممکنه دیگه فن اینا نباشن.

- در مورد نامجون چه طور گفتید که فکر می‌کنید اعتقادی نداره؟

ببینید در مورد دین‌شون هم دقیقاً همون کاری رو می‌کنن که در مورد گرایش جنسی‌شون کردن. نه گفتن هم‌جنس‌گرا هستن، نه گفتن نیستن. دین‌شون رو که اصن حرفی در موردش نزدن این که هیچی. بعیدم هست ازش چیزی بگن، در مورد خداپرست بودن یا نبودنم باز حرفی نزدن. ولی نامجو یه بار یه صحبتی کرد تو یکی از فن‌میتینگا که گفته بود من دینی ندارم، ولی خدا رو شکر می‌کنم، یعنی به خدا اعتقاد داره، ولی واضح گفته که دینی ندارم».

زهرای ۲۴ ساله و سونیای ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌های خویش، از تلاش ستاره‌ها دال بر عدم طرح گرایش جنسی خودشان، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- این که یک نفر از گرایش جنسی خودش حرفی نمی‌زنه خب معقول و منطقی هست، چون جزو شخصی‌ترین مسایل فرد هست. اما وقتی یک فرد در معرض این قرار می‌گیره که بهش بگن هم‌جنس‌گرا، اون هم با دیدگاه‌های غالباً منفی که شما هم عرض کردید، به نظر شما چرا سکوت می‌کنه و تأیید یا تکذیب نمی‌کنه؟

این جزو یکی از مواردی هست که تصمیمش با گروه نیست و کمپانی تصمیمش رو گرفته. ببینید کمپانی‌ها دنبال منفعت خودشون هستن. اگر هر گروه و یا فردی هم‌جنس‌گرا بودن یا نبودن خودش رو تأیید کنه، احتمال بسیار بالا، تعدادی از دنبال‌کننده‌های خودش رو از دست می‌ده و کمپانی حاضر نیست ضرر کنه، پس به خواننده‌های خودش اجازه بیان حقیقت رو نمی‌ده.

- چون ممکن هست که دنبال‌کننده‌هاشون رو از دست بدن؟

اگر بگن آره، ما هم‌جنس‌گرا هستیم با وجود اون دیدگاه‌های منفی که گفتم قطعاً طرفدارهاشون کم می‌شه. اگر هم بگن نه ما هم‌جنس‌گرا نیستیم، باز هم بازخوردهای منفی دیگه‌ای براشون به همراه داره از طرف افرادی که هم‌جنس‌گرا هستن... .

- در مورد دیدگاه‌های هم‌جنس‌گرایانه که پیرامون گروه وجود داره، چه نظری دارید؟

این که اعضاء هم‌جنس‌گرا هستن یا هم‌جنس‌گرایی رو ترویج می‌دن؟

- با توجه به مواردی که بقیه می‌گن شایعات درباره‌ی هر دو مورد هست. اگر نظر خودتون رو در مورد هر دو بگید، خیلی خوب هست.

من به شخصه مشکلی با همجنس گرایی ندارم، حالا یه سری می‌گن ترویج می‌دن این قضیه رو. تاحالا حمایت کردن از این افراد، اما نگفتن عضوی از این جامعه هستن یا نه.

پس من نمی‌تونم بگم که اینا ترویج می‌دن یا نه و نظر من درباره‌اش چیه، وقتی اصلاً بحثی از این نشده. درسته یه سری‌ها اینا رو به قول ما شیپ می‌کنن باهم، ولی خودشون این رو تأیید نکردن. من حمایت‌شون رو انکار نمی‌کنم، چون بارها خیلی مستقیم حمایت کردن مثل خیلی از گروه‌های دیگه و یا خواننده‌های دیگه کی‌پاپ».

«من یه دوستی داشتم فیلم خیلی زیاد می‌دید، بعد مثلاً از بازیگرای مرد خوشش می‌اومد، می‌رفت سرچ می‌کرد، در موردشون می‌خوند. اگر بازیگره ازدواج کرده بود یا هر رابطه‌ی دیگه‌ای که داشت، دیگه از اون بازیگره خوشش نمی‌اومد. البته نه این که خوشش نیاد، می‌گفت اون حسم از بین رفت. اون موقع بود که من متوجه شدم، چرا آیدولا نباید قرار بذارن یا گرایش جنسی‌شون رو بگن، چون تعداد طرفداراشون کم می‌شه».

ره‌ای ۱۸ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌های خودشان خاطرنشان می‌سازند که ستاره‌های بی‌تی‌اس از اعتقادات خودشان حرف نمی‌زنند و بالطبع بی‌توجهی اخیر در «بی‌توجه شدن هواداران نسبت به مقوله دین» و اخلاق تکلیف‌مدار دینی مؤثر واقع می‌آید. فربای ۴۶ ساله، از منظر دیگری وارد مقوله اخیر شده، در مصاحبه‌ای که دارد، بیان می‌دارد، اعضای بی‌تی‌اس (بدون آن که از دین حرفی بزنند) همواره شاد و خندان هستند که مسأله اخیر انگیزه بی‌توجه شدن به دین را در بطن خود دارد.

## ۲-۳-۲- پررنگ کردن ابعاد مادی (و هم‌زمان کم رنگ کردن ابعاد معنوی) در چشم و دل هواداران

از یک منظر می‌توان دنیا و آخرت را در تقابل نسبی با یکدیگر دید. به این معنا که آدمی با نزدیک شدن بیش از پیش به دنیا، خود به خود از ابعاد معنوی دور شده و برعکس، انسانی که در پی تحقق اهداف معنوی است، فرصت لازم را برای پرداختن به مادیات را نیافته، به طور نسبی از مواهب مادی فاصله گرفته و دور خواهد ماند.

بررسی عملکرد کمپانی بیگ‌هیت حکایت از آن دارد که کمپانی با انتخاب افراد جذاب و الزام کارآموزان خود به تمرین‌های ورزشی مستمر، رعایت رژیم تغذیه‌ای خاص، سپردن خودشان به دست تیغ جراحی و مانند آن‌ها، اهمیت ویژه‌ای برای زیبایی فیزیکی ستاره‌هایش قایل است. مضاف بر این مقدمات، کمپانی با انبوهی از زیورآلات و به کارگیری استایلیست‌ها و گریمورهای ورزیده، می‌کوشد تا چهره، اندام و کلاً هیبت ستاره‌هایش را به شکل بسیار زیبایی عرضه کند.

به تبع توجهات مفرط کمپانی به زیبایی‌های فیزیکی، هواداران گروه بی‌تی‌اس ترغیب می‌شوند تا پا در جای پای ستاره‌های مورد علاقه خودشان بگذارند و با پیش گرفتن رژیم‌های غذایی مفرط، پرداختن به ورزش و احیاناً سپردن خویش به دست تیغ جراح زیبایی، جذابیت مشابهی را به دست بیاورند.

تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، کمپانی در بطن پردازش زیبای ستاره‌های بی‌تی‌اس، اهداف خاصی را برای خود تعقیب می‌کند.

به تعبیر دیگر، کمپانی با توجه به زیبایی‌های جسمانی از سویی و مصرف‌گرایی از سوی دیگر و عمده کردن این موارد، در عمل هواداران خویش را در پله‌های ابتدایی هرم مزلو تثبیت ساخته، راه را برای ارتقاء و تعالی هوادارانش سد کرده و مانع از دست‌یابی آنان به زیبایی‌های معنوی می‌گردد.





## ۲-۳-۳- توجه ستاره‌ها به اخلاق نسبیت‌گرا

«ترویج نسبیت‌گرایی اخلاقی»، عنوان دیگری بود که توسط مصاحبه‌شوندگان پژوهش، ذیل اهداف اخلاقی - عقیدتی کمپانی بیگ هیت مطرح شده بود.

یکی از نظریات مطرح در جهان حاضر در مورد مسایل اخلاقی، نسبی‌گرایی اخلاقی است. نسبی‌گرایان اخلاقی معتقد هستند که هیچ اخلاق ثابت و تغییرناپذیری در جهان حاضر وجود نداشته و میل، سلیقه و یا قرارداد افراد در این میان تعیین‌کننده مسایل اخلاقی هستند. به تعبیر دیگر، در نظریه نسبی‌گرایی اخلاقی خوبی یا بدی و درستی یا نادرستی و باید و نبایدهای اخلاقی ثابتی وجود ندارد و همه موارد فوق وابسته به علایق و سلیق افراد و گروهی که افراد وابسته بدان هستند، هست.

نسبی‌گرایی اخلاقی در سه قرائت نسبیت‌گرایی توصیفی، نسبیت‌گرایی فرااخلاقی و نسبیت‌گرایی هنجاری مطرح شده است که همگی تفاسیر اخیر، در صدد تبیین عدم وجود بنیان‌های ثابت اخلاقی در جهان هستند.

ناقدان نظریه نسبی‌گرایی اخلاقی با تأکید بر این که زیربنای حسن و قبح، وجدان آدمی است و هر فردی وجدان را در وجود خویش احساس می‌کند، نسبی‌گرایی اخلاقی را رد می‌کنند. از نظر این ناقدان با پذیرش نسبی‌گرایی اخلاقی اولاً هیچ کار بدی نباید مشمول عقاب شود. ثانیاً هیچ کار خوبی هم نباید مشمول ثواب گردد و ثالثاً با ایجاد تردید در صحت و سقم تمامی امور انسانی، انسان‌ها به شکاکیت اخلاقی گرفتار می‌آیند. بنابراین به نظر می‌رسد، همان‌گونه که قوانین مدون جهان، مجرمان و مصلحان را یک‌سان ندیده و برای مجرمان عقاب و برای مصلحان ثواب را در نظر گرفته‌اند، باید نسبت به حسن و قبح اخلاقی مسایل پذیرش داشت. گروه بی‌تی‌اس از سویی به دلیل عدم اتکاء به دیدگاه‌های دینی یا دیدگاه‌های مدون اخلاقی، و از سوی دیگر به سبب تلاش برای انقلابی‌ظاهر شدن در چشم و دل مخاطبان نوجوان و جوان خویش، با نفی آنچه هست و اثبات نوعی از هرج و مرج طلبی فردی و اجتماعی (که پیش‌تر بدان اشاره شد)، در عمل هواداران ایرانی خویش را که در فرهنگی معتقد به حسن و قبح امور و اعتقاد به اخلاقیات ثابت تربیت شده‌اند، در ابتدا با طرح ایده‌های هنجارشکن خویش سردرگم کرده و در ادامه با القائات خود آنان را به سمت و سوی پذیرش نسبیت‌گرایی اخلاقی سوق داده‌اند.

در ارتباط با نظام سرمایه‌داری می‌توان بیان داشت، در این نظام بیش‌تر از آن که اخلاق و اخلاقیات مدنظر باشد، رقابت مدنظر است و بیش‌تر از آن که انسان یک موجود تکلیف‌مدار در نظر گرفته شود که در پی ارضای علایق معنوی خویش است، یک موجود لذت‌مدار تصور می‌شود که در نهایت در پی ترضیه حوایج نفسانی خویش است، بنابراین در نظام اخلاقی مورد توجه کمپانی، مواردی نظیر نسبیت‌گرایی اخلاقی، به عنوان یک امر طبیعی، انتظار می‌رود.

شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در عمل نشان می‌دهد که پذیرای اخلاق نسبیت‌گرای کمپانی شده است. مرضیه ۱۹ ساله هم در مصاحبه خودش، با بیان استفاده کمپانی از اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، به نوعی بر اخلاق نسبیت‌گرای کمپانی صحه می‌گذارد.

مهديه ۲۰ ساله نیز در مصاحبه خویش اظهار می‌دارد، از گروه بی‌تی‌اس یاد گرفته است که کسی را قضاوت و متهم نکند.

گلاره ۱۴ ساله، نیکو و دیبای ۱۵ ساله و تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان با طرح مقولاتی مانند آرایش پسران، هم‌جنس‌گرایی، مصرف الکل یا مواد مخدر و مانند آن‌ها، به صراحت اظهار داشته‌اند که کار این افراد به خودشان مربوط است و به آنان ربطی ندارد.

نگین ۱۳ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط بیان می‌کند:

«- برای خود شما اعلام مواضع جیمین چه احساس‌هایی ایجاد کرد؟

راستش برای من مهم نبود، آخه خوب اصلاً باشه به من چه، زندگیشه دیگه می‌خواد هر کاری بکند، اصلاً بگو بخواد نابود بکنه زندگی‌اش را، تا وقتی به من آسیبی نرساند، اصلاً مهم نیست».

برخلاف بیانات گلاره، نیکو، دیبا، تینا و نگین، باید بیان داشت که دلیل زندگی اجتماعی انسان‌ها، آسیب زدن یک انسان به خودش، نه تنها آسیب زدن به سرمایه‌های جامعه محسوب می‌شود، بلکه برمبنای یادگیری مشاهده‌ای، انجام رفتارهای غیرمعارف به یاد دادن آن رفتارها به

دیگران، خاصه کودکان و نوجوانان که به تفکر انتزاعی و انتقادی دست نیافته اند و در مرحله دیگرپیروی اخلاقی خویش هستند، انجامیده، می‌تواند بسیار آسیب‌زا عمل کند.



غزل ۱۶ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در عمل نشان می‌دهد، سرگرمی‌های طراحی شده متعددی که توسط کمپانی بیگ‌هیت برای هواداران ارایه شده اند، به شکل غیرمستقیم آنان را در پله‌های نخست هرم مزلو نگاه داشته و تثبیت کرده است، زیرا بعضاً کار هواداران در سرگرمی‌های پیشنهادی در تحلیل حرکات و سکناات فیزیکی و بدنی ستاره‌ها، تحلیل رفته است.

## ۲-۳-۴- دامن زدن به برخی از سردرگمی‌های اخلاقی

«سردرگمی اخلاقی»، موضوع دیگری بود که جمعیت تحقیق در مجموعه اثرهای اخلاقی - عقیدتی پسران بی‌تی‌اس، بدان اشاره داشتند. به این معنا که اگر چه اعضای گروه بی‌تی‌اس بعضاً شعارهای زیبایی می‌دهند، اما به نظر می‌رسد سردادن این شعارهای زیبا، بیش‌تر از آن که برای تحقق اخلاق در جوامع بشری باشد، برای جذب مخاطب و هوادار و حمایت تام و تمام از اهداف نظام سرمایه‌داری در داخل کره و در سطح جهان است.

پیش‌تر نمونه‌هایی از تعارض شعار و عمل گروه بی‌تی‌اس در مواردی مانند نفی نژادپرستی یا حمایت از زیست محیط مطرح شدند. باران ۲۰ ساله و عرفان ۲۱ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌هایی که دارند، به طرح تعارض‌های مشابهی پرداخته اند: «... نامجون می‌گه، اگر می‌خواهی بقیه رو دوست داشته باشی، باید اول خودت رو دوست داشته باشی، این رو خیلی دوست دارم و نامجون تو کنسرت هم یه بار گفت، از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید و کلاً راجع به سلف لاو خیلی صحبت می‌کنن. یونگی هم می‌گه، کسانی که رؤیایی ندارن، مشکلی نیست. مهم اینه که خوشحال زندگی کنین، اینم خیلی دوست دارم، یه موقع‌هایی می‌شه تو زندگی که حال آدم خوب نیست و خسته شده از دویدن و تلاش کردن و این جمله یونگی همیشه بهم امید می‌ده که مهم اینه خوشحال باشی و اینا. این آهنگ رو وقتایی که انگیزه‌ام پایینه گوش می‌دم، خیلی دوستش دارم. لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ استیل ویت یو از کوکیه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزنم».

«- عرفان قبلاً گفتی که بیش‌تر از آیدول جین تقلید می‌کنی تا چه حدی درباره اون تحقیق کردی و می‌شناسیش؟ جین قبل از این که بیاد عضو بی‌تی‌اس بشه، دوست داشت در آینده بازیگر بشه و تو تئاتر کار کنه. هیچ وقت فکرش رو نمی‌کرد که یه زمانی خواننده معروفی بشه. در حال حاضر جین از بهترین خوانندگان بی‌تی‌اس و خود کشور کره هست. چهره گروه از نظر زیبایی، شعار جین، بدون نگرانی زندگی کردن هست. اون می‌گه شما فقط یه بار زندگی می‌کنین و باید بدونین که زندگی تون هم خیلی سریع می‌گذره. - شعار جین دال بر بدون نگرانی زندگی کن رو توی زندگی شخصیت استفاده می‌کنی؟

من عاشق این شعارم. زندگی ممکنه خیلی کوتاه‌تر از آنچه که فکرش رو بکنیم، باشه. اگر آدم بدون نگرانی از دغدغه‌های مادی این دنیا بگذره، زندگی باکیفیت‌تر و اعصاب آرام‌تر و خونسردی بیش‌تری خواهد داشت».

باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش به نقل از یکی از ستاره‌های بی‌تی‌اس بیان می‌دارد «تنها باید خوشحال بود»، اما شادمانی در دو دیدگاه جهان‌بینی الهی و مادی از تفاوت اساسی برخوردارند. در جهان‌بینی الهی شادمانی در صورت ادای تکالیف فرد محقق می‌شود که البته این ادای تکلیف ممکن است با سختی‌ها و مشقات زیادی هم توأم باشد، اما در جهان‌بینی مادی، شادمانی عمدتاً مبتنی بر کسب لذات حسی (نظیر خوردن یک نوشیدنی گوارا) است. بنابراین فرد در تحریر می‌ماند که اساساً شادمانی که ستاره‌های بی‌تی‌اس از آن یاد می‌کنند، سنخ شادمانی معنوی است یا مادی. به همین ترتیب، عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش از شعار جین سخن می‌گوید که در بند دغدغه‌های مادی نباشید، در حالی که اعضای گروه، نه تنها شخصاً اوجی از مصرف‌زدگی را در زندگی خویش به نمایش می‌گذارند، بلکه گاهی مبلغ برندهای فوق‌العاده گران قیمتی می‌شوند که خرید کفش یا لباس مورد نظر، حتی از عهده بسیاری از افراد ثروتمند جامعه نیز بر نمی‌آید.

تعارضی مشابه آنچه در شعارها و عملکرد کمپانی و گروه آن ملاحظه می‌شود، در متن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس نیز ملاحظه می‌شوند، به این معنا که اگر چه پسران بی‌تی‌اس با دادن شعارهایی نظیر «خودت را دوست داشته باش» و موارد مشابه، می‌کوشند تا انگیزه و امید را در جوانان زنده نگه داشته و آنان را به سوی پیشرفت و تعالی راهنمون شوند، اما در موارد دیگری با بیان این که هیچ افق و چشم‌اندازی در فرارو وجود ندارد، یأس و افسردگی را بر آنان حاکم می‌سازند:

«... ماراتون، ماراتون،

زندگی طولانی، آروم حرکت کن،

در کل چشم‌اندازی وجود نداره،

تا نفس داری باید بدویی،

تو مجبوری، مجبوری،

عیبی نداره اگه متوقف شی و بایستی،

مجبور نیستی که بدون دونستن دلیل، بدوی» (فرازی از آهنگ «بهشت» از گروه بی‌تی‌اس).

طرح مواردی مشابه آنچه از آن‌ها یاد شد، حکایت از سردرگمی اخلاقی مخاطبان بی‌تی‌اس، خاصه مخاطبانی که در جوامع تکلیف‌مدار و جمع‌گرا به سر می‌برند، دارد.

## ۲-۳-۵- اثرپذیری (احتمالی) کمپانی از اندیشه‌های ایلومیناتی

موضوع «همکاری (احتمالی) گروه بی‌تی‌اس با سازمان ایلومیناتی» مقوله دیگری بود که برخی از مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره داشتند. از یک منظر می‌توان دیدگاه‌های انسان‌شناختی را به دو دسته تقسیم کرد. دیدگاه‌هایی که انسان را تکلیف‌مدار می‌دانند و دیدگاه‌هایی که انسان را تکلیف‌مدار نمی‌دانند.

غالباً دیدگاه‌های دینی و معنوی آدمی را تکلیف‌مدار دیده‌اند، به این معنا که از فرد دیندار انتظار داشته‌اند، در جهت اهداف دینی و معنوی که به اعتلاء رساندن خود، خانواده فرد، جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند و حتی جامعه جهانی خودش کوشش کند و در این مسیر حتی از احترام و پاسداشت زیست محیط اطراف و حتی زیست محیط جهانی‌اش نیز غافل نشود.

اما دیدگاه‌های غیردینی با کنار نهادن تکلیف‌مدار دیدن آدمی، وی را آزاد دیده‌اند و همین امر سبب شده است که آدمی هدف خویش را در این میان به اعتلاء رساندن لذات خویش بداند.

برخی از افراد مصاحبه شده، با تأکید بر اندیشه‌های ایلومیناتی<sup>۱</sup> و شیطان‌پرستی<sup>۲</sup> که جهت تبلیغ بیش از پیش خود متوجه سلبریتی‌ها و از جمله خوانندگان شده اند، دیدگاه بسیاری از خوانندگان مشهور را ملهم از جریان‌های اخیر دانسته اند که به این ترتیب خوانندگان وابسته به اندیشه ایلومیناتی و شیطان‌پرستی، در تضاد و تعارض با اندیشه‌های دینی قرار می‌گیرند، سحر ۱۵ ساله و شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان در همین رابطه بیان می‌داشتند:

«- به نظرت با توجه به این جو متشنج و ظلم‌های فراوانی که به ستاره‌ها می‌شه و حقوق انسانی‌شون زیر پا گذاشته می‌شه چه چیزی باز به افراد زیادی انگیزه می‌ده که آودیشن (آزمون) بدن و وارد این فضا بشن؟»

همون چیزی که من رو جذب می‌کنه. الآن من می‌خوام آیدول بشم، چون به کسانی هستن مثل من که از بچگی آرزوی خواننده شدن رو داشتن و بعد که با سبک کی‌پاپ آشنا شدن، تصمیم گرفتن آیدول بشن. چون فضایی که بهمون نشون می‌دن، خیلی رنگی رنگی و کیوته، خب جذبخ می‌شیم. گروه کی‌پاپ ان‌های پن، به آهنگ دارن که خیلی جنجالیه، همه به ریتم و آهنگش دقت کردن نه به متنش، در حالی که توی متنش خیلی چیزها هست، مثلاً توی بخش ریپش نیکی (یکی از اعضای گروه)، می‌گه که نورهای صحنه همه فیک هستن و پشت صحنه موسیقی سیاه و ترسناکه و کسی خبر نداره، بعد می‌گه که من مثل عروسک خیمه شب بازی، روی صحنه می‌رقصم. این یعنی آیدول‌ها کنترل می‌شن و چیزی که روی صحنه نشون می‌دن، واقعی نیست. یه چیز دیگه هم هست، الآن تمرکز دنیا و سازمان ایلومیناتی روی چندتا چیزه، یک پول‌پرستی، دو همجنس‌گرایی، سه معروف شدن. برای همین الآن یه جوری شده که مردم برای معروف شدن هر کاری می‌کنند و این به خاطر همین پیام‌های پنهانه، البته یه سری‌ها هستن که ذاتاً معروف شدن رو دوست دارن و از بچگی هم همین طور بودن و اون‌ها بحث‌شون جداسه. ایلومیناتی داره این چیزها رو می‌کنه اولویت اول مردم و یه جورهای حواس مردم رو کاملاً جذب این چیزها کردند.»

«- یعنی اعضای بی‌تی‌اس خداپرست نیستن؟»

<sup>۱</sup> - ایلومیناتی به معنای «روشن‌ضمیر» نامی است که به چندین گروه اعم از واقعی و ساختگی داده می‌شود. از نظر تاریخی، این نام معمولاً به باوارین ایلومیناتی اشاره دارد. باوارین ایلومیناتی یک انجمن مخفی در عصر روشنگری تأسیس شده در ۱ مه ۱۷۷۶ در بایرن بخشی از آلمان امروزی بود. اهداف این انجمن مقابله با نفوذ خرافه، ظلمت‌پرستی و نفوذ مذهب بر زندگی عمومی و سوءاستفاده از قدرت بود. ایلومیناتی در کنار فراماسونری و دیگر انجمن‌های مخفی به تشویق کلیسای کاتولیک، در ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۷، و ۱۷۹۰ با فرمان پادشاه بایرن ممنوع شدند. در سال‌های بعد این گروه از سوی منتقدان محافظه کار و مذهبی که ادعا می‌کردند فعالیت‌های آن‌ها به‌طور زیرزمینی ادامه دارد و مسؤول انقلاب فرانسه هستند با تهمت مواجه بود. در کاربرد بعدتر، ایلومیناتی به سازمان‌های گوناگونی اشاره می‌کند که مدعی بوده‌اند یا ادعا شده به ایلومیناتی باواریایی اصلی یا انجمن‌های مخفی مشابه وابسته هستند، گرچه این پیوندها بی‌پایه بوده‌اند. این سازمان‌ها اغلب متهم به دسیسه‌چینی برای کنترل امور جهان از طریق برنامه‌ریزی و هدایت رخدادها و نفوذ عوامل در حکومت‌ها و ابرشرکت‌ها به منظور به دست آوردن قدرت و نفوذ و ایجاد یک نظم نوین جهانی هستند. عنصر کلیدی برخی از نظریه‌های توطئه این است که ایلومیناتی در آن‌ها در سایه به تصویر کشیده می‌شود که همچون عروسک خیمه‌شب‌بازی در رمان‌ها، فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، کامیکس، بازی‌های ویدیویی و موزیک ویدیوها را در کنترل دارد.

<sup>۲</sup> - شیطان‌پرستی گروهی از باورهای ایدئولوژیک یا فلسفی است که هواداران آن، شیطان را یک طرح و الگوی اصلی و پیش از جهان هستی می‌پندارند. آن‌ها شیطان را موجودی زنده و با چند وجه از طبیعت انسان مشترک می‌دانند. شیطان‌پرستی را در گروه «راه‌چپ» و مخالف با «راه راست»، طبقه‌بندی می‌کنند. دست‌چپی‌ها به غنی‌سازی درونی خود در جریان کارهای‌شان معتقدند و نیز بر این باورند که در نهایت باید تنها به خود، جواب‌پس دهند؛ در حالی که دست راستی‌ها غنی‌سازی درونی خود را از راه وقف کردن و بندگی خود در برابر قدرتی بزرگ‌تر، به دست می‌آورند و باورشان این است که باید در برابر آن قدرت بزرگ‌تر، پاسخ‌گو باشند.

شیطان‌پرستی به جای اطاعت از قوانین خدایی یا قوانین فرستاده شده، عموماً بر پیشرفت فیزیکی خود با کمک الگوها و قوانین طبیعی تمرکز دارد. به همین دلیل بسیاری از شیطان‌پرستان معاصر از باورها و گرایش‌های ادیان گذشته اجتناب می‌کنند و بیش‌تر گرایش‌های خودپرستانه دارند، به گونه‌ای که خود را در مرکز هستی و قوانین طبیعی می‌بینند و بیش‌تر شبیه به مکاتبی چون ماده‌گرایی یا خودمحوری و جادومحوری هستند. به هر حال برخی از شیطان‌پرستان به‌طور داوطلبانه بعضی قوانین اخلاقی را انتخاب می‌کنند.

شیوه عملکرد شیطان‌پرستان گاهی شبیه به یک جریان وارونه سازی است که در آن برخی از کدهای اخلاقی رایج در جامعه، به شکل عمد دستخوش تغییر واقع می‌شوند. آن‌ها این شیوه را «شوک فرهنگی» می‌نامند و این عملکرد را بر اساس «نسبی‌گرایی اخلاقی» تفسیر می‌کنند.

بعیدم نیست نباشن، یعنی خب الان متأسفانه خواننده‌های معروف دنیا یا بازیگرانش شیطان‌پرست هستند اکثراً و بین‌شون خداپرست کمه، اتفاقاً من دیدم حتی اینا آرم مثلث رو خیلی گردن خودشون می‌اندازن یا انگشتراشون یا گوشواره‌هاشون یا گردن بند مثلثی دارن، یعنی می‌بینی که آرم شیطان خب و چون هیچ وقت هم حرفی از خدا زده نمی‌شه بین‌شون، نمی‌شه گفت خداپرستن یا چی، یعنی در واقع هر کی رو که معروف باشه، باید طرف سرمایه‌دارا باشه و شیطان پرست بشه، حتی یه بار یکی از خواننده‌های معروف دنیا توی کنسرتش علناً گفته بود شیطان پرسته. اینا در واقع در خدمت یه سریا هستن که اونا خودشون خدا رو قبول ندارن و مثل برده هستن».

بررسی اظهارات افراد مصاحبه شده در پژوهش، دلالت بر آن دارد که برخی از این افراد اساساً کمپانی بیگ‌هیت و گروه کی‌پاپ آن را طرف قرارداد با اندیشه ایلومیناتی می‌دانستند و معتقد بودند که اندیشه ایلومیناتی که شبیه نوعی از فراماسونری است، در اندیشه معنویت‌زدایی از جوامع بشری بوده، اندیشه‌های اقتصادی همسو با نظام سرمایه‌داری را پیگیری می‌کند.

حدیث ۱۴ ساله، در تشریح اهداف عقیدتی کمپانی از مواردی مانند: وساطت گروه کمپانی در القای القاتات ایلومیناتی به مخاطبان، دور کردن مردم از معنویات و تشویق به سوی شیطان‌پرستی و سوءاستفاده از آیدول‌ها و سلبریتی‌ها به عنوان ابزاری برای تحت کنترل در آوردن جامعه جهانی، یاد کرده است.

از منظر سحر ۱۵ ساله، تأثیر گسترده موسیقی بر ذهن انسان‌ها، سبب شده است که اندیشه ایلومیناتی متوجه صنعت موسیقی شده، تلاش کند تا از این طریق نیز بر ذهن انسان‌ها تأثیر بگذارد.

سرانجام شکوفه ۱۸ ساله در مصاحبه خود از «نفوذ کانون قدرت در هنر» و «تلاش کمپانی‌های بزرگ برای معنویت‌زدایی» به قرار زیر یاد کرده است.



### ۲-۳-۶- ایجاد وابستگی نسبت به ستاره‌ها

عنوان «اعتیاد» ناظر بر ایجاد وابستگی عمیق پدید آمده بین افراد هوادار و اعضای گروه بی‌تی‌اس و با ایجاد وابستگی جهت کاربری از محتواهای هرزه‌نگار است<sup>۱</sup>.

کمپانی هم‌زمان با کنترل حداکثری آیدول‌ها، متمایل به کنترل حداکثری هواداران نیز هست. به این معنا که اگر هواداران گروه، تنها در صورت عادی دست به حمایت از گروه خودشان بزنند، گروه موفق به کسب جوایز جشنواره‌های مختلف موسیقی نخواهد شد، اما اگر هواداران به گونه‌ای تربیت و هدایت شوند که حتی حاضر باشند، بلافاصله با نشر یک آهنگ از گروه بی‌تی‌اس، به شکل ۲۴ ساعته شروع به گوش دادن آن آهنگ

<sup>۱</sup> - وابستگی و اعتیاد هواداران منحصر به وابستگی به آیدول‌ها نبوده، سنخ دیگری از اعتیاد ایجاد شده در سطح هواداران، اعتیاد به محتواهای هرزه‌نگاری است که در صورت کاربری افراد از داستان نویسی (فن‌فیکشن)‌های هرزه‌نگار سایر هواداران، جور (شیپ) کردن ستاره‌ها، ایفای نقش (رول پلی و کی‌رول) و مانند آن‌ها رخ می‌دهد.

کرده و یا به شکل ۲۴ ساعته بخواهند در رأی‌گیری‌های مربوط به آهنگ‌های عرضه شده گروه، شرکت داشته باشند و با حاشیه‌سازی‌های مختلف، به حمایت افراطی از اعضای گروه بی‌تی‌اس برآیند، در این حالت، اهداف و منویات کمپانی بهتر و راحت‌تر محقق خواهند شد. ستاره‌ها و هوادارانی که مانند سربازان آماده، در خدمت کمپانی هستند، می‌توانند اهداف کمپانی مانند: طرح هویت مرزی جنسی، جنسیت‌زدایی از عشق، آرایش، پوشش و نظایر آن‌ها را محقق سازند. به همین ترتیب هواداران سر به راه، با پذیرش القابات آیدول‌های مورد علاقه‌شان، با مصرف برندهای تبلیغ شده آن‌ها، می‌توانند با مصرف‌زدگی خویش، سود هر چه بیش‌تر برندهای جهان سرمایه‌داری را تأمین کنند. مه‌لقای ۱۹ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از روندی یاد می‌کند که به نوعی از اعتیاد و وابستگی هواداران به ستاره‌های بی‌تی‌اس می‌انجامد: «- منظورت چیه می‌گی کمپانی کاری می‌کنه نتونی ازش بکشی بیرون؟

خب ببین یه چیزی که خیلی واضح، طبیعتاً تو هر چه قدر فن کی‌پاپ بیش‌تر باشه، سودش برای کره و صنعت موسیقیش بیش‌تره، حالا اینا چه پلنایی دارن و میان چه کارا می‌کنن... کاپیتالیسم و موسیقی مارکتی میان جایزه‌های مختلف می‌دارن مراسمای مختلف می‌دارن، برنامه‌های مختلفی و متنوعی درست می‌کنن با اون آیدول‌اشون و این مراسمای مختلف جشنواره‌های مختلف همه‌شون رأی‌گیری و جایزه داره، اون جایزه برای این که مثلاً یه نفر اون جایزه رو ببره براش رأی‌گیری وجود داره، نمی‌دونم چندمدل رأی‌گیری استریم زدن وجود داره، توی اسپاتیفای، نمی‌دونم توی یوتوب و توی پلتفرمای مختلف و این که یا مثلاً توی توئیتر خیلی چیزای مختلفی وجود داره و این که تو بخوای واردش بشی و از کسی که فشی حمایت کنی، یک سره درگیری و وارد یه سیکل معیوبی می‌شی که دائماً در حال رأی‌گیری هستی، این رأی‌گیری تموم می‌شه، رأی‌گیری بعدی، چه می‌دونم، فلان مراسم تموم می‌شه، مراسم بعدی و دائماً تو رو درگیر این داستان می‌کنه. بعد گروه‌های کی‌پاپ چون اکثرشون این طوری ان که تو فاصله خیلی کوتاه‌تری موزیک می‌دن تا مثلاً خواننده‌های غربی، یک گروه کره‌ای ممکنه توی یک سال، یه فول آلبوم بده با دوتا مینی آلبوم حداقلش، می‌دونی چی می‌گم؟ به خاطر همین تو دائماً درگیری، تو دائماً درگیر کام‌بک‌هاشونی، تو دائماً درگیر مراسمای مختلف‌شون هستی و اصلاً وقت نمی‌کنی به چیزای دیگه فکر بکنی و اینا به علاوه لاپوشونی‌هایی که می‌کنن، یعنی توی هالیوود کاملاً یه چیز عادیه که طرف درباره دوست دختر و دوست پسرش حرف بزنه یا توی رابطه باشه، ولی توی کی‌پاپ اصلاً به هیچ وجه این طوری نیست، یعنی نمی‌بینی که توی یک مراسمی حالا توی یک برنامه یا هر چیزی طرف بیاد درباره پارتنرش حرف بزنه، اصلاً همچین چیزی نداریم و خیلی چیزا در این وسط همه‌اش سانسور می‌شه، حتی رفتاراشون و شخصیتی که دارن هم خیلی وقت‌ها سانسور می‌شه و همه اتفاقات پشت صحنه هم به خاطر همین که میان گندا رو لاپوشونی می‌کنن و با برنامه‌های مختلفی که دارن، تو رو توی اون سیکله نگه می‌دارن توی اون دایره‌ه نگه می‌دارن که تو همه‌اش درگیر همین کی‌پاپ باشی». ریحانه ۱۶ ساله در گزارش خویش خاطرنشان می‌سازد، با انحلال گروه بی‌تی‌اس وی «از بین خواهد رفت». پونه ۱۸ ساله، در گزارش خویش در گامی فراتر، یادآور شده است، چنان وابسته اعضای گروه پسران شده است که در صورت بی‌اطلاع ماندن از اوضاع و احوال آن‌ها، خواهد مرد.

## ۲-۳-۷- توهم زده کردن هواداران

«توهم زده کردن هواداران» مورد دیگری است که برخی از افراد مصاحبه شده در اظهاراتشان به بیان آن پرداخته اند. به این معنی که برخی از افراد هوادار مصاحبه شده، اظهار می‌داشتند که مثلاً ستاره‌ها در اجراهایشان خطاب به هواداران گفته اند: «ما همیشه یه یاد شما هستیم»، «شما همواره تصور کنید که فردی در سئول هست که به شما فکر می‌کند»، «شما هواداران، ستاره‌های آسمان من هستید»، از این رو هواداران نیز با جدی پنداشتن این که فردی در سئول (بدون آن که کم‌ترین شناختی از آنان داشته باشد) به آن‌ها می‌اندیشد، در عمل در فضایی توهمی گام نهاده اند که این امر به سهم خود تبعاتی در بردارد.

راضیه ۱۵ ساله، رخساره ۱۶ ساله و ریحانه ۱۷ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خود به نوعی از توهم‌زدگی خویش یاد کرده اند. راضیه ۱۵ ساله، در فرازی از مصاحبه خود از مواردی یاد می‌کند که بیش‌تر از آن که منطبق با واقع باشند، نوعی از توهم زدگی را به نمایش می‌گذارند. مواردی مانند این که «آیدول‌ها ۲۴ ساعته نگران هواداران خویش هستند» یا داعیه این که «ما (آیدول‌ها) همیشه با شما (هواداران) هستیم» و یا ابراز نگرانی آیدول‌ها در مواردی مانند «سرما نخوردن هواداران» از این دست مصادیق به شمار می‌آیند.

زهرای ۱۶ ساله، در گزارش خویش از نوعی توهم‌زدگی عشقی یاد می‌کند:  
 «- تاحالا شده در ذهنت تصویرسازی کنی که مثلاً کنار اعضای بی‌تی‌اس هستی؟  
 آره خیلی، من واقعاً عاشق کیم تهیونگ هستم. مدام توی ذهنم تصور می‌کنم که کنارشم. باهم قدم می‌زنیم، جاهای مختلف می‌ریم و حتی کنار هم می‌خوابیم.  
 - در این تصویری که در ذهنت مجسم می‌شود، کیم تهیونگ به چه عنوانی کنار تو هست، دوست، همسر یا چیز دیگه‌ای؟  
 به نظرم همسر. خیلی دوست دارم حتی برم کره و ازش خواستگاری کنم».



ریحانه ۱۷ ساله در فرازی از بیانات خودش یادآور می‌شود، کمپانی در برخورد با هواداران با «ایجاد یک فضای توهمی برای آنان» در عمل با آنان بسان یک مهره شطرنج رفتار می‌کند.  
 توهم‌زدگی و تلاطم عواطف بسیاری از هواداران، کار را به جایی رسانده اند که شناخت آنان، در این میان مخدوش شده است و تنها عواطف آنان هست که راهبر آنان است.

## ۲-۳-۷- طرح غیرمستقیم خط‌مشی‌های لذت‌مدار

پسران گروه بی‌تی‌اس در طرح مواردی مانند خط‌مشی‌های عقیدتی- اخلاقی (و اقتصادی- سیاسی) خویش، جانب احتیاط را رعایت کرده، در موارد اخیر حرفی نمی‌زنند، اما بعضاً در اشکال غیرمستقیم، خط‌مشی‌های خویش (و به تعبیر دقیق‌تر کمپانی بیگ‌هیت) را مطرح می‌سازند.  
 مرضیه ۱۹ ساله نیز رواج داستان‌سرایی‌های هرزه‌نگار و نامناسب را خواست پنهان خود کمپانی (برای جذب مخاطبان بیش‌تر) می‌داند:  
 «- پسرها طرفدار همجنس‌گرایی هم هستن؟

آره خب، همون جور که غرب هست، اینا هم هستن و احترام می‌ذارن و حتی می‌گم رفتارهایش رو هم دارن و حتی یادمه یه بار یکی از اعضااشون لباسش رنگ پرچم ال‌جی‌بی‌تی‌ها بود و خودش گفت به خاطر علاقه‌ام بهشون و حمایت ازشون پوشیدم.



یه جورایی برده‌داری هستش دیگه، ولی برده‌های شیک و پیکن (باخنده)، و گرنه فرقی نداره هر چی کمپانی بگه، می‌کنن و می‌گن و می‌پوشن.





- به نظرت برخی فیکشن‌ها، نظیر فیکشن‌های اسمات به حریم خصوصی آیدول‌ها وارد می‌شوند؟  
بله، متأسفانه و این تجاوز به حریم شخصی و حتی شخصیت یک انسانه.

- چرا می‌گی شخصیت؟

فکر کن کسی که تو ریل لایف یه انسان شریف و خوش قلب و دل رحمه، تو فیکشن یه قاتل مازوخیسمی متجاوز.

- کمپانی نسبت به فیکشن‌ها و از این موارد که نقض حقوق آرتیسته، از تولید کننده و نویسنده‌های این محتواها شکایت نمی‌کنه؟  
آره، هایب بارها اخطار داده در خصوص ادیت‌های جنسی، تو این مورد خیلی به کمپانی گزارش شده که فکری به حال این افراد بکن و هر بار هایب اعلامیه داد که باهاشون برخورد و شکایت می‌شه، ولی هیچ اتفاقی نیفتاده و اون بیانیه‌ها، کلاً در حد همون بیانیه مونده و کمپانی هیچ‌وقت انجامش نداده که این خودش به تنهایی نشون می‌ده کمپانی نسبت آیدول‌هاش خیلی بی‌تفاوته».  
دیبا ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، اولین آشنایی وی با ال‌جی‌بی‌تی کیو، با خواندن داستان‌سرایی‌های هواداران بی‌تی‌اس در این جهت، حاصل آمده است:

«- دیبا جان آیا اهل فن فیکشن خواندن هستی یا نه؟

بله می‌خوانم چون کلاً از رمان به ویژه رمان عاشقانه خوشم میاد. یه برهه‌ای خیلیییی زیاد می‌خواندم، ولی خب داستان‌هاشون درست و حسابی بود نه الکی و چرت و پرت، ولی الان گاهی اوقات از برنامه واتپد که پر داستان و رمان هست، می‌رم و می‌خوانم.

- به جز ژانر عاشقانه از چه ژانرهای دیگه‌ای فن فیکشن می‌خوانی؟

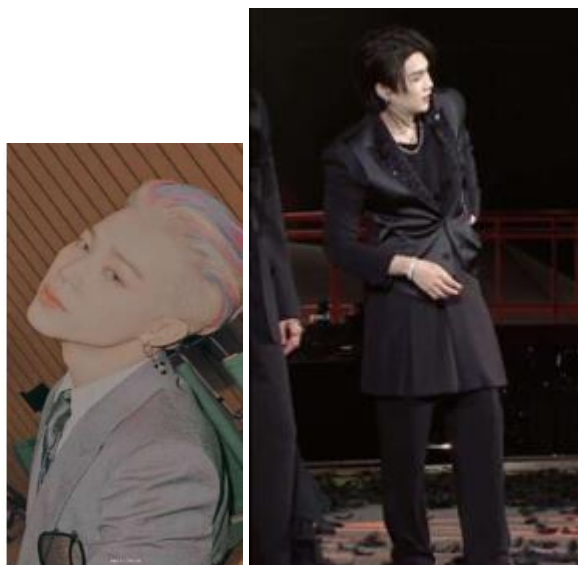
خب همون طور که گفتم، اولی‌اش عاشقانه است و بعد از اون خیالی و ومپایر (خون‌آشامی) و از این ژانرهاست که دوست دارم. درام و از این چیزها که تو فاز گریه و غم هست هم خوشم میاد و می‌خونم (می‌خندد). من بیش‌تر دختر و پسری می‌خوانم شاید یکی دوتا هم شده کاپلی بخوانم.

من کلاً درباره موضوع ال‌جی‌بی‌تی پلاس خیلی فکر کردم و تحقیق کردم باهاش سازش پیدا کردم. می‌دونم چون تو فرهنگ ما این چیزها خیلی عادی نیستن و کلاً خب کسی هم درباره‌اش از دوران کودکی حرف نمی‌زنن که برای آدم یه کم عادی بشه. برای همین برای من خیلی طول کشید تا باهاش سازش پیدا کنم.

- آیا قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم شناختی راجع به ال‌جی‌بی‌تی داشتی یا از طریق اون‌ها با این موضوع آشنا شدی؟

اممم خب اصلاً شروع آشنایی من با ال‌جی‌بی‌تی از طریق بی‌تی‌اس بود، چون اون زمان که طرفدار بی‌تی‌اس شدن خودم سنی نداشتم و اصلاً پیگیر این نبودم که برم ببینم اصلاً این مسایل وجود داره یا نه».

بنفشه ۲۰ ساله نیز در مصاحبه‌اش از حمایت‌های قابل توجه اعضای گروه بی‌تی‌اس از اقلیت جنسی یاد کرده است.



توجه گسترده به تک‌صحنه‌ها (وان‌شات‌ها) و داستان‌سرایی‌ها (فن‌فیکشن‌ها)، در جریان روابط متقابل کمپانی و هواداران، به نوع دیگری مؤید انقلاب جنسی و پذیرش انواع رفتارهای جنسی، بدون هیچ مانع و رادعی است.

مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود یادآور می‌شود که بی‌تی‌اس در صدد عادی‌سازی مقوله هم‌جنس‌گرایی در سطح جهان است. حدیث ۱۴ ساله نیز در تشریح تفاوت‌های تک‌صحنه و داستان‌سرایی‌های هواداران، خاطرنشان می‌سازد، خیلی از داستان‌های ۱۸ + (هرزه‌نگار) را هواداران زیر ۱۸ ساله بی‌تی‌اس تهیه می‌کنند و سایه ۲۱ ساله هم در مصاحبه‌اش از حجم ۶۰٪ داستان‌سرایی‌های هم‌جنس‌گرایانه هواداران یاد کرده است. پونه ۱۸ ساله، ضمن تأیید گستردگی هرزه‌نگاری در وان‌شات‌ها و فن‌فیک‌ها، از تحریک‌شدگی کاربران این محتواها یاد کرده است که در پی تحریک‌شدگی خویش، در عمل به دنبال اقدام جهت تخلیه هیجان‌های جنسی خویش برمی‌آیند.

شیپ (جور) کردن یا برقراری روابط فرضی بین اعضای گروه با خودشان یا عضو گروه با فرد دیگری، از دیگر موارد مطرح در فرهنگ عمومی کمپانی، گروه و هواداران است. به این معنا که کمپانی و گروه با انفعال و غالباً سکوت معنادار خود در این موارد و هواداران با تهیه متن‌هایی دال بر نزدیکی (دوستانه یا جنسی) دو ستاره یا ستاره و فردی دیگر، به شیپ کردن آنان می‌پردازند.

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در ارتباط با مقوله شیپ (جور) کردن، می‌گوید:

«- به نظرت چی باعث شد که نگاه‌شون نسبت به مقوله‌ی هم‌جنس‌گرایی تغییر کنه؟

نمی‌دونم، شاید چون کیوت به نظر میان از نظرشون. ضمن این که بعدها متوجه شدم کمپانی‌ها چه قدر هزینه می‌کنن تا یک شیپ تبلیغ بشه و مخاطب جذب بشه کار می‌کنن رو این مقوله‌ها دیگه. برای پول هرکاری می‌کنن».

غزل ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از معروف‌ترین شیپ‌ها (جور کردن‌ها) در فرهنگ عمومی هواداران بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- در مورد گی شیپ‌ها چی می‌دونی؟

(با خنده)، گی شیپ ان دیگه.

- منظورم اینه که واقعی ان یا تئوری خود فندومه؟

تو همین بی‌تی‌اس هزارتا شیپ هست. هر کدوم یه طرفداری دارن. همه شیپ‌ها هم گی و اینا نیست. ممکنه بگن مثلاً فرندشیپ‌شون قشنگه. ولی معروف‌ترینا مثلاً بی‌تی‌اس، ته‌کوک، ویکوکم می‌گن بهش به خاطر اسم ته‌یونگ که وی هم هست. ویمین<sup>۱</sup>، یونمین<sup>۲</sup>، سوپه<sup>۳</sup>، نامجین<sup>۴</sup>.

- تو خودت طرفدار کدومی؟

من یونمین (می‌خندد).

- فقط چون خودت دوست داری با هم شیپ‌شون می‌کنی یا خبری هست واقعاً؟

نه. یونمین واقعیه. (می‌خندد). مشخصه».

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش، هم‌زمان با طرح شیپ کردن‌ها، به طرح فن‌آرت می‌پردازد که غالباً پردازش هنری همان مباحث پیشین، در سطح ستاره‌ها است.



کی‌رول، مقوله دیگری در فرهنگ کمپانی، گروه و هواداران به شمار می‌رود. در کی‌رول برخلاف شیپ کردن‌ها که روابط دو ستاره به طور فرضی پردازش می‌شود، افراد در نقش فرد مورد علاقه خودشان ظاهر شده و با استفاده از نام همان فرد، شروع به برون‌ریزی عواطف و احساسات خود کرده و این نقش بازی کردن از سوی هر دو طرف رابطه پی گرفته می‌شود. تجربیات انجام شده در این جهت، دلالت بر آن دارند که این نوع از ایفای نقش‌ها بدون حاشیه پیش نمی‌روند.

## ۲-۳-۸- تبلیغ بی‌هویتی جنسی

طرح «هویت مرزی جنسی یا بی‌هویتی جنسی» مقوله مهم دیگری است که برخی از هواداران مصاحبه شده در جریان اظهاراتشان به آن اشاره داشته‌اند.

<sup>۱</sup> - ته‌یونگ و جیمین

<sup>۲</sup> - یونگی و جیمین

<sup>۳</sup> - شوگا (یونگی) و جیهوپ

<sup>۴</sup> - نامجون و جین



هویت مرزی جنسی، هویت جدیدی است که می‌توان به افرادی با ویژگی‌های حد واسط مرد و زن اطلاق کرد. اعضای گروه بی‌تی‌اس با وجود آن که مرد هستند، اما به دلیل آن که طبق دستور کمپانی، از آرایشی نسبتاً زنانه سود می‌برند (و مثلاً حتی یک تار مو بر صورت و پای آن‌ها ملاحظه نمی‌شود)، و بعضاً رفتارهای جنس مخالف را در خود به نمایش می‌گذارند (صدای نازک، کاربری از طلاجات و زیورآلات دیگر، علاقه به رنگ‌های روشن، رنگ‌آمیزی غیرمعارف موهای سر) و گاهی هم رفتارهای افراد هم‌جنس‌گرا را در خود به معرض دید می‌نهند، در صدد طرح هویت جدیدی هستند که شایسته نام‌گذاری هویت مرزی یا بی‌هویتی جنسی است.

عرفان ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، شکل‌گیری هویت جنسی مرزی را دستورالعمل «ستاد فرماندهی نظام لیبرال سرمایه‌داری» عنوان می‌کند که کمپانی بیگ‌هیت نیز به سهم خود در صدد اجرای آن است.

احسان ۱۷ ساله در مصاحبه‌اش از برخی از رفتارهای پسران بی‌تی‌اس، نظیر رنگ کردن موها و آویزان کردن طلاجات به خودشان یاد کرده است.

محسن ۲۴ ساله در بیانات خویش از علایق اعضای گروه بی‌تی‌اس به مواردی مانند: کاربری از رنگ‌های روشن زنانه و رنگین کردن موهای خودشان یاد کرده است.

فریبای ۴۶ ساله هم در گزارش خویش از ستاره‌های بی‌تی‌اس، با استناد به این که ستاره‌ها بعضاً گریم کرده هستند و از رنگ مو سود می‌برند و صدای مردانه ندارند، با عنوان افرادی که تصویر جدیدی از مردانگی ارایه کرده اند، یاد می‌کند.

هواداران دیگری هستند که خود را موظف می‌دانند از هویت مرزی جنسی که اعضای گروه بی‌تی‌اس تحت زعامت کمپانی بیگ‌هیت به ارایه آن پرداخته اند، به نوعی دفاع کرده و کار آنان را توجیه کنند.



رخساره ۱۶ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، مبتنی بر تربیت هیجان‌مداری که در جریان هواداران از گروه بی‌تی‌اس از آن برخوردار شده است، دست به توجیه ظواهر صوری و رفتاری اعضای گروه بی‌تی‌اس می‌زند.

گلاره ۱۴ ساله در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، او حتی اگر از محتوای آهنگی خوشش نیاید، باز هیجان دیدن تیپ پسران، او را وادار می‌کند که به تماشای موزیک ویدیوی گروه بی‌تی‌اس بپردازد.

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد حرکات جنسی ستاره‌های بی‌تی‌اس در برخی از اجراهایشان، وی را به شدت هیجان زده کرده، مسعود ۲۰ ساله نیز خاطرنشان می‌سازد، ظواهر زنانه اعضای بی‌تی‌اس، حتی در تحریک جنس مخاطبان مرد مؤثر واقع می‌آیند. در یک جمع‌بندی اجمالی از مباحث مطرح شده باید بیان داشت، با ملاحظه بستر کلی (نظام سرمایه‌داری کره و نظام سرمایه‌داری جهانی) که کمپانی بیگ‌هیت در آن قرار دارد، این بستر الزام‌های سیاسی-اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و اخلاقی-عقیدتی خاصی را به کمپانی دیکته می‌کند که کمپانی نیز با انتقال انتظارات جهان سرمایه‌داری از گروه کی‌پاپ خویش به نام بی‌تی‌اس، در صدد تحقق انتظارات یاد شده برمی‌آید. در بررسی اجمالی که در همین رابطه در میدان تحقیق صورت پذیرفت، مصاحبه شوندگان در زمینه اهداف اقتصادی-سیاسی کمپانی بیگ‌هیت به طرح مواردی مانند: «تلاش در جهت کسب درآمد برای کمپانی»، «اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری کشور کره جنوبی» و «اقدام در جهت حمایت عملی از نظام سرمایه‌داری جهانی» پرداختند.

جمعیت مورد بررسی در بررسی اهداف فرهنگی-اجتماعی کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن به بیان مواردی مانند: «به رخ کشیدن قدرت فرهنگی کره»، «تلاش در جهت گسترش فرهنگ لیبرالی»، «تلاش در جهت ایجاد جذابیت‌های فرهنگی-اجتماعی برای نظام سرمایه‌داری» و «تلاش در جهت به انحراف کشاندن انتقادات از نظام سرمایه‌داری» مبادرت ورزیدند و سرانجام پاسخ دهندگان در بررسی اهداف اخلاقی-عقیدتی کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن، به قرار زیر سخن گفتند: «بی‌توجهی ستاره‌های بی‌تی‌اس به دین»، «پررنگ کردن ابعاد مادی (و همزمان کم رنگ کردن ابعاد معنوی) در چشم و دل هواداران»، «توجه ستاره‌ها به اخلاق نسبیت‌گرا»، «دامن زدن به برخی از سردرگمی‌های اخلاقی»، «اثربرداری (احتمالی) کمپانی از اندیشه‌های ایلومیناتی»، «ایجاد وابستگی نسبت به ستاره‌ها»، «توهم زده کردن هواداران»، «طرح غیرمستقیم خط‌مشی‌های لذت‌مدار» و «تبلیغ بی‌هویتی جنسی».

کمپانی بیگ‌هیت از سویی جهت تحقق منویات خود که کسب سود حداکثری است و از سوی دیگر در صدد تحقق اهداف دیکته شده نظام سیاسی کره و در ادامه نظام سیاسی سرمایه‌داری جهانی است، از این رو باید با اتکاء به خلاقیت مسوولان خویش به طرح گروهی اقدام می‌ورزید که ضمن پیشی گرفتن از رقیبان کی‌پاپ در داخل کره، در سطح جهان قابل رقابت با گروه‌های پاپ و غیرپاپ غربی باشد. بالطبع تشکیل گروهی با مختصات یاد شده، نیازمند طراحی گروهی است که باید از ویژگی‌های خاص بسیاری، نظیر شناخت دقیق نقاط عطف مخاطبان نوجوان و جوان، ارتقای صنعت موسیقی به صنعت سرگرمی، سوق دادن ستاره‌های گروه به سمت بلاگری سبک زندگی -که با کاهش شدید حریم خصوصی آنان توأم است-، به نمایش کشیدن چندبعدی و چندوجهی بودن ستاره‌های گروه، تعمیق روابط متقابل ستاره‌ها و هواداران، دادن رنگ عاطفی و عاشقانه به روابط هواداران و ستاره‌ها، تلاش در جهت ارایه محتوایی نسبتاً متفاوت توسط گروه بی‌تی‌اس، تلاش در جهت ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری در گروه بی‌تی‌اس و مانند آن‌ها، برخوردار باشد تا در رقابت با رقیبان داخلی و خارجی، قادر به عرض اندام و پیشی گرفتن از آن‌ها باشد.

اما نکته مهمی که در مسیر پردازش گروهی یکتا و بی‌همتا وجود دارد، مسأله فشارهای طاقت‌فرسایی است که در جریان پردازش گروهی با مختصات پیش گفته، به اعضای گروه مورد نظر وارد شده و خود را می‌نمایانند. به عنوان مثال، الزام کمپانی به ارایه سرویس به هواداران در مسیر ارتقای صنعت موسیقی به صنعت سرگرمی، الزام پرهیز از ازدواج کردن و حتی داشتن قرار ملاقات با جنس مخالف برای دادن رنگ عاطفی به روابط ستاره‌ها و هواداران آن‌ها، الزام کاهش حریم خصوصی ستاره‌ها در جریان تبدیل آنان از خواننده به صورت یک بلاگر سبک زندگی، الزام پرداختن به اشتغالات مختلف برای به نمایش کشیدن چندوجهی بودن اعضای گروه، پذیرش برخورد ابزاری کمپانی با ستاره‌ها (نظیر اتخاذ یک موضع سیاسی خاص طبق نظر حاکمان سیاسی کره و نظام سرمایه‌داری بین‌المللی)، الزام ورود در برخی از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی (نظیر همکاری با یونیسف، سخنرانی در سازمان ملل، دیدار با مقامات سیاسی داخل یا خارج کره) برای به نمایش کشیدن چندبعدی بودن ستاره‌ها، الزام پرهیز از بیان اعتقادات و حتی بیان گرایش جنسی خویش (برای راضی نگه داشتن طیف‌های مختلفی که در بین هواداران وجود دارند)، الزام عدم اعتراض به تناقض شعارهای کمپانی و عملکرد آن (نظیر نفی نژادپرستی اما عملکرد نژادپرستانه کمپانی، تبلیغ دوست داشتن خویش اما تبعیت از رژیم‌های سخت غذایی برای ستاره‌ها، تبلیغ نداشتن دغدغه‌های مادی، اما به نمایش نهادن اوج مصرف‌گرایی در ستاره‌ها؛ تبلیغ حمایت از زیست‌محیط، اما داشتن عملکردی ضد محیط‌زیستی و نظایر آن‌ها).

عناوینی که به اجمال از آن‌ها یاد شد، نمونه‌هایی از مشکلات جدی هستند که در سر راه پردازش گروهی یکتا و بی‌همتا ملاحظه می‌شوند. بنابراین کمپانی پیش از روی صحنه فرستادن گروه خویش، باید به گونه‌ای در صدد تربیت کارآموزانش برآید که در برابر انبوه تناقض‌های موجود بین شعارها و عملکرد کمپانی، فشارهای کاری شدید اعمال شده بر ستاره‌ها، بی‌توجهی به سلامت جسمانی اعضای گروه، بی‌توجهی به بهداشت روانی ستاره‌های گروه، ایفای نقش و نقش بازی کردن ستاره‌ها در برابر هواداران، برخورد ابزاری کمپانی با ستاره‌ها و مانند آن‌ها، مقاوم باشند. بررسی‌های میدانی انجام شده در همین ارتباط، به طرح مفهوم جدید هویت ربات مانند (هویت رباتیک) انجامید.

افراد اخیر که از هویت ربات‌مانند برخوردار شده‌اند، تنها و تنها مجری اهدافی قرار می‌گیرند که بدان‌ها دستور داده شده است. دستورهای اخیر می‌توانند از تبلیغ این کالا و آن کالا گرفته تا اتخاذ خط‌مشی سیاسی خاصی (نظیر محکوم کردن سیاست‌های کره شمالی) و تا الزام ستاره‌ها به استفاده از آرایش‌های زنانه و نمایش رفتارهای هم جنس‌گرایانه، گسترده باشند.

کمپانی با برخورداری از افرادی که بسان ربات عمل می‌کنند، می‌تواند گروهی بی‌همتا را رقم بزند، به این معنا که ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس، طبق فرمان کمپانی، نه تنها با شرکت در مواردی مانند: فن‌میتینگ، فن‌ساین، جشن فستا، جشن تولدهای پرشکوه، شرکت در برنامه‌های زنده اینترنتی (لایوها) و نظایر آن‌ها شرکت دارند، بلکه برای تحقق منویات اقتصادی، کمپانی، تبعیت تام خود را از مسوولان کمپانی به نمایش گذاشته، از انجام مدلینگ و تبلیغات تجاری گرفته تا برگزاری کنسرت‌های مشترک با سلبریتی‌های غربی و اجرای تورهای جهانی، شرکت فعال داشته باشند و در راستای تحقق اهداف سیاسی کمپانی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی گسترده را پیشه خویش کرده، ستایش مستقیم و غیرمستقیم از نظام سرمایه‌داری، فردگرایی افراطی نظام‌های سرمایه‌داری و مانند آن را در دستور کار خود قرار دهند. از سوی دیگر پسران گروه بی‌تی‌اس، با هویت ربات‌مانند خویش، اهداف فرهنگی کمپانی، نظیر تلاش برای جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق را نیز به منصفه ظهور می‌گذارند و در پی تحقق اهداف کمپانی در این جهت برمی‌آیند.



در فصلی که با عنوان هویت ربات مانند (رباتیک) مطرح شده است، تلاش کمپانی برای حل تعارض میان پردازش گروهی بی‌همتا از سویی و ظرفیت تحمل مشکلات فراروی این پردازش از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است و ابعاد مختلف هویت جدیدی که کمپانی با اتکاء به آن، موفق به پیش‌برد اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی، عقیدتی و زیست محیطی خویش شد، مورد واکاوی و بحث قرار خواهد گرفت.



### ۳- در مسیر یکتایی

در جهان حاضر کمپانی‌های بسیاری در عرصه‌های گوناگون اقتصادی تا هنری و ورزشی وجود دارند که وجه مشترک همگی آنان، تلاش در جهت پیشی گرفتن از رقبا و ظاهر شدن به شکلی پویا، بی‌همتا و یکتا هست.

یکتا بودن و بی‌همانندی سبب می‌شود، کمپانی‌های مورد نظر، به تمامی اهداف مدنظر خود جامه عمل پوشانده و بدان‌ها دست یابند. کمپانی بیگ‌هیت نیز در بستر جامعه سرمایه‌داری کره، در صدد برآمد گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس خود را در جمع گروه‌های کثیر دیگری که هر یک به سهم خود از جذابیت یا جذابیت‌های قابل توجهی برخوردار بودند، ارایه کرده و از آن‌ها نیز سبقت گیرد، زیرا این امر سبب می‌شد نه تنها گروه وی، در تحقق اهداف اقتصادی آن موفق ظاهر شود، بلکه سایر اهداف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و حتی زیباشناختی کمپانی نیز موفق عمل کند.

بالطبع از آنجا که در رساندن یک پیام، باید شناخت کافی و وافی را از روش‌های پیام‌رسانی و ویژگی‌های پیام‌گیرنده داشت، مسوولان کمپانی بیگ‌هیت بر آن شدند که ضمن شناخت نوجوانان و جوانان به عنوان اولین جامعه هدفشان، از روش‌های مناسب برای پیام‌رسانی بدان‌ها سود برده، پیام‌های خویش را بدان‌ها انتقال دهند.

بررسی میدانی آرای هواداران گروه بی‌تی‌اس در مورد پسران گروه، حکایت از آن دارد که مسوولان کمپانی در جریان پردازش گروه، نه تنها به شناخت عمیق مخاطب خویش وقوف داشته و در این زمینه رقیب‌های جدی خود را پشت سر نهاده اند، بلکه در روش‌های پیام‌رسانی نیز به انتخاب روان‌شناختی‌ترین و مؤثرترین روش‌های ممکن رو آورده و دست زده اند تا به این ترتیب بتوانند موفق‌تر از دیگر گروه‌های کی‌پاپ در عرصه موسیقی کره و موسیقی جهانی ظاهر شوند.

بررسی آرای جمعیت مورد بررسی در زمینه چگونگی پردازش گروهی یکتا و بی‌همتا از گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت، به عناوین زیر رسید که در ادامه به بحث اجمالی آن‌ها پرداخته خواهد شد:

شناخت دقیق روان‌شناسی نوجوان و جوانان، به معرض دید نهادن زیباترین چهره‌های جامعه در برابر مخاطبان، پرداختن به مسایل نوجوان و جوانان، کمک به بهبود حال بد نوجوان و جوانان، انگیزه‌بخشی به نوجوان و جوانان، امیدبخشی به نوجوان و جوانان، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، ارتقای اعتماد به نفس نوجوان و جوانان، پیش‌گرفتن فعالیت‌های نودوستانه و خیرخواهانه، پیش‌گرفتن فعالیت‌های اجتماعی، پیش‌گرفتن فعالیت‌های زیست محیطی، برخورد تسامح‌آمیز با دیگران، مقابله با نژادپرستی و تبعیض جنسیتی، تلاش در جهت جهانی شدن و جهانی ماندن، ارضای هیجان‌جویی جوانان، فعالیت در جهت سرگرم‌سازی هواداران، تربیت خلاق هواداران، به نمایش نهادن چندوجهی بودن اعضای گروه، طرح ستاره‌ها به مثابه الگو، فرانساز مطرح کردن پسران گروه بی‌تی‌اس، ادغام کی‌پاپ و کی‌درامر، پیش‌گرفتن تبلیغات جذاب در طرح گروه، تعمیق رابطه با هواداران، ایجاد وابستگی عاطفی در هواداران، ایجاد هویت جمعی جدید در سطح هواداران، توهم‌زده کردن هواداران، ایجاد فضایی نسبتاً مبهم، مضامین و اجراهای نسبتاً متفاوت کی‌پاپ با پاپ غربی، تلاش در جهت ارایه محتوایی نسبتاً متفاوت، تنوع موضوعی موسیقی بی‌تی‌اس، رعایت نسبی ادب در محتوای موسیقی بی‌تی‌اس، ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری در بی‌تی‌اس.

### ۳-۱- شناخت دقیق روان‌شناسی نوجوان و جوان

«یه نکته بگم ما نوجوان‌ها یه دوره خیلی سختی رو می‌گذرونیم، یه دوره‌ای که واقعاً حال‌مون بده، ببین دلیل خاصی نداره‌ها، ولی انگار می‌زنه به سرمون، ولی واقعاً به چشم دیدم هم کلاسی‌های خودم وقتی میان از تجربه خودشون می‌گن که حال‌مون بد بود و هیچی حال‌مون رو بهتر نمی‌کرد تا این که با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدیم و یکی از دلایلی که می‌تونه در این موضوع تأثیر بذاره که می‌گن، اکثر کسانی که طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن، بچه‌های زیر ۱۵ هستن به خاطر اینکه که بیش‌تر این افراد با این گروه حال می‌کنن، واقعاً می‌تونه غم و غصه رو کم کنه و به خاطر همین برای تمام آرمی‌ها عزیزه» (پریناز، ۱۸ ساله).

سن نوجوانی سن بحرانی و پرتلاطمی برای نوجوان (و خانواده‌اش) به شمار می‌رود. نوجوان در عین آن که درگیر تحولات فیزیکی قابل توجه در سطح بدنش هست، درگیر تحول‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و عقیدتی نیز هست. مضاف بر همه این‌ها که اطلاعات پیشینی در مورد آن‌ها وجود داشته است، مطالعات جدید مبتنی بر تصویربرداری‌های مغزی از تحول‌های شدید مغز نوجوان در اوان بلوغ یاد می‌کنند.





مطالعات جدید اخیر دلالت بر آن دارند که به دلیل تفاوت در میلی‌نی شدن و تکمیل سلول‌های عصبی مغز نوجوان در قسمت‌های شناختی و عاطفی و هیجانی وی، نوجوان مستعد بروز واکنش‌های هیجانی شدیدی است که مراکز شناختی به دلیل کامل نشدن، اثرگذاری جدی روی رفتارهای هیجانی اخیر را ندارند. مضاف بر این، به اوج رشد رسیدن قشر خاکستری مغز و هسته آکومینس (که می‌توان آن را مترادف مرکز لذت مغز دانست)، سبب می‌شود، نوجوان لذت‌های مختلف را در اوج خودش تجربه کند، حال آن که به دلیل کاهش ضخامت قشر خاکستری مغز و خاصه هسته آکومینس، تکرار اوج لذت نوجوانی در بزرگسالی فرد به همان شکل، امکان‌پذیر نیست.

آنچه از آن یاد شد، موجد افزایش رفتارهای ریسک‌پذیر و هیجانی در نوجوان خواهد شد و این در حالی است که به دلیل عدم شناخت تحول‌های مغزی نوجوان توسط اولیاء، وی از سوی آنان، به دلیل انجام رفتارهای اخیر، غالباً به چالش کشیده می‌شود.

مضاف بر آنچه از آن سخن رفت، تحول چرخه خواب در دوران نوجوانی عامل زیستی دیگری است که اسباب تکدر خاطر نسبی فرزند و اولیا را فراهم می‌آورد. به این معنا که در هنگامی که اولیاء به سبب افزایش ملاتونین (هورمون خواب) مغزشان نیاز به خواب یافته و به بستر می‌روند، کمی ملاتونین در مغز نوجوان، وی را بیدار نگه می‌دارد و در زمانی که زیادی ملاتونین در مغز نوجوان، وی را متمایل به ادامه خواب می‌کند، در آن زمان ملاتونینی در مغز اولیاء وجود ندارند و بنابراین آنان بیدار هستند، در نتیجه باز هم عدم فهم تحولات زیستی خاصی که در مغز نوجوان بروز می‌یابند، موجبات برخی از نقدهای دیگر در اولیاء نسبت به نوجوان را فراهم می‌آورند.

گذشته از تحول‌های مغزی و تحول چرخه خواب نوجوان، تحول‌های عاطفی و روانی نوجوان، ممکن است به درستی از سوی اولیاء فهم نشده، موجبات نقد و یا در سطحی فراتر درگیری اولیاء و نوجوان‌شان را فراهم آورد. به عنوان مثال، بسیاری از روان‌شناسان سن نوجوانی را سن نفی و انکار قلمداد می‌کنند، مثلاً هانری وال با یاد کردن از سن نفی و انکار در دوره نوجوانی، بیان می‌دارد، نوجوان برای اثبات وجود خویش در برابر اولیاء، به نه گفتن می‌پردازد تا به این ترتیب در عمل به اولیای خویش نشان بدهد که اگر اولیاء تا اوان بلوغ، دست به امر و نهی به فرزندشان می‌زدند و وی از آنان تبعیت می‌کرد، اکنون فرزند دیگر از مرحله تبعیت و دیگرپیروی خود گذشته و به مرحله استقلال‌طلبی و خودپیروی خویش رسیده است و ضرورت دارد که برای تجربه ایستادن روی پای خودش، با نفی سیطره اولیاء بر خودش، به نوعی هویت مستقل خویش را تجربه کرده و رقم بزند.

منزوی شدن نسبی نوجوانان در اوان بلوغ، باز ممکن است موجبات درگیری اولیاء با نوجوان‌شان را فراهم آورد و اولیاء تصور کنند، علت انزوای فرزندشان، مثلاً عاشق شدن وی است! در حالی که در خود فرورفتگی و انزوای نوجوان در واقع فرصتی برای تأمل درونی برای او فراهم می‌آورد که ببیند به عنوان یک شهروند زن و یا مرد، در آینده‌ای نزدیک در جامعه‌اش، باید از چه ارزش‌هایی برخوردار باشد.

استقلال‌طلبی نوجوان در عین هیجان‌جویی‌های وی، علاقه نوجوان و جوان به جنس مخالف، اهمیت یافتن گروه همسالان برای نوجوان و تحقق از شیر گرفتگی روانی (به معنای گسستن نسبی از خانواده و ارزش‌های آن و ورود به جمع همسالان)، هر یک به سهم خود ممکن است قضاوت بدبینانه اولیاء نسبت به نوجوان‌شان را دامن بزنند و مجموعه این عدم فهم‌ها و قضاوت‌های زود هنگام روابط اولیاء با فرزندشان را مخدوش و دچار بحران سازد.

مضاف بر موارد یاد شده، مواجهه نوجوان با فضای مجازی و برخورد وی با ویتترین زندگی بسیاری از افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، نوجوان را با واقعیات اغراق شده‌ای مواجه می‌سازد که نوجوان به دلیل کم تجربگی خود، ممکن است آن‌ها را منطبق با واقع تصور کند و از سوی دیگر، چون نوجوان مشابه آن موارد را در زندگی خویش نمی‌یابد (نظیر صبحانه خوردن در یک رستوران لاکچری، صرف ناهار در یک

رستوران لاکچری دیگری، شرکت در یک میهمانی پرشکوه در شب همان روز، رفتن به سفرهای خارجی، تهیه البسه و پوشاک برند و نظایر آن‌ها)، تکدر خاطری را در خویش احساس می‌کند که قسمت‌هایی از این تکدر خاطر ممکن است در خانواده نیز مطرح شده و اسباب سردی و یا در سطحی بالاتر، محکوم کردن اولیاء را به دلیل عدم تهیه امکانات پیش‌گفته برای نوجوان فراهم آورد.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، نوجوان در بدو ورود به جامعه به سبب آن که از منظر نظریه پیاژه در سن آرمان‌گرایی خویش است و به تعبیری مسیحایی شدن را تجربه می‌کند، با ملاحظه شکاف طبقاتی، رانت‌خواری بسیاری از مسوولان و اقربای آنان، فساد اقتصادی و نظایر آن، ممکن است سرخورده شده و به خشم درآید.

علاوه بر این، نوجوان در بدو ورود به جامعه، با ارزش‌های اجتماعی (نظیر ضرورت جذابیت بدنی افراد، خاصه زنان) مواجه می‌شود و به سبب آن که همه دختران جذابیت و زیبایی مورد نظر جامعه را در دوران بلوغ خویش به دست نمی‌آورند، این مسأله اسباب نگرانی و کاهش اعتماد به نفس قشر جوان، به ویژه دختران را فراهم می‌آورد.

مجموعه آنچه که به اجمال از آن یاد شد، نوجوان را بدانجا سوق می‌دهد که به سبب اختلاف‌هایی که بین خود و اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای اجتماعی خودش (و حتی دیگر کشورهای جهان) می‌بیند، احساس سردرگمی و حتی یأس کند.

بروز تحول‌های مغزی در نوجوانان از سویی و تحقق تحول‌های فیزیکی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی که نوجوان در کوران بلوغ زیستی خود به تجربه آن‌ها می‌پردازد، از سوی دیگر، در مجموع شرایط بغرنجی را برای غالب نوجوانان پدید می‌آورند.

علاوه بر آن چه جوان را به سمت شرایط بی‌ثبات و نامتعادل سوق می‌دهد، غالب اولیاء نیز به دلیل نشناختن تحول‌های پیش‌گفته (خاصه تحول‌های مغزی نوجوان خودشان)، غالباً وارد نوعی از چالش و درگیری با جوان‌شان می‌گردند که بحران نوجوانی را تشدید و مضاعف می‌کند.



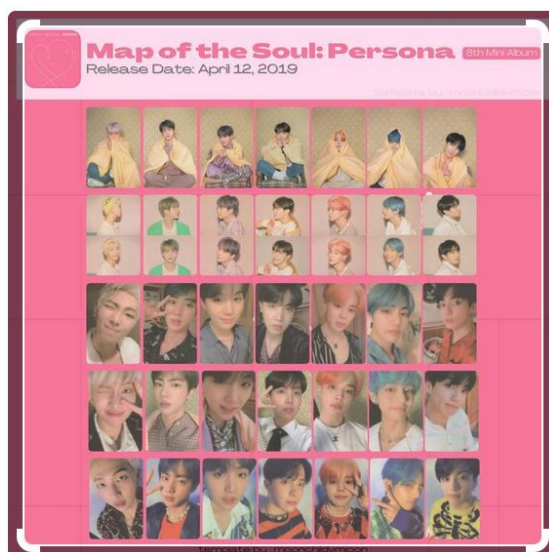
در این میان اگر فرد یا گروهی به دفاع و حمایت از نوجوانان برخیزد و منادی احترام، عزت و شخصیت دادن به آن‌ها باشد و آنان را انسان‌های موفق فردا معرفی کند، بالطبع به شدت مورد توجه نوجوانی قرار می‌گیرد که به دلیل عدم فهم درست تحول‌های مختلف نوجوانی از سوی اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای جامعه، غالباً با دیده تردید و نفی و انکار نگریسته می‌شود.

کمپانی بیگ‌هیت با توجه به سردرگمی اخیری که نوجوانان و جوانان غالب نقاط جهان با آن روبرو هستند، وظیفه انگیزه دادن، امیدبخشی و حمایت از نوجوانان و جوانان را به گروه موسیقی بی‌تی‌اس خود داد تا ضمن حمایت از این قشر گسترده اجتماعی، در عمل خودشان را نیز به عنوان سردمداران رهبری جوانان قرار داده و معرفی کنند تا در ادامه به عرضه ایدئولوژی خودش به نوجوانان و جوانان اقدام ورزد.

دیپای ۱۵ ساله، فاطمه ۱۷ ساله و زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، از طرح دغدغه‌های نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- آیا به جز مفاهیم دوست داشتن خود و جریان داشتن زندگی، بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به موضوعات دیگه هم اشاره می‌کنن یا نه؟ معمولاً آره. ام درباره این جور مسایل می‌خوانه که مثلاً من کی هستم، یعنی همون چیزی که اکثر نوجوون‌ها یا حتی جوون‌ها درگیرش هستن که الان تکلیف من چیه، من چه نقشی توی جامعه دارم، از نظر شخصیتی چه جوریم، چه قدر مورد قبول جامعه قرار می‌گیرم و مردم درباره

من چی فکر می‌کنم و این جور چیزها. خود آرم هم گفته که با چنین موضوعاتی درگیر بود، برای همین بیش‌تر راجع به این موضوع می‌خونه، مثلاً توی آهنگ پرسونا<sup>۱</sup> می‌گه که «من کی‌ام؟ این سوال‌ایه که من همیشه از خودم می‌پرسم».



به جز تأثیر نسبی‌ای که بی‌تی‌اس روی دوست داشتن خود توی شما داشته، آیا اثرات دیگه‌ای هم از سمت بی‌تی‌اس روی شما وجود داشته؟ من قبلاً خیلی از خودم ایراد می‌گرفتم و دایم به خودم می‌گفتم که من چرا این جوریم یا مثلاً باید دماغم رو عمل کنم، ولی الان اصلاً دیگه اون جور نیستیم و شدتش خیلی کم شده یا این که وقتی خودم رو با بچه‌های دیگه و هم‌سن‌وسال‌هام توی مدرسه می‌سنجم، احساس می‌کنم که زندگی رو خیلی آسون‌تر می‌گیرم و چیزهای مثبت بیش‌تری رو درباره خودم و زندگی نسبت به بقیه می‌بینم».

«- محتوای آهنگ‌های بی‌تی‌اس چیه؟

همه آهنگ‌های جهان مشخصاً مضمون‌های تقریباً یک‌سانی دارن، و بیش‌تر آهنگ درباره عشق هستن، حالا یا در طلب عشق و وصل یا در رابطه با روابط عاشقانه و یا عشقی بوده که از دست رفته و یا درباره شکست عشقی. ولی اون چیزی که توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس همه رو جذب کرد، این بود که به خودتون علاقه داشته باشین، خودتون رو دوست داشته باشید و برید دنبال علاقه و استعدادهاتون. مثلاً حتی توی یکی از آهنگاش که اسمش «نو» بود، می‌گفتند: «ما رو توی مدرسه‌ها حبس کردن و توی جاهایی که هیچ تعلقی بهشون نداریم، شما برید دنبال چیزهایی که خودتون فکر می‌کنید خوبه، زیاد به مدرسه‌ها وابسته نباشید، برید دنبال موضوعی که خودتون دوست داشته باشید و به دنبال علاقه‌هاتون» و این موضوعات جدید خیلی فن‌ها رو جذب کرد و توجه بچه‌ها به اونا خیلی جلب شد».

«- دغدغه‌هایی که تو شعرهاشون ازش صحبت می‌کنن، بیش‌تر در ارتباط با چه مواردی هستن؟

بخوام خیلی کلی بگم مفهوم شعرهاشون خوبه و خب دغدغه‌هایی که ازش صحبت می‌کنن در مورد زندگی روزمره و واقعیت‌هایی هست که تو خیلی از جوامع وجود دارن.

- امکانش هست، مثالی رو در موردش بیان کنید؟

بله، مثلاً تو چندتا از شعرهاشون درباره‌ی دخالت بزرگ‌ترها تو تصمیمات کوچک‌ترها صحبت می‌کنن، در مورد این که بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها رو تحت فشار می‌گذارن برای این که مسیر آینده‌شون رو طوری انتخاب کنن که خودشون می‌خوان، یعنی مطابق میل خود بچه نباشه و در آخر هم می‌گه باید دنبال علاقه خودتون برید و چیزی که دوست ندارید، نباید به شما تحمیل بشه یا مثلاً اعتماد به نفس داشتن یا مفهوم یه لیریک<sup>۲</sup> معروفش اینه که فقط هدف رو نبیین و از مسیر رسیدن به هدف لذت ببر یا این که زندگی ادامه داره».

<sup>۱</sup>- Intro: Persona (2019)

<sup>۲</sup>- Lyric

سونیای ۱۷ ساله، در گزارش خود خاطرنشان می‌سازد، گروه بی‌تی‌اس در آهنگ‌هایش به طرح مشکلاتی می‌پردازد که بسیاری از نوجوانان و جوانان به شکل عینی با آن‌ها روبرو هستند:

«- موضوع آهنگ‌های بی‌تی‌اس معمولاً چیه؟»

چون این هفت نفر سن‌شون زیاد نیست، انگار می‌دونن که جوونا و نوجوونایی که دارن در حال حاضر زندگی می‌کنن، چه مسایلی براشون پیش میاد. مثلاً یکی افسرده شده، یکی از ظاهر خودش راضی نیست و می‌خواد خودش رو تغییر بده، یکی اعتماد به نفس نداره، یکی دوست داره کارایی رو انجام بده که بهشون علاقه داره، ولی خب تو فضایی قرار گرفته که کنترل می‌شه، یعنی اختیار نداره که بره سمت چیزایی که دوست‌شون داره و من بین دوستانم می‌بینم که این طور چیزا وجود داره.

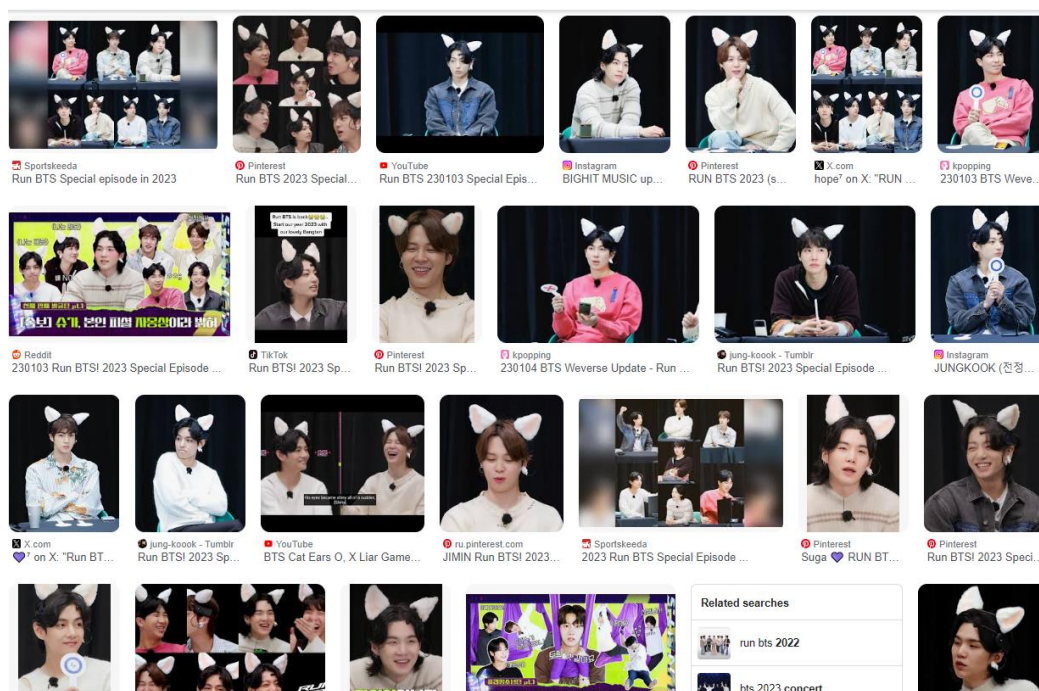
وقتی آهنگایی گوش می‌دی که مشکلات خودت توشون وجود داره، اون حس خوب رو می‌گیری ازش».

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خود از پاسخ پسران بی‌تی‌اس به نیاز نوجوانان و جوانان به حواس‌پرتی یاد کرده و فرشته ۱۸ ساله نیز در همین راستا تأکید کرده است که گروه بی‌تی‌اس دنیای تین‌ایجری زیبایی را در اختیار مخاطبان خویش قرار می‌دهد.

«... من یه زمانی بود که حالم خوب نبود، سیگار می‌کشیدم، ولی سیگار اون تأثیری رو نداشت که بی‌تی‌اس داشت، اوکی سیگار شاید آرومت کنه، اما این چندتا پسر آنرمال (غیرعادی) (باخنده) کره‌ای، باعث می‌شن که من بخندم و خنده بر هر درد بی‌درمان دواست: کاری که خنده‌هاشون با آدم می‌کنه صدتا مسکن و مورفین نمی‌کنه.

- (باخنده) چرا غیر طبیعی؟

شوخی می‌کنم جدی نگیر، فقط به این خاطر خیلی بانمک ان و بازیگوش و اهل مسخره بازی».



«... حتی قدرت خوانندگی، سرعت رپ و استقامت دنس‌شون، همه چیزهایی بود که می‌شد یه نفر رو فن‌شون کنه.

- واقعاً توی کارشون خوب بودن یا فقط شما همچنین مسأله‌ای رو احساس کردی؟

آره خوب بودن، ولی می‌شه گفت دوتاش، نه برای من بلکه همه، همین طور که الان شنیده می‌شه کی‌پاپ سر زبون‌ها افتاده، به خاطر سبک و استایل خاص‌شون، پس تاحدودی عامه‌پسند هست و خودمم در کنار این‌ها خیلی دوس‌شون داشتم و دارم.

- خوب به نظرت شیفتگی تو به کی‌پاپ از چه زمانی جدی‌تر شد؟



از همون سن ۱۳ سالگی، تابستون بود و قطعاً تفریح خاصی نداشتیم و چی بهتر از یک دنیای جدید و کامل و قشنگ و تینیجری».



ترانه و پریناز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، از اثر مثبت گروه بی‌تی‌اس در کاهش افسردگی و فراتر از آن، در کاهش خودکشی جوانان یاد کرده اند:

«بی‌تی‌اس چه طوری توی کشور کره جا باز کرد؟

در بین مردم کشور کره، آمار خودکشی خیلی بالا بود، خصوصاً بین نوجوانان، به خاطر این که شیوه سخت رقابتی برای درس خوندن وجود داره، درس خوندن توی کره خیلی سخته و فشار عصبی زیادی از طریق والدین به بچه‌ها وارد می‌شه، در حوزه کاری هم فشارهای زیادی دارن، در واقع هر کسی نمی‌تونه در کشور کره زندگی کنه، یک زندگی خاص با نظم و شیوه و سیستم خاص، من با یک دانشجوی اوکراینی صحبت می‌کردم، با وجودی که بورسیه شده بود و در کره درس می‌خواند، نتونست اونجا دوام بیاره، مجبور شد خسارت بده و برگرده. کی پاپ سبک نوجوان داره و بیش‌ترین کسی که به این شاخه پر و بال داد، بی‌تی‌اس بود و در زمینه کاهش افسردگی و خودکشی نوجوانان خیلی مؤثر بود. توی فن‌میتینگ‌ها خیلی از جوان‌ها می‌اومدن و می‌گفتن: «ما می‌خواستیم خودکشی کنیم و به خاطر بی‌تی‌اس برگشتیم یا به خاطر حرفایی که می‌زنن، الآن ما زنده‌ایم».



«من از دوستانم شنیدم که یکی شون می‌گفت، سه بار تجربه خودکشی ناموفق داشته، ولی خب بی‌تی‌اس براش دلیلی برای زندگی کردن شده و این برای من خیلی جالبه و این که می‌گفت خیلی خودش رو دوست داره و می‌گفت، یاد گرفته حال بد و مشکل، توی زندگی همه هست و خودکشی راه درستی نیست و امیدش به زندگی بالا رفته و من بعد از بی‌تی‌اس، واقعاً می‌تونم بگم خیلی عاقل شدم و توی شرایط سخت خیلی راحت‌تر با مشکلاتم کنار میام و خودم رو نمی‌بازم و هیچ وقت جا نمی‌زنم و خیلی قوی شدم».



سمانه ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور می‌شود، جوانان سردرگم در مواجهه با شعار «خودت را دوست داشته باش» گروه بی‌تی‌اس، ناگهان به ارزش وجودی خویش پی برده، مقاومت فزون‌تری در برابر ناملایمات در خود احساس می‌کنند. شبنم ۲۵ ساله نیز با تکرار مباحث مشابه، از اثر مثبت شعار اخیر روی خودش یاد کرده است. برخی از هواداران، از ویژگی‌های دیگری در گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند که این ویژگی‌ها برای آنان راهگشا واقع شده اند. ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، جوانانی که در خانه و جامعه به دلایل مختلف سرکوب می‌شدند، در گروه بی‌تی‌اس که بدون هیچ قضاوت و توهینی با آنان برخورد می‌کرد، می‌توانستند خودشان باشند. احسان ۱۷ ساله نیز با اشاره به تفاوت دو جنس در بسیاری از خانواده‌ها، شعار تساوی دو جنس بی‌تی‌اس را که مانع از احساس خودکم بینی و خسران جنس مؤنث می‌شد، ارزشمند ارزیابی می‌کند، به همین ترتیب ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به این که بی‌تی‌اس به وی و دوستانش جرأت و جسارت مقابله با مشکلات را داده است و احساس مستقل بودن را برای آن‌ها امری در دسترس ترسیم می‌کند، از این مسأله با دیده رضایت یاد می‌کند.

### ۳-۲- به معرض دید نهادن زیباترین چهره‌های جامعه در برابر مخاطبان

«- زهرا چی شد که به بی‌تی‌اس علاقه‌مند شدی؟»

(می‌خندد) راستش رو بگم؟

- بله.

خیلی جذاب بودن.

- از چه نظر جذاب بودن؟

ظاهری. نمی‌تونم راحت‌تر از این بگم. به حدی جذاب ان که همین الانم حاضرم کلیه‌ام رو بفروشم، یه شب کنار کیم تهیونگ باشم» (زهرا، ۱۶ ساله).

به سبب سیطره هیجانی که بر جوانان حاکم است و خاصه به دلیل آن که نوجوانان ممکن است، هنوز از تفکر عینی خویش به سمت تفکر انتزاعی سوق نیافته باشند، به ابعاد عینی و ظاهری، توجهی بیش از حد از خود نشان می‌دهند. از این رو تقریباً تمامی صنعت موسیقی و سینما، با عطف توجه به ابعاد ظاهری و فیزیکی افرادی که در صنعت موسیقی و یا فیلم حضور می‌یابند، به ویژگی‌های صوری و جذابیت‌های اولیه فیزیکی آنان توجه می‌کنند تا اگر محتوای ارایه شده آنان نیز در مخاطبان رضایت خاطر ایجاد نمی‌کند، حداقل ویژگی‌های ظاهری ستاره‌های به کار گرفته شده برای آنان راهگشا واقع شده، مخاطبان با توجه به ارضای بصری خویش، رضایتی نسبی را از خود به نمایش بگذارند.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خود از جذب ابتدایی خویش به صنعت کی‌دراما از طریق دیدن ستاره‌های سینمایی کره (که بعضاً ممکن است خوانندگان کی‌پاپ هم باشند)، یاد کرده است و الناز ۱۲ ساله و بهاره ۱۴ ساله، در گزارش خویش علت اولیه جذبشان به گروه بی‌تی‌اس را ملاحظه چشم‌های درشت، اندام استخوانی و دیگر جذابیت‌های فیزیکی ستاره‌های این گروه عنوان کرده اند.

بنابراین جذابیت فیزیکی ستاره‌ها از موارد مهم و قابل توجهی هست که بسیاری از نوجوانان و جوانان با اتکاء بدان جذب گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت شده اند.



ریحانه ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد که اصولاً از گذشته تاریخ در کشور کره، زیبایی چهره افراد، مسأله مهمی شمرده می‌شد و بقایای این سنت تا امروز ادامه داشته است:

«از قدیم الایام، فرهنگ کره‌ی جنوبی و حتی به کل، آسیای شرقی به این شکل بوده که به زیبایی ظاهر توجه زیادی می‌شده. لباس‌ها و طراحی کاخ‌ها و باغ‌ها، همچنین هنرهای تاریخی این منطقه مثل نقاشی، و حتی تأکیدشون روی زیبایی الهه‌ها و اشخاص مورد پرستش‌شون در ادیان‌های قدیمی و تاریخی‌شون و... اینا همه نشون دهنده‌ی این هست که این توجه به زیبایی‌های ظاهری، تاریخچه‌ی قدیمی‌ای در این کشور داره. حتی گفته شده که مردم کره در قدیم، عقیده بر این داشتن که پادشاهان و امپراطور، نباید صورت و بدنی زخمی داشته باشه. صورت یک پادشاه یا ملکه، باید بدون نقص می‌بود و یک شخص به طور مثال با صورتی زخمی، ابداً شایستگی حکومت رو نداشته. این نگرش با مقداری تغییرات، تا به الآن باقی موندن. در حال حاضر هم به نوعی عقیده بر این هست که یک آرتیست، چهره‌ی یک کشور و چهره‌ی یک هنر هست. پس قطعاً باید دارای یک چهره‌ی زیبا و بدون نقص و مقبول باشه تا مورد پذیرش افراد جامعه‌ی کره‌ی جنوبی هم قرار بگیره<sup>۱</sup>».

<sup>۱</sup> - البته علت دیگری که کمپانی‌های سینمایی و موسیقی کره، روی طرح ستاره‌های زیبارو، زیباقامت و زیباجامه تأکید دارند، دید عینی هواداران کم سن و علایق جوانان به مسایل هیجانی، از جمله مد و زیبایی است که به این طریق می‌توانند افراد بیش‌تری را جذب خویش کنند.

مهدیه ۲۰ ساله در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، وی در سن کم، به سبب جذابیت لباس‌های مجلل بازیگران سریال «یانگوم» متوجه کی‌درام شد، اما وقتی در سن بالاتر همان سریال را می‌دید، متوجه مواردی انتزاعی‌تری شده بود که در دوره نوجوانی خویش به دلیل سیطره دید عینی و مسایل ملموس بر ذهنش، متوجه آن‌ها نشده بود:

«- اولین سریال کره‌ای که دیدی چی بود؟

خیلی بچه بودم و زمانی بود که یانگوم یا همون جواهری در قصر رو نشون می‌داد. اون اولین سریال کره‌ای بود که من دیدم در زندگیم و اصلاً اولین سریالی بود که من کامل پیگیرش بودم.



زهرای ۲۴ ساله در اظهارنظری مشابه با ریحانه، خاطرنشان می‌سازد از آنجا که کمپانی‌های کره‌ای ستاره‌ها را نماینده و تجلی فرهنگ کره در نظر می‌گیرند، تقریباً بدون استثناء روی مقوله زیبایی ستاره‌ها، تأکید خاص دارند.

ثنای ۱۶ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، به صراحت خاطرنشان می‌سازد، چهره خواننده برای وی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و با زیبا نبودن آن خواننده، وی از او استقبالی نخواهد داشت:

«- بیش‌تر به موسیقی گروه بی‌تی‌اس اهمیت می‌دهی یا زیبایی ظاهر و طرز لباس پوشیدن آن‌ها؟

به جفتش اهمیت می‌دم، هر چند که اهمیت داره لباس و ظاهر. می‌گن که عقل مردم تو چشمشونه. عقل من هم تو چشممه (باخنده).

- یعنی بیش‌تر به ظاهر اهمیت می‌دهی تا موسیقی؟

اگه بی‌ریخت باشن زده می‌شم و احتمالاً گوش نمی‌دم دیگه آهنگ‌ها رو هم.

- چرا؟

چون عادت دارم تصور کنم خواننده‌ی آهنگ رو وقتی که آهنگ پلی می‌شه. اگه زشت باشه دلم نمی‌خواد گوش کنم.

- یعنی نمی‌توانی یک تصویر تخیلی خوب از خواننده در ذهنت تجسم کنی؟

امتحان کردم نشده. سلن دیون وقتی جوون بود یه کم خوشگل بود. حالا که هم مریض شده و هم پیر قیافه‌ش بد شده، دیگه آهنگ تایتانیک رو نمی‌تونم گوش بدم، چون تصویری که تصور می‌کنم، قیافه ال‌آنشه.

تینای ۱۹ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خودشان خاطرنشان ساخته‌اند که آنان نخست تحت تأثیر زیبایی اعضای گروه، جذب آنان شده‌اند:

«- اون موقع که تو مراسم گرمی بی‌تی‌اس رو دیدی، اولین بار چه چیزی جذبت کرد؟

اول که قیافه‌ی یکی از اعضاهاشون بود. البته نه، قبل از قیافه، استایل‌شون بود. یعنی لباس پوشیدن‌شون و اینا خیلی واسم جذاب بود. چون نه کاملاً هر کدوم از اعضاهاشون چیزای مختلف می‌پوشیدن، نه این جور بود که کاملاً مثل بقیه بندها عین هم بپوشن. در عین حالی یه انسجامی رو حفظ کرده بودن، هر کسی استایل شخصی خودش رو داشت. بعد من یه سری از استایل‌های اعضاهاشون خیلی به سلیقه‌ام نزدیک بود. بعد اول این جور بودم که اوومم، چه قدر لباساشون خوبه و اینا، بعد رسیدم به صورت‌شون بعد این جور بودم که اوومم صورتاشون هم خیلی خوبه. بعد اول به خاطر یکی دوتا از اعضاهاش که خوشگل بودن فقط پیگیری می‌کردم‌شون، بعد یهو دیدم کلاً غرق شدم تو قضیه.



- مگه چی داشت اون سریال که تو پیگیرش بودی؟ یعنی چه چیزی از این سریال تو رو به خودش جذب کرده بود؟

من اون زمان خیلی بچه بودم، چیزی که باعث شد من بهش جذب بشم، لباس‌های خیلی قشنگ و مجلل‌شون بود. پس اولین چیز رنگ و مدل لباس‌هاشون بود. بعد از چند سال که بزرگ‌تر شدم و دوباره این مجموعه پخش شد، بیش‌تر تلاش و پشتکار اون دختر برای زندگی کردن به عنوان یک بانوی جوان مستقل و هدفمند من رو به خودش جذب کرد.

- یعنی اول جذب ظاهرشون شدی نه موسیقی، درسته؟  
اولش آره».



«- محمدرضا چه چیزی در موردشون جذبت کرد؟

تقریباً می‌شه گفت هم خوشگلی شون و هم آهنگاشون، آهنگاشون رو اگه گوش بدین مثلاً یه چیزایی مثلاً ورس آهنگ و فلو و این جور چیزا آرامش بخشه، یه جورایی می‌دونی مثلاً اون بیت، بیت خالیش هم خیلی آرامش بخش هست یا مثلاً در مورد رقص شون که خب رقص شون تو سطح جهانی هم اوله، البته اول مایکل جکسون، بعدش اینا هستن در کل همه چیزشون رو می‌شه گفت، یعنی هم رقص شون هم موسیقی شون هم زیبایی شون باعث شد که من جذب شون بشم».

دیبا ۱۵ ساله و سمانه ۱۷ ساله نیز در گزارش خودشان از جذابیت چهره ستاره‌ها به عنوان عاملی اساسی در جذب شدن خویش به سمت گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«... اون زمان یکی از خصوصیات ظاهری که به چشم من اومده بود، این بود که خیلی رنگارنگ ان، مثلاً ما همیشه مردها رو با رنگ موی طبیعی می‌بینیم و کسی رو نمی‌بینیم که موهاش رو رنگ بکنه ولی اونا موهاشون رنگی رنگی بود. ویژگی دیگه شون حالت چشم‌هاشون بود که به نظرم جذاب بود. علاوه بر این لباس پوشیدن شون، استایل شون و میکاپ شون هم برام جذاب بود.

- چه چیزی توی استایل‌های بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث می‌شد به نظرت جذاب بیان؟

خوب بخوام از چهره شون بگم به نظرم چهره قشنگ و یونیک (بی‌نظیری) دارن و خب چهره شون ظرافت داره که خب بعضی‌ها دوست دارن و بعضی‌ها هم می‌گن که نه، دخترونه هست. در مورد لباس‌هاشون هم خب لباس‌هایی که می‌پوشن سر صحنه خیلی برام جدید و جالبه».

«خب لباس‌هاشون که رنگی بودن و موهاشونم رنگ روشن بود و خلاصه رنگای شاد می‌پوشن من رو زیاد جذب کرد. یعنی تو پستاشون بیش‌تر به اون دقت می‌کردم و فیس شون هم به نظرم ناز و کیوت می‌اومد، (باخنده) عین این پسر بچه‌های گوگولی».



پونه ۱۸ ساله و تینای ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌های جداگانه خودشان به تأیید اظهارنظر ثناء پرداخته، خاطرنشان می‌سازند، آن‌ها در عمل نخست جذب ظواهر ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس شده و سپس به سراغ آهنگ‌های آنان رفته‌اند. باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش یادآور می‌گردد که اهمیت وافر زیبا رو بودن کارآموزان، کارکنان کمپانی را به جست‌وجو در جامعه برای یافتن افراد زیبارو واداشته است. «منیجرها هم هستند که استعدادها رو کشف می‌کنن، برای مثال همین جین بی‌تی‌اس رو یه منیجر توی اتوبوس دیدش و به خاطر چهره‌ی خوشش که برای اجرا مناسب بود، اون رو دعوت کرده به کار توی کمپانی».



ترانه ۱۸ ساله و باران ۲۰ ساله در گزارش خود از معیارهای کمپانی در انتخاب کارآموزان به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- کمپانی چه استانداردهایی برای گرفتن اعضاء داره؟

معمولاً برای عضویت، داوطلبان چند بار باید آودیشن (آزمون ورودی) بدن. برای آودیشن هفت مرحله وجود داره، در مرحله اول بیش‌تر به توانایی‌ها نگاه می‌کنند، به انعطاف‌پذیری افراد توی رپ، ووکال، دنس‌های مختلف در زمینه‌های مختلف موسیقی، در ظاهر هم به اندازه قد و لاغری توجه می‌کنند. در ابعاد بدنی معمولاً برای خانم‌ها سینه صاف و کم حجم باسن صاف، چشم ریز، صورت کوچک و رنگ پوست سفید و چهره کیوت اولویت داره و در مردها هم دست‌های کشیده، بدن فرم دار، سیکس پک و اینا مهمه».

«- بیش‌تر درباره چارچوب‌ها و ملاک‌های زیبایی‌شون می‌گی؟

ببین حتی برای خود کره‌ای‌ها هم این استاندارد یک چهارچوب مشخص نداره و همواره در حال تغییره و این تغییرات بسیار سریع اتفاق می‌افته! و البته این مسأله هم می‌تواند نشأت گرفته از فرهنگ پر سرعت اون‌ها باشه که حتی خودشون هم گاهی از این ترندها (مدها) جا می‌مونن، برای مثال، تا همین چند سال قبل تک پلک بودن یک مشخصه زیبایی به نظر نمی‌رسید و حتماً بایستی دو پلک می‌بودید تا از نظر کارشناسان خوش چهره به نظر برسی. اما در یک مقطع زمانی، این ایده به کلی از ذهن‌ها حذف شد و به این نتیجه رسیدند که بله، تک پلک بودن معیاری برای زیبایی است یا داشتن لب‌های حجیم در گذشته اصلاً زیبا به نظر نمی‌اومد و هر چه لب باریک‌تر بود، خوشگل‌تر بود، اما الآن این داستان عوض شده و لب‌های پُر از دید عموم قشنگ‌تره.

به طور کلی استانداردسازی معیارهای زیبایی بر اساس معیارهای زیبایی غربی این طور هست:

۱- صورت کوچیک،

۲- صورت سفید و رنگ پریده که از قبل داشتن،

۳- اندام لاغر،

۴- داشتن یک اندام لاغر و شانه‌های ۹۰ درجه. این ترند جدید یعنی داشتن ترقوه برجسته و شانه‌های استخوانی ۹۰ درجه، به خاطر جنی از گروه بلک‌پینک خیلی محبوب شده.

- پس گروه‌های کی‌پاپ هم می‌تونن رو استانداردهای زیبایی کره تأثیر بگذارن؟

آره. الآن جزئیاتش یادم نیست، ولی تو یه سری برنامه‌های زیبایی هم اومده بودن صورت بی‌تی‌اس رو بررسی کرده بودن این که به لحاظ علمی و اون نسبت‌هایی که بین اعضای صورت وجود داره، چه قدر بین صورت اعضاء رعایت شده، تناسب اندامم یکی دیگر از نشانه‌های مطلوب بودن به حساب میاد، و منظور تناسب بین اندازه‌های دست، پا، بالاتنه و... هست. حتی یک صفت مخصوص برای این شرایط فیزیکی بدن دارند، در این معیار وقتی وای می‌ایستی، اندازه بدن باید ۸ برابر اندازه صورتت باشه و فک V شکل باشه.

۵- بینی‌های قلمی بزرگ برای مردا،

۶- نداشتن موی زاید،

۷- شونه پهن برای مردا،

عمل دو پلکی، لیفت نوک بینی، تیز کردن انتهای لبخند، این‌ها رو هم دارن».

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، برخی از متقاضیان خوانندگی در کی‌پاپ، به دلیل فاصله داشتن از استانداردهای زیبایی گروه، رد شده و کارشان بعضاً به دشواری رسیده است:

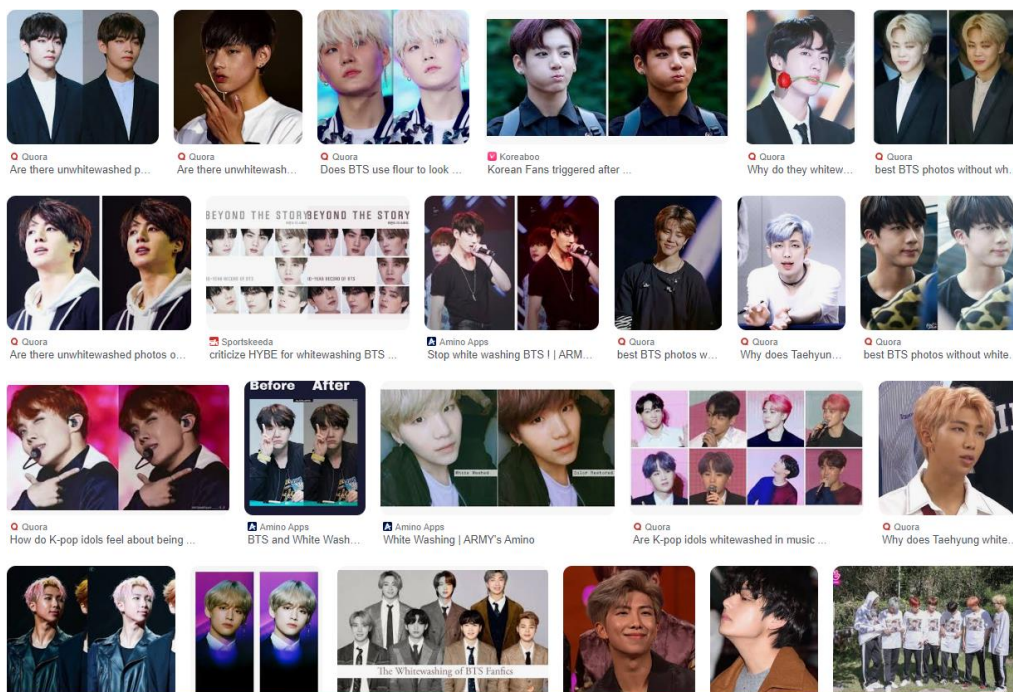
«تو گفתי اون زمان تحت تأثیر همین علاقه به رقص و کی‌پاپ رفتی عمل جراحی کردی، با توجه به استانداردهایی که کمپانی برای لاغری داره، رژیمی هم گرفتی؟

نه، هیکلم رو فرم بود همیشه. در کل هم اسکینی و لاغر بودم، ولی همیشه هم سعی می‌کردم که لاغر بمونم و یهو چاق نشم. چون خیلی شرط مهمی بود و هست که لاغر باشی و اگر نباشی، رسماً با یه تیکه زباله در کی‌پاپ فرقی نداری، این مسأله براشون خیلی مهمه. خیلی از کارآموزا رو سر همین لاغری و میزان نبودن هیکل رد کردن و خیلیا هم سر همین که رد شدن به خاطر هیکل و قیافه خودکشی کردن».

سمانه ۱۷ ساله نیز در بیاناتش تأکید می‌کند که برای هر چه کامل‌تر شدن جذابیت کارآموزان، آنان در عمل به کمپانی تعهد می‌دهند تا دستورهای کمپانی را در این جهت عیناً پذیرفته و محقق سازند، حتی اگر این دستورها خواستار تن دادن فرد به جراحی زیبایی باشد.

تأکید وافر کمپانی بیگ‌هیت روی زیبایی ستاره‌ها، مورد اعتراض برخی از مخاطبان و هواداران واقع شده، دست به نقد این عمل زده اند. صوفیای ۱۸ ساله در مصاحبه خودش تلاش کمپانی برای هر چه سفیدتر جلوه دادن ستاره‌هایش را زیر سوال می‌برد.

«... از نظر اینا اولین چیز اینه که اینا سفید باشن. اصلاً انگار براشون مهم نیست که بابا ما نژادمون اینه و زردپوستیم. بعد کلاً همه آیدولا رو چه پسر، چه دختر، توی خیلی از برنامه‌ها با وایت واشینگ (برنامه سفید کردن پوست بدن) رنگ پوست‌شون رو تغییر می‌دن و سفیدش می‌کنن. در حالی که مثلاً عکسای واقعی‌شون بیش‌تر فرق داره».



### ۳-۳- پرداختن به مسایل نوجوان و جوانان

«- تاحالا شده که موزیکی که داری گوش می‌دی ببینی چه قدر با شرایط خودت انطباق داره؟

آره، آهنگ فرندز جیمین و تهیونگ دقیقاً تک تک جمله‌هایی که می‌گه، عین دوستی من و دوستمه» (فاطمه، ۱۹ ساله).

مقایسه اظهارات فاطمه ۱۹ ساله، با آهنگ «پول» لیساً، رپر گروه کی‌پاپ بلک‌پینک، گویای عمق دید مسوولان کمپانی بیگ‌هیت است. مسوولان کمپانی به جای آن که پسران بی‌تی‌اس را به شکل مستقیم به ستایش اهداف نظام سرمایه‌داری تشویق کنند، به شکل بسیار نرم‌تری

۱ - آخر ماه و آخر هفته هست،

می‌خوام این چک رو برای خودم خرج هر چیزی کنم،

می‌خوام به خودم پاداش بدم و همه‌اش رو برای خودم خرج کنم،

مثل سیل سرازیر شده به خودم می‌رسم،

چک، چک، چک، اون پول رو چک می‌کنم،

برای خودم شماره حساب بانکی درست می‌کنم،

این لعنتی چیزیه که تو هیچ وقت نمی‌تونی تجربه‌اش کنی،

عوضی، من پولام رو به رقص در میارم و چمدون چمدون پول در میارم،

وقتی فروشنده بهم می‌گه «اینجا رو امضا کن»، فقط دست ختم رو براش می‌ذارم و می‌رم،

اسکناس‌های دلار، اسکناس‌های دلار،

بین‌شون که دارن رو سرم می‌ریزن،

حسی که بهم می‌دن رو دوست دارم،

اسکناس‌های دلار، اسکناس‌های دلار،

همین طوری بیش‌تر و بیش‌تر برای من بریزن،

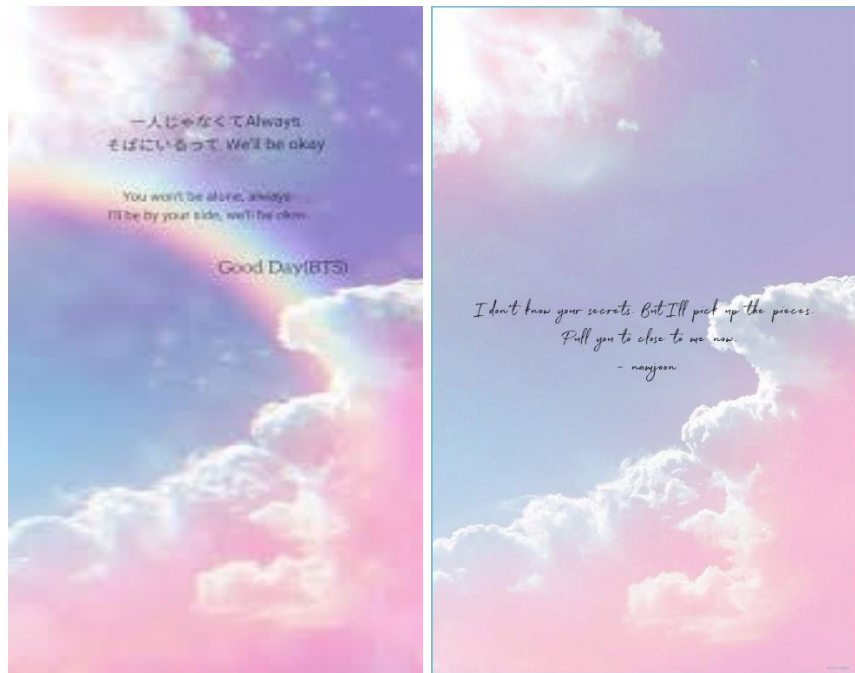
حسی که بهم می‌ده رو دوست دارم،

اومدم اینجا تا یه کم از پولام رو بریزم، همه پولام رو بندازم هوا،

یه کم پول بریزم، این پول خیلی خوشمزه ان، آره،



برخورد کرده، نخست آنان را به صورت افرادی که منجی نوجوانان و جوانان هستند، مطرح کرده و در ادامه، به تدریج خط‌مشی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد نظرشان را به شکل غیرمستقیم اجرایی کرده و پیاده می‌سازند.



بروز تحول‌های مغزی در نوجوانان از سویی و تحقق تحول‌های فیزیکی، زیباشناختی، عاطفی-روانی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی که نوجوان در دوران بلوغ زیستی خود به تجربه آن‌ها می‌پردازد، از سوی دیگر، در مجموع شرایط بغرنجی را برای غالب نوجوانان پدید می‌آورند. گذشته از تحول‌های مغزی پیش‌گفته، تحول‌های عاطفی و روانی نوجوان، ممکن است به درستی از سوی اولیاء فهم نشده، موجبات نقد و یا در سطحی فراتر درگیری اولیاء و نوجوان‌شان را فراهم آورد. به عنوان مثال، بسیاری از روان‌شناسان سن نوجوانی را سن نفی و انکار قلمداد می‌کنند، مثلاً هانری والن با یاد کردن از سن نفی و انکار در دوره نوجوانی، بیان می‌دارد، نوجوان برای اثبات وجود خویش در برابر اولیاء، به نه گفتن می‌پردازد تا به این ترتیب در عمل به اولیای خویش نشان بدهد که اگر اولیاء تا اوان بلوغ، دست به امر و نهی به فرزندشان می‌زدند و وی از آنان تبعیت می‌کرد، اکنون فرزند دیگر از مرحله تبعیت و دیگرپیروی خود گذشته و به مرحله استقلال‌طلبی و خودپیروی خویش رسیده است و ضرورت دارد که برای تجربه ایستادن روی پای خودش، با نفی سیطره اولیاء بر خودش، به نوعی هویت مستقل خویش را تجربه کرده و رقم بزند.

وقتی چیزی که دوست دارم رو می‌خرم، تو پوست خودم نمی‌کنم،  
دلار، اسکناس‌های دلار امشب از زمین و آسمون برام می‌ریزه،  
همه ساکت،

گوش کنین پول‌هام چی می‌گن،  
هر طوری که بخوام خرج‌شون می‌کنم،  
آره همه می‌دونن که من چقدر خودخواهم،  
وقتی عصبانی می‌شن خودخواهیم برطرف می‌شه،  
هر چیزی که می‌خوام رو بهم بده، هر چیزی که می‌خوام رو بهم بده.  
(متن آهنگ پول (money) از لیسا، رپر گروه بلک پینک. متن آهنگ به انگلیسی است. به نقل از مجله مارگارتا).

استقلال طلبی نوجوان در عین هیجان جویی های وی، علاقه نوجوان و جوان به مراد به با جنس مخالف، اهمیت یافتن گروه همسالان برای نوجوان و تحقق از شیر گرفتگی روانی (به معنای گسستن نسبی از خانواده و ارزش های آن و ورود به جمع همسالان)، هر یک به سهم خود ممکن است قضاوت بدبینانه اولیاء نسبت به نوجوان شان را دامن بزنند و مجموعه این عدم فهم ها و قضاوت های زود هنگام روابط اولیاء با فرزندشان را مخدوش و دچار بحران سازد.



مضاف بر موارد یاد شده، مواجهه نوجوان با فضای مجازی و برخورد وی با ویتترین زندگی بسیاری از افراد در شبکه های اجتماعی نظیر اینستاگرام، نوجوان را با واقعیات اغراق شده ای مواجه می سازد که نوجوان به دلیل کم تجربگی خود، ممکن است آن ها را منطبق با واقع تصور کند و از سوی دیگر، چون نوجوان مشابه آن موارد را در زندگی خویش نمی یابد (نظیر صبحانه خوردن در یک رستوران لاکچری، صرف ناهار در یک رستوران لاکچری دیگری، شرکت در یک میهمانی پرشکوه در شب همان روز، رفتن به سفرهای خارجی، تهیه البسه و پوشاک برند و نظایر آن ها)، تکدر خاطری را در خویش احساس می کند که قسمتهایی از این تکدر خاطر ممکن است در خانواده نیز مطرح شده و اسباب سردی و یا در سطحی بالاتر، محکوم کردن اولیاء را به دلیل عدم تهیه امکانات پیش گفته برای نوجوان فراهم آورد.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، نوجوان در بدو ورود به جامعه به سبب آن که از منظر نظریه پیازه در سن آرمان گرایی خویش است و به تعبیری مسیحایی شدن را تجربه می کند، با ملاحظه شکاف طبقاتی، رانت خواری بسیاری از مسوولان و اقربای آنان، فساد اقتصادی و نظایر آن، ممکن است سرخورده شده و به خشم درآید.

علاوه بر این، نوجوان در بدو ورود به جامعه، با ارزش های اجتماعی (نظیر ضرورت جذابیت بدنی افراد، خاصه زنان) مواجه می شود و به سبب آن که همه دختران جذابیت و زیبایی مورد نظر جامعه را در دوران بلوغ خویش به دست نمی آورند، این مسأله اسباب نگرانی و کاهش اعتماد به نفس قشر جوان، به ویژه دختران را فراهم می آورد.

مجموعه آنچه که به اجمال از آن یاد شد، نوجوان را بدانجا سوق می دهد که به سبب اختلاف هایی که بین خود و اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای اجتماعی خودش (و حتی دیگر کشورهای جهان) می بیند، احساس سردرگمی و حتی یأس کند.

برخی از افراد مصاحبه شده، با تأکید بر احساس سردرگمی که گریبان بسیاری از نوجوانان و جوانان را فراگرفته است، خاطرنشان ساخته اند، برخی از آهنگ های گروه بی تی اس، با در نظر گرفتن سردرگمی های مخاطبان جوان خویش، در صدد ارایه رهنمود برای خروج جوانان از سردرگمی هایی هستند که آنان را فراگرفته است. زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه اش به صراحت از این مسأله یاد کرده است که آهنگ های گروه پسران، در اکثر اوقات به طرح دغدغه های جوانان می پردازند.

ریحانه و مهشید ۲۱ ساله و سونای ۱۷ ساله هم در گزارش خود خاطرنشان می سازند، گروه بی تی اس با مخاطب قرار دادن جوانان و طرح مشکلات آن ها، در صدد توجه دادن جامعه به قشر جوان و نیازها و آمال و آرزوهای آنان است:

«... در حالی که در غرب، بیش تر روی محتویات جنسی و سطحی کار می کنند، در کی پاپ آثار زیادی را با موضوعات روان شناختی، فلسفی و اجتماعی می توان دید (البته در کی پاپ هم آثاری با محتویات جنسی و سطحی وجود دارند).



بی‌تی‌اس از همان اوایل شروع به کار خودش، آثاری در نقد به دولت کره و آموزش و پرورشش در مدارس داشت. در ادامه به تدریج شروع به ساختن یک دنیای ساختگی کرد تا داستان‌هایی را به نمایش بگذارد. داستان‌هایی در مورد نوجوانانی که مشکلات زیادی در دوران بلوغ داشتند و در متن آهنگ‌هایشان از تجربیات نوجوانی خودشان می‌گفتند. مشکلاتی که شاید طرفداران‌شان هم داشته باشند.

نوجوانانی که در جامعه و خانواده به هر دلیلی سرکوب می‌شدند، کسانی را پیدا کرده بودند که به آن‌ها در مورد دوست داشتن خود یاد می‌داد. از آن‌ها می‌خواست در مورد خودشان صحبت کنند و داستان‌شان را بازگو کنند. بدون توجه به این که از چه نژاد، رنگ، کشور و جنسیتی هستند.<sup>۱</sup> پس نوجوانان مکان امن خود را در بی‌تی‌اس (و دیگر گروه‌ها) پیدا کرده بودند. جایی که بدون هیچ قضاوت و توهینی، می‌توانستند خود واقعی‌شان باشند.

اما کی‌پاپ در کنار این خوبی‌ها، بدی‌هایی هم دارد. مشکلاتی مانند دعوا، فن‌فیک‌هایی<sup>۲</sup> با محتوای سطحی و جنسی (قطعاً فن‌فیک‌های خوبی هم وجود دارد)، طرفداری افراطی، شیپ<sup>۳</sup> کردن افراطی، الگوهای نامناسب گرفتن و مانند آن.

«- یعنی حس می‌کنی محتوای موسیقی‌شون در رابطه با مسایلی هست که برای تو مهمه و دغدغه زندگی تو هست؟ آره، آره، همین طوره، یعنی تو احساس می‌کنی که خیلی از آدم‌هایی که حالا فن این گروه هستن، این رو می‌گن مثلاً یه چیزی که حتی توی تلویزیون هم مطرح شد... گفتش با همین کمپین لاو یورسلف گروه بی‌تی‌اس، بعضیا هستن که می‌گن، ما از خودکشی فاصله گرفتیم. چرا؟ چون تو وقتی موسیقی را می‌شنوی، مفهومش به تو این رو می‌گه، همه چیز عالی نیست، همه چیز پرفکت نیست. سختی هست... اوکی، ولی در کنار این سختی‌ها یک سری چیزهایی هستش که اهمیت دارن که اگه تو به اونا توجه کنی یا برای اونا تلاش کنی، بهتر از اینه که بگی وای من چه قدر بدبختم، چه قدر بیچاره‌ام، حالا خودم را بکشم و تمام!»



«- موضوع آهنگ‌های بی‌تی‌اس معمولاً چیه؟»

چون این هفت نفر سن‌شون زیاد نیست، انگار می‌دونن که جوونا و نوجوونایی که دارن در حال حاضر زندگی می‌کنن، چه مسایلی براشون پیش میاد. مثلاً یکی افسرده شده، یکی از ظاهر خودش راضی نیست و می‌خواد خودش رو تغییر بده، یکی اعتماد به نفس نداره، یکی دوست داره

<sup>۱</sup> - اشاره به سخنرانی کیم نامجون عضو بی‌تی‌اس که در سال ۲۰۱۸ بیان شد.

<sup>۲</sup> - فن‌فیکشن یا فن‌فیکشن (به‌طور خلاصه فن‌فیک، فن‌فیک یا فیک، Fan fiction)، داستانی تخیلی است که توسط طرفداران یک کتاب، مجموعه تلویزیونی، فیلم، گروه موسیقی، ورزشکاران و... نوشته می‌شود. نویسندگان این داستان‌ها با الهام از شخصیت‌ها و ساختار داستان‌های نویسندگان اصلی، حکایت جدیدی را در قالبی نو پی‌ریزی می‌کنند. این مجموعه‌ها معمولاً به‌طور رسمی منتشر نمی‌شوند و در ابتدا تنها در مجلات طرفداران جای می‌گرفتند. اما امروزه همچون دیگر فعالیت‌های هواداران به سادگی قابل دست‌یابی در اینترنت هستند.

<sup>۳</sup> - Ship - یعنی فردی تصور می‌کند، دو نفر می‌توانند در رابطه با هم باشند و زوج ایده‌آلی را تشکیل می‌دهند و آن‌ها را اصطلاحاً با هم شیپ می‌کند. شیپ کردن‌های اخیر از برقراری روابط دوستانه گرفته تا روابط جنسی، گسترده است.

کارایی رو انجام بده که بهشون علاقه داره، ولی خب تو فضایی قرار گرفته که کنترل می‌شه، یعنی اختیار نداره که بره سمت چیزایی که دوست‌شون داره و من بین دوستانم می‌بینم که این طور چیزا وجود داره.

وقتی آهنگایی گوش می‌دی که مشکلات خودت توشون وجود داره، اون حس خوب رو می‌گیری ازش».

زهرای ۲۴ ساله و دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های خودشان اظهار می‌دارند، گروه بی‌تی‌اس ضمن ارایه لیستی از مسایل و مشکلات جوانان، در صدد توجه و رهنمود دادن به آنان برآمده است و از نوجوانان و جوانان می‌خواهد، با وجود مشکلاتی که با آن‌ها مواجه هستند، نباید این مسأله را فراموش کنند که در درجه اول اهمیت، آنان باید خودشان، خودشان را دوست داشته باشند و سایر مسایل مطرح شده توسط بزرگ‌سالان در اولویت‌های بعدی آنان قرار می‌گیرند و در درجه بعدی اهمیت، باید بدانند که با وجود همه سختی‌هایی که در زندگی آنان وجود دارد، آنان نباید از لذت‌ها و زیبایی‌هایی که در اطراف و اکناف آنان وجود دارد، غافل شوند و با نادیده گرفتن این ابعاد مثبت، خود را تنها به دست ناملایمات جامعه بسپارند.

هواداران قابل توجهی در تبیین علت گرایششان به گروه بی‌تی‌اس، روی طرح مسایل نوجوانان و جوانان توسط این گروه، تأکید ورزیده و خاطرنشان ساخته اند، در حالی که در بسیاری از گروه‌های دیگر مسایل مبتدلی نظیر عشق‌های سطحی و هیجانی و مانند آن مطرح می‌شود، گروه بی‌تی‌اس، شروع کارش را با طرح مشکلات نوجوانان و جوانان شروع کرد و در ادامه نیز با پرداختن به برخی از مسایل و مشکلات مبتلابه نوجوانان و جوانان، در عمل نشان داد که مسایل جوانان برای اعضای گروه (و در واقع کمپانی)، مهم هست و آن‌ها در این مسیر می‌کوشند تا از سویی با توجه دادن افراد به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های ارزشمند خودشان و از سوی دیگر با ارایه رهنمود به آنان، در تخفیف و تعدیل مشکلات پیش‌گفته، مؤثر واقع آیند.

دیبای ۱۵ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش، در توصیف شروع کار گروه بی‌تی‌اس و علایق وافر آنان به طرح مسایل نوجوانان و جوانان به بیان موارد زیر پرداخته اند:

«اولین آهنگ‌های بی‌تی‌اس مثل نو مور دریم<sup>۱</sup> کلاً درباره مدرسه بود، مثلاً موزیک ویدیوش هم توی یه اتوبوس مدرسه بود و همه اعضا یه حالت گنگی داشتن و انگار به زور فرستادن‌شون به مدرسه. نسلی که به این کانسپت هم جذب شدن با این موضوعات خودشون دست و پنجه نرم می‌کردن و یه جورهایی با این موضوعاتی که توی آهنگ خوانده می‌شد خُو گرفتن».

«مفهوم آهنگی بی‌تی‌اس با مفهوم تمام آهنگای کی‌پاپ فرق داشت. یعنی مثلاً قبل از این که بی‌تی‌اس آهنگاش رو بده کی‌پاپ اکثراً محدود به آهنگای عاشقانه‌ی مثلاً فلان بود، که مثلاً وای، دختر من تو رو از دست دادم فلان اینا، حتی خود بی‌تی‌اس هم یه سری آهنگای این طوری داره. ولی اساس و پایه‌ی آهنگای بی‌تی‌اس روی مشکلات تینیجرا بود.

– اوهوم.

نه فقط تینیجرا، هم تینیجرا، هم جوونا. مشکلاتی که تو جامعه‌شون وجود داشت. سختیایی که داشتن. مثلاً یه آلبوم دارن که کلاً در مورد اینه که مثلاً چه قدر بچه‌ها تو مدرسه اذیت می‌شن و مثلاً موزیک ویدیوش رو تو مدرسه ریکورد کردن».



<sup>۱</sup>- No More Dream (2013)

ترانه ۱۸ ساله، در گزارش خویش یادآور شده است که مداخله گروه بی‌تی‌اس در مسایل نوجوانان و جوانان و روشنگری و امیدبخشی این گروه، به اثرهای مثبتی در سطح جامعه جوانان کره جنوبی انجامیده است و از میزان خودکشی بالای این جامعه کاسته است.

### ۳-۴- کمک به بهبود حال بد نوجوان و جوانان

«یه نکته بگم ما نوجوان‌ها یه دوره خیلی سختی رو می‌گذرونیم، یه دوره‌ای که واقعاً حال مون بده، ببین دلیل خاصی نداره‌ها، ولی انگار می‌زنه به سرمون، ولی واقعاً به چشم دیدم هم کلاسی‌های خودم وقتی میان از تجربه خودشون می‌گن که حال مون بد بود و هیچی حال مون رو بهتر نمی‌کرد تا این که با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدیم و یکی از دلایلی که می‌تونه در این موضوع تأثیر بذاره که می‌گن، اکثر کسانی که طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن، بچه‌های زیر ۱۵ هستن به خاطر اینکه که بیش‌تر این افراد با این گروه حال می‌کنن، واقعاً می‌تونه غم و غصه رو کم کنه و به خاطر همین برای تمام آرمی‌ها عزیزه» (پریناز، ۱۸ ساله).

بسیاری از افراد مصاحبه شده، بر این نکته وفاق داشتند که کاربری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، بعضاً در تغییر احوال آن‌ها و تبدیل حال بد آنان به حال خوب و خوش، مؤثر واقع آمده است.

«آرامش‌بخشی»، «امیددادن نسبت به آینده»، «ایجاد فرصتی برای تخلیه هیجانی و روانی»، «ارایه الگو برای کاهش حال بد»، «تغییر معیارهای ارزشی فرد» و «افزایش ظرفیت روانی افراد»، از جمله مواردی هستند که شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های انجام شده بر آن تأکید داشته‌اند. محمدرضای ۲۱ ساله و مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، از «آرامش‌بخشی» برخی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- علاوه بر کار کردن که گفتم، موقع انجام چه کارهای دیگه‌ای آهنگ گوش می‌دن؟ مثلاً شما کتابخونه که بری، شاید از هر ده نفر یک نفر داره موسیقی کره‌ای گوش می‌ده، رپ و اینا نه‌ها، حالا یه آهنگ جیمین داره اسم آهنگش پرومیس هست، این رو مثلاً کسی گوش بده، یه حس آرامشی می‌گیره یه کمش رو انگلیسی خونده یه کمش رو هم کره‌ای، حتی اگر کسی هیچ کدوم از این دوتا زبان رو بلد نباشه، باز باهاش ارتباط برقرار می‌کنه و اون حس آرامش رو می‌گیره. کتابخونه رو هم برای همین گفتم، چون من زیاد دیدم کسانی رو که موقع کتاب خوندن آهنگای اینا رو گوش می‌کنن، آهنگایی مثل همین پرومیس که فضای آرومی داره و این به نظرم فوق‌العاده هست.

- یعنی تمرکزشون رو بیش‌تر می‌کنه؟

فک کنم برای هر کسی فرق داره، من خودم مشکل خواب دارم، بعد از این که اینا رو دیدم که این کار رو انجام می‌دن، یعنی با موسیقی کتاب می‌خونن، گفتم بذار امتحان کنم ببینم چه تأثیری داره، دیدم واقعاً خیلی خوبه، بعضی شب‌ها می‌شینم کتاب می‌خونم با موسیقی و واقعاً کمک می‌کنه بهم تاحدی برای همین موسیقی خیلی تأثیر گذاره روی من حداقل، خب در مورد همه افراد نمی‌تونم این حرف رو بزنم، ولی در مورد خودم می‌تونم بگم که روم خیلی تأثیرگذار بوده، من حتی بعضی وقتا که کارام توی همدیگه می‌پیچن و حالا اوضاع خوب نیست برام، بازم موسیقی گوش می‌دم که واقعاً آرومم می‌کنه و باعث می‌شه آرامش به دست بیارم، بعدش خب بشینم منطقی فک کنم که باید چه کار کنم».



«- موارد مؤثر در یک موسیقی خوب از نظر تو چیه؟

ملودیش خوب، زیبا و آرام بخش باشه و البته نوازنده‌های حرفه‌ای و خفن پشتش باشن، مثل کارای رستاک حلاج عزیز و در مورد آهنگای بی‌تی‌اس، من خیلی از وقتا، متن آهنگ رو یادم نیست، ولی ملودی و ریتمش تو ذهنم تکرار می‌شه و دنس‌هاشون رو تکرار می‌کنم، هارمونی بین ملودی و ترانه رعایت شه، بارها دیدم، یه آهنگ غمگین ریتم شادی داره و خب این اصلاً قشنگ نیست و هیچ جوهره نمی‌فهمش، بیش‌تر از این با موسیقی آشنا نیستم، ولی خب خیلی از آهنگا باعث می‌شن من سر درد بگیرم و اینم برام مهمه، آهنگی که گوشش می‌کنم، اذیتم نکنه که آهنگای بی‌تی‌اس این طوری نیست و حتی بچه‌هایی که اوتیسم هم داشتن، با گوش کردن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس آروم شدند، در کل خب به هر حال تکنیک‌های خوانندگی که من ازشون خبر ندارم، به همراه صدای دلنشین خواننده هم تو زیبایی کار، هم تو حرفه‌ای بودنش اثر گذاره».



برخی از هواداران مصاحبه شده در صحبت‌هایشان به این مسأله اشاره داشته اند که آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس با «امیدبخشی نسبت به آینده»، از عواطف و احساسات بد و ناخوشایند آنان کاسته است. حدیث ۱۴ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود در همین ارتباط چنین بیان داشته اند:

«- می‌گفتی بعد از اجرا و رقص، از متن آهنگ‌ها خوشت میاد و به نظرت امیدبخش هستن. یه کم بیش‌تر درباره این برام توضیح بده، دقیقاً چه طوریه که به نظرت امیدبخشه؟

می‌دونی دقیقاً انگار برای همه مودای آدم موزیک دارن. وقتی غمگینی یا حتی مثلاً با اکیپ دوستات دعوا کردی و حس می‌کنی نارو خوردی، وقتی حس افسردگی داری یا فکر می‌کنی کسی دوستت نداره. من خودم وقتی آهنگاشون رو گوش می‌دم، واقعاً حس می‌کنم توی تجربه اون حس تنها نیستم و خیلی راحت‌تر از اون حس و حال می‌گذرم».



«دیگه خیلی از آدمای افسرده که الان آرمی هستن، می‌گن ما اگه با این گروه آشنا نمی‌شدیم، قطعاً خودکشی می‌کردیم یا خیلیا بودن خودکشی کردن، ولی مثلاً ناموفق بوده، بعدش که با این گروه آشنا شدن، بعد بیش‌تر هم دختر بودن وقتی با این هفت نفر یا اصلاً بقیه آیدولا ولی من بیش‌تر اطلاعاتی که دارم در مورد بی‌تی‌اسه، وقتی با اینا آشنا شدن، خب به روال زندگی عادی‌شون برگشتن. دینامیت، آیدول، باتر اینا خب بهترین موزیکاشون هست، اگه کسی گوش بده واقعاً به زندگی امیدوار می‌شه، لیریکاشم خب شما می‌فهمید دیگه چون انگلیسیه».

«ایجاد فرصتی برای تخلیه روانی»، عنوان دیگری بود که افراد مصاحبه شده به آن اشاره داشتند، به تعبیر دیگر، از منظر این پاسخ دهندگان گروه پسران بی‌تی‌اس با اجرای کنسرت‌های پرهیجان، در عمل امکان تخلیه هیجانی و روانی مخاطبانشان را فراهم آورده‌اند. کسانی که زیر فشارهای روانی وارده از اطرافیان و جامعه خویش هستند، اگر عرصه‌ای برای تخلیه هیجانی خویش داشته باشند، در عمل به تعدیل فشارهای درونی خویش نایل می‌آیند. مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به فرصتی که بی‌تی‌اس برای تخلیه هیجانی وی و دیگر هواداران فراهم آورده بود، می‌گوید:

«من شخصاً بیش‌تر حال و هوای اجراهای بی‌تی‌اس رو دوست دارم، وقتی کنسرت‌هاشون رو تو یوتوب نگاه می‌کنم، بهم حس قدرت می‌ده، چون تمام طول کنسرت وقتی رقص‌هاشون رو نگاه می‌کنی، انگار یه ابهتی دارن یه حس عجیبیه، هیجان زده‌ات می‌کنه، ما که ایرانی‌م مجبوریم فیلمش رو ببینیم، تصور کن آرمی‌هایی که اونجا هستن، چه حسی دارن. من فکر می‌کنم خیلی رو تک تک رقص‌ها و اجراشون کار می‌کنند و یه کار بی‌نقص ازش در میارن که قابل مقایسه با خواننده‌های دیگه اصلاً نیست.

– یعنی دیدن اجراهای بی‌تی‌اس باعث می‌شه بتونی هیجانت رو تخلیه کنی؟

می‌شه گفت این طوره. حس خوبی پیدا می‌کنم، نگاه می‌کنم. حتی دبیرستان که بودم تو دوره امتحانات واسه خودم تشویقی می‌داشتم که اگه تا ساعت فلان کل این فصل رو تموم کنی، می‌تونم شب یکی از کنسرت‌های بی‌تی‌اس رو نگاه کنی. قشنگ سر حالم می‌کرد».



«ارایه الگو برای کاهش حال بد افراد» مقوله دیگری بود که برخی از مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره داشتند. به عنوان مثال، صوفیای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش چنین بیان می‌داشت:

«– خوب حالا حالت‌های بدی که به خاطر وسواس و افسردگی تجربه کردی در کنار کی‌پاپ کم‌رنگ شدن یا تغییری کردن؟ چون گفتی نقش داشتن توی درگیر شدن با کی‌پاپ.

کی‌پاپ (مکت می‌کند). چرا. از یه لحاظ‌هایی. خب من از وقتی که استری کیدز رو استن کردم، یه سری چیزاشم که بود، یکی از اعضااشون انگزایتی (اضطراب) خیلی شدید داشت. جیسونگ. اون موقع هم سن و سال الان من بود دیگه و انگزایتی خیلی شدید داشت. بعد منم خیلییی با اضطراب دست و پنجه نرم می‌کردم. مثلاً وقتی دیدم که یه آیدول، کسی که مثلاً انقد تو دنیا قبولش دارن، اونم این جوریه. اونم این مشکل‌ها رو داره. خب، خیلی خیلی راحت‌تر تونستم با این چیزا کنار بیام. یا مثلاً جونگ‌کوک بی‌تی‌اس که خیلی کمال‌گرایی مسمومی داره (می‌خندد). البته خودشم همیشه می‌گه. خب منم تو زندگیم خیلی این رو داشتم. همیشه این جوری بودم که خب حس می‌کنم خودم تنهام. ولی می‌بینم که یه همچین آدمایی حتی اگه انقد بزرگ و معروف باشن، باز هم با همچین مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنن. خیلی بهم حس بهتری دست می‌ده. فکر کنم، این موضوع باشه. این طوری هم بهم کمک کرده.

– از اون جایی که کمپانی‌ها خیلی سعی می‌کنن رفتار ستاره‌ها رو کنترل کنن، یعنی سعی نکردن بیماری ستاره‌هاشون رو بیوشونن؟



چرا. خیلی. ولی خب پیش هم میاد دیگه. در می‌ره و خب دیگه کاری از دست‌شون بر نیما. چون مثلاً جیسونگ توی فن میتینگ<sup>۱</sup> (ملاقات با طرفداران) حالش بد شده بود. نمی‌تونستن که چیز دیگه‌ای بگن. یا مثلاً جونگ‌کوک توی همه جا مشخصه. هر کاری که می‌کنه. ایده‌آل‌گرایی و کمال‌گرایی مشخصه. نمی‌تونن مثلاً بگن که این جوری نیست. چون اینا دیگه جزئی از آدمه. پوشوندنش فکر می‌کنم کار سختی باشه. ولی خب اصولاً کمپانی‌ها این کار رو انجام می‌دن. بعد بازم هستن کسانی که خودشون بیان و حرف بزنن و به حرف کمپانی هم توجه نکنن که البته تعدادشون کمه. مثل جی‌بی‌گات سون. یه مدت افسردگی شدید داشت. بعد مثل این که تحت درمان بود. دارو هم مصرف می‌کرد. بعد خودش اومد لایو. توضیح داد. گفت مثلاً من افسردگی دارم. قرص مصرف می‌کنم. اینم یه مشکل مثل خیلی مشکلا دیگه که درمان می‌شه. ازش خجالت نکشید. حتماً درمانتون رو شروع کنید. به روان‌خودتون اهمیت بدین و از این حرفا. خلیم ری‌اکشنای (واکنش) خوبی گرفت از بقیه».



در سطحی عمیق‌تر، بی‌تی‌اس با ایجاد تغییر در معیارهای ارزشی هواداران و یا ارایه رهنمودهایی که به افزایش ظرفیت روانی افراد باز می‌گردد، در بهبود حال روحی و روانی طرفداران خویش اثرگذار واقع شده است.

گلاره ۱۴ ساله، ریحانه ۱۷ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خویش از تغییر معیارهای ارزشی خود تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند. نرگس در مصاحبه خود اذعان می‌دارد، تأثیر گروه بی‌تی‌اس بر روی او چنان زیاد بوده است که وی زندگی خود را به دو قسمت قبل و بعد از طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، تقسیم کرده است:

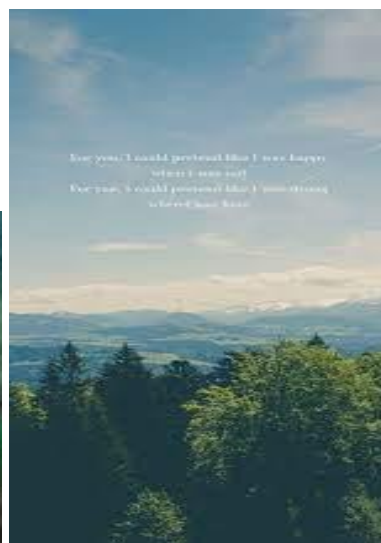
«فکر کنم تقریباً ۹۰ درصد آرمی‌ها این شرایط رو داشتن که توی دوران نوجوانی و بلوغ که داشتن بزرگ می‌شدن ناراحت بودن یا حال‌شون بد می‌شده و توی همین دوران بوده که با بی‌تی‌اس آشنا شدن و حال‌شون خیلی بهتر شده.

بی‌تی‌اس بهمون بر عکس این که یاد بده برای دیگران چه جوری باشیم، این رو یاد می‌ده که چه جوری برای خودمون باشیم و خودمون رو دوست داشته باشیم و چه جوری زندگی کنیم و این خیلی تأثیرگذاره. نمی‌دونم درست باشه این رو بگم یا نه، ولی من یه زمانی حتی با سن کمی که داشتم، شب‌ها قبل از خواب همیشه گریه می‌کردم و اصلاً حالم خوب نبود و خب هیچ‌کس هم متوجه این موضوع نمی‌شد، ولی بی‌تی‌اس نه تنها توی آهنگ‌هاش که می‌گه زندگی ادامه داره، بلکه توی همه چیزش مثل همون ران‌ها و برنامه‌ها و مصاحبه‌هاش بهمون امید می‌دن و می‌گن که ما رو دوست دارن و این موضوع خیلی روی من تأثیر داشت و حالم رو خوب می‌کنه».

«- در مورد تأثیر گرفتن ازشون گفتی، خودت تأثیری گرفتی که مثلاً کاری رو شروع کنی؟

شعار توی فن‌دوم لاو یورسلف هست، همون دوست داشتن خود که واقعاً یاد گرفتم خودم رو دوست داشته باشم. یه جورایی نسبت به اطرافم دید بازتر شده، این که هر کسی هر هیتی داد، من زیاد به خودم نگیرم و ادامه بدم. این که حرفای آدم‌ا ارزش این رو نداره که ناراحت بشم و هر کسی قشنگی خودش رو داره و با همه مهربون باشم و رفتار خوب نشون بدم و برای همه ارزش قایل باشم. یکی از دلایلی که فن پیچ زدم هم همین بود که این روزا همه باهم بد شدن تا یه چیزی می‌شه، به هم می‌پرن، حال همه خوب نیست، نه حال جسمی‌ها، حال دلی، حال دله که مهمه و سعی کردم کنار کسانی که هر روز میان حالم خوب باشه، بهشون بفهمونم دنیا هنوز هم قشنگیای خودش رو داره».

<sup>1</sup>- Fan meeting



«- وقتی بهشون فکر می‌کردی یا باهاشون وقت می‌گذروندی، چه احساسی داشتی؟

اون اوایل که بی‌تی‌اس مثل الان این قدر حاشیه نداشت، حالم خوب بود باهاشون، یعنی من هر وقت حالم خوب نبود، با آهنگاشون گریه می‌کردم. باهاشون تو ذهنم حرف می‌زدم، شاید تصور کنی دیوونه بودم، اما همیشه حضورشون رو همه جا کنار خودم حس می‌کردم. این جوری باعث می‌شد کم‌تر توی موقعیتای مختلف مثل مهمونی یا مدرسه استرس بگیرم، حالم خوب بود با آهنگاشون می‌رقصیدم. از صبح تا شب باهاشون وقت می‌گذرونی و حس می‌کردم بیش‌تر از هر کسی توی این دنیا دوست‌شون دارم. حتی بیش‌تر از پدر و مادرم. من دوران نوجوونیم واقعاً روزای خوبی رو نمی‌گذروندم. تنها چیزی که باعث شد دست به کارای احمقانه زنم، بی‌تی‌اس بود. اون من رو به این زندگی بند کرده بود. هر روز بیش‌تر عاشق می‌شدم. لباسام شبیه بی‌تی‌اس بود. اتاقم پر از وسایل بی‌تی‌اس بود. تو صحبتام فقط از بی‌تی‌اس می‌گفتم و انگار جز حرف زدن در مورد اونا، چیزی برای گفتن نداشتم. هویتم شده بودن اونا. تو مدرسه و کلاس همه من رو به اسم دیوونه‌ترین آرمی می‌شناختن، بماند که تونستم با کارام خیلی از دوستانم رو آرمی کنم.

بین همین که بچه‌ها من رو توی مدرسه می‌دیدن، یاد بی‌تی‌اس می‌افتادن. بعد از یک مدت هم دیدم که حرف زدیم، علاقه‌مندی‌هام، کارهام و لباس پوشیدیم، همه چیز شبیه شده به اونا و البته بیش‌تر هم شوگا، چون بایسم توی بی‌تی‌اس بود.

اون زمان زندگی من به دو بخش تقسیم شد. قبل از بی‌تی‌اس و بعدش. تا قبلش یادم نمی‌اد. واقعاً نمی‌دونم چی حالم رو خوب می‌کرد. چی بهم انگیزه می‌داد. چی دوست داشتم. هیچی یادم نمی‌اد، اما همه‌ی اتفاقای بعد از بی‌تی‌اس رو یادمه. تو اون سن من سرگردان بودم و چی تأثیرش بیش‌تر از یه بند موسیقیه که بتونه تو رو بسازه. من رو ساختن. برای همین می‌گم هویتم شده بودن».

حدیث ۱۴ ساله و ترنم ۱۸ ساله، در اظهاراتی که در مصاحبه خوشان داشته اند، به نوعی از افزایش ظرفیت روانی خویش در برخورد با گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند. ترنم با بیان عبارت کشیده شدن خودش از تاریکی به طرف روشنائی، از عمق اثرگذاری گروه روی خودش یاد می‌کند: «- گفتمی بعد از اجرا و رقص، از متن آهنگ‌ها خوشم می‌اد و به نظرت امیدبخشن. یه کم بیش‌تر درباره این برام توضیح بده، دقیقاً چه طوریه که به نظرت امیدبخشه؟

می‌دونی دقیقاً انگار برای همه مودای آدم موزیک دارن. وقتی غمگینی یا حتی مثلاً با اکیپ دوستات دعوا کردی و حس می‌کنی نارو خوردی. وقتی حس افسردگی داری یا فکر می‌کنی کسی دوست نداره. من خودم وقتی آهنگاشون رو گوش می‌دم، واقعاً حس می‌کنم توی تجربه اون حس تنها نیستم و خیلی راحت‌تر از اون حس و حال می‌گذرم.

- یه نمونه از این مدل آهنگاشون رو بهم می‌گی که خودتم دوستش داشته باشی.

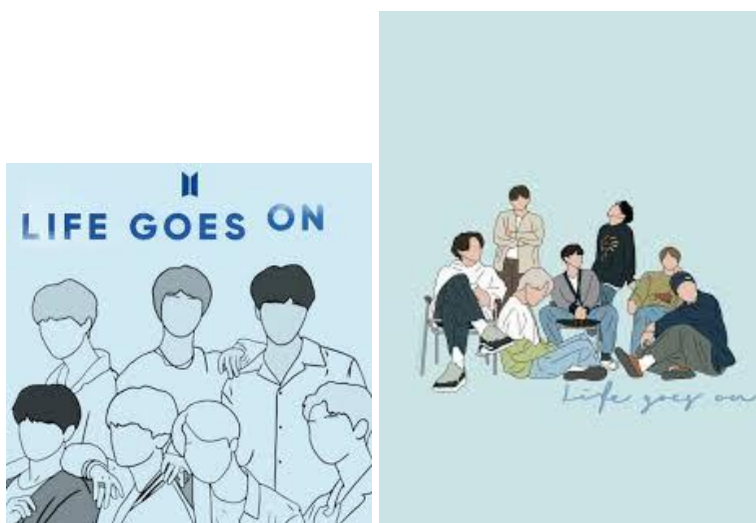
یه تیکه از متن آهنگ زندگی ادامه دارد که خیلی دوستش دارم، این طوریه:

مثل پژواکی توی جنگل،



یه روزی میاد که  
انگار هیچ اتفاقی نیفتاده بود،  
آره، زندگی ادامه داره،  
مثل تیری در آسمان آبی  
ما یه روز دیگه پرواز می کنیم (پیشرفت می کنیم)،  
روی بالش، روی میز،  
آره، زندگی ادامه داره،  
بازم همین طوره.

من این آهنگ رو وقتی یکی از امتحانام رو گند زده بودم، مدام گوش می دادم و واقعاً حالم بد بود، چون خانواده ام هم همه اش سرزنشم می کردن، ولی این موزیک و متنش خیلی حالم رو بهتر می کرد. بعد از این مسایل علاقه ام خیلی بیش تر شد».



«- فکر می کنی بی تی اس در چه مواردی بیش ترین تأثیر رو در زندگی شخصی خودت داشته؟»

از هر لحاظ برای من تأثیرگذار بود. اول و مهم تر از همه تأثیری که رو روحیه ام داشته و الآن نسبت به قبل از آشنایی با بی تی اس، خیلی شادترم. دوم تو سن خیلی کوچیک توانایی گرفتن تصمیمات بزرگ رو به دست آوردم، مثلاً موقع هایی که از دست زن بابام کتک می خوردم، با یاد آوردن حرف هاشون که تو آهنگ فایر می گفتند تو جوونی، بزنی بشکن، از خودت دفاع کن، اونا نمی تونن تو رو بفهمن، پس تو خودت را بفهم. سوم این که قبلاً از نظر اخلاقی خیلی سنگ دل بودم. الآن خیلی مهربون ترم، می دونم و می فهمم که نمی شه با دعوا و دیوانگی برای مشکل ها راه حل پیدا کرد. من دورانی با بی تی اس مواجه شدم که به این چیزهایی که بالاتر گفتم، نیاز داشتم و این جوری دور خودم با خیالات و توانایی که داشتم با بی تی اس یک چهار دیواری ساختم که توش همیشه در امنیتم. از نظر اجتماعی خیلی ارتباطم با اطرافیانم بهتر شده، قبلن که می رفتم مدرسه یا عروسی، جشنی، چیزی، همیشه انتظار داشتم آدم ها بهم سلام بدن یا در خواست دوستی بدن، همیشه خودم رو کم تر از بقیه می دیدم و تا زمانی که کسی سمت من نمی اومد، من به سمتش نمی رفتم، ولی وقتی با بی تی اس آشنا شدم، یه جوری کلاً تغییر کردم، الآن من می رم بهشون در خواست دوستی می دم، وقتی می بینم ناراحت ان، برای خوشحالی شون تلاش می کنم، بیش تر با آدم ها ارتباط چشمی برقرار می کنم، شجاعتش را دارم وقتی به یکی حسی دارم، برم رو به روش بایستم و براش توضیح بدم، مشکلاتم را با آدم ها می تونم به راحتی به اشتراک بذارم، سرش بحث کنم و متوجه این شدم که وقتی با آدم ها این جوری برخورد می کنم، آدم ها بیش تر بهم توجه می کنن، بیش تر برام ارزش قایل می شن. حسی بدی که قبلن به خودم داشتم، کاملاً از بین رفته و من رو از تاریکی به روشنی کشونده».

کوثر ۲۵ ساله به عنوان نتیجه، از فرازی از اقدام های ارزشمند گروه پسران بی تی اس به قرار زیر یاد کرده است:

«درسته که روزی پنج، شیش ساعت از وقتم واسش می‌رفت، ولی اگه بی‌تی‌اس کلاً از زندگی من حذف می‌شد، کلاً معلوم نبود چه اتفاقی برام می‌افتاد و ممکن بود من اصلاً الآن اینجا نباشم که بخوام با تو مصاحبه بکنم. برای همین به نظرم اون موقعی که باید می‌بود، بود و کمکش رو به من کرد. حتی با این که الآن ازش فاصله گرفتم، ولی می‌دونم که اون موقع تأثیر مثبتش خیلی بیش‌تر از اون چند ساعت وقتی که حالا از من گرفته یا حالا هر فضای منفی که می‌خواست داشته باشه».



### ۳-۵- انگیزه بخشی به نوجوانان و جوانان

«اونا می‌گن، اگه شکست خوردی، باید قوی‌تر راحت رو ادامه بدی» (گلنوش ۱۴ ساله).

«اونا همیشه می‌گفتن، یک درصد از دیروزت بهتر باش» (نیکو ۱۵ ساله).

«اونا به زندگی من رنگ پاشیدن» (مرضیه ۱۹ ساله).

نوجوان و جوانی که از سویی درگیر تحول‌های مغزی و از سوی دیگر درگیر تحول‌های فیزیکی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی است، در عمل خود را با ناهماهنگی‌ها و تعارض‌های زیادی مواجه می‌بیند که همین موارد احساس بحرانی بودن شرایط را برای وی تداعی می‌کنند.

از سوی دیگر نوجوان و جوانی که غالباً بهره‌چندانی از تجربیات اجتماعی با خود ندارند، در مواجهه با حجم عظیم ناهماهنگی‌ها و تعارض‌هایی که فراروی وی قرار دارند، ممکن است به سادگی خود را بیازد و خسران و شکست را سرانجام آینده محتوم خویش ببیند. در شرایط پیش‌گفته، اگر فرد یا گروهی پا به میدان نهاده و با امید و انگیزه دادن به نوجوان و جوان، او را تشویق به ستیز برای رفع مشکلات فرارویش کند، بالطبع به شکل عمیقی مورد توجه نوجوان و جوان واقع شده، الگوبرداری از وی در دستور کار او قرار خواهد گرفت. بررسی مصاحبه‌های انجام شده با نوجوانان و جوانان مصاحبه شده، دلالت بر آن دارند که هواداران گروه بی‌تی‌اس از سه طریق، اثرپذیری از سخت‌کوشی اعضای گروه، اثرپذیری غیرمستقیم از طریق مفاهیم القاء شده در آهنگ‌های بی‌تی‌اس و اثرپذیری مستقیم از بیانات اعضای گروه، تحت تأثیر اندیشه‌های گروه بی‌تی‌اس و کمپانی بیگ‌هیت قرار گرفته و تحول‌هایی را در خط‌مشی زندگی خود پدید آورده‌اند که این تحول‌ها را هم می‌توان در دو سطح اثرپذیری‌های معمول و اثرپذیری‌های بسیار عمیق طبقه‌بندی کرد.

بررسی سوابق اعضای گروه بی‌تی‌اس دلالت بر آن دارد که به جز یکی از افراد گروه بی‌تی‌اس که متعلق به خانواده‌ای مرفه و ثروتمند بوده است، سایر اعضای گروه متعلق به خانواده‌های دست‌تنگ بوده‌اند و پس از جذب شدن توسط کمپانی، در کنار آموزش‌های پر حجم و وقت‌گیر

کمپانی، از حداقل امکانات ممکن از سوی کمپانی برخوردار بوده اند، به نحوی که نه تنها همگی در یک واحد اسکان داشتند، بلکه خودشان موظف به تأمین مایحتاج گذران زندگی خویش بوده اند و بنابراین در کنار آموزش هایشان، باید کار نیز می کردند. برخی از افراد مصاحبه شده با استناد به چگونگی زندگی پیشین الگوهای مورد علاقه خویش، خاطرنشان ساخته اند که از زندگی آن ها سرمشق گرفته، انگیزه تلاش مضاعف را در خود یافته اند تا به این ترتیب به تحقق آمال خویش نایل آیند. پونه ۱۸ ساله، بنفشه ۲۰ ساله و مهشید ۲۱ ساله در مصاحبه های جداگانه خویش با استناد به گذشته دشوار گروه بی تی اس، الهام گرفتن خودشان از زندگی اعضای گروه را مورد تأیید قرار داده اند:

«- اعضای گروه چه جوری بهت انگیزه می دن؟

با حرفاشون، کاراشون، آهنگاشون و تلاش کردناشون. یادمه اون اوایل که تازه آرمی شده بودم، دوستم یه ویدیو ازشون برام فرستاده بود که توش پسرا داشتن تو خیابونای کره از مردم خواهش می کردن که بیان و اجراشون رو تماشا کنن و خیلی از مردم اون موقع ایگنورشون (بی توجهی) می کردن. اما بین هفت تا پسر بچه چه جوری و از کجا به کجا رسیدن. بین چه قدر تلاش کردن تا به این جایی که الان خواستن رسیدن و شدن الگوی خیلیا. شدن امید و انگیزه ی کلیبی آدم از آسیا گرفته تا اروپا و امریکا. جوری پیشرفت کردن که ازشون دعوت کردن به عنوان نماینده ی کره برن سازمان ملل سخنرانی کنن. خب من وقتی می بینم که این پسرا چه قدر تلاش کردن و جواب گرفتن، منم حس انگیزه می گیرم و با خودم می گم، اگر تلاش کنم، قطعاً نتیجه می گیرم. خیلی وقتا شده که من حال خوبی نداشتم و رفتم یه کلیپ ازشون دیدم و حالم خوب شده. خیلی وقتا با حرفاشون من رو تحت تأثیر قرار دادن. اومدن لایو روزم رو ساختن. خیلییی تأثیرگذارن، واقعاً وقتی می گم با پسرا زندگی می کنم، الکی نمی گم. اینا دلایلشه».



«- اگه بی تی اس منحل بشه چه اتفاقی برای تو می افته؟

نمی خوام طوری برداشت بشه انگار دارم اغراق می کنم، اما واقعیت این بود که اونا نجاتم دادن، واقعاً نجاتم دادن، شاید اگه اونا نبودن من دست به کارهایی می زدم که الان پشیمون بودم یا اصلاً وجود نداشتم همیشه می گن، مثلاً تو زندگی یه دختر مثلاً شونزده، هفده ساله چی می تونه باشه که مثلاً فکر کنه همه مشکلات و سختی ها روی شونه ی اونه، با این حرف موافق نیستم، به هر حال اون زمان اون دردی که ما داریم، مختص سن خودمونه و برای ما خیلیه من اون زمان دبیرستان خوبی نداشتم، از سال دهم هم اصلاً راضی نبودم و نهم هم اذیت می شدم، خیلی اتفاق ها برام افتاد و دست من نبود، می دونی چی دارم بهت می گم و این که به طور ناخواسته روم اثر می داشتن، مثلاً روزهایی بود که واقعاً کم می آوردم و می خواستم از همه چی بکشم عقب و همه اش به این فکر می کردم، شرایطت سخت تر از اینا هست؟ تلاش کردی که الان بخوای عقب بکشی، چون که می دونی گذشته شون واقعاً برای من خیلی درسه، این که هفت ساله تلاش کردند تا مشهور بشن و خوب می دونی، اینا حتی در حال دیس بند شدن (منحل شدن) بودن اون سال تو کره، اگه اون جایزه رو نمی گرفتن، الان دیس بند شده بودند، من همه اش فکر می کردم، مگه شرایطت از اونا بدتر بود، مثلاً یکی از اعضا در حالی میاد و وارد گروه می شه که حتی پول غذا نداشته و مجبور بوده کار کنه، در کنار تمرینایی که می کرده، بعد من همیشه این طوری بودم که آیا یعنی زندگیت از این فرد سخت تر بوده؟ بیش تر از اون تلاش کردی که حالا می خوای پا پس بکشی؟

حتی تو دوران کرونا هم آهنگاشون انگیزه بخش بود و تو آهنگ دعوت به رقص شون به این صورت توی آهنگ بود که بالاخره افراد ماسک شون رو از روی صورت شون برمی‌دارن و باهم می‌رقصن».



«- گروه بی‌تی‌اس چه ویژگی خاصی داشت که جذب کرد؟»

بین چندتا تفاوت وجود داره بین موسیقی کشور ما با کی‌پاپ که اینا باعث افزایش روزافزون طرفدارهای این سبک می‌شه که الان برات چندتا شون رو می‌گم، اول این که معنی بیش‌تر شعرهاشون به دوست داشتن خود، هدف داشتن و ناامید نشدن و تسلیم نشدن اشاره داره و این معنی‌دار بودن و انرژی مثبتی که گروه داره، یکی از نکاتی هست که طرفدارهای زیادی دارن. دوم این که اصولاً تفاوت باعث جذابیت می‌شه، کی‌پاپ همراه با آهنگ، دنس و رقص رو هم همراه موسیقی آورده، برای همین در کل دنیا مورد توجه قرار گرفتن، در طول تاریخ موسیقی دنیا رو هم نگاه کنی، هر تفاوتی که ایجاد شده باعث جذابیت و طرفدارهای زیاد شده.

بی‌تی‌اس به چیزی که خیلی معروفه کلاً بین همه گروه‌هایی که هستش اینه که هیچ‌چیزی براشون غیرممکن نیست، یعنی این قدر می‌جنگن و این قدر تلاش می‌کنن برای خواسته‌شون که قطعاً به اون هدف می‌رسن و این هم خیلی روش مانور می‌دن و خیلی یاد می‌دن به فناشون... دوتا چیزی که خیلی روش مانور می‌دن یکی دوست‌داشتن خودته، روی این موضوع خیلی تأکید دارن. معتقدن که ما خودمون رو دوست داشته باشیم، به خیلی چیزها دست پیدا می‌کنیم و از دیگران خیلی جلوتریم. بعد چیزی با ارزش‌تر از خودمون نمی‌تونه باشه در دنیا و تحت هر شرایطی نباید جا بزنینم و نباید وقتی که شکست خوردیم، جا بزنینم... هدف‌دار بودن و این که برای هدف بجنگی، هر چه قدر هم شرایط سخت شد، تو تسلیم نشی و سخت‌تر و بیش‌تر براش تلاش کنی، این دوتا مورد خیلی بولده توی این گروه، موضوع شعرهاشون هم بیش‌تر همینیه، امید داشتن، امید دادن، خودت رو دوست داشته باشی، به چیزهای مثبت فکر کنی و به خاطر دیگران خودت رو عوض نکنی و تسلیم شرایط و موقعیت‌ها نشی، ویژگی‌هایی که نداری رو بهونه نکنی، مثلاً من اگه پولش رو داشتم، به اونجا می‌رسیدم، اگر پارتی داشتم به فلان چیز می‌رسیدم، این‌ها همه بهونه هست. تو نخواستی که نشده، مثلاً چند سال پیش کمپینی رو درست کرده بودند به نام لاو یورسلف آلبومی هم با همین تایتل (عنوان) دادن. این کمپین بزرگ و بزرگ‌تر شد و به هر کشوری که رفتن این رو تبلیغ کردن و تو آهنگاشون این رو تبلیغ می‌کردن تا این که یونیسف دعوت‌شون کرد، اون‌جا سخنرانی داشتن، سخنرانی‌شون خیلی خوب و جذاب بود، از اون به بعد هم هر سال حتی در ایام کرونا به‌صورت ویدیو پیام فرستادن و یا به صورت حضوری رفتن یونیسف و همین چند ماه پیش به‌عنوان نماینده قاره آسیا رفتن و برای سازمان ملل صحبت کردن برای مشکلاتی که در آسیا هست و در مورد این تبعیض نژادی و تفاوت‌هایی که بین آسیا، اروپا و آمریکا هست صحبت کردن».



در سطح دیگری افراد مصاحبه شده تأکید ورزیده اند که در برخورد با محتوای آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، انگیزه‌های جدی‌تری برای برخورد با مشکلات فرارویشان یافته اند.

سارینا و نگین ۱۳ ساله و باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، بالاتفاق از اثرپذیری از مفاهیم مطرح در آهنگ‌های پسران بی‌تی‌اس یاد کرده و آثار آن در زندگی روزمره خودشان را مورد تأیید قرار داده اند:

«- با توجه به این که گفتم بی‌تی‌اس توی اکثر آهنگ‌هاشون به این موضوع اشاره می‌کنن که خودت رو دوست داشته باش، آیا این موضوع روی زندگی و علاقه‌ات نسبت به خودت تأثیری گذاشته؟

در اون حد خیلییی زیاد نه، ولی واقعاً امیدبخشه و تو زندگی من تقریباً ۷۰ درصد تأثیر داره و من هر وقت ناراحت می‌شم یا ناامید می‌شم، بهشون گوش می‌دم و معجزه می‌کنه».

«- تشکیل دادن گروه دخترانه چه احساساتی در مخاطب‌ها ایجاد کرده است؟

نمی‌دونم راستش، ولی چیزی که من می‌دونم اینه که وقتی بی‌تی‌اس دیس بند بشه، قطعاً خیلی از آرمی‌ها افسرده می‌شن، مثلاً خود دوست‌های من این قدر وابسته گروه بی‌تی‌اس هستن خود من همین طور که اگر یک روزی به ما بگن که دیگه قرار نیست چیزی باشه، ما دیگه کلاً انگار زندگی برامون معنا نداره (هنگامی که راجع به این مسایل صحبت می‌کرد، به وضوح اضطراب و تشویش در کلامش مشهود بود).

- چه نقش‌هایی در زندگی شما و در چه ابعادی ایفا می‌کنند؟

خوب بستگی به این داره که هر کسی چه چیزی ازشون یاد بگیره، مثلاً خود من آدمی هستم که حتماً باید بهم بگن که خوشگلی یا یک تعریفی باید از من بشه تا باور کنم، چون خیلی این طوری نیستم که مثل بعضی‌ها خودم را دوست داشته باشم، ولی خوب بی‌تی‌اس با یک چیزی مثل هشتک لاو یورسلف معروف شد و بعد از اون فن‌هاشون هر روز زیاد شد.

- متن شعرها انگیزه و نیرو به شما می‌دهد؟

بله».

«- متن آهنگ مورد علاقه‌ات رو بگو و درباره احساسات خودت در این باره توضیح بده.

آهنگ استیل ویت یو<sup>۱</sup> از کوکی، آهنگ ویت یو<sup>۲</sup> جیمین، آهنگ مجیک شاپ، آهنگ بولت پروف، کوکی دوتا آهنگ کاور کرده که وقتی ناراحتم خیلی گوش می‌دم خیلی دوست دارم یکیش فالینگ<sup>۳</sup> از هری استایلز و اون یکی تو یو<sup>۴</sup> از جاستین بلیئر، آهنگ 00:00 خیلی خیلی برام مهمه. من خیلی بهش علاقه دارم، چون می‌گه، همیشه می‌شه شروع کرد.

<sup>۱</sup> - still with you

<sup>۲</sup> - with you

<sup>۳</sup> - falling

<sup>۴</sup> - 2 U





فکر کنم آهنگ لایف گوز آن رو هم که تو دوران کرونا منتشر کردن برای این بود که حال همه بهتر بشه. متنش به شدتعالیه». برخی از هواداران مصاحبه شده تأکید کرده اند که آنان با شنیدن پیام مستقیم الگوهای مورد علاقه خودشان، کوشیده اند تا طبق همان رهنمودها عمل کنند و همین مسأله به تناسب تحول‌آفرینی‌های کوچک و بزرگی را در زندگی روزمره آنان رقم زده است: «... ولی بی‌تی‌اس انگار واقعاً اون چیزی که می‌خواست رو خیلی براش زحمت کشید و هر روز به طرفداراشون می‌گن که بهتر از دیروزشون باشن و این یکی از پیام‌هاشون بود، این که ما همیشه سعی می‌کنیم بهترین خودمون رو نشون بدیم و بهتر از دیروز باشیم یا این که همیشه می‌گفتن یک درصد بهتر از دیروزت باش، مثلاً توی آهنگ نات تودی هم سعی می‌کردند همین مفهوم رو برسوند. ولی کلاً آهنگ‌هاشون تو این فازه. در کل من از حال و هواشون خوشم اومد و از پیام‌هایی که می‌دن» (نیکو، ۱۵ ساله).



«- فکر نمی‌کنی طرفداری از بی‌تی‌اس وقتت رو گرفته و می‌تونستی وقتت رو صرف اولویت‌های بهتری بکنی؟ نه، چون من کنترل تایم رو داشتم. این جور نبود که تمام وقتم رو گذاشته باشم واسه اونا و از کار و زندگی بیفتم. حتی تأثیر مثبت هم داشته روی درس هام. مثلاً من اصلاً علاقه‌ای به ریاضی نداشتم، بعد نامجون اومد گفت شما باید ریاضی بخونید و من از اون موقع انگیزه گرفتم» (سحر، ۱۵ ساله).

«- دغدغه‌هایی که تو شعرهاشون ازش صحبت می‌کنن، بیش‌تر در ارتباط با چه مواردی هستن؟ بخوام خیلی کلی بگم مفهوم شعرهاشون خوبه و خب دغدغه‌هایی که ازش صحبت می‌کنن در مورد زندگی روزمره و واقعیت‌هایی هست که تو خیلی از جوامع وجود دارن.

- امکانش هست، مثالی رو در موردش بیان کنید؟

بله، مثلاً تو چندتا از شعرهاشون درباره‌ی دخالت بزرگ‌ترها تو تصمیمات کوچکت‌ها صحبت می‌کنن، در مورد این که بزرگ‌ترها، کوچکت‌ها رو تحت فشار می‌گذارن برای این که مسیر آینده‌شون رو طوری انتخاب کنن که خودشون می‌خوان، یعنی مطابق میل خود بچه نباشه و در آخر هم می‌گه باید دنبال علاقه خودتون برید و چیزی که دوست ندارید، نباید به شما تحمیل بشه یا مثلاً اعتماد به نفس داشتن یا مفهوم یه لیریک<sup>۱</sup> معروفش اینه که فقط هدف رو نبیین و از مسیر رسیدن به هدف لذت ببر یا این که زندگی ادامه داره.

- در مورد این سه مورد، منظورم اعتماد به نفس، ادامه داشتن زندگی و لذت بردن از مسیر در جهت رسیدن به هدف هم می‌شه مثل مورد اول توضیح بدید؟

تو آهنگ‌های مختلف در مورد اعتماد به نفس داشتن صحبت کردن که معروف‌ترین‌شون هم لاو یورسلفه<sup>۲</sup> که می‌گن باید خودمون رو دوست داشته باشیم، جدا از همه تفاوت‌هایی که بین آدما وجود داره، مثلاً یکی چاقه، یکی لاغره، یکی قد بلنده یا یکی کوتاه، خب این ویژگیا خوب یا بد، باید پذیرفته بشن و ما خودمون رو دوست داشته باشیم.



زندگی ادامه داره هم منظورش اینه با تمام سختی‌هایی که هست، باز زندگی قشنگی‌های خودش رو داره و باید تا حد ممکن ازش لذت برد» (زهره، ۲۴ ساله).

بررسی‌های میدانی انجام شده بیانگر آن است که الگوبرداری هواداران از سخت‌کوشی پسران گروه بی‌تی‌اس با اخذ خط‌مشی از مفاهیم مطرح شده در آهنگ‌های آنان و یا به گوش گرفتن پیام‌های مستقیم پسران گروه، به تناسب ظرفیت‌های فردی هواداران، میزان علاقه آنان به الگوها و موارد مشابه، در دو سطح اثرپذیری اندک و متوسط و اثرپذیری بسیار عمیق قابل مشاهده است.

شادی ۱۵ ساله، ثنای ۱۶ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خویش شواهدی از اثرپذیری‌های معمول از انگیزه بخشی گروه بی‌تی‌اس را به معرض دید نهاده اند:

«- رقص‌شون رو بلد ی گفتم؟  
آره کامل.

- چه جوری یاد گرفتم؟

از کلیپاشون یاد گرفتم. اونا رو زیاد می‌بینم.

- در طی چه مدت یاد گرفتم؟

تقریباً یکی، دو ماه، ولی زیاد می‌دیدم.

- مثلاً چه قدر؟

روزی ۵ ساعت مثلاً.

<sup>۱</sup>- Lyric

<sup>۲</sup>- love yourself



- زبون‌شون رو چی؟

تاحدودی آره، ولی خیلی سخته (باخنده) شبیه چینی، ولی عین اون نیست، چینی سخت‌تره.

- نوشتن هم بلدی؟

نه فقط شنیداری، حرف زدن رو بلدم.

«... من واقعاً داشتم گوشه‌گیر می‌شدم و بچه‌ها خیلی با من حرف نمی‌زدن و من رو دست کم می‌گرفتند. یه برنامه هست به نام لینگ بی<sup>۱</sup> که باهاش می‌شه با افراد مختلفی از ملیت‌های مختلفی حرف زد. تماس می‌زدیم و با آدمای مختلف جلوی فامیلامون انگلیسی حرف می‌زدیم، همه دهن‌شون وا مونده بود. می‌گفتن چه طوری انگلیسی یاد گرفتی.

- یاد گرفتن انگلیسی با بی‌تی‌اس چه ارتباطی دارد؟

گفتم که می‌خوام برم کره برای ادامه تحصیل. هم انگلیسی لازمه و هم کره‌ای مجبور بودم یاد بگیرم. یه کم پیش زمینه داشتم و برای همین رفتم کلاس زبان و الان عالیه زبانم.

- خوب چه ارتباطی به بی‌تی‌اس دارد؟

از طریق بی‌تی‌اس با کره آشنا شدم و بعدش رفتم سرچ زدم دیدم دانشگاه‌هاش نیاز به انگلیسی و کره‌ای داره و بعدش رفتم جدی انگلیسی رو یاد گرفتم».

«- از نظر درسی هم گفتی اون زمان افت داشتی؟

آره خیلی. خیلی زیاد. گفتم که هیچ تمرکزی نداشتم برای درس خوندن، جدای از این که اصلاً علاقه‌ای به خوندن درس نداشتم هیچ وقت، این که ذهنم همیشه درگیر بی‌تی‌اس بود هم وضع رو بدتر کرد. یه تایمی افت تحصیلیم خیلی زیاد شد.

- خلیا می‌گن که بی‌تی‌اس بهشون انگیزه می‌ده برای درس خوندن. تو این طور نبودی؟

نه خب، آخه من کلاً هیچ علاقه‌ای به درس نداشتم و ندارم هنوز. من حرفه‌ای دنس رو ادامه دادم از بچگی و خب بی‌تی‌اس شاید توی درس بهم انگیزه نداد، اما توی دنس قطعاً بزرگ‌ترین انگیزه‌ی من بود. یادمه یه زمانی برنامه ریخته بودم که برم و دنسر کی‌پاپ بشم تا بتونم یه روزی اون قدر پیشرفت کنم که برم دنسر بی‌تی‌اس بشم، همه قرار نیست توی درس انگیزه بگیرن. یه جورایی بستگی به علاقه آدم داره».

برخی از افراد مصاحبه شده، از تأثیرپذیری عمیق پسران گروه و پیام‌های آن‌ها بر خود یا اطرافیان‌شان یاد کرده اند.

مرضیه ۱۹ ساله در مصاحبه‌اش، از معنایابی زندگی‌اش در مواجهه با گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است. الناز ۱۲ ساله، از هوادارانی یاد می‌کند که سوابق خودکشی را در زندگی خوشان داشته اند، اما با آشنایی با پسران بی‌تی‌اس، از اندیشه خودکشی خویش فاصله گرفتند. پریناز ۱۸ ساله، از فرد دیگری یاد می‌کند که سه بار سابقه خودکشی داشته است. سرانجام ترنم ۱۸ ساله، گزارش می‌دهد که در اوج بحران‌های نوجوانی خویش (که هر حس هیجانی به سبب در اوج بودن قشر خاکستری مغز و هسته -متصدی لذت- آکومبنس، به شکلی شدیدتر از افراد بزرگ‌سال ادراک می‌شود)، به سبب جدایی اولیای وی از هم در ۱۳ سالگی او، درد ملاقات‌های بی‌قاعده مادر با مردی غریبه، نامادری که به تخاصم با وی برخاسته است و ممنوعیت ادامه تحصیل وی از سوی پدر در ۱۵ سالگی، در صدد خودکشی برآمده بود که با آشنا شدن با اندیشه‌های بی‌تی‌اس، با فاصله گرفتن از اندیشه خودکشی، مسیر بازسازی دوباره خویش را پیش گرفته است:

«من تا قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم احساس می‌کردم متعلق به این زمان و مکان نیستم، احساس می‌کردم متعلق به دورانی هستم که ونگوگ گوشه‌ی اتاقش مشغول کشیدن نقاشی‌هایش بود، متعلق به دورانی هستم که شرلوک هلمز و دکتر واتسون سراسیمه میان خیابان‌های انگلستان به دنبال مجرمین و گناهکاران می‌گشتند، قرن هفدهم قبل از این زندگی ماشینی، اما وقتی بی‌تی‌اس رو شناختم، اونا دلیلی شدن که از این که توی این قرن متولد شدم، خوشحال باشم از این که تو قرنی هستم که اونا هستن که می‌تونم ببینم‌شون از پشت همین صفحه‌ی گوشی یا حتی رفتن به کنسرت‌شون، اونا به زندگی من رنگ پاشیدن و باعث شدن معنایی که خیلی وقت بود تو زندگیم رنگ باخته بود رو پیدا کنم».

«- خوب تو فکر می‌کنی به چه علت جذب بی‌تی‌اس شدی؟

<sup>1</sup>- Lingbe

خب من احساس خوبی بهشون داشتم و به ما آرمی‌ها خیلی کمک کردن.  
- اون‌ها چه کمکی به آرمی‌ها کردن؟

این برای من پیش نیومده، ولی یه سری آرمی‌ها بودن که خانواده‌های سخت‌گیری داشتن و یا حال‌شون خیلی بد بود تاجایی که دست به خودکشی زده بودن و بی‌تی‌اس اومد و با اون نور بنفشش، انگار اومد دست ما رو گرفت و بلندمون کرد و به ما گفت که دووم بیار، تو آدم خیلی قوی‌ای هستی و این کمکی بود که بی‌تی‌اس به ما کرد».



«من از دوستانم شنیدم که یکی‌شون می‌گفت، سه بار تجربه خودکشی ناموفق داشته، ولی خب بی‌تی‌اس براش دلیلی برای زندگی کردن شده و این برای من خیلی جالبه و این که می‌گفت خیلی خودش رو دوست داره و می‌گفت، یاد گرفته حال بد و مشکل، توی زندگی همه هست و خودکشی راه درستی نیست و امیدش به زندگی بالا رفته و من بعد از بی‌تی‌اس، واقعاً می‌تونم بگم خیلی عاقل شدم و توی شرایط سخت خیلی راحت‌تر با مشکلاتم کنار میام و خودم رو نمی‌بازم و هیچ وقت جا نمی‌زنم و خیلی قوی شدم».

«- می‌تونم درباره گروه بی‌تی‌اس، چندتا سوال از شما داشته باشم؟

بله. بفرمایید.

- چند وقت هست که با بی‌تی‌اس آشنا شدی و طرفدارشون هستی؟

خوب برای جواب دادن به این سوال باید یه کم بیش‌تر خودم رو معرفی کنم و یه کم از زندگی شخصیم بگم. من به خاطر مشکلات خانوادگی نتونستم درس بخونم و ترک تحصیل کردم، ولی خیلی دوست دارم در آینده درس رو ادامه بدم. تقریباً هم ۵ سال هست که طرفدار بی‌تی‌اس هستم، اما این که چی شد که طرفدارشون شدم، راستش رو بخوای خیلی یهویی شد و اصلاً نمی‌دونم چه طوری تا اینجا اومدم. یادم میاد اون موقع‌ها که ۱۳ سالم بود، مامان و بابام از هم طلاق گرفتن و مامانم با یک مرد غریبه قرار می‌داشت و بابام هم با یک زنی ازدواج کرد که تقریباً هر روز زندگی من رو آزار می‌داد و کتکم می‌زد، من تنها بچه‌ی خانواده‌ام بودم. خیلی روح و روانم خراب شده بود همه نمره‌هام صفر و یک بود، زندگی خیلی بدی داشتم. به خاطر نمره‌هام بابام همیشه سرزنشم می‌کرد و من رو با بقیه دوست‌هام مقایسه می‌کرد و من خیلی تنها بودم، حتی در طول روز به جز تایم مدرسه رفتنم از اتاقم در نمی‌اومدم تا این که یک روز دختر همسایه‌مون بهم گفت یک آهنگ می‌شناسم، حال و هوای تو رو خیلی عوض می‌کنه و بهت انرژی می‌ده. منم قبول کردم و گفتم باشه برام بفرست ببینم چه طوریه، من وقتی به اون آهنگ گوش می‌دادم، چه با معنیش، چه با ریتم، بهم می‌گفت: کسی نمی‌تونه جلوی دوست داشتن خودت رو بگیره و من بعد اون آهنگ فقط با یک سرچ در گوگل شروع کردم به شناختن تک‌تک اعضای گروه، ام‌وی<sup>۱</sup> هاشون رو می‌دیدم، ویدیوها، کنسرت‌ها و مصاحبه‌هاشون رو می‌دیدم. بعد یکی دو ماه متوجه شدم که چه قدر بهشون وابسته شدم. چه قدر بهم کمک کردن که از اون حال بد در بیام و من تو همون مدت کوتاه خیلی عوض شده بودم، حتی انگیزه این رو داشتم که وقتی زن بابام من رو می‌زد، جلو روش مثل یک دیوار محکم بایستم، بعد از اون موقع دیگه اون جرأت نکرد من رو بزنه، حتی اون از من می‌ترسید که نکنه یه وقت به بابام بگم اون من رو می‌زنه. وقتی ۱۵ سالم شد، دقیقاً یک روز بعد از تولدم،

<sup>۱</sup> - مخفف Music video

بابام گفت دیگه مدرسه نرو. خیلی گریه کردم و ناراحت شدم که چرا بابام نمی‌ذاره برم مدرسه؟ بعدها فهمیدم که اون زنه به بابام گفته که من دیدم دخترت با چندتا پسر تو کافه نشسته بود، بعد بابام گفت، ناموس و شرفم نداشت تو درست رو ادامه بدی. من اون موقع تصمیم گرفتم از خونه فرار کنم و برم پیش مادر بزرگم. یادم میاد دو روز تو پارک خوابیدم، چون مادر بزرگم خونه نبود، مجبور شدم که این کار رو بکنم. بی‌تی‌اس در طول این مدت همیشه کنارم بود، یعنی چه طوری بگم، اونا می‌گفتن تو اگه بخوای می‌تونم هر کاری رو انجام بدی و من احساس می‌کردم که اونا فرشته‌هایی هستن که من نمی‌تونم ببینم‌شون، ولی همیشه ازم حفاظت می‌کن. دوران بلوغ برام خیلی سخت گذشت، ولی اونا با بودن‌شون و با آهنگ‌هاشون نداشتن از دست برم، حتی شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الان وجود نداشتم، چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم، ولی با کمک اونا من فهمیدم که اگه من نباشم، کی من رو بغل بگیره و آرزو هام رو به واقعیت تبدیل کنه؟ کی جوونی کنه، بخونه و برقصه؟ فکر کنم معنی واقعی زندگی کردن رو خیلی زود یاد گرفتم. خلاصه‌تر بخوام بگم، متن اون آهنگ در اصل حرف‌هایی بود که کسی بهم نزنده بود و خودم هم اون اشتیاق و علاقه به زندگی رو هم علاقه به خودم رو فراموش کرده بودم، دقیقاً چیزی که من رو جذب کرد و مثل یه نیروی محرک برای ادامه زندگی بود، حرف‌های اونا برای دوست داشتن خودم بود.

آهنگ و متن و حس خوبی که بی‌تی‌اس به من می‌دادن، فوق‌العاده برام جدید و جذاب بود و حال من رو خوب می‌کرد. انگار در مورد من صحبت می‌کردن و آهنگ‌ها برای من ساخته شده بود و من با هر بار شنیدن آهنگ‌ها انرژی می‌گرفتم. - خودت بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس سعی کردی که به افراد دیگه هم معرفی کنی؟

من بعد ۱۵ سالگیم که رفتم خونه مادر بزرگم، بهتر درک کردم که چه قدر بهم امید دادن و باعث شدن که از نابود شدن نجات پیدا کنم. من بعد ۱۵ سالگی، تلاش کردم بیش‌تر دخترهایی که مثل گذشته خودم از زندگی ناامید هستن رو با بی‌تی‌اس آشنا کنم و بگم چه قدر بهم انگیزه دادن تا اونا هم انگیزه بگیرن و بتونن به زندگی ادامه بدن و تعداد زیادی رو می‌شناسم که با بی‌تی‌اس و لیریک<sup>۱</sup> آهنگاشون و بیش‌تر از همه صحبت‌هاشون، تونستن خودشون رو دوباره از نو بسازن و تبدیل به یک آدم جدید و قوی بشن».



### ۳-۶- امید بخشیدن به نوجوانان و جوانان

«برای همیشه ما جوونیم،

حتی وقتی می‌افتم و آسیب می‌بینم،

به سمت رؤیاهام به دویدن ادامه می‌دم (فرازی از آهنگ «جوان برای همیشه» از گروه بی‌تی‌اس).

مسوولان کمپانی بیگ هیت اینترتینمنت از سویی با فهم سردرگمی کم و بیش نوجوانانی که وارد عرصه بلوغ خویش شده اند و از سوی دیگر با فهم تحول‌های روانی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی، سیاسی که افراد در آغاز جوانی خود با آن مواجه می‌گردند، کوشیده اند تا با پاسخ به نیازهای اخیر نوجوانان و جوانان، در عمل موفقیت گروه موسیقایی خویش را تضمین کنند. از این رو، جهت‌گیری برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس معطوف به امیددادن و انگیزه‌بخشی در پاسخ به سردرگمی‌های نوجوانان و جوانان جامعه است.

<sup>۲</sup>- متن آهنگ یا لیریک به واژگانی گفته می‌شود که متن یک ترانه را می‌سازند.

پسران گروه بی‌تی‌اس در آهنگ‌های خود کوشیده اند تا در اشکال مختلف، به مخاطبان عاطفی و حساس خویش امید بخشیده، انجام امیدوار سازنده‌ای را فراروی آنان ترسیم کنند. «ارایه الگویی عینی»، «تلاش در جهت تغییر افق دید افراد»، «طرح وابستگی‌های جدید»، «دل‌داری دادن به مخاطبان» و سرانجام «امید کاذب دادن»، نمونه‌هایی از مواردی است که جمعیت مورد بررسی در تبیین امیدبخشی اعضای گروه بی‌تی‌اس از آن یاد کرده اند.

پسران بی‌تی‌اس، گاهی با طرح سیر تاریخی شکل‌گیری گروه خودشان و ترسیم سختی‌ها و مرارت‌هایی که در مسیر اعتلایابی گروهشان متحمل آن شده اند، در عمل الگویی عینی از خود به هواداران خویش ارایه می‌کنند تا آنان نیز با سرمشق گرفتن از زندگی ستاره‌های مورد علاقه‌شان، با پیشه‌کردن سخت‌کوشی، به تحقق آمال و آرزوهای خویش نایل آیند.

مهرشید ۲۱ ساله در بیانات خودش، خاطرنشان می‌سازد، اعضای بی‌تی‌اس با ترسیم سختی‌هایی که در راه رسیدن به موقعیت فعلی خویش کوشیده اند، از آنان به عنوان الگوهای عملی جوانان یاد کرده است:

«گاهی اوقات در مورد زندگی خودشون می‌گن که مثلاً چه طوری به این جایگاه رسیدن، همه چیز گل و بلبل نبوده، همه چیز عالی نبوده و سختی‌هایی هم بوده که متحمل شدن و حالا رسیدن به جایی که هستن. انتقادهایی که بهشون می‌شه، گاهی اوقات یک سری موسیقی‌هایی هستن که به اصطلاح می‌گن این موسیقی‌ها برای هیت‌رها هست. هیت‌رها کسانی هستن که دائماً شروع می‌کنن به هیت دادن... این گروه بده... این گروه قوی نیست... ضعیفه... این مشکل داره. بعضی از این موسیقی‌ها هم در جواب این پیچ‌ها و صحبت‌های انتقادی و پاسخش رو می‌دن، نهیش می‌کنند و یا توضیح راجع بهش می‌دن».

تلاش در جهت تغییر افق دید افراد، مقوله مهم دیگری است که در امیدبخشی به مخاطبان مؤثر واقع آمده است و مصاحبه‌شوندگان زیادی از آن یاد کرده و بدان اشاره داشته اند.

باران ۲۰ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس که بعضاً مشحون از امیدبخشی و انگیزه دادن به مخاطبانش است، از امیدی که آهنگ‌ها به «تغییر»، «شروع دوباره» و «پشت سر نهادن غم‌ها و شکست‌ها» می‌دهند، یاد کرده و تأکید ورزیده است، این مضامین با کم رنگ کردن ناراحتی‌های وی، در بهبود حال بد او مؤثر واقع آمده، حال او را خوب می‌کنند:

«- متن آهنگ مورد علاقه‌ات رو بگو و درباره احساسات خودت در این باره توضیح بده.

آهنگ استیل ویت یو<sup>۱</sup> از کوکی، آهنگ ویت یو<sup>۲</sup> جیمین، آهنگ مجیک شاپ، آهنگ بولت پروف، کوکی دوتا آهنگ کاور کرده که وقتی ناراحتم خیلی گوش می‌دم خیلی دوست دارم یکیش فالینگ<sup>۳</sup> از هری استایلز و اون یکی تو یو<sup>۴</sup> از جاستین بوبر، آهنگ زیرو (صفر) خیلی خیلی برام مهمه. من خیلی بهش علاقه دارم، چون می‌گه، همیشه می‌شه شروع کرد. فکر کنم آهنگ لایف گوز آن رو هم که تو دوران کرونا منتشر کردن برای این بود که حال همه بهتر بشه. متنش به شدت عالیه».

محمدرضای ۲۱ ساله، با اشاره به مضامینی که باران از آن‌ها یاد کرده بود، خاطرنشان می‌سازد، برخی از افرادی که حتی تصمیم به خودکشی و انتحار داشته اند، با شنیدن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، از تصمیم خویش مبتنی بر خودکشی، منصرف گردیده اند.

باران در قسمت دیگری از مصاحبه‌اش با استناد به بیانات اعضای گروه بی‌تی‌اس، از دید متفاوت این گروه در مقایسه با دید نه چندان مثبت جامعه به جوانان، یاد کرده است:

«ترجمه‌ی قسمتی از صحبت‌های بی‌تی‌اس در مجمع عمومی سازمان ملل رو برات می‌فرستم تا ببینی اعضای گروه چه دید مثبتی را در مورد جوانان مطرح می‌کنند:

1 - still with you

2 - with you

3 - falling

4 - 2 U

ما شنیدیم که جوانان در سنین نوجوانی و بیست سالگی خودشون رو «نسل گمشده‌ی کووید ۱۹» می‌نامند. بهشون می‌گن «نسل گمشده» فقط برای این که راهشون رو در زمانی که چالش‌های جدیدی رو باید امتحان می‌کردن و براشون مهم و تعیین کننده بوده، گم کردن. به هر حال، این منصفانه هس که بهشون بگیم گمشده، چون اونا به چشم یه انسان بزرگ شده، هنوز نتونستن کاری انجام بدن... .

جیمین: الان، اگه ما به این عکس‌ها نگاه کنیم، به طور واضح می‌بینیم اینجا افرادی هستن که به سختی تلاش می‌کنن که به صورت آنلاین و شیوه‌های جدیدی دوستی‌هاشون رو ادامه بدن و به سختی تلاش می‌کنن زندگی سالمی داشته باشن، ما باید افراد جوان رو درک کنیم، کسانی که شجاعت پیدا کرده و چالش‌های جدیدی رو انجام می‌دن.

جین: ما این جسارت رو انجام می‌دیم و به جای استفاده از عبارت نسل گمشده از عبارت «نسل خوش‌آمد گویی‌ها» برای این نسل استفاده می‌کنیم، به طور ویژه، این عبارت به این خاطر برای نسل جوان استفاده شده که به جای ترسیدن، با یک خوش‌آمد گویی گرم از تغییرات استقبال و به سمت آینده پیش‌روی می‌کنن.

نامجون: کاملاً صحیح. ما بدون هیچ قیدی به این باور داریم که با اعتقاد به امید و ممکن بودن در مواقع غیر منتظره، مردمی که بهشون گفته شده راهشون رو گم کردن، این توانایی رو دارن که راه جدید و مختص خودشون رو بسازن و هموار کنن».



برخی از مصاحبه‌شوندگان با طرح این مسأله که پسران بی‌تی‌اس دلبستگی جدیدی را بدان‌ها نشان داده‌اند، یادآور شده‌اند، همین دلبستگی‌ها، امید به زیستن، تلاش و پیشرفت را در دل آنان زنده نگه داشته‌است. کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از دلبستگی که خودش نسبت به گروه بی‌تی‌اس یافته و همین امر، به زندگی سرد و خالی وی رنگی امیدوار کننده بخشیده‌است، به قرار زیر یاد کرده‌است:

«بعد این که در نهایت فکر می‌کنی طرفداری از بی‌تی‌اس چه تأثیری روی زندگیت داشته؟

تأثیر مثبت قطعاً! یعنی این رو من دارم از دید الانم می‌گم که دیگه اون طوری نه اون قدر دوس شون دارم، نه اون قدر اخبارشون رو حتی دنبال می‌کنم. ولی به عنوان کسی که از بیرون دارم به اون چندسالی که نوجوون بودم و طرفدار بی‌تی‌اس بودم یا کی‌پاپر بودم یا هر چی، نیاز داشتم به بودن همچین چیزی تو زندگیم، به خاطر این که زندگی گاهی اوقات می‌تونه خیلی سخت باشه. و دوست داشتن یه چیزی که داره از تو مراقبت می‌کنه، یعنی واضح داری می‌بینی که طرف مثلاً وقتش رو داره می‌ذاره و میاد یه چیزی مثلاً ارایه می‌ده که به تو کمک داره می‌کنه. حالا می‌خواد همدلی باشه یا توصیه‌های مثبت باشه یا هر چیز دیگه‌ای. دوست داشتن همچین چیزی که حس مورد مراقبت واقع شدن رو بهت می‌ده، تو اون لحظات سخت، می‌تونه خیلی حیاتی باشه.

- اوهوم.

و مطمئنم که خیلی‌ها هم همین حس رو دارن که حتی الان اگه فاصله گرفته باشن، می‌دونن که اون موقع به بودن بی‌تی‌اس تو زندگی‌شون نیاز داشتن و اصلاً برای همین جذبش شدن. چون جای خالیش حس می‌شده و اینا هم اون جای خالی رو با یه چیزی که واقعاً آسیب‌چندانی نداره، پر کردن. چون مثلاً درسته که صنعت کی‌پاپ یه صنعت کثیفه، ولی لزوماً هر چیزی که ماهیت بدی داشته باشه، نمی‌تونه تأثیر بدی هم روی تو داشته باشه، قرار نیست تأثیر بدی روی تو داشته باشه و هیچ چیز خوب و بد مطلقاً هم وجود نداره و برای من خوبی‌هاش بیش‌تر بود. چون درسته که مثلاً ممکنه بگیم بر فرض روزی پنج، شیش ساعت از وقت من برای بی‌تی‌اس رفته و پول شده رفته تو جیب کمپانی و پول

شده رفته تو جیب مثلاً خود خواننده، ولی بی‌تی‌اس اگه کلاً از زندگی من حذف می‌شد، حالا شاید خیلی از نظر یکی که داره از بیرون نگاه می‌کنه این حرف خیلی غیر واقعی به نظر بیاد، ولی واقعاً ممکن بود من حتی اصلاً اینجا نباشم.

– یعنی چی؟

یعنی که خیلی‌ها هستن که... حالا مطمئنم اگه مصاحبه‌های دیگه انجام بشه با کسانی که طرفدار حالا چه بی‌تی‌اس چه گروه‌هایی که مثلاً فعالیت این طوری دارن... خیلیا می‌گن که زندگی‌شون رو مدیون به اون هنرمند هستن و این دروغ نیست. چون وقتی که یک نفر افکار خودکشی داره، به شدت نیازمند به اینه که یه همچین رابطه‌ای رو، ارتباط سیف<sup>۱</sup> (امن) رو با یه چیزی برقرار کنه. یه چیزی که کم‌ترین آسیب ممکن رو براش داره و حس می‌کنه که بهش امید به زندگی می‌ده. من یادم میاد اون موقع‌ها به شوخی... چون اصلاً متوجه نبودم که افکار خودکشی دارم... ولی اون موقع‌ها به شوخی می‌گفتم که یکی از دلایلی که الان خودم رو نمی‌کشم، اینه که بی‌تی‌اس آخر این ماه کنسرت داره».



«دلداری دادن به مخاطبان»، وجه دیگری از امیدبخشی است که برخی از افراد مصاحبه شده بدان اشاره داشته‌اند، به عنوان مثال، رخساره ۱۶ ساله، اثر آرامش بخش و انگیزشی بیانات اعضای گروه بی‌تی‌اس را به احساس بغل شدن از راه دور تشبیه کرده است:

«– این که احساس می‌کنی به اون‌ها تعلق داری، باعث شده که تو زندگیات اتفاق خاصی بیفته؟

من وقتی ناراحتم کلیپ‌شون رو نگاه می‌کنم، حرف‌های انگیزشی‌شون رو نگاه می‌کنم که باعث آرامشم می‌شه، آهنگ‌هاشون رو گوش می‌کنم. بعد جیمین در یه کلیپ یه حرف خیلی آرومی با صدای آهنگ به آرمیا زده که اون را هر وقت ناراحت می‌شم، نگاه می‌کنم، واقعاً حس آرامش و آرومی بهم دست می‌ده.

– گفتی به خاطر همون لحن خودش، فقط لحنش یا چیزی که داره می‌گه؟

ببین خیلی آروم داره مثلاً می‌گه، آرمیای من، نمی‌دونم سوییتهای من، حالتون خوبه، اشکالی نداره. شاید مثلاً روز بدی داشته باشی، ولی دلیل نمی‌شه همیشه این طوری باشه. یه همچین چیزایی می‌گه.

– یک جوری که انگار از راه دور بغل می‌شی؟

آره.

– خیلی برات پیش میاد که به این گوش بدی؟

آره».

دیپای ۱۵ ساله و مسعود ۲۰ ساله در مصاحبه‌های خود از نمونه‌های دیگری از دلداری دادن اعضای گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«آهنگ پرمیشن تو دنس<sup>۲</sup> هم به نوعی بعد از کرونا اومد و وایب خیلی مثبتی داشت و واقعاً حال آدم رو خوب می‌کرد مثلاً همه داشتن می‌رقصیدن و شادی می‌کردن و موزیک‌ویدیو و آهنگ هم در ارتباط با اون روزنامه‌ای بود که تو دست جیمین بود که مثلاً تاریخ پایان کرونا رو توش نوشته بود».

«– تأثیر فعالیت‌های بی‌تی‌اس در دوران کرونا روی هواداران چگونه بود؟

<sup>1</sup>- Safe

<sup>2</sup>- Permission to Dance (2021)



چون اکثر هواداران قشر دانش‌آموز بودند و آن‌ها هم خانه‌نشین شده بودند، تنها روزنه امیدشون آهنگ‌های بی‌تی‌اس در فضای مجازی بود که با گوش دادن به آن‌ها روحیه می‌گرفتند و یا غم از دست دادن عزیزانشون رو در بیماری کرونا با کمک بی‌تی‌اس می‌تونستند تحمل کنند. اینجا وفاداری بی‌تی‌اس به هواداران آشکارا دیده می‌شه. زمانی که ترس و ناامیدی سراسر جهان رو به خاطر کووید ۱۹ فرا گرفته بود. گروه بی‌تی‌اس با پخش آهنگ‌های ساخته خودشون به هواداران امیدواری می‌دادند.



اعضای گروه بی‌تی‌اس، در فراز دیگری از اقدام‌های خویش، به طرح موضوع‌هایی نظیر این که «اگر کل دنیا پشت تو نباشند، من هستم»، «ما مراقب شما هستیم»، «ما کنارتان هستیم» و مانند آن پرداخته‌اند، اگر چه موارد اخیر چیزی بیش‌تر از شعار و دادن امید کاذب نیستند و فردی که در کره جنوبی است و مثلاً هواداران ایرانی خویش را هیچ گاه ندیده است، واقعاً هیچ اقدام ملی برای آن‌ها نمی‌تواند به عمل بیاورد، اما صرف زدن برخی از حرف‌های انگیزشی و امیدوار کننده، گاهی می‌تواند نوجوانان و جوانان هیجان زده را تحت تأثیر (و یا حداقل تأثیر موقت) قرار دهد. مهتاب ۲۵ ساله، گلاره ۱۴ ساله و کوثر ۲۵ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خویش در این زمینه بیانات زیر را داشته‌اند:

«مثلاً گروه تو آهنگش می‌اومد اول مشکل رو مطرح می‌کرد. بعد می‌گفت من درکت می‌کنم. بعد می‌اومد امید می‌داد یا مثلاً یه آهنگ دیگه دارن که یه بخش خیلی معروف داره که می‌گه (خواندن کره‌ای) که یعنی It's OK!

بعد حالا بگو یک، دو، سه. با من بشمر، بیا با من مثلاً فلان این طوری. بعد میاد امید می‌ده و یه حالت همراهی که آره من هستم، حتی اگه کل دنیا پشت تو نیستن، من هستم و کنارتم و اون موقع، الان تو کی پاپ خیلی خواننده‌ها از این کارا می‌کنن و خیلی آهنگای این جوری زیاده، ولی اون موقع بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که این مدل آهنگا رو می‌داد و این ارتباط عمیق رو با طرفداراش برقرار کرد و آمد از مشکلات گفت». «فکر کنم تقریباً ۹۰ درصد آرمی‌ها این شرایط رو داشتن که توی دوران نوجوانی و بلوغ که داشتن بزرگ می‌شدن ناراحت بودن یا حال‌شون بد می‌شد و توی همین دوران بوده که با بی‌تی‌اس آشنا شدن و حال‌شون خیلی بهتر شده.



بی‌تی‌اس بهمون بر عکس این که یاد بده برای دیگران چه جوری باشیم، این رو یاد می‌ده که چه جوری برای خودمون باشیم و خودمون رو دوست داشته باشیم و چه جوری زندگی کنیم و این خیلی تأثیرگذاره. نمی‌دونم درست باشه این رو بگم یا نه، ولی من یه زمانی حتی با سن کمی که داشتم، شب‌ها قبل از خواب همیشه گریه می‌کردم و اصلاً حالم خوب نبود و خب هیچ‌کس هم متوجه این موضوع نمی‌شد، ولی بی‌تی‌اس نه تنها توی آهنگ‌هاش که می‌گه زندگی ادامه داره، بلکه توی همه چیزش مثل همون ران‌ها و برنامه‌ها و مصاحبه‌هاش بهمون امید می‌دن و می‌گن که ما رو دوست دارن و این موضوع خیلی روی من تأثیر داشت و حالم رو خوب می‌کنه».



کوثر ۲۵ ساله در فرازی از مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، گروه کمپانی بیگ‌هیت چنان روابط عمیقی با مخاطبان جوان خویش برقرار کرده است که برخی از هواداران، اعضای این گروه را حتی با خانواده‌شان عوض کرده، از آنان با عنوان خانواده جدیدشان یاد می‌کنند: «یه پیام مراقبت کننده طور می‌دادن تو متن آهنگاشون، که آره ما هستیم، ما مراقب تون هستیم، ما کنارتون هستیم و یه چیز دیگه‌ای هم که بود، این بود که بی‌تی‌اس می‌دونست یه تعداد خیلی زیادی از طرفداراشون به خاطر بی‌تی‌اس به زندگی برگشتن. و این در واقع، شاید بتونم بگم یه درصد خیلی بالایی، بیش‌تر از نصف طرفدارای بی‌تی‌اس، سر این آلبوم، یه همچین حسی داشتن که انگار یه حس خیلی بهتری به خودشون پیدا کردن. آلبومش، اسم آلبومش لاو یورسلف بود.

خودت رو دوست داشته باش. سه‌تا آلبوم بود به عنوان سری لاو یورسلف. یعنی سری لاو یورسلف خودش نزدیک دو سال طول کشید. بعد کل تمرکز این آلبوم لاو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جوری که هستی دوست داشته باش و من مثالی بارزش رو می‌دیدم، یعنی مثلاً طرف می‌گفت که من واقعاً می‌خواستم همه چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم... خود من توی دورانی که تین‌ایجر بودم، واقعاً اگه بی‌تی‌اس نبود، حتی سر همین آلبوم لاو یورسلف، اگه بی‌تی‌اس این آلبوم رو نمی‌داد، من هیچ‌وقت خودم رو اون جوری که هستم قبول نمی‌کردم. به خاطر این که انگار نیاز داشتم یه نفری که دوستش داشتم، بیاد این حرف رو به من بزنه. و خیلی اثرش بیش‌تر از صدها کتاب بود که من پیام بخونم که هی به من بگه که... .

– آیا درست دارم متوجه می‌شم که این گروه یه جورایی جایگزین خانواده‌ای بود که احساس کمبودش رو می‌کردی؟ قطعاً، البته بیش‌تر برا من حکم یه دوست صمیمی رو داشت که نداشتم. ولی برای خیلیا آره. جایگزین خانواده هم بود. جایگزین یه جایی که حتی بهش بگن خونه. بعد مثلاً اعضای اون خانواده هم می‌شن مثلاً طرفدارایی که مثل تو اون گروه رو دوست دارن. همون چیزی رو که تو دوست داری، اونا هم همون رو دوست دارن».

حسن ختام عنوان امیدبخشی، قسمتی از آهنگ صفر (ساعت صفر) گروه بی‌تی‌اس است که ملامت از امیدبخشی و تحریک افراد برای گام برداشتن امیدوارانه به سمت آینده است:

«رو تختم لم می‌دم،

فکر می‌کنم،

تقصیر من بوده؟

شب گیج کننده هس،

یهو به ساعت نگاه می‌کنم،

تقریباً دوازده،

چیزی تغییر می‌کنه؟

مطمئنناً قرار نیست یه همچین چیزی بشه،

ولی این روز،

تموم شده،

وقتی ثانیه شمار،

با دقیقه شمار یکی می‌شه،

دنیا برای یه لحظه‌ی کوتاه نفسش رو حبس می‌کنه،

ساعت دوازده نیمه شبه،

و تو قراره خوشحال باشی،

و تو قراره خوشحال باشی،

مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،

بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،

و تو قراره خوشحال باشی،

و تو قراره خوشحال باشی،

همه‌ی اینا رو بچرخون،

همه چیز جدیده،

ساعت دوازده نیمه شبه».



### ۳-۷- اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی

«عشق دروغینه،

می‌خوام مرد خوبی باشم فقط به خاطر تو،

می‌خوام همه دنیا رو بهم بریزم، فقط به خاطر تو،

می‌خوام همه چی رو عوض کنم فقط به خاطر تو،

حالا دیگه خودمم نمی‌شناسم، تو دیگه کی هستی؟

جایگاهم رو فراموش کردم،

من مسیری که ازش به اینجا رسیدم رو از یاد بردم،

و حتی نمی‌دونم کیم!» (فرازی از آهنگ «عشق دروغین» از گروه بی‌تی‌اس).

با بررسی اجمالی عملکرد گروه‌های موسیقیایی جهان، مشخص می‌شود که گروه‌های اخیر هدف خود را بیش‌تر در ایجاد لحظاتی پرشور و شغف و هیجان‌آفرینی‌های مقطعی می‌دانند و توجه‌چندانی به طرح مسایل فکری، فلسفی و یا آگاهی‌بخشی در زمینه مسایل اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی و مانند آن‌ها ندارند، اما گروه بی‌تی‌اس که می‌کوشد گروهی خاص و برتر از سایر گروه‌های کی‌پاپ کره‌ای و پاپ غربی ظاهر شود، در جریان ارایه آهنگ‌های خود، می‌کوشد تا با طرح برخی از مفاهیم فلسفی، روان‌شناختی یا اجتماعی در آهنگ‌هایش، آغاز نوعی از تفکر و اندیشه را در مخاطبان خود رقم بزند.

به همین ترتیب برخی از آموزش‌های دیگر (که ممکن است حتی به لحاظ ارزشی در تقابل با یکدیگر قرار بگیرند)، در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس ملاحظه می‌شود.

پسران گروه بی‌تی‌اس در آهنگ «مغازه جادویی» خویش، به نوعی به القای این معنا به مخاطبان خویش می‌پردازند که «از خود بطلب، هر آنچه خواهی که توای» (البته در ادامه اعضای گروه با تأکید غیرمستقیم بر خودشان، از خود به عنوان راهنمای افراد گم‌کرده راه، یاد می‌کنند):

«... مثل یه شاخه رز،

مثل شکوفه‌های گیلان،

مثل گل بنفشه،

مثل یه لحظه‌ی زیبا،

همیشه می‌خوام بهترین باشم،

مقایسه کردن خودم با بقیه،

تبدیل به یه چیز دایم شده بود،

حرص و طمع که سلاحم بود،  
تبدیل به افسارم شد و جلوم رو گرفت،  
باورت می‌شه که  
من از همه چی می‌ترسیدم؟  
تو زمان باقی موندمون،  
می‌تونی همی جواب‌هات رو پیدا کنی،  
تو کهکشان قلبت،  
تو راه شیری خودت» (فرازی از آهنگ «مغازه جادویی» از گروه بی‌تی‌اس).



مehشید و ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌هایشان از نمونه‌هایی از آگاهی‌بخشی‌های مهم گروه پسران، خطاب به مخاطبان‌شان یاد می‌کنند که شاید افراد بسیاری درگیر آن هستند:

«- نوع موسیقی که می‌خواند، چه طور هست؟

همه جور می‌خونم، ولی غمگینش هم تهش یک پیامی داره. حالت موسیقی‌شون همیشه نه غمگینه و نه همیشه شاده، همه‌شون یک جوری می‌خوام بگم انرژی‌زا هستند، ولی حتی اگه غمگین باشه، یه جورایی پیام توش داره، به‌طور مثال، یک آهنگ خیلی معروف‌شون هستش به نام فیک لاو یعنی عشق دروغین، یک آهنگ غمگینه، تماماً در مورد یک عشق الکی و عشق دروغین صحبت می‌کنه. توی یک پارتش (بخش) جالبه می‌گه: «من می‌خوام بهترین مرد دنیا برای تو باشم و خواستم اون قدر خودم رو تغییر بدم تا اون چیزی که تو می‌خواهی بشم، بعد اون قدر تغییر کردم که حتی وقتی جلوی آینه هم رفتم، خودم، خودم رو نشاختم که این واقعاً منم، اون وقت فهمیدم که تو اگر واقعاً عاشق من بودی، من رو با تمام خوبی‌ها و بدی‌هام می‌خواستی، نه این که من بشم یه آدمی که تو می‌خواهی تا اون هویت اصلی خودِ خودم از یادم بره». درسته آهنگ جنبه‌ی غمگینی داره... اما تهش داره این پیام رو می‌ده که تو حتی واسه یه آدمی که دوستش داری، حتی آدمی که عاشقش، نمی‌خواد تغییر کنی، یعنی خودت رو تبدیل کنی به یه آدمی که اون می‌خواد. درسته عوض شدن خوبه‌ها، ولی عوض شدنی که نتیجه مثبت داشته باشه، نه عوض شدن و تغییری که بشی یه آدم دیگه، آدم دیگه‌ای که بقیه دل‌شون بخواد، نه اون‌ی که تو هستی. خیلی از آهنگای دیگه حتی اگر غمگین باشن، پیام یک چیز دیگه‌ای رو داره... دارن در مورد یک چیز دیگه‌ای صحبت می‌کنه.

گاهی اوقات در مورد زندگی خودشون می‌گن که مثلاً چه طوری به این جایگاه رسیدن، همه چیز گل و بلبل نبوده، همه چیز عالی نبوده و سختی‌هایی هم بوده که متحمل شدن و حالا رسیدن به جایی که هستن. انتقادهایی که بهشون می‌شه، گاهی اوقات یک سری موسیقی‌هایی

هستند که به اصطلاح می‌گن این موسیقی‌ها برای هیت‌رها هست. هیت‌رها کسانی هستند که دائماً شروع می‌کنن به هیت دادن... این گروه بده... این گروه قوی نیست... ضعیفه... این مشکل داره. بعضی از این موسیقی‌ها هم در جواب این پیچ‌ها و صحبت‌های انتقادی و پاسخش رو می‌دن، نهیش می‌کنند و یا توضیح راجع بهش می‌دن».

«- بیش‌تر موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس تتوری داره؟»

اکثراً تتوری‌ها و تحلیل‌های خاص خودشون رو دارن یا تتوری هستن، یعنی یک داستان و یک روایت خاص رو بیان می‌کنن که این، موزیک ویدیو رو به حالت یک فیلم و یک داستان شبیه می‌کنه تا جذابیت بیش‌تری به محتوا بده یا تحلیل هستن که به کانسپت کلی آلبوم برمی‌گردن. به طور مثال، موزیک ویدیوی فیک لاو<sup>۱</sup>، تحلیل‌هایی درباره‌ی عشق حقیقی و عشق دروغین داره که با تصاویر یا با متن آهنگ، مفهومش رو منتقل می‌کنه. عشق حقیقی و اصلی، عشق انسان به خودش و فرد، تا زمانی که خودش رو نپذیرفته باشه و خودش رو دوست نداشته باشه، هر عشق بیرونی‌ای، براش کافی نیست و رضایتش رو به دست نیاره و حتی آسیب زنده هست».



نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش از آموزش رقص‌های همراه با اجرای آهنگ‌های مختلف و دیبای ۱۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از شناخت اقلیت جنسی در اثر فعالیت‌های گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«... بی‌تی‌اس و گروه‌های کی‌پاپ یه چیز خوبی که دارن، اینه که برای یادگیری رقص‌هاشون بعد از هر آهنگ جدیدی که می‌دن بیرون یه ویدیو تولید می‌کنند و اون ویدیو تمرین رقص‌شونه و خیلی کمک می‌کنه که آدم یاد بگیره».

«من کلاً درباره موضوع ال‌جی‌بی‌تی‌پلاس خیلی فکر کردم و تحقیق کردم باهانش سازش پیدا کردم. می‌دونم چون تو فرهنگ ما این چیزها خیلی عادی نیستن و کلاً خب کسی هم درباره‌اش از دوران کودکی حرف نمی‌زنن که برای آدم یه کم عادی بشه. برای همین برای من خیلی طول کشید تا باهانش سازش پیدا کنم».

- آیا قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم شناختی راجع به ال‌جی‌بی‌تی داشتی یا از طریق اون‌ها با این موضوع آشنا شدی؟

اممم خب اصلاً شروع آشنایی من با ال‌جی‌بی‌تی از طریق بی‌تی‌اس بود، چون اون زمان که طرفدار بی‌تی‌اس شدن خودم سنی نداشتیم و اصلاً پیگیر این نبودم که برم بینم اصلاً این مسایل وجود داره یا نه».

<sup>۱</sup> - عشق دروغین (Fake Love) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس است و به عنوان تک آهنگ اصلی سومین آلبوم گروه به نام عاشق خودت باش: اشک (Love yourself: Tear) در سال ۲۰۱۸ منتشر شد.



### ۳-۸- ارتقای اعتماد به نفس نوجوانان و جوانان

«... و تو همونی هستی که باید باشی،

بیا خودمون رو ببخشیم،

زندگی طولانی‌تر از اونیه که بخوایم به خودمون شانس ندیم،

من توی این هزار تو به خودم اعتماد دارم،

چون وقتی زمستون می‌ره،

دوباره بهار میاد.

من به تأیید یکی نیاز داشتم،

حتی الان دارم خودم رو پیدا می‌کنم،

ولی دیگه نمی‌خوام بمیرم،

من کسی‌ام که ناراحت بودم،

من کسی‌ام که آسیب می‌دیدم،

منم زیبا می‌شم،

زیبایی وجود داره،

قلبم می‌گه زیبایی اونجاست،

توی مسیر دوست داشتن خودم» (فرازی از آهنگ «پاسخ» از گروه بی‌تی‌اس).

دوره نوجوانی در عین آن که دورانی از تحول‌های روانی، اجتماعی و عقیدتی و زیباشناختی است، دورانی از تحول‌های مغزی نیز هست به این معنا که اولاً به دلیل تفاوت در میلی‌شدن سلول‌های عصبی در قسمت‌های شناختی و هیجانی مغز، نوجوانانی که هنوز سلول‌های مراکز هیجانی آن‌ها میلی‌نشده است، واکنش‌های هیجانی شدیدتری را از خود نشان می‌دهند و ثانیاً به سبب آن که اصولاً ماده خاکستری مغز در دوره نوجوانی، تا پیش از رخ دادن فرایند هرس سلولی، بیش‌تر از ماده خاکستری مغز افراد بزرگسال است، نوجوانان مسایل هیجانی را با شدت بسیار بسیار بیش‌تری تجربه می‌کنند.

هیجان‌های شدید نوجوانان و جوان از سویی و دیگر تحول‌های آنان از سوی دیگر، در مجموع سبب می‌شوند که نوجوان و جوان سریع‌التأثیرتر از بزرگسالان عمل کرده، در برخورد با کم‌ترین نامایمات، به سادگی ناکامی و شکست را پذیرا شوند و همین امر به کاهش اعتماد به نفس نوجوانان و جوانان عاطفی و هیجانی بینجامد.

برخی از هواداران مصاحبه شده در جریان مباحث خویش، خاطرنشان ساخته‌اند که آنان در مواجهه با بعضی از ضعف‌های خویش، خود را سرزنش کرده یا خودشان را دوست نداشتند، اما در برخورد با آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، در عمل ملاحظه کرده‌اند، اعضای گروه بی‌تی‌اس نیز عیناً تجربیاتی شبیه آنان را تجربه کرده‌اند، اما با پایداری و مقاومت در برابر آن‌ها، در عمل به افق‌های فراتری دست یافته‌اند. از این رو افراد اخیر، با کنار نهادن سرزنش و نفی و انکار خود، با انتخاب مسیر دوست داشتن خویش و یافتن آرزوهای بزرگ، برای دستیابی به افق‌هایی بالاتر، دست به کوشش و تلاش مضاعف زده‌اند.

نیکوی ۱۵ ساله و پرباز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود از برخی از ایرادهای جسمانی خویش یاد کرده‌اند که آن‌ها را درگیر خود کرده بود، اما با آشنا شدن با مفاهیمی نظیر خودت را دوست داشته باش گروه بی‌تی‌اس، عدم اعتماد به نفس خود را که به دلیل خود تحقیری عارض آن‌ها شده بود، کنار زده و زندگی جدیدی را شروع کرده‌اند:

«- گوش دادن این آهنگ‌ها چه تأثیری روی تو گذاشته و پیام‌هایی که توی آهنگ‌هاشون می‌دن روی زندگیت تأثیر مستقیم گذاشته و باعث شده که چیزی در زندگی تو تغییر بکنه یا نه؟

آره، مثلاً من وقتی هنوز طرفدارشون نبودم، هیچ وقت این پیام خودت را دوست داشته باش گوشم نخورده بود و بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، تازه با اهمیت این موضوع آشنا شدم و مشکلاتم رو بهتر درک کردم. البته که با وجود عیب‌ها و نقص‌ها هنوزم کامل نتونستم خودم رو دوست داشته باشم، یعنی بهتر از قبل شدم، ولی کامل نشده، مثلاً اعتماد به نفسم چند سال پیش این جوری بود که وقتی خودم رو می‌دیدم تو آینه به خودم فحش می‌دادم، ولی بعد از این که این پیام رو شنیدم، خیلی تأثیر گذاشت که مثلاً قیافه‌ام رو دوست داشته باشم، هیکلم رو دوست داشته باشم، شخصیتم رو تا به جایی پذیراش باشم، ولی خوب مثلاً روی دوستانم که طرفدار بی‌تی‌اس هستن، خیلی روی بعضی‌هاشون تأثیر گذاشته و آدم قشنگ متوجه می‌شه که اعتماد به نفس‌شون بیش‌تر شده یا مثلاً تا به مدتی فکر می‌کردم این که به موقع‌هایی بی‌دلیل ناراحت باشم و یا دلیل کوچک و مزخرفی باشه برای ناراحت بودنم و گریه کنم، خیلی به معنای ضعیف بودنمه، در صورتی که اصلاً این طوری نبود و این اشتباه بود و این رو وقتی متوجه شدم که توی یک برنامه‌ای که اسمش رو یادم نیست، شوگای بی‌تی‌اس داشت می‌گفت که کاملاً اوکی و طبیعی هست که به موقع‌هایی حال‌تون خوب نباشه، حتی بی‌دلیل، این به چیز طبیعی و اصلاً مشکلی نداره و این که باید در برابر مشکلات، در مورد نقص‌هایی که داریم و اتفاقات بدی که می‌افته، باید قوی باشیم. مثلاً به سری اتفاقات وحشتناک برای افراد خوب می‌افته و این بخشی از زندگیه و این طبیعت انسانه که گاهی وقتاً ناراحت بشه و گریه کنه و این کاملاً اوکی هست و نشانه ضعف نیست، این پیامش خیلی روی من تأثیر داشت».

«- گروه بی‌تی‌اس و دنبال کردن اون‌ها چه تأثیرات مثبتی توی زندگیت داشته؟

بی‌تی‌اس واقعاً واقعاً توی زندگی من تأثیر زیادی داشته، یکی از بزرگ‌ترین‌هاش دگرگونی من و زندگی من بوده، یعنی کلاً بهم انگیزه داد که رؤیاهای بزرگ داشته باشم و تلاش کنم براشون و این که هر کدوم از ما می‌تونیم به آدم خاص باشیم کافیه هدف داشته باشیم و برای اون هدف بجنگیم و این که جا نزنم، کنار نکشم و قوی باشم. من با جملات بی‌تی‌اس دارم زندگی می‌کنم، قبلاً شاید به خاطر عیب‌هام خودم رو سرزنش می‌کردم، ولی الان پذیرفتم که هیچ کس بی‌نقص نیست و طرز دید من رو نسبت به آدم‌های اطرافم تغییر داده، مثل کسی که دیدش تاره، ولی وقتی عینک می‌زنه، شفاف می‌تونه ببینه، واقعاً برای من این طوری بود. این گروه باعث شد نسبت به آینده و حتی زمان حال خودم شفاف‌تر فکر کنم، روشنفکر بشم به جورایی».

مرضیه ۱۹ ساله و شبنم ۲۵ ساله نیز در مصاحبه‌هایی که دارند، از تزلزل روانی خویش یاد کرده‌اند که در مواجهه با مفاهیم مطرح شده در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، با کنار نهادن دید پیشین خویش، تزلزل و حقارت نفسی را که گریبان‌گیر آنان شده بود، کنار نهاده‌اند:

«- از بی‌تی‌اس چه چیزهایی یاد می‌گیری؟

اونا زندگی کردن و ادامه دادن رو بهم یاد دادن، حتی وقتی احساس خلاء و ناامیدی می‌کردم، باز ادامه دادن همان طور که نامی می‌گفت، اگر می‌خواستین کاری رو انجام بدید، ولی سخت‌تون بود یا انگیزه‌ی انجام دادنش رو نداشتید، به خاطر من انجامش بدید، اونا به ما درسایی دادن که تو کتاب‌هامون و خانواده ردی ازش رو نمی‌بینیم، امید به روزی بهتر رو به رگ‌هامون تزریق می‌کنن، پس امیدوار می‌شیم به آینده‌ای که شاید حتی از نظر خودمون و اطرافیان مون دور از واقعیت باشن، مثل یونگی که می‌گفت به به جایگاهی رسیدم که خانواده‌ام هم فکرش رو نمی‌کردن، عمیقاً درکش می‌کنم و عمیقاً از سوی اونا ما درک می‌شیم، منی که از رؤیاهام به خانواده‌ام می‌گم و غیرواقعی و دور از تحقق

می‌بینش، روزی بهشون نشون خواهم داد، تلاش کردن شون رو دیدم و شیفته تلاش کردن شدم، برای رسیدن به رؤیاهام، بهم نشون دادن می‌شه از سئول نباشی، ولی رشد کنی، می‌شه محدودیت‌ها رو بشکنی و بالا بری، می‌شه حتی اگه معیارهای زیبایی که حاکمه بر دنیا رو نداشته باشی با یه چهره‌ی شرقی پسند هم موفق بشی، این برام دلگرم کننده هس، خجالتی بودن و ترسو بودن رو صفت‌های از این قبیل، هیچ کدوم باعث برتری نمی‌شن، من خجالتی بودم همیشه، ولی انکارش می‌کردم، بقیه بهم می‌گفتن خیلی خجالتی هستی، نمی‌خواستم بپذیرمش، چون خجالتی بودن رو بد و منفی می‌دونستم، ولی بعدش که تهیونگ گفت: «آیم سو شای» (من خیلی خجالتی‌ام)، منم پذیرفتمش یا مثلاً وقتی تهیونگ می‌گفت، خودم رو دوست ندارم و احساس می‌کنم زیبا نیستم، واس همین یه مدت طولانی سلفی نمی‌انداخت، من یادمه یه بار تو یه جمع سه‌تایی بودیم، یکی از دوستانم گفت که بدترین دوره‌ی زندگیم زمانی بود که خودم رو دوست نداشتم، بعد یکی از بچه‌ها برگشت گفت، مگه می‌شه، اصلاً چه قدر آدم‌های ضعیفی هستید، همون بهتر که بمیرید، خب منم همچنین احساسی رو تو یه دوره از زندگیم تجربه کردم، اما نتونستم دیگه حرفی بزنم و ریختم تو خودم، فقط گفتم فکر کنم همه یه همچین دوره‌ای رو تو زندگی‌شون تجربه می‌کنن که دوباره برگشت، گفت نه، من اصلاً این طوری نبودم، همیشه خودم رو دوست داشتم، اصلاً از این حرفش احساس خوبی نگرفتم، ولی یکی مثل اونا رو می‌بینم که چه قدر شبیه ما ان و احساسات‌مون یکیه، خوشحال می‌شم.

– احساس می‌کردی شبیه هم هستید و از سوی همدیگه درک و فهمیده می‌شید؟

دقیقاً توی برنامه ۷۷ سوال یه سوال از تک تک اعضا پرسیده شد، سوال این بود که تو زندگی با ارزش‌ترین احساس‌تون چیه؟ من ویدیو رو مکث زدم و خودم به این سوال پاسخ دادم و پاسخی که من دادم، دقیقاً عین پاسخی بود که تهیونگ داد، فقط شاید یه کمی کلمه‌هاش و زبانش متفاوت بود و یک‌سری جملات و حرفایی که می‌زدن آرامش بخشم بوده و هست.

– هنوز اون هیجان و تازگی که پسرها از اول برات داشتن رو دارن یا نه؟

آف کورس (بله البته)».

«... تأثیرات دیگه‌شون این بود که من توی گذشته خیلی اعتماد به نفسم پایین بود و بیش‌تر اوقات سعی می‌کردم کارایی رو کنم که دوستانم می‌پسندیدند، ولی کم‌کم یاد گرفتم که خودم باشم و اعتماد به نفسم افزایش پیدا کرد».



اگر چه سنین بلوغ و بعد از آن، سنین خودپیروی اخلاقی جوانان است، اما به دلیل فضای نامساعدی که بعضاً در زندگی خانوادگی و آموزشگاهی برخی از جوانان حاکم است و در خانواده یا مدرسه و آموزشگاه، از آنان خواسته می‌شود که با تبعیت تام از اوامر و نواهی اولیاء و اولیای آموزشی، حالت دیگرپیروی خویش را ادامه دهند، شرایط اخیر اطمینان و اعتماد به نفس نوجوان و جوان را به خودش به میزان زیادی از بین برده و زایل می‌سازد. به همین ترتیب، موارد دیگری همچون ارزیابی‌های غیرواقع نگر و استانداردهای بالا و دست نیافتنی اولیاء در تخفیف و تحقیر جوان مؤثر واقع می‌آیند.



بعضی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، با تشویق جوان به ایستادن در برابر عوامل مختلف محیطی و ارزیابی‌های نادرست، در عمل با آگاهی‌بخشی و بصیرت دادن به وی، سبب می‌شوند، اعتماد به نفس از دست رفته او، بازگشته و فرد با اطمینان خاطر به خود و آینده، با اعتماد به نفس بیش‌تری با دیگران و اطرافیان خویش برخورد کند. زهرای ۲۴ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه خودش از ارتقای اعتماد به نفسش، پس از آشنایی با گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- دغدغه‌هایی که تو شعرهاشون ازش صحبت می‌کنی، بیش‌تر در ارتباط با چه مواردی هستن؟

بخوام خیلی کلی بگم مفهوم شعرهاشون خوبه و خب دغدغه‌هایی که ازش صحبت می‌کنی در مورد زندگی روزمره و واقعیت‌هایی هست که تو خیلی از جوامع وجود دارن.

- امکانش هست، مثالی رو در موردش بیان کنید؟

بله، مثلاً تو چندتا از شعرهاشون درباره‌ی دخالت بزرگ‌ترها تو تصمیمات کوچک‌ترها صحبت می‌کنی، در مورد این که بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها رو تحت فشار می‌گذارن برای این که مسیر آینده‌شون رو طوری انتخاب کنن که خودشون می‌خوان، یعنی مطابق میل خود بچه نباشه و در آخر هم می‌گه باید دنبال علاقه خودتون برید و چیزی که دوست ندارید، نباید به شما تحمیل بشه».

### ۹-۳- پیش‌گرفتن فعالیت‌های نועدوستانه و خیرخواهانه

نوعدوستی، عبارت از رفتاری است که با هدف کمک به دیگران از فرد سر می‌زند.

برای تبیین این که چگونه فردی به انجام کاری برای دیگری مبادرت می‌ورزد، نظریه‌های مختلفی ارایه شده است.

اگر چه برخی از نظریات ارایه شده در صدد تبیین نوعدوستی برآمده اند، اما نظریات دیگری اصولاً مفهوم نوعدوستی را زیر سوال برده‌اند. دیدگاه دینی هم نوعدوستی را به مثابه امری فطری می‌بیند که ظرفیتی بالقوه را در اختیار آدمی قرار داده، این ظرفیت با تأثیرپذیری از عوامل محیطی به فعلیت می‌رسد.

برخی از شواهد تجربی نشان می‌دهند، کمک به دیگران می‌تواند باعث کاهش آلام افراد شود. سیمنر<sup>۱</sup> در یک مطالعه، نوارهایی را برای نوزادانی که ۷۲-۶۶ ساعت از تولدشان بیش‌تر نگذشته بود، گذاشت. در این نوارها، صدای گریه یک کودک و چند صدای نامفهوم دیگر با همان درجه بلندی صدا ضبط شده بود. نوزادان با شنیدن صدای گریه کودک که از نوار پخش می‌شد، می‌گریستند، اما واکنش آن‌ها به صداهای نامفهوم که از همان درجه شدت برخوردار بودند، بسیار کم‌تر بود.

ساگی<sup>۲</sup> و هافمن<sup>۳</sup> در مطالعه مشابهی نشان دادند، حتی نوزادان کوچک‌تر که از تولد آن‌ها بیش‌تر از ۳۴ ساعت نمی‌گذشت، با شنیدن صدای گریه نوزادانی دیگر، گریه می‌کردند.

یافته‌های اخیر بیانگر آن است که انسان‌ها از نظر غریزی مستعد هستند با دیدن ناراحتی و تألم دیگران، متألم شوند.

کشف سلول‌های آئینه‌ای که نخست در میمون‌ها و سپس در انسان‌ها صورت پذیرفت، فهم اعمال نועدوستانه در انسان‌ها و حیوان‌ها را ساده‌تر کرد. به این معنا که سلول‌های آئینه‌ای با بازنمایی عواطف طرف مقابل در آدمی، در شرایط دشواری و ضیق انسان‌ها، عواطف آنان را در افراد حاضر و ناظر در صحنه بازنمایی کرده، آنان برای رهایی از اندوه ناشی از مشکلاتی که شاهد آن‌ها بوده اند، باید گامی فراتر از چارچوب وجودی خود نهاده، در رفع محرومیت و حرمانی که شاهد آن شده اند، بکوشند، با رفع مشکل، در عمل احساس ناراحتی افراد حاضر در صحنه نیز خاتمه خواهد یافت، در غیر این صورت، احساس تکدر خاطر در آن‌ها باقی خواهد ماند، آنان را رنجیده خاطر خواهد کرد.

از آن‌جا که یاری رساندن به مراکز درمانی و خیریه، اقدام نועدوستانه‌ای است که هر فردی و با هر تفکر و اعتقادی به تأیید آن دست می‌زند. بنابراین با توجه به مدل‌های شرطی‌سازی کلاسیک که بیان می‌دارد، ارایه تقریباً هم‌زمان یک محرک مثبت (یا منفی) با یک محرک خنثی، بار ارزشی مثبت (یا منفی) آن محرک طبیعی را به محرک خنثی انتقال داده، پدیده شرطی شدن رخ می‌دهد.

1 - Simner

2 - Sagi

3 - Haffman

کمپانی بیگ‌هیت نیز که می‌داند، دست زدن به اقدام‌های خیرخواهانه و درمانی، به یافتن وجه مثبت افراد ذی‌دخل در این ارتباط می‌انجامد، با تشویق ستاره‌ها به انجام کارهای خیرخواهانه مختلف، در عمل می‌کوشد تا وجه مثبت مضاعفی به گروه خویش بدهد و آنان را به شکل الگوهایی برتر و فراتر از دیگر الگوها، مطرح سازد.

مهدیه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از ایده‌های نועدوستانه‌ای که گروه بی‌تی‌اس در سخنرانی خود در سازمان ملل داشته‌اند یا در جریان اجرای کنسرت‌های خویش به آن جامه عمل پوشانده‌اند، به قرار زیر یاد کرده است:

«می‌تونی یه نمونه تلاش برای اصلاح این افکار رو از طرف کی‌دراما و کی‌پاپ رو بگی؟

آره حتماً. گروه بی‌تی‌اس یه سخنرانی در این باره توی سال ۲۰۱۸ توی سازمان ملل انجام دادند و بعد از اون هم بارها و بارها آیدول‌های دیگه و به خصوص گروه بی‌تی‌اس در مورد این موضوع صحبت کردند. که توی اون سخنرانی سال ۲۰۱۸، لیدر گروه برمی‌گرده می‌گه که رنگ پوست شما، ملیت شما، سن شما، جنسیت شما، هیچ اهمیتی نداره. تنها چیزی که اهمیت داره اینه که به فکر خودتون باشید، خودتون رو دوست داشته باشید و در صلح و آرامش زندگی کنید.



حتی توی کنسرت‌هاشون هم که بری می‌بینی که همه مردم از سراسر دنیا، از نژادهای مختلف میان کنار هم جمع می‌شن، با هم رفیق می‌شن، رابطه خوبی برقرار می‌کنند، به همدیگه کمک می‌کنند.

توی آهنگ‌هاشون هم دوباره در مورد همین تبعیض نژادی صحبت کردند. توی موزیک ویدیوی یکی از آهنگ‌های جدیدشون، بچه‌هایی از نژادهای مختلف که سرخ پوست، سفید پوست، زرد پوست و سیاه پوست بودند رو کنار همدیگه آوردند، تا نشون بدن که هیچ تبعیضی بین نژادهای مختلف نیست. چون این مسأله حتی خودشون رو هم خیلی اذیت می‌کنه. خیلی از آیدول‌هاشون هستن که که رنگ پوست سبزه یا زرد دارند و به خاطر این موضوع خیلی اذیت می‌شن. به خاطر همین هست که درباره این موضوع توی کی‌دراما و کی‌پاپ خیلی صحبت می‌شه و ما از اونجا این چیزها رو یاد گرفتیم».

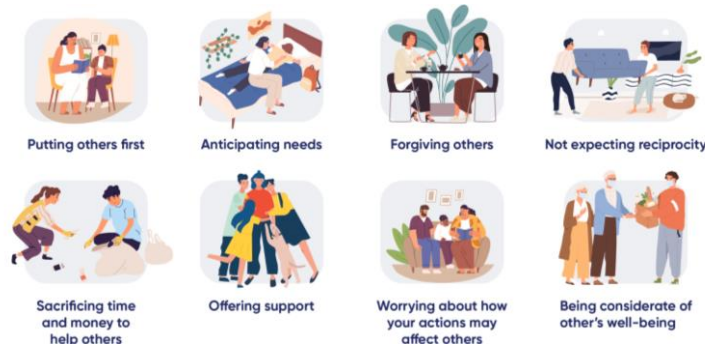
احسان ۱۷ ساله هم در مصاحبه‌اش از برخی از اقدام‌های نועدوستانه گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«چندتا از شعارهای گروه بی‌تی‌اس رو که تأثیرپذیری بیش‌تری روی هواداران داره رو می‌شه نام ببری؟

حتماً، شعارهایی درباره سلامت روان، مشکلات زمان تحصیل و جوانی، از دست دادن کسی، سفر کردن، عاشق خود بودن، استقلال فردی و توانمندسازی خود است.

– اعضای گروه بی‌تی‌اس چه فعالیت‌های دیگه‌ای دارند؟

فعالیت‌های خیرخواهانه مثل کمک به پناهندگان و نیازمندان و بیماری‌های خاص، مبارزه با تبعیض نژادی، دفاع از حقوق کودکان، راه کارهایی برای جلوگیری از گرم شدن زمین و واکسیناسیون برای مبارزه با همه‌گیری کرونا».



رهای ۱۸ ساله، از کمک یک میلیون دلاری گروه بی‌تی‌اس به کمپین جورج فلوید، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- خوب رها من یه سری چیزا دیدم از این که فندوم‌ها میان و یه سری هشتگ‌ها رو ترند می‌کنن، یه جورایی یه اتحادی با هم دارن و یه سری فعالیت‌ها که تهش یه سری اتفاقات مثبت رو رقم می‌زنن. می‌دونی دقیقاً چه جور فعالیت‌هایی انجام می‌دن؟ آره. ببین مثلاً اون موقع که جورج فلوید سیاه پوست رو توی امریکا کشتن، بی‌تی‌اس یک میلیون دلار اومد به اون کمپین مربوط به جورج فلوید<sup>۱</sup> کمک کرد. بعد آرمی‌ها اومدن هشتگ ترند کردن که بیاید ما هم مثل آیدول مون یک میلیون اهدا کنیم و واقعاً تو کل دنیا آرمی‌ها اومدن یک میلیون جمع کردن و به عنوان طرفدارهای بی‌تی‌اس از طرف خودشون اونام اهدا کردن».



کمپانی (و اعضای گروه آن)، در اقدامی مشابه کمک کردن به مراکز درمانی و خیریه، بعضاً به هواداران ستاره‌های بی‌تی‌اس توصیه می‌کند، به جای تهیه و ارسال هدایای مختلف در جشن تولد ستاره‌ها، آنان هزینه تهیه هدیه خویش را به مراکز درمانی و خیریه اهدا کنند. اقدام خیرخواهانه اخیر، فرهنگ سازی مناسب و پسندیده‌ای هست که در عین جلوه دادن هر چه بیش‌تر به کمپانی و گروه آن، به سوق دادن نسبی عواطف هواداران، به سمت افراد نیازمند جامعه می‌انجامد.

ریحانه ۱۹ ساله، شیرین ۲۲ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خودشان در مورد فرهنگ‌سازی ارزشمند سوق دادن هدایای جشن تولد‌ها به سمت کمک به مراکز درمانی و خیریه گروه بی‌تی‌اس بیان می‌دارند:

«در سال ۲۰۲۱ یا ۲۰۲۰ در تولد جونگ کوک، خود اون گفته بود، برای تولد من به جای این که پول یا کادو بیارین، اون رو صرف کمک‌های خیریه کنید. می‌دونین این حرف جونگ کوک ممکنه باعث چه تأثیر مثبتی بشه، چون که یک‌سری برنامه‌ها هست، اسم‌شون فن‌ساینه که فن‌ها به صورت حضوری می‌تونن آیدول‌ها رو از نزدیک ببینن و باهاشون حرف بزنن، امضاء بگیرن از آیدول‌ها و بهشون کادو بدن.

جونگ کوک گفته بود که به جای این که به من کادو بدید و واسه من چیزی بخرین، پول خودتون رو صرف کمک‌های خیریه بکنین و این حرف جونگ کوک باعث شد که برای اولین بار تو ایران سال تولد فک کنم ۲۳ سالگی جونگ کوک بود یا ۲۴ سالگی‌اش که آرمی‌ها تصمیم گرفتند

<sup>۱</sup>- George Floyd

که کمک هزینه جمع کنند برای خرید دارو برای بچه‌های سرطانی و تقدیرنامه‌اش هم عکس گرفته بودند که از طرف آرمی‌های بی‌تی‌اس اهدا شده بود، ۱۴ میلیون تومن جمع کرده بودن و کار خیلی قشنگی بود».

«- شیرین راجع به جشن تولدهای آیدول‌ها چه اطلاعاتی داری؟

جشن‌های تولد آیدول‌ها بسیار رؤیایی و افسانه‌ای برگزار می‌شه، جشن‌هاشون رو حتی شاهزاده‌ها هم در خواب نمی‌بینند. جشن‌ها فقط در کره برگزار نمی‌شه، بلکه در بیش‌تر کشورهای جهان برگزار می‌شه، جشن تولد هر آیدولی با یه رنگ برگزار می‌شه، مثلاً برای تولد تهیونگ تمام دنیا به رنگ بنفش در آمد برای تولد جین تمام دنیا به رنگ صورتی در آمد و برای مجلل و با شکوه بودن جشن تولدها کمپانی میلیاردری خرج می‌کنه و به خاطر تولد هر کدام از آیدول‌ها کمپانی مقداری از در آمدش رو صرف کارهای خیریه می‌کنه.

- این جشن تولدها چه تأثیری روی هواداران می‌گذاره؟

هواداران هم به تبعیت از کمپانی هر کدام در هر کجای جهان باشند پر از هیجان و انرژی می‌شن برای برگزاری این جشن‌ها لحظه شماری می‌کنند و در دنیای مجازی و رسانه‌ها پیگیر لحظه به لحظه این جشن‌ها در سراسر جهان هستند و به تقلید از آیدول‌ها و گروه بی‌تی‌اس در کارهای خیر و کمک به بیماران سرطانی پیش‌قدم می‌شن و در فن‌پیج‌هاشون هواداران رو به چالش دعوت می‌کنند.

- از هواداران در این چالش‌ها چی می‌خوان؟

مثلاً می‌گن بباید این بار این جشن تولد متفاوت‌تر از جشن تولدهای دیگر برگزار بشه، علاوه بر حمایت معنوی خودمان از آیدول‌مان با حمایت مالی و کمک به نیازمندان سفیران خیر و سلامتی باشیم، مثلاً این بار بیاییم انجمن حمایت از اوتیسم رو کمک کنیم و بدین صورت هواداران نیز کمک‌های مالی خود رو با کمک مدیران فن‌پیج‌ها به دست نیازمندان می‌رسانند.

- این جشن‌ها چه تأثیر فرهنگی روی هواداران داره؟

فرهنگ زیبایی کمک به نیازمندان و بیماران خاص رو فرهنگ سازی می‌کنه. هم از برگزاری جشن‌ها هواداران لذت می‌برند و هم یه کار انسانی و بشر دوستانه انجام می‌دن».

«- مسعود شنیدم که آیدول‌ها در کارهای خیر خواهانه شرکت می‌کنند، این صحت دارد؟

بله، صحت دارد، مثلاً مقداری از درآمدشون رو کمپانی اختصاص به کارهای خیرخواهانه قرار داده مثل مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی در مناطق محروم کره جنوبی و حتی ژاپن و کمک به یتیمان و پرورشگاه‌های کودکان بی‌سرپرست و کمک به بیماران سرطانی و خیلی کمک‌های خیرخواهانه دیگه.

- این کار ستاره‌ها روی هواداران چه تأثیری گذاشته؟

باعث شده تا هواداران همیشه این کارهای خیرخواهانه رو با الگوبرداری از آیدول‌ها انجام بدن.

- می‌شه چند مثال بیاری؟

مثلاً مدیران فن‌پیج‌ها یه شماره حساب در پیج‌شون می‌ذارن که اختصاص به جمع‌آوری کمک‌های هواداران هست. هر بار به مناسبتی از هواداران می‌خوان که کمک‌های نقدی خودشون رو مثلاً برای کمک به بیماران پروانه‌ای به اون شماره حساب بریزند و یا بعد از از هر جشن تولدی از هواداران می‌خوان که کمک‌های نقدی‌شون رو به حساب پیج واریز کنند برای کمک به سرای سالمندان و واقعاً هواداران هم چون تعدادشون زیاد هست هر چند مقدار واریزی هم کم باشه، ولی روی هم جمع می‌شه و مدیر پیج زحمت می‌کشه و با ارایه فیلم از بازدید از این مراکز، حسن نیت خودش رو ثابت می‌کنه و این رسم قشنگ ادامه دارد».

ثنای ۱۶ ساله نیز در مصاحبه خود از نوع دیگری از اثرپذیری از نועدوستی ستاره‌های مورد علاقه‌اش، به قرار زیر یاد کرده است:

«- آیا تا به حال جیمین را الگوی خودت قرار داده‌ای؟

توی مدرسه چند نفر از بچه‌ها پول خرید کتاب کمک درسی نداشتن من کتاب‌ها رو سفارش دادم که به آدرسی که داده بودن، ارسال شد.

- چه طور در این مورد از جیمین الگو گرفتی؟

به دانش‌آموزا خیلی کمک می‌کنه. به بچه‌های مدرسه خودش هم کمک کرده.

- یعنی مدرسه‌ای ساخته و به بچه‌های آن مدرسه کمک مالی کرده؟

نه مدرسه نساخته، مدرسه‌ای که خودش بچه بود اونجا درس می‌خوند، اون مدرسه رو می‌گم. منم دوست دارم مثل جیمین به بچه‌های مدرسه‌مون کمک کنم. دوست دارم هر کمکی از دستم بر میاد انجام بدم. درس خوبه، نمره‌هام بالاست و سعی می‌کنم به بچه‌های مدرسه‌مون کمک درسی هم کنم. هفته پیش امتحان ریاضی داشتیم، چندتا از بچه‌ها ضعیف بودن، متوجه شدم و رفتم به مدیر گفتم که می‌خوام کلاس تقویتی رایگان بذارم، چون خانم ریاضی هم موافق بود، مدیر هم گفت باشه بچه‌ها رو جمع کردیم و درس دادم بهشون. تقریباً نمره بچه‌ها خوب شد».

## BTS's Jungkook Spotted Helping Clean The Stage After Performance

He couldn't just sit back and leave everything.



با توجه به آنچه در ذیل عنوان نועدوستی گروه بی‌تی‌اس و دامن زده شدن نועدوستی در میان هواداران بیان شد، می‌توان ضمن توجه به امور خیرخواهانه‌ای که از گروه بی‌تی‌اس و هواداران آن‌ها برمی‌آید، به لایه‌های زیرین رفتاری گروه نیز توجه داشت که بعضاً در جهتی عکس نועدوستی عمل می‌کنند.

### ۳-۱۰ - پیش‌گرفتن فعالیت‌های اجتماعی (در سطح ملی و بین‌المللی)

کمپانی بیگ‌هیت برای بخشیدن چهره‌ای متفاوت و محبوب‌تر از گروه بی‌تی‌اس، این گروه را به سمت مواردی مانند شرکت در کمپین‌های جهانی، حمایت از زیست‌محیط، کمک به تولید واکسن‌های مورد نیاز و ارتقای بهداشت مردم، کمک به بنیادهای ضدنژادپرستی و مانند آن‌ها سوق داده است و به تبلیغ اقدام‌های اعضای گروه بی‌تی‌اس در موارد یاد شده می‌پردازد. بالطبع از آنجا که طبق مدل شرطی کردن کلاسیک، همجوار شدن یک محرک خنثی با یک محرک مثبت، بار ارزشی محرک مثبت را روی محرک خنثی انتقال می‌دهد، گروه بی‌تی‌اس در شرایط اخیر به شکل بسیار مثبت‌تری از سوی ناظران ارزیابی خواهد شد.

مهدیه ۲۰ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از شرکت گروه بی‌تی‌اس در کمپین جهانی خودت را دوست داشته باش، یاد کرده، احسان ۱۷ ساله نیز در گزارش خود از فعالیت‌های خیرخواهانه و حمایت از محیط زیست اعضای گروه سخن گفته است:

«- قضیه حضور بی‌تی‌اس توی سازمان ملل رو می‌تونم بگی؟»

گروه بی‌تی‌اس تاحالا دو بار به سازمان ملل رفتند. یه بار سال ۲۰۱۸ بود و یه بار هم توی سال ۲۰۲۱.

سال ۲۰۱۸ گروه بی‌تی‌اس برای سخنرانی به سازمان ملل رفتند، ولی فقط لیدر (رهبر) گروه یک سخنرانی به زبان انگلیسی انجام داد. متن سخنرانی هم اول در مورد خودشون بود، مسیری که طی کردند و بعد از اون، یه سری پیغام‌ها برای مردم دنیا داشتند. و هدف از این سخنرانی، تبلیغ برای کمپین لاو یور سلف بود که یک کمپین جهانی هست که یونیسف این کمپین رو تشکیل داده و سفیران این کمپین بی‌تی‌اس هستند.

اون‌ها از سال ۲۰۱۹ به سری تور جهانی با عنوان لاو یور سلف برگزار کردند و سه‌تا آلبوم هم با این عناوین دارند. توی این آلبوم‌ها در مورد دوست داشتن خود، اهمیت دادن به خود، اعتماد به نفس داشتن، نداشتن استرس و اضطراب و چیزهایی از این قبیل صحبت کردند. و در آخر هم اون تیکه‌ای از سخنرانی نامجون که خیلی بُد شد، این بود که فرقی نداره که چه رنگ پوستی داشته باشی، چه زندگی‌ای داشته باشی، چه جسمی داشته باشی، چه سنی و جنسی داشته باشی یا اهل کدام کشور باشی، مهم اینه که خودت رو دوست داشته باشی و به خودت توجه کنی».



«- چندتا از شعارهای گروه بی‌تی‌اس رو که تأثیرپذیری بیش‌تری روی هواداران داره رو می‌شه نام ببری؟  
حتماً، شعارهایی درباره سلامت روان، مشکلات زمان تحصیل و جوانی، از دست دادن کسی، سفر کردن، عاشق خود بودن، استقلال فردی و توانمندسازی خود است.

- اعضای گروه بی‌تی‌اس چه فعالیت‌های دیگه‌ای دارند؟

فعالیت‌های خیرخواهانه مثل کمک به پناهندگان و نیازمندان و بیماری‌های خاص، مبارزه با تبعیض نژادی، دفاع از حقوق کودکان، راه کارهایی برای جلوگیری از گرم شدن زمین و واکسیناسیون برای مبارزه با همه‌گیری کرونا».

زهرای ۲۴ ساله و رهای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خود از فعالیت‌های اجتماعی گروه بی‌تی‌اس ذیل عناوین کمک برای تولید واکسن، ارتقای بهداشت مردم و کمک به بنیاد جرج فلوید (سیاه پوست مقتول به دست پلیس آمریکا)، یاد کرده اند:

«بی‌تی‌اس کمک مالی زیاد انجام می‌ده، حالا این می‌تونه تو زمینه‌های مختلف باشه، مثلاً تو دوره بیماری خیلی از افراد و گروه‌های مشهور اومدن به کشورای مختلف کمک کردن برای تأمین کردن لوازم بهداشتی، تولید واکسن یا حتی خوراک و پوشاک برای افرادی که توانمندی مالی ندارن. مثلاً گواردیولا<sup>۱</sup> یک میلیون دلار به اسپانیا کمک کرد. در مورد بی‌تی‌اس هم صحبت‌هایی شد که برای مقابله با بیماری کمک‌های مالی انجام دادن، ولی ضد و نقیض بود. ولی وقتی که اون اتفاق تو آمریکا افتاد که پلیس اومد اون مرد سیاه پوست رو کشت، اسمش رو هم یادم رفته الان یادم میاد.

- جورج فلوید<sup>۲</sup>.

آره، وقتی اون اتفاق برای جورج فلوید افتاد، کلاً جهان تکون خورد. مردم تو کشورهای مختلف تظاهرات کردن و افراد مشهور هم به این اتفاق بد پرداختن که اعضای بی‌تی‌اس هم جزو همون‌ها بودن و ساکت نموندن. حتی کمک مالی هم انجام دادن، البته کمک‌های مالی که انجام دادن فک می‌کنم قبل از این اتفاق بود».

«- خوب رها من یه سری چیزا دیدم از این که فندوم‌ها میان و یه سری هشتک‌ها رو ترند می‌کنن، یه جورایی یه اتحادی با هم دارن و یه سری فعالیت‌ها که تهش یه سری اتفاقات مثبت رو رقم می‌زنن. می‌دونی دقیقاً چه جور فعالیت‌هایی انجام می‌دن؟

<sup>۱</sup>- Pep Guardiola

<sup>۲</sup>- George Floyd



آره. بین مثلاً اون موقع که اون آقای سیاه پوست رو توی امریکا کشتن، جورج فلویید. بی‌تی‌اس یک میلیون دلار اومد به اون کمپین مربوط به جورج فلویید کمک کرد. بعد آرمی‌ها اومدن هشتگ ترند کردن که بیاید ما هم مثل آیدول مون یک میلیون اهدا کنیم و واقعاً تو کل دنیا آرمی‌ها اومدن یک میلیون جمع کردن و به عنوان طرفدارهای بی‌تی‌اس از طرف خودشون اونام اهدا کردن».

بنفشه ۲۰ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به آهنگ اسپرینگ دی (روز بهاری) گروه بی‌تی‌اس، یاد آور می‌شود، اگر چه آهنگ به غرق شدن کشتی و در گذشت بیش از سیصد نفر اشاره دارد و روز غرق شدن کشتی (۱۶ آوریل) در جامعه کره ماندگار شده است، اما این آهنگ، می‌کوشد تا در بطن حزن ایجاد شده برای مردم کره، وعده رسیدن روزهایی بهتر و زیباتر را بدان‌ها بدهد:

«... فکر کنم خودتم بهتر بدونی که آهنگای رپ بیش‌تر در مورد اوضاع و احوال اجتماعی خونده می‌شه و خب می‌تونم بگم برای من بی‌تی‌اس اولین گروه‌های پاپی بودن که راجع به جامعه و جهان صحبت می‌کردن، مثلاً یه آهنگ دارن به اسم اسپرینگ دی (روز بهاری) که برای غرق شدن یه کشتی که بیش‌ترشون دانش‌آموز بودن، خونده شده، نود درصدشون دانش‌آموز بودند، آهنگ اسپرینگ دی رو برای اون خونده شده و طوری شده که دیگه الان مثل سرود ملی شده اون آهنگ.



– جریان اسپرینگ دی رو بیش‌تر توضیح می‌دی؟

یه سانحه‌ای بود که دقیق نمی‌دونم تعداد دویست و خرده‌ای نفر فکر کنم توی کشتی تفریحی بودند که اردو بوده برای دانش‌آموزان و اون کشتی بهشون اعلام می‌کنند که وزن کشتی سنگینه و احتمال غرق شدن وجود داره، ولی خب بی‌توجهی می‌کنن و کشتی کامل غرق می‌شه، می‌گم به جز چند نفر، همه‌شون فوت می‌کنن و اون موقع بود که آهنگ اسپرینگ دی بی‌تی‌اس منتشر می‌شه، یکی، دو ماه بعد حدوداً و همه می‌گن که این آهنگ رو برای اونا خوندن و معنی قشنگی هم دارد، حالا اگر تکست‌هاش رو پیدا کنم، برات می‌فرستم.

در ۱۶ آوریل ۲۰۱۴، دبیرستان دانوون تصمیم می‌گیره شاگرداش رو ببره به یه اردوی باحال، حالا کجا؟ جزیره ججو.

مسیر رسیدن به ججو از طریق کشتی و یا هواپیما هست که مدرسه برای اردوی دانش‌آموزان سفر با کشتی رو انتخاب می‌کنه.

کشتی به وقت صبح راهی ججو می‌شه تا یه اردوی به یاد موندنی رو برای دانش‌آموزا رقم بزنه، غافل از این که مقصدی در کار نیست. غرق کشتی سوول مهم‌ترین و بدترین اتفاقیه که تو کره به حساب میاد، چون از بین ۴۷۶ نفری که تو کشتی بودن، ۳۰۴ نفر جون خودشون رو از دست دادن که ۲۵۰ نفرش متأسفانه دانش‌آموز دبیرستان دانوون از شهر انسون بودن. حدود ۱۷۲ نفر بازمانده توسط قایق ماهیگیری و یا سایر کشتی‌های اون اطراف نجات پیدا کردن.

– حالا دلیل این اتفاق وحشتناک چی بود؟

دلیل اصلی غرق شدن کشتی هنوز مشخص نشده، اما کارشناسان و محققانی که درباره‌اش تحقیق کردن، به این نتیجه رسیدن افزایش غیر قانونی حمل بار باعث شده تعادل کشتی از دست بره.

ناخدای کم تجربه این کشتی هم زمانی که کشتی تعادلش رو از دست می‌داد، کشتی رو ۱۵ درجه چرخوند، تعمیر و تغییراتی که بی‌دلیل رو کشتی انجام شده بود هم عامل دیگه غرق کشتی برشمرده شده.



بعد با این که کاپیتان وقت کافی برای تخلیه مسافرا داشت، به دانش‌آموزا گفته بود، هیچ اتفاقی نمی‌افتد و باید تو کشتی بمون و فقط خودش رو نجات داد.

فاجعه داستان اینجاست که دانش‌آموزان برای مدتی تو کابین‌هاشون حبس می‌شن و می‌فهمن که داره چه اتفاقی می‌افتد، برای همین شروع به زنگ زدن و فرستادن ویدیو برای خداحافظی با خانواده‌هاشون می‌کنن، که تو نت موجوده، اما خیلی دردناکه و نبینین بهتره. بچه‌ها با این که می‌دونستن دارن می‌میرن، می‌خندیدن و بعضیاشون با گریه به خانواده‌هاشون می‌گفتن دوستتون داریم و ما دیگه نمی‌تونیم شما رو ببینیم، بعضیا می‌گفتن من آرزو دارم، می‌خوام زنده بمونم و... .

تو کره هر ساله روز ۱۶ آوریل نماد روبان زرد رو نشون می‌دن و همه جا آویزون می‌کنن... برای زنده نگه داشتن یاد اون عزیزان دانش‌آموز. آخرین فیلمی که دانش‌آموزا گرفتن و آخرین حرفاشون تو یه ویدیو منتشر شد، کاش می‌تونستم براتون بذارمش، ولی یه کم طولانی و غم انگیزه. از طرفی یه ویدیو دیگه هم منتشر شد، در این ویدیو دانش‌آموزانی که نجات پیدا کرده بودن، به دیدن خانواده‌هایی رفتن که بچه‌هاشون رو از دست دادن و بهشون دلداری می‌دادن. در این حادثه، یه خانم که سال اولی بود که تجربه معلمی داشت و تو این اردو با بچه‌ها همراه شده بود، تا جایی که می‌تونه بچه‌ها رو نجات می‌ده، اما در نهایت خودش غرق می‌شه و بعد یه پسری بود که می‌تونست زنده بمونه، ولی برای نجات دوستش برمی‌گرده به کشتی تا با دوستش باهم کشتی رو ترک کنن و در نهایت هر دو باهم غرق می‌شن، در آخر کاپیتان این کشتی به حبس ابد محکوم شد، همین طور ناخدا و سه خدمه به دلیل قتل متهم شدن و ۱۱ نفر از خدمه این کشتی به جرم ترک کشتی متهم و دستگیر شدن. ناگفته نماند، مدیر مدرسه هم چون خودش رو مقصر این ماجرا می‌دونست و به خاطر فوت شاگردهاش حس بدی داشت، خودکشی کرد.

یه تیکه از متن آهنگ اسپرینگ دی اینه:

چه قدر دیگه باید شب بیدار بمونم که بتونم دوباره ببینمت؟

با این که به عکست نگاه می‌کنم هم،

باز دلتنگت می‌شم،

تو من رو رها کردی، اما حتی یک روز هم نبوده که من به یادت نباشم،

راستش دلم برات تنگ شده،

شکوفه‌های گیلاس شکفتن، زمستون هم رفت،

دلم می‌خواد تو رو ببینم،

اگه یه ذره دیگه منتظر بمونی،

اگه چند شب بیش‌تر بیدار بمونی،

من می‌تونم پیام و تو رو ببینم، تا موقعی که بهار دوباره بیاد،

تا موقعی که گل‌ها شکوفه بززن،

یه ذره بیش‌تر همونجا منتظر من بمون...♥».



مهرشید ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، می‌کوشد تا با تقدیس اعضای گروه بی‌تی‌اس، آنان را افرادی توصیف کند که نه تنها حاضر به فزونه‌خواهی (رانت‌خواری) نیستند، بلکه حاضر به ورود در بازی‌های سیاسی هم نیستند و تنها مایل به شرکت در مسایل اجتماعی و سیاسی‌ای هستند که متضمن نفع عامه مردم جامعه باشد (حال آن که تبلیغ نشان -برند-های فوق‌العاده گران یا مواردی مانند جنسیت‌زدایی از عشق، آرایش و پوشش، چیزی جز حمایت از نظام اقتصادی و فرهنگی جامعه سرمایه‌داری نیست).

«- تاحالا در رابطه با این موضوع که از رسوایی‌ها و حاشیه‌های بی‌تی‌اس و یا کی‌پاپ برای پوشوندن فسادهای سیاسی استفاده می‌کنن، چیزی شنیدی؟

کلاً راجع به مسایل سیاسی این رو بهت بگم حالا اگه از کسی چیزی شنیدی. اگه قرار بود بی‌تی‌اس خودش رو وارد مسایل سیاسی بکنه، الان جین نمی‌رفت سربازی، ببین مثلاً امسال انتخابات بود برای کره. کره هر پنج سال یک‌بار انتخابات داره، برعکس ما و آمریکا که هر چهار سال یک‌بار انتخابات داره، کره پنج سال یک‌بار. رئیس‌جمهور قبلی که اسمش مونجه این بود، با بررسی‌های دقیقی که کرد، متوجه شد که بی‌تی‌اس چه قدر سرمایه آورده و برای کشور مفیده، اون با ارقام و عدد و فلان اومد این مسأله رو اثبات کرد. خیلی واقعاً آدم پر و آدم با دانشی هست. بعد اومد چی کار کرد... توی دورانش خیلی کمک کرد بی‌تی‌اس رو از هر لحاظی. یک سری اقداماتی کرد که واقعاً عالی بود. فقط یه کار اشتباه کرد، اون هم این بود که وقتی دوران رئیس‌جمهوری خودش بود، گفت بی‌تی‌اس معافه از سربازی و این نزدیک انتخابات بود و این رو نیامد رسمیش کنه. اگر رسمیش می‌کرد، الان لازم نبود هیچ کدوم از اعضاء برن سربازی. حالا چه اتفاقی افتاد، دو سال سربازی یعنی دو سالی که فعالیت ندارن، یعنی دو سالی که هیچ کاری انجام نمی‌دن، این دو سال جزو قرارداد این بنده خداها هست، این دو سال واقعاً آسیب می‌بینن دیگه، واقعاً توی این دو سال چه قدر گروه میان تو کار.

این بنده خدا نیومد این رو رسمیش کنه و رفت. رئیس‌جمهور بعدی که اومد، دید ایول چه گروهی، چه درآمدزایی خوبی، چه قدر پوان‌های (امتیازات) مثبت برای کشور دارن و چه قدر اوکیه و چه قدر طرفدار دارن. در زمان مونجه- این، اینا از طرف بایدن دعوت شدن، یه بار برای مراسم سازمان ملل رفتن و یه بار هم از طرف بایدن دعوت شدن و به عنوان سفیرهایی از قاره آسیا رفتن راجع به موضوعات مختلف مثل نژادپرستی و فلان و فلان صحبت کردن. بعد دید که این شکلیه خود بایدن از طرف سفارت دعوت کرده و این که یونیسفر می‌رن و سازمان ملل می‌رن، وقتی جنبه این چینی توی دنیا پیدا کردن، اون وقت رئیس‌جمهور جدید گفت، به جای رفتن به سربازی شما باید توی مناسبت‌های سیاسی شرکت کنید، یعنی سربازی نرید، ولی توی اون دو سال توی مناسبت‌های سیاسی که با کشورهای دیگه داریم، همراه با وزرا و همراه با رئیس‌جمهور توی مراسم‌ها شرکت کنید و این شد که بی‌تی‌اس پاش وایستاد و گفت، من نمی‌خواهم، من اصلاً نمی‌خوام خودم رو قاطی بازی‌های سیاسی و این کارا بکنم، ما زمانی وارد مسایل سیاسی می‌شیم که منفعتی برای مردم داشته باشه. راجع به کودکان باشه، راجع به میهن‌پرستی باشه، مثلاً راجع به ضد نژادپرستی باشه. یه مفاهیمی این شکلی، ولی این که توی بازی سیاست و قدرت بخوایم بریم، نمی‌خوایم.

این شد که دقیقاً بعد از کنسرتی که توی بوسان داشتن. کنسرتی که در بوسان گذاشتن، به خاطر این بود که تا سال بیست، سی اگر اشتباه نکنم، یه فستیوال هنری خیلی مهم قراره توی دنیا رخ بده، حالا نمی‌خواهم به اون بپردازم، ولی کره هم یکی از کشوری توی اون فستیوال هنریه، اینا به صورت رایگان گفتن کنسرت می‌دارن که توی دنیا هم تبلیغی بشه به خاطر اون فستیوال بیست، سی. رئیس جمهور گفتش، آره بذار این کنسرت هم بگذره، ما بعد تصمیمش رو مشخص می‌کنیم، وقتی که این شکلی کردن، بزرگ‌ترین عضو گروه که تولدش آذر ماه می‌شه سی ساله و بعد از کنسرت بوسان و قبل از این که بخواد این رئیس جمهور حرفی بزنه، چون می‌دونستن که بالاخره یه جوری وصل‌شون می‌کنن به بازی‌های سیاسی، به خاطر همین رفت حکمش رو بگیره بره سربازی».

سایه ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، وی با دیدن سخنرانی اعضای گروه بی‌تی‌اس در مورد یونیسف، با آن‌ها آشنا شده است و جذب آنان گردیده است. کوثر ۲۵ ساله نیز در بیاناتی که دارد، از پذیرش سفیری یونیسف توسط اعضای گروه بی‌تی‌اس، به عنوان فعالیت قابل توجه از پسران گروه یاد کرده و در نهایت سونیای ۱۷ ساله نیز از سخنرانی اعضای گروه در سازمان ملل با دیده عظمت و افتخار یاد کرده است:

«- علاقه شما به بی‌تی‌اس به خاطر موسیقی‌شونه یا اجراشون یا شاید زیبایی خودشون یا همه این‌ها؟

من این طوری بودم که خیلی می‌گشتم تو یوتیوب و بعد داشتم تو کانال یونیسف می‌گشتم و اونجا یه سخنرانی دیدم که خیلی سخنرانی جالبی بود برام. هر چند نمی‌شناختمشون، ولی شنیدید می‌گن، آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند؟ همون طوری بود برام. شرایط سختی داشتم، اون موقع، اون حرف‌ها خیلی برام دلنشین بود. بعد فایل صوتی این سخنرانی رو برای خودم ذخیره کرده بودم و هی گوش می‌دادم. بعد چون موسیقی متن‌های سریال‌های کره‌ای یا فیلم‌هاشون و این‌ها رو هم گوش می‌دادم، خیلی بر اساس الگوریتمش یوتیوب بهم ویدیوهای بی‌تی‌اس رو پیشنهاد می‌داد و من دوتا دوست هم داشتم که هیت<sup>۱</sup> (متنفر) این گروه بودند و علاقه‌ای بهش نداشتند و من اسم این گروه رو از اونا زیاد شنیده بودم، بعد برای همین تو یوتیوب که می‌گشتم ناخودآگاه ویدیوهای اینا رو می‌دیدم و خب جالب هم بودند برام، چون تاحالا مثلش رو ندیدم بودم هیچ جا، با این که من خودم موسیقی رو خیلی دوست دارم و زیاد کنسرت‌ها و اجراهای مختلف رو دیدم».

«- آیا گروه‌های کی‌پاپ فعالیت‌های سیاسی یا اجتماعی هم دارن؟

من خب از گروه‌های دیگه که خبر ندارم، ولی بی‌تی‌اس خب عضو یونیسف<sup>۲</sup> (بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی برای رسیدگی به مشکلات کودکان) بودن. خیلی زیاد براشون فعالیت می‌کردن. بعد یه سری هم... چند سری فکر کنم تو سازمان ملل هم سخنرانی کردن و بیش‌تر سخنرانی‌هاش هم در مورد همین حقوق کودکان و حقوق مظلومین و این چیزا بود. این که مثلاً از کودکا محافظت بشه، خشونت علیه بچه‌ها و چیزای این طوری. فعالیت‌هاشون بیش‌تر در این زمینه بود. در حدی که من می‌دونم. چیز بیش‌تری من نمی‌دونم».

«- به نظر شما بی‌تی‌اس در زمینه سیاست فعال هست؟

نه، به نظرم در زمینه سیاست فعالیت ندارن.

- با توجه به محتوایی مثل سخنرانی در سازمان ملل یا دیدار بایدن داخل کاخ سفید، به نظرتون فعالیت سیاسی ندارن؟

آره اونا رو منم دیدم، ولی بهشون نمی‌گم فعالیت سیاسی. بیش‌تر فعالیت اجتماعی، چون وقتی فرصتایی مثل همونایی که شما گفتید، براشون پیش اومده، از صلح و عدم تبعیض صحبت کردن. به نظر من تو زمینه اجتماعی آره فعال ان، ولی سیاسی نه، چون توی کی‌پاپ کلاً سیاست خیلی جایی نداره. یعنی کی‌پاپی‌ها کاری با سیاست ندارن معمولاً. متن صحبت بی‌تی‌اس تو سازمان ملل رو دارم، برات می‌فرستم تا ببینی چه قدر دغدغه‌های اجتماعی دارن<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup>- Hater

<sup>۲</sup>- UNICEF

<sup>۳</sup> - آر ام شروع کننده سخنرانی (در مجمع عمومی سازمان ملل متحد):

حضرت عالی عبدالله شهید رئیس هفتاد و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد،  
جناب آقای آنتونیو گوترش دبیر کل مجمع،

رئیس جمهور ما چه این و رهبران بر جسته سراسر جهان، بودن در اینجا باعث افتخاره. ما بی‌تی‌اس هستیم. به عنوان نماینده ویژه ریاست جمهوری کره جنوبی ما امروز اینجا هستیم تا داستان‌های نسل‌های آینده رو به اشتراک بگذاریم.

قبل از این که به اینجا بیایم از نوجوانان سراسر جهان و افرادی که در دهه بیست سالگی شون هستن، راجع به گذشته و جهانی که امروز خودشون رو در آن می‌بینن سوالاتی پرسیدیم. جین تعدادی از پاسخ‌های دریافتی رو باهاتون به اشتراک می‌گذاره.

بله یه نگاه بندازید. می‌تونین متوجه حس خوبی که این پاسخ‌ها دارن بشید. تو این دو سال گذشته زمان‌هایی بوده که خیلی احساس سردرگمی و دلواپسی می‌کردم. با این وجود هنوز اینجا افرادی رو داریم که فریاد می‌زنن بیاین زندگی کنیم، بیاین از لحظه بهترین استفاده رو ببریم.



چون وقتی تو ایده‌آل‌ترین زمان زندگی مون هستیم، نمی‌تونیم در برابر چالش‌های جدیدی کار نکنیم. نمی‌شه کسی رو سرزنش کرد و همه شما حتماً احساس ناامیدی کردین. من همونیم که دیروز بودم، ولی دنیا تغییر کرد انگار که خیلی سریع به جهان موازی منتقل شدیم.

من از شنیدن این که مراسم‌های ورودی و فارغ التحصیلی باید لغو می‌شدن خیلی متأسف شدم. این‌ها لحظاتی از زندگی هستن که باید جشن گرفته بشن و از دست دادن شون خیلی ناراحت کننده هست. قلبمون شکست از این که کنسرت مون که طی یه مدت طولانی براش برنامه‌ریزی کردیم، لغو شد و برای مدتی مشتاق لحظه‌هایی بودیم که می‌خواستیم کامل کنیم.

بله، این زمانی برای افسوس خوردن برای چیزهایی بود که کویید از ما گرفت. زمانی برای این که بفهمیم هر لحظه‌ای که قدرش رو ندونستیم، چه قدر ارزشمند.

شوگا به این قضیه که قدر لحظات رو ندونستیم اشاره کرد و خیلی از مردم سوال‌هامون رو با اشتراک عکس‌هایی از لحظات با ارزش زندگی خودشون پاسخ دادن. خیلی از مردم نشون دادن که چه طوری در طبیعت وقت می‌گذرونن. فکر می‌کنم در طی این دو سال اونا ارزش زمانی رو که برای مراقبت از طبیعت رو می‌گذاشتن فهمیدن.

بله، ولی شاید چون ما به خاطر محدود بودن زمان زندگی مون روی زمین احساس ترس می‌کنیم، فقط در مورد چیزایی که از دست دادیم صحبت می‌کنیم و فکر کردن در مورد سوگواری برای زمین باعث می‌شه از ترس بلرزیم.

همه با این قضیه موافق هستن که تغییرات آب و هوایی مسأله مهمیه، ولی صحبت درباره این که بهترین راه حل چیه آسون نیست، این موضوعی که نتیجه گرفتن در موردش سخته.

بله، بحث سخته، ولی من حین آماده شدن برای امروز فهمیدم که افراد جوان زیادی به مسایل زیست محیطی علاقه دارن و این رو به عنوان رشته تحصیلی شون انتخاب می‌کنن. آینده یه سرزمین ناشناخته است و جاییه که ما بیش‌تر از هر کسی زمان مون رو اون جا می‌گذرونیم و این افراد جوان کسانی هستن که به دنبال پاسخ این سوال هستن که چه طور چنین آینده‌ای رو زندگی کنن.

پس امیدوارم آینده رو فقط یه تاریکی ظالمانه در نظر نگیریم. ما افرادی رو داریم که نگران جهان هستن و دنبال این پاسخ هستن. هنوز صفحات زیادی از زندگی مون باقی مونده پس نباید جوری حرف بزنیم که انگار پائانش از قبل نوشته شده.

عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که در مورد گروه بی‌تی‌اس دارد، خاطرنشان کرده است که اعضای گروه به سبب فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی گسترده‌ای که داشته اند، از رئیس جمهور کره جنوبی حکم لیاقت فرهنگی را دریافت داشته اند:

«- گروه بی‌تی‌اس خارج از موسیقی چه کارهای دیگری انجام می‌دن؟

بی‌تی‌اس با یونیسف در کمپین ضد خشونت همکاری کردن و در ۷۳ مین و ۷۵ مین مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کردن و همچنین سفرشان به آمریکا و ملاقات با جو بایدن خارج از موسیقی بود.



- شنیدی اعضای بی‌تی‌اس از طرف رئیس جمهور کشورشون حکم لیاقت فرهنگی دریافت کردن؟

البته که گاهی اوقات اوضاع طوریه که انگار جهان متوقف شده. حتی اگه آماده رفتن باشی، گاهی اوقات حس می‌کنی مسیرت رو گم کردی. وقتی بوده که ما هم همچین حسی رو داشتیم.

شنیدم که به نوجوون‌ها و افرادی که در دهه بیست سالگی زندگی‌شون هستن، می‌گن نسل از دست رفته کرونا. یعنی اونا زمانی راهشون رو گم کردن که به متنوع‌ترین فرصت‌ها نیاز داشتن و باید راه‌های جدیدی رو امتحان می‌کردن.

ولی فکر می‌کنم گفتم این که راهشون رو گم کردن فقط به خاطر این که مسیری که درش قدم می‌ذارن با چشم افراد بزرگسال دیده نمی‌شه اغراق‌آمیزه. بله، یه نگاه به عکس‌ها بندازید. اینا افرادی هستن که سخت تلاش می‌کنن روابط دوستانه‌شون رو به صورت مجازی ادامه بدن. به شیوه‌های جدید، شروع به یادگیری چیزهای جدید می‌کنن تا زندگی سالم‌تری داشته باشن.

معذرت می‌خوام چند لحظه، بله این بچه‌ها سعی می‌کنن چیزای جدید یاد بگیرن و کشف کنن. اونا گمشده به نظر نمی‌رسن، شجاع‌تر شدن و با چالش‌های جدیدی رو به رو شدن.

به همین دلیل که فکر می‌کنیم به جای نسل گم شده، بهتره بهشون بگیم نسل خوش‌آمدگویی، چون این نسل به جای ترس از تغییر، بهش خوشامد می‌گن و به پیشروی ادامه می‌دن.

درسته که اگه به احتمالات باور داشته باشیم و حتی وقتی اتفاقات غیر منتظره پیش میاد امید داشته باشیم، نه تنها راهمون رو گم نمی‌کنیم، بلکه یه راه جدید کشف می‌کنیم.

ممکنه انتخاب‌هایی که می‌کنیم بی‌نقص نباشن، ولی به این معنی نیست که کاری از دستمون بر نیامد چیزی که از نظر من مهمه، انتخاب‌هایی هستن که موقع روبرو شدن با تغییرات می‌کنیم. بعضی از شماها وقتی خبر حضور ما در سازمان ملل را شنیدید، خیلی متعجب شدید و براتون سوال پیش اومد که واکسینه شدیم یا نه. من از این فرصت استفاده می‌کنم که بگم بله، هر هفت نفر ما واکسینه شدیم.

واکسیناسیون یه جورایی بلبط ما برای دیدن فن‌هامون که خیلی وقته منتظرمون هستن و همین طور اینجا ایستادن، بود. همون طور که در پیام امروزمون هم گفتیم، ما داریم کارایی رو که در حال حاضر ازمون برمیاد رو انجام می‌دیم.

مثل واکسیناسیون. تلاش‌ها برای رو به جلو بردن این واقعیت ادامه داره و روزی که بتونیم فن‌هامون رو از نزدیک ببینیم اون قدر دور نیست. تا اون موقع امیدوارم که بتونیم هر روزمون رو پر از انرژی مثبت کنیم.

فکر می‌کردیم که جهان متوقف شده، ولی داره رو به جلو حرکت می‌کنه، من بر این باورم که هر تصمیمی که می‌گیریم، شروعی برای یه تغییره نه پایانش.

امیدوارم همه توی این دنیای جدید بتونیم به هم خوش‌آمد بگیم.

و حالا که منتظر چنین آینده‌ای هستیم «دعوت به رقص» پیامد خوش‌آمدگویی ماست که امروز می‌خوایم با همه به اشتراک بذاریم.

آره. طبق آمارهای موجود، این گروه سالانه نزدیک به پنج میلیارد دلار برای کره جنوبی سودآوری دارند و اعلام شده از هر ۱۳ گردشگر یک نفر از آن‌ها به خاطر بی‌تی‌اس به کره می‌آیند. به دلیل این تأثیرگذاری مثبت اعضای گروه، رئیس‌جمهور کره حکم لیاقت فرهنگی را به اون‌ها داد و به این ترتیب اون‌ها تبدیل به جوان‌ترین دریافت کنندگان این حکم شدن.

– عرفان آیا اعضای بی‌تی‌اس فعالیت‌های مدلینگ نیز دارند؟

بله دارن، تمام اعضای بی‌تی‌اس به عنوان سفیران برندهای مشهوری مانند لویی ویتون، هیوندا، زایلیتول و برند مشهور بستنی بسکین رابینز معرفی شده اند.

– این فعالیت‌های مدلینگ لطمه‌ای به موسیقی گروه نمی‌زنه؟

نه تنها لطمه نمی‌زنه، بلکه باعث در آمدزایی از این راه هم می‌شن. چون آیدول‌ها سرشناس و معروف ان، مدل هر شرکتی بشن، چندین برابر مدل‌های عادی بهشون پول می‌دن. چرا که در سراسر دنیا سریع سفارش اون کالا رو می‌دن. این کار هم به نفع آیدول‌ها هست و هم به نفع شرکت‌ها».

محسن ۲۲ ساله در گزارش خود، از منظری متفاوت، دست به نقد فعالیت‌های فرهنگی – اجتماعی – سیاسی گروه بی‌تی‌اس زده است و مخلوط شدن کار سیاسی و هنری را پسندیده ندانسته است:

«– نقطه ضعف دیگری وجود دارد که بخواهی بیان کنی؟

یه چیزی یادم رفت بگم اونم اینه که یه گروه هنری نباید با سیاست قاطی بشه، هر چی که سیاسی بشه خراب می‌شه. همه دور و بریام می‌دونن من با سیاست و سیاسی بازی مخالفم.

– درست فهمیده باشم منظورت این هست که در ابتدا بی‌تی‌اس با سیاست کاری نداشته، اما بعدها سیاست را با موسیقی ترکیب کرد؟

آره، مثلاً به عقیده من یه گروه موسیقی باید توی یه زمینه کار کنه و به هر چیزی که دستش می‌رسه، واسه بهتر دیده شدن چنگ نندازه.

معلوم نیست چه کار می‌کنن یا بهتره بگم چی می‌خوان؟ چی رو می‌خوان ترویج کنن! هر چه قدر تلاش کردم تا الان بفهمم، متوجه نشدم هدف اصلی اینا چیه! چیزی که هست اینه که سیاست قاطی بازی این گروه شده. چه دلیلی داره مثلاً یه گروه توی مجامع بین‌المللی صحبت کنه، اونم راجع به مسایل سیاسی. تو کارت چیز دیگه‌ایه. در ضمن تو باید به عقاید من هوادارم احترام بذاری. با خیلی از رفقا که بی‌تی‌اس فن هستن، حرف زدم اونام می‌گن به هر حال باید حرف همه هوادارا رو بشنون. اگه نظرسنجی بشه شاید خیلی از هوادارا مثل من نخوان این گروه وارد سیاست بشه. مگه تو نمی‌گی این گروه متعلق به هواداراس، پس چرا توی تعیین خط‌مشی گروه هیچ توجهی به هوادار نمی‌شه؟»



### ۳-۱۱ – پیش‌گرفتن فعالیت‌های زیست محیطی

«... به سمت آسمون قدم بردار،

بپر بالای ابرهای سیاه،

متوقف نشو



... بیاید دنیا رو تکون بدیم (اگه ما بخوایم می‌تونیم دنیا رو داشته باشیم)

ما این سیاره رو نجات می‌دیم

ما عاشق این سیاره هستیم

همه چیزای با ارزش

چیزی که من می‌خوام ازشون محافظت کنم» (فرازی از آهنگ «سیاره» از گروه بی‌تی‌اس).

نظام سرمایه‌داری خواهان مصرف بیشینه است، زیرا سود نظام سرمایه‌داری در گرو مصرف شهروندان است، اما از سوی دیگر، مصرف حداکثری، با مسایل و بحران زیست‌محیط همخوانی چندانی ندارد. بنابراین کمپانی بیگ‌هیت در تعارض موجود، در درجه نخست اهمیت از موضع‌گیری‌های صریح زیست‌محیطی پرهیز دارد، اما به شکل جسته و گریخته، با تشویق اعضای گروه بی‌تی‌اس به انجام برخی از اقدام‌های زیست‌محیطی، می‌کوشد تا وجهه مثبتی در این ارتباط هم برای خودش دست و پا کند، همان‌گونه که در مقوله نژادپرستی، کمپانی در عمل با کاربری از برنامه وایت‌واشینگ، با تغییر چهره زرد ستاره‌هایش به چهره سفید، در عمل پوست و نژاد سفید را برتر از حتی نژاد زرد خود مردم کره قلمداد می‌کند، اما در شعارهایش، با گرفتن مواضع ضد نژادپرستی، شعارهایی با ۱۸۰ درجه تفاوت با عمل خودش را در دستور کار خویش قرار می‌دهد. رخساره ۱۶ ساله، مرضیه ۱۹ ساله و معصومه ۲۰ ساله در مصاحبه‌هایی که دارند، در توصیف یکی از تبلیغات کمپانی دال بر این که ما حامی زیست‌محیط هستیم، بیان می‌دارند:

رخساره ۱۶ ساله نیز در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی به عنوان یک هوادار، به رفتارهای زیست‌محیطی اعضای گروه بی‌تی‌اس توجه دارد و سعی می‌کند از آن‌ها تبعیت کند:

«- رابطه بی‌تی‌اس با محیط زیست به چه صورته؟

عاشق محیط زیستن، داخل جنگل فیلم و کلیپ می‌سازن، درختکاری می‌کنن، آب می‌دن به گیاه‌ها، کمک به حیوان‌ها و به محیط زیست کلی پول اهدا می‌کنن، خودشون حیوون خانگی دارن. یه ویدیویی جدیداً ساختن خیلی قشنگه در مورد اقیانوس و کارهایی که ماها باید انجام بدیم». «... از گارد گوشی باز یافتی برای حمایت از محیط زیست استفاده می‌کنند.

- استفاده از گارد گوشی باز یافتی؟! می‌تونی واضح‌تر توضیح بدی؟

یک موردی که بین استوری جیهوپ و پست نامجون مشترکه، گارد گوشیشونه که توسط برند آرک ساخته شدن این برند حامی محیط زیسته و تمام محصولات با استفاده از زباله‌های باز یافتی تولید می‌شه».



«- اعضاء در زمینه فعاليت‌های خيرخواهانه هم فعاليت می‌کنن؟

آره. اومم بذار ببینم می‌تونم چند موردشون رو برات پیدا کنم.

آره. ببین.

- این ویژگی اعضاء باعث نشده که روی فن‌دوم اثر بذاره و بخوان از این دست فعاليت‌ها انجام بدن؟

اینم زیاده، مثل به سرپرستی گرفتن حیوانات در معرض انقراض، همین چند وقت پیش گمونم یه گونه نهنگ بود یا کاشت جنگل‌ها».



مرضیه، در فراز دیگری از مصاحبه‌اش، در توجیه آتش زدن ۱۳ اتوموبیل برای اجرای آهنگ آتش (فایر)، در صدد تعدیل این اقدام ضد زیست‌محیطی گروه بی‌تی‌اس برآمده، خاطرنشان می‌سازد، کمپانی منافع اجرای آهنگ مزبور را به یک مؤسسه خیریه کمک کرده است: «البته باید بگم اعضای بی‌تی‌اس اون قدر خفن و حرفه‌ای هستن که جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه و به قول خودش از یه سری چیزای می‌ترسه، اما از چیزایی که بقیه می‌ترسن ازش ترسی نداره (می‌خندد).

– اشاره کردی به این که جیهوپ واقعاً ۱۳ تا ماشین رو آتیش زد به نظرت این مسأله در حقیقت با حمایت‌هاشون از محیط زیست مغایر نیست؟ آره می‌دونم یک‌سری آرمی‌ها این طوری خودشون رو قانع می‌کردن که شاید قراضه هست، یک‌سری این طوری که هزینه همه‌اش رو خود جیهوپ داده و یه ریال هم کمپانی نداده و پولداره دوست داشته این کار رو کنه، متأسفانه، متأسفانه، به خاطر حرص و ولع بی‌اندازه‌ی سرمایه‌داری، انسان‌ها، محیط زیست همه و همه آسیب می‌بینن. تا زمانی که این طوریه دنیا اصلاً جای قشنگی نیست، ولی البته اعلام شد که پولی که از طریق یوتیوب و اسپاتیفای این موزیک ویدیو به دست اومده، به یه مؤسسه بیماری‌های خاص توی شیکاگو داده شده».



نگین ۱۳ ساله و هستی ۲۰ ساله نیز در گزارش خویش از برخی از اقدام‌های حمایت حیوانات توسط هواداران گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده اند:

«– بی‌تی‌اس در مورد محیط زیست دغدغه‌ای دارد؟

خیلی (با تأکید)، از حیوانات حمایت می‌کنند، جایی از این که خودشون حیوون خونگی دارند، توی خونه‌شون به شدت همه‌شون عاشق حیوانات هستند و خیلی براشون مهمه که به حیوان آسیبی نرسه.

– چه کارهایی مثل انجام می‌دن؟

مثلاً به یک سری چنل‌هایی که برای حفظ محیط زیست هستند، کمک مالی کردند.



- این‌ها رو خودت دیدی که به چه کمپینی کمک کردند؟

کمپین خاصی نه، ولی خبرش تقریباً همه جا بوده.

- خوب دیگه چه کارهایی؟

حمایت راستش خیلی زیاد کردن، اگه بخوام الآن بشینم، دونه، دونه، بگم، یه لیست بلند بالایی می‌تونم بگم از این جور کارا هست دیگه.

- اون دفعه که با همدیگه صحبت می‌کردیم به من گفتی که این‌ها لباس خیلی زیاد دارن، کسی که می‌خواد از محیط زیست مراقبت کنه، چه جورى این همه لباس متنوع و جدید خرید می‌کنه؟

اینا رو که خودشون نمی‌خرن، کمپانی می‌خره، یعنی خودشون نقشی ندارد و مجبورند که هر لباس کمپانی می‌گه بپوشند.

- یک نفر به من می‌گفت که خیلی ناراحته به خاطر این که نمی‌تونه مثل اونا لباس بخره و لباس بپوشه؟

خوب آخه شما باید ببینید کی داره اینو بهتون می‌گه، خوب اینا میلیاردرن دیگه، وقتی یکی میلیارده، آره خوب معلومه که باید بخره و بپوشه.

- یعنی پس لباس زیاد می‌خرند؟

اونا خودشون نمی‌خرند، از پولی که در میارن، کمپانی براشون لباس می‌خره. به غیر از لباس‌های خونه‌شون، بقیه لباس‌هاشون مال کمپانیه، بعد تازه اینا اصلاً لباس نمی‌خرند، اینا خیاط دارن معمولاً می‌رند و یه خیاط براشون لباس می‌دوزه و پارچه‌هاشون معمولاً پارچه‌هایی نیستن که به محیط زیست آسیب بزنه.

- این رو از کجا می‌گی؟

راستش من اون اول که یکی از دوستانم قرار بود من رو آرمی بکنه، ویکی پدیا خوانده بود و گفتش که اونجا اینا رو نوشته، ولی ببینید، به هر حال وقتی تو اون شرایط و جایگاهی مجبوری که متنوع بپوشی، باید این طوری باشی راه گریزی نیست».

«ما از فنای خارجی یاد گرفتیم که میتینگ می‌ذارن و کیک درست می‌کنن و دور هم خوش می‌گذرونن. دل‌مون خواست و ما هم انجامش دادیم. بعد کم‌کم دوست شدیم و انجامش دادیم. همین خیریه‌های تولد دیدیم که فن‌های خارجی این کارا رو می‌کنن. البته اونا پول‌شون بیش‌تره، مثلاً حیوون به سرپرستی قبول می‌کنن یا برا حیوونا کمپ می‌زنن. یه چیزی که مثلاً همون آیدول هم دوستش داره. مثلاً اگر یه آیدولی گربه دوست داره، می‌رن پناهگاه گربه درست می‌کنن به اسم اون آیدول».

بررسی مصاحبه‌های جمعیت مورد بررسی دلالت بر آن دارد که غالب مصاحبه شونده‌گان، با ملاحظه عملی پوشیدن لباس‌های نشان‌دار (برند) گران‌قیمت، تعویض روزانه لباس‌های نشان‌دار (برند) توسط پسران گروه و موارد مشابه، بیش‌تر اقدام‌های کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس را در تضاد و تخالف با حفظ محیط زیست می‌دانند.

شقایق ۱۹ ساله در مصاحبه‌اش از پوشیدن لباس‌های نشان‌دار (برند) توسط ستاره‌ها یاد کرده است:

«- یعنی فیلم‌های سرویس رو که گفتی، انتشار هم دادن؟

اونا رو هم حالا تا یه حدی آره، مثلاً حالا این که جلو آینه دارن به خودشون می‌رسن و آرایش می‌کنن، دایماً هی میاد دیگه فیلماش، حالا اسم نمی‌گم.

– این ستاره‌ها تبلیغات هم انجام می‌دن؟

تبلیغ مهاجرت به کشورشون آره، خیلی فراوانه. هی از زیبایی‌های کشورشون می‌گن و این که چه قدر همه اینجا به اندامشون اهمیت می‌دن و چه قدر همه حالشون خوبه و چه قدر خوشحال هستن اونجا متولد شدن و صمیمیت بین مردمش چه قدر زیاده، مثلاً یا لباسای برندها رو می‌پوشن و میان کنسرت یا تبلیغ می‌کنن به عنوان مدل کلاً کره‌ای‌ها عقلشون به چشمشون هست، یعنی به ظاهر خیلی اهمیت می‌دن برخلاف آمریکایی‌ها در مجموع به استانداردهای ظاهری اهمیت می‌دن نه اخلاقی».

شادی ۱۵ ساله هم در گزارشی که از پسران بی‌تی‌اس دارد، خاطرنشان می‌سازد، آن‌ها هر روز زیورآلات و لباس‌های خودشون را عوض می‌کنند: «– سبک زندگی‌شون بیش‌تر بر پایه چی هست؟

یعنی چی رو نمایش می‌دن؟

– یعنی مثلاً مادیات رو بیش‌تر نمایش می‌دن یا چیز دیگه‌ای؟

آره، کلاً مادیات رو نشون می‌دن اصن. دیگه هر دقیقه لباس عوض کردنشون و اکسسوری عوض کردن یعنی همین دیگه».

سرانجام محسن ۲۲ ساله در مصاحبه‌اش یادآور می‌شود، گروه بی‌تی‌اس با القائنات خاص خودش، در عمل مصرف را از حالت نیاز مرسوم و محدود انسان خارج کرده، ایدئولوژی شدن مصرف را برای مخاطبانش رقم می‌زند:

«– یعنی فکر می‌کنی ستاره‌ها مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند؟

متوجه نشدم، یعنی چی مصرف‌گرایی؟

– یعنی مخاطبشان را تشویق می‌کنند به مصرف کردن حتی اگر نیاز نداشته باشند؟

آره، این طوریه به نظرم».

ارایه استانداردهای غلط، مشکل مهمی است که در القای نگاه زیست محیطی گروه بی‌تی‌اس قابل مشاهده است. به این معنا که برخلاف الگو دادن بی‌تی‌اس در نگهداری حیوانات، اصولاً جدا کردن حیوان از محیط طبیعی خودش و انتقال آن به محیط آپارتمانی زندگی خود، ظلم مضاعفی به حیوان است. همان‌گونه که مصرف زیاد اعضای گروه بی‌تی‌اس در تضاد و تعارض با اهداف زیست محیطی به شمار می‌آید.

نکته بعد این که اعضای گروه بی‌تی‌اس، به القای برخی از شعارها اقدام می‌کنند، اما ممکن است خودشون عکس شعارهایی که می‌دهند، رفتار کنند که این امر اسباب شکل‌گیری تعارض در اذهان هواداران را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال، عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش از شعار جین سخن می‌گوید که در بند دغدغه‌های مادی نباشید، در حالی که اعضای گروه، نه تنها شخصاً اوجی از مصرف‌زدگی را در زندگی خویش به نمایش می‌گذارند، بلکه گاهی مبلغ برندهای فوق‌العاده گران قیمتی می‌شوند که خرید کفش یا لباس مورد نظر، حتی از عهده بسیاری از افراد ثروتمند جامعه نیز بر نمی‌آید:

«– عرفان قبلاً گفتی که بیش‌تر از آیدول جین تقلید می‌کنی تا چه حدی درباره اون تحقیق کردی و می‌شناسیش؟

جین قبل از این که بیاد عضو بی‌تی‌اس بشه، دوست داشت در آینده بازیگر بشه و تو تأثیر کارکنه. هیچ وقت فکرش رو نمی‌کرد که یه زمانی خواننده معروفی بشه. در حال حاضر جین از بهترین خوانندگان بی‌تی‌اس و خود کشور کره هست. چهره گروهه از نظر زیبایی، شعار جین، بدون نگرانی زندگی کردن هست. اون می‌گه شما فقط یه بار زندگی می‌کنین و باید بدونین که زندگی‌تون هم خیلی سریع می‌گذره.

– شعار جین دال بر بدون نگرانی زندگی کن رو توی زندگی شخصیت استفاده می‌کنی؟

من عاشق این شعارم. زندگی ممکنه خیلی کوتاه‌تر از آنچه که فکرش رو بکنیم، باشه. اگر آدم بدون نگرانی از دغدغه‌های مادی این دنیا بگذره، زندگی باکیفیت‌تر و اعصاب آرام‌تر و خونسردی بیش‌تری خواهد داشت».

بنابراین با اذعان به اثربخشی زیست محیطی برخی از هواداران از پسران بی‌تی‌اس، باید به سردرگمی که القائنات ارزشی و اخلاقی بی‌تی‌اس برای هواداران پدید می‌آورند نیز توجه داشت.



### ۳-۱۲- برخورد تسامح‌آمیز با دیگران

جوامع بشری دارای نژادها، اقوام و فرهنگ‌های متفاوتی بوده، ممکن است از هنجارها و ارزش‌های بعضاً متفاوتی تبعیت کنند، زندگی اجتماعی بشر ایجاب می‌کند، انسان‌ها تفاوت‌های هم را پاس داشته، به جای پیش گرفتن برخوردهای مبتنی بر نفی و انکار دیگران، با تسامح با آرا و اندیشه‌های مختلف یکدیگر برخورد کرده، اختلاف‌های احتمالی را در پرتو استدلال، با یکدیگر رفع و رجوع کرده و حل کنند. نیکو و شادی ۱۵ ساله و مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، از تسامح اعضای گروه بی‌تی‌اس در برخورد با مسلمان‌ها، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- تاحالا بی‌تی‌اس باعث شده باورهای تو تغییر کنه؟

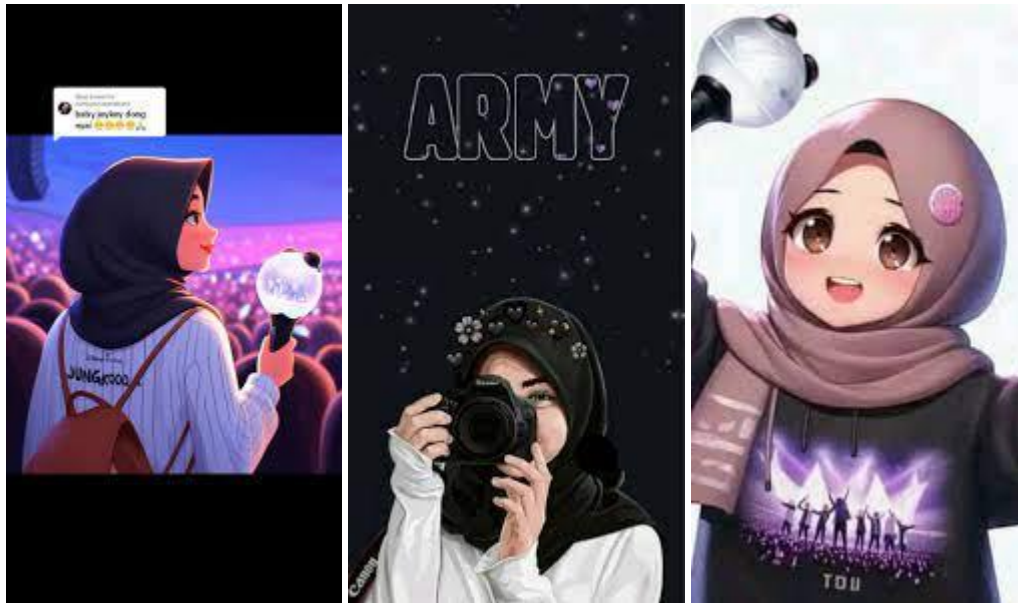
آره این اتفاق افتاده و تأثیر زیادی گذاشته، ولی تأثیر بدی نبوده، مثلاً این که یه عده آدم‌ها هستن که محجبه و مذهبی هستن و این عقیده رو دارن که افراد مسلمان حتماً باید حجاب داشته باشن یا اونایی که حجاب ندارن خیلی بد هستند و بی‌تی‌اس اومده بود گفته بود که افراد زیادی رو که با حجاب هستن، ما می‌بینیم و خیلی هم افراد زیبایی هستن، یعنی با حجاب هنوز هم زیبا هستند. یه بار هم یه مجری پرسیده بود ازشون که خودتون دوست دارید افراد بی‌حجاب بیان فن‌میتینگ‌ها یا با حجاب باشن؟ و بی‌تی‌اس گفته بود که هر طور که راحت هستن و هر طور که عقیده خودشونه و هر جور که دوست دارن، همیشه سعی می‌کنند این فرهنگ‌سازی رو بکنند که عقاید مذهبی دیگران، هیچ ربطی به ما نداره و این چیزیه که خودشون باید انتخاب کنند. حتی گفتند که اگر یه جایی یه فرد محجبه دیدید، این طوری نباشین که اگه خودتون محجبه نیستید، آه آه بکنید یا بگید یارو رو ببین حجاب داره و برعکسش هم همین طور، افراد محجبه نباید برن به اونایی که حجاب ندارن گیر بدن یا تیکه بندازن و این موضوع خیلی دید من رو تغییر داد، خودم تا قبل از شنیدن این‌ها دید مثبتی نسبت به افرادی که خیلی محجبه بودن نداشتم، البته مسخره نمی‌کردم و کاری هم نداشتم، ولی بعد از این که بی‌تی‌اس این حرف‌ها رو زد، تأثیر گذاشت روم و به نظرم عقیده افراد به خودشون بستگی داره و به خودشون ربط داره».

«- از لحاظ احترام به عقاید دیگران چه طور هستن؟

یعنی به کاربرا شون؟

- آره.

تاحالا من ندیدم بی‌احترامی به طرفدارا شون یا مذاهب مختلف بکنن، اصن فناشون می‌پرن بهم، یعنی به ضرر شون هست، چیزی نمی‌گن در اون مورد و حتی ممکنه مثلاً خوش شون هم بیاد، یعنی یه بار یکی از فناشون درباره نماز می‌گفت بهشون و اونا هم می‌گفتن چه قدر باحال و تاحالا نشنیدیم و اینا».



«... اصولاً گروه‌های خواننده و بازیگرا موقع ماه رمضان اصطلاحاً پیام ماه رمضان می‌فرستن و تبریک می‌گن این ماه رو به مسلمون‌ها و براشون آرزوی سلامتی می‌کنن و به دلیل این که کره یه سری مناسبت فرهنگی با کشور اندونزی داره و با یه سری چیزایی که حالا مسلمونا دارند، آشنا هستند و ازشون اطلاع دارن، یکیش همین ماه رمضان هست که خب بی‌تی‌اس هم چندین بار پیام ماه رمضان فرستاده. راجع به حجاب هم بخوام بگم، این که تو یه برنامه ازشون پرسیدن که شما مثلاً فن‌های مسلمان دارید در کنسرت‌ها و برنامه‌هاتون، چه نظری راجع بهشون دارید، بعد اون وقت نامجون گفتش که فن‌های مسلمان ما کم نیستن و خیلی خوش حال کننده هست که ما فن مسلمان هم داریم و می‌بینمشون در کنسرت‌ها و برنامه‌ها، بعد یونگی می‌گفتش که به نظر من دخترهای کره‌ای زیبا هستن، ولی فن‌های مسلمون از دخترای کره‌ای هم زیباتر، چون که مجبور هستن زیبایی خودشون رو بیوشونن که بلکه یه کم از زیبایی‌شون کم‌تر بشه، یعنی استدلال این رو داشته که این قدر زیباتر هستند که مجبور هستن، مثلاً روسری سر خودشون کنن و مجبورن لباس‌های پوشیده بپوشن. خیلی نسبت به فن‌های مسلمان دید خوبی دارن و خیلی اوکی‌ان و می‌دونن که نباید دست بزنین، نباید تاج (لمس) بکنن، نباید بغل بکنند، مثلاً کنسرتی بودش گفتن که با ۵ نفر عکس می‌گیریم... ۵ نفر از طرفدارا... بعد وقتی که فنی که قرار بود باهاش عکس بگیرن، مسلمون بود، سریع جیهوپ اومد به همه گفتش که حواستون باشه، بغل نکنید، دست ندید، خیلی نزدیک نشید، تاج نکنید و این‌ها بعد با رعایت همه این موارد، باهاش عکس گرفتن، صحبت کردن، پس اینا یه سری چیزا رو می‌دونن».



ملاحظه رفتار تسامح‌آمیز ستاره‌های مورد علاقه هواداران، بر مبنای یادگیری مشاهده‌ای، سبب می‌شود طرفداران آن‌ها نیز در برخورد با تفاوت‌های فرهنگی، قومی و نژادی، با تسامح با این تفاوت‌ها برخورد کنند.

برخی از هواداران مصاحبه شده اظهار داشته اند که آنان تحت تأثیر تسامح اخلاقی پسران بی‌تی‌اس، برخی از تنگ‌نظری‌های خویش را کنار نهاده اند و با تسامح اخلاقی با اقوامی که پیش‌تر با دیده نفی بدان‌ها می‌نگریستند، برخورد کرده اند. راضیه ۱۵ ساله و مهدیه ۲۰ ساله، در همین ارتباط بیان می‌داشتند:

«... می‌دونی آهنگای ایرانی این جوریه که یکی رگش رو می‌زنه، یکی چون عشقش ولش کرده، خودش رو می‌کشه و یکی سیگار و الکل مصرف می‌کنه، ولی آهنگای بی‌تی‌اس این جوری نیست و باعث می‌شه بفهمی زندگی همون قدر که سخته، خوشی‌هایی هم داره و اگه توی یه موضوعی شکست بخوریم، دلیل بر این نیست که زندگی به آخر رسیده و باید بمیری نه. اونا با آهنگاشون جون هزاران نفر رو نجات دادن. اونا باعث شدن که دیدم به زندگی مثبت‌تر باشه و برای چیزی که می‌خوام تلاش کنم. یادمه اطرافیانم می‌گفتن، اینایی که سیاه پوست هستن، کثیف ان و حال بهم زن هستن و کلی حرفای زشت، ولی وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم دیدم عوض شد و فهمیدم که یه سیاه پوست چه قدر زیباست، جوری که تو تابستون یه سیاه پوست رو از نزدیک دیدم که از آمریکا اومده بود و خیلی مهربون بود و احترام می‌داشت و خیلییی خوشگل بود».

«... آهان مثلاً یک سری از ذهنیت‌ها در من اصلاح شده. مثلاً این که دیگران را الکی قضاوت نکنم یا با حرف‌هایی که می‌زنم زحمات کسی رو به باد ندم، الکی کسی رو متهم نکنم، یا این که اگه کسی مشکلی پیدا کرد، بهش کمک کنم. این رو هم یاد گرفتم که اگه کسی نیاز داره که من به حرف‌هاش گوش بدم، حتماً این کار رو بکنم.

آهان مثلاً این که همه نژادها و فرهنگ‌ها یکی ان. رنگ پوست یک آدم اون رو با آدمای دیگه متفاوت نمی‌کنه. آدم‌ها در هر جای دنیا با هم یکی ان. ما از هر جای دنیا که باشیم، با هر دین و عقیده‌ای که داریم، می‌تونیم با هم دیگه دوست باشیم، با هم زندگی کنیم، ارتباط برقرار کنیم، کنار هم درس بخونیم و این که هر کسی می‌تونه به روشی که خودش می‌خواد، زندگی کنه. ما نباید کسی رو مجبور کنیم جور دیگه‌ای زندگی کنه یا اون جوری که ما بهش می‌گیم، زندگی کنه».



رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش با اذعان به این که اعضای گروه بی‌تی‌اس دین ندارند، به شکل مشابهی از فاصله گرفتن خود و دوستانش از دین یاد می‌کند:

«- می‌دونی گروه بی‌تی‌اس راجع به مسایل مذهبی به چه صورت فکر می‌کنن؟

کره‌ای‌ها دین ندارند، ولی به همه دین‌ها احترام می‌ذارن... .

- رابطه تو و دوستان با دین به چه شکله؟

من و تقریباً همه دوستام همین جوری هستیم و به دین کاری نداریم».

پونه ۱۸ ساله، با وجود نقد حضور جوناگ کوک در افتتاحیه جام جهانی قطر، در برخورد با این سوال که در مواجهه با رفتارهای مجرمانه آیدول‌ها چه نظری دارد، با ملایمت هر چه تمام‌تر با این مقوله برخورد کرده، خاطرنشان می‌سازد، برای اتخاذ تصمیم درست، باید در موقعیت و شرایط همان فرد قرار گیرد تا ببیند آیا باید وی را محکوم کند یا خیر:

«سر قضیه‌ی جام جهانی که تو کشور قطر انجام شد، خیلی از آرتیست‌های هالیوود که برای مقدماتی جام جهانی دعوت شده بودن که برن و اجرا کنن نرفتن، چرا؟ چون کشور قطر قوانین سختی داره برای افراد همجنس‌گرا، این آرتیست‌ها هم نرفتن، چون خواستن مخالفت خودشون



رو نشون بدن. ولی جونگ‌کوک رفت و سر اون قضیه من خیلی جدی ناراحت شدم. به نظرم می‌تونست نره. اما تنها چیزی که باعث شد کوک رو کنار نذارم، این بود که گفتم شاید مجبور بوده، چون می‌دونی که آرטיستا توی کی‌پاپ و حتی تو خود هالیوود و امریکا خیلی کارا رو مجبور ان انجام بدن. بعد با توجه به این مسأله تونستم با کاری که کوک انجام داد، کنار بیام، بالاخره همه چیز خود آرטיست نیست و کمپانی‌ها هم توش دخیل هستن. بعد کوک و بی‌تی‌اس کلاً سابقه‌ی حمایت خانواده‌ی ال‌جی‌بی‌تی رو دارن. پس آره واسه همین بود که سعی کردم منطقی کنار بیام با این قضیه و احساسی برخورد نکنم. هر چند که بازم سر این قضیه کوک کلیسییی هیت گرفت.



– از نظر تو نباید می‌رفت؟

ببین هیچ باید و نبایدی وجود نداره. اخلاقش این بود که به احترام کلی از فن‌هایی که جزئی از ال‌جی‌بی‌تی هستن نره و برای کشوری که همجنس‌گراها رو زندانی می‌کنه یا بهشون آزادی نمی‌ده، اجرایی نکنه، ولی رفته. این کار از نظر خیلیا مشکلی نداشت، یعنی دغدغه‌ای ندارن. منظورم طرفدارها هست. ولی برای من مهمه که آیدولم حمایتش رو فقط با عکس انداختن با پرچم ال‌جی‌بی‌تی نشون نده. توی همچین موقعیتی هم حمایت کنه و نره. اما حالا که رفته، شاید ازش خرده بگیرم، ولی من پشت قضیه نیستم و نمی‌دونم که واقعاً چه اتفاقی افتاده. واقعاً تصمیم خودش بوده یا مجبوری بوده.

– اگر بر فرض علیه ال‌جی‌بی‌تی‌ها حرفی بزنه، کنار می‌گذاری؟

قطعاً ناراحت می‌شم، ولی بازم نمی‌دونم بگم کلاً کنارش می‌ذارم یا نه، شاید خیلی دیگه نتونم بهش به چشم اون آدم قبل نگاه کنم، کلاً باید اتفاق بیفته ببینم چه کار می‌کنم.

– به نظرم الان حرف‌ها تیه جورایی تناقض داره. تو گفتی اگر مثلاً قتل کنن، کنارشون نمی‌گذاری، ولی اگر ببینی اخلاق رو زیرپا گذاشتن دیگه طرفدارشون نیستی. بعد الان داری می‌گی شاید؟

ببین من گفتم هیت دادن به خاطر کاری که می‌کنن و از نظر ما بده، کار اشتباهیه، بهت هم گفتم که اگر ببینم حتی بدترین کار رو هم کرده، هرگز هیت نمی‌دم، چون بالاخره اونا هم انسانان و ما حقی نداریم بهشون توهین کنیم. ولی گفتم اگر اخلاق رو کنار بذارن، احتمالاً دیگه دوست‌شون نداشته باشم. ولی بازم باید تو اون موقعیت قرار بگیرم دیگه، می‌دونی اون قدر شاید برام راحت نباشه کنار گذاشتن‌شون. چون خیلی برام مهمه ان ولی کل حرفم این بود که این قدر راحت تصمیم نگیریم در مورد آیدولا».

ریحانه ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، وی تحت تأثیر تسامح اخلاقی گروه بی‌تی‌اس، نه تنها دید متعصبانه خودش به مردم شرق آسیا را کنار نهاده است، بلکه به مجموعه‌ای از هنرهای به زعم وی «زیر سوال»<sup>۱</sup> نیز علاقه‌مند شده است:

«... خب اولین تأثیری که بی‌تی‌اس روی من داشت، این بود که اون دیدگاه متعصبانه و شاید بدون فکر نسبت به آسیای شرقی و مخصوصاً کره‌ی جنوبی رو تاحدی تغییر داد. چون صادقانه بگم، دیدگاه کلی جامعه ایران به آسیای شرقی تاحد زیادی نژادپرستانه هس و چهره‌ها، محتواها

<sup>۱</sup> - ریحانه از موسیقی، رقص، نقاشی و نویسندگی به عنوان هنرهای «زیر سوال» در عرف دین یاد کرده است که باید گفت، از منظر دین تنها موسیقی شهوی نفی شده است و مواردی مانند نقاشی و نویسندگی در عرف دین نفی نشده است، مگر آن که موارد اخیر (نظیر سایر موارد نفی شده در دین)، در جهت سوق دادن انسان‌ها به سمت بی‌اخلاقی، بی‌حیایی، شهوت، خشونت، پرخاشگری و تعدی به حقوق انسان‌ها و زیست محیط عمل کنند.



و فرهنگ‌شون حتی توسط مردم ما تحقیر و تمسخر می‌شه. ولی وقتی توی محیطش قرار گرفتم دیدم حتی چیزایی داره که می‌شه بهش علاقه‌مند شد و ابداً اون طور که فکر می‌کردم نیست. یه جورایی کی‌پاپ و بی‌تی‌اس واسطه شدن تا من اطلاعات بیش‌تری درباره‌ی فرهنگ‌های مختلف به دست بیارم و دیدگاهم رو از اون بسته بودن و تعصبش فاصله بدم. با فرهنگ‌های مختلف آشنا بشم و با سلیقه‌های مختلف هم بتونم کنار بیام و چیزای جدیدی رو تجربه کنم و به این واسطه شاید حتی به هنرهای مخالفی مثل موسیقی، رقص، نقاشی، نویسندگی یا حتی یادگیری زبان جدید هم علاقه‌ی بیش‌تری پیدا کنم».

### ۱۳-۳- مقابله با نژادپرستی و تبعیض جنسیتی



اگر چه نژادپرستی و تبعیض جنسیتی، در گذشته، در گستره وسیعی در جهان وجود داشت، اما با وجود مبارزات مبارزانی که در جهت رفع این تبعیض‌ها کوشیده‌اند، اما باز هم رگه‌های پررنگی از نژادپرستی و تبعیض جنسیتی در جهان وجود دارد که بالطبع عواطف لطیف نوجوانان و جوانان آن را برنمی‌تابد و بنا به تشخیص کمپانی بیگ‌هیت، پسران گروه با موضع گرفتن علیه نژادپرستی و تبعیض جنسیتی، در عمل بر جذابیت خویش در اذهان مخاطبان خودشان خواهند افزود.

محمدرضای ۲۱ ساله، زهرای ۲۴ ساله و عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود از کمک پسران بی‌تی‌اس به سازمان‌های ضدنژادپرستی (نظیر بنیاد جورج فلویید- سیاه‌پوستی که پلیس امریکا وی را با خفه کردن، به قتل رساند-)، و دفاع از حقوق آسیایی تبارهای امریکا در نزد رئیس‌جمهور امریکا به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- نظرت در مورد خط‌مشی سیاسی بی‌تی‌اس چی هست؟

اصن نمی‌تونم به صورت آشکار بیان یه خط منفی رو دنبال کنم، چون هواداراشون می‌ریزه، ببین در ظاهر خب بخوایم ببینیم، اول ظاهرش رو بررسی کنیم، بعد بریم به عمقش، اینا خب اصن به کشورهای دیگه کاری ندارن، منظورم اینه مثلاً از یه کشوری بد نمی‌گن یا علیه کشوری نیستن، در ظاهر کلی کار خوب هم انجام میدن مثلاً فعالیتای نژادپرستانه رو خیلی بد می‌دونن تا جایی که کلی کمک مالی هم کردن به این ارگان‌هایی که برضد نژادپرستی و تبعیض هستن.

یا اون ماجرای لاو یورسلف یه طرح هست که فک کنم یونیسف اجرا می‌کنه، درست یادم نیست، یونیسف یا سازمان ملل، ولی به نظرم یونیسف باشه، خب اینا سفیر اون طرح تو کل جهان هستن، یعنی در ظاهر خیلی هم موجه هستن و کلی فعالیت مثبت انجام می‌دن که همینم باعث شده طرفداراشون بیش‌تر و بیش‌تر بشن».

«... بی‌تی‌اس کمک مالی زیاد انجام می‌ده، حالا این می‌تونه تو زمینه‌های مختلف باشه، مثلاً تو دوره بیماری خیلی از افراد و گروه‌های مشهور اومدن به شورای مختلف کمک کردن برای تأمین کردن لوازم بهداشتی، تولید واکسن یا حتی خوراک و پوشاک برای افرادی که توانمندی

مالی ندارند. مثلاً گواردیولا<sup>۱</sup> یک میلیون دلار به اسپانیا کمک کرد. در مورد بی‌تی‌اس هم صحبت‌هایی شد که برای مقابله با بیماری کمک‌های مالی انجام دادن، ولی ضد و نقیض بود. ولی وقتی که اون اتفاق تو آمریکا افتاد که پلیس اومد اون مرد سیاه پوست رو کشت، اسمش رو هم یادم رفته الان یادم میاد.

- جورج فلوید.

آره، وقتی اون اتفاق برای جورج فلوید افتاد، کلاً جهان تکون خورد. مردم تو کشورهای مختلف تظاهرات کردن و افراد مشهور هم به این اتفاق بد پرداختن که اعضای بی‌تی‌اس هم جزو همون‌ها بودن و ساکت نمودن. حتی کمک مالی هم انجام دادن، البته کمک‌های مالی که انجام دادن فک می‌کنم قبل از این اتفاق بود».

«... چندی قبل این گروه کره‌ای به آمریکا سفر کردن و رئیس جمهور بایدن به اون‌ها اجازه ملاقات در کاخ سفید رو داد. حدود نیم ساعت با آقای جو بایدن صحبت کردن.

- هدف بی‌تی‌اس از این سفر چه بود؟

هدف به ظاهر رساندن پیامی بود به جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا درباره مبارزه بانژادپرستی در برابر آسیایی‌ها بود. این ملاقات‌شون تیتراول روزنامه‌های جهان شد. ولی به نظر من هدف اصلی از این ملاقات جنبه سیاسی روابط دو کشور آمریکا و کره بود که از پوشش پسران بی‌تی‌اس برای پنهان کاری استفاده کردن.

- به نظر شما چه ارتباطی بین گروه بی‌تی‌اس و حاکمیت در کره و آمریکا برقرار هست؟

گروه بی‌تی‌اس زیر نظر کمپانی وابسته به حاکمیت کره دایر شده و به رشد خود ادامه داده و گروه هر ملاقاتی رو زیر نظر کمپانی انجام می‌ده و دیدار گروه بی‌تی‌اس با رئیس جمهور بایدن به منظور شرکت در مراسم ماه میراث (جنايات نفرت و تبعیض ضد آسیایی) هست تا ماه میراث رو جشن بگیرن و با رئیس جمهور بایدن درباره افزایش نگران کننده جنايات و نفرت و تبعیض ضد آسیایی در ایالات متحده گفت‌وگو کنند. شاید شنیده باشی که نفرت آمریکایی‌ها به آسیایی‌های ساکن آمریکا به حدی زیاد شده که در ۱۶ مارس یک مرد مسلح آمریکایی هشت نفر از جمله شش زن آسیایی رو به قتل رساند».



کمپانی بیگ‌هیت در فرازی از اقدام‌های تبلیغاتی خویش، اعلان می‌دارد این کمپانی برای رعایت احترام و حقوق زنان، متن آهنگ‌های خویش را قبل از انتشار، به متخصصانی از حقوق زنان عرضه می‌کند تا در صورت عدم رعایت حقوق زنان در آن متن، متن مورد نظر تغییر یابد. باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین زمینه چنین بیان داشته است:

«- از دیدگاه تو طرفدار کی‌پاپ بودن استانداردها رو بالا می‌بره؟ مثلاً بعضی افراد تو رسانه‌ها دیده می‌شن که دوست پسرانشون شاکی ان از این قضایا 😊.

<sup>۱</sup>- Pep Guardiola

برای من بله، اکثر آرمی‌هایی که دیدم دنبال درس و کار ان و تو انتخاب دوست و پارتنر استانداردهاشون زیاد شده، مثلاً بی‌تی‌اس اون قدر برای زن‌ها احترام قایله که متن آهنگ‌ها رو با یه متخصص حقوق زنان چک می‌کنه که بی‌احترامی به زن‌ها توش نباشه. همین قضایا هست که باعث می‌شه استانداردهای ما بره بالا».

اما لازم به یادآوری است، همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، کمپانی در عمل با سوءاستفاده از پدیده عشق تخیلی که عارض بسیاری از نوجوانان در سن بلوغ شده، در گذر زمان از بین می‌رود، ستاره‌های خویش را به شکلی رؤیایی برای دختران هوادار مطرح می‌سازد که در شرایط اخیر غالب هواداران دختر، عاشق ستاره‌های بی‌تی‌اس می‌گردند.

حساسیت کمپانی در این جهت چنان زیاد است که حتی در موزیک ویدیوی «من به تو (دختر) نیاز دارم» گروه بی‌تی‌اس، حتی حاضر به نمایش دادن یک دختر نیز در طول موزیک ویدیو نمی‌شود تا دختران هوادار، بدون احساس هیچ رقیبی، عشق ستاره‌ها را در ذهن خود بپروراند که بالطبع شکست خوردن در این مسیر، واجد تبعات روانی وخیمی خواهد بود. به تعبیر دیگر، کمپانی برای تحقق سود بیش‌تر خود، ظلم مضاعفی را بر هواداران مؤنث خویش تحمیل می‌کند، اما در تبلیغات خویش با طرح مواردی مانند «تلاش برای حفظ حقوق زنان»، می‌کوشد تا وجهه‌ای انسانی و دموکراتیک به خود بگیرد.

به شکل مشابهی در مورد پسران بی‌تی‌اس می‌توان بیان داشت، با وجود آن که نژاد اعضای گروه بی‌تی‌اس به عنوان کره‌ای، نژاد زرد هست، اما کمپانی با برنامه رایانه‌ای وایت‌واشینگ چهره آنان را در عکس‌ها و فیلم‌هایشان سفید کرده و سفید پرده‌اش می‌کند که این مسأله عین نژادپرستی (و برتر دانستن نژاد سفیدپوست است)، بنابراین باید بین شعارها و عملکرد واقعی گروه، توجه لازم را داشت و قضاوت در مورد گروه بی‌تی‌اس و اصولاً هر گروهی را صرفاً مبتنی بر شعارهای آن انجام نداد.



### ۳-۱۴ - تلاش در جهت جهانی شدن و جهانی ماندن

کمپانی بیگ‌هیت پس از آن که گروه بی‌تی‌اس خود را در کره جنوبی به عنوان یک گروه کی‌پاپ موفق تثبیت کرد، در صدد طرح این گروه در سطح جهان برآمد. اقدام اخیر از طریق برگزاری اجراهایی با خوانندگان غربی شرکت در جشنواره‌های موسیقایی معتبر جهان و برگزاری تورهای جهانی صورت پذیرفته است.

کمپانی بیگ‌هیت بعد از پرده‌اش گروه بی‌تی‌اس، کوشید تا این گروه، نخست در سطح گروه‌های کی‌پاپ کره و در ادامه، در سطح جهان مطرح شود.

از مهم‌ترین عواملی که در مطرح شدن پسران بی‌تی‌اس در سطح بین‌المللی ذی‌نقش بودند، می‌توان از آهنگ‌های قابل توجه گروه بی‌تی‌اس، همکاری گروه با برخی از خوانندگان غربی، برگزاری تورهای جهانی، شرکت در مسابقات معتبر جهانی، تعمیق رابطه با هواداران و حمایت هواداران از گروه در مسابقات و جشنواره‌های جهانی، یاد کرد.



آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس که گاه به سه زبان کره‌ای، انگلیسی و ژاپنی خوانده شده اند، بعضاً آهنگ‌هایی مفهومی بوده، با استناد و اتکاء به منابع فلسفی و روان‌شناختی تهیه شده اند و یا به صورت یک پازل، ارایه گردیده اند که از جذابیت خاص خودشان برخوردارند. کمپانی بیگ‌هیت با برگزاری اجراهای مشترک پسران بی‌تی‌اس با برخی از خوانندگان غربی، شرکت گروه در جشنواره‌های معتبر بین‌المللی و برگزاری تورهای جهانی، گام مؤثر دیگری در جهانی شدن گروه بی‌تی‌اس برداشت. یکی پدیا در مورد همکاری گروه بی‌تی‌اس با سلبریتی‌های غربی می‌نویسد:

«گروه بی‌تی‌اس آلبوم آیدل خود را با همکاری نیکی میناژ در سال ۲۰۱۸ منتشر ساخت. گروه بی‌تی‌اس در همین سال در آهنگ نقشه روح: پرسونا، با هالزی خواننده امریکایی همکاری داشت.

بی‌تی‌اس در ژوئن ۲۰۱۹، سه تک‌آهنگ همکاری منتشر کرد، رؤیای درخشان با همکاری خواننده انگلیسی چارلی اکس‌سی‌اکس، یک روز نو به‌همراه خواننده سوئدی زارا لارسون و تمام شب با همکاری رپر آمریکایی جوس وِرلد».



کمپانی بیگ‌هیت با اطلاع‌رسانی‌های مختلف و بسیج هواداران خویش، هواداران را به شرکت در رأی‌گیری‌ها و نظرسنجی‌های مختلف در مورد انتخاب آهنگ‌های برتر توسط سایت‌های معتبر موسیقی (۱۰۰ آهنگ داغ و ۲۰۰ آهنگ جهانی بیل‌بورد) و انتخاب آهنگ‌های برتر توسط انتخاب‌های مردمی، فرا می‌خواند تا با برنده شدن در موارد اخیر، به نوعی جهانی شدن خویش را بیش از پیش تثبیت کند. سارینای ۱۳ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های خودشان، در همین ارتباط بیان داشته اند:

«- به نظرت همکاری‌های بی‌تی‌اس با خواننده‌های غربی مثل هالزی، می‌تونه باعث بشه که شهرتِ گروه‌شون بالا بره؟ این حرفی که گفتی یه کم باعث شد به این نتیجه برسم که عواملی مثل همکاری قطعاً به معروف شدن کمک می‌کنه مثلاً سیا<sup>۱</sup> و هالزی و کلدپلی<sup>۲</sup> و نیکی میناژ<sup>۳</sup> خیلی معروف ان و قطعاً همکاری‌شون با یه بند آسیایی قطعاً سر و صدا می‌کنه یا متن انگلیسی که امروزه هر چی گیر بیارن، ترند می‌کنن مثل باتر که مشابه قسمت وکال جونگ‌کوک که انگلیسی بود با یکی از آهنگ‌های دوا لپا<sup>۴</sup> که ترکیب شده بود خیلی ترند شد».

<sup>۱</sup>- سیا (Sia) خواننده پاپ اهل استرالیا است که بیش‌تر به دلیل انزجار از شهرت شناخته می‌شود.

<sup>۲</sup>- کلدپلی (Coldplay) یک گروه راک بریتانیایی است که در سال ۱۹۹۶ در لندن شکل گرفته است.

<sup>۳</sup>- نیکی میناژ (Nicki Minaj) رپر، خواننده و ترانه‌نویس زاده ترینیداد و توباگو است که در ایالات متحده اقامت دارد.

<sup>۴</sup>- دوا لپا (Dua Lipa) خواننده، ترانه سرا و مدل انگلیسی است.





کوثر ۲۵ ساله، تغییر نسبی سبک ارایه گروه بی‌تی‌اس را با تلاش کمپانی بیگ‌هیت برای برنده شدن در جشنواره‌های موسیقیایی غربی تبیین می‌کند. از نظر وی طرح یک گروه در سطح بین‌المللی، ضمن آن که تداعی گر اهمیت گروه هست، متضمن جذب هواداران بیش‌تر و در نتیجه کسب سود و منافع بیش‌تر و پیش‌برد بیش از پیش اهداف مختلف کمپانی است. کوثر در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«موزیک ویدیوی اول شون در حد موزیک ویدیوی، بقیه موزیک ویدیوهای کی‌پاپه. موزیک ویدیوهای آخرشون سبک هالیوودیه. یعنی جوری ساختن که طرفدارای هالیوود خیلی بیسندن و بتونن گرمی و جایزه‌های بیلبورد رو ببرن...»

بی‌تی‌اس دیگه تقریباً یکی، دو سال آخر سبک و سیاق آهنگاشون رو برده بودن به سمت سبک و سیاق هالیوودی. مثلاً مدل آهنگای هالیوودی آهنگ می‌خوندن. جوری که مثلاً اونا می‌پسندن و توی جشنواره‌هاشون باهاش جایزه می‌برن و دیگه اون حس... دیگه اون مفهوم رو آهنگا به اندازه قبل نداشتن... داستان عمیق رو نداشت موزیک ویدیوها و واقعیتش جذابیتش برام کم شد و اینم باز سیاست کمپانی بود که همچنین آهنگایی رو بخونن که بیان جایزه‌های جشنواره‌های خارجی رو ببرن. چون دیگه هیچ جایزه‌ای تو کره نمونه بود که نبرده باشن و تموم جایزه‌ها رو درو کرده بودن. یه جورایی می‌خواستن مسیر پیشرفت رو طی کنن که کردن هم تا یه حد زیادی».

کمپانی بیگ‌هیت در فراز دیگری از اقدام‌های خود، با برگزاری تورهای جهانی، می‌کوشد تا چهره بین‌المللی گروه بی‌تی‌اس را بیش از پیش تثبیت کند.

کمپانی در آغاز پس از تثبیت گروه بی‌تی‌اس در داخل کره جنوبی، با فرستادن گروه بی‌تی‌اس به امریکا و برگزاری اجرای رایگان توسط آنان در این کشور، کوشید تا گروه بی‌تی‌اس را در سطح جهان غرب نیز معرفی کند. در ادامه، کمپانی بیگ‌هیت با برگزاری تورهای جهانی، نسبت به کسب منافع مادی و پیش‌برد اهداف دیگر خود اقدام می‌کند.



مehشید ۲۱ ساله و مه‌لقای ۱۹ ساله، در گزارش‌های خویش از شرکت گروه بی‌تی‌اس در جشنواره‌های معتبر بین‌المللی و برگزاری تورهای جهانی که اسباب سبقت گروه پسران بر گروه‌های مشابه را فراهم آورد، به قرار زیر یاد کرده اند:

«... موضوع دیگه اینه که اعضای گروه خیلی علاقه‌مند بودن که توی مسابقات آمریکایی شرکت کنن، وقتی توی مسابقات آمریکایی شرکت کردن، به دنیا معرفی شدن، یکی دیگه از دلایل معروف شدنشون این جوریه... گروه‌های دیگه نتونستن یا این که بی‌تی‌اس اولین بود. خود بی‌تی‌اس می‌گه، ما اولین بودیم، بعدها هیچ کس مثل بی‌تی‌اس نمی‌شه، جای خودشون... همون طور که بی‌تی‌اس جای هیچ کس و گروه دیگه‌ای نبوده. بعد فقط می‌شه گفت چون اولین بودن، راه رو برای بقیه راحت‌تر کردن، الان خیلی گروه‌های کره‌ای دیگه مثلاً میان توی برنامه‌های آمریکایی و اصلاً معروف شدن، ولی اولین گروه بی‌تی‌اس بود و خودش رو دوست داشت، در سطح جهانی معروف کنه، اولین راهش این بود که بیاد در سطح آمریکا خودش رو ببینه».

«- فکر می‌کنی بی‌تی‌اس چرا نسبت به اکسو این قدر یهو توی کل دنیا معروف شد؟

کمپانی بی‌تی‌اس خیلی ازش حمایت می‌کنه و به تمام درخواست‌ها بله می‌گه. در صورتی که کمپانی اکسو اجازه نمی‌ده موزیکای اکسو تو رادیوهای آمریکا مثلاً پخش بشه یا زیاد براشون تور خارج از آسیا نمی‌ذاره و محدودیت‌هایی امثال این که در نهایت همه‌شون باعث بشن اکسو خارج از آسیا زیاد معروف نشه. بی‌تی‌اس همچنین محدودیت‌هایی نداشت و وارد موسیقی غرب شد و بعدشم با چندتا سلبریتی مطرح فیت داد و یه چیز کاملاً طبیعی که انقدر یهو معروف بشه. همه‌اش سیاستای تجاریه دیگه».



تعمیق رابطه اعضای گروه بی‌تی‌اس با هوادارانشان، مقوله مهم دیگری در اوج‌گیری و جهانی شدن گروه به حساب می‌آید، زیرا گروه با حمایت‌های گسترده هواداران که گاه با انتشار آهنگ‌های گروه، ۲۴ ساعته به بازدید (استریم) زدن می‌پردازند، امکان رکوردشکنی و صدرنشین شدن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس را فراهم می‌آورند.

رخساره ۱۶ ساله، روابط عمیق گروه با هواداران را ماحصل ارتباط گسترده پسران بی‌تی‌اس در فن‌میتینگ‌ها، فن‌ساین‌ها، برنامه‌های زنده اینترنتی (لایوها) و مانند آن‌ها برشمرده، عرفان ۲۱ ساله نیز از گروه پسران با ۶۰ میلیون طرفدار، به عنوان بزرگ‌ترین تشکل هواداری در سطح اینستاگرام یاد کرده است.

هواداران گروه، به سبب ملاحظه برخورد متفاوت اعضای بی‌تی‌اس با طرفدارانشان، سعی می‌کنند به شکل متقابل برخورد دوجانبه را از خود به معرض دید بگذارند و با حمایت‌های گسترده خویش، اعضای گروه و آهنگ‌هایشان را در سطح رسانه‌های جمعی و فضای مجازی حمایت کنند، غزل ۱۶ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه‌اش به ارایه نمونه زیر اقدام ورزیده است:

«... الانم که دیگه چنده روزه اومدن اینستا. آپدیت‌های اینستا چون هم هست.

- یعنی تا الان نبودن؟

نه. اینستا نبودن (با خنده)، ببین یهو اتمک زدن. اومدن اینستا (با هیجان) بعد همون روز خیلی از رکوردای اینستا رو شکوندن. ببین اون روزی که پسر جوین (وصل) شدن. خود صفحه گینس توی توئیتر اومد گفت، بی‌تی‌اس اومدن و یه گیفم گذاشت که مثلاً منظورش این بود. کارکنای گینس دیگه مشغول ثبت رکوردن امروز دیگه. بعد اومدن رکورد سریع‌ترین یک میلیون لایک رو تهیونگ گرفت که قبلش دست بیلی آیلیش بود... تو چهار دقیقه فقط. یه میلیون لایک گرفت. بعد کم‌تر از یه ساعت اکانتش یه میلیون شد. رکورد بیش‌ترین لایک یه کامنت. چندتا رکورد



رو که قبلاً دست بقیه سلبریتی‌های هالیوود هم بودن شیکوند. الآن چند روزه اومده. بیست و شیش، هفت میلیون داره (می‌خندد). بقیه اعضا هم رکوردهای فالوورا رو شکوندن. هر هفت‌تاشون. ولی تهیونگ بیش‌تر از بقیه».



### ۳-۱۵- ارضای هیجان جویی جوانان

هیجان‌خواهی خصوصیتی است که با نیاز فرد به احساس‌های متفاوت، تازه و پیچیده و نیز تجارب متفاوت، تازه و پیچیده و اشتیاق فرد برای پذیرش خطر جسمی و اجتماعی مربوط به این تجارب تعریف می‌گردد.

منطقی (۱۳۹۹)<sup>۱</sup> در همین ارتباط می‌نویسد:

«هیجان‌خواهی با توانایی برانگیختن فرد مرتبط است. فردی که زیاد هیجان‌خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می‌دهد، از کارهای یک‌نواخت خسته می‌شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه‌های مهیج، انگیزتگی خود را بیش‌تر کند. فردی که هیجان‌خواه نیست، تحریک مغزی کم‌تری را ترجیح می‌دهد و کارهای یک‌نواخت را نسبتاً خوب تحمل می‌کند.

هیجان و هیجان‌خواهی واقعیتهایی غیرقابل انکار در وجود هر انسانی محسوب می‌شود و مربوط به دوره خاصی از زندگی نیست، اما در دوره نوجوانی و جوانی شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. استینبرگ و همکاران، خاطرنشان می‌سازند، هیجان‌خواهی بین ۱۵-۱۰ سالگی افراد افزایش می‌یابد و سپس با بالا رفتن سن آنان، بعد از ۲۴ سالگی کاستی می‌یابد.

زاکرمن دریافت، در حالی که برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه از فعالیت‌هایی چون کوهنوردی، پرواز با هواپیمای بی‌موتور، مسابقات اتومبیل‌رانی، اسکی و غواصی لذت می‌برند، افراد کم هیجان‌خواه عموماً از آن لذت نمی‌برند. برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه تجربه‌های متنوع را به تجربه‌های خطرناک ترجیح می‌دهند. همچنین معلوم شده است که افراد زیاد هیجان‌خواه بیش‌تر از افراد کم هیجان‌خواه از داروهای غیرمجاز استفاده می‌کنند. افراد هیجان‌خواه از تجارب جدید استقبال می‌کنند و آداب و رسوم در جامعه، آنان را چندان محدود نمی‌کنند.

زاکرمن اظهار می‌دارد، در گروه دوستان بزه‌کار، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون مصرف موادمخدر و قانون‌شکنی بروز کند، در مقابل در گروه رسمی‌تر، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون ورزش‌های خطرناک یا حتی هنر ابراز شود. افراد هیجان‌خواه به دنبال موسیقی می‌گردند که جدید و متفاوت باشد و از شعر و شوخی و لطیفه لذت می‌برند.

هس، بین ویژگی‌های هیجان‌خواهی و رفتارهای خطرآفرین از جمله سوءاستفاده از مواد، الکل و سکس بدون ایمنی، رابطه مثبتی یافت. ویس کریچ و مورفی نیز در پژوهش‌های خویش همبستگی بین هیجان‌خواهی با کاربری بالا از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای و موسیقی پاپ را نتیجه گرفته‌اند.

افراد هیجان‌خواه زیاد تمایل به خطر دارند. شوارز و همکاران، از وجود یک رابطه مثبت قوی بین هیجان‌جویی و استفاده از الکل یاد می‌کنند. همچنین بال و همکاران، خاطرنشان می‌سازند، بین هیجان‌جویی و سوءمصرف مواد و اختلال‌های روان‌پزشکی ارتباط وجود دارد و افراد با هیجان‌جویی بالا، علایم شدید سوءمصرف مواد و اختلال شدید روانی را نشان داده، در سنین زودتری به سمت مصرف مواد کشیده می‌شوند.

<sup>۱</sup> - منطقی، مرتضی (۱۳۹۹). بررسی اثرات روانی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱. تهران: بعثت.

این افراد همچنین تمایل به استفاده از انواع مواد مخدر و تنوع‌طلبی در مسایل جنسی دارند و به دنبال موقعیت‌هایی می‌گردند که بتوانند در آن بی‌قیدوبند باشند.

بروهی و همکاران نیز در پژوهشی همبستگی مثبتی بین هیجان‌خواهی و لذت بردن از رسانه‌های جمعی را نشان داده‌اند.<sup>۱</sup> در کشورهای غربی عرصه‌هایی چون جشن آرد، جشن رنگ پاشی به دیگران، جشن (پرتاب) گوجه فرنگی (به یکدیگر)، مسابقات رالی در بیابان و حتی روی دریاچه‌های یخ زده، مسابقات گاوبازی، صخره‌نوردی، مسابقات موتور و دوچرخه سواری در کوه، مسابقات هنری در شرایط خاص (مثلاً نقاشی در شرایط دشوار) و مانند آن، فراهم است تا افراد هیجان‌جو، عرصه‌های مورد قبولی برای تحقق هیجان‌جویی خویش داشته باشند. اما در ایران غالباً به این مسأله پر اهمیت با دیده منفی نگریسته شده است و مسابقه‌ها و برنامه‌های هیجان‌جویانه موجود در سطح جامعه نیز از محدودیت برخوردارند. از این رو به نظر می‌رسد، در سطح کلان کشور، برای پاسخ‌گویی به نیاز طبیعی برخی از افراد و خاصه برای افراد هیجان‌خواه، عرصه‌های طبیعی هیجان‌خواهی تنگ بوده، توجه لازم به آن معطوف نشده است. بنابراین در شرایط اخیر انتظار می‌رود، افراد برای ارضای هیجان‌خواهی‌های خویش به مسیرهای نامناسب روی آورند.

گروه بی‌تی‌اس، در تلاش برای ارضای هیجانی مخاطبان خویش، ضمن اجرای پرشکوه کنسرت‌هایش، با در نظر گرفتن تمهیداتی مانند به کارگیری افراد جذاب در آغاز تشکیل گروه، آمیختن اجرای آهنگ‌های گروه توام با رقص‌های پرهیجان، دشوار و متنوع؛ پوشش‌های جذاب خوانندگان، انتخاب رنگ موها و زیورآلات متفاوت و متنوع برای پسران گروه، افزودن رقص نور به صحنه، افزایش رقاصان پشت صحنه، انتخاب پس زمینه‌های جذاب، تهیه چراغ‌های نورانی (لایت استیک) برای هواداران که از طریق بلوتوث به شکل هماهنگ به رنگ‌های مختلف در می‌آیند و موارد مشابه، در صحنه اجرا، به هیجان‌جویی افراد پاسخ لازم را می‌دهد. البته به موارد اخیر مواردی همچون تبلیغات گسترده برای گروه و برگزاری پرشکوه جشن تولد ستاره‌ها را نباید از یاد برد.



زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از التهاب آفرینی کمپانی در مورد نشر موسیقی جدید بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- در صفحات خود گروه و یا اعضاء بیش‌تر چه مواردی اشتراک‌گذاری می‌شن؟»

معمولاً عکس‌های خودشون هست یا تک نفره یا گروهی، البته بعضی وقتا هم مثلاً سه نفره یا چهار نفره هستن. اگر آهنگ یا موزیک ویدیو جدید بخوان ریلیز<sup>۱</sup> کنن هم تو صفحه‌های خودشون اعلام می‌کنن. کنسرت‌ها هم همین طور، بعد این طوری هم نیست که فقط یک نفر پست بذاره، ولی هفتاشون هم باهم پست نمی‌ذارن. مثلاً اول جیمین پست می‌ذاره، بعد از سه یا چهار روز جونگ کوک، چهار پنج روز بعدش هم وی یه پست می‌ذاره که ساعت دقیق انتشار رو مشخص کردن داخلش. ضمن این که تبلیغاتی هم که انجام می‌دن رو به اشتراک می‌ذارن، مخصوصاً مربوط به لباس و پوشاک رو».



ملاحظه کنسرت‌های بی‌تی‌اس که بعضاً در استادیوم‌های بزرگ برگزار می‌شوند، به عیان نشان می‌دهد که افراد حاضر در کنسرت، بعضاً نه تنها از شدت هیجان ایستاده صحنه را دنبال می‌کنند، بلکه گاهی دست به همخوانی با خواننده زده و از شدت شور و هیجان در جای خویش به رقص و پایکوبی در آمده‌اند.

فاطمه ۱۹ ساله، در توصیف نمونه‌ای از رفتارهای ستاره‌ها (و به تبع آن واکنش هواداران هیجان زده) در گزارش خود بیان می‌دارد: «دیدم زمانی که اگر کنسرتی هست یا مراسمی چیزی و ویدیو یا عکس‌هایی از اعضای بی‌تی‌اس در بین فندوم منتشر می‌شه یا مثلاً جیهوپ می‌گه: «لاورا حالتون چه طوره»، گاهی اعضای فندم می‌گن که «رو پاهام بند نیستم» و «اتک خوردم» یا (این مورد رو با عرض معذرت ذکر می‌کنم) «حامله شدم، کوکی ازت باردارم». اینا رو توی کامنتا و پیام‌هاشون می‌بینم».

تینای ۱۹ ساله در توصیفی که از کنسرت‌های بی‌تی‌اس ارایه می‌کند، خاطرنشان می‌سازد، وی نه با حضور در خود کنسرت، بلکه تنها با تماشای فیلم آن، موهای بدنش سیخ شده‌اند که این مسأله حاکی از اوجی از هیجان است که در کنسرت‌های بی‌تی‌اس وجود دارد:

«من وقتی کنسرتاشون رو می‌بینم اون حسی که طرف در مقابل مثلاً ده هزار آدم وایساده رو خیلی دوست دارم تجربه کنم، اون لحظه‌ای که یه ارتباط خیلی قشنگی بین طرفدار و خواننده هست و به نظرم اون لحظه روی استیج بودن، خیلی حس قشنگیه داره که تو احساس کنی که من آدم موفق هستم، من این همه آدم رو دارم خوشحال می‌کنم، این همه آدم من رو دوست دارن و این حرفا، ولی صرفاً همون اون تک لحظات کنسرت رو... اون استیجش باعث می‌شه دلم بخواد مثلاً همچنین چیزی رو، همون حس رو فقط می‌خوام تجربه کنم تا این که مثلاً خواننده باشم یا چه می‌دونم آیدول باشم».

اصلاً من این حس رو قبل از بی‌تی‌اسم داشتم. واسه بقیه هم مثلاً همون وان دی یه کنسرتی داشتن تو میلان، خیلی سر و صدا کرد، یه جمعیت خیلی زیاد رفته بود و اینا. بعد یه تیکه بود که مردم داشتن می‌خوندن، وان دی داشتن با یه شوق خاصی نگاه می‌کردن و اینا. بعد من این جور بودم ای بابا... بعد من رفتم نگاش کردم، مو به تنم سیخ شد یا تیلور سوئیفت اون تور ۱۹۸۹ اون تیکه‌ای که بعد دیگه حتی مستندشم اومد بیرون، اصلاً این جوری همه داشتن می‌خوندن باهاش، بعد سر یه آهنگی کل جمعیت یه سری هارمونیای آهنگ رو می‌خوندن و اینا، من همین الانش دارم راجع بهش باهات حرف می‌زنم، تصویرش جلوی چشم تداعی می‌شه، همین الانش هم مو به تنم سیخ شد. احساس می‌کنم واقعاً اون لحظه حس خیلی قشنگ عجیب و خوبیه».

شیدای ۲۰ ساله هم در گزارشی مشابه، از وقوع پدیده‌ای نسبتاً همسان با کنسرت‌های بی‌تی‌اس در جمعیت ایرانی یاد کرده است:

«هنرآموزان شما سرگرمی‌های مشترکی با محوریت بی‌تی‌اس دارن؟»

یه سریا که مثل قدیم‌ترهای خودم با دوستانم باهم می‌رقصن و تمرین می‌کنن یا مثلاً تیپ‌های شبیه هم می‌زنن و ست می‌کنن. یه چیز جالبی هم که چند وقت پیش شنیدم، این بود که یکی از کنسرتای بی‌تی‌اس توی یه تالار توی تهران به صورت آنلاین و مستقیم پخش شده بود و این جوری بود که می‌تونستی بلیطش رو بخری و بری. این جوری بود که این اکسوتل<sup>۱</sup> ها جمع شده بودن یک جا رو گرفته بودن و عکسای

<sup>۱</sup> - طرفداران گروه اکسو را اکسوتل می‌نامند. مثل استفاده از کلمه آرمی برای طرفداران بی‌تی‌اس.

گروه رو نصب کرده بودن و از طریق این پرده‌های بزرگی که فیلم پخش می‌کنن، کنسرت‌شون رو پخش کرده بودن و همه طرفدارا اومده بودن. من توی استوری یکی از دوستانم این رو دیدم و خیلی برام جالب بود که توی ایران اجازه‌اش رو داده بودن. بعد اون قدر جیغ می‌زدن و اون قدر حس خوبی داشتن. آهنگاشون رو دور هم خونده بودن و چون تاحالا یه چنین چیزی توی ایران نیفتاده بود خیلی باحال بود. به جز این هم یه جلساتی این طرفدارا باهم دارن که دور هم می‌نشینن و درباره آیدولاشون حرف می‌زنن و تحلیل می‌کنن و اخباراشون رو دنبال می‌کنن. کلاً خیلی پیگیر ان».

با بررسی اظهارات افراد مصاحبه شده، مشخص می‌شود که غالباً زیربنای شکل‌گیری عواطف مثبت آن‌ها به گروه بی‌تی‌اس، دیدن جذابیت‌های چهره افراد گروه و در ادامه مشاهده رقص آنان در جریان اجرا بوده است:

«- تو چه ویژگی‌ای در اون‌ها دیدی که باعث شد جذب‌شون بشی، منظورم این که چه ویژگی در گروه بی‌تی‌اس بود که در موزیک ایرانی ندیدی؟



خب از آهنگاشون خوشم می‌اومد، از اون مدل آهنگاشون و دنس (رقص) هاشون هم خوب بود و خوشم می‌اومد و موزیک ویدیوهاشون هم باحال بود و مهم‌ترین چیز این بود که قیافه‌هاشون رو دوست داشتم و البته صداهاشون هم قشنگ بود» (الناز، ۱۲ ساله).

«- در ابتدا چه چیزی توی بی‌تی‌اس تو رو جذب کرد؟

می‌رقصیدن، مثل خواننده‌های ایرانی نبودن که وایستن پشت میکروفون و تکون نخورن. رقص‌شون جذبه کرد و رنگ موهاشون هم به نظرم خیلی جالب بود. قیافه‌هاشون صداشون کلاً همه چی. آهنگ‌هاشون هم ریتمی داشت که می‌پسندیدم» (سحر، ۱۵ ساله).



«- یعنی اون چیزی که در درجه اول باعث شد جذب گروه بی‌تی‌اس بشی، چی بود؟

اول از همه دنس‌شون رو دیدم، بعد برام دنس‌شون جذاب اومد.

- رقص‌شون؟

آره چون اسم شون اونجا زیاد معلوم نبود بعد گذشتم. بعد دیدم کلیپ هاشون بیشتر شد و بیشتر حال کردم. آرمی شدم، قیافه هاشون بیشتر برای من عادی شد.

– از چه چیز هیکل شون خوشتر اومد؟

این جوری نیستن که خیلی پر باشن، یعنی پر از عضله نیستن، یه بدن معمولی دارن، چاق نیستن، لاغر هستن، ولی سیکس پک دارن، انگشت دست شون یه فرم بلند و دراز خیلی قشنگی داره، خیلی خوشم میاد» (رخساره، ۱۶ ساله).

کمپانی بیگ هیت در اقدامی مبتکرانه، دست به ارتقای گروه موسیقایی بی تی اس، به یک صنعت سرگرمی زده است. به این معنا که به دلیل فاصله زمانی کنسرت ها و ارایه آهنگ های جدید، اعضای گروه بی تی اس، با تهیه برنامه های سرگرمی متنوع برای هواداران (نظیر ران بی تی اس، بن ویاژ)، گذاشتن دیدارهای مختلف بین اعضای گروه و هواداران (مانند فن میتینگ ها، فن ساین ها)، تشویق شکل گیری گروه های هواداری (فندوم ها) و اطلاع رسانی های مختلف از طریق خبرگزاری مستقل کمپانی در مورد آیدول ها، در عمل ارتباط خود با هواداران را ادامه داده، و آنان را متوجه خود نگه می دارند.

راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه ای که دارد، در مورد برنامه ران بی تی اس (بی تی اس بدو)، چنین گزارش می دهد:

«– عزیزم خودت ران بی تی اس رو می بینی؟

آره.

– در مورد محتوایش می تونی بهم بگی؟

خب همون طور که گفتیم طنزه و مثلاً توی هر قسمت یه سری بازی باهم انجام می دن و خیلی فان و جذابه برای طرفدارها». برنامه بن ویاژ نیز مشابه برنامه ران بی تی اس، برنامه های مبتنی بر طنز و شوخی و سرگرمی است.



محمدرضای ۲۱ ساله در مصاحبه ای که دارد، از وجه مشابهی در شورآفرینی در روابط اعضای بی تی اس و هواداران به قرار زیر یاد کرده است: «... مثلاً کارای روزمره شون رو می دارن یا مثلاً اگه آهنگی رو بخوان پخش کنن، یه قسمتی از اون آهنگ رو می دارن، آها یکی دیگه هم مثلاً در مورد تولدشونه، تولدای همدیگه رو تبریک می گن، جایی اگه برن هم خب می دارن، این طوری خیلی ویو می گیرن، ولی خب می گم من زیاد این چیزا رو نمی بینم، خب چون حوصله اینستا رو ندارم».

کمپانی در تمهیدی دیگر با برگزاری برنامه های فن میتینگ و فن ساین، در عمل ارتباط هواداران و ستاره ها را عمیق تر و نزدیک تر می سازد. پونه ۱۸ ساله، فن میتینگ را یک کنسرت کوچک و فن ساین را یک جلسه خیلی خیلی کوچک تر و خصوصی توصیف کرده است که در آن هواداران و ستاره ها گرد هم می آیند و در آن هواداران ضمن اخذ امضاء از ستاره ها، با آن ها امکان عکس گرفتن را هم پیدا می کنند:

«– فن میتینگ چیه؟



توی فن میتینگ اعضای بی‌تی‌اس میان با آرمیا ملاقات می‌کنن و توی اون ملاقات، حالا بازی می‌کنن یا آهنگ می‌خونن و بعضی وقت اهم آرمیا رو سوپرایز می‌کنن. یه حالت کنسرت جمع و جور داره. بعد یه چیز دیگه هم هست بهش می‌گن فن ساین. که فن ساین یه کم با فن میتینگ فرق داره. حالت خصوصی طور داره بعد فنا میان با اعضا دیدار می‌کنن و امضاء می‌گیرن و عکس می‌اندازن و صحبت می‌کنن کلی به طرفدارا عشق می‌دن و همین طور طرفدارا به پسرا. بعد یه چیز قشنگی که هست اینته، اگر مثلاً یه آرمیه مسلمون بره توی فن میتینگ کاملاً بهش احترام می‌ذارن و بهش دست نمی‌زنن، مگر این که خودش بخواد و خیلی با محبت برخورد می‌کنن باهاش. مثل بقیه‌ی فنا».



نکته مهمی که در کنار شورآفرینی و ارضای هیجانی گروه بی‌تی‌اس باید به یاد داشت، این است که از یک منظر کلی می‌توان افراد را به دو دسته، افراد با گرایش به کارهای پرهیجان و افراد با گرایش به کارهای کم هیجان تقسیم کرد. به تعبیر دیگر، هیجان‌خواهی بر اساس توانایی برانگیختن قرار دارد. فردی که زیاد هیجان‌خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می‌دهد، از کارهای یک‌نواخت خسته می‌شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه‌های مهیج، انگیزتگی خود را بیشتر کند. فردی که هیجان‌خواه نیست، تحریک مغزی کم‌تری را ترجیح می‌دهد و کارهای یک‌نواخت را نسبتاً خوب تحمل می‌کند.

هیجان‌خواهی با توانایی برانگیختن فرد مرتبط است. فردی که زیاد هیجان‌خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می‌دهد، از کارهای یک‌نواخت خسته می‌شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه‌های مهیج، انگیزتگی خود را بیش‌تر کند. فردی که هیجان‌خواه نیست، تحریک مغزی کم‌تری را ترجیح می‌دهد و کارهای یک‌نواخت را نسبتاً خوب تحمل می‌کند.

زاکرمن دریافت، در حالی که برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه از فعالیت‌هایی چون کوهنوردی، پرواز با هواپیمای بی‌موتور، مسابقات اتومبیل‌رانی، اسکی و غواصی لذت می‌برند، افراد کم هیجان‌خواه عموماً از آن لذت نمی‌برند. برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه تجربه‌های متنوع را به تجربه‌های خطرناک ترجیح می‌دهند. همچنین معلوم شده است که افراد زیاد هیجان‌خواه بیش‌تر از افراد کم هیجان‌خواه از داروهای غیرمجاز استفاده می‌کنند. افراد هیجان‌خواه از تجارب جدید استقبال می‌کنند و آداب و رسوم مرسوم در جامعه، آنان را چندان محدود نمی‌کند. اگر این افراد پی ببرند که برنامه‌ی جالبی وجود دارد، چندان ابایی از شکستن قرار قبلی ندارند.



زاکرمن اظهار می‌دارد، در گروه دوستان بزه‌کار، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون مصرف موادمخدر و قانون‌شکنی بروز کند، در مقابل در گروه رسمی‌تر، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون ورزش‌های خطرناک یا حتی هنر ابراز شود. افراد هیجان‌خواه به دنبال موسیقی می‌گردند که جدید و متفاوت باشد و از شعر و شوخی و لطیفه لذت می‌برند.



در همین راستا، صبای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از بروز و ظهور و نمود رفتارهای مخربی در خود یاد کرده است که در پی شور و هیجان القاء شده موسیقی بی‌تی‌اس به وی رخ داده است:

«- اثرات این گروه روی احساسات و عواطف خودت چی بوده؟

اممم، خب حس می‌کنم هیجانی‌تر شدم کلاً، یعنی آهنگاشون آدم رو هیجانی می‌کنه یهو. مثلاً با مسایل هیجانی‌تر و غیرعقلانی‌تر برخورد می‌کنم که این خوب نیست. بعد کلیپ آهنگاشون خیلی نورپردازی داره و خیلی بالا پایین می‌پرن و حالا رقصشونم که بلد شدم، خیلی تحرکیه کلاً.



البته هیجان یه سری تأثیرات مثبت هم داره، مثلاً حال رو خوب می‌کنه، دوپامین رو می‌بره بالا، ولی کلاً زیادش مخربه، اونم برای نوجوان.

- یعنی چه جوری هیجانی‌تر شدی؟

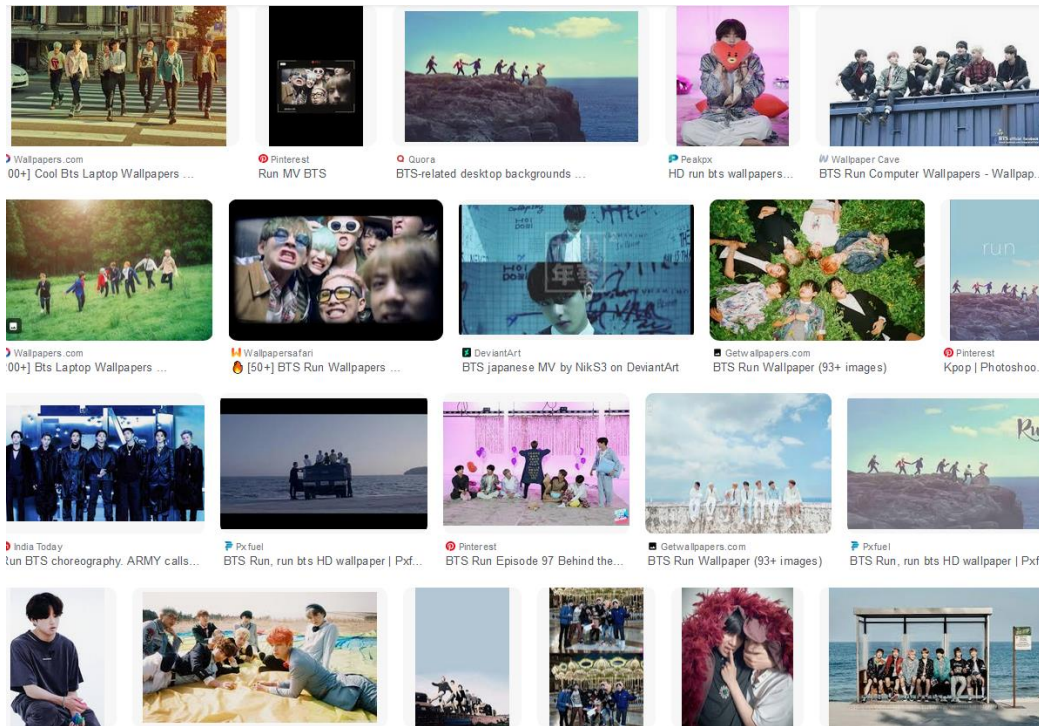
مثلاً جلوی اتفاقات خیلی ری‌اکشن زیادی نشون می‌دم، چه بد چه خوب. یا زود عصبی می‌شم، حس می‌کنم تو بحث ساده سریع جوش می‌ارم و قاطی می‌کنم، قبلاً این جوری نبودم. اون روز حتی با دوستم این جوری شد و دعوا شد.

### ۳-۱۶- فعالیت در جهت سرگرم‌سازی هواداران

یکی از مشکلاتی که سلبریتی‌های غربی با آن مواجه هستند، به فراموشی سپرده شدن نسبی آنان بین دو آهنگ و یا فیلمشان است، به این معنا که ستاره‌های غربی با ارایه یک کار جدید، مورد توجه هواداران و جامعه قرار گرفته، اما هواداران و مردم جامعه با فاصله گرفتن از اجرای کار جدید، از توجه خود به ستاره مورد نظر می‌کاهند تا به فرض دوباره با ارایه کار جدید وی، متوجه او شده، به تحسین و تشویق دوباره وی بپردازند.

کمپانی بیگ‌هیت برای رفع معضل به دست فراموشی سپرده شدن ستاره‌ها بین دو اجرایشان، در عمل وظایف گروه بی‌تی‌اس را از اجرای آهنگ به سطح بالاتر سرگرمی و اجرای آهنگ ارتقاء داده و ستاره‌های خویش را ملزم کرده است که در کنار اجرای آهنگ‌هایشان، در تولید برنامه‌های سرگرمی نیز فعال باشند و با عرضه تولیدهای اخیر در بین دو اجرای گروه، در عمل به دست فراموشی سپرده شدن ستاره‌ها بین دو اجرایشان را مرتفع سازند.

تهیه برنامه‌هایی مانند: ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ و بن‌ویاژ (بن‌وایاج)، از جمله برنامه‌های سرگرمی هستند که هواداران بی‌تی‌اس را در بین دو اجرا، سرگرم و متوجه ستاره‌های بی‌تی‌اس نگه می‌دارند.







ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در توصیف برنامه‌های سرگرمی ران بی‌تی‌اس اظهار می‌دارد:

«... برنامه ران که قسمت قسمتی و خیلی وقته استارتش زده شده، مال قدیما همون ۲۰۱۴ یا ۲۰۱۵ فکر کنم باشه. توی این برنامه بازی‌های مختلف انجام می‌شه که هر قسمت موضوع خاص خودش رو داره، مثلاً آشپزی، کار با سفال، گل‌آرایی، کمپ چند روزه و اینا توش اجرا می‌شه. یه حالت برنامه سرگرمی داره و کلاً خیلی باحاله، اولاً تایمیش ۱۵ دقیقه، ۲۰ دقیقه اینا بود، ولی به مرور زیاده‌تر شده تا ۴۰ دقیقه اینا و اول‌ها هر سه شنبه پخش می‌شد، بعد این مابین هم به خاطر کاراشون متوقف می‌شد، مثلاً بین فاصله کنسرتا و کارای سنگین‌شون متوقف می‌کردن روند پخش رو، ولی خب بعد از کنسرتای ال‌ای و اینا حول و حوش همین اواخر ۱۴۰۰ یا ۱۴۰۱ بود که چندتا قسمت دادن بعد گفتن قراره متوقف بشه تا شهریور اینا، قسمتی ویژه پخش کردن دوتا که مسابقه ذهن خوانی گذاشتن بین اعضا باید همو پیدا می‌کردن و یکیشم که هفته پیش

اینا پخش شده یوگا فلائینگ بود هر کدومش دوتا پارت ۳۰ یا ۴۰ دقیقه‌ای داشتن. حالا معلوم نیست باز کی به پیش نمایش پخش شه که بگن سه شنبه آماده بشین ران پخش بشه و به جورایی پخشش درهم برهم شده».

رخساره ۱۶ ساله و گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های خود از ویژگی مهم طنزآمیز بودن برنامه‌های ران بی‌تی‌اس یاد کرده، خاطرنشان ساخته اند که این برنامه خنده‌دار و در عین حال سرگرم کننده، برای آنان جذاب بوده است.

مرضیه ۱۹ ساله در گزارش خود یادآور می‌شود، وی با دیدن برنامه‌هایی مانند ران بی‌تی‌اس یا بی‌تی‌اس این دِ سوپ<sup>۱</sup>، جذب گروه بی‌تی‌اس شده است که این امر نمایانگر میزان سرمایه‌گذاری زیاد کمپانی بیگ‌هیت روی تهیه برنامه‌های سرگرم کننده جهت هواداران است.

برنامه سرگرمی سفر به خیر بی‌تی‌اس (بن‌ویاز یا بن‌وایاج)، سفر تفریحی اعضای گروه به منطقه‌ای جذاب در خارج از کشور کره است که اعضای گروه به دلیل نداشتن آشنایی با زبان آن منطقه، در روابط خویش با دیگران، برخی از صحنه‌های خنده‌آور را پدید می‌آورند. نسیم ۱۸ ساله، در همین رابطه در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد:

«بن‌ویاز برنامه جالبی هست که اعضای گروه بعد از یک‌سال کار فشرده، برای استراحت به یک منطقه بکر و طبیعی می‌روند و تمام صحنه‌های آن فیلم‌برداری می‌شود تا بعد از تدوین، در اختیار هواداران گروه قرار گرفته و اسباب سرگرمی آنان را پدید آورد».



زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در مورد برنامه کارتونی بی‌تی‌اس آیلند (بی‌تی‌اس در جزیره) بیان می‌دارد:

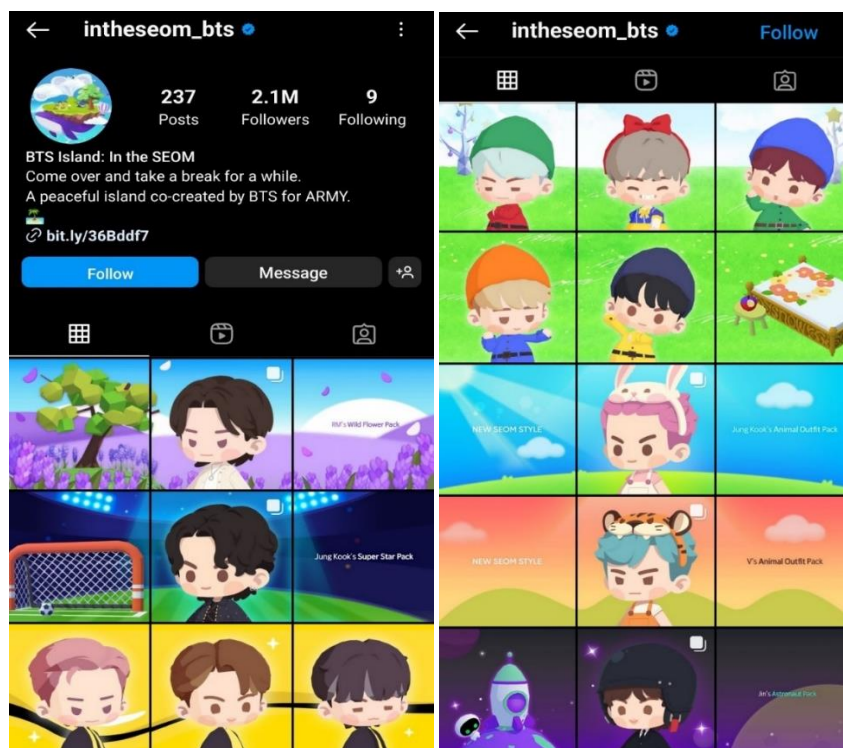
«... عکس‌هایی که داخل این صفحه گذاشته می‌شه اون‌ها رو در حال انجام چه کارهایی نشون می‌ده؟

خیلی کارها انجام می‌دن که بیش‌ترشون روزمره به حساب میان، مثلاً می‌رن به طبیعت برای خوش گذرونی. پیک نیک دیگه (باخته) می‌رن پیک نیک. ولی مثلاً تازگی چندتا پست گذاشته بودن که اینا رفته بودن فضا بازم برای خوش گذرونی (باخته). چون کارتونی هست به کم چیزی غیر واقعی رو هم می‌ذارن. ولی هدف اصلی سرگرم کردن دنبال کننده‌ها هست.

– با توجه به این که گفتید داخل یک جهان پر از آرامش و صلح زندگی می‌کنن، یک مقدار آرمان‌گرایی هم داره.

همین‌طور اصلاً برای بیو<sup>۲</sup> پیچ هم نوشتن که یک جزیره پر از آرامش و صلح که توسط بی‌تی‌اس برای طرفدارها ساخته شده و بعدش هم گفته بیاید برای استراحت به کم نگاه کنید پست‌ها رو».

<sup>۱</sup> – بی‌تی‌اس در جنگل (BTS In the Soop) یک مجموعه برنامه ساخته شده توسط بیگ‌هیت انترتینمنت و Big Hit Three Sixty با حضور اعضای گروه بی‌تی‌اس است. این برنامه دو فصل دارد که فصل اول از سال ۲۰۲۰ از شبکه JTBC و پلتفرم آنلاین Weverse پخش شد. این برنامه، به توصیف اسکان چند روزه اعضای گروه بی‌تی‌اس در کلبه‌ای در یک جنگل می‌پردازد که این برنامه نیز عاری از برنامه‌های تفریحی و سرگرمی نیست.



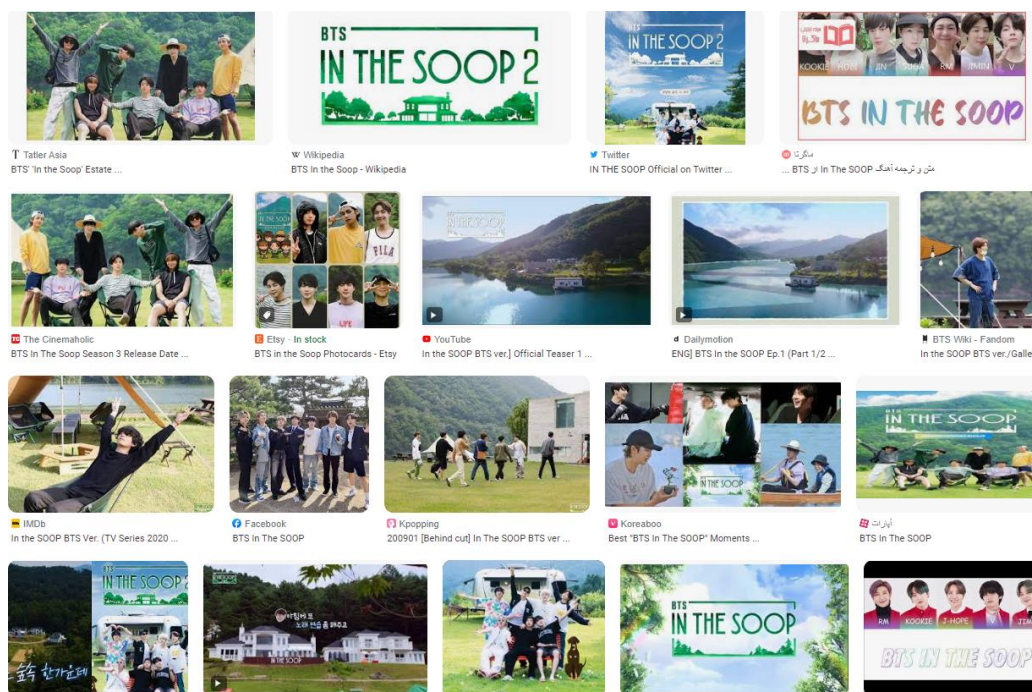
بنفشه ۲۰ ساله در مصاحبه‌اش در مورد برخی از سرگرمی‌های دیگر گروه بی‌تی‌اس، مانند برگزاری جشن فستا و برگزاری برنامه‌های زنده اینترنتی (لایو) بیان می‌دارد:

«- درباره برنامه‌هایی که بی‌تی‌اس دارد، مثل ران بی‌تی‌اس و این‌ها و لایوهای به خصوصی که می‌گذارن، توضیح می‌دی؟ در مورد برنامه که «ران بی‌تی‌اس» معروف‌ترین شونه، اما خیلی چیزای دیگه داریم مثلاً «بن‌ووایج» داریم که مثلاً اینا چند روز می‌رن مسافرت و «بی‌تی‌اس این دِ سوپ» داریم که اونم یه همچین حالتی داره تو برنامه‌های دیگه شرکت می‌کنن، «ریئالیتی شوها» بودن، وی‌لایو می‌رن، «لایو» می‌ذارن خیلی از این‌ها رو داشتیم ما یه چیزی مثل «فستا» داریم که هر ساله جشن می‌گیریم و این طوری که سالگرد هر ساله دیو بی‌تی‌اس و کانسپت‌های جدید به ما می‌دهند، بعضی وقت‌ها آهنگ حتی می‌خونن لایو گروهی می‌رند و بعد هر نامزدی یا بعد هر مسابقه‌ای که برنده می‌شن یا مثلاً چیزی دریافت می‌کنند یه لایو گروهی می‌رند برای تولدهاشون لایو می‌گیرن بعضی وقتا، خیلی از اینا رو داریم.









– همه برنامه‌ها رو هم دیدی؟

آره. 😊😊

کوثر ۲۵ ساله نیز در گزارش خود در مورد سرگرمی ولاگ بی‌تی‌اس اظهار می‌داشت:

«بین مثلاً... فقط موسیقی نبود. آهنگ می‌دادن هر چند وقت یک بار آلبوم می‌دادن. آلبوما چندتا موزیک ویدیو داشتن. بعد موزیک ویدیو رو که می‌دادن بعد اجرا داشتن. توی چندتا شو می‌رفتن آهنگا رو اجرا می‌کردن و می‌رقصیدن. بعد یه برنامه می‌دادن که مثلاً از اول دو ساعت برنامه طول می‌کشید. وسطش حرف می‌زدن، جوک می‌گفتن، مصاحبه می‌کردن، در مورد خودشون، در مورد بقیه و اینا، بعد وسطاش آهنگا رو اجرا می‌کردن. کام‌بک شو بهش می‌گفتن. بعد... یه مدت مثلاً استراحت‌شون بود، توی اون مدت یه سری برنامه پخش می‌کردن که قبلاً ضبط کرده بودن. برنامه‌هایی که مثلاً می‌شستن باهم بازی می‌کردن. مثلاً باهم اون رو بازی می‌کردن یا مثلاً مافیا بازی می‌کردن یا مثلاً می‌رفتن یه جا خونه‌ی وحشت فیلم می‌گرفتن.

– اوهوم... مثل ولاگ (معادل ویدیویی بلاگ)؟

آره، آره. ولاگای این طوری ولی فان‌تر، با فیلم‌برداری بیش‌تر که حرفه‌ای‌تر بود و ارتباط بین خودشون رو خیلی با طرفدارا شیر می‌کنن و اینم یکی دیگه از ویژگی‌های کی‌پاپه که دوستی بین اعضای گروه خیلی نمایانه برای طرفدارا که خب تو صنعت هالیوود من همچین چیزی رو ندیدم.

بنفشه ۲۰ ساله و سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خود به قرار زیر، به شرح فن‌میتینگ پسران بی‌تی‌اس پرداخته اند:

«– درباره برنامه‌هایی که بی‌تی‌اس داره، مثل ران بی‌تی‌اس و این‌ها و لایوهای به خصوصی که می‌گذارن، توضیح می‌دی؟

در مورد برنامه که «ران بی‌تی‌اس» معروف‌ترین شونه، اما خیلی چیزای دیگه داریم مثلاً «بن‌وویاج» داریم که مثلاً اینا چند روز می‌رن مسافرت و «بی‌تی‌اس این د سوپ» داریم که اونم یه همچین حالتی داره تو برنامه‌های دیگه شرکت می‌کنن، «ریئالیتی شوها» بودن، وی‌لایو می‌رن، «لایو» می‌ذارن خیلی از این‌ها رو داشتیم ما یه چیزی مثل «فستا» داریم که هر ساله جشن می‌گیریم و این طوری که سالگرد هر ساله دیو بی‌تی‌اس و کانسپت‌های جدید به ما می‌دهند، بعضی وقت‌ها آهنگ حتی می‌خونن لایو گروهی می‌رند و بعد هر نامزدی یا بعد هر مسابقه‌ای که برنده می‌شن یا مثلاً چیزی دریافت می‌کنند یه لایو گروهی می‌رند برای تولداشون لایو می‌گیرن بعضی وقتا، خیلی از اینا رو داریم.

– همه برنامه‌ها رو هم دیدی؟

آره (٢٢٢)».

«- چه چیزی تو رو به سمت این گروه جذب کرد؟»

چیزی مختلفی بود، اول از آهنگاشون خیلی خوشم اومد با موزیک ویدیوهاشون. ولی بیش‌تر از همه این که خیلی به آرمی‌ها و طرفدارهاشون اهمیت می‌دادن جذیب کرد و همچنین اجراهاشون.

- اهمیت دادن به آرمی‌ها چه طوری هست؟

مثلاً لایوای مختلف می‌ذارن تا با آرمیا صحبت کنن، بعد توی لایو امکان کامنت گذاشتن رو فعال می‌ذارن تا اگر کسی چیزی می‌خواد بگه یا سوالی داره بپرسه و به سوالا جواب می‌دن بعضی از خواننده‌ها، فقط خواننده هم نه، کلاً سلبریتیا، میان لایو می‌ذارن یا امکان کامنت گذاشتن رو غیر فعال می‌کنن یا اصن به کامنتا توجه نمی‌کنن».

«- داخل فن‌میتینگ‌ها چه اتفاقی می‌افته؟»

تقریباً مثل همون لایوه، فقط اون مجازیه این واقعی. طرفدارا سوال می‌پرسن، اونا هم جواب می‌دن، مثلاً من داشتم یکی از فن‌میتینگا رو می‌دیدم، بی‌تی‌اس رفته بود ژاپن بعد یکی از فنا داشت می‌پرسید، نظرت در مورد کشور و مردم ما چیه از این جور سوالا. بعضی از فنا می‌رن عکس می‌گیرن باهاشون، بعضیا دسته گل می‌دن، می‌دونی این سوال جوابا زیاد مهم نیست، مهم اینه که میان برای طرفداراشون وقت می‌ذارن و به اونا اهمیت می‌دن.

- به نظرت دلیل این اهمیت دادن چیه که نشست‌های این طوری با طرفدارها برگزار می‌کنن و به سوال‌هاشون پاسخ می‌دن؟  
من خودم اصلاً بین سلبریتیا ندیدم این طوری بیان یه برنامه ویژه و جداگونه برای دیدن فناشون داشته باشن. اصن یکی از دلایل دیگه‌ای که من دوشون دارم، همینکه دلیل انجام این کارشون هم خب اینه که علاقه فنا به اینا خیلی زیاده و اینا هم می‌خوان علاقه‌شون رو به فنا نشون بدن و بگن که فنا چه قدر برای ما مهم ان و ارزش دارن...»

- پس یکی از راه‌های توجه کردن به طرفدارها برگزار کردن لایو و پاسخ به پرسش‌ها هست. موارد دیگه‌ای هم هست؟

آره فن‌میتینگ یه دونه دیگه هست، فن‌میتینگ هم تو کره برگزار می‌کنن، هم مثلاً کنسرت داشته باشن تو کشورای دیگه قبل یا بعد از کنسرت فن‌میتینگ برگزار می‌کنن».

همان‌گونه که از اظهارنظر سونیا پیداست، گروه بی‌تی‌اس، به عنوان یک گروه جهانی، تنها خود را محدود به هواداران کره‌ای خویش نکرده، برای هواداران خود در سایر کشورهای جهان نیز فن‌میتینگ (و نظایر آن) را برگزار می‌کند تا روابط خود با آنان را نیز بهبود بخشیده، به این روابط عمق بیش‌تری بدهند.

داستان‌نویسی (فن‌فیک، فن‌فیکشن و وان‌شات<sup>۱</sup>) سرگرمی دیگری است که با نظر مثبت کمپانی در سطح هواداران رشد و کاربری قابل توجهی داشته است. فاطمه ۱۹ ساله و رهای ۱۸ ساله، در تعریف فن‌فیک یا فن‌فیکشن (داستان نویسی)، خاطرنشان می‌سازند: «داستان‌های خیالی طرفداران با حضور آیدول‌ها به عنوان شخصیت اصلی، در سبک‌ها و شیوه‌های متفاوتی در فضای مجازی منتشر می‌شود. به طور عمده، این فیکشن‌ها صوتی یا نوشتاری هستند. در فیکشن‌های صوتی، از صدای افرادی که صدای شبیه به آیدول را دارند یا صحبت‌های کات (تقطیع) شده‌ی خود آیدول با زیرنویس‌هایی که ترجمه اصلی حرف‌های او نیستند. و اصطلاحاً فیک هستند؛ استفاده می‌شود. فیکشن‌ها در موضوعات مختلفی نوشته می‌شوند، که محبوب‌ترین ژانر آن به گفته‌ی خود طرفداران، ژانر عاشقانه است. دیگر تقسیم‌بندی فیکشن‌ها بدین گونه است که:

۱-روایت داستان در حالی که شما به عنوان خواننده، نقش اصلی را بازی می‌کنید و طرف مقابل شما، نقش اصلی دیگر، آیدول مورد علاقه شما هست.

۲-روایت داستان میان یک زوج دگرجنس‌گرا.

۱ - وان‌شات (one shote) نوشته‌های داستانی از یک صحنه‌ی کوتاه از سوی طرفداران که غالباً با عکس و فیلم صدا‌های فیک از آیدول مورد نظر خود برای تأثیر‌گذاری بیش‌تر روی خواننده همراه می‌شود. این داستان‌ها، غالباً تصورات طرفداران از یک صحنه‌ی خیالی بین خود طرفدار با فرد مورد نظر است.

۳-روایت داستان میان یک زوج همجنس‌گرا (عموماً بین خود و عضو یک گروه).

البته فیکشن‌های طرفداران، تنها به ژانر عاشقانه محدود نمی‌شود. داستان‌هایی در سبک‌های مختلف درام، اکشن و مانند آن نیز در این میان دیده می‌شود که طرفداران زیادی نیز دارد.

یک تقسیم‌بندی دیگر فیکشن‌نویسی، مربوط به نقش آیدول‌ها و توصیف شخصیت اوست.

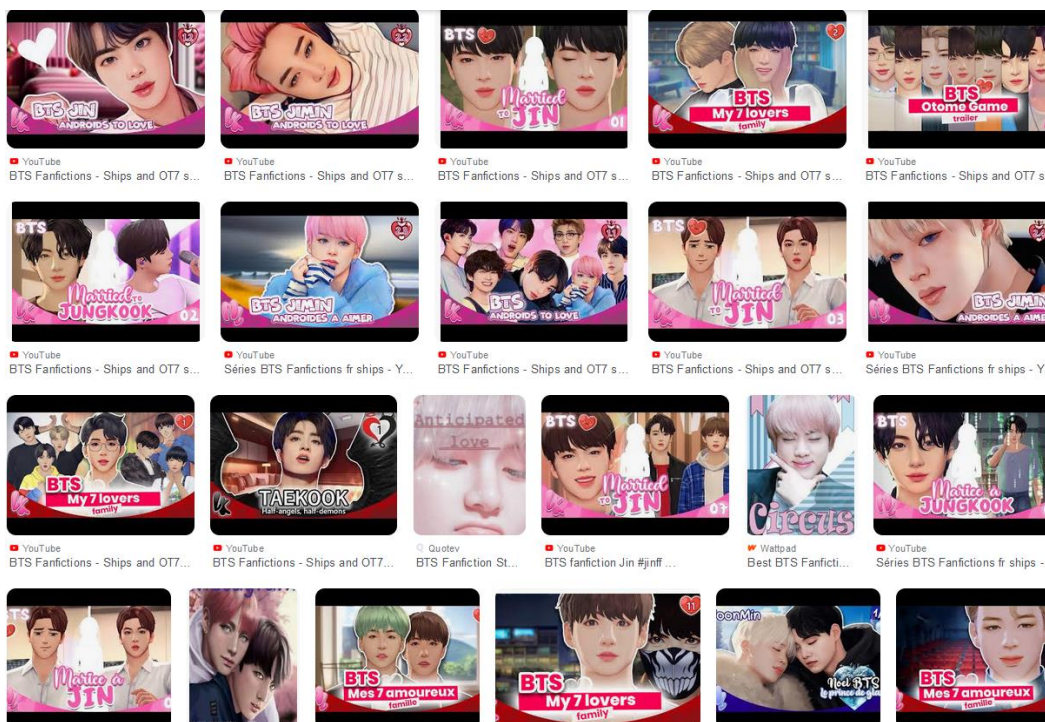
۱- فیکشن‌هایی که داستان براساس جایگاه اجتماعی و شخصیت واقعی آیدول نوشته می‌شود.

۲- فیکشن‌هایی که نقش اصلی، تنها برگرفته از نام و چهره‌ی آیدول است.

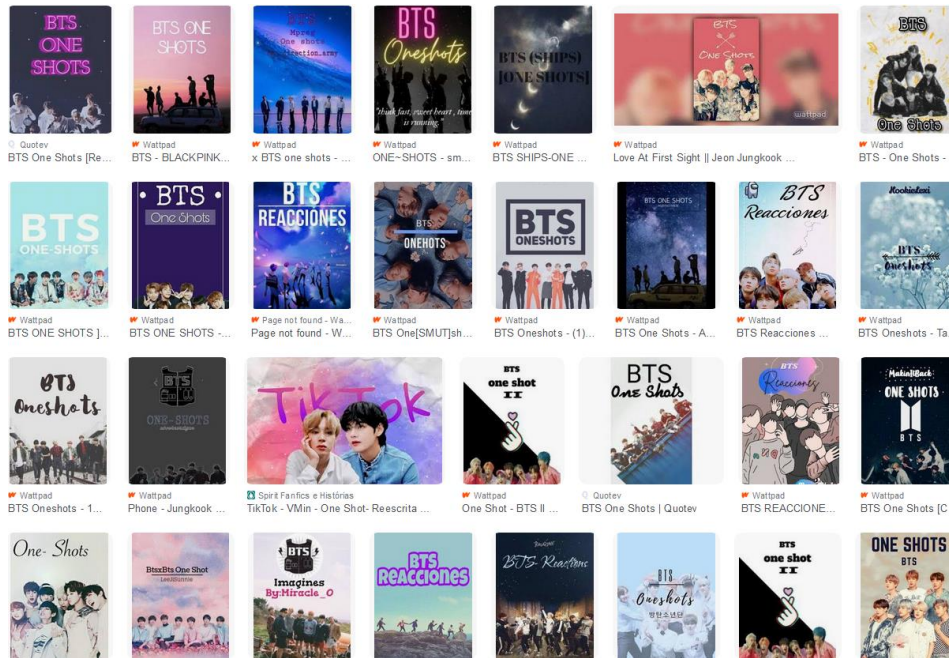
به نظر می‌رسد، فیکشن‌های نوع اول، تاحدی موجب تغییر دیدگاه افراد نسبت به آیدول‌ها و افزایش احتمال پذیرش و باور آن داستان‌های تخیلی است.

در میان همه‌ی انواع فن‌فیکشن‌ها، بزرگ‌ترین معضل، مربوط به دسته‌ای از فیکشن‌های صوتی با محتوای پورن است. در این نوع فن‌فیکشن‌ها، صداهای موجود در برنامه‌های پورن استخراج شده و با تصویر و زیرنویس داستان یک‌طرفه (آیدول و فرد به عنوان مخاطب) عرضه می‌شود. البته محتوای پورن فیکشن‌ها، تنها در فیکشن‌های صوتی نیست؛ و در مدل متنی آن‌ها نیز ممکن است پیدا کرد. تعداد زیادی از فن‌فیکشن‌نویس‌های این سبک، در سنین پایین دوران نوجوانی هستند. این موضوع به حدی چالش برانگیز است که حتی جمع‌گیری از خود طرفداران، اقدام به حذف این‌گونه اکانت‌های طرفداران فیکشن‌نویس می‌کنند».

«... خب فیکشن اسمش روشه. یه چیز تخلیه که فقط شخصیت‌هاش واقعی ان. منتها هیچ محدودیتی نداره. شما فقط باید بیای مثلاً جیمین رو با جونگ‌کوک شیب کنی و داستان از خودتون بنویسی. فقط شخصیت‌ها واقعی ان. منتها به مراتب داستان که از خودتونه بقیه چیزا رو خودت شکل می‌دی. و بله اینا ژانرهای مختلف داره. مثل کتاب. و این خود فیکشن هم از یه سالی به بعد نه فقط به خاطر کی‌پاپ هاا، فن‌فیکشن نویسی توی دنیا به طور رسمی شناخته شده. که به عنوان کتاب، کتابی که توی موبایل می‌خونی، کاملاً مورد قبوله تو دنیا. حالا توی کی‌پاپ هم هست. ژانرای مختلف داره. موضوعات مختلف داره. شیب (معمولاً رابطه عاشقانه)‌های مختلف داره. و این جور چیزا».







فرشته ۲۰ ساله و در مصاحبه خودش یادآور می‌شود، فن‌فیکشن‌ها منحصر به ارایه متنی مکتوب نبوده، در اشکال صوتی یا تهیه پیش نمایش (تریلر)<sup>۱</sup> یا ترکیب فیلم‌های مختلف نیز قابل ارایه شدن هستند.

اقتضای سشن‌ها، از هیجان‌های بالایی نیز برخوردار هستند، از آنجا که خود را بیش‌تر یک خانواده دیده و در یک جبهه احساس می‌کنند (و احساس اخیر در مواجهه با پرخاش‌گری‌های احتمالی اعضای دیگر گروه‌های کی‌پاپ، به شدت فزونی می‌یابد)، می‌کوشند تا اوقات فراغت خویش را نیز با یکدیگر سر کنند. از این رو هواداران اخیر با استفاده از بستر فضای مجازی می‌کوشند تا ضمن برون‌ریزی علایق خویش به ستاره‌های بی‌تی‌اس، دست به تقدیس و ستایش خوانندگان محبوبشان نیز بزنند. از این رو مواردی مانند: داستان‌نویسی در ارتباط با ستاره‌ها - فن‌فیکشن - تهیه داستان‌های تک‌صحنه - وان‌شات - جور کردن افراد با یکدیگر - شیپ‌کردن - شرکت در برنامه‌های ایفای نقش - کی‌رول - تهیه فن‌آرت توسط هواداران، تهیه آزمون‌های سنجش میزان شناخت ستاره‌های بی‌تی‌اس، برگزاری مسابقات چالشی در سطح هواداران، نام‌گذاری ستاره‌ها، در سطح آنان مطرح شده، آنان نیز منطبق با علایقشان، دست به تهیه برخی از تولیدهای ادبی و هنری لازم را در زمینه‌های اخیر می‌زنند.

بالطبع از آنجا که بعضی از هواداران (خاصه افراد بی‌هویتی که برای هویت‌یابی به سمت گروه بی‌تی‌اس روی آورده‌اند)، در سن بلوغ و سن غریزی خویش نیز به سر می‌برند) ممکن است به تولیدهای خویش در زمینه‌های پیش‌گفته، رنگی غریزی و جنسی نیز بدهند، از این رو در عرصه‌های داستان‌نویسی، داستان‌های تک صحنه، پیشنهاد در مورد جور کردن ستاره‌ها، اجرای ایفای نقش ستاره‌ها، تهیه آثار هنری و مانند آن‌ها، می‌توان حداقل شاهد دو دسته تولیدهای ارزشمند و تولیدهای مبتنی بر هرزه‌نگاری و غیرارزشمند بود که هواداران مختلف گروه پسران، به تناسب علایق خودشان، با استفاده از فضای مجازی تولیدهای ادبی، هنری و سرگرمی خویش را در دسترس دیگر هواداران قرار می‌دهند. دلارام ۱۵ ساله در قسمتی از مصاحبه‌ای که دارد، از عمق خطر نهفته در کاربری از فن‌فیک‌ها که به آشنایی هواداران کم سن و سال با انحراف‌آمیزترین رفتارهای جنسی می‌انجامد، به قرار زیر یاد می‌کند:

«می‌شه یه کم برام در مورد موضوع فن‌فیکشن‌های خودت بگی؟»

بیش‌تر حالت عاشقانه و دراما طور می‌نویسم، ولی خب مثلاً بعضی وقتا یه کم جنایی و هیجانی هم می‌کنم، ولی معمولاً خیلی رمانتیکه.

- شخصیت خودت رو هم توی داستانت جا دادی؟

<sup>۱</sup> - تریلر یا پیش نمایش، به نمایش نهادن فرازهایی از فیلم یا کلیپ یا محتوای مورد نظر جهت تحریک کنجکاوی و جذب مخاطبان بالقوه است.

آره، ولی وقتی با کسی که آرمی نیست، در مورد این چیزا حرف می‌زنی، آدم خیلی خجالت می‌کشه. یکی از کاراکترا رو از روی شخصیت خودم یه جورابی ساختم که با جین آخرش وارد یه رابطه‌ای می‌شه که خیلی زیاد طول می‌کشه که بتونن به هم برسن و همه اون مشکلات رو کنار بذارن.

– دلارام می‌تونم بپرسم این فن‌فیکشن‌ها رو کجا با بقیه به اشتراک می‌گذاری؟  
تو چنل تلگرامم. چنل زدم برای داستانام و تقریباً یکی، دو هزار نفر هم عضو ان.

– دلارام می‌شه یه کم برام در مورد محتوای کلی فن‌فیکشن‌هایی که در مورد بی‌تی‌اس وجود داره، بگی؟  
خب خیلی موضوعات شون زیاده، ولی همه‌شون اکثراً اون فاز عاشقانه رو دارن. می‌تونه مثلاً یه کم جنایی شه، می‌تونه خیلی سکسی باشه و مثلاً یه سری فن‌فیکشن هست که در مورد بی‌دی‌اس‌امه.

حدیث ۱۴ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌اش، با اشاره به سرگرمی‌های ابداعی هواداران حول محور ستاره‌ها، از تفاوت داستان‌نویسی‌ها (فن‌فیکشن‌ها) و داستان‌های تک‌صحنه (وان‌شات)، به قرار زیر یاد کرده است.

«– تفاوت فن‌فیکشن با وان‌شات (تک صحنه) چیه؟

وان‌شات‌ها همون طور که از اسم‌شون معلومه یه داستان کوتاه در قالب یک یا دو پارت هست یعنی بیش‌تر از سه یا چهار پارت نمی‌تونه باشه. پس اگر یک داستان بلند داشته باشیم، اسمش وان‌شات نیست. فن‌فیکشن یه داستان طولانی و ادامه دار هست، مثلاً دوازده تا پارت داره. کلاً فرق وان‌شات و فن‌فیک توی طولانی بودن‌شونه و البته این رو هم بگم که وان‌شات‌ها بیش‌تر عاشقانه هستن، ولی فن‌فیک می‌تونه هر ژانری داشته باشه.

این فن‌فیکشنا و وان‌شاتا خیلی خیلی به آیدولا آسیب می‌زنه، چون که توی فن‌فیکشنا و وان‌شات‌ها آیدول‌های گروه‌های کی‌پاپ باهم شیپ می‌شن».

نرگس ۲۱ ساله و حدیث ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش مقوله شیپ کردن (جور کردن افراد با یکدیگر) را اساساً به کمپانی نسبت داده، خاطرنشان ساخته اند، کمپانی با این کارش در صدد دامن زدن به شایعات و حاشیه‌پردازی‌ها برای کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر است:

«– به نظرت چی باعث شد که نگاه‌شون نسبت به مقوله‌ی همجنس‌گرایی تغییر کنه؟

نمی‌دونم، شاید چون کیوت به نظر میان از نظرشون. ضمن این که بعدها متوجه شدم کمپانی‌ها چه قدر هزینه می‌کنن تا یک شیپ تبلیغ بشه و مخاطب جذب بشه کار می‌کنن رو این مقوله‌ها دیگه. برای پول هرکاری می‌کنن».



«– ممکنه این شیپ کردن‌ها و فن‌فیک‌ها از طرف کمپانی باشه؟

فن‌فیکا که نه اونا رو خود فنا می‌نویسن. ولی شیپ کردنا همه‌اش برای کمپانیه، چون که اگه یه شیپ مثل شیپ تهیونگ و جونگ‌کوک انقدر معروف بشه، خیلی به نفع کمپانیه و می‌تونه کلی پول در بیاره از این طریق. اصلاً کمپانیا میان به خود آیدولا می‌گن که مثلاً تو توی این کنسرت این رو مثلاً عاشقانه نگاه کن که مومنت در بیاد وایرال شه. بعد نود و نه درصد و نود و نه صدم این مومنت‌هایی که وایرال می‌شه

همه‌اش از طرف کمپانی و هماهنگ شده هست. به خاطر همین که من هیچ کس رو با هیچ کس شپ نمی‌کنم، چون معلوم نیست کدوم واقعیه کدوم الکی... .

وقتی آیدولی با کسی قرار می‌ذاره یا حتی یه چیز خیلی کوچولو بین آیدولا اتفاق می‌افته، دو جور فن وجود داره یا هیت می‌دن به آیدول یا به صورت خیلی مسخره‌ای شپ‌شون می‌کنن. مثلاً می‌گن توی یه مراسمی مثلاً تهیونگ و جنی یک صدم ثانیه نگاه‌شون خورده به هم بعد این دیگه می‌شه براشون یه حرف بزرگ و می‌گن اینا دارن باهم ازدواج می‌کنن و اینا».



هانیه ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد در مورد استریم پارتی (استریم زدن یا استریمینگ) توصیف زیر را ارائه کرده است:

«- استریم پارتی یعنی چی؟»

معمولاً فندوم (هواداران) یه وقتایی توی اسپاتیفای یا یوتیوب پلی‌لیست<sup>۱</sup> درست می‌کنن و براش یه هدفی هم دارن. مثلاً برای تولد یکی از اعضا و یا مواقعی که می‌خوان رتبه‌ی آهنگا تو چارت‌های موسیقی بالا بیاد. یا همین جوری حوصله‌شون سر رفته، برای سرگرمی استریم پارتی می‌ذارن. بعد اعضا هم جمع می‌شن و توی یه تایم مشخص شروع به استریم زدن می‌کنند.

- پس استریم پارتی یعنی درست کردن یه پلی‌لیست جدید توی اسپاتیفای یا یوتیوب؟

بله و بعد شما می‌بین به آهنگایی که توی اون پلی‌لیست هستن گوش می‌دین. به همین سادگی.

- چون هر چی تعداد پلی‌لیست‌ها بیش‌تر باشه رتبه اون گروه یا آرتیست در اون پلتفرم بالاتر می‌ره؟

نه. با تعداد استریم سنجیده می‌شه. برای اطلاع بیش‌تر از نحوه‌ی کارکرد چارت‌های موسیقی می‌تونید توی گوگل سرچ کنید. اطلاعات معتبری رو بهتون می‌ده».



<sup>1</sup> -playlist



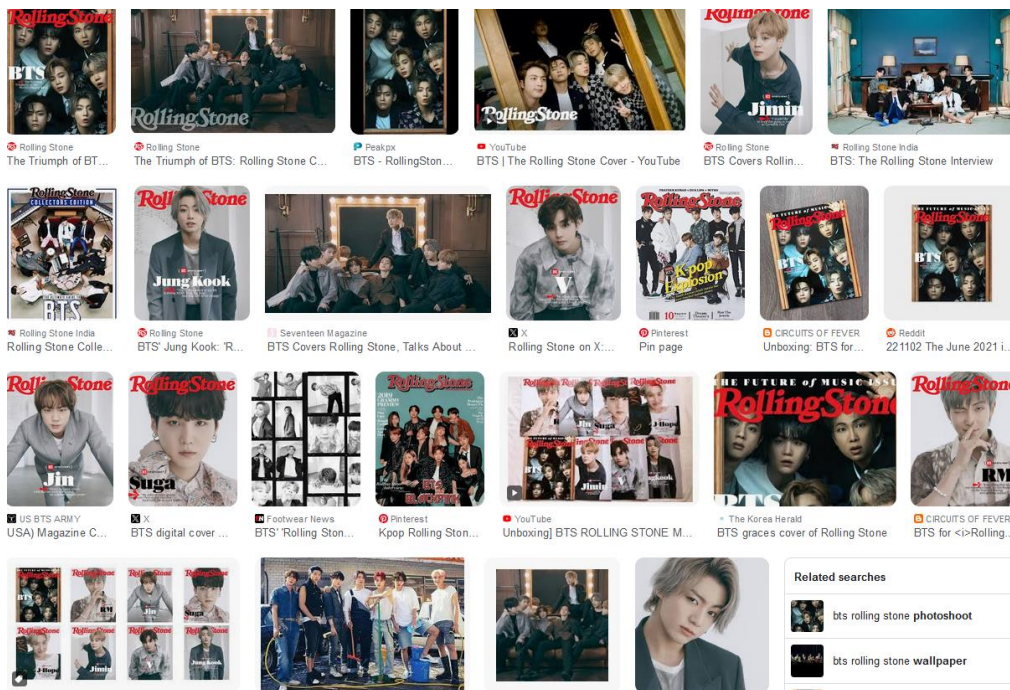
هلیای ۱۷ ساله در مصاحبه‌اش در توصیف سرگرمی کی‌رول می‌گوید:

«- در مورد کی‌رول توضیح می‌دی؟»

خب کی‌رول یه گروه خاص یا یه کانال نیست، کی‌رول یکی از شاخه‌های رول‌پلیر بودنه. یعنی شما می‌تونن حتی از هالیوود<sup>۲</sup> هم یه نفر رو انتخاب بکنی و رول اون رو بری. اگه رولی که انتخاب می‌کنی، مربوط به کره باشه، حالا همون گروه بی‌تی‌اس یا گروه‌های دیگه یا بازیگرهای کره‌ای، اسمش کی‌رول می‌شه. بعدد این جوریه که شما مثلاً جین رو انتخاب می‌کنید، به عنوان کسی که می‌خواید رول جین رو بازی بکنید، باید عکس پروفایل<sup>۳</sup>، اسمتون، استیکر<sup>۴</sup> و گیف‌هایی<sup>۵</sup> که استفاده می‌کنید، مربوط به اون آیدول باشه. یعنی شما خودت رو می‌داری جای اون آیدول و به جای اون حرف می‌زنی.

- هدف از رول بازی کردن چیه؟

سرگرمیه دیگه. یه جورایی شما انگار داری نمایشنامه بازی می‌کنی، ولی داخل فضای مجازی. تو کی‌رول، کاپ و رل داریم که یه جورایی زن و شوهر دنیای واقعی یا دوست دختر، دوست پسره. کاپ یعنی شما یکی رو پیدا بکنید که باهم دیگه رول برید. حالا هر رولی که دوست دارید، کاملاً بستگی به خودتون داره. مثلاً می‌تونید بگید: «دستام رو باز می‌کنم به آرومی بغلت می‌کنم»، این مثلاً یه خط رول رفتنه و خب اکثر کسانی که تو کی‌رول هستن هم دختران، ولی ممکنه رول شون پسر باشه».



نفس ۲۰ ساله در مصاحبه‌ای که داشته است، از ایفای نقش (رول‌پلی) و ایفای نقش اعضای کی‌پاپ (کی‌رول)، به قرار زیر یاد کرده است:

«...بذار باهات رو راست باشم... بین یه چیزی هست به نام کی‌رول. می‌شناسیش؟»

- نه نمی‌شناسم.

خیلی تو کی‌پاپ زیاده، اصلاً خیلی زیاده. کی‌رول این طوریه که تو می‌ری، مثلاً چه کار می‌کنی مثلاً اممممممم مثلاً می‌ری عه وارد رول پلی می‌شی. خب؟ رول پلی این طوریه که یه کاراکتر برای خودت می‌سازی و با اون زندگی می‌کنی. باهات رل می‌زنی و فلان و اینا. شما یک شخصیت رو انتخاب می‌کنی و یا می‌سازی، بعد یک موقعیتی رو انتخاب می‌کنی و طبق اون موقعیت و شخصیت‌ها داستان درست می‌کنید و اون رو پیش می‌برید و هر کی می‌تونه یه رفتاری داشته باشه و نفر یا نفرات دیگه طبق اون رفتار می‌تونن یه سری رفتار رو انتخاب کنند تا داستان جلو بره. و این می‌شه رول‌پلی درسته؟

آره.

- حالا این رول پلی تعمیم داده شده به کی‌پاپ و اسمش شده کی‌رول؟

آره. آره.

- و کی‌رول دقیقاً به چه شکله؟

اونام همین کار رو می‌کنن. مثلاً فن‌فیکشن دیدی که مثلاً توش رمان می‌نویسن، ولی با شخصیت‌های خیالی یا شخصیت‌های واقعی رمان می‌نویسه، اینم میاد رول پلی انجام می‌ده با شخصیت‌های واقعی که سلبریتی ان. خب و حالا اول اصلش این بود که تو می‌اومدی می‌گفتی، خب من کوکم تو ته (تهپیونگ) بعد باهم دوباره داستان می‌نوشتید. ولی یه کم از این قضیه خارج شد و دیگه کم رول می‌رن باهم دیگه.

- ببخشید یک بار دیگه اینجا صبر کنیم. در کی‌رول یه نفر می‌گه من کوک هستم و یکی دیگه من تهپیونگم. این کوک و تهپیونگ باهم دیگه اکثراً چه داستان‌هایی رو می‌نوشتن و می‌ساختن؟

(با صدای آرام) بستگی داره خب به... .

- اغلب‌شون چه داستانیه؟

اهممممم (می‌خندد و با خنده ادامه می‌دهد) خیلی قالبش جنسی شده. خب؟ خیلی جنسی شده. خیلی هم بد. یعنی در قالب بازی می‌رن سکس چت می‌کنن بیش‌تر. الان این جور شده اول این طوری بود که... اون موقعی که من رول می‌رفتم، این طوری بود که مثلاً یه نفر می‌اومد یه گروه رول پلی می‌زد. خب؟ بعد این طوری بودش که داستان ما مثلاً اینه. که مثلاً یک پادشاهی بوده، فلان بوده، حالا بیاید این نقش‌ها رو بردارید. بعد من می‌شدم شاهزاده اون مثلاً داستان. بعد مثلاً رول می‌رفتیم. بعد خیلی حال می‌داد. بعد مثلاً طومار می‌نوشتیم. الان شده یه خطی یه خطی یه خطی بعد یه دونه پنج خطی، بعد دیگه سکس چت، سکس چت.

- پس اولش یه نوع داستان نویسی بوده و بعد تبدیل شده به... .

(حرفم را قطع می‌کند و با هیجان می‌گوید) ببین اون الان اون قدر بزرگه، چنل کی‌رول فک کنم بیست کا فالوور (بیست هزار دنبال کننده) داره.

- و توی این چنل دقیقاً چه کار می‌کنن؟

ببین اون چنله که من دارم، اونیه که دارم بهت می‌گم نیوزه (اخبار)، خب؟ کی‌رول نیوز. بعد مثلاً میان خواسته‌هاشون... مثلاً میان می‌گن یک رول تهپیونگ بیاد، مثلاً داداشیم. اون یکی می‌گه مثلاً بچه‌ها می‌تونه یکی بیاد برای من پک استیکر بزنه؟ بچه‌ها یکی هست بیاد باهم حرف بزنیم؟ این طوری. بعد این خیلی گودو (کلمه‌ای جایگزین فرد برای صدا زدن یک چیز بامزه) بود. مثلاً اون موقعی که من رفتم توش، برای من خیلی جالب بود، ولی کم‌کم، کم‌کم رفت به سمت جاهای خیلی بدی. بعد اونیه که من ازش خوشم اومده بود تو همین چیزا بود. و من می‌گم... بعد خیلی عجیب... چون می‌گم من واقعاً... عه (سخت شدن صحبت در اثر نداشتن تمرکز).

- دختره چه طور بود؟

رولش جنی بود خب؟ و من رولم جی‌بی بود تو گات سون.

و من خیلی این دوتا رو شپ می‌کردم توی دنیای واقعی. بعد به خاطر همین این طوری بودم که عه چه قدر خوبه. خب؟ و مثلاً باهم کاپل زدیم تو اون دنیا. مثلاً واقعیت باهم رل نبودیم. شخصیت‌هامون باهم رل بودن.

- انگار یک جهان موازی می‌سازید، درسته؟

آره که خودمونم یه کم درگیرش هستیم. بعد یه مدت این طوری شدش که سر یه موضوعی کات کردیم. یه سری مسایل فلان و اینا. بعد این طوری بودش که اون موقع یه بار اومد گفتش که بیا برگردیم به هم و اینا. من رو مجبور کرد رولم رو تبدیل به کوک کنم (انتخاب شخصیت کوک) و من اون موقع از بی‌تی‌اس خوشم نمی‌اومد و خیلی کوک و تهپیونگ توی اون کی‌رول زیاده. اوووف ریخته.

- و اصولاً داستان‌هایی هم که از تهپیونگ و کوک هستش سکس چت هستند، درسته؟

اوهوم دقیقاً. ببین کی‌رول اصلاً یه فضای خیلی بدیه. خیلیا اومدن جمعش کنن که پلیس فتا رو بکشن وسط.

- چرا؟

چون یه سری پسرا می‌اومدن توی این خودشون رو دختر معرفی می‌کردن. بعد مثلاً این طوری بودن که... یه بچه سیزده ساله، چرا باید به این چیزا واقعاً کشیده بشه... خب؟ حالت برده‌داری خب؟ حالت بی‌دی‌اس‌ام طور مجبورش می‌کردن ویس بفرسته، فلان کنه، بهمان کنه. یه بستری شده بود که از یه دختره سیزده ساله سوءاستفاده بشه. ... یعنی اومدن جمعش کنن و جمع نشد.

- چرا جمع نشد؟

بین خب خیلی‌ها هستن که اینجا رو دوست دارن و توش هستن».



فن‌آرت<sup>۱</sup>، اثر هنری خلق شده توسط هواداران با محوریت ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس است. در یک بررسی کلی فن‌آرت‌ها را می‌توان به دو دسته کارهای اصیل و مبتذل طبقه‌بندی کرد. کارهای اصیل غالباً متمرکز بر پردازش هنری هر چه زیباتر ستاره‌های بی‌تی‌اس است. اما کارهای مبتذل ناظر بر مسایل شهوی است که برخی با استفاده از هنر خویش به تهیه آن‌ها اقدام ورزیده‌اند.

شبنم ۱۹ ساله، در مصاحبه خود از نمونه‌ای از تولیدهای فن‌آرت‌های ارزشمند یاد کرده است:

«- خوب عزیزم تو غالباً چه فن‌میدهای<sup>۲</sup> (فن‌آرت‌ها، فیکشن‌ها، کمیک‌ها<sup>۳</sup> و...) رو دنبال می‌کنی؟ فن‌آرتا رو فقط.

- غالباً چه فن‌آرت‌هایی؟

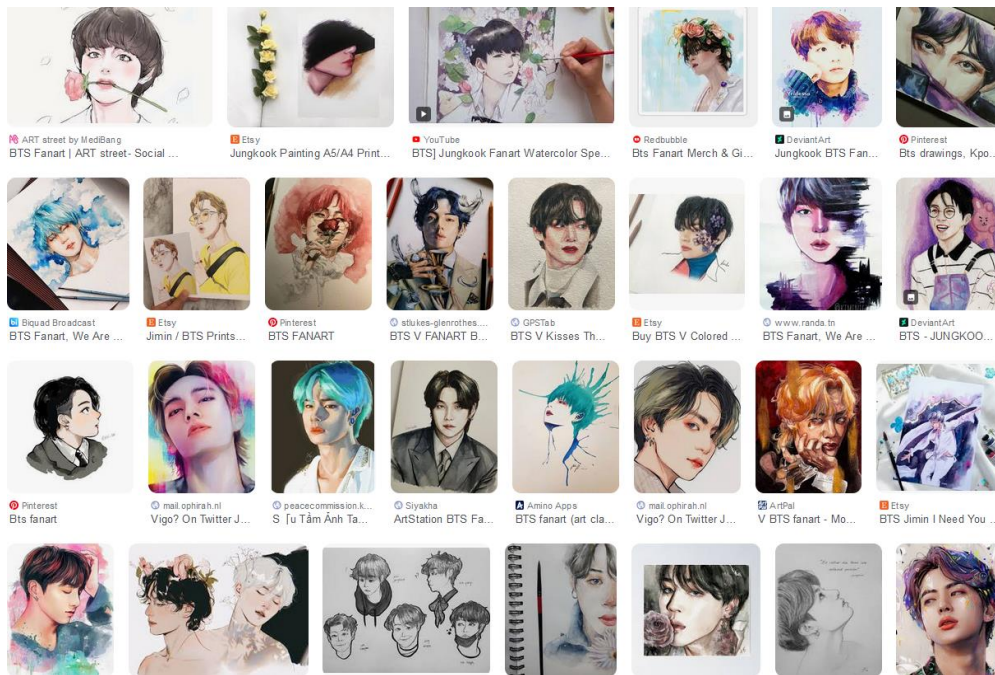
فن‌آرتایی که گرافیکای خاص و متفاوتی دارن.

- این به سبب علاقه ای که به نقاشی داری هست؟ دقیقاً».

<sup>۱</sup>- Fan art

<sup>۲</sup>- Fan Made / هر آن چیزی که فن‌دوم‌ها می‌سازند

<sup>۳</sup>- Comic



نفس ۲۰ ساله در مصاحبه خود از نمونه‌ای از تولیدهای فن‌آرت‌های نامناسب به قرار زیر یاد کرده است:

«به نظرتون خود اعضای گروه با ارایه این نوع محتوا که می‌گی موافقت؟»

نه، بدشون میاد، من بودم بدم می‌اومد. ببین تو فکر کن... منطقیه بدش بیاد یارو... فکر کن تو با یک نفری دوستی، حالا ممکنه رابطه خاصی هم داشته باشه، من نمی‌دونم، ولی بری بخونی و ببینی یه نفر داره شما دوتا رو توی (باخته) پوزیشن (موقعیت)های بدی تصور می‌کنه و اون تو ذهنتون می‌مونه که خیلی‌ها هستن که دارن تو رو این طوری تصور می‌کنن. حالا فن‌فیکشن هیچی فن‌آرت‌ها. فن‌آرت‌ها بدتره. خیلی بدتره. - چرا؟

خیلی چیز بدیه چون فکر کن کامل همه چیز رو نشون می‌دن، تو فقط کافیه بری پینترست، سرچ کنی ته‌کوک فن‌آرت، قشنگ همه چی رو برات میاره.

- این محتواها در دسترس همه هست؟

بله، بله.

«تهیه آزمون‌های سنجش میزان شناخت ستاره‌های بی‌تی‌اس»، وجه دیگری از سرگرمی‌های برخی از هواداران است.

نرگس ۱۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد در همین مورد یادآور شده است:

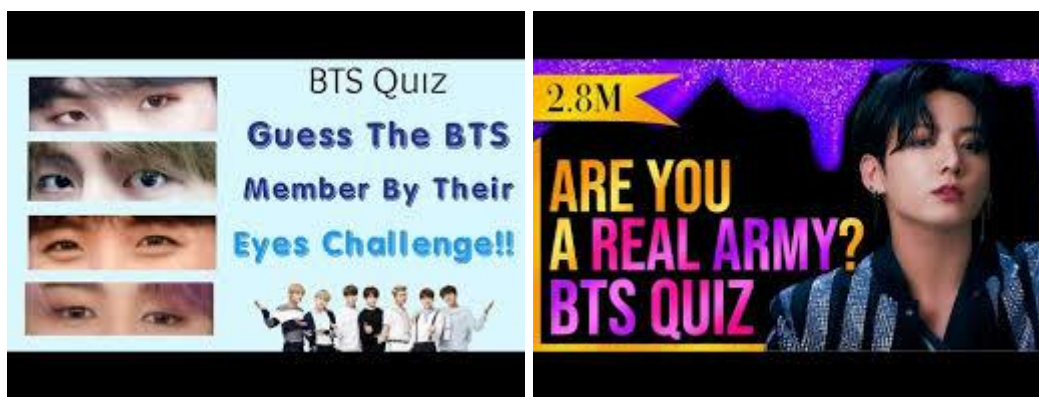
«محتواهایی که دنبال می‌کنی چه جوری و به چه شکلی هستند؟»

پیچ خاصی رو دنبال نمی‌کنم، بیش‌تر تو اکسپلور و تیک‌تاک هستم، بیش‌تر داخل هومش می‌گردم و یه سایتی‌ام هست که یه وقتایی یه تست می‌سازه، فنای گروه‌های مختلف میان صحبت می‌کنن.

اسمش چیه، یه کم توضیح می‌دی؟

- اسمش تست‌چی هست که تست طرف‌داری و اینا رو توش می‌سازی، بقیه هم می‌تونن نظر بدن و (با خنده) اکثراً دعوا می‌شه بین آرمی‌ها. این دست از آزمون‌ها به دلیل آن که سازندگان آن کم سن بوده و از دانشی چندانی برخوردار نیستند و غالباً هم در روند تلاطم تحولات بلوغ زیستی خویش هستند، در بیش‌تر موارد از محتواهایی سطحی و مبتذل برخوردار هستند.





«برگزاری مسابقات چالشی در سطح هواداران»، مورد دیگری است که برخی از هواداران به گزارش آن پرداخته اند. آرمیتای ۱۷ ساله، در قسمتی از مصاحبه خویش با اشاره به برگزاری مسابقات چالشی در سطح هواداران، بیان می دارد: «- می تونی در مورد محتوای فن پیچها برام بگی؟»

خب خبر جدیدی اگه باشه می دارن، عکسایی که منتشر می شه، بعضی وقتا برای سرگرمی بچه ها، مثلاً مسابقه یا چالشی می دارن. - می تونی برام در مورد این مسابقه ها مثال بزنی؟

مسابقه این که مثلاً کی به کی بیش تر میاد که شپشون کنیم، یا این که (باخنده) اتاق کی مثلاً بی تی اسی تره، یعنی مثلاً از اتاقشون عکس می دادن که مثلاً یکی کلی پوستر داشت، یکی رو تختی بی تی اس داشت، یکی همه آلبومشون رو داشت. بعد مثلاً رأی گیری می کردن که عکس کدوم خفن تره. منم یادمه اون موقع فقط جامدادی و آلبوم بی تی اس داشتم».



«نام نهادن روی ستاره ها»، اقدام دیگری است که در سطح هواداران امری جاری و جا افتاده است.

«- بعد ببینم اینا وقتی این اسم ها، اسم حیوونا رو می شنون چه احساسی پیدا می کنن؟»

اونا خودشون هم از این، واقعاً این کارا رو انجام می‌دن که شبیه‌شون به نظر می‌رسن. جان کوک واقعاً خیلی فانی رفتار می‌کنه. مطابق رفتار، آرمیا این اسما رو روشن گذاشتن و خودشون هم موافقت کردن که شبیه‌شون و آلكاپا، اسم حیوانی جینه» (رخساره، ۱۶ ساله).

نکته مهمی که در تولید محتوای هواداران نباید از آن ناگفته گذشت، ایجاد بحث‌های جدید بر مبنای تولیدهای انجام شده کاربران است. نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش، خاطرنشان می‌سازد، هواداران پس از جور (شیپ) کردن اعضای گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی یا برخی از خود طرفداران، به این مسأله می‌پردازند که اصولاً شیپ انجام شده درست است یا خیر و در صورت منفی بودن پاسخ، شیپ انجام شده بین دو آیدول مورد نظر، چه تغییری را باید به خودش ببیند.

آنچه نرگس ۲۱ ساله در مورد مباحث جدید طرفداران بیان می‌کند، ذیل عنوان تئوری پردازی در سطح هواداران مطرح است. فاطمه ۱۹ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه‌اش چنین می‌گوید:

«یکی از بحث برانگیزترین مسایل کی‌پاپ، یعنی تئوری (نظریه) پردازی‌های طرفداران درباره روابط عاشقانه آیدول‌های کی‌پاپ است. یکی از مسایلی که کی‌پاپ به آن معروف است، اگر چه به اعتقاد بسیاری، به دلیل سیاست کمپانی‌ها این موضوع اتفاق می‌افتد، اما نمی‌توان از نقش مردم در ساخت این تئوری‌ها غافل بود.

این تئوری‌ها به طور عمده، به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- رابطه یک آیدول با سلبریتی جنس مخالف،

۲- رابطه دو آیدول همجنس (در بیش‌تر موارد، دو عضو یک گروه)،

بیش‌تر تئوری‌های روابط، در یکی از این دو گروه قرار می‌گیرند. اما تئوری‌های دیگری نیز به صورت پراکنده، درباره رابطه آیدول با فرد غیر سلبریتی، وجود دارد.

در میان طرفداران یک گروه، افرادی که اعضاء را با یکدیگر یا با سلبریتی‌های دیگر، در رابطه می‌دانند، نسبتاً زیاد است. برخی زوج هم‌جنس‌گرا و برخی زوج دگر جنس‌گرا».

### ۳-۱۷- آموزش برخی از مهارت‌های اجتماعی

«من می‌تونم به خاطر تو وانمود کنم،  
 که خوشحالم، وقتی غمگینم،  
 به خاطر تو من حاضرم جوری رفتار کنم،  
 قوی هستم، وقتی درد آورده،  
 ای کاش عشق به همون اندازه که بی‌نقصه، بی‌نقص بود،  
 ای کاش تمام ضعف‌های من پنهان می‌شد،  
 در رؤیایی که به واقعیت نمی‌پیوست،  
 من گلی که نمی‌تونست شکوفه بزنه رو بزرگ کردم،  
 حالم از این عشق دروغین به هم می‌خوره،  
 متأسفم، اما این یک عشقه دروغینه،  
 من می‌خوام مرد خوبی باشم فقط برای تو،  
 من دنیا رو به پات ریختم،  
 من به خاطر تو همه چیز رو تغییر دادم،  
 حالا خودم رو نمی‌شناسم، من کی هستم؟  
 در جنگل خودمونم، تو اونجا نبودی، مسیری که تا اینجا اومدم رو یادم رفته،  
 من حتی مطمئن نیستم کی بودم،



پس سعی می‌کنم از آینه بپرسم، من کی هستم؟

شدیداً دوست دارم، شدیداً دوست دارم،

برای تو یک دروغ زیبا ساختم،

عشق خیلی دیوانه‌واره،

من خودم رو حذف می‌کنم تا عروسک تو باشم (مثل عروسک خیمه شب بازی رفتار می‌کنم تا تو رو داشته باشم)،

چرا این قدر ناراحتی؟ نمی‌فهمم، نمی‌فهمم،

بخند، بگو که دوستم داری،

بهم نگاه کن، من خودم رو انداختم دور،

حتی تو نمی‌تونی من رو درک کنی،

تو می‌گی من غریبه‌ام، به شخصی تبدیل شدم که تو قبلاً دوستش داشتی،

تو می‌گی من اون شخصی نیستم که تو قبلاً می‌شناختی،

نه؟ منظورت چیه نه؟ من کورم؟

عشق؟ عشق دیگه چه کوفتیه؟ اینا همش عشق دروغینه؟

نمی‌دونم، نمی‌دونم، نمی‌دونم، چرا،

حتی من، حتی من خودم رو نمی‌شناسم.

فقط می‌دونم، می‌دونم، می‌دونم، چرا،

چون این عشق سر تا پاش دروغه،

برای تو یک دروغ زیبا ساختم (فرازی از آهنگ فیک لاو از گروه بی‌تی‌اس. متن اصلی آهنگ تلفیقی از زبان کره‌ای و انگلیسی است) (به نقل از لیریکس وان).

نوجوانان و جوانان در آغاز زندگی خویش نیازمند فراگیری بسیاری از مهارت‌های اجتماعی و زندگی<sup>۱</sup> هستند. برقراری روابط سالم با دیگران، تصمیم‌گیری، حل مسأله، مدیریت تنش، مدیریت احساسات، همدلی، تفکر نقادانه، تفکر خلاق، مهارت مدیریت رابطه، خودآگاهی، برخی از مهارت‌های ضروری برای هر جوانی به حساب می‌آیند. اعضای گروه بی‌تی‌اس نیز در راستای تحقق اهداف اقتصادی تا سیاسی کمپانی خودشان، کوشیده‌اند تا با طرح برخی از مشکلات فراروی جوانان و روشنگری در زمینه آن، به نوعی در ارتقای مهارت‌های زندگی مخاطبان خویش مؤثر واقع آیند. مهشید ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، به گزارش نمونه‌ای از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس که ارتقای مهارت‌های زندگی مخاطبانش را مدنظر دارد، به قرار زیر یاد کرده است:

«- نوع موسیقی که می‌خوانند، چه طور هست؟

همه جور می‌خونن، ولی غمگینش هم تهش یک پیامی داره. حالت موسیقی‌شون همیشه نه غمگینه و نه همیشه شاده، همه‌شون یک جوری می‌خوام بگم انرژی‌زا هستند، ولی حتی اگه غمگین باشه، یه جورایی پیام توش داره، به‌طور مثال، یک آهنگ خیلی معروف‌شون هستش به نام فیک لاو یعنی عشق دروغین، یک آهنگ غمگینه، تماماً در مورد یک عشق الکی و عشق دروغین صحبت می‌کنه. توی یک پارتش (بخش) جالبه می‌گه: «من می‌خواستم بهترین مرد دنیا برای تو باشم و خواستم اون قدر خودم رو تغییر بدم تا اون چیزی که تو می‌خوای بشم، بعد اون قدر تغییر کردم که حتی وقتی جلوی آینه هم رفتم، خودم، خودم رو نشناختم که این واقعاً منم، اون وقت فهمیدم که تو اگر واقعاً عاشق من بودی، من رو با تمام خوبی‌ها و بدی‌هام می‌خواستی، نه این که من بشم یه آدمی که تو می‌خوای تا اون هویت اصلی خودِ خودم از یادم بره». درسته آهنگ جنبه‌ی غمگینی داره... اما تهش داره این پیام رو می‌ده که تو حتی واسه یه آدمی که دوستش داری، حتی آدمی که عاشقش، نمی‌خواد تغییر کنی، یعنی خودت رو تبدیل کنی به یه آدمی که اون می‌خواد. درسته عوض شدن خوبه‌ها، ولی عوض شدنی که نتیجه مثبت

<sup>۱</sup> - سازمان بهداشت جهانی مهارت‌های زندگی را به این شکل تعریف کرده است که «مهارت‌های زندگی مجموعه مهارت‌های روانی-اجتماعی هستند که به ما کمک می‌کنند به شکلی سازنده با نیازها و چالش‌های زندگی روزمره روبه‌رو شویم و بهتر با آن‌ها کنار بیاییم».

داشته باشه، نه عوض شدن و تغییری که بشی یه آدم دیگه، آدم دیگه‌ای که بقیه دل‌شون بخواد، نه اونیه که تو هستی. خیلی از آهنگای دیگه حتی اگر غمگین باشن، پیام یک چیز دیگه‌ای رو داره... دارن در مورد یک چیز دیگه‌ای صحبت می‌کنه».



### ۳-۱۸- تربیت خلاق هواداران

برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در جریان مصاحبه‌هایشان، از انجام کارهای نسبتاً خلاق یاد کرده‌اند که به نظر می‌رسد منشاء آن گروه پسران بی‌تی‌اس بوده است. به این معنا که در بعضی از مواقع، هواداران با ملاحظه برخوردهای خلاق اعضای گروه، به صورت یادگیری مشاهده‌ای، یاد می‌گیرند که خلاق برخورد کنند.



هواداران دیگری هستند که در تلاش برای جذب شدن به عرصه کی‌پاپ، در اوج فقدان امکانات، با خلاقیت خویش کمبود امکانات را دور می‌زنند تا در جهت اثبات کارآمدی و شایستگی‌های ذاتی خویش، تولید لازم را داشته باشند.

از سوی دیگر فقدان منابع کافی و وافی برای افرادی که در صدد تولید محتوا بوده یا صرفاً در صدد کسب اطلاعات جدید از ستاره‌های مورد علاقه خودشان هستند، سبب می‌شود هواداران اخیر به جست‌وجو در منابع اطلاعاتی موجود در فضای مجازی بپردازند که مواجهه با اطلاعات گوناگون و ضرورت یک‌دست کردن و جمع‌بندی آن‌ها امکان عملکرد خلاق افراد را فراهم می‌آورد.

در موارد دیگری، هواداران با اعتماد به نفسی که از سوی پسران گروه به دست آورده‌اند، در جریان تولید محتوا یا به نمایش نهادن ظرفیت‌های وجودی خود، در عمل مجبور به خلاق عمل کردن می‌شوند. به عنوان مثال، وقتی یک هوادار ۱۴-۱۳ ساله بخواهد در جهت هواداری از گروه مورد علاقه‌اش، صفحه‌ای در فضای مجازی راه‌اندازی کند و یا آن که مثلاً هوادار دیگری در صفحه‌ای که ایجاد کرده است، مجبور به ترجمه ۸ ساعت ویدیوی بن‌ویاژ گروه بی‌تی‌اس در اسرع وقت شود، با توجه به محدودیت امکاناتی که افراد با آن مواجهند، مجبور به پیش گرفتن برخوردهای خلاق برای دور زدن مشکلات فراویشان می‌شوند.

بررسی یافته‌های حاصل از مصاحبه با هواداران گروه بی‌تی‌اس دلالت بر آن دارد که برخی از سوژه‌های مطرح در سطح گروه بی‌تی‌اس، در عمل مشوق یادگیری‌های فعال هواداران می‌شوند و هواداران را در جهت تحقق برخی از یادگیری‌های فعال، ترغیب و تشویق می‌کنند. مرضیه ۱۹ ساله و سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از شرایطی که محرک افراد در یادگیری‌های فعال آن‌ها است، به قرار زیر یاد کرده‌اند: «گفتی دنبال کردن فعالیت‌های پسرا در موسیقی و ویدیوهاشون باعث افزایش خلاقیت می‌شه؟

بله، خیلی زیاد.

– چه طور؟

چون خودشون سرشار از خلاقیت‌اند، چونگ کوکی که تو این دسوپ یه دفعه و بداهه شروع می‌کنه به رنگ پاشیدن روی بوم و همون منظره‌ای که روبه روشه رو با نهایت زیبایی می‌کشه، یا وقتی اعضاء کنار هم بودن و تو یه عصری که حال و هواش رو به خوبی حسش می‌کنم، شروع می‌کنن به بداهه سرودن و خوندن و یونگی که از شدت هیجانش تصمیم می‌گیره این صحنه رو ضبط کنه تا یادگاری بمونه و به نظرش خیلی خفن میاد و شروع می‌کنه به ساخت همون آهنگ بداهه و این طوری آهنگ تیتراژ این دسوپ رو خلق کردن. آهنگی که سراسر احساسه و صفر تا صدش پای خودشونه و امضای خودشون پای کار خورده یا تهیونگی که با وجود این که شاید سبک نقاشیش با کوکی فرق داره، اما شروع می‌کنه به نقاشی کشیدن تو سبکی که خودش دوست داره، ساده و مینیمال و بامزه و این هنریش می‌کنه و نامجون هم همین طور و تهیونگ کلاً این طوریه که خیلی چیزا رو طبق اون رسمی که هست، انجام نمی‌ده و به شیوه‌ی خودش برمی‌گردونه، مثلاً یه بازی ای بود یه شیوه‌ی خاصی انجام می‌شد، از شوگا شروع کردن همه طبق همون شیوه بازی می‌کردن تا رسید به تهیونگ و اون اصلاً همه چی رو عوض کرد و با یه شیوه جدید انجامش داد، این مسأله این رو به من یاد داد که همیشه نباید طبق اون چیزی که هست پیش بری، نترس و خلاف رودخانه راه خودت رو برو و به شیوه‌ی خودت عمل کن».



«خوبی فیک چیه؟

خوبی فیک اینه که شما اولاً شخصیت‌ها رو می‌شناسی از قبل. شما یه کتاب رو که می‌خونی اول ۷۰ صفحه باید بخونی تا ببینی از این شخصیت خوشت میاد یا نمیداد. بعد داستان رو درک کنی، بعد بفهمی که نوشتار چه طوریه ولی فیک این جور نیست. شما از قبل شخصیت رو می‌شناسی و تقریباً با پایه داستان هم آشنایی. اگر خیلی عجیب و ناآشنا هم باشه، توضیحش نهایتاً ۵ صفحه وقت می‌بره. و بعد شما پاراگراف اول رو که بخونی دستت میاد که این نویسنده نوشته‌اش به درد من می‌خوره یا نه.

– پس در واقع شما می‌خواید بگید فن فیک یه چیز خیلی گسترده‌تر از بی‌تی‌اس و کی‌پاپه.

آره، خیلی گسترده‌تره. مثلاً تو هری پاتر یه شخصیت بود که موی سفید داشت و عجیب می‌زد بین شون خب؟ مثلاً من اون رو خیلی دوست دارم و این قدر من فیک‌های دنیای اون رو خوندم که دیگه چیزی نیست که نخونده باشم. چون نیست کتابی در موردش. و یه نکته دیگه هم هست و اون این که خیلی وقت‌ها جذب نویسنده از طریق همین فن‌فیک‌نویسی‌ها اتفاق می‌افته. همین واتپد مثلاً کلی نویسنده ارزش درآورده. کسانی که اولش اومدند فن‌فیک نوشتند، فقط ولی کارشون خوب بوده و اومدند بالا. خیلی وقتاً انتشاراتی‌ها از همین جا نویسنده پیدا می‌کنند و یه وقتی هم هست که داستان خیلی پتانسیل داره و می‌ره برای یه ویراستار و ویراستاری می‌شه و خودش به عنوان یه داستان جدا منتشر می‌شه. چون وقتی یه چیزی فیکش خونده می‌شه، یعنی اون چیز مخاطب داره و کپی رایت اون شخصیت رو می‌خرند یا اصلاً عوضش می‌کنند و منتشرش می‌کنند.

– آیا شما خودتون هم فن‌فیک نوشتید؟

من نه. دوست داشتم یکی بنویسم، ولی هنوز وقت نکردم. و آهان در ضمن یه خوبی دیگه فیک اینه که شما می‌تونید تمرین کنی. شما وقتی می‌خوای شروع به نوشتن کنی، نوشته‌های اولت رو نمی‌تونی مستقیم بری تحویل انتشارات بدی. هی می‌تونی توی فضای فن‌فیک با شخصیت‌های از قبل ساخته شده که باهاشون آشناتری یا راحت‌تری کار کنی و این بار شخصیت پردازی رو از دوش تو برمی‌داره و فقط اون چیزهای ویژه‌ای که می‌خوای رو براش می‌سازی. به خاطر همین شما خیلی دستت سبک‌تره برای نوشتن. به خاطر همین برای تمرین خیلی خوبه».

البته لازم به ذکر است، نسل جدید در برخورد و غور و تفحص در فضای مجازی که به عرضه انبوهی از منابع اطلاعاتی اقدام کرده است، خود به خود به این نتیجه رسیده است که می‌تواند برای تمامی سوال‌های مجاز و غیرمجاز خویش، با جست‌وجو در فضای مجازی (که نوجوانان و جوانان از آن با عنوان «گوگل کردن» یاد می‌کنند)، به اطلاعات لازم و مورد نیاز خود دست یابد. از این رو تحریک اعضای گروه بی‌تی‌اس از سویی و ویژگی جدید گوگل کردن که در نسل جدید مشاهده می‌شود، در عمل فضای مناسبی برای نوجوانان و جوانان پدید آورده است که بر مبنای اطلاعات به دست آمده و به محک آزمون و خطا زدن آن‌ها، در عمل آموزش فعال که ایده‌آل نظریه‌پرداز بزرگی همچون پیازه بود را رقم زده و محقق کنند.

با تأمل در مصاحبه النای ۱۲ ساله، گستره وسیع و ارزش آموزش یا یادگیری فعال بیش از پیش نموده می‌شود.

النا در قسمتی از مصاحبه خود بیان داشته است که در مواجهه با گروه بی‌تی‌اس، با «گوگل کردن»، به شناخت اعضای گروه بی‌تی‌اس نایل آمده و طرفدار آنان شده است. در ادامه، النا خاطرنشان کرده است که وی برای فهم معانی آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، باز به جست‌وجو در فضای مجازی پرداخته است و معانی آهنگ‌های گروه را نیز از این طریق به دست آورده است.

النا در قسمت دیگری از مصاحبه‌اش یادآور شده که چون وی طرفدار گروه پسران بی‌تی‌اس بوده است، برای حمایت از آن‌ها یک صفحه طرفداری زده است که ۱۵۰ تعقیب‌کننده هم دارد و برای تغذیه دنبال‌کننده‌های صفحه‌اش، به دنبال یادگیری ادیت زدن عکس و ویدیو کلیپ برآمده که در این زمینه نیز موفق عمل کرده است و در ادامه برای حمایت هر چه بیشتر، ضمن اداره صفحه هواداری خویش، با آشنا شدن با برنامه‌های مختلف مرتبط با موسیقی، با یادگیری استریم زدن، می‌کوشد تا با شنیدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس، میزان شنیده شدن آهنگ‌های گروه مورد علاقه‌اش را افزایش دهد تا در رتبه‌بندی جهانی سایت‌هایی نظیر اسپاتیفای و یوتوب، آهنگ‌های بی‌تی‌اس از رتبه‌های بالاتری برخوردار شوند.

استریم زدن برای ثبت آرای مردم در جشنواره‌های موسیقی مختلف، وجه دیگری از کارهای النای ۱۲ ساله به شمار می‌رود:

«– خوب تا اون جایی که من متوجه شدم، تو بیش‌تر طرفدار بی‌تی‌اس هستی، می‌شه بهم بگی که چه طوری بهشون علاقه‌مند شدی؟

خب این طوری شد که من اول یک موزیک ویدیو از شون توی تلویزیون دیدم، و اون موقع اصلاً نمی‌شناختمشون، فقط چندتا فیلم کره‌ای (کی‌دراما) دیده بودم و اصلاً آشنایی با آهنگ‌هاشون نداشتم و همین باعث شد که برم در موردشون سرچ کنم و تحقیق کنم، اول اسم اعضاءشون رو یاد گرفتم که هفت نفر ان که اسماشون این هست، تهیونگ، نامجون، جی‌هوپ، جین، جیمین و شوگا، بعد دیگه کم‌کم آهنگ‌هاشون رو گوش کردم جذب‌شون شدم و دیگه کم‌کم به یک آرمی تبدیل شدم.



- از چه طریقی به آهنگ‌هاشون گوش می‌دادی ؟
- از یوتیوب، اسپاتیفای، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینستاگرام.
- توی موزیک بیش‌تر چه چیزی تو رو جذب می‌کنه، صدای خواننده، معنی شعر و متن یا آهنگ‌سازی؟
- امم شعرش مهم هست، اما برای ما آرمی‌های اینترنشنال، چون زبان‌شون رو بلد نیستیم، بیش‌تر آهنگ‌سازی‌اش و اون ریتمش برامون مهمه و بعد می‌ریم معنی شعرش رو هم سرچ می‌کنیم تا متوجه بشیم که چی می‌گن... .
- گفتی که فن‌پیج داری دنبال کننده‌هاش چند نفر هستن؟
- ۱۵۰ نفر هستن.
- خوب برای این فن‌پیج روزی چند ساعت وقت می‌گذاری؟
- نمی‌دونم فکر کنم روزی ۵ ساعت یا بیش‌تر.
- خوب توی فن‌پیجت چه فعالیت‌هایی برای حمایت از اون‌ها انجام می‌دی؟
- عکس‌هاشون رو ادیت می‌زنم، ویدیو کلیپ می‌سازم، یا خبرهایی که در مورد بی‌تی‌اس هست رو پست یا استوری می‌کنم مثلاً همین آخرین خبر که دارن می‌رن سربازی و اینا.
- چه طوری ادیت زدن و ویدیو کلیپ ساختن رو یادگرفتی؟
- یه سری برنامه‌های ادیت و ویدیو کلیپ ساختن دانلود کردم، بعد اون قدر باهاشون ور رفتم که یاد گرفتم.
- بعد از کسی کمک گرفتی یا نه؟
- بعضی اوقات از خواهرم که بزرگ‌تره کمک می‌گیرم.
- تو از کی فعالیت فن‌پیجت رو شروع کردی؟
- من ۲ سال هست که آرمی هستم، یه سال پیش که آرمی بودنم یه ساله می‌شد، تصمیم گرفتم این پیج رو بزنم به خودم گفتم الناز تو که کار دیگه‌ای از دستت برنمیاد که براشون انجام بدی، حداقل یه فن‌پیج بزنی که یه حمایتی هم ازشون کرده باشی و الان یه سالی می‌شه که این فن‌پیج رو دارم.
- خوب پس اگر بخوای از آلبوم‌شون حمایت کنی، از طریق همون استریم زدنی که گفتی این کار رو می‌کنی؟
- آره دقیقاً.
- خوب استریم رو توی کدوم آپ‌ها انجام می‌دی؟
- توی اسپاتیفای و یوتیوب».

مقوله گوگل کردن، تحول قابل توجهی را در نسل جدید به معرض دید می‌گذارد که واجد کارآیی‌های گسترده‌ای برای آنان است. سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه خویش بیان داشته است که وی نیز نظیر النا، ترجمه آهنگ‌های بی‌تی‌اس را با گوگل ترنسلیت (مترجم گوگل)، ترجمه کرده و می‌فهمد. نرگس ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌اش با گزارش اقدام‌های ۱۲ سالگی خویش، از ترجمه آهنگ‌های بی‌تی‌اس با گوگل ترنسلیت، یاد کرده است.



ویژگی گوگل کردن در کنار علایق مفرط بسیاری از هواداران به گروه بی‌تی‌اس، در عمل سبب می‌شود، هواداران برای حمایت از گروه مورد علاقه خودشان، با ایجاد صفحه‌های طرفداری و گروه‌های هواداری دست به حمایت از افراد مورد علاقه خودشان بزنند، به این معنا که هواداران مزبور برای تولید محتوا برای صفحه طرفداری یا گروه هواداری خویش، به یادگیری برنامه‌های مختلف ادیت عکس، ویدیو کلیپ یا صوت رو آورده و یا به شکل خودانگیخته به یادگیری زبان کره‌ای و مانند آن مشغول می‌شوند تا در آینده به راحتی قادر به استفاده از متن‌های اصلی گروه بی‌تی‌اس باشند:

«- سحر تو تاحالا برای آودیشن دادن اقدامی هم انجام دادی، مثل این که کلاس رقص بری یا روی صدات کار بکنی؟»

من کلاس که نرفتم، چون چیزی که به دردم بخوره پیدا نکردم. کلاس رقص‌ها تو ایران به درد نمی‌خورن و صدا هم که اکثر کلاس آوازها سنتی کار می‌کنن و ربطی به کار من نداره. برای همین خودم تمرین کردم و الآن کلی از رقص‌های کی‌پاپ رو بلدم، حتی اون روز تو باشگاهی که بدن‌سازی می‌رم، صحبتش بود که من بشم مربی رقص کی‌پاپ و همونجا کلاس بذارم براشون. آهنگ هم خودم کاور می‌کنم و کاور می‌کنم. یه بار هم برای جی وای پی، یکی از آهنگام رو فرستادم، ولی بعد پاکش کردم چون حس کردم ضایع هست و هنوز به اندازه کافی صدام آماده نیست. یه سری کمپانی‌های مجازی هستن که هیچ ربطی به این کمپانی‌های بزرگ و معروف ندارن، مثلاً یه دختر ۱۶ ساله پیج می‌زنه، می‌گه شماها بیاید واسه من کاورهاتون رو بفرستید و آودیشن (آزمون اولیه) بدید، بعد شما که شدید آیدول کمپانی من، من چندتا پیج می‌زنم و صداتون رو توی همه اون پیج‌ها می‌ذارم و این جوری شما رو معروف می‌کنم، ولی خب حقوق اینا نمی‌دن. من اوایل خیلی پیگیر این جور کمپانی‌ها بودم که عضو بشم، ولی یه مدت بعد حس کردم که من نمی‌تونم واسه این‌ها کار کنم و نمی‌تونم تحمل کنم که یه کمپانی‌ای که حتی کمپانی به حساب نیامد و این قدر کوچیک و بی‌حساب کتابه، بخواد به من بگه چی بخون، چی نخون، چه کار بکن، چه کار نکن. واسه همین تصمیم گرفتم کاور می‌ست مستقل باشم که البته اوایلش فکر نمی‌کردم خوب جلو بره، ولی بعد دیدم خیلی استقبال شدم، برای همین به این فکر افتادم که شاید لازم نباشه من برای آیدول شدن آودیشن بدم، شاید بتونم خودم مستقل کاور می‌ستی خودم رو ادامه بدم و نهایتاً خودم یه آهنگ بسازم و منتشر کنم مثل مدگل، مدگل که توی کمپانی‌ای نیست خودش مستقل آهنگ می‌سازه و می‌ده بیرون.

- سحر جان با توجه به این که تو ۱۵ سالته چه طور بهت پیشنهاد کار توی کلاس رقص رو دادند؟

من تقریباً ۵ ساله که دارم می‌رم کلاس رقص همه دیگه اونجا من رو می‌شناسن. مربیم چند بار دید که رقص‌های کی‌پاپ رو کاملاً مسلط هستم، برای همین گفت با مدیریت صحبت می‌کنه که یه کلاس رقص کی‌پاپ بذارن که کار کنم با بچه‌ها، چون جدیداً خیلی از کی‌پاپرها دنبال همچین کلاسی هستند، مطمئنم ازش استقبال می‌شه.

- این که تو به طور تخصصی مدرکی در زمینه رقص نداری، مانعی ایجاد نمی‌کنه؟

کلاس رقص کی‌پاپ هنوز تو ایران خیلی کمه و پرتعداده. وقتی من کامل مهارتش رو دارم، دیگه چه اهمیتی داره مدرکش باشه یا نه. به علاوه این که توی ایران مدرکی واسه رقص‌های کی‌پاپ وجود نداره، همه باشگاه‌ها در نهایت می‌رن سراغ کسایی که خودشون خودآموز بلد شدند.



- قبل‌تر گفتی کاور می‌کنی، می‌تونی توضیح بدی که منظورت از کاور چی هست؟
- کاور این شکلیه که مثلاً به آهنگ رو انتخاب می‌کنی، تمرینش می‌کنی و بعد روی موسیقی بی‌کلامش می‌خونی صداتو ضبط می‌کنی.
- کاورهات رو کجا منتشر می‌کنی که ازشون استقبال می‌شه؟
- الآن ادمین به پیجی‌ام توی اینستاگرام که واسه گروه بلک‌پینکه و خیلی فالور داره، با ادمین اصلی صحبت کردم و قبول کرد من کاورهام رو بذارم اون تو و الآن کلی طرفدار واسه کارهام پیدا شده و وقتی‌هایی که سرم شلوغه و چند هفته هیچی نمی‌ذارم، سراغ کاورهام رو می‌گیرن. در کنارش دوستانم هم خیلی پیگیر آهنگ‌هام هستن و خوش‌شون میاد. انقدر اوکی شده اوضاع که اگه توی گوگل بزنی مین‌هی کاوربست (مین‌هی اسمی هست که برای خودش انتخاب کرده) من رو میاره بالا و آهنگ‌هام هست.
- می‌تونی بیش‌تر توضیح بدی که برای کاور کردن چه کارهایی انجام می‌دی و چه قدر برای این موضوع وقت می‌گذاری؟
- من واقعاً پدرم درآومد چون من به دختر معمولیم، نه استودیویی دارم، نه امکاناتی دارم و همه چیز رو با گوشی خودم دارم درست می‌کنم و خیلی زمان برد تا بتونم کار با برنامه ادیت آهنگ رو یاد بگیرم و مدل خوندنم رو درست کنم، چون من کلاس آواز نرفتم. کلاً کارم رو جدی می‌دونم و کاوربستی رو به جورهایی شغل خودم می‌دونم نه فقط برای فان و سرگرمی. خیلی براش تمرین کردم و زحمت کشیدم.
- تاحالا از راه کاور کردن آهنگ درآمدی هم داشتی؟
- نه هنوز، ولی مطمئنم به روز اون قدر پیشرفت می‌کنم که بتونم درآمد هم داشته باشم.
- حالا با توجه به این که می‌خواهی آودیشن بدی دوست داری به کره مهاجرت کنی؟
- آره صددرصد. من قبلاً هم دوست داشتم برم ژاپن، هم دوست داشتم برم کره، ولی زبان ژاپنی رو نتونستم اصلاً خوب یاد بگیرم برای همین تصمیم گرفتم برم کره.
- از چند سالگی دنبال یادگیری زبان ژاپنی بودی؟ کلاسش رو رفتی یا باز تلاش کردی به شکل خودآموز یاد بگیری؟
- تقریباً دو سال پیش من خیلی از انیمه‌های ژاپنی خوشم اومده بود و اون‌ها رو زیاد نگاه می‌کردم، داشتم به سری کلماتشون رو یاد می‌گرفتم خود به خود. دیگه کم‌کم خودم پیگیرش شدم حتی به کتاب گرفته بودم واسه آموزش زبان ژاپنی بود، ولی حقیقتاً خیلی سخت بود و اصلاً اون رو نمی‌فهمیدم.
- زبان کره‌ای رو یاد گرفتی؟
- تقریباً می‌شه گفت بلدم.
- چه طور یاد گرفتی؟
- از طریق سریال‌های کره‌ای، برنامه‌های آموزشی کره‌ای و کارتون کره‌ای. مثلاً پونی کوچولو رو الآن دارم دوبله کره‌ای می‌بینم با زیرنویس فارسی. می‌شه گفت خودم یاد گرفتم کره‌ای رو» (سحر، ۱۵ ساله).
- «- برای همین فعالیت‌های مجازی در حمایت از بی‌تی‌اس چه قدر وقت می‌گذاری؟
- بازه به بازه، فرق داره، واقعاً خیلی فرق داره.
- چه جوری بود؟
- چه جوری بود... خب ببینید من می‌تونم بگم ۹۰ درصد مهارت‌ام رو از اینا یاد گرفتم. در واقع به خاطر اینا یاد گرفتم.
- مهارت‌ها، مثل چی؟
- بله مهارتا، مثلاً من تمام کارم با نرم افزارهای ادیت<sup>۱</sup> (ویرایش) ویدیو و صدا رو به خاطر اینا یاد گرفتم. چون برنامه‌هاشون به زبان کره‌ایه و خیلی بهمون لطف کنند به زیرنویس انگلیسی هم می‌دن. بعد شما می‌خواهی این رو به مدیای فارسی عرضه کنی. چون ما به کانالی داریم و اونجا به گروه مترجم داریم که من جزو مترجم‌هام و من یاد گرفتم چه طوری ساب<sup>۲</sup> (عنوان فرعی) بنم یا زمان بندی کنم» (سایه، ۲۱ ساله).

1- Edit

2- Sub = subtitle



مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی نه تنها شخصاً ادیت زدن را در فضای مجازی یاد گرفته است، بلکه برای آموزش اعضای جدید گروه طرفداری خودشان، خود و دوستانش به افراد داوطلب آموزش ادیت زدن را یاد می‌دهند:

«در زمینه ادیت مهارت داری؟»

آره.

– آموزش دیدی؟

نه، خودآموز بوده.

– در جریان همین تولید محتوا برای چنل یادگرفتی؟

بله، البته ما خودمون وقتی می‌خواهیم ادیت من جدید بگیریم که علاقه‌مند به همکاری، اما تجربه‌ی قبلی تقریباً نداشته، بهش آموزش می‌دیم». سایه ۲۱ ساله در مصاحبه‌اش، اوج یادگیری و آموزش فعال را به معرض دید نهاده است. وی در این مصاحبه بیان می‌دارد، او و جمع دوستانش که عضو یک گروه هواداری از بی‌تی‌اس هستند، اولاً ادیت زدن را به شکل آموزش خود به خودی و فعال یاد گرفته اند، ثانیاً برای حمایت جدی‌تر گروه، با نشر ویدیوهایی از برنامه‌های تفریحی اعضای بی‌تی‌اس (نظیر بن‌ویاژ)، وی و دوستانش تشکیلات معظمی را پدید آورده بودند که فقط در گروه ترجمه‌اش ۳۰ نفر مشغول به فعالیت بودند و پس از ترجمه ویدیوی ۷-۸ ساعته بن‌ویاژ، ترجمه در اختیار گروه ادیت و ویراستاری قرار می‌گرفت تا اصلاحات تکمیلی بر روی آن اعمال شود تا در نهایت ترجمه ویدیو جهت کاربری هواداران، در فضای مجازی بارگذاری شود:

«کره‌ای بلدید؟»

نه، از انگلیسی ترجمه می‌کردم. ما به گروهی بودیم و همه ترجمه می‌کردیم و به مرور ناچار شدیم، یاد بگیریم. مجبور می‌شدیم ادیت ویدیو یاد بگیریم که بتونیم یک سری چیزهایی رو اوکی کنیم. من خیلی از این چیزها رو یاد گرفتم و همه رو هم از سر علاقه یاد گرفتیم، به خاطر این که یه چیزی بود که دوست داشتم انجام بدم و ناخودآگاه با اینا پیش اومدم. به خاطر همین من در سن ۱۸ و ۱۹ سالگی یک وقت‌هایی پیش می‌اومد که در یک بازه‌هایی شبی ۴ یا ۵ ساعت داشتم روی اینا کار می‌کردم، چون این‌ها یک برنامه‌هایی دارند به نام بن‌ویاژ که یک‌هویی و ناگهانی منتشر می‌شه. مثلاً یک‌هوا ۸ ساعت ویدیو میاد و این به صورت عادی و رایگان هم در دسترس قرار نمی‌گیره‌ها. معمولاً خریداری می‌شه، ولی چون ما ایرانی هستیم و پول نداریم و اینا از فایل‌هایی که فن‌های مهربان در دسترس مون قرار می‌دن استفاده می‌کنیم. به هر حال وقتی این ویدیوها می‌اومد، ما در جا می‌شستیم پای ترجمه‌اش و می‌گم یه دوره‌هایی می‌شد که من شب‌ها ۳، ۴ ساعت می‌خواهیدم که بتونم به اینا برسم و ترجمه رو کامل کنیم.



– چیه این برنامه؟

این مثل همون ران بی‌تی‌اسه، ولی یه کم فرق داره و مدلش این طوریه که اینا رو سالی یک‌بار می‌فرستادن مسافرت که برای خودشون باشند یه یک هفته‌ای رو.



– بعد از شون فیلم می‌گرفتن؟

آره! با تیم می‌فرستادن شون! ولی خب چیز لازمی در کل چون وقتی شما فکر می‌کنی که یک‌سال یا دو سال پشت سر هم کار کردی و حتی پنجشنبه و جمعه‌ها هم خالی نیست، خیلی قضیه سختیه که حالا می‌فرستنت که یک هفته حداقل کار نمی‌کنی. البته اینا معتاد به کار اند. یعنی شما ببینید شون می‌بینید که یکی شون هست مثلاً تو همون تایم استراحتش نشسته یه گوشه داره برای خودش یه چیزی می‌نویسه، یکی شون هست نشسته یه گوشه داره برای خودش ملودی می‌سازه. کلاً یه اعتیاد به کار این جوری هم توی کره هست.

خلاصه وقتی اینا می‌رفتند مسافرت و همچنین ویدیویی می‌اومد بیرون، ما می‌نشستیم به ترجمه کردن و یه تیم ترجمه هم که وجود نداره، چنداناً هست و ما برای این که از اون یکی‌ها عقب نمونیم، تند ترجمه می‌کردیم که شیفت‌مون رو برسونیم و یه گروه دیگه ادیت کنه، یکی دیگه ویراست کنه و همین طوری تا در نهایت ویدیو دربیاد و بره رو کانال.

– شیفت کاری داشتید؟

آره، می‌شه گفت. این مدلی بود که بچه‌های ترجمه تا این ساعت تموم کنند، بچه‌های ادیت تا اون ساعت تکمیل کنند و اینا که در نهایت مثلاً تا فلان روز ما ویدیو رو تحویل بدیم. بعد ما کار رو تحویل می‌دادیم و دیگه کارمون تموم شده بود دیگه. می‌گرفتیم می‌خوانیدیم، ولی کار بچه‌های ادیت تازه شروع شده بود.

– و این کار شما می‌تونست شب تا صبح طول بکشه؟

آره. شب تا صبح. با این که فقط گروه ترجمه‌اش که من توش بودم، ۳۰ نفر بود.

– و این بازه اوج شما در حمایت کردن بود؟

نه، این اوجش نیست. اوجش سر کام‌بک<sup>۱</sup>ها (اجرای جدید) بود.

- اونجا چه طوری بود، ۲۴ ساعت بیدار می‌موندید؟

آره خب شده. من برای کام‌بک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوری هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم. یک هویتی بهت می‌دن. تو حس می‌کنی بخشی از یک جامعه‌ای هستی».

در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان بیان داشت، ورای مشاهده رفتارهای خلاق اعضای گروه بی‌تی‌اس که می‌تواند به سهم خود موجب برخورد خلاق هواداران شود، وجود موانع بسیار زیاد در جریان تولید محتوا برای حمایت از گروه پسران بی‌تی‌اس، خود به خود الزام پیش گرفتن برخوردهای خلاق را برای هواداران پدید آورده، تلاش برای دستیابی به اطلاعات جدید در مورد ستاره‌های گروه نیز با سوق دادن هواداران نوجوان و جوان به سمت گوگل کردن، عمل بستر مناسبی جهت خلاق عمل کردن هواداران فراهم می‌آورد. تجربیات اخیر برخی از هواداران در آموزش فعالی که به تجربه آن پرداخته اند، امر ذی‌قیمتی است که اولیای آموزشی در صورت فهم آن و تعمیم آن به نظام آموزشی، می‌توانند تحولی شگرف در نظام آموزشی خویش پدید آورند.

### ۳-۱۹- به نمایش نهادن چندوجهی بودن اعضای گروه

«- تو از کدوم یک از پسرا بیش‌تر خوشت میاد؟

جونگ‌کوک بایسمه، دلیلش اینه که چون صدایش خیلی خاص و باحال بود و خیلی هم با استعداد بود، تقریباً همه کار می‌کرد و می‌کنه و قیافه‌ی بامزه‌ای هم داره.

- مثلاً چه کارهایی؟

نقاشی و طراحی‌های خیلی حرفه‌ای، بوکس، ورزش بدن‌سازی، طراحی رقص، آشپزی، ساخت و نوشتن آهنگ، نواختن بعضی سازها، کارگردانی موزیک ویدیو و...» (فرشته، ۱۸ ساله).

با بررسی آرای ارایه شده در جمعیت مورد بررسی، مشاهده می‌شود، هواداران گروه بی‌تی‌اس در تبیین علایق خویش به گروه، انگیزه‌های متفاوتی را بیان داشته اند. به این معنا که اگر چه برخی بر مبنای جذابیت فیزیکی اعضای گروه، در ابتدا متوجه گروه شده اند، اما افراد دیگری متوجه جذابیت‌های آنان در آرایش و پوششان شده، برخی خوش اخلاقی و شوخ بودن یا وجود دوستی عمیق بین آنان را علت گرایش و جذب شدن خودشان به بی‌تی‌اس عنوان کرده اند و افراد دیگری هم به دلیل فعالیت‌های اجتماعی- سیاسی اعضای گروه (نظیر عضویت در یونیسف، سخنرانی در سازمان ملل، دیدار با رئیس جمهور امریکا)، انجام کارهای خیرخواهانه و نظایر آن‌ها، مجذوب گروه بی‌تی‌اس شده و به خیل هواداران این گروه پیوسته اند.

اطلاعات اخیر دلالت بر چندبعدی و چندوجهی بودن گروه بی‌تی‌اس داشته، به سبب همین ویژگی، اقشار گسترده‌ای را زیر پوشش خود قرار می‌دهد.

نسترن ۱۹ ساله، در بیانات خویش اظهار داشته است که جذابیت‌های فیزیکی ستاره‌ها، علت جذب وی و بسیاری از هواداران دیگر به سمت گروه بی‌تی‌اس بوده است:

«بیش‌ترین انگیزه جذب شما به بی‌تی‌اس چی بود؟

راستش در ابتدا چهره زیبای اون‌ها من رو به خودش جلب کرد، بعداً اجرا و محتوای آهنگ‌هاشون هم برام زیبا جلوه کردند».

جذابیت پوشش و آرایش آیدول‌ها، دلیل دیگری است که برخی از هواداران بی‌تی‌اس از آن یاد کرده اند:

«-مهمشید جان، بیش‌ترین علت جذب شما به گروه بی‌تی‌اس چی بود؟

مدهای جالبی رو توی خودشون به نمایش می‌گذاشتند، به علاوه رنگ موهاشون محشر بود.

-یعنی چی که رنگ موی اون‌ها محشر بود؟

<sup>1</sup>- Comeback

یعنی این که رنگ موهاشون در هر کنسرت عوض می‌شد و هر بار قشنگ تر از بار قبل می‌شد».

زهرای ۲۴ ساله، شوخ طبعی و خوش اخلاق بودن اعضای گروه پسران، توجهش را جلب کرده و به همین سبب هوادار گروه شده است، ریحانه ۲۱ ساله نیز در مصاحبه خودش بیان می‌داشت، دوستی موجود بین آیدول‌ها از سویی و محتوای عمیق آهنگ‌های بی‌تی‌اس، انگیزه گرایش و هواداری وی را فراهم آورده است:

«- پس در برخورد اول، شوخ بودن‌شون باعث شد که شما جذب‌شون بشید.

بله، هم فان بودن هم خوش اخلاق و شاد».

«- بعضی وقتا می‌گن که شماها فقط به خاطر زیبایی‌شون طرفدار اون‌ها شدید. نظرت در مورد این حرف چیه؟

من فکر می‌کنم، همون طور که این منتقدان به‌جای تحلیل عمیق موضوع، صرفاً به دیدن سطحی قضیه بسنده می‌کنن و واکنش دفاعی از خود نشون می‌دن، بر این باور هستن که افرادی مثل ما، یعنی افراد درون یک فندوم هم، مثل همین اشخاص، دارای دیدگاهی سطحی و ظاهری هستن و به خاطر چهره‌ها، ظاهر و پوشش آرتیست هست که این علاقه رو پیدا کردن.

این در حالی هست که یک ظاهر زیبا و منطبق بر مد روز، تا مدت محدودی می‌تونه زیبا و طبق مد روز باقی بمونه. قبل‌تر هم به تنوع زیاد و رشد سریع در جذابیت‌های بصری در کی‌پاپ اشاره کردم.

پس طرفدار یک آرتیست بودن، اونم در شرایطی که معیارهای زیبایی به سرعت عوض می‌شن و به اصطلاح عامیانه، هر روز زیباتر از دیروز پا به عرصه می‌ذارن، صرفاً به خاطر چهره و زیبایی نیست. البته نمی‌تونم منکر این باشم که در جذب اولیه، این زیبایی ظاهری بسیار جذب کننده و پرنرنگ هست، اما در ادامه‌ی این علاقه و طرفداری چی؟ بعد از عادت به این چهره‌ها یا تغییر مد یا حتی بالاتر رفتن سن آرتیست و تغییر ظاهر چی؟ چیزی که یک طرفدار رو، طرفدار «نگه می‌داره»، محتواست. نه چهره و ظاهر.

برای من به شخصه، زمانی که جذب بی‌تی‌اس و وارد فندوم آرمی شدم، معیارهای زیبایی برای من ابداً مطرح نبود. کم‌ترین توجه من در اون زمان به زرق و برق و چهره‌های زیبا بود.

چیزی که من رو به شکل جدی جذب کرد، قدرت و عمق محتوا، و زیبایی عمیق و غیر ظاهری اعضا و موسیقی اون‌ها و قدرت دوستی بین‌شون بود».

سایه ۲۱ ساله، زمانی که سایت یونیسف را بررسی می‌کرده است، با توجه به فعالیت آیدول‌ها به عنوان سفیر یونیسف، به آن‌ها علاقه‌مند شده و در ادامه، کاربر موسیقی آنان گردیده است. کوثر ۲۵ ساله نیز با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی بی‌تی‌اس نظیر فعالیت در یونیسف و یا حضور در سازمان ملل و سخنرانی درباره خشونت علیه کودکان، متوجه و در ادامه جذب گروه پسران بی‌تی‌اس شده است:

«- علاقه شما به بی‌تی‌اس به خاطر موسیقی‌شونه یا اجراشون یا شاید زیبایی خودشون یا همه این‌ها؟

من این طوری بودم که خیلی می‌گشتم تو یوتیوب و بعد داشتم تو کانال یونیسف می‌گشتم و اونجا یه سخنرانی دیدم که خیلی سخنرانی جالبی بود برام. هر چند نمی‌شناختم‌شون، ولی شنیدید می‌گن، آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند؟ همون طوری بود برام. شرایط سختی داشتم، اون موقع، اون حرف‌ها خیلی برام دلنشین بود. بعد فایل صوتی این سخنرانی رو برای خودم ذخیره کرده بودم و هی گوش می‌دادم. بعد چون موسیقی متن‌های سریال‌های کره‌ای یا فیلم‌هاشون و این‌ها رو هم گوش می‌دادم، خیلی بر اساس الگوریتمش یوتیوب بهم ویدیوهای بی‌تی‌اس رو پیشنهاد می‌داد و من دوتا دوست هم داشتم که هیت<sup>۱</sup> (متنفر از) این گروه بودند و علاقه‌ای بهش نداشتند و من اسم این گروه رو از اونا زیاد شنیده بودم، بعد برای همین تو یوتیوب که می‌گشتم ناخودآگاه ویدیوهای اینا رو می‌دیدم و خب جالب هم بودند برام، چون تاحالا مثلش رو ندیده بودم هیچ‌جا، با این که من خودم موسیقی رو خیلی دوست دارم و زیاد کنسرت‌ها و اجراهای مختلف رو دیدم».

«- آیا گروه‌های کی‌پاپ فعالیت‌های سیاسی یا سیاسی- اجتماعی هم دارن؟

من خب از گروه‌های دیگه که خبر ندارم، ولی بی‌تی‌اس خب عضو یونیسف<sup>۲</sup> (بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی برای رسیدگی به مشکلات کودکان) بودن. خیلی زیاد براشون فعالیت می‌کردن. بعد یه سری هم... چند سری فکر کنم تو سازمان ملل هم سخنرانی کردن و بیش‌تر سخنرانی‌هاش

<sup>۱</sup>- Hater

<sup>۲</sup>- UNICEF

هم در مورد همین حقوق کودکان و حقوق مظلومین و این چیزا بود. این که مثلاً از کودکان محافظت بشه، منع خشونت علیه بچه‌ها و چیزای این طوری. فعالیت‌هاشون بیش‌تر در این زمینه بود. در حدی که من می‌دونم. چیز بیش‌تری من نمی‌دونم.»



سونیای ۱۷ ساله در آغاز به دلیل حضور اعضای بی‌تی‌اس در سازمان ملل و سخنرانی آنان درباره ضرورت رفع تبعیض‌های بشری و حاکم کردن صلح در اقصاء نقاط جهان، به گروه پسران بی‌تی‌اس علاقه‌مند شده است و عرفان ۲۱ ساله، با ستایش از دیدار گروه بی‌تی‌اس با رئیس‌جمهور آمریکا و سخنرانی آن‌ها درباره ضرورت حمایت از آسیایی‌های ساکن آمریکا، دوست‌دار گروه بی‌تی‌اس شده است:

«به نظر شما بی‌تی‌اس در زمینه سیاست فعال هست؟

نه، به نظرم در زمینه سیاست فعالیت‌ی ندارند.

– با توجه به محتواهایی که دیدیم، مثل سخنرانی در سازمان ملل یا دیدار بایدن داخل کاخ سفید، به نظرتون فعالیت سیاسی ندارند؟

آره، اونا رو منم دیدم. ولی بهشون نمی‌گم فعالیت سیاسی. بیش‌تر فعالیت اجتماعی، چون وقتی فرصتایی مثل همونایی که شما گفتید، براشون پیش اومده، از صلح و عدم تبعیض صحبت کردن. به نظر من تو زمینه اجتماعی آره فعال ان، ولی سیاسی نه، چون توی کی‌پاپ کلاً سیاست خیلی جایی نداره. یعنی کی‌پاپی‌ها کاری با سیاست ندارند معمولاً. متن صحبت بی‌تی‌اس تو سازمان ملل رو دارم، برات می‌فرستم تا ببینی چه قدر دغدغه‌های اجتماعی دارن...».



«چه ارتباطی بین گروه بی‌تی‌اس و حاکمیت در کره و آمریکا برقرار هست؟

گروه بی‌تی‌اس زیر نظر کمپانی وابسته به حاکمیت کره دائر شده و به رشد خود ادامه داده و گروه هر ملاقاتی رو زیر نظر کمپانی انجام می‌ده و دیدار گروه بی‌تی‌اس با رئیس‌جمهور بایدن به منظور شرکت در مراسم ماه میراث (جنايات نفرت و تبعیض ضدآسیایی) است تا میراث رو جشن بگیرن و با رئیس‌جمهور بایدن درباره افزایش نگران کننده جنايات و نفرت و تبعیض ضدآسیایی در ایالات متحده گفت‌وگو کنند. شاید شنیده باشی که نفرت آمریکایی‌ها به آسیایی‌های ساکن آمریکا به حدی زیاد شده که در ۱۶ مارس یک مرد مسلح آمریکایی هشت نفر از جمله شش زن آسیایی رو به قتل رساند.

– عرفان حضور گروه بی‌تی‌اس در کاخ سفید و ملاقات با بایدن از نظر فرهنگی و اجتماعی چه تأثیری در جهان داشته؟



خیلی از لحاظ فرهنگی تونسته تأثیر داشته باشه. گروهی از پسران زیباروی و جذاب کره‌ای با ملاقات‌شون با رئیس جمهور وقت آمریکا جو بایدن سر تیتتر خبرهای مجلات و روزنامه‌های آمریکا و سراسر دنیا شده و این خودش بزرگ‌ترین تبلیغ برای گروه بی‌تی‌اس به شمار میاد.



با این کار گروه بی‌تی‌اس به عنوان سفیران جوان صلح در سراسر دنیا معرفی شدن و بر محبوبیت و معروفیت‌شون افزوده شد.

- این ملاقات چه سودی برای دوران ریاست جمهوری بایدن دارد؟

در تمام سال‌های گذشته و در دوران ریاست جمهوری جو بایدن مردم آمریکا بارها و بارها خشم و نفرت خود را از آسیایی تبارهای ساکن آمریکا نشان دادن. هم با تبعیض نژادی هم با کشتن آسیایی‌های مقیم آمریکا هم با تحقیر آن‌ها انزجار خود رو نشون دادن. این حرکت جو بایدن پیام صلح و برابری تمام انسان‌های ساکن آمریکا رو نشون می‌ده. این حرکت از نظر سیاسی بازتاب‌های خیلی خوبی داشته.

- از نظر سیاسی چه بازتابی برای جو بایدن داشته؟

با این کار رئیس جمهور جو بایدن تونسته نظر خیلی از مخالفان خود رو جلب کنه و خودش رو به یه چهره صلح دوست و مبارز با تبعیض نژادی و برابری انسان‌ها به دور از رنگ و نژاد معرفی کنه. این برای بایدن خیلی تأثیرگذاره اگر بعد از تمام شدن دوره ریاست جمهوری‌ش باز بخواد کاندید ریاست جمهوری بشه».

زهرای ۲۴ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، انعکاس به نمایش نهادن چندوجهی بودن اعضای گروه را در هوادارانشان به قرار زیر ترسیم کرده است: «- علاوه بر این تبلیغات که بیش‌تر جنبه تجاری برای بی‌تی‌اس و کمپانی‌هایی که براشون تبلیغات انجام شده دارن، شما گفتید بعضی از تبلیغات به دنبال نشون دادن وجهه مثبت و خوب گروه هستن.

بله اون تبلیغات هم هستن که هدف‌شون در اصل اطلاع‌رسانی هست. یعنی می‌خوان بگن که این صرفاً یه گروه موسیقی نیست و فعالیت‌های انسانی و مثبت خیلی خوبی هم داره انجام می‌ده که خب با این فعالیت‌های مثبتی که انجام می‌دن چندتا هدف به دست میاد.

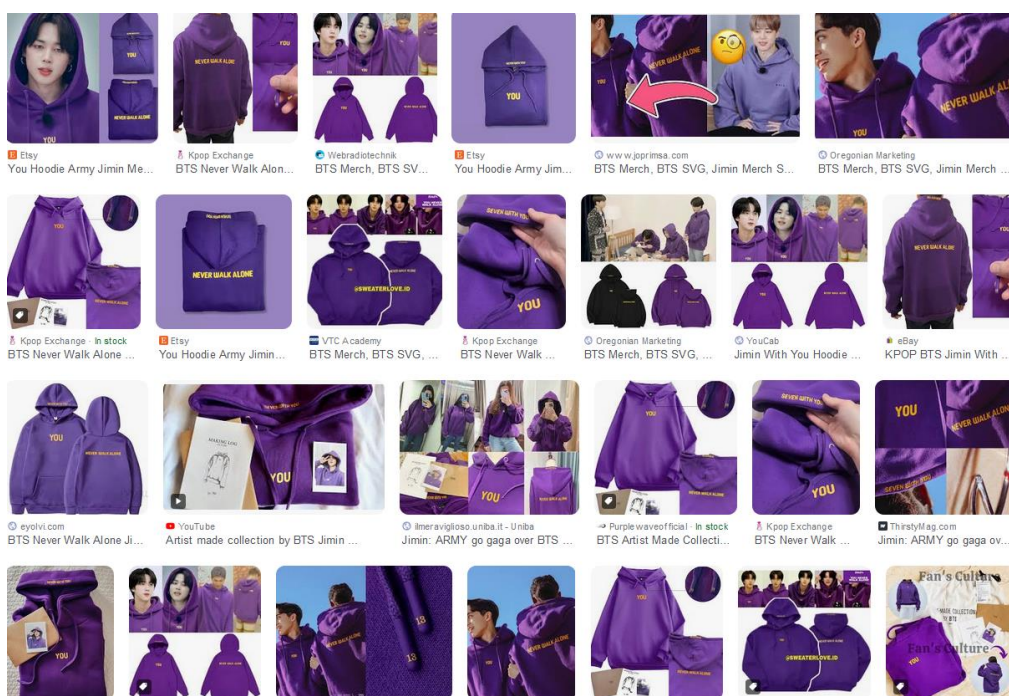
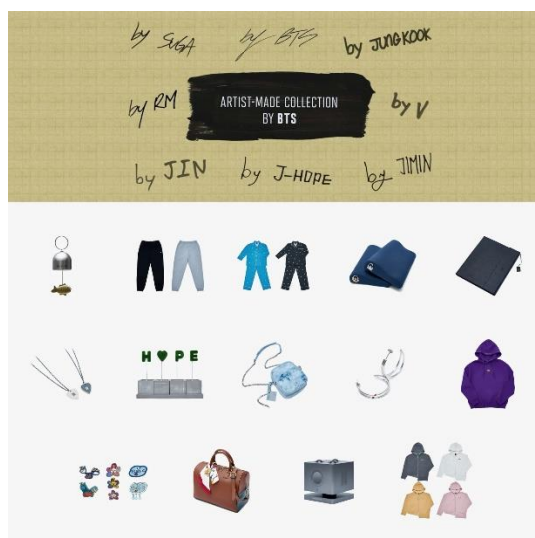
- چه هدف‌هایی هستن؟

مثلاً اولیش این هست که این فعالیت‌ها به خودی خود تأثیر مثبت دارن و باعث پیشرفت اوضاع می‌شن، دومیش این هست که خود گروه مشهورتر می‌شه با توجه به فعالیت‌های چند وجهی که داره، یعنی از یه طرف تو حوزه موسیقی داره کار می‌کنه و از شهرتی که به دست آورده هم برای گسترش کارای مثبت تو دنیا استفاده می‌کنه، هم برای جهان و هم برای بی‌تی‌اس فایده داره. به قول معروف بازی برد-برد هست دیگه (باخنده).

- پس با توجه به قسمتی که از چند وجهی بودن صحبت کردید، از نظر شما بی‌تی‌اس هم چند وجهی هست، درسته؟

کاملاً برای این که الآن با زمان گذشته خیلی فرق کرده، اگر بچه‌ها رو هم نگاه کنیم، متوجه می‌شیم کاملاً که پدر و مادر این بچه‌ها تا حد توان خودشون، فقط به این اکتفا نمی‌کنن که دختر یا پسرشون مدرسه بره. در کنار مدرسه سعی می‌کنن مهارت یا دانش دیگه‌ای رو هم کسب کنن مثلاً زبان، هنر، ورزش و برنامه نویسی که خب خیلی مورد توجه قرار می‌گیرن. خب حالا بچه‌ها دارن مهارت‌های مختلف رو یاد می‌گیرن قطعاً افراد مشهور هم این کار رو انجام می‌دن».

تصاویر زیر نمونه‌ای از وسایل تهیه شده ستاره‌ها را به نمایش نهاده است:



### ۳-۲۰- به نمایش نهادن وحدت و همداستانی گروه



وحدت و همداستانی، مسأله اجتماعی مهمی است و پیامدهای خاص خود را به همراه دارد. در جایی که وحدت وجود ندارد، این مسأله به خودی خود فریاد می‌زند که در این جا صحت و سلامت چندانی را نمی‌توان سراغ گرفت و یافت، اما اگر در بین افرادی، وفاق و همداستانی وجود داشته باشد، پیام آنان با دیده تردید نگریسته نشده، با دیده صحت و اطمینان مورد توجه قرار خواهد گرفت.



کمپانی بیگ‌هیت با توجه به نکته روان‌شناختی اخیر، ترتیبی اتخاذ کرده است که اولاً ستاره‌های گروه قریب یک دهه باهم در یک کمپ، زندگی کنند که این خود موجد صمیمیت زیادی بین افراد گروه شده و همین معنا را نیز منعکس می‌کند، ثانیاً روابط صمیمی ستاره‌ها در برنامه‌های سرگرمی (نظیر ران بی‌تی‌اس)، به وفور به تصویر کشیده می‌شود و در اقدامی دیگر، ستاره‌ها با انجام رفتارهای نمادین، به شکل غیرمستقیم وحدت و همداستانی اعضای گروه را منعکس می‌سازند.

نگین ۱۳ ساله، پریناز ۱۸ ساله و گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، نمونه‌هایی از اقدام‌های نمادین اعضای گروه را به قرار زیر گزارش کرده‌اند:

«- تا الآن برای کسی این اتفاق‌ها رخ داده است؟

والا فکر کنم در تاریخ کی‌پاپ این اولین گروهی هست که اصلاً اعلام کرد که هم‌جنسش را دوست دارد.

- بعد چه اتفاق‌هایی افتاده؟

تو گروه بی‌تی‌اس تا جایی که من می‌دونم، هیچ کدام از اعضا تا به حال چنین کاری نکرده بودند و جیمین که کرده، تازه ۲، ۳ روزه می‌گذره هنوز نرسیده به اوج قضیه که اینترنتی شه.

- وقتی که اطلاع رسانی گسترده بشود، چه اتفاق‌هایی ممکن است برای جیمین رخ می‌دهد؟

تهدید به مرگ می‌شه (خنده توام با اضطراب).



– چه کسی تهدیدش می‌کند؟

یک‌سری هیترها هستن، آرمی‌های فیک.

– تهدید واقعی؟

آره، می‌تونن چنین کاری بکنن و جیمین اولین باری نیست که تهدید به مرگ می‌شن. یعنی جیمین وقتی رفته بودن امریکا کاخ سفید اونجا تهدید به مرگ شدن و جین یکی از اعضا مثل جیمین لباس پوشید که اگر خطری اون رو تهدید کرد، به جای جیمین به اون اشتباهی تیر بزنن، اصلاً می‌بینید ما به خاطر همین چیزها دوست‌شون داریم، وقتی به خاطر دوست‌شون حاضر ان جون‌شون را هم فدا کنن، می‌دونید».

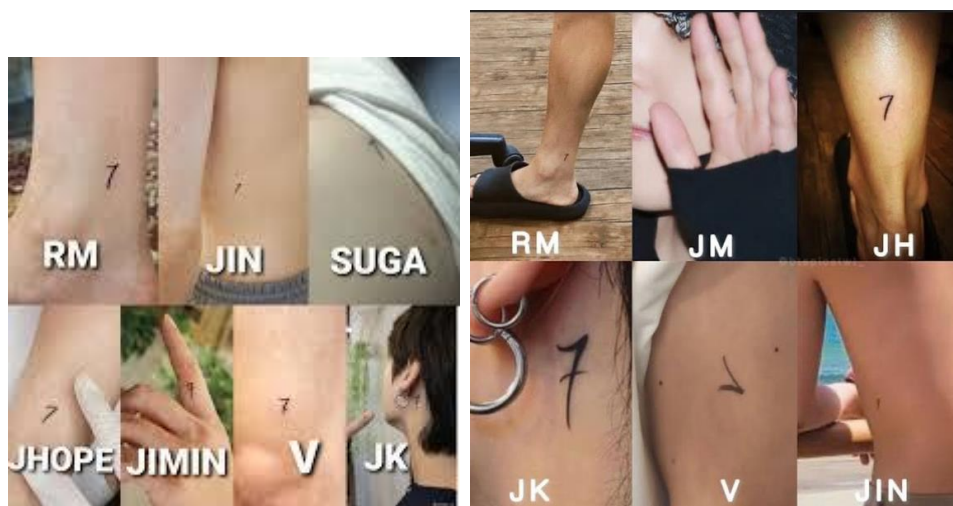
«رابطه اعضا به شدت باهم صمیمی و خوبه و اونا باهم مثل برادرن. همون قدر که هوای برادر واقعی خودشون رو دارن، هوای اعضای گروه رو دارن. خیلی به هم ابراز محبت می‌کنن، ویدیوهای زیادی وجود داره که اعضا حواس‌شون به هم دیگه هست و خیلی جاها از حق هم دیگه دفاع می‌کنن یا وقتی دیدن یکی ناراحت، تمام تلاش‌شون رو کردن که اون شاد بشه و ما آرمی‌ها با دیدن این موارد کلی ذوق می‌کنیم، گاهی وقتا توی کنسرت‌هایی که برگزار می‌کنن، اگه یکی از اعضا نباشه، برای مثال یه بار انگشت جین شکسته بود یا پای تهیونگ هم همین طور که تو کنسرت اخیرشون بود که پاش شکسته بود پسر، یا یه مدت طولانی که شوگا به خاطر این که شونه‌اش رو عمل کرده بود، اصلاً حضور نداشت و بهش یه مدتی استراحت داده بودن، خب توی این زمان‌ها که نمی‌تونن شرکت کنن، مثل اتفاقی که برای تهیونگ و جونگ‌کوک و شوگا افتاده بود، اعضا توی کنسرت نمی‌تونن درست برقصن، برای همین وقتی بقیه اعضا می‌رقصیدن اینا می‌شستن و فقط قسمت خودشون رو می‌خوندن، ولی زمانی که تهیونگ آسیب دیده بود، خب خیلی ناراحت بود، برای این که نمی‌تونه با بقیه اعضا برقصه و این ناراحتی رو قشنگ می‌شد توی چهره‌اش دید و توی یکی از پارت‌های کنسرت، جونگ‌کوک متوجه این موضوع می‌شه و می‌ره پیش تهیونگ و شروع می‌کنه به مسخره بازی در آوردن و آواز خوندن و این جور باعث می‌شه تهیونگ بخنده، همین کاری که اعضا برای هم دیگه انجام می‌دن، یعنی واقعاً باهم صمیمی ان و همدیگه رو دوست دارن. یه مثال دیگه بذار بزنم، یه مدت که شوگا کلاً نبود، یه سری برنامه‌ها هست بهش می‌گن ران بی‌تی‌اس، توی این برنامه‌ها که مثل شو تلویزیونی می‌مونه، اعضای بی‌تی‌اس یه سری فعالیت‌هایی رو انجام می‌دن که یه سری‌هاش مثل مسابقات تفریحی می‌مونه که اعضا باید باهم انجام بدن، توی همین مسابقات که انجام می‌شد، خب شوگا نبود، اما اعضا عکس شوگا رو با خودشون می‌آوردن کل اون تایمی که اعضا باهم بازی کردن، عکس شوگا مثل یه تابلو در صحنه بود، و این نشون می‌داد که اعضای گروه همیشه به یادش هستن و توی برنامه هم از شوگا صحبت می‌کردن. حتی یادمه توی یه وی‌لایو هم شوگا نبود و اون‌ها عکس شوگا رو بازم با خودشون برده بودن و نوشیدنی رو به عکس شوگا هم تعارف می‌کردن و این جور نشون می‌دن با این که شوگا نیست، اعضا حواس‌شون بهش هست و به یادش هستن و براش ارزش قایل هستن و تا زمانی که شوگا نبود، اعضا عکس اون رو همه جا می‌بردن. حتی یه زمان‌هایی که یک سری برنامه‌ها بود که اعضا می‌رفتن بیرون، مثل یک سری مراسم‌های رسمی که باید برای خوانندگی می‌رفتن، باز هم شوگا نبود، اعضا خب ترتیبی که وایمیستن متفاوت که مثلاً اول کی وایسه، بعد کی، بعد کی... وقتی اعضا وارد می‌شن برای عکاسی، قسمتی که شوگا همیشه وایمیستاده رو خالی می‌داشتن پسرا و دست‌شون رو به حالتی قرار می‌دادن که انگار دور گردن شوگاس و اونا جاش رو خالی نگه داشته بودن یا همین چند وقت پیش تهیونگ رفته بود فرانسه برای یکی از فشن شوهای لباس، اعضای دیگه تو تعطیلات بودن و تهیونگ تنها رفته بود. وقتی تهیونگ عکس از خودش منتشر کرد، روی یه صندلی نشسته بود و کنارش سمت راست پنج تا صندلی خالی بود و یه دونه سمت



چپ که این ترتیب اعضا هست و این نشون می‌ده تهیونگ وقتی تنها رفته جایی، هم باز هم به فکر اعضا هست و جای همه‌شون رو خالی کرده، خیلی از این نمونه‌ها هست که این قدر خوب به فکر هم دیگه هستن و این خیلی قشنگه».

«- آیا کمپانی محدودیت‌های دیگه‌ای هم برای ستاره‌ها اعمال می‌کنه؟

در حال حاضر ازدواج کردن و رابطه داشتن هست و این که اجازه ندارن صحبت‌های سیاسی هم انجام بدن. بعد این که اجازه ندارن بدون بادیگارد هاشون جایی برن یا مخفیانه موهاشون رو رنگ بکنن یا کوتاه بکنن. تا چند وقت پیش هم اجازه تاتو زدن نداشتن که حالا انگار اون برطرف شده و حتی تتوی ست هم زدن.



- این تتوی ستی که همه اعضای بی‌تی‌اس باهم زدن چه مفهومی داره؟

این تتو قصه خاصی نداره. کلاً فکر می‌کنم توی همه گروه‌های کی‌پاپ این جور باشه که اعضای گروه خیلی باهم صمیمی ان، چون به مدت خیلی طولانی باهم بودن، تمرین کردن، باهم تو خوابگاه بودن و جاهای مختلف رفتن و کنسرت‌های زیاد گذاشتن و چون خیلی باهم بودن، مثل خانواده برای هم می‌مونن. اعضای بی‌تی‌اس هم برای این که نشون بدن باهم متحدن، به تتوی ستی زدن. قبلاً می‌گفتن تتو نزنیند، ولی الان به علامت هفت به تعداد اعضای بی‌تی‌اس دارن که هر کدوم از اعضا به جای بدنش زده، مثلاً جونگ‌کوک پشت گوشش زده بود. کلاً برای نشون دادن هم‌بستگی و اتحاد بی‌تی‌اسه».

### ۳-۲۱- الگوبرداری از ستاره‌ها

«همه‌ی روز و شبام رو جون کندم،  
وقتی تو داشتی یللی یللی می‌کردی،  
هر روز بهمون گوش بده و سعی کن سورپرایز نشی،  
به جور حس خاصی دارم، به حس خاص،  
به جورایی دیوونه کننده‌ام،  
خیس خیس عرق تو اتاق تمرین مون،  
نگاه کن حرکات فوق فوق العاده‌ی رقص رو،  
همه‌ی چیزایی که گفتم رو ثابت می‌کنه،  
هیچ کدوم از اون بازنده‌ها و احمقا و ترسوها،  
قابل مقایسه باهام نیستن،

چون من سرشار از امیدم ها، ها،  
اوکی، ما از نوک انگشتای پا تا سرمون،  
توپ توپیم،

بیش‌تر از نصف روز رو تو استودیو کار می‌کنیم،  
حتی اگه جوونی مون این جوری پر پر شه،  
به لطف کار زیاد داریم به هدفمون نزدیک‌تر می‌شیم،  
بلندتر داد بزنین،

من انجامش می‌دم، من موفق خواهم شد (فرازی از آهنگ «دوپ» از گروه بی‌تی‌اس).

با بررسی نقش گروه بی‌تی‌اس در اثرگذاری در سطح نوجوانان و جوانان، مشخص می‌شود که کمپانی بیگ‌هیت (کمپانی سازنده بی‌تی‌اس)، در معرفی و پردازش این گروه، دقایق و تمهیدات گسترده‌ای را به کار گرفته است که غالباً هم نتایج درخشانی در برداشته اند.

انتخاب چهره‌های بسیار جذاب، تنوع بخشی به محتوای موسیقی بی‌تی‌اس، رمزآلود نمایان شدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس نزد مخاطبان، چند وجهی به نمایش کشیدن گروه، ارتقای گروه موسیقی و صنعت کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ایجاد تفاوت‌های معنادار بین گروه بی‌تی‌اس و گروه‌های پاپ غربی (مانند صرف وقت برای مخاطبان و احترام گذاشتن ویژه به آن‌ها)، تلاش برای پاسخ دادن به سردرگمی‌های مخاطبان جوان در مواجهه با فراز و نشیب‌های زندگی، شرکت در امور خیرخواهانه (که خود به خود برای نسل جوان این ویژگی مطلوبیت بسیار زیادی ایجاد می‌کند) و برخی از موارد دیگر، از جمله تمهیداتی است که مسوولان کمپانی بیگ‌هیت اندیشیده و اجرایی کرده اند.

انتخاب چهره‌های جذاب برای گروه موسیقی بی‌تی‌اس، تمهید مهمی است که کمپانی از ابتدا در دستور کار خود داشته است و بسیاری از افراد مصاحبه شده، در مصاحبه‌های خود تأکید ورزیده اند که در ابتدا، آنان به دلیل جذابیت چهره اعضای گروه، جذب گروه شده و در ادامه دیگر ویژگی‌های گروه مورد توجه و عنایت آنان واقع شده است. مورد توجه قرار گرفتن جذابیت چهره اعضای بی‌تی‌اس در بیانات سحر ۱۵ ساله، سونیای ۱۷ ساله، نرگس ۲۱ ساله، سایه ۲۱ ساله و تعداد قابل توجهی از مصاحبه شوندگان مورد تأکید قرار گرفته است.

تنوع موسیقی بی‌تی‌اس، مسأله مهم دیگری است که جایگاه گروه را در نزد جوانان ارتقاء داده و آنان را شایسته الگوبرداری نشان داده است. نوجوانان و جوانان بسیاری که در کوران بلوغ زیستی و اجتماعی خویش قرار دارند و غالباً به دلیل عدم فهم اقتضائات سنی آنان، مورد قضاوت اولیاء و اطرافیان و بعضاً توبیخ آنان قرار می‌گیرند، در عمل خود را با گروهی مواجه می‌بینند که در صدد روشنگری در مورد سردرگمی‌های نوجوانان و جوانان بوده، راه برون‌رفت از سردرگمی‌های آنان را بدان‌ها می‌نمایاند.

پرداختن به مسایل معمول نوجوانان و جوانان طی سال‌های بحرانی بلوغ، انگیزه دادن و امید بخشیدن به جوانان و پرهیز از مورد قضاوت قراردادن جوانان وجه مثبت و قابل توجهی است که گروه از آن برخوردار است.

کودکان، نوجوانان، جوانان و همه اقشار اجتماعی در روند شکل‌گیری شخصیتی خویش، نیازمند الگو هستند و الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راهنمای کشتی‌ها هستند، راهنمای کشتی وجودی انسان‌ها هستند. بنابراین اولیا، اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی جامعه باید توجه ویژه‌ای به مسأله الگوپردازی داشته، الگوهای مختلف علمی، ورزشی، اخلاقی، اجتماعی، عقیدتی و مانند آن‌ها را فراروی اقشار مختلف (خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان) مطرح کنند، زیرا انتخاب یک الگو توسط یک کودک، نوجوان یا جوان، سبب می‌شود، وی چگونه شدن خویش را بر مبنای معیارهای ارزشی که در الگوی خویش می‌بیند، رقم بزند.





اما با وجود اهمیت زیاد الگو، باید بیان داشت که الگوهای خوب، انسان‌ها را به راه‌های متعالی و ارزشمند سوق داده و هدایت می‌کنند، در حالی که الگوهای نامناسب و بد، در عمل آدمی را به وادی سقوط و اضمحلال نزدیک می‌سازند و علت آن که قرآن در جریان طرح اسوه‌ها، صفت حسنه را در کنار اسوه می‌آورد، همین معنا است.

نکته ظریفی که در این میان مطرح است، الگوهایی هستند که به ظاهر دارای ویژگی‌های قابل توجه و حتی شگفت‌انگیزی هستند، اما در عمل این الگوها پیروان خویش را به عرصه‌ای تهدیدآمیز و پرخطر وارد می‌سازند.

قرآن در تحلیل بت‌پرستی (که توسط مستکبران جامعه ابداع و دامن زده شد) و جامعه توحیدی اولیه را به سمت کفر و شرک برد، بر استفاده آنان از اسوه‌ها تأکید خاصی دارد. در آیه ۲۳ از سوره نوح، آمده است:

«البتة پرستش ودا، سواع، یغوث، یعوق و نسرا را ترک نکنید».

تفسیر مجمع البیان (؟، ترجمه محمد رازی، ۱۳۶۵)، ذیل این آیه می‌نویسد:

«ابن عباس و قتاده گویند: این نام‌ها، نام بت‌هایی بود که قوم نوح، علیه‌السلام، آن‌ها را می‌پرستیدند. سپس بعد از آنان، عرب آن‌ها را عبادت کردند».

مؤلف در ادامه بحث مزبور، در تحلیل ریشه بت‌پرستی در عالم، می‌نویسد:

«محمد بن کعب گوید: این‌ها نام‌های مردم صالح و شایسته‌ای بود که بین آدم و نوح، علیهما السلام، بودند. پس بعد از ایشان قومی زندگی کردند که روش آن‌ها را در عبادت اتخاذ کرده بودند. پس شیطان به ایشان گفت: اگر تصویر آن‌ها را بکشید و در مقابل خود قرار دهید، شما را تشویق و نشاط بیش‌تر در عبادت دهند.

پس آن‌ها تمثال و تصویر آنان را کشیده و خرسند بودند تا بعد از ایشان که مردم دیگر آمدند: شیطان به آن‌ها گفت: مردمی که قبل از شما بودند، این‌ها را می‌پرستیدند، پس آن‌ها فریب خوردند و عبادت کردن آن‌ها را و این بود ریشه و اساس بت‌پرستی».

با ملاحظه آرای دکتر علی شریعتی، مشخص می‌شود که تفسیر وی از به انحراف رفتن جامعه از توحید به سمت شرک، دقیقاً مشابه تفسیری است که طبرسی در تفسیر «مجمع البیان» به طرح آن پرداخته است.

در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوبرداری کودکان، ذیل نظریات مختلفی نظیر دیگرپیروی اخلاقی پیازه، یادگیری مشاهده‌ای بندورا و یا الگویابی کودکان در نظریات مختلف جامعه‌شناسی مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است (اگر چه روان‌شناسان مقوله الگوبرداری را محدودتر از جامعه‌شناسان دیده‌اند و جامعه‌شناسان مسأله الگوگیری را فراتر از الگوبرداری اخلاقی دیده و آن را در همه ابعاد اخلاقی تا فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی گسترده دیده‌اند).

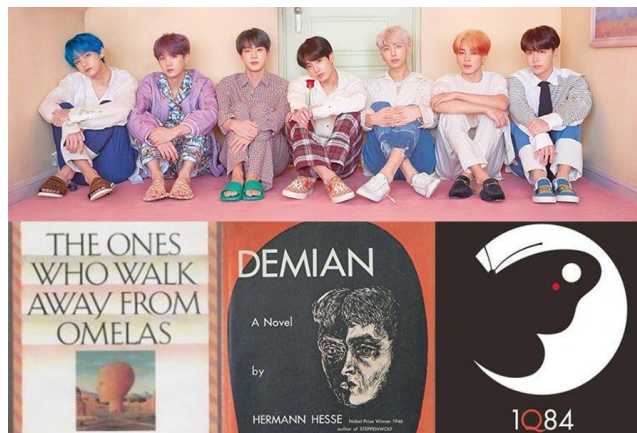
مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با وی، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر دیده شده، مکاتب روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴).

لئوناردو (۲۰۱۷) در مقاله‌ای که در نشریه ساینس منتشر کرده است، از اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان یاد می‌کند.

تحول قابل توجهی که چند دهه قبل در مسأله پردازش الگوها در غرب پدید آمد، پردازش الگوها در جریان ادغام چند مؤلفه قدرتمند در یکدیگر بود. به این معنا که اگر تا پیش‌تر الگوهای مطرح شده در سطح جهان، عمدتاً از یک ویژگی بارز (مانند قدرت جسمانی، زیبایی ظاهر، صدای جذاب و نظایر آن) برخوردار بودند، الگوهای جدید شامل چند ویژگی بارز و جذاب بودند، به این معنا که این الگوها در عین آن که مثلاً از قدرت جسمانی و یا پیکر عضلانی برخوردار بودند (مانند آرنولد، استالونه، بروس لی)، در ابعاد هنری نیز مطرح می‌شدند و به این ترتیب از جذابیتی دو چندان برخوردار گردیده، تأثیری دو چندان نیز بر مخاطبان خویش داشتند.

با بررسی برخی از گروه‌های ایجاد شده در دهه اخیر (نظیر گروه بی‌تی‌اس یا بلک‌پینک) به نظر می‌رسد، پردازش الگوها وارد مرحله جدیدی شده است و طی آن با برخی از تمهیدات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، الگوهایی برای نوجوانان و جوانان مطرح گردیده اند که ارتباط بسیار عمیقی با مخاطب برقرار کرده، متقابلاً مخاطبان نیز با شدت بیش‌تری تحت تأثیر آنان واقع می‌گردند.

رمزآلودگی محتوای موسیقی بی‌تی‌اس، عامل جذاب دیگری است که گروه بی‌تی‌اس را شایسته الگوبرداری در نزد جوانان می‌نماید. محتوایی که بعضاً مبتنی بر آثار فکری- فرهنگی و متاخذ از کتاب‌های فلسفی، روان‌شناختی و مانند آن‌ها هستند، همچون یک پازل در کنار هم قرار می‌گیرند و کشف رمز و کشف ارتباط آن‌ها با یکدیگر، نوجوانان و جوانان را بیش از پیش درگیر محتوای آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس می‌کند.



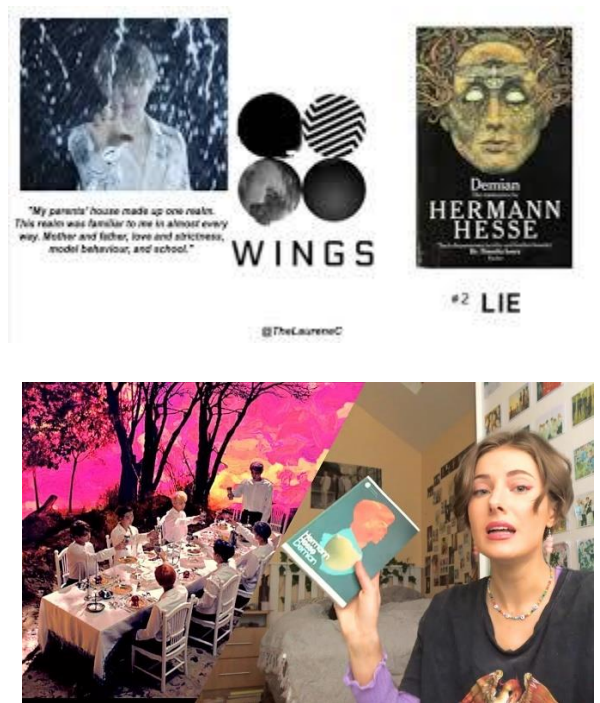
کمپانی بیگ‌هیت از ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس می‌خواهد که خود را به مثابه الگوی مخاطبان‌شان مطرح سازند تا به این ترتیب، از جذابیت بیش‌تر و فراگیری برخوردار شوند.

ترنم ۱۸ ساله، مهشید ۲۱ ساله و باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خود از تلاش کمپانی و ستاره‌های بی‌تی‌اس در جهت طرح خویش به عنوان الگوهای سخت‌کوش و شایسته الگوبرداری، به قرار زیر یاد کرده اند:

«... زمان کارآموزی پسر باهم تو یه خونه زندگی می‌کردن و هر ۷ نفرشون کنار هم بودن. دلیلش قوانین کمپانی بوده یا بودجه کم کمپانی نمی‌دونم، چون کمپانی بی‌تی‌اس اون موقع خیلی کمپانی کوچیک و فقیری بوده و در حالی که بقیه کمپانی‌ها کلی به آیدول‌ها و کارآموزهاشون می‌رسیدن و کلی امکانات براشون فراهم می‌کردن، بیگ‌هیت حتی پول غذای اینا رو نمی‌داده و اونا مجبور بودن خودشون کار کنن. صبح و شب کار می‌کردن تا گشنه نمونن. می‌رفتن دستشویی تمیز می‌کردن، کارگری می‌کردن، تو کافه کار می‌کردن، هر کاری می‌کردن تا گشنه نمونن. به جز جونگ‌کوک، همه کار می‌کردن، گفتم که اون مثل بچه اعضا هست و براش هر کاری رو انجام می‌دادن، اون رو می‌فرستادن مدرسه، خودشون هم می‌رفتن سر کار. جونگ‌کوک گفته بود که یک بار تو خونه کم میوه مونده بود و چون اون عاشق موز بود، بین جی‌کی و هوسوک برای یک موز دعوا شده و هوسوک موز رو به سمتش پرت کرده و گفته که بیا خودت بخورش. بعدش جونگ‌کوک زده زیر گریه و اون قدر گریه کرده که هوسو ازش معذرت‌خواهی کرده. کمپانی فقط برای آموزش‌ها و کلاس‌هاشون پول خرج می‌کرده و تمام هزینه‌های شخصی اعضا با خودشون بوده».

«... یه برنامه‌ای بوده چند سال یک‌بار تو کره برگزار می‌شد به نام المپیک آیدول‌ها. گروه‌های خواننده دور هم دیگه جمع می‌شدن و یه سری کارهایی رو می‌کردن، یه سری تو حوزه ورزش مثل دو، مثل مثلاً تیراندازی، مثل حالا ورزش‌های قدیمی خودشون، کشتی مثلاً، این موارد

مخصوص خودشون رو دارن و اینا اون جا مثلاً بی‌تی‌اس هنوز مثلاً معروف نشده بود و وقتی که مثلاً می‌اومدن بازی کنن، جدی‌شون نمی‌گرفتن، گروه‌های دیگه رو تشویق می‌کردن توی اون المپیک تو خیلی از آیت‌ها بی‌تی‌اس برنده شد، اون موقع همه تعجب کردن، بعد وقتی دیدن که این‌ها برنده شدن، توی حتی یک چیز کوچیک یه بازی ورزشی، بعد دیدن که نه این‌ها کلاً چنین روحیه‌ای رو دارن، یه جورایی نمی‌بازن، اگر هم ببازن این قدر تلاش می‌کنن که اون باختن تبدیل به برد بشه. وقتی بعدها بی‌تی‌اس معروف شد، تیکه‌هایی از اون زمان رو پخش می‌کنن، اون تیکه‌هایی که تحقیر شدن، اون تیکه‌هایی که اصلاً جدی گرفته نشدن‌شون، اون تیکه‌هایی که حتی به‌شون توهین کردن.... بنابراین من واقعاً خوش‌حالم که طرفدار این گروه هستم که می‌شه از هر چیزش یک درسی گرفت».



«- عکس همین آلبوم پروف رو داری؟  
آره.

همان طور که در عکس هست، در پشت سر اعضا جای گلوله‌های زیادی هست، این کانسپت نشان دهنده گلوله‌هایی که به سمت اعضا پرتاب شده‌اند، اما اعضا در مقابل اون‌ها مقاومت کرده‌اند و ضدگلوله هستن، در واقع این گلوله‌ها همان سختی‌هایی هستن که اعضا کشیده‌اند. مثل حرف‌ها، شایعات و هیت‌هایی که در طول ۹ سال تحمل کردن. همچنین پوکه‌های گلوله‌ها را در عکس می‌بینید که نشان دهنده همین موضوع هست، خب تو این مدت خیلی مشکلات داشت بی‌تی‌اس، مثل این که کمپانی‌شون می‌گن پولدار نبود، خوب محبوب و معروف نبود.

کمپانی تازه کار و کم پول بود و هفت نفر توی یه اتاق کوچیک بودند یا مثلاً خیلی به اعضا هیت می‌دادن، به نامجون می‌گفتن به اندازه کافی زیبا نیست، می‌گفتن صداتون زیاد خوب نیست، به جیمین می‌گفتند که چاقه، خلاصه که کلی اذیت‌شون می‌کردن و این گلوله‌ها هم نشونه‌های اون‌ها هست که مثلاً انگار از پشش بر اومدن و به اینجا رسیدن و اگه دقت کنی، اون گلوله‌هایی که پشت هر اعضا خورده، متفاوت مال جیمین اگه اشتباه نکنم پوشش پشت سرش خیلی بیش‌تر آسیب دیده بود تا اون جایی که پاره شده بود».



بنفشه ۲۰ ساله، در گزارش خود خاطرنشان می‌سازد، ستاره‌های بی‌تی‌اس برای طرح خویش به صورت یک الگو، حتی به تاریخ فرهنگی کشور کره رجوع کرده، ذیل عناوین فرهنگی پیشین، به طرح تاریخچه خویش می‌پردازند:

«... شوگا در آهنگ دچیتا هم در عمل می‌گه، گروه بی‌تی‌اس، مثل رعیتی که با انقلاب به رهبری و پادشاهی جامع‌ه‌اش می‌رسد، پسران بی‌تی‌اس با سخت‌کوشی خودشان به پادشاهی در عرصه موسیقی کی‌پاپ رسیده‌اند.

برداشت شخصی منم اینه که آدم تو هر شرایطی می‌تونه موفق بشه، اگر استعداد و توانایی و پشتکارش رو داشته باشه و این امیدیه کهپسرا به همه آرمیا می‌دن اینا».



نیکوی ۱۵ ساله، در گزارش خویش خاطرنشان می‌سازد، ستاره‌های بی‌تی‌اس با مخاطب قرار دادن هوادارانشان، دست به ارایه برخی از خط-مشی‌های به آنان می‌زنند:

«... ولی بی‌تی‌اس انگار واقعاً اون چیزی که می‌خواست رو خیلی براش زحمت کشید و هر روز به طرفداراشون می‌گن که بهتر از دیروزشون باشن و این یکی از پیام‌هاشون بود، این که ما همیشه سعی می‌کنیم بهترین خودمون رو نشون بدیم و بهتر از دیروز باشیم یا این که همیشه می‌گفتن یک درصد بهتر از دیروزت باش، مثلاً توی آهنگ نات تودی هم سعی می‌کردند همین مفهوم رو برسوند. ولی کلاً آهنگ‌هاشون تو این فازه. در کل من از حال و هواشون خوشم اومد و از پیام‌هایی که می‌دن».



ماحصل الگوپردازی ستاره‌های بی‌تی‌اس از خودشان، به آنجا می‌انجامد که برخی از هواداران به صراحت از این مسأله یاد می‌کنند که ستاره‌های بی‌تی‌اس، در عمل آنان را از سردرگمی خارج کرده، راه درست را بدان‌ها نمایانده اند:

«اگه بی‌تی‌اس منحل بشه چه اتفاقی برای تو می‌افته؟»

نمی‌خوام طوری برداشت بشه انگار دارم اغراق می‌کنم، اما واقعیت این بود که اونا نجاتم دادن، واقعاً نجاتم دادن، شاید اگه اونا نبودن من دست به کارهایی می‌زدم که الان پشیمون بودم یا اصلاً وجود نداشتم همیشه می‌گن، مثلاً تو زندگی یه دختر مثلاً شونزده، هفده ساله چی می‌تونه باشه که مثلاً فکر کنه همه مشکلات و سختی‌ها روی شونه‌ی اونه، با این حرف موافق نیستیم، به هر حال اون زمان اون دردی که ما داریم، مختص سن خودمونه و برای ما خیلیه من اون زمان دبیرستان خوبی نداشتم، از سال دهم هم اصلاً راضی نبودم و نهم هم اذیت می‌شدم، خیلی اتفاق‌ها برام افتاد و دست من نبود، می‌دونی چی دارم بهت می‌گم و این که به طور ناخواسته روم اثر می‌داشتن، مثلاً روزهایی بود که واقعاً کم می‌آوردم و می‌خواستم از همه چی بکشم عقب و همه‌اش به این فکر می‌کردم، شرایطت سخت‌تر از اینا هست؟ تلاش کردی که الان بخوای عقب بکشی، چون که می‌دونی گذشته‌شون واقعاً برای من خیلی درسه، این که هفت ساله تلاش کردند تا مشهور بشن و خوب می‌دونی، اینا حتی در حال دیس‌بند شدن (منحل شدن) بودن اون سال تو کره، اگه اون جایزه رو نمی‌گرفتن، الان دیس‌بند شده بودند، من همه‌اش فکر می‌کردم، مگه شرایطت از اونا بدتر بود، مثلاً یکی از اعضاء در حالی میاد و وارد گروه می‌شه که حتی پول غذا نداشته و مجبور بوده کار کنه، در کنار تمرینایی که می‌کرده، بعد من همیشه این طوری بودم که آیا یعنی زندگیت از این فرد سخت‌تر بوده؟ بیش‌تر از اون تلاش کردی که حالا می‌خوای پا پس بکشی؟

حتی تو دوران کرونا هم آهنگاشون انگیزه بخش بود و تو آهنگ دعوت به رقص‌شون به این صورت توی آهنگ بود که بالاخره افراد ماسک‌شون رو از روی صورت‌شون برمی‌دارن و باهم می‌رقصن» (بنفشه، ۲۰ ساله).

الگوها در سه سطح در مخاطبان خویش اثرگذار واقع می‌آیند. اثرگذاری در ظواهر هوادار، تأثیر در رفتارها و حرکات و سکانات مخاطبان و سرانجام اثرگذاری در نظام ارزشی افراد.

اثرگذاری الگوها در ظواهر فردی را می‌توان در موارد ظاهری، مانند چگونگی آرایش فرد (مدل موها، رنگ موها)، کاربری از زیور آلات مشابه، پوشش فرد (رنگ و طرح البسه مورد استفاده)، حرکات فرد (نشستن، برخاستن، راه رفتن، لبخند زدن و مانند آن) و احیاناً عمل جراحی‌های زیبایی که امکان تشبیه‌جویی بیش از پیش فرد به الگو را میسر سازد، ملاحظه کرد.

سطح بعدی الگوپردازی، الگوپردازی از رفتارها، حرکات و سکانات الگو است که از الگوپردازی از ظواهر صوری الگو عمیق‌تر است.





در مصاحبه‌های انجام شده مواردی مانند: پول جمع کردن برای مراکز خیریه، گذاشتن کلاس رایگان برای دانش‌آموزان، الگوبرداری در سلامت و بهداشت، افزایش ظرفیت روانی در ارتباط با نفرت پراکنان، مهارت‌آموزی‌های جدید، سخت‌کوشی، صحبت در مورد مشکلات، تلاش در جهت ناراحت نشدن از قضاوت دیگران، سریع عصبانی نشدن، کاهش وزن، پیش گرفتن برخوردهای رومانتیک‌تر با جنس مخالف، کپی‌برداری از رقص بی‌تی‌اس و پرهیز از ازدواج کردن (همچون اعضای گروه بی‌تی‌اس)، از جمله مواردی هستند که توسط جمعیت مورد بررسی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.



عمیق‌ترین سطح الگوبرداری، الگوبرداری از نظام ارزشی فرد مورد توجه و علاقه به شمار می‌آید، در این سطح از الگوبرداری، مخاطبان با ملاحظه ارزش‌هایی که الگو در خود به نمایش نهاده یا تبلیغ آن را می‌کند، ارزش یا ارزش‌های مزبور را پذیرفته و با درون‌سازی آن‌ها، بر همان نهج و منوال عمل می‌کند. به عنوان مثال، اندیشه اساسی بی‌تی‌اس دال بر جنسیت‌زدایی از آرایش پوشش و عشق، آزادی عقیده، شاد زیستن، فردگرایی افراطی، مصادیقی از فرهنگ غرب (نظیر هالووین) و مانند آن‌ها، از مواردی هستند که پذیرش و رفتار برهمان مبنا نمایانگر رسوخ ارزش‌های اخیر در هواداران، درون‌سازی شدن آن‌ها و معرفی آن‌ها به عنوان قسمتی از نظام ارزشی فرد به شمار می‌روند.





شادی ۱۵ ساله، صبا ۱۶ ساله و تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خویش از الگوبرداری سطحی و صوری خود از ستاره‌های مورد علاقه‌شان، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- تأثیری که حرفاشون یا عقایدشون روی خودت گذاشته، چی بوده؟»

خب درباره ال‌جی‌بی‌تی‌ها نظرم مثبت‌تر شده، کلاً قبلاً این جور نبود، البته شناخت زیادی هم نداشتم قبلاً از طریق اینا آشنا شدم بیش‌تر از لحاظ ظاهری که می‌بینی (اشاره به بینی و لب) و موهام (اشاره به موها) (خنده) و بحث این که لباس جنسیت نداره رو الآن واقعاً باور دارم. «- توی ظاهرشون چه چیزهایی جذبت کرد؟»

بین مثلاً گفتم موهای رنگ کرده‌شون یا اممم میکاپ، آره میکاپم می‌کنن، ولی خیلی ملایم و نامحسوس، مثلاً یه رژ رنگ نود یا خط چشم کوتاه و نازک و یا رژ گونه خیلی کم. البته پوستشون هم که عالیه، البته اکثراً کراهی‌ها این جور ان، ولی اینا عمل جراحی هم می‌کنن فکر کنم، حالا با این که جوون هستن، ولی انجام می‌دن بینی‌هاشون خیلی کوچیکه مثلاً که خب ژنتیکیه یه کم. اندامشون جذابه و کلاً همه چی‌شون استاندارد، دیگه از صورت بگیر تا نوک پا. یه سری معیارهای سخت‌گیرانه‌ای هم برای جذب خواننده دارن. منم سر همین مسأله الآن می‌بینی، بینیم عملیه یا رفتم گونه کاشتم و زاویه‌سازی فک کردم و رو پوستم هم فن پوست کراهی رفتم انجام دادم (خنده)».

«- اون موقع که تو مراسم گرمی بی‌تی‌اس رو دیدی، اولین بار چی جذبت کرد؟»

اول که قیافه‌ی یکی از اعضا‌شون بود. البته نه، قبل از قیافه، استایلشون بود. یعنی لباس پوشیدنشون و اینا خیلی واسم جذاب بود. چون نه کاملاً هر کدوم از اعضا‌شون چیزای مختلف می‌پوشیدن، نه این جور بود که کاملاً مثل بقیه بندا عین هم بپوشن. در عین حالی یه انسجامی رو حفظ کرده بودن، هر کسی استایل شخصی خودش رو داشت. بعد من یه سری از استایل‌های اعضا‌شون خیلی به سلیقه‌ام نزدیک بود. بعد اول این جور بودم که اوومم، چه قدر لباساشون خوبه و اینا، بعد رسیدم به صورتشون بعد این جور بودم که اوومم صورتاشون هم خیلی خوبه. بعد اول به خاطر یکی دوتا از اعضا‌ش که خوشگل بودن فقط پیگیری می‌کردم‌شون، بعد یهو دیدم کلاً غرق شدم تو قضیه.

- یعنی اول جذب ظاهرشون شدی نه موسیقی، درسته؟  
اولش آره».



تینای ۱۹ ساله و زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از الگوبرداری‌های رفتاری خویش از پسران گروه بی‌تی‌اس به شرح زیر یاد کرده اند:

«- قبل‌تر اشاره کردی که استایل‌شون خیلی برات جذاب بوده، هیچ وقت سعی کردی از استایل‌شون الگو بگیری؟»

نه، من کلاً خیلی توی این مدل فن گرلی نیستم که مثلاً بخوام شبیه‌شون بشم، ولی یه چیزی که من خیلی سعی کردم ازش یه جورایی الگو بگیرم، انجامش بدم این بود که دیدم یه سری از اعضا علی‌رغم برنامه کاری فشرده‌ای که داشتن، هنوز سعی می‌کردن که تو زندگی شخصی‌شون یه سری مهارت‌ها یاد بگیرن یا یه سری کارا رو انجام بدن و این که چیزای جدیدی رو امتحان کنن و بعد این جوری بودم که خب، اوکی مثلاً طرف که این قدر آدم گنده و مشهوریه، داره هنوز وقت می‌ذاره و یه سری کارا رو انجام می‌ده و یه سری چیزا رو یاد می‌گیره و مثلاً تو هیچ کاری نمی‌کنی و این باعث شد یه کم تتبلی رو بذارم کنار و منم سعی کنم به جای این که هی بهونه بیارم و هیچ کاری نکنم، مهارت‌های جدید یاد بگیرم، رو مهارت‌های قبلیم کار کنم و این جوری.»

«... شما گفتید بعضی از تبلیغات به دنبال نشون دادن وجهه مثبت و خوب گروه هستن.»

بله اون تبلیغات هم هستن که هدف‌شون در اصل اطلاع‌رسانی هست. یعنی می‌خوان بگن که این صرفاً یه گروه موسیقی نیست و فعالیت‌های انسانی و مثبت خیلی خوبی هم داره انجام می‌ده که خب با این فعالیت‌های مثبتی که انجام می‌دن چندتا هدف به دست میاد.

- چه هدف‌هایی هستن؟

مثلاً اولیش این هست که این فعالیت‌ها به خودی خود تأثیر مثبت دارن و باعث پیشرفت اوضاع می‌شن، دومیش این هست که خود گروه مشهورتر می‌شه با توجه به فعالیت‌های چند وجهی که داره، یعنی از یه طرف تو حوزه موسیقی داره کار می‌کنه و از شهرتی که به دست آورده هم برای گسترش کارای مثبت تو دنیا استفاده می‌کنه، هم برای جهان و هم برای بی‌تی‌اس فایده داره. به قول معروف بازی برد-برد هست دیگه (باخنده).

- پس با توجه به قسمتی که از چند وجهی بودن صحبت کردید، از نظر شما بی‌تی‌اس هم چند وجهی هست، درسته؟

کاملاً برای این که الان با زمان گذشته خیلی فرق کرده، اگر بچه‌ها رو هم نگاه کنیم، متوجه می‌شیم کاملاً که پدر و مادر این بچه‌ها تا حد توان خودشون، فقط به این اکتفا نمی‌کنن که دختر یا پسرشون مدرسه بره. در کنار مدرسه سعی می‌کنن مهارت یا دانش دیگه‌ای رو هم کسب کنن مثلاً زبان، هنر، ورزش و برنامه نویسی که خب خیلی مورد توجه قرار می‌گیرن. خب حالا بچه‌ها دارن مهارت‌های مختلف رو یاد می‌گیرن قطعاً افراد مشهور هم این کار رو انجام می‌دن.»

نیکوی ۱۵ ساله و مهشید ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌هایی که دارند، از الگوبرداری ارزشی و عمیق خویش از ستاره‌های بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- نیکو جان تاحالا خودت یا بین دوستان کسی بوده که تحت تأثیر بی‌تی‌اس به هم‌جنس‌گرایی تمایل پیدا بکنه؟»

توی ایران خانواده‌ها، مدرسه، آموزش و پرورش و کلاً جامعه‌مون اصلاً با این موضوع اوکی نیستن که هم‌جنس‌گرا باشی و توی سن ما و بین نوجوون‌ها خیلی‌هاشون ممکنه، واقعاً این حالت رو داشته باشن، یعنی گرایش داشته باشن، ولی مخفی‌اش کنن، به خاطر این که تحقیر نشن و مسخره نشن، به خاطر همین هیچ وقت در موردش حرف نمی‌زنن، مگر این که به دوست خیلی صمیمی‌شون بگن یا به خواهر و یا برادرشون، یعنی کسی که خیلی بهش اعتماد دارن بگن یا این که تو خودشون نگه می‌دارن. ولی یه سری‌ها هم هستن که واقعاً گی نیستن و تحت تأثیر جو کی‌پاپ این توهم رو می‌زنند، مثلاً یکی از دوستانم که فکر می‌کنم خیلی تحت تأثیر این‌ها قرار داره و اعضا رو خیلی باهم شپ می‌کنه، یه بار داشت می‌گفت که دوست خودش رو یه بار بوسیده و فکر می‌کرد، واقعاً به دخترها گرایش داره، ولی من فکر می‌کنم که خیلی تحت تأثیر مومنت‌های بین اعضا و شپ‌هاشون و حتی پروفایلش اکثراً عکس دوتا از اعضا باهم یا یکی از مومنت‌های بین‌شونه. روی یکی از دوستاش کراش داشت و محبت می‌کرد به اون دوستش و این شبیه همون محبت‌هایی بود که جونگ‌کوک و تهیونگ گاهی به هم نشون می‌دن و حالت تظاهر داره، مثلاً توی یکی از کنسرت‌هاشون به هم دیگه حلقه دادن و مشخص بود که این کارشون ظاهریه، ولی آرمی‌ها خیلی شلوغش کردن که اینا به هم حس دارن که به هم حلقه دادن و یا مثلاً موهای هم رو ناز می‌کنن. این دوستانم با کراش هم همین شکل کارها رو انجام می‌داد و به نظرم یه جورهایی داشت تقلید می‌کرد.»

«- گروه بی‌تی‌اس چه ویژگی داشت که جذبت کرد؟»

بین چندتا تفاوت وجود داره بین موسیقی کشور ما با کی‌پاپ که اینا باعث افزایش روزافزون طرفدارهای این سبک می‌شه که الان برات چندتا شون رو می‌گم، اول این که معنی بیش‌تر شعرهاشون به دوست داشتن خود، هدف داشتن و ناامید نشدن و تسلیم نشدن اشاره داره و این

معنی دار بودن و انرژی مثبتی که گروه داره، یکی از نکاتی هست که طرفدارهای زیادی دارن. دوم این که اصولاً تفاوت باعث جذابیت می‌شه، کی‌پاپ همراه با آهنگ، دنس و رقص رو هم همراه موسیقی آورده، برای همین در کل دنیا مورد توجه قرار گرفتن، در طول تاریخ موسیقی دنیا رو هم نگاه کنی، هر تفاوتی که ایجاد شده باعث جذابیت و طرفدارهای زیاد شده.

بی‌تی‌اس به چیزی که خیلی معروفه کلاً بین همه گروه‌هایی که هستش اینه که هیچ‌چیزی برايشون غیرممکن نیست، یعنی این قدر می‌جنگن و این قدر تلاش می‌کنن برای خواسته‌شون که قطعاً به اون هدف می‌رسن و این هم خیلی روش مانور می‌دن و خیلی یاد می‌دن به فناشون... دوتا چیزی که خیلی روش مانور می‌دن یکی دوست‌داشتن خودته، روی این موضوع خیلی تأکید دارن. معتقدن که ما خودمون رو دوست داشته باشیم، به خیلی چیزها دست پیدا می‌کنیم و از دیگران خیلی جلوتریم. بعد چیزی بارزش‌تر از خودمون نمی‌تونه باشه در دنیا و تحت هر شرایطی نباید جا بزنینم و نباید وقتی که شکست خوردیم، جا بزنینم... هدف دار بودن و این که برای هدف بجنگی، هر چه قدر هم شرایط سخت شد، تو تسلیم نشی و سخت‌تر و بیش‌تر برایش تلاش کنی، این دوتا مورد خیلی بولده توی این گروه، موضوع شعرهاشون هم بیش‌تر همین، امید داشتن، امید دادن، خودت رو دوست داشته باشی، به چیزهای مثبت فکر کنی و به خاطر دیگران خودت رو عوض نکنی و تسلیم شرایط و موقعیت‌ها نشی، ویژگی‌هایی که ناداری رو بهونه نکنی، مثلاً من اگه پولش رو داشتم، به اونجا می‌رسیدم، اگر پارتی داشتم به فلان چیز می‌رسیدم، این‌ها همه بهونه هست. تو نخواستی که نشده، مثلاً چند سال پیش کمپنی رو درست کرده بودند به نام لایو یورسلف آلبومی هم با همین تایتل (عنوان) دادن. این کمپن بزرگ و بزرگ‌تر شد و به هر کشوری که رفتن این رو تبلیغ کردن و تو آهنگاشون این رو تبلیغ می‌کردن تا این که یونیسف دعوت‌شون کرد، اون‌جا سخنرانی داشتن، سخنرانی‌شون خیلی خوب و جذاب بود، از اون به بعد هم هر سال حتی در ایام کرونا به‌صورت ویدیو پیام فرستادن و یا به صورت حضوری رفتن یونیسف و همین چند ماه پیش به‌عنوان نماینده قاره آسیا رفتن و برای سازمان ملل صحبت کردن برای مشکلاتی که در آسیا هست و در مورد این تبعیض نژادی و تفاوت‌هایی که بین آسیا، اروپا و آمریکا هست صحبت کردن».



با توجه به آن که گروه بی‌تی‌اس و دیگر گروه‌های کی‌پاپ و پاپ با تکیه بر ظواهر صوری و تحریک‌های رفتاری عاطفی در پی اثرگذاری بر مخاطبان خود هستند، وقوع پدیده اشباع در آن‌ها قابل پیش‌بینی است. گلاره ۱۴ ساله و رهای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خود با اشاره به مسأله اشباع شدن خویش از گروه‌های اولیه‌ای که بدان‌ها علاقه داشتند، از پیوستن خود به گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«چرا چنین تصور و فکری داشتی که هیچ‌وقت قرار نیست خودت هم مثل دختر دایات طرفدار کره‌ای‌ها بشی؟»



می‌دونی من توی سن یازده سالگیم فقط یه کلمه خارج می‌شناختم که شامل آمریکا و کشورهای شیک و با کلاس بود (می‌خندد) و خب فکر می‌کردم کره‌ای‌ها و چینی‌ها و ژاپنی‌ها یه مشت آدم زشت هستن و اون‌ها رو مثل افغانی‌ها در نظر می‌گرفتم. کلاً توی اون سن بچه بودم و سلیقه‌ام بعداً عوض شد و بعد این کشورها رو شناختم.

– در ادامه چه چیزی باعث شد که شما به‌جای این که دنبال گروه بلک‌پینک بری، ترجیح دادی طرفدار گروه بی‌تی‌اس بشی؟  
من اون اوایل نزدیک ۳، ۴ هفته فقط با بلک‌پینک آشنا بودم و حتی بایسم<sup>۱</sup> رو هم انتخاب کرده بودم. یک روز دوستم یکی از موزیک ویدیوهای که تازه از بی‌تی‌اس منتشر شده بود را برای من فرستاد. اون ویدیو، ام‌وی<sup>۲</sup> (موزیک ویدیو) بوی ویت لاو<sup>۳</sup> بود که با هالزی<sup>۴</sup> خونده بودن. بعد دوستم که موزیک ویدیو رو برام فرستاده بود، بهم گفت که من از بی‌تی‌اس بدم میاد. منم اون زمان برای این که می‌خواستم ثابت کنم آدم پایه و باحالی هستم، گفتم که «آره، اصلاً اینا کی هستن»، «چه قدر زشتن» و از این جور حرف‌ها. بعد از یک مدت به خاطر این که از بلک‌پینک خسته شده بودم، رفتم سراغ همون موزیک ویدیوی بوی ویت لاو و چند بار نگاهش کردم و بعد سراغ بقیه ام‌وی‌های بی‌تی‌اس رفتم.  
من علاوه بر این توی گوگل هر چیزی که مربوط به بی‌تی‌اس می‌بود رو سرچ و نگاه می‌کردم تا این که فن‌شون شدم یعنی فهمیدم آرمی<sup>۵</sup> معنی‌اش چیه و به فن‌هاشون می‌گن آرمی و اسم اعضاء رو فهمیدم و تونستم چهره‌هاشون رو از هم تشخیص بدم و بایس برای خودم انتخاب کنم. بعد از اون کلاً دیگه بلک‌پینک رو گذاشتم کنار.

«– چي اون اجراها تو رو جذب کرد، صداشون، رقص‌شون، جلوه‌های بصری یا موارد دیگه؟  
(با خنده) خب جلوه‌های بصری چون خب یک ویژوال<sup>۶</sup> (چهره‌ی گروه) داشتن. به اسم... البته فکر نمی‌کنم ویژوال بود. منتها به نظرم خیلی خوشگل بود. به خاطر اون رفتم دنبال کردم. بعد رفتم آهنگ‌هاشون رو گوش کردم، خوشم اومد. تنوع جالبی بود و دیگه از اون موقع تاحالا درگیرم (می‌خندد).

– پس اولین فندومی که واردش شدی اکسو-ال<sup>۷</sup> (نام طرفدارهای گروه اکسو) بود؟  
بله.

<sup>۱</sup> - بایس (bias) به فرد مورد علاقه یک طرفدار در یک گروه گفته می‌شود. اگر فردی بگوید که بایس من فلان شخص از اعضای گروه است، یعنی از بین اعضای گروه، آن فرد را بیش‌تر از سایرین دوست دارد.

<sup>۲</sup> - MV (Music Video)

<sup>۳</sup> - Boy with Luv (2019)

<sup>۴</sup> - هالزی (Halsey) خواننده و ترانه‌نویس آمریکایی است. او با منتشر کردن موسیقی در شبکه‌های مجازی توجه‌ها را به خودش جلب کرد. در ۲۰۱۴ او اولین قرارداد موسیقی خود را بست و پس از آن در همان سال اولین آلبوم چندآهنگه خود را منتشر کرد. هالزی برای صدای خوانندگی متمایزش برجسته شده است.

<sup>۵</sup> - آرمی (Army) در معنای اولیه به معنای ارتش یا گروه سربازان هست، ولی امروزه در فرهنگ عامه و در فضای مجازی، کلمه آرمی به عنوان اسم جمعیت هواداران گروه موسیقی بی‌تی‌اس تلقی می‌شود که به معنای لشکر بی‌تی‌اس نیز هست.

<sup>۶</sup> - Visual

<sup>۷</sup> - Exo-L



- خوب گروه‌های دیگه‌ای هم هست که فن‌شون باشی؟

بله، بله. الان دیگه اکسو- ال نیستم و فن یه گروه دیگه‌ام.

- چرا دیگه طرفدار اکسو نیستی؟

به خاطر این که به نظر من، بعد یه مدت گروه‌ها، سیر پیشرفت‌شون، نزولی می‌شه. یعنی هفت سال اینا یا اون قرارداد دوره‌ی اول‌شون رو که رد می‌کنن، حالا یا از کمپانی جدا می‌شن، یا دیگه موزیک خوبی نمی‌دن یا پخش و پلا می‌شن، هر کدوم سولو<sup>۱</sup> (فعالیت انفرادی) دیو (شروع رسمی یک فعالیت)<sup>۲</sup> می‌کنن و اینا و من هیچانی نداشتم.

- خوب یعنی تو صرفاً اون شخص یا گروه رو دوست نداشتی.

اوهوم. اوهوم. چرا. من خیلی آدم منطقی‌ای هستم. خیلی راحت هر موقع حال نکنم، یه گروه رو ول می‌کنم.

- یعنی کارشون رو دنبال می‌کنی، خودشون رو نه.

بله. دیگه آهنگاشون جذابیتی نداشت برام دیگه».

نکته بعدی که در ارتباط با الگوها باید متذکر آن شد، ضرورت تبیین تحولی رفتارهای نوجوانان طرفدار است. به این معنا که اگر چه در آغاز بلوغ، تحولات مغز بالایی نوجوان و واکنش‌های بعضاً شدید وی که اولیاء و اطرافیان را به مقابله نسبی با جوان وامی‌دارند و نوجوان در میان قضاوت‌های گوناگون و تهدیدهایی که متوجه وی می‌شود، به نوعی احساس سردرگمی می‌کند، اما در گذر زمان با تکمیل مغز بالایی جوان از سویی و ورود فرد به جامعه و مواجه شدن با دغدغه‌های جدید، جوان ممکن است به سادگی دست از گروه مورد علاقه خود که راهنما و هادی وی در دوره سردرگمی بودند، بکشد و به گروه‌ها و یا مباحث دیگری رو آورد که احساس نیاز به آن‌ها را در خودش به تازگی کشف کرده است. کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌اش از تغییر دغدغه‌های نوجوانی خویش در دوران جوانی و ادامه زندگی، به قرار زیر یاد کرده است:

«- الان با توجه به این که دیگه به اون معنای قبل طرفدار گروه بی‌تی‌اس نیستی، چه چیزی رو جایگزین داری؟ یعنی به هر حال می‌گی اون موقع نقش خیلی مهمی رو داشتن. حتی یه جوایبی انگار نگهت داشتن. الان چیه که نگهت می‌داره و چیه که جایگزین اون گروه و محتوایش شده؟

حقیقتاً جای خالیش رو حس می‌کنم. یعنی با یه سری چیزا تا یه حدی اون جای خالی رو پر کردم... یعنی نه جای خالی بی‌تی‌اس رو. جای خالی همون چیزی که قبل از این که بی‌تی‌اس بیاد، خالی بود. یعنی بی‌تی‌اس اومد پرش کرد و بعد که دیگه بی‌تی‌اس نمی‌تونست پرش کنه و یه جوایبی برام اون قالب کوچیک شده بود، الان با یه سری چیزای دیگه تا یه حدی اون جای خالی رو پر کردم. می‌تونه مثلاً... ارتباطاتی که توی دنیا ایجاد می‌کنم باشه، می‌تونه فلسفه باشه. چون همون اولشم چیزی که توی موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس من رو جذب کرد، محتوای

<sup>۱</sup> - Solo

<sup>۲</sup> - Debut

فلسفی‌اش بود. یکی از اصلی‌ترین چیزاش بود که مثلاً کارشون واقعاً ارزش نگاه کردن رو داشت و چیپ<sup>۱</sup> (بی‌ارزش) نبود، مثل اکثر آهنگایی که شنیده بودم یا موزیک ویدیوهایی که دیده بودم. یه جورایی انگار با چنگ و دندون خودم رو نگه داشتم تو زندگی. توی لحظه. با لحظات خوب. با حس‌های خوبی که سعی می‌کنم تجربه کنم. و حقیقتاً جای خالی این که یه چیزی رو، یا یه کسی رو انقدر دوست داشته باشم که صرف وجود داشتن اون چیز، یا صرف وجود داشتن اون شخص برای اون که من دوست داشتم باشمش برام کافی باشه، جای اون واقعاً حس می‌شه، جای خالی‌اش و تا یه حدی با یه چیزایی که الآن مقتضای سن الانمه. چون الآن من اگه بخوام هم نمی‌تونم پیام یه آرتیست رو برای خودم در این حد مهم بکنم. می‌دونم، این مقتضای سن اون موقع من بود یا شخصیت اون موقع من. ممکنه یه نفر تو سن الآن من همون شخصیت رو داشته باشه. ولی برای من توی اون بازه زمانی بود. مثلاً الآن اگه بخوام هم نمی‌تونم به یه آرتیست یا یه هنرمند اون قدر اهمیت بدم که بشه دلیل زندگیم. ولی خب اون جای خالی رو پر کرد، اون زمان بی‌تی‌اس و الآن تا یه حدی پر شده و نه به اندازه زمانی که بی‌تی‌اس جاش رو پر کرده بود حقیقتاً.

- اوهوم.

ولی خب با این که می‌دونم این چیزهایی که الآن دوس‌شون دارم به اون اندازه جاش رو پر نمی‌کنه، ولی دیگه نمی‌تونم خودم رو قانع بکنم که یه آرتیست رو اون قدر دوست داشته باشم».

### ۳-۲۲- استفاده از بسترسازی‌های اولیه در جامعه (ادغام کی‌پایر و کی‌درامر)

در جهان حاضر، قدرت تنها معطوف به قدرت اقتصادی نیست و باید هم‌زمان با اندیشه به مفهوم قدرت، به مقوله برتری فرهنگی نیز اندیشید، به تعبیر دیگر، اگر بخواهد جنگ سوم جهانی در کره خاکی ما شکل بگیرد، این جنگ بیش‌تر از آن که نظامی و اقتصادی باشد، سنخ جنگ فرهنگی را خواهد داشت. از این رو، دولت کره از قریب سه دهه پیش هم‌زمان با رشد و اعتلای اقتصادی جامعه کره، کوشید تا با بسترسازی مناسب اولیه، رشد و اعتلای فرهنگی خویش را نیز رقم زده، با اتکاء به هر دو مؤلفه قدرت اقتصادی و قدرت فرهنگی به پیش‌برد اهداف راهبردی خویش اقدام ورزد.

دانشنامه ویکی‌پدیا در گزارش موج کره‌ای یا هالیو که از دهه ۱۹۹۰ به بعد در کره جنوبی شکل گرفت، می‌نویسد:

«موج کره‌ای یا هالیو نوواژه‌ای است که به گسترش جهانی فرهنگ کره جنوبی از دهه ۱۹۹۰ به این سو اشاره دارد. این موج در مراحل آغازین با گسترش سریال‌های درام و موسیقی پاپ کره‌ای در آسیای شرقی، جنوبی و جنوب شرقی وسعت گرفت و بعدها با رشد اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه قرار گرفتن نم‌های پاپ کره‌ای روی یوتیوب به مفهومی جهانی تبدیل گشت. اصطلاح هالیو نخستین بار در سال ۱۹۹۹ توسط وزارت فرهنگ و گردشگری کره جنوبی استفاده شد. این وزارتخانه در آن زمان یک لوح فشرده موسیقی به زبان چینی تحت عنوان «هالیو: ترانه‌ای از کره» تولید کرده بود که رسانه‌های چینی از نام آن برای توصیف موفقیت فرهنگ مردمی کره در چین استفاده کردند.

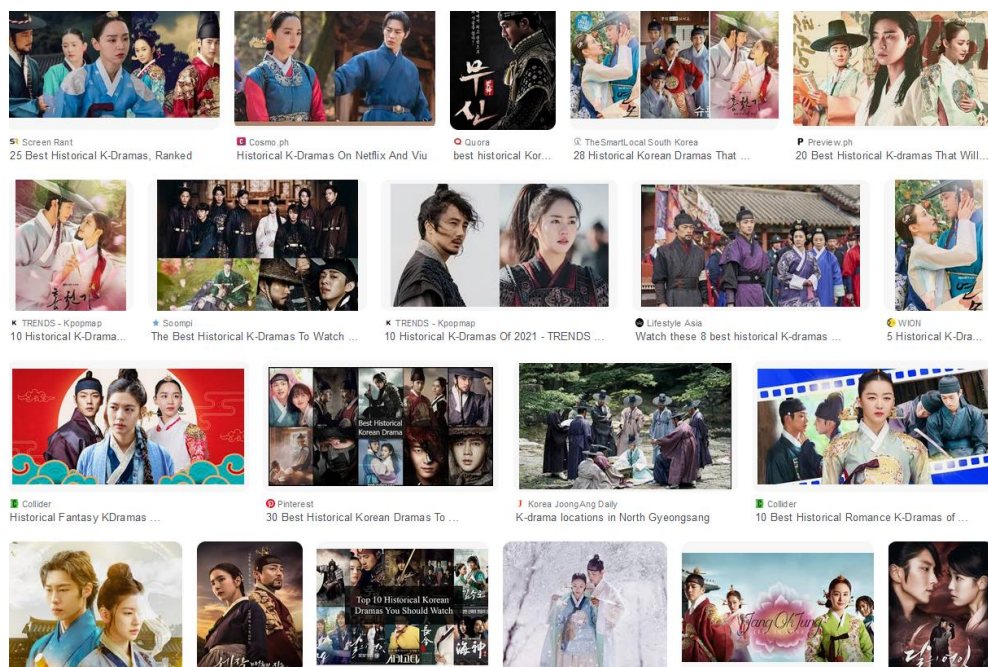
نام کره جنوبی با طلوع سده ۲۱ میلادی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان فرهنگ عامه و جذب گردشگر بر سر زبان‌ها افتاد. موارد یادشده از جمله مهم‌ترین وجوه اقتصاد رو به رشد این کشور بوده‌اند. شهرت روزافزون فرهنگ عامه کره در میان بسیاری از ملل دنیا باعث شد تا دولت کره جنوبی به منظور گسترش قدرت نرم خود با پرداخت یارانه و تأمین مالی شرکت‌های نوپا که در حوزه سرگرمی فعال بودند، تلاش کند. هدف دولت کره از این کار رقابت با فرهنگ‌های عامه ژاپن و بریتانیا بود؛ حوزه‌ای که در حدود نیم قرن است که در تسلط آمریکایی‌ها است. در این میان جهان غرب به تدریج جامعه کره جنوبی را به عنوان یک جامعه توسعه‌یافته شناخت.

بخش اعظم موفقیت موج کره‌ای مدیون پیشرفت‌های خدمات شبکه‌های اجتماعی و سک‌های برخط ویدیو بود. فرهنگ عامه کره از طریق این ابزارها به مخاطبانی که بسیار دور بودند، منتقل شد. به‌کارگیری این ابزارها در راستای تسهیل تبلیغات، پخش و مصرف محصولات مختلف سرگرمی کره‌ای (به ویژه موسیقی پاپ کره‌ای) باعث شده فرهنگ این کشور از میانه‌های دهه ۲۰۰۰ در میان جهانیان شناخته شود.

گسترش موج کره‌ای از اوایل سده ۲۱ میلادی به شدت بر فرهنگ معاصر، صنایع موسیقی، فیلم، تلویزیون و جنبه‌های رفتاری انسان‌های مختلف در دنیا تأثیر گذاشته است».

<sup>۱</sup>- Cheap





پاسخ‌دهندگان زیادی در مصاحبه‌های خود اذعان داشته‌اند، اولین آشنایی آنان با کشور کره و در ادامه گروه بی‌تی‌اس، آشنایی با صنعت فیلم و سریال کره جنوبی یا کی‌دراما از طریق سیمای جمهوری اسلامی بوده است و در ادامه از کی‌دراما به سمت کی‌پاپ کشیده شده‌اند، خاصه آن که برخی از خوانندگان کی‌پاپ، به عنوان هنرپیشه، در صنعت کی‌دراما بازی کرده و نقش‌آفرین بوده‌اند.



ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش در توصیف تاریخچه کی‌پاپ، از حضور توامان کی‌پاپ و کی‌دراما یاد می‌کند:

«- ریحانه از تاریخچه کی‌پاپ چی می‌دونی تا در ادامه به بی‌تی‌اس برسیم. ببین کی‌پاپ، مسأله‌ی جدیدی در جامعه‌ی ایران نیست. کی‌پاپ بیش‌تر از دو دهه پیش با گروه‌هایی مانند سوپر‌جونیور<sup>۱</sup>، دابل‌اس فایو او وان<sup>۲</sup> و اس ان اس دی<sup>۳</sup> و صنعت کی‌دراما و سریال‌هایی مانند «پسران فراتر از گل»<sup>۴</sup>، «رؤیای بلند»<sup>۵</sup> و «تو زیبایی»<sup>۶</sup> به نوجوانان و جوانان ایرانی معرفی شد».



شبنم ۲۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با بیان این که سریال کرهای «سامسون» را بیش از ۱۰۰ بار دیده است، به شکل غیرمستقیم از عمق و عظمت صنعت فیلم و سریال کره جنوبی یاد می‌کند:

«یه سریال کره‌ای بود به اسم «سامسون» که فارسی وان نشون می‌داد. سر اون بود که استارت علاقه من به کره خوردش. از اون فیلم شروع شدش».

۱- سوپر جونیور (Super Junior) گروه موسیقی پسرانه اهل کره جنوبی است که در سال ۲۰۰۵، توسط لی سو-مان، مؤسس اس.ام. اینترتینمنت، شکل گرفت. این گروه در ابتدا با حضور ۱۳ عضو، لیتوک، هیچول، هان گنگ، یسونگ، کانگین، شیندونگ، سونگمین، اونهوک، دونگهه شیوون، ریووک و کیبوم آغاز به کار کرد. کیوهیون نیز در سال ۲۰۰۶ به گروه پیوست. سوپر جونیور در سال ۲۰۰۹، با انتشار تک‌آهنگ موفق «ببخشید، ببخشید» از آلبومی با همین عنوان، در سطح بین‌المللی مطرح شد و عنوان «پادشاه موج کره (هالیو) و پادشاه کی‌پاپ» را از آن خود کرد و ۳ سال متمادی جایگاه «پرفروش‌ترین هنرمند» کی‌پاپ را حفظ کرد.

۲- دابل اس ۵۰۱ (SS501) گروه خواننده پسرانه در کره جنوبی بوده است؛ که توسط کمپانی دی اس پی تشکیل شده بود. این گروه از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ فعالیت داشتند.

۳- گرلز جنریشن (Girls' Generation) که به اس‌ان‌اس‌دی نیز معروف است، یک گروه دخترانه اهل کره جنوبی است. این گروه توسط اس.ام. اینترتینمنت پایه‌گذاری شده و دارای هشت عضو به نام‌های ته‌یان، سانی، تیفانی، هیویان، یوری، سویونگ، یونا و سوهیان است. در ابتدا و در سال ۲۰۰۷، گرلز جنریشن با نه عضو به عرصه موسیقی وارد شد، اما در سپتامبر ۲۰۱۴ بود که نهمین عضو گروه یعنی جسیکا، از گروه جدا شد. به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های «موج کره‌ای» و یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های «کی‌پاپ» در سطح بین‌المللی، گرلز جنریشن تعداد بی‌شماری جایزه و عنوان‌های افتخاری از جمله «خوانندگان ملی» و «گروه دخترانه ملی» کسب کرده‌است.

۴- پسران فراتر از گل‌ها (Boys over flowers) یک مجموعه تلویزیونی کره‌ای است که در سال ۲۰۰۹ توسط کانال کی‌بی‌اس ۲ ساخته شد. این مجموعه بینندگان بالایی در کره جنوبی داشت و یکی از محبوب‌ترین سریال‌ها در سراسر آسیا شد. بازیگران این مجموعه کو هائه سان، لی مین-هو، کیم هیون-جونگ، کیم بوم، کیم جون و کیم سو-اون هستند. پسران فراتر از گل‌ها از ۵ ژانویه تا ۳۱ مارس ۲۰۰۹ در ۲۵ قسمت از کی‌بی‌اس ۲ پخش شد.

۵- رؤیای بلند (Dream high) نام مجموعه تلویزیونی کره جنوبی با بازیگری به سوزی از میس ای، کیم سو هیون، اوک تکیون از توپی‌ام، هاهم ایون جونگ از تی‌آرا، جانگ وو یونگ از توپی‌ام و آی‌یو است که در ۲۰۱۱ میلادی از شبکه کی‌بی‌اس ۲ پخش شد. این درام در بین نوجوانان بسیار محبوب بود و در طول دو ماه از پخش آن، در بین بینندگان رتبه بین ۱۸٪ تا ۲۰٪ را به دست آورد.

۶- تو زیبایی (You are beautiful) عنوان مجموعه تلویزیونی محصول شرکت SBS کره جنوبی است. این مجموعه تلویزیونی با گرفتن بیش از چهار جایزه به عنوان بهترین مجموعه تلویزیونی کره در سال ۲۰۰۹ برگزیده شده‌است.



– می‌شه لطفاً درباره علاقه و خیال‌پردازی‌هایت درباره اون بازیگر کره‌ای بیش‌تر بگی؟  
خیلی دنبالش می‌کردم توی اینستاگرام. البته خیلی دیگه توی چشم نیست و کلاً دوتا سریال بازی کرده، ولی من سر همون دوتا سریال خیلی بهش علاقه دارم.

– شروع این علاقه از چه سنی بود؟

اون موقع که این فیلم رو فارسی وان می‌داد من راهنمایی بودم و همیشه آرزو داشتم ببینم این سریال رو. ولی مامانم نمی‌داشت و می‌گفت برو بخواب و این به درد سن تو نمی‌خوره و این رفته بود توی مخم و علاقه‌ام رو بیش‌تر می‌کرد که این مگه چیه که مادرم نمی‌ذاره من ببینم. بعد که بزرگ‌تر شدم رفتم سریالش رو خریدم و شاید بالای صد بار باشه که من این سریال رو نگاه کردم. طوری که آبجیم کلافه می‌شد و می‌گفت تو چه طور می‌تونی هنوز این رو ببینی؟!».

نگین ۱۹ ساله و سعیده ۲۰ ساله، در مصاحبه مشترکی که دارند، با تکرار حرف‌های شب‌نم در دیدن چندین و چند باره سریال «پسران برتر از گل»، از تنوع و غنای سریال‌های کره‌ای یاد کرده، تأکید ورزیده‌اند که با دیدن فیلم‌ها و سریال‌های صنعت کی‌دراما، دیدن فیلم‌ها سریال‌های ایرانی را کنار نهاده‌اند و دیگر سال‌ها است که سریال‌های ایرانی را ندیده‌اند:

«– خوب نگین جان تو به من می‌گی که چه جوری با صنعت کی‌دراما و کی‌پاپ آشنا شدی و بعد بی‌تی‌اس رو به سعیده معرفی کردی؟  
نگین: خب من ناخواه با سریال‌هایی که تلویزیون پخش می‌کرد با این صنعت آشنا شده بودم. وقتی سال هفتم بودم می‌دیدم که یک گروهی از هم‌کلاسیام با هیجان خیلی عجیبی درباره فیلم‌ها و آهنگ‌های کره‌ای صحبت می‌کنند. اصلاً این گروه جو خیلی باحال و عجیبی داشتند. یه بار کنارشون نشسته بودم دیدم دارند درباره لی مین هو صحبت می‌کنند. اون قدر با هیجان درباره‌اش حرف می‌زدن که یادمه تا رسیدم خونه، لپ‌تاپ رو آوردم سر میز ناهارخوری و در حالی که ناهار می‌خوردم، اسمش رو سرچ زدم و دیدم واو خدای من. این بشر معرکه هس. دیگه هر چی فیلم که لی مین هو توش بازی می‌کرد رو دانلود کردم و دیدم. بعد همین طوری هر سریالی می‌دیدم و از یکی از بازیگراش خوشم می‌اومد، می‌رفتم فیلماش رو دانلود می‌کردم و می‌دیدم و این طوری شد که من یه عالمه سریال کره‌ای دیدم.

– چه چیز لی مین هو تو رو به خودش جذب کرده بود؟

نگین: خب در درجه اول صددرصد قیافه‌اش. ولی بعدش که فیلماش رو دیدم، بازی کردنش من رو به خودش جذب کرد. یعنی اون قدر خوب بازی می‌کرد که من دهنم وا می‌شد. یعنی طبیعی طبیعی. من تاحالا ندیده بودم یه بازیگر این قدر طبیعی بازی کنه. واقعاً وقتی لی مین هو یا بقیه بازیگرای خوب یه فیلمی رو بازی می‌کردند، من واقعاً جذب سریال می‌شدم. یعنی اون قدر محو می‌شدم که نمی‌دوستم تو زندگی واقعی هستم یا تو فیلم.

سعیده: چهره واقعاً تأثیر داره. من در درجه اول جذب بازی خوشش شدم. و بعد کم کم به این نتیجه رسیدم که واقعاً قیافه‌اش محشره.

نگین: اینم بگما واقعاً سریالاشون خیلی متنوعه. محتوای تکراری پیدا نمی‌شه تو سریالاشون.

– منظورتون از این که می‌گین موضوع‌هاشون متنوع بود، چیه؟

سعیده: ببین سریالای ایرانی خیلی تکراری‌ان. همه‌اش درباره رنج و سختی و فلاکت. بمب ناامیدی‌ان. ولی سریال کره‌ای درسته که توش رنج و فقر هست، اما اون قدر امید به آدم می‌ده. یعنی من هر وقت، هر مشکلی دارم، می‌نشینم سریال کره‌ای می‌بینم. واقعاً من رو از همه چی دور می‌کنه و فقط من رو به فضای سریال می‌بره. به خودم میام می‌بینم نشستم پای سریال و دارم لبخند می‌زنم، ذوق می‌کنم. خیلی کم پیش میاد من بشینم گریه کنم و اون صحنه‌های گریه‌آور هم واسم جذابه. یعنی کل سریال امید بخشه. مثلاً یه سریال بود که احساس می‌کنم خیلی



تأثیرگذار بود روی همه کی‌درامرها از جمله من و نگین. اسمش پسران برتر از گل بود. به احتمال زیاد اسمش رو شنیدی! توش لی مین هو بازی می‌کرد. موضوع مدرسه‌ای داشت. داستانش هم این بود که یه دختره به صورت اتفاقی تو یه مدرسه‌ی اشرافی پذیرفته می‌شه. تو اون مدرسه، لی مین هو و رفیقاش هم هستند که یه جورایی تخس اون مدرسه محسوب می‌شن. بعد لی مین هو و رفیقاش خیلی دختره رو اذیت می‌کنند، ولی تو این حین لی مین هو عاشق دختره می‌شه و ادامه داستان دیگه. من اون قدر شیفته این سریال شدم که اگه بگم بالای ۱۲ بار دیدمش، دروغ نگفتم. خیلی حس خوبی داشت دیگه.

تو سریال‌های کره‌ای پیش اومده که دغدغه‌های آدم‌های پولدار رو هم نشون دادند. حتی دغدغه‌های افراد مسن رو هم نشون دادن. همین سریال اون قدر من رو به فکر برد که من هم روزی پیر می‌شم یا این که رفتارم رو نسبت به اون‌ها عوض کنم. به خاطر همین تأثیر مثبت که تو سریال‌های ایرانی نیست، من نزدیک ۶-۵ سالی هست که اصلاً سریال ایرانی ندیدم.

- می‌شه درباره اون سریالی که گفتین درباره افراد مسن درست شده صحبت کنی؟

سعیده: یکیش چشمان درخشان بود. یکیش هم روزگار جوانی. مفهوم اصلی این سریال‌ها این بود که همه آدم‌ها پیر می‌شن و باید به پیرها احترام بذاریم و بدونیم که اون‌ها هم حق زندگی کردن دارند. تمام مشکلات افراد مسن رو نشون می‌داد. فراموشی، از دست و پا افتادن و خیلی چیزهای دیگه. من واقعاً بعد دیدن این دوتا سریال خیلی متحول شدم و خیلی بیش‌تر به افراد مسن احترام می‌ذارم. مثلاً توی سریال چشمان درخشان، داستان این‌طوره که یه زن پیر رو نشون می‌ده که در جوانیش دوران خیلی عاشقانه‌ای با شوهرش داشتند، اما شوهرش بعد از تولد فرزندشون از دنیا می‌ره. در واقع داستان بر پایه تعریف اون زن از خاطرات دوران جوانیش می‌گذره. این نشون می‌داد که اون‌ها هم دوران شاد و عاشقی داشتند و مثل ما بودند، اما وقتی سن‌شون رفته بالا، مردم بهشون بی‌احترامی می‌کنند و خیلی چیزها. در واقع سریال عاشقانه نبود و بخش عاشقانه‌اش فقط همون دوران جوانی اون خانم بود. ولی واقعاً سریال خوبی بود. یه کم مفهومی بود و درک سریال سخت بود، ولی آموزنده بود.

نگین: خیلی دغدغه‌ها رو نشون می‌دن. مثلاً اگه یه فردی در دوران پیریش می‌خواد بره ماهیگیری، عاشق بشه، بخواد بره پارک و همه این‌ها رو نشون می‌دند. مثلاً اگه یکی تو کهنسالی عاشق بشه رو این جوری نشون می‌دند که این عشق هم قشنگه. خیلی قشنگه که این قدر این مسأله رو باز نشون می‌دند. این‌طوری آدم می‌تونه خیلی خوب این‌ها رو بشناسه. بعضی وقت‌ها که سریال ایرانی رو می‌بینم، یه جوری نشون می‌دند که انگار این آدم‌های مسن هیچ احساسی ندارند. اون‌ها نشون می‌دند که حتی بدترین آدم‌ها هم احساس دارند».



مرضیه ۱۹ ساله، ریحانه ۱۷ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های خود از حضور برخی از آیدول‌ها در صنعت کی‌دراما یاد کرده، خاطرنشان کرده اند که این تمهید ظریف، سبب شده است، آنان بلافاصله از کی‌دراما به سمت کی‌پاپ کشیده شده و طرفدار گروه‌هایی مانند بی‌تی‌اس شوند:

«اول فیلم و سریال کره‌ای زیاد می‌دیدم و یه درامایی رو شروع کردم به اسم هوارانگ که به فارسی شوالیه‌های زیبا هست، بعد گفتم دیگه اون زمانا دنبال دوبله بودم، یعنی نسخه‌های دوبله شده، به خاطر همین هم می‌رفتم از فیلمو می‌دیدم، چه بچه‌ی خوبی بودم من، (((

بعد اون زمان این طوری بودم که کامنت‌هایی که می‌داشتن رو هم می‌خوندم و به موقع‌هایی هم خودم کامنت می‌ذاشتم و تو این بین به جمله رو خیلی می‌دیدم و بله اون جمله این بود که «من این سریال رو فقط به خاطر تهیونگ می‌بینم»، بعد من سرچ زدم ببینم تهیونگ کیه از این طریق فهمیدم عضو گروه بی‌تی‌اسه، البته چون تو این سریال هم نقش اصلی نبود و به همین خاطر توجه من زیاد جلبش نشد، ولی هی داستان که جلو رفت، بیش‌تر باهانش آشنا شدم، هی کیوت بازی در می‌آورد و اکثر مومنت‌هایی هم که از این سریال بیرون می‌اومد، فقط مربوط به تهیونگ بود، البته قبل از همه‌ی این‌ها اسم بی‌تی‌اس به گوشم خورده بود و تا به حدی می‌دونستم به بوی بند کره‌ای هستن و ... .

حتی می‌دونستم به طرفداراشون می‌گن آرمی و من به زمانی از آرمی‌ها بدم می‌اومد و هیچ وقت فکرش رو نمی‌کردم که آرمی بشم خودم، به هر حال این سریال بود باعث شد بهشون توجه کنم و بعد کم‌کم جذب‌شون بشم و این رو قشنگ یادمه اما بعدش که چی شد با هر هفت نفرشون آشنا شدم رو یادم نمیاد (می‌خندد)».

«- عزیزم می‌تونم بهم در مورد این که چه طور با کی‌پاپ آشنا شدی، بگی؟»

توی شبکه‌های ایران، خیلی کیدراما پخش می‌شه. قبلاً می‌دونستم به همچین چیزی هم هست، چون یکی از دوستانم طرفدار اکسو بود. سال فکر کنم ۲۰۱۸ بود که پسرا اومدن برنامه استعدادیابی گات تلنت و دوستم گفت وای بی‌تی‌اس اومده و اینا، ولی خب من زیاد علاقه‌ای نداشتم که خب بخوام برم دنبال‌شون ولی سال ۹۹ یا همون ۲۰۲۰ خودمون سرنوشت یا همون ایمان رو پخش کردن. لی مین هو رو که محبوب دل‌ها هست، از بچگی توی سریال پسران برتر از گل با دوبله شبکه پرشین استار می‌دیدیم.



به بار داشتم هشتگ سریال سرنوشت رو چک می‌کردم که دیدم یکی از آهنگاشون روی به تیکه از فیلمه و از ریتم و حسی که منتقل می‌کرد، خوشم اومد و همون استارتش زده شد. به جورایی ۱۵ آبان ۹۹ اصلی‌ترین روزشه.

- چه چیزی در کی‌دراما بود که باعث شد بهش توجه کنی؟

نمی‌دونم این رو چه جوری جواب بدم، ولی خب کلاً با کیدراماها از کوچیکی به جورایی بزرگ شدیم دیگه، مثل یانگوم و اینا و خیلی راحت‌تر می‌تونیم باهاشون ارتباط برقرار کنیم از به طرفم محتواهاشون قشنگه.



- می‌شه بیش‌تر در مورد حس موزیک‌شون بگی که چه چیزی تو سبک‌شون تو رو به خودش جذب کرد؟

من کلاً خیلی آهنگای ضربی رو دوست دارم، آهنگایی که تند باشن شاد باشن. آهنگ دوپ هم که یکی از پر انرژی‌ترین آهنگاشونه، همون آهنگی بود که روی اون تیکه‌ی فیلم ایمان بود».



«- چی شد که با کی‌پاپ آشنا شدی؟

تقریباً (مکث می‌کند)، اولین بار یه سریال کره‌ای نگاه کردم. تقریباً کسایی که هم سن و سال من هستن و کی‌پاپر ان اکثراً با این سریال با کی‌پاپ آشنا شدن. چون یه گروه خوانندگی کی‌پاپ تو این سریاله بود که بازیگر هم بودن.

- ا... خب، چه سریالی؟

پسران فراتر از گل<sup>۱</sup>.

- فراتر از گل؟

آره. یه سریال عاشقانه خیلی، چی می‌گن، تیپیکاله<sup>۲</sup> (معمول و رایج). اینه که مثلاً یه پسر خیلی پولدار عاشق یه دختر خیلی چیز می‌شه و اینا. بعد خیلی معروف بود. برای اون سال این داستان خیلی جذاب بود.

- یه دختر فقیر، یه پسر پولدار؟

آره. مثل شاهزاده و چیز. بعد داستانش درباره یه پسر بود که رئیس، چی می‌گن، جانشین یه شرکت خیلی خفن گنده‌ی فلان کره‌ای بود و دختره هم مثلاً میاد خیلی اتفاقی بورسیه می‌شه توی مدرسه‌ای که مال بابای این پسر بوده. بعد دیگه اینجا یه سری اتفاقات دارن و داستان عاشقانه. بعد تو این سریاله یه گروه کره‌ای بود که نقش دوم مرد سریالش، عضو همین گروه بود. بعد خود اون گروه هم تو اون سریاله آهنگای اون سریال رو خونده بودن و اینا. بعد دیگه به خاطر این که از اون بازیگر خوشم اومد، رفتم درآوردم که خواننده ان. بعد آهنگای اونا رو گوش دادم و بعد فهمیدم که کی‌پاپ هستند. بعد دیگه با کی‌پاپ به صورت کلی آشنا شدم. ولی الان اکثر کسایی که کی‌پاپر می‌شن فک کنم با بی‌تی‌اس آشنا می‌شن که کی‌پاپر می‌شن. یعنی نسل ما، می‌شه نسل قدیم.

- یعنی مستقیم می‌رن دنبال موسیقی... .

آره.

- نه این که اول برن سریال... .

آره. و حتی اکثراً از کی‌پاپ می‌رن سمت کی‌دراما<sup>۳</sup> یا صنعت فیلم و سریال کره جنوبی.

از کی‌پاپ می‌رن سمت سریالای کره‌ای. برا ما برعکس بود. ولی اکثراً برا اونا الان اول با کی‌پاپ و بی‌تی‌اس آشنا می‌شن و بعد می‌بینن از کره‌ایا خوش شون میاد، بعد می‌رن سریال نگاه می‌کنن. بیش تر مواردی که من دیدم این طوری بود. البته تجربه شخصی خودم بوده، شاید کلیت نداشته باشه».

<sup>۱</sup> - سریال کره‌ای Boys Over Flowers در سال ۲۰۰۹ تولید شده است.

<sup>۲</sup>- Typical

<sup>۳</sup>- K-Drama



پردازش کی‌درامای کره چنان قدرتمند بوده است که فیلم‌ها و سریال‌های آن، پس از سپرده شدن به دست سانسور در ایران، باز هم جذابیت خود را به میزان قابل توجهی حفظ کرده اند. مه‌دیه ۲۰ ساله در مصاحبه‌اش، در همین رابطه می‌گوید:

«- تو می‌گی تو راهنمایی و دبیرستان از طریق دوست هات با کی‌پاپ و کی‌دراما آشنا شدی، یعنی دوستات چه جوری این سریال‌ها و در کل این صنعت رو بهت معرفی می‌کردند؟

توی راهنمایی تا اون جایی که یادمه، بچه‌ها تو مدرسه درباره سریال‌هایی که اون موقع تولید شده بود حرف می‌زدند. یا اون موقع یادمه که خیلی گروه اکسو معروف شده بود و بیش‌تر بچه‌های کلاس‌مون طرفدار این گروه بودند و من هم باهاشون آشنا شدم. توی دبیرستان هم سریال‌های جدیدتر که می‌اومد، دوستام معرفی می‌کردند. من هم یا خودم می‌دیدم یا اگه اوکی بود و مجاز بود، تلویزیون نشون می‌داد و من از اون جا می‌دیدم.

- یعنی چی اوکی و مجاز باشه؟

خب مثلاً آنچنان صحنه‌ای نداشته باشه که همش تو سانسور بره. (با خنده ادامه می‌دهد) آخه تو می‌دونی صدا و سیمای ایران چه جوریه که. برمی‌دارن سریال رو از ریشه نابود می‌کنند. ولی با این حال سانسور چی‌های صدا و سیما خوب کار می‌کنن. سریال خورشید و ماه رو که همش صحنه بود رو خیلی سانسور کردند و توی تلویزیون نشون دادند. ولی باز من اون زمان خیلی طرفدار داشتم.

- مگه اون سریال چه جوری بود؟

اون سریال یه سریال کاملاً عاشقانه بود که حداقل ۵-۶ ساعتش به بوسه و اینا می‌گذشت. ولی سانسور چی‌ها حتی یه دست دادن هم سانسور کرده بودند. ولی باز من بد در نیومده بود. یادمه اون زمان همه دوستش داشتند».



سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی به دلیل آن که کاربر محصولات کی‌دراما بوده است، تاحدودی با زبان کره‌ای آشنا شده و همین عامل سبب شده بود، در برخورد با کی‌پاپ، احساس غرابت نداشته باشد و خیلی ساده‌تر از یک گروه موسیقی خارجی، از بی‌تی‌اس استقبال داشته باشد:

«- خوب سایه شما از چه زمانی طرفدار کی‌پاپ شدید؟

ببین من اول یه تعداد سال زیادی، فکر کنم سه سال، طرفدار فقط بی‌تی‌اس بودم و الان یک‌ساله که با کی‌پاپ هم بیش‌تر مأنوس شدم.

- یعنی اول مستقیم بی‌تی‌اس و نه این مدلی که اول علاقه‌مندی به کی‌پاپ و بعداً تمرکزت روی بی‌تی‌اس بره؟

آره، دقیقاً. من سال ۲۰۱۸ تقریباً می‌شه گفت رسماً آرمی شدم. ولی قبلش هم یه ۶ ماهی داشتم آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دادم و موزیک ویدیوهاشون رو نگاه می‌کردم، ولی اینم نمی‌شه گفت که یک مرتبه آشنا شدم، چون من قبلش کی‌دراما<sup>۱</sup> که سریال‌های کره‌ای باشه رو یه ۴،

۵ سال بود که می‌دیدم.

- یعنی از چندسالگی؟

<sup>1</sup>- K-drama

می‌شه حدوداً از دوران ابتدایی دیگه. من از اون موقع می‌دیدم و گوشم به زبون‌شون عادت کرده بود، برای همین وقتی با آهنگ‌ها رو به رو شدم، برام این طوری نبود که یه چیز جدیدی باشه که نتونم گوش کنم یا اذیتم کنه. چون به هر حال وقتی آدم با یک زبون جدیدی رو به رو می‌شه، اولش گوشش به اون عادت نداره. به هر حال آره، همون سال ۲۰۱۸ بود که دیدم عه فن شدم چون یهویی یه حجم زیادی درگیرش شدم».

### ۳-۲۳- معرفی پسران بی‌تی‌اس به صورت افرادی فراانسان

«مسیر من کجاست؟»

زمین همچنان به لرزیدن ادامه می‌ده،

و من بی‌صدا متلاشی می‌شم،

بلندتر از بمب‌ها، آره،

می‌خوام درباره‌ی تاریکی چیزی بهت بگم،

اون همه جا هست، ازش نترس!

حتی اگه شب من رو توی خودش فرو ببره،

من از جنگیدن برای تو دست نمی‌کشم، ما می‌درخشیم،

من و تو با همدیگه،

ناراحتی و درد رو حس می‌کنیم،

این‌ها تصادفی نیست،

آره، ما خودمون این بازی رو انتخاب کردیم،

بلندتر از بمب‌ها، می‌گم (آه)،

در مقابل دنیا می‌گم (آه)،

زمان‌هایی که نادیده گرفتمت،

روزهایی که به فرار کردن ادامه می‌دادم، دیگه قرار نیست وجود داشته باشن،

پرسداتر از بمب‌ها، می‌گم بلندتر از بمب‌ها، می‌خونم» (فرازی از آهنگ «بلندتر از بمب‌ها» از گروه بی‌تی‌اس).



کمپانی برای ترسیم پسران گروه بی‌تی‌اس در اوج ممکن، مستقیم و غیرمستقیم کوشیده است تا از آنان به مثابه الگوی جوانان، منجی جوانان و انسان‌هایی فراتر از معمول که به فکر اعتلای جوانان و بشریت هستند، با هر نوع ظلم، تبعیض و تعدی مخالف هستند و مانند آن‌ها، یاد کند. هوادارانی هم که مستقیم و غیرمستقیم در معرض تبلیغات اخیر قرار می‌گیرند، به تدریج قانع می‌شوند که ستاره‌های بی‌تی‌اس، انسان‌هایی در تراز نوین و شاید انسان‌هایی فراتر از انسان‌های معمول هستند و از این رو برای آنان احترام زیادی قایل شده، حتی ممکن است در این مسیر با دیده مقدس بودن و تقدس بدان‌ها بنگرند.

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با استناد به آهنگ دچیتای شوگا، از اعضای گروه بی‌تی‌اس، به مثابه افراد ساده‌ای یاد می‌کند که با کوشش‌ها و تلاش‌هایشان، جا در جای پای امپراتورهای پیشین کره گذاشته‌اند و باید آنان را در همین شأن دید:

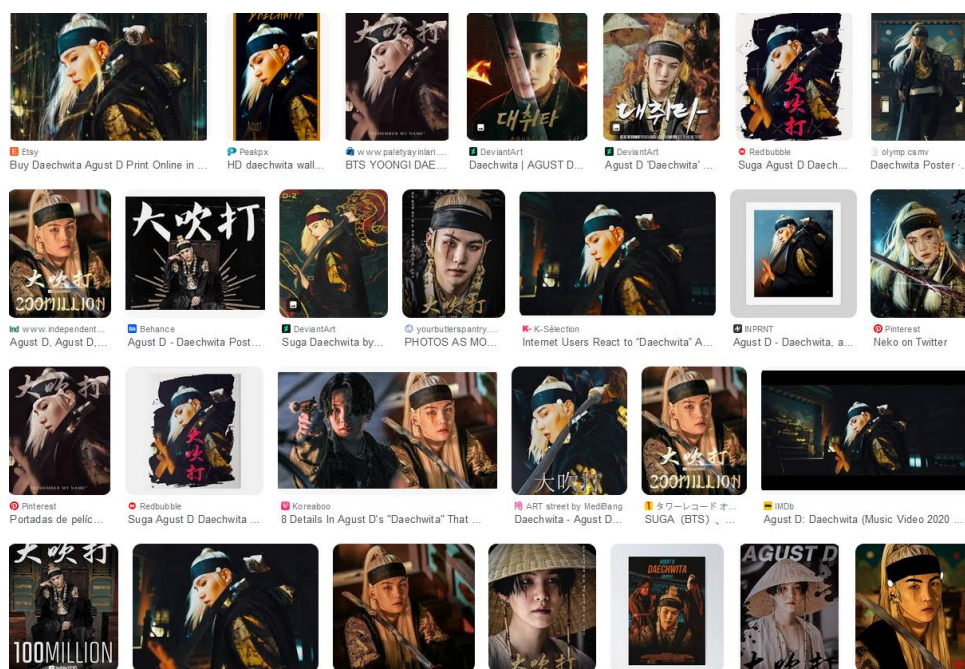
«- درباره آهنگ دچیتا شوگا هم توضیح می‌دی؟

آره، کلاً این موسیقی و تئوریاش خیلی به فرهنگ و سنت کره مربوط می‌شه. اول از همه دچیتا یه موزیک سلطنتی هست. یعنی برای ورود پادشاه می‌زدن، یعنی کلاً برای ورود پادشاه بوده و وقتی می‌خواستن برن استقبال شاه یا وقتی شاه وارد می‌شده یا شاه مهمونی داشته، اون موقع می‌زدند. توی اول موزیک ویدیو وقتی شوگا داره از بازار رد می‌شه، لایه‌های اصلی کاراکتر رو نشون می‌ده، در واقع این مفهوم رو می‌رسونه یه آدم عادی از دل قشر پایین جامعه که پر هرج و مرج هست و اتفاقای زیادی در اون می‌افته، بی‌اعتنا به اطرافش داره مسیر خودش رو می‌ره و براش مهم نیست، چه اتفاقی داره اطرافش می‌افته، هدفش براش مهمه. کلاً این قسمت داستان خوبی رو بیان می‌کنه. سه‌تا نکته توی لیریک آهنگ هست، می‌گه گذشته‌ات رو بذار تو جعبه برنج این اشاره می‌کنه به یه داستانی که توی کره هست شاهزاده‌ای هست به اسم سادو که پدرش شاه بوده به دلایلی تصمیم می‌گیره این رو بندازه تو یه باکس برنج و این سادو بعد یه مدت از گرسنگی و تشنگی می‌میره. دومین نکته‌اش اینه که می‌گه من توی یک گودال به دنیا اومدم، اما به یک اژدها بزرگ تبدیل شدم یه ضرب المثل کره‌ای هست که می‌گه یه مار ۱۰۰۰ سال طول می‌کشه تا یه اژدها بشه، این داره به سخت‌کوشی شوگا اشاره می‌کنه تو اون مسیر هنری که طی کرده، یعنی با همه تلاش‌هاش تونسته از یه آدم سطح پایین تبدیل بشه به یک پادشاه، سومی هم به یک شاه اشاره می‌کنه، پانزدهمین شاه سلسله چوسانه که یک رعیت میاد جای شاه رو می‌گیره و یه چیزیم هست تو تاریخ کره، هر کسی که یک زخم داشته باشه رو صورتش، نمی‌تونه پادشاه بشه، اما اگوست دی تو موزیک ویدیو یک زخم داره روی صورتش و با این حال شاه شده، همون طوری که تو عکس برات فرستادم.

تئوری که کاملاً از توی ذهن خودم میاد و خیلی دوستش دارم، دقت می‌کنم می‌بینم که درسته، چون وقتی بعد نشستیم فکر و بررسی کردم، کاملاً این قضیه اومد توی ذهنم، توی شو بیزینس کره سه‌تا کمپانی وجود دارد که بزرگ‌ترین کمپانی‌های لیبل (عنوان) موزیک کره هستن و اکثر آرتیست‌ها و بندهای موزیک که دارن کار می‌کنن و معروف شدند، مخصوصاً تو سطح اینترنشنال، تحت لیبل این سه‌تا کمپانی‌ان، یعنی جی بی‌ایم این جوری در نظر بگیریم که اونا خانواده سلطنتی‌ان، قشر سلطنتی‌ان و هر کسی بخواد پادشاه بشه هر کسی می‌خواد موفق بشه باید توی این قشر قرار بگیره، اما بی‌تی‌اس این اتفاق براش نمی‌افته بی‌تی‌اس یه بندیه که خودشون شروع کردن با یک لیبل دیگه، به جز این سه‌تا شروع به کار کردن و همون موقعی که شروع کردن بهشون گفتن که شما بازنده اید، ته داستان معلومه شما باختید، چرا چون جزو سه‌تا کمپانی نیستید، این گوشه‌ها دارید برا خودتون کار می‌کنید، همین جاها هم می‌مونید، اما چیزی نگذشت که تبدیل شدن به بزرگ‌ترین بوی بند جهان تبدیل شدن، به پادشاه اگوست دی که رعیت بود، جزو خانواده سلطنتی نبود، اما اومد و تبدیل به پادشاه شد و بعد معروف شد، به قدری معروف شد که کل دنیا به عنوان بزرگ‌ترین بوی بند جهان بهشون لقب دادند.

بعد زخم روی صورت چیه، به نظر من اون زخم‌هایی در طول مدت کارشون و مخصوصاً اول شروع کارشون هیت‌رها و آدما دیگه مدیا وارد کردن به اعضای بی‌تی‌اس، اون زخم جاش موند، اما گروه موفق شدند در شرایطی که قرار نبود موفق بشن هیچ رعیتی و هیچ کسی که زخم روی صورتش باشه، قرار نیست موفق بشه اما بی‌تی‌اس این کار رو کرد و شد.

یک موضوع دیگه هم که تو موزیک این رو می‌گه، می‌گه این مسخره بازیای تلنت شو رو جمع کنید، کسی که استعداد داشته باشه، خودش میاد بالا و احتیاجی به این کارا نیست کسی که کارش رو بلد باشه، خودش میاد بالا اون اتفاقه براش می‌افته، هم به هیت‌را یه جوابی داده هم به بقیه لیبل‌ها و کمپانی‌های قدرتمند کره و کل‌کل ادامه داره. برداشت شخصی من اینه نمی‌تونم بگی صددرصد درسته، ولی درمیان گذاشتمش و خوشحالم این دقیقاً نشون می‌ده، آدم تو هر شرایطی می‌تونه موفق بشه، اگر استعداد و توانایی و پشتکارش رو داشته باشه و این امیدیه که به همه آرمیا می‌دن اینا».



سایه ۲۱ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، نام اصلی گروه بی‌تی‌اس، پسران ضد گلوله است: «... بنگتن سونیاندان<sup>۱</sup> همون بی‌تی‌اسه، اسم انگلیسی‌شون بی‌تی‌اسه و اسم کره‌ای‌شون بنگتنه، من عادت کردم می‌گم بنگتن برای همینه. قاطی نکنید.

– آهان. معنی‌ش چیه؟

بنگتن سونیاندان می‌شه پسران ضد گلوله.

– بی‌تی‌اس هم مخفف همین بنگتن سونیاندانه؟

نه بی‌تی‌اس این جوری نیست. بی‌تی‌اس اختصار بیاند د سینسه<sup>۲</sup> که می‌شه فراتر از صحنه هست، ولی بنگتن سونیاندان پسران ضد گلوله هست.

– خوب این بنگتن سونیاندان چیه؟ فکر کردم مخفف همین بی‌تی‌اسه.

آره مخفف اینم هست، ولی بی‌تی‌اس رو که مخففش کردن برای جامعه بین‌الملل دیگه با همون بیاند د سین معرفی می‌شه».



پسران گروه بی‌تی‌اس به سبب آن که در برخی از مواضع اجتماعی-سیاسی-فرهنگی نظیر مخالفت با تبعیض نژادی، تبعیض جنسیتی، تبعیض قومیتی، فعالیت برای سازمان یونسف، حضور در سازمان ملل و نطق در جهت تعالی انسان‌ها، دیدار با رئیس‌جمهور امریکا و دفاع از حقوق

<sup>1</sup>- Bangtan Sonyeondan

<sup>2</sup>- Beyond the Scene



آسیایی‌های ساکن آمریکا و مانند آن‌ها، برخورد فعالی داشته‌اند، از سوی هواداران خویش بیش‌تر از یک خواننده معمول نگریسته شده و با دیده ستایش و تقدیس با آنان برخورد می‌شود.

ریحانه ۱۵ ساله و مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود با اشاره به برخی از فعالیت‌های پیش‌گفته، به قرار زیر دست به ستایش پسران بی‌تی‌اس می‌زنند:

«... با این توصیفات به نظرت چرا دخترها این قدر بی‌تی‌اس رو دوست دارن؟  
بین خب تو نگاه اول شاید ظاهرشون باشه، اما به نظر من چیزای دیگه هم هست.

– مثلاً چه چیزهایی؟

دخترایی مثل من دغدغه‌شون اینه که خودشون برا خودشون تصمیم بگیرن، انقدر وابسته به بقیه نباشن و... می‌دونی به نظرم بی‌تی‌اس بهمون جرأت می‌ده که قوی باشیم و دخترا بتونن مستقل باشن. بعدم این که همه آدمای مهربون و دلسوز رو دوست دارن، بی‌تی‌اس هم خیلی مهربون هستن و دلسوز و هوای جوون‌ها رو دارن».

«– گروه بی‌تی‌اس چه ویژگی داشت که جذبت کرد؟

بین چندتا تفاوت وجود داره بین موسیقی کشور ما با کی‌پاپ که اینا باعث افزایش روزافزون طرفدارهای این سبک می‌شه که الآن برات چندتااشون رو می‌گم، اول این که معنی بیش‌تر شعرهاشون به دوست داشتن خود، هدف داشتن و ناامید نشدن و تسلیم نشدن اشاره داره و این معنی‌دار بودن و انرژی مثبتی که گروه داره، یکی از نکاتی هست که طرفدارهای زیادی دارن. دوم این که اصولاً تفاوت باعث جذابیت می‌شه، کی‌پاپ همراه با آهنگ، دنس و رقص رو هم همراه موسیقی آورده، برای همین در کل دنیا مورد توجه قرار گرفتن، در طول تاریخ موسیقی دنیا رو هم نگاه کنی، هر تفاوتی که ایجاد شده باعث جذابیت و طرفدارهای زیاد شده.

بی‌تی‌اس به چیزی که خیلی معروفه کلاً بین همه گروه‌هایی که هستش اینه که هیچ‌چیزی برایشون غیرممکن نیست، یعنی این قدر می‌جنگن و این قدر تلاش می‌کنن برای خواسته‌شون که قطعاً به اون هدف می‌رسن و این هم خیلی روش مانور می‌دن و خیلی یاد می‌دن به فناشون... دوتا چیزی که خیلی روش مانور می‌دن یکی دوست‌داشتن خودته، روی این موضوع خیلی تأکید دارن. معتقدن که ما خودمون رو دوست داشته باشیم، به خیلی چیزها دست پیدا می‌کنیم و از دیگران خیلی جلوتریم. بعد چیزی بارزش‌تر از خودمون نمی‌تونه باشه در دنیا و تحت هر شرایطی نباید جا بزیم و نباید وقتی که شکست خوردیم، جا بزیم... هدف‌دار بودن و این که برای هدفت بجنگی، هر چه قدر هم شرایط سخت شد، تو تسلیم نشی و سخت‌تر و بیش‌تر براش تلاش کنی، این دوتا مورد خیلی بولده توی این گروه، موضوع شعرهاشون هم بیش‌تر همینیه، امید داشتن، امید دادن، خودت رو دوست داشته باشی، به چیزهای مثبت فکر کنی و به خاطر دیگران خودت رو عوض نکنی و تسلیم شرایط و موقعیت‌ها نشی، ویژگی‌هایی که نداری رو بهونه نکنی، مثلاً من اگه پولش رو داشتم، به اونجا می‌رسیدم، اگر پارتی داشتم به فلان چیز می‌رسیدم، این‌ها همه بهونه هست. تو نخواستی که نشده، مثلاً چند سال پیش کمپینی رو درست کرده بودند به نام لاو یورسلف آل‌بومی هم با همین تایتل (عنوان) دادن. این کمپین بزرگ و بزرگ‌تر شد و به هر کشوری که رفتن این رو تبلیغ کردن و تو آهنگاشون این رو تبلیغ می‌کردن تا این که یونیسف دعوت‌شون کرد، اون‌جا سخنرانی داشتن، سخنرانی‌شون خیلی خوب و جذاب بود، از اون به بعد هم هر سال حتی در ایام کرونا به‌صورت ویدیو پیام فرستادن و یا به صورت حضوری رفتن یونیسف و همین چند ماه پیش به‌عنوان نماینده قاره آسیا رفتن و برای سازمان ملل صحبت کردن برای مشکلاتی که در آسیا هست و در مورد این تبعیض نژادی و تفاوت‌هایی که بین آسیا، اروپا و آمریکا هست صحبت کردن».





برخی از هواداران مصاحبه شده گروه بی‌تی‌اس با استناد به مواردی مانند تنو زدن (که کاری خلاف مقررات کمپانی بیگ‌هیت است) یا وارد شدن به ستیز با مسوولان کمپانی پس از محکم شدن جای پایشان، به نوعی می‌کوشند تا قداست ستاره‌های مورد علاقه خودشان را نتیجه بگیرند: «- الان گفتم که آیدول‌ها دارن کم کم از دوست داشتن افراد توسط خودشون و این چیزها حرف می‌زنن. اما هم‌زمان برای خودشون این سخت‌گیری هست که همیشه باید کامل و بدون بدی باشن. رعایتش هم می‌کنن. این یه تناقض نیست؟

موضوع اینه که این شدت از وسواس روی زیبایی، حتی خود آرتیست‌ها و کمپانی‌ها رو هم اذیت می‌کنه. اما موضوع عرضه و تقاضاست. یعنی عموم مردم این ظاهر و این زیبایی رو به شکلی اغراق‌آمیز می‌خوان. پس کمپانی‌ها و هنرمندها هم باید از این روند پیروی کنن. از طرفی، وقتی هنرمندهایی که الگوی تعداد زیادی از مردم یک کشور هستن، به این شکل رفتار می‌کنن، به شدت پیدا کردن این رفتار دامن می‌زنن. این درست مثل یک دوره‌ی گردش که دو عنصر روی همدیگه اثر می‌ذارن. پس این زنجیره باید از یک قسمت شکسته بشه و آیدول‌های نسل جدید مخصوصاً، کم کم توی این تابو شکنی‌ها پیشقدم می‌شن. مثل جونگ‌کوک<sup>۱</sup> عضو بی‌تی‌اس، که تابوی تنو داشتن برای آرتیست‌ها رو شکست...»



- تابوهایی که از شون حرف می‌زنی چی هستن، توضیح شون می‌دی؟

تابوهای مختلفی در کره وجود دارن. مثلاً تحصیل نکردن در دانشگاه، ترک تحصیل، چیزای ساده‌ای مثل تنو و مصرف سیگار یا مواد مخدرهای ساده‌ای از این دست... یا حتی داشتن حیوون خونگی‌های بزرگ و نامتعارف یا گستاخانه رفتار کردن با افراد بزرگ‌تر و ارشدهای تحصیلی و شغلی.

- آیدولی رو می‌شناسی که این کارهای اشتباه از نظر مردم کره رو انجام داده باشه، چه اتفاقی واسش افتاد؟

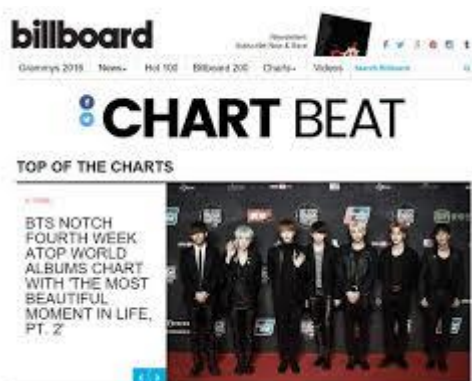
<sup>۱</sup> - جنون جونگ‌کوک که با نام جونگ‌کوک شناخته می‌شود، خواننده و ترانه‌سرای اهل کره جنوبی است. او کوچک‌ترین عضو و خواننده گروه پسرانه کره‌ای بی‌تی‌اس است.



مثلاً جانگ کوک از بی‌تی‌اس، تتو که از نظر جامعه‌ی کره یک تابو هست رو انجام داد. و با توجه به این که ایمپکت (تأثیر) گروه بی‌تی‌اس بسیار زیاد هم هست، این عمل بسیار مورد توجه فن‌ها و حتی مردم عادی قرار گرفت. اکثریت فن‌ها از این که جانگ کوک آزادانه به کاری که تمایل داشت پرداخته بود، خوشحال بودن و ابراز امیدواری به حذف این تابوهای بی‌مورد می‌کردن. پس اکثر فن‌ها از این قدم مثبت رضایت داشتن. اما گروهی از مردم خود کره‌ی جنوبی، شروع کردن به جمع‌آوری امضا، برای منع کردن جانگ کوک از زدن تتوهای بیش‌تر که البته توجهی به این اقدام اونا نشد و جانگ کوک باز هم آزادانه کاری که بهش علاقه داشت رو انجام داد و نشون داد که این حساسیت‌ها همه بی‌مورد هستن و این موضوع اصلاً جایی برای دخالت افراد دیگه نداره و این عمل، بیش‌تر از سرزنش، مورد استقبال قرار گرفت» (ریحانه، ۲۱ ساله).



«- به نظر شما چیزی که بی‌تی‌اس تبلیغش رو می‌کنه، یعنی این هنجارشکنی و تسلیم قید و بندها نشدن با قراردادهای سفت و سخت خودشون با کمپانی تناقض نداره؟ یعنی انگار یه شعاری رو برای مخاطب می‌دن، ولی خودشون در عمل جور دیگه‌ای رفتار می‌کنن؟  
خب اینا اوایل که شروع کردن کاملاً زیر کنترل کمپانی بودن و برای پیشرفت‌شون مجبور بودن شروط کمپانی رو بپذیرن و همه چیز رو مو به مو رعایت کنن. اما احساس می‌کنم به مرور که معروف شدن و جهانی شدن، چون دیگه این کمپانی بود که به اینا محتاج بود، آزادتر شدن و این جوریه که توی کنسرتاشون همه‌اش حرفای جوونا رو می‌زنن و یه جوری شدن نماینده جوونا.  
- به نظرت این خودش بخشی از سناریوی کمپانی نیست؟  
نه. من این طور فکر نمی‌کنم.  
- آخه مگه هنوز با کمپانی قرارداد ندارن و به شروط این قرارداد پایبند نیستن؟  
چرا. ولی یه جورایی توی جنگ ان با هم.  
- یعنی این جنگ به نظرت واقعیه؟  
آره. به نظرم چون اعضای گروه دیگه جهانی شدن و جاپاشون سفت شده و اولین گروه آسیایی هستش که مجوز تولید موزیک توی آمریکا رو داره و این که کمپانی بابت درآمد زیادی که ازشون داره بهشون وابسته هستش دیگه نمی‌تونه به همه چی مجبورشون کنه» (شیدا، ۲۰ ساله).



قداست‌یابی اخیر سبب می‌شود، برخی از هواداران ستاره‌ها را به صورت انسان‌هایی متعالی و فراانسان ببینند، به آن‌ها برای اصلاح رفتار خویش قول بدهند، به خاطر آن‌ها با نزدیکان خود دعوا کنند و یا اصولاً آنان را به صورت منجی زندگی خویش ببینند:

«- قبل از این که شعرهای بی‌تی‌اس را گوش بکنی، راجع به خودت و آینده‌ات در چه حال و هوایی بودی؟

من کلاً این جوریم که دقیقاً یک نفر باید بهم بگه، بهم بفهمونه که باید چی کار کنم و هدفی هم برای خودم مشخص نمی‌کردم هیچ وقت، یعنی این جوری بودم که هر چی شد دیگه همین است، دیگه قرار نیست اتفاق خاصی بیفته، ولی خوب مثلاً وقتی رفتم سراغ کی‌پاپ و این‌ها، دیگه این جوری شدم برای خودم هدف تعیین می‌کنم. یعنی می‌دونم که می‌خوام چی بشه و چه اتفاقی برام بیفته.

- چه هدف‌هایی؟

مثلاً من وقتی بچه بودم فقط یک هدف داشتم که بزرگ می‌شی دکتر می‌شی تمام می‌شه، یعنی هدف‌های طولانی مدت برای خودم داشتم در صورتی که الآن هدف‌های کوتاه مدت خیلی دارم، مثلاً هر موقع که می‌بینم نمی‌کشم یک وقت‌هایی یک یادآوری به خودم می‌کنم که چه قولی به خودم دادم، به خودم که نه همه آرمی‌ها این جوری ان که برای این که پیشرفت کنن، می‌گن تو به آیدول خودت این قول را دادی که موفق بشی و این که به فرد مورد علاقه‌ات یک قولی را بدی، قطعاً انگیزه‌ات برای انجام اون کار بیش‌تره» (نگین، ۱۳ ساله).

«- یعنی هر کسی با نظرت مخالف باشد، افراطی هست؟

دقیقاً، چون افراطی نیستم، هر کی تو خط من نباشه، افراطیه.

- تاحالا با کسی هم سر این موضوع، قطع رابطه کردی؟

آره، با دختر خاله‌ام قهر کردم. اون به جیمین فحش داد، منم به آیدول مورد علاقه اون و بعد تا چند هفته قهر بودیم تا این که خاله و مامانم آشتی دادن.

- باز هم همچین موردی بوده؟

یکی از دوستانم هم خیلی دوست داشت بی‌تی‌اس رو الآن ولی خیلی علاقه نداره.

- خوب چرا ارتباطات قطع شد؟

در مورد جیمین چرت و پرت گفت، منم باهاش دعوا کردم.

- چی گفت؟

گفت جیمین شبیه میمونه، منم گفتم خودت شبیه میمونی، واسه چی فحش می‌دی، دیگه بقیه حرفامون زشته نمی‌تونم بگم (باخنده).

- الآن باهم حرف می‌زنید؟

بله حرف که می‌زنیم، ولی دیگه نه در مورد بی‌تی‌اس چون دعوامون می‌شه، اون پررو شده اوایل خیلی بی‌تی‌اس رو دوست داشت، گفتم که ولی یه دفعه نظرش عوض شد و من از آدمایی که هی تغییر جهت می‌دن، خوشم نمیاد.

- یعنی هیچ کس حق ندارد نظرش را تغییر بدهد؟

نمی‌دونم. می‌شه بی‌خیال این بحث بشید (باخنده) «(ثناء، ۱۶ ساله).

«- خودت بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس سعی کردی که به افراد دیگه هم معرفی کنی؟

من بعد ۱۵ سالگیم که رفتم خونه مادربزرگم، بهتر درک کردم که چه قدر بهم امید دادن و باعث شدن که از نابود شدن نجات پیدا کنم. من بعد ۱۵ سالگی، تلاش کردم بیش‌تر دخترهایی که مثل گذشته خودم از زندگی ناامید هستن رو با بی‌تی‌اس آشنا کنم و بگم چه قدر بهم انگیزه دادن تا اونا هم انگیزه بگیرن و بتونن به زندگی ادامه بدن و تعداد زیادی رو می‌شناسم که با بی‌تی‌اس و لیریک<sup>۱</sup> آهنگاشون و بیش‌تر از همه صحبت‌هاشون، تونستن خودشون رو دوباره از نو بسازن و تبدیل به یک آدم جدید و قوی بشن» (ترنم، ۱۸ ساله).

<sup>۱</sup> - متن آهنگ یا لیریک به واژگانی گفته می‌شود که متن یک ترانه را می‌سازند.



نگین ۱۳ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، اظهار می‌کند که از منظر او ستاره‌ها یک فرشته اند و حتی اگر دست به قتل کسی بزنند، باز ساحت مقدس آن‌ها برای وی مخدوش و خدشه‌دار نخواهد شد.

«... در هر صورت این شکلی بگم که اگر آیدولی حتی اگر یک نفر را بکشد هم فن‌هاش اون فن‌هایی که خیلی وفادار هستند و خیلی دوست‌شون دارند، می‌گن که باز براشون یک فرشته باقی می‌ماند.

– شما چه مدل فنی هستی؟

بله (باخنده) من اگر آیدول مورد علاقه‌ام یک نفر را هم بکشد، برای من یک فرشته است.

– چه جوری یک فرشته می‌ماند؟

نمی‌دونم راستش من هیچ وقت به این فکر نکردم که چرا می‌مونه، ولی می‌دونم که اگر آیدول من این کار را بکنه، من هیچ مشکلی ندارم، هیچی نمی‌گم. یعنی این شکلی می‌گذرد که این‌ها همه شایعه است، دروغه و واقعی نیست.

– یعنی ترجیح می‌دی، حس دست نخورده باقی بماند؟

بله.»



### ۳-۲۴- پیش گرفتن تبلیغات جذاب برای طرح گروه

کمپانی بیگ‌هیت برای طرح گروه بی‌تی‌اس در انظار مخاطبان کراهی و مخاطبان دیگر کشورهای جهان، می‌کوشد تا با تبلیغات جذاب و مناسب به این امر پردازد.

اعلان مرحله به مرحله نشر یک آهنگ جدید، اجرای موزیک ویدیوهای گروه بی‌تی‌اس در اماکن تاریخی و پرجاذبه، ایجاد صحنه‌های شگفت‌آور در جریان موزیک ویدیوهای گروه (نظیر آتش زدن یک انسان یا انبوهی از ماشین‌ها)، طراحی صحنه‌های پرهیجان در حین اجرا، توام کردن رقصی دشوار با اجرای آهنگ گروه، استقبال از برنامه‌های جانبی (نظیر نشر ویدیوی آموزش رقص همراه با آهنگ اجرا شده)، تهیه و تولید سرگرمی‌هایی با محوریت ستاره‌های گروه (ران بی‌تی‌اس، بن‌ویاج، بی‌تی‌اس این دِ سوپ، بی‌تی ۲۱، بی‌تی‌اس آیلند و مانند آن‌ها)، برگزاری

جشن‌های مختلف (جشن فسا، جشن تولد ستاره‌ها)، برگزاری تورهای بین‌المللی، شرکت در مسابقات مختلف موسیقی و بردن جوایز متعدد جهان، تنها قسمتی از تمهیداتی هستند که کمپانی بیگ‌هیت در طرح هر چه جذاب‌تر گروه بی‌تی‌اس مدنظر داشته و به اجرای آن همت گمارده است.

زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از اعلان پرهیجان و مرحله به مرحله نشر یک آهنگ جدید توسط گروه، به قرار زیر یاد کرده است:

«- در صفحات خود گروه و یا اعضاء بیش‌تر چه مواردی اشتراک‌گذاری می‌شن؟»

معمولاً عکس‌های خودشون هست یا تک نفره یا گروهی، البته بعضی وقتا هم مثلاً سه نفره یا چهار نفره هستن. اگر آهنگ یا موزیک ویدیو جدید بخوان ریلیز<sup>۱</sup> کنن هم تو صفحه‌های خودشون اعلام می‌کنن. کنسرت‌ها هم همین طور، بعد این طوری هم نیست که فقط یک نفر پست بذاره، ولی هفتاشون هم باهم پست نمی‌ذارن. مثلاً اول جیمین پست می‌ذاره، بعد از سه یا چهار روز جون کوک، چهار پنج روز بعدش هم وی یه پست می‌ذاره که ساعت دقیق انتشار رو مشخص کردن داخلش. ضمن این که تبلیغاتی هم که انجام می‌دن رو به اشتراک می‌ذارن، مخصوصاً مربوط به لباس و پوشاک رو».

دیباي ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به فیلم‌برداری موزیک ویدیویی آهنگ بلاد سوییت اند تیرز در یک قصر، از این سنت بی‌تی‌اس در پردازش‌های خودش، ستایش به عمل می‌آورد:

«- می‌شه یک مثال برای این که برای موزیک ویدیوها خیلی فکر گذاشته می‌شه، بزنی؟»

مثلاً موزیک ویدیوی آهنگ بلاد سوییت اند تیرز<sup>۲</sup> از بی‌تی‌اس، پر از رنگ‌های مختلف بود و توی یه محل قصر ماندنی فیلم‌برداری شده بود و خب رقص‌هاشون هم به نظرم چیزی نیست که آسون باشه و خیلی به تمرین نیاز داره. الان که دارم فکر می‌کنم رقص‌هاشون هم یکی از جنبه‌هایی بود که من رو جذب کرد، چون واقعاً قشنگ و خاص بودن».



سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از آتش زدن تعداد زیادی ماشین در جریان تهیه موزیک ویدیوی فایر (آتش) یاد کرده، آن را مهیج و کاری متفاوت از دیگران توصیف می‌کند:

«... توی اموی کیل دیس لاو<sup>۳</sup>، بلک‌پینک مجبور شدن توی صحنه اصلی‌اش از یه گازی استفاده کنن که حتی مقدار زیادش باعث کوری می‌شن یا مثلاً توی همین اموی جنی مجبور شد از فاصله خیلی زیاد بشینه رو قوهایی که خیلی کم استحکام داشتن یا مثلاً توی اموی فایر بی‌تی‌اس مجبور شدن تو صحنه اول یکی رو واقعاً آتیش بززن و خب همینه که کی‌پاپ رو بقیه متفاوت می‌کنه».

<sup>1</sup>- Release

<sup>2</sup>- Blood Sweat & Tears (2016)

<sup>3</sup>- Kill This Love (2019)



شیدای ۲۰ ساله، در اظهاراتی مشابه سارینا، بیان می‌دارد، وی نیز در بدو آشنایی با گروه بی‌تی‌اس، وقتی برای اولین بار موزیک ویدیوی آهنگ فایر را دیده است، از سویی به سبب آتش موجود در صحنه و از سوی دیگر به دلیل فضای ساکت و ترسناک صحنه و رقص‌های عجیب بعدی در پس زمینه، ترسیده است، اما در ادامه از این اجرای متفاوت خوشش آمده است:

«- چه چیزی شون شما رو جذب می‌کرد؟

این که احساس می‌کردم به استعداد خودشون متکی هستن و با وجود این که خیلیا جدی‌شون نمی‌گرفتن و مسخره‌شون می‌کردن ولی کم‌کم پیشرفت کردن و به جاهای خوب رسیدن. دلیل دیگه‌اش هم این که من خودم عاشق موسیقی و رقص بودم، ولی خب می‌دیدم که توی ایران این کارها برای یه دختر ممنوعه یا کلاً اصلاً امکان پیشرفتی وجود نداره، ولی اونجا فضا بازه و می‌تونن از این فعالیت‌ها داشته باشن و پیشرفت کنن، برام جذاب بود. بعد به این فکر می‌کردم که خودمم برم اونجا مثل اونا پیشرفت کنم. بعد اولین موزیک ویدیویی که از بی‌تی‌اس دیدم خیلی جذبه کرد. اسمش «آتش» بود. بعد یه فضای ترسناکی داشت اولش که آدم رو می‌ترسوند. خیلی دیوونه‌طور بود، رقصاشون عجیب بود. موزیک ویدیوشون این جوری بودش که اولش یه مردی میادش جلوی یکی از پسرهای گروه. بعد مرده آتیش می‌گیره! آهنگی هم اول موزیک ویدیو پخش نمی‌شه. کاملاً ساکته بعد یهو می‌ره یه جای دارکی (سیاهی) که یه مرد خیلی مو بلند هستش که دی‌جیه. بعد با حرکت اون که انگار داره آهنگ رو تنظیم می‌کنه، موسیقی شروع می‌شه. اولین بار که اینو دیدم ترسیده بودم، چون خیلی بچه بودم. ولی بعدش خیلی دوستش داشتم».



سونیای ۱۷ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، بیان داشته است که تحت تأثیر اجراهای سخت گروه قرار گرفته است و از اجرای سخت گروه، به عنوان جذابیت خاص بی‌تی‌اس یاد می‌کند:

«- در مورد اجراهاشون، اجراها معمولاً چه طور هستن؟



وقتی که کنسرت برگزار می‌کنن اجرا هم دارن که خب اجراهاشون رقصه، ولی همین طوری درهم برهم نیست (باخنده)، با هر ترک نوع خاصی از رقص رو اجرا می‌کنن، شروع و پایان داره و برنامه‌ریزی شده هست، واقعاً هم سخته، مثلاً توی یکی از اجراهاشون از یه میله استفاده می‌کردن که خیلی جذاب بود، ولی انجام دادنش هم خیلی خیلی سخت بود.

– لازمه که اجراها تا این حد سخت باشه؟

لازم نه واقعاً، ولی این همه طرفدار داشتن هم بدون علت نیست، چون باید تو اجرا یه چیز خاص ارایه داد تا یه نفر از یه کشور دیگه بیاد این اجرا رو ببینه، اگر چیزی معمولی باشه، خب آدم می‌ره همون اجراهای معمولی کشور خودش رو می‌بینه، مریض نیست که این همه هزینه و تایم بذاره (باخنده)».



سحر ۱۵ ساله و هیلدای ۱۹ ساله، از توام بودن اجرای گروه بی‌تی‌اس با رقص یاد کرده، خاطرنشان ساخته اند که رقص پسران گروه در عین خواندن، امر جذابی است که دیگران کمتر به آن دست زده اند و اصولاً موسیقی کی‌پاپ به دلیل آن که شادتر از موسیقی آمریکایی است، با آن راحت‌تر می‌توان به اجرای رقص پرداخت.

مسعود ۲۰ ساله در مصاحبه‌اش، همخوانی اعضای گروه بعد از تک‌خوانی آنان را جالب برشمرده، از رقص هماهنگ پسران گروه نیز تقدیر به عمل می‌آورد.

مهتاب ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور شده است که شور موجود در آهنگ‌های بی‌تی‌اس، در آهنگ‌های آمریکایی وجود ندارد و اگر کسی آهنگ‌های بی‌تی‌اس را ببیند، احتمالاً دیگر تمایلی به دیدن کنسرت‌های آمریکایی ندارد:

«... من از حدود ۱۶ یا ۱۷ سالگی کی‌پاپ رو دنبال می‌کنم و اولین بار که با همچنین پدیده‌ای مواجه شدم، توی دبیرستان بود که از یکی از دوستانم که داشت یه آهنگی از بلک‌پینک گوش می‌کرد، پرسیدم که چی گوش می‌دی؟ گفت بیا گوش کن، این رو گوش می‌دم و من هم گوش دادم و خوشم اومد و بعد رفتم بیش‌تر از بلک‌پینک گوش دادم و بعد وقتی آدم توی اسپاتیفای یا یوتیوب مثلاً کی‌پاپ گوش می‌ده، براش ساجشن<sup>۱</sup>‌های (پیشنهاد) مختلف دیگه‌ای از همون ژانر رو میاره. بعد بی‌تی‌اس هم جزوشون بود و اسم بی‌تی‌اس رو هم من زیاد شنیده بودم، چون خیلی معروف ان و رفتم گوش دادم و کنسرت‌هاشون رو دیدم. بعد بیش‌ترین چیزی که من رو به خودش جذب کرد، همین کنسرت‌هاشون بود، چون که یه مدل دیگه هست، اگر نگاه کنید، یه شور و هیجان خاصی داره که توی کنسرت‌های مثلاً آمریکایی و اروپایی وجود نداره، حالا از هر ژانری که می‌خوان باشن. چه پاپ، چه راک چه هر چی. کنسرت‌های بی‌تی‌اس یه مدل رقص خاص با یه پرفورمنس (اجرا) خاصی که وقتی شما چشمت عادت می‌کنه و گوشت عادت می‌کنه بهشون، دیگه سخته که کنسرت‌های گروه‌های دیگه مثلاً آمریکایی‌ها رو بتونی پاشون بشینی. به هر حال چیزی که من رو به خودش جذب کرد، اول از همه پرفورمنس‌ها و کنسرت‌هاشون بود و این شوری که توی کنسرت‌هاشون وجود داره و چیز دومی که من رو به خودش جذب کرد، پیامی بود که با آهنگ‌هاشون می‌خواستند برسوند و می‌رسوند».

<sup>1</sup>- suggestion





نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش بیان داشته است که وی در بچگی خودش، جذب رقص و حال و هوای اجرای گروه بی‌تی‌اس شده است. اما در بزرگسالی، متوجه غنای متن ترانه‌های بی‌تی‌اس شده است و در حال حاضر محتوا (لیریک)، اجرا و رقص آن‌ها را یک مجموعه و بسته کامل می‌بیند:

«- بعد از سال ۲۰۱۳ چی تو رو جذب کی‌پاپ کرد؟

من از سریال دریم های<sup>۱</sup> به بعد فن گروه بی‌تی‌اس شدم.

- خوب نگفتی دقیقاً به خاطر چی؟ سبک موسیقی‌شون بود، رقص‌شون بود، اجراشون، چی بود؟

اون تایم بچه بودم زیاد به موسیقی و اینا دقت نمی‌کردم ولی خب بیش‌تر به خاطر رقص و حال و هواشون بود فکر کنم... .

- خوب در مورد بی‌تی‌اس گفتی موسیقی‌شون فرق داشت و اون رو ترجیح می‌دادی. موسیقی‌شون رو از چه لحاظی ترجیح می‌دادی؟ ریتم یا لیریک‌شون<sup>۲</sup> (متن ترانه) یا چه می‌دونم پرفورمنس‌شون<sup>۳</sup> (اجرا)؟

من خودم آدمی ام که مثلاً لیریک محورم. مثلاً لیریک برام خیلی مهمه. بعد کلاً خب اون قدر که مثلاً پرزرق و برق دیگه کی‌پاپ. مثلاً فضای رنگی‌ای داره. مثلاً یه سری موزیک ویدیوها. بعد مثلاً برای اجراشون خیلی تلاش می‌کنن. مثلاً پرفورمنسای پر دنگ و فنگی داره، رقصای خوبی داره. همه‌شون انگار یه پکیج کامله دیگه».

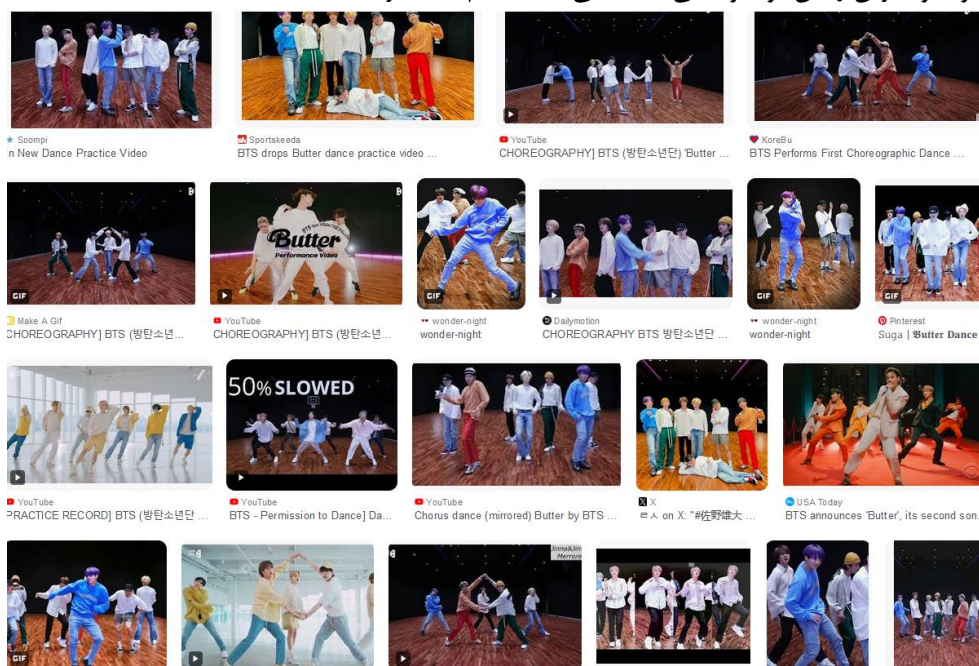
<sup>۲</sup>- دریم های Dream-high یک سریال در کی‌دراما با موضوع تحصیل نوجوانان در هنرستان و آمادگی برای ورود به عرصه کی‌پاپ است.

<sup>۲</sup>- Lyric

<sup>۳</sup>- Performance



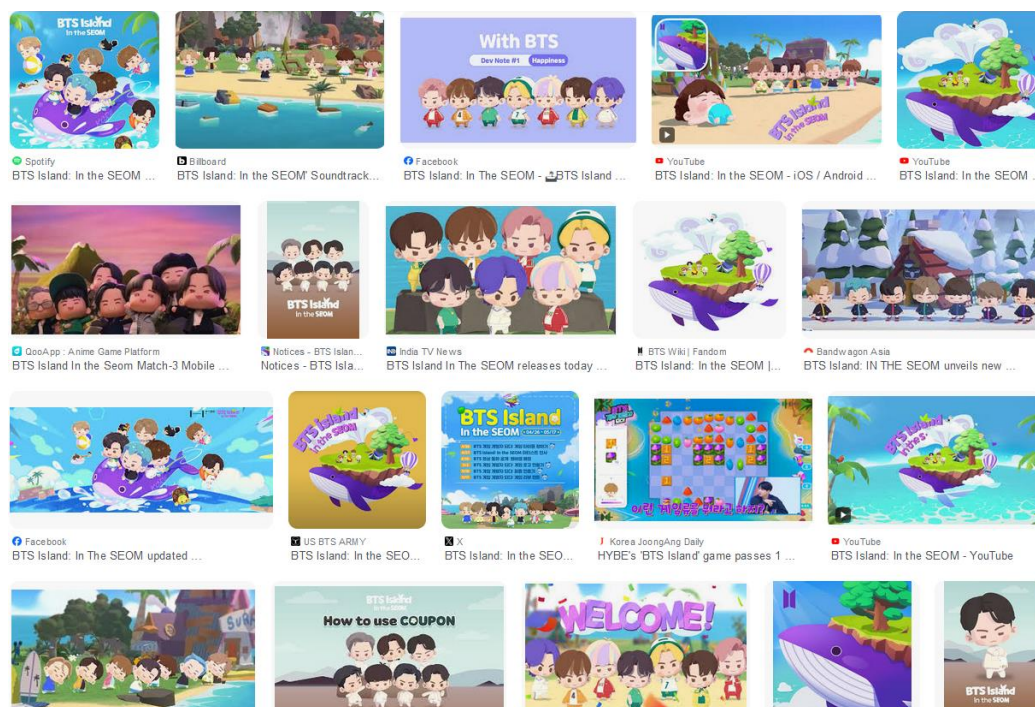
نیکوی ۱۵ ساله گزارش می‌دهد، پسران بی‌تی‌اس پس از هر اجرایی که دارد، رقص همان اجرا را به صورت ویدیوی آموزشی منتشر می‌سازد تا هواداران با کاربری از آن، بتوانند به اجرای رقص یاد شده بپردازند: «بی‌تی‌اس و گروه‌های کی‌پاپ به چیز خوبی که دارند، اینه که برای یادگیری رقص‌هاشون بعد از هر آهنگ جدیدی که می‌دن بیرون به ویدیو تولید می‌کنند و اون ویدیو تمرین رقص‌شونه و خیلی کمک می‌کنه که آدم یاد بگیره».



زهرای ۲۴ ساله از سوق یافتن صنعت موسیقی بی‌تی‌اس به سمت صنعت سرگرمی یاد کرده، با آوردن مثالی از سرگرمی بی‌تی‌اس آیلند (که شخصیت‌های کارتون‌های اعضای گروه را در یک جزیره سرشار از صلح و آرامش به تصویر کشیده است)، از جذابیت این امر یاد می‌کند: «گفتید یک صفحه وجود داره که شما علاقه‌مندی زیادی بهش دارید. بی‌تی‌اس آیلند.

– بله، بی‌تی‌اس آیلند چه طور صفحه‌ای هست و چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذاره؟

بی‌تی‌اس آیلند هم جزو پیج‌های اصلی گروه هست و تفاوت زیادی در محتواهاشون وجود نداره، ولی یه داستان در موردش هست. این هفت نفر دارن تو یه فضایی که کاملاً آرامش و صلح درش وجود داره، زندگی می‌کنن. پست‌هایی که گذاشته می‌شن هم تماماً کارتونی هستن. بیش‌تر جنبه سرگرمی داره و کمی هم متفاوت با پیج‌های دیگه گروه هست. به خاطر کارتونی بودنش شادتر و بامزه‌تر هست».



احسان ۱۷ ساله از برگزاری جشن‌های پرشکوه توسط کمپانی بیگ‌هیت در سطح کره جنوبی و دیگر کشورهای جهان که به طرح بیش از پیش گروه بی‌تی‌اس می‌انجامد، به قرار زیر یاد کرده است:

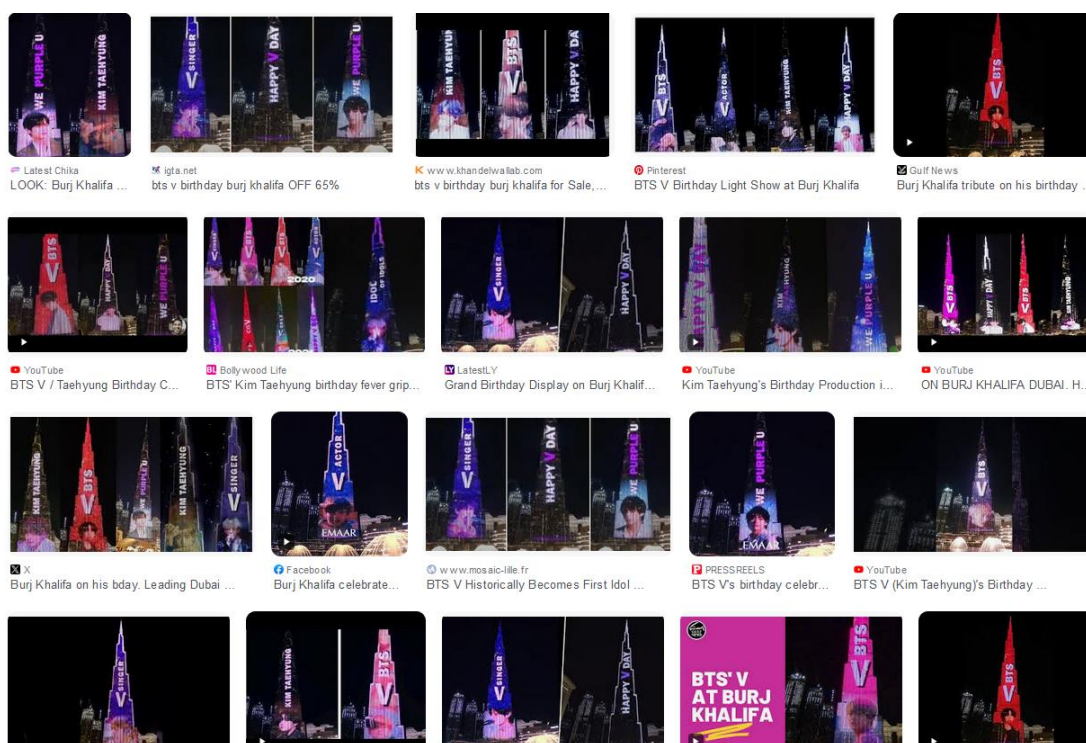
«- احسان راجع به جشن تولدهای پر هزینه ستاره‌ها توسط کمپانی و هواداران اطلاعاتی داری؟

بله، هر بار که سالگرد تولد یکی از اعضای گروه بی‌تی‌اس باشه، کمپانی سازنده گروه از هفته‌ها قبل از روز تولد، دست به تبلیغ وسیع در خبرگزاری‌های کره و رسانه‌های ملی این کشور می‌زند و این خبر تولد توسط هواداران در فن پیج‌هاشون دست به دست می‌شه. بعد کمپانی به مناسبت تولد هر کدام از آیدول‌ها در بسیاری از کشورهای طرفدار بی‌تی‌اس شروع به نصب بنرهای تبریک تولد و نصب پوسترهایی از عکس آیدول مورد نظر می‌کند و برای هر کدام از آیدول‌ها از یک رنگ برای نور افشانی استفاده می‌کند.

- هدف کمپانی از جشن تولدهای پر هزینه چیه؟

اولین هدفش بهانه ایی برای تبلیغات گسترده برای گروه و درآمدزایی بیش‌تر و دومین هدفش از این جشن‌ها زنده نگه داشتن نام و اسم گروه در اذهان مردم».





برگزاری تورهای بین‌المللی، اجرای مشترک برخی از آهنگ‌های گروه با خوانندگان غربی و توجه به علایق مخاطبان خارجی، از دیگر مواردی است که برخی از مصاحبه‌شوندگان به طرح آن‌ها پرداخته و این دست از موارد را در اعتلاء و جهانی شدن گروه بی‌تی‌اس مؤثر دانسته‌اند: ریحانه ۱۷ ساله از این که گروه بی‌تی‌اس در یکی از اجراهای خودشان، لباس‌های بته جقه‌ای ایرانی را بر تن داشتند (چیزی که معمولاً سلبریتی‌های داخلی به آن تن نمی‌دهند)، از این سنت جالب، قدردانی به عمل آورده است: «تو کنسرت ال‌ای بود فکر کنم، پرمیشن تو دنس هم بته جقه رو لباس‌شون بود. حالا یه چندتا عکس دارم ولی یه اجرا هست آیدول فکر کنم توی موزیک بانک<sup>۱</sup> که همه‌شون لباس ایرانی تن‌شون بود.



<sup>۱</sup> - بانک موسیقی برنامه موسیقایی تلویزیونی است که در کره جنوبی پخش می‌شود.

سرانجام کوثر ۲۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از رنگ باختن محتواهای عمیق آهنگ‌های اولیه بی‌تی‌اس، در جریان تغییر سبک گروه برای بردن جوایز بین‌المللی یاد کرده، این مسأله را مورد نقد خویش قرار می‌دهد، اما به هر صورت بردن جوایز متعدد در مجامع بین‌المللی موسیقی، امر قابل توجهی به شمار آمده، چشم دیگران را متوجه کسانی می‌کند که جوایز زیادی را از آن خود کرده‌اند.



### ۳-۲۵- تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران

کمپانی بیگ‌هیت در طراحی برنامه‌های خود ارتباط عمیق ستاره‌ها و هواداران را مدنظر قرار داده است و با تدوین انواع برنامه‌های سرگرمی، تفریحی و ارتباطی، کوشیده است تا خواست خویش را در عمل محقق کند که به نظر می‌آید تا حدود زیادی نیز در این امر موفق بوده است. انجام اطلاع‌رسانی‌های لازم به هواداران، تشکر و قدردانی از هواداران پس از اجرای کنسرت‌های بی‌تی‌اس، اجرای آهنگ در ستایش طرفداری هواداران، تشکر ستاره‌ها از هواداران بعد از دریافت جوایز مختلف، القای مراقبت از هواداران، اجرای برنامه‌های فن‌میتینگ و فن‌ساین، به تصویر کشیدن پسران گروه بی‌تی‌اس در برنامه‌های سرگرمی مانند: ران بی‌تی‌اس، بن ویاژ و بی‌تی‌اس این دِ سوپ، طراحی چهره عروسکی ستاره‌ها، تهیه برخی از کارهای دستی و هنری توسط ستاره‌ها (جهت عرضه به هواداران)، ارائه خدمات خاص به برخی از هواداران، ارتباط با طرفداران از طریق شبکه وی‌ورس، گذاشتن برنامه‌های زنده اینترنتی (لایوهای) فردی و گروهی، تهیه زندگی‌نامه ستاره‌ها، قدردانی آیدول‌ها از هواداران در صفحات شخصی اعضای گروه، کاهش حریم خصوصی ستاره‌ها، تهیه فیلم از زندگی روزمره (نظیر ورزش اعضای بی‌تی‌اس)، گذاشتن آن در شبکه‌های اجتماعی نظیر توییتر، ترسیم یک جهان تخیلی، پذیرفتن نام‌گذاری هواداران و حاشیه پردازی برای گروه، قسمتی از برنامه‌های در نظر گرفته شده کمپانی بیگ‌هیت برای عمق بخشیدن بیش از پیش به رابطه ستاره‌ها و هواداران آن‌ها است.

ستاره‌ها از سوی کمپانی موظف هستند که نسبت به فعالیت‌های خویش اطلاع‌رسانی لازم را داشته باشند<sup>۱</sup>. محمدرضای ۲۱ ساله و زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود، اشاره‌ای به اطلاع‌رسانی‌های اخیر داشته‌اند:

«- خوب همین که به صورت گزری صفحه‌هاشون رو دنبال می‌کنی، چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذارند؟

محتواهاش خب بیش‌تر عکسای خودشونه، بعد خب اینا مدل برندای خاصی هم هستن مثل گوچی، مثلاً تهیونگ مدل برند گوچی، البته نه فقط اون، خب اینا چون گروه هستن همه‌شون باهم برای یه برند می‌رن مدل می‌شن، ولی خب تهیونگ، جونگ‌کوک با جیمین، این جور چیزاشون خیلی بیش‌تر می‌شه یعنی بیش‌تر مدل یه برند می‌شن. بیش‌تر این عکسایی که همین برندا ازشون می‌گیرن رو می‌ذارن. البته کلاً زیاد تبلیغات

<sup>۱</sup> - اطلاع‌رسانی‌های اخیر، تدریجی و در عین حال از شکلی پرهیجان و پرشور برخوردارند تا چشم‌های بیش‌تری را معطوف به گروه کنند.

انجام می‌دن فقط هم لباس و اینا نیست، مثلاً من خودم گوشی هم زیاد دیدم تبلیغ می‌کنن، مخصوصاً سامسونگ چون خود سامسونگ هم برای کره جنوبیه دیگه.

بعد مثلاً کارای روزمره‌شون رو می‌ذارن یا مثلاً اگه آهنگی رو بخوان پخش کنن، یه قسمتی از اون آهنگ رو می‌ذارن، آها یکی دیگه هم مثلاً در مورد تولداشونه، تولدای همدیگه رو تبریک می‌گن، جایی اگه برن هم خب می‌ذارن، این طوری خیلی ویو می‌گیرن، ولی خب می‌گم من زیاد این چیزا رو نمی‌بینم، خب چون حوصله اینستا رو ندارم».

«بعضی از فن پیچ‌های معتبرتر برنامه‌ی کمک به خیریه می‌چینند به مناسبت تولد اعضاء اینا همون پیچ‌هایی هستن که گفتم تعداد دنبال کننده‌هاشون بیش‌تر هست.

- در صفحات خود گروه و یا اعضاء بیش‌تر چه مواردی اشتراک‌گذاری می‌شند؟

معمولاً عکس‌های خودشون هست یا تک نفره یا گروهی، البته بعضی وقتا هم مثلاً سه نفره یا چهار نفره هستن. اگر آهنگ یا موزیک ویدیو جدید بخوان ریلیز کنن هم تو صفحه‌های خودشون اعلام می‌کنن. کنسرت‌ها هم همین طور، بعد این طوری هم نیست که فقط یک نفر پست بذاره، ولی هفتاشون هم باهم پست نمی‌ذارن. مثلاً اول جیمین پست می‌ذاره، بعد از سه یا چهار روز جونگ‌کوک، چهار پنج روز بعدش هم وی یه پست می‌ذاره که ساعت دقیق انتشار رو مشخص کردن داخلش. ضمن این که تبلیغاتی هم که انجام می‌دن رو به اشتراک می‌ذارن، مخصوصاً مربوط به لباس و پوشاک رو».



باران ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در حالی که بیان می‌دارد، ستاره‌ها با حرکات خود کلمه آرمی را به نمایش نهاده اند، از اوج تشکر جیمین از هواداران که درآمدن به حالتی شبیه سجده مسلمانان در نمازشان است، در برابر هواداران یاد کرده است.



BTS jimin bows and sincerely thanks fans as ^  
to dance^ debuts as number 1 on billboards hot100

بنفشه ۲۰ ساله نیز ضمن بیان شعارهای بی‌تی‌اس نظیر این که «بدان ما تو را فارغ از هر رنگی، دوست داریم»، از حالت سجده کردن ستاره‌ها در برابر طرفداران‌شان یاد کرده است:



«- فکر می‌کنی صنعت موسیقی کی‌پاپ با موسیقی هالیوودی یا موسیقی‌های دیگه مثل خودمون چه فرقی‌هایی داره که باعث می‌شه افراد جذبش بشن؟»

من موسیقی ایرانی خیلی کم گوش می‌دم و بیش‌تر موسیقی هالیوودی (انگلیسی زبان) گوش می‌دم و چیزی که تو کی‌پاپ من رو جذب کرد، اولاً کیفیت بالای موسیقی‌شونه و مفهومی که می‌رسونه، دوماً مفهوم اون گروه و خانواده و اون رابطه‌ای که با طرفدارشون دارن برام ارزشمند، اگر نگاه کنی، اکثر سلبریتی‌ها رفتار خوبی با طرفدارا در سطح دنیا ندارن و به چشم مزاحم بهشون نگاه می‌کنن، ولی کی‌پاپ ارزش خیلی زیادی برای فنا قابل هست و خب این خیلی ارزشمند.

در این تصویر که برات فرستادم، جیمین داره از طرفدارا تشکر می‌کنه، به خاطر این که آهنگ پرمیشن تو دنس رتبه اول بیلورد شد. یا ببین بی‌تی‌اس خیلی از نماد آرمی استفاده می‌کنه، حتی تو موزیک ویدیوهاش توی هر مسابقه‌ای هم که برنده می‌شن یا جوایزی که می‌گیرن، همیشه به فکر طرفداراشون هستن و ازشون تشکر می‌کنن، وقتی جوایز رو می‌گیرن و می‌گن اینا به خاطر حمایت شما هست آرمی و شما برای ما خیلی ارزشمندتر از جوایزی هستین که می‌گیریم و یه جورایی این پیام رو منتقل می‌کنن که بدون حمایت آرمی ما تو این جایگاه در دنیا نبودیم، این قضیه چیزیه که حتی تو هالیوود هم کم‌تر دیده می‌شه، اونا اکثراً این مدلی ان که بدون در نظر گرفتن طرفدارا، می‌گن این جوایز برای تلاش‌های شبانه روزی و بی‌وقفه خودشونه.

تو این عکس پایینی که برات فرستادم برای آهنگ باتره در واقع این عکس برای موزیک ویدیوی باتر (کره) هست که اعضاء با حالت ایستادن‌شون کلمه ARMY رو ساختن. بی‌تی‌اس توی موزیک بوی ویت لو هم برای آهنگ ویدیوشون به صورت مستقیم از کلمه آرمی استفاده کردن».



«من مثلاً همه‌اش این طوری بودم که چه قدر آدم می‌تونه از یک طرفداری که حتی ندیدتش، همه‌اش تشکر کنه یا حتی تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفداراشون و خیلی برام جذاب بود که می‌دونستن از کجا شروع کردند، می‌دونستن، این هم چیزی که الآن دارن رو از کیا دارن، من این رو شاید تو بقیه خواننده‌ها یا توی بقیه گروه‌ها ندیده بودم. نه این که بگم اونا بدشون می‌اومد و بی‌احترامی می‌کردن، نه قطعاً هیچ کس این کار رو نمی‌کنه، این برام جالب بود که اینا همیشه و تو هر لحظه‌ای به فکر طرفداراشون بودن و بعدش یه مصاحبه بود که آر ام که لیدر گروه انجام داده بود و توی سازمان ملل بود و در مورد تفاوت فرهنگی و همین دوست داشتن خودمون بود و داشت در مورد این صحبت می‌کرد که مثلاً مهم نیست کی یا مهم نیست که چه گذشته‌ای داری، از کجایی و این که چه نوع فرهنگی داری، مهم اینه که تو خودت رو دوس داشته باشی و بدونی که ما هم تو رو دوست داریم و این خیلی برام جذاب بود، به شدت برام جذاب بود. خیلی جذاب بود خلاصه».

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش ضمن تکرار شعارهایی نظیر این که «آرمی‌ها درخشان‌ترین ستاره‌های آسمان آیدول‌ها هستن»، از استفاده زبان اشاره توسط تهیونگ برای تشکر از هواداران کر و لال و پاسخ به پیام (کامنت) هواداران در فضای مجازی یاد کرده است:

«- حالا می‌تونی بهم بگی با شنیدن چه حرف‌هایی ازشون به دوست داشتن خودت رسیدی؟»

چیزی که یادمه اینه که نامی خطاب به آرمی‌ها می‌گفت، همون طور که من از شما استفاده می‌کنم تا خودم رو دوست داشته باشم، لطفاً لطفاً شما هم از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید و بارها و بارها بی‌تی‌اس علاقه‌شون رو به آرمی‌هاشون نشون دادن، یعنی به

شیوه‌های مختلف هوای آرمی‌هاشون رو داشتن، همه‌ی آرمی‌هاشون رو و همه‌ی اینا باعث می‌شد، من به خودم افتخار کنم که طرفدار کسی هستم که این قدر برای کارش ارزش قایله، این قدر به هواداراش احترام می‌ذاره، در حدی که بعد از هر جایزه‌ای می‌گیرن از آرمی‌هاشون تشکر می‌کنند که طرفدار کسی هستم که من رو دوست داره و من با عشق و محبتی که از اونا دریافت می‌کنم، می‌تونم به خودم و اطرافیانم متقابلاً عشق بورزم و مهربونی کنم.

یه جمله از تهیونگ هم خیلی تو ذهنم تکرار می‌شه و مداوم به یادش میارم و قلبم اکیلی می‌شه، اینه که می‌گفت آرمی شما درخشان‌ترین ستاره‌های آسمون من هستید و عمیقاً احساس می‌کنم یک از اون ستاره‌ها من هستم و باز می‌گم متقابلاً ما اونا رو ستاره‌های خودمون می‌بینیم که روشنی بخش مون هستند، همان طور که اونا ما رو.

– گفتمی هوای آرمی‌هاشون رو دارن، این مسأله به چه صورته؟

این طوریه که همیشه به یاد آرمی‌هاشون هستن، هر زمان، تو هر کنسرتی، مراسمی، برنامه‌ای، چیزی اسم مون رو می‌برن و علاقه خودشون رو ابراز می‌کنن، بعد تو وی‌ورس خیلی دوستانه پست می‌ذارن و سلفی می‌ذارن و لایو میان و کامنتای آرمی‌ها رو هم حتی جواب می‌دن. در همین حین تهیونگی رو داریم که از زبان اشاره برای ابراز علاقه‌اش به آرمی‌های ناشنوا استفاده می‌کنه و جیهویی که حتی هوای آرمی‌های مسلمون و ایرانی رو داره، اون قدر صمیمی و نزدیک هستن که به خاطر آرمی‌هایی که امتحان کالج داشتن، ویدیو گرفتن و باهاشون صحبت کردن و سعی کردن از اضطرابشون کم کنن و دلگرمشون کنن یا شوگایی که می‌گه بیاید با همدیگه بزرگ شیم کنار هم پا به پای هم شونه به شونه هم.»



بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش، از آهنگی یاد می‌کند که پسران بی‌تی‌اس در ستایش هواداران خویش خوانده اند. ترنم ۱۸ ساله هم در شرح تحول لگوه‌های کمپانی بیگ‌هیت، از آخرین لگوی طرفداران که مکمل لگوی گروه بی‌تی‌اس بوده و به صورت یک سپر محافظتی است، یاد کرده است:

«– می‌تونم لیریک موسیقی که درباره آرمی صحبت کردن رو برام بفرستی؟  
حتماً. این لیریک آهنگ «ما ضدگلوله هستیم» هست.

ما چیزی جز رؤیاها نداشتیم،

وقتی چشمانمان را باز کردیم هیچ چیز جز هوای مه‌آلود نبود،

تمام شب رو بیدار موندیم تا برقصیم و آواز بخونیم،

با نت‌های موسیقی بی‌پایان،

آی، ما شجاعانه فریاد می‌زنیم،

همه چیز را دور بیندازید،

اول با دنیا بجنگید،

نمی‌خواهم بمیرم،

اما خیلی درد داشت،  
خیلی زیاد گریه می‌کنم،  
تیغه‌ها را خیلی محکم کنید،  
ما فقط هفت نفر بودیم،  
اما حالا همه شما را داریم (آرمی)،  
بعد از هفت زمستون و چشمه‌های آبگرم،  
با نوک انگشتانم که به یکدیگر پیچیده شده بودند،  
آره، ما به بهشت رسیدیم،  
به طرف من سنگ پرتاب کن،  
ما دیگر نمی‌ترسیم،  
ما تا ابد هستیم، ضدگلوله،  
بله، ما شما را داریم،  
حتی اگر زمستان دوباره بیاید،  
حتی اگر جلوم رو گرفته باشن، باز هم راه می‌روم،  
من همیشه فکر می‌کنم،  
من هنوز خواب می‌بینم؟  
راستی بهار است؟  
یعنی بعد از زمستون طولانی؟  
نامی<sup>۱</sup> که همه به آن خندیدند.  
اون یه بار خجالت کشید،  
این مدرک مهمی است،  
مدرک ضدگلوله،  
ما تا ابد هستیم، ضدگلوله،  
(بله، ما به بهشت می‌رسیم).  
آره، ما تو رو داریم،  
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش‌تریم)،  
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش‌تریم)،  
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش‌تریم)».

---

<sup>۱</sup> - گروه بی‌تی‌اس یا پسران ضدگلوله



«- نماد بی‌تی‌اس چه مفهومی دارد؟»

لوگوی آرمی و بی‌تی‌اس مثل یک دره که رو هم دیگه باز و بسته می‌شه و تو اون جای خالی وسطش نور امید می‌درخشه. امیدی که باعث می‌شه آدم زندگی رو بدون فکر به مرگ و باخت ادامه بده. لوگوی بی‌تی‌اس در طول این ۱۱ سال ۴ بار تغییر کرده. لوگوی اولشون سال ۲۰۱۳ طراحی شد، یه جلیقه ضدگلوله هست که نشون دهنده قدرت شلیک و نفوذ اون‌ها در خوانندگی هست و رو قلب جلیقه اسم بی‌تی‌اس نوشته شده و یه سری خطوط و رعد و برق اطراف جلیقه هستش که خطوط نشان دهنده‌ی درخشش جلیقه و گروه هست و اون رعد و برق‌ها قدرت ضربات گلوله رو نشون می‌ده.

لوگوی دوم برای سال ۲۰۱۶ هستش. این لوگو از چهارتا دایره تشکیل شده که هر کدوم از این دایره‌ها داخلش طرح متفاوتی هست و پایین این دایره‌ها نوشته wing به معنی بال‌ها.

لوگوی سوم سال ۲۰۱۷ ارایه شد که ۴ تا بیضی آبی رنگ بود که دو به دو متقاطع بودن، مفهوم دقیقش رو نمی‌دونم چی بود، اما زیر آن هم کلمه wing رو نوشته بود و زیر اون هم نوشته بود که تو هرگز تنها راه نمی‌روی.

و آخرین لوگوی بی‌تی‌اس همین لوگویی هست که الان داره و اون هم از سال ۲۰۱۷ به بعد طراحی شد که شبیه یه در هست و این ارتش رو تشویق می‌کنه برن دنبال هدف هاشون.

آرمی‌ها اول لوگویی نداشتن و تو چپتر اول برای آرمی‌ها لوگو درست کردن و لوگوی آرمی‌ها یه جورهایی برعکس لوگوی بی‌تی‌اس هست، یعنی در بسته که نشون دهنده‌ی سپر محافظتی هست.»

کوثر ۲۵ ساله و راضیه ۱۵ ساله در مصاحبه‌هایی که دارند، از ویژگی مراقبت‌کنندگی ستاره‌ها نسبت به هوادارانشان یاد کرده، خاطرنشان کرده اند که آنان دل‌نگران هواداران بوده و مراقبت از آن‌ها را جزئی از وظایف خویش می‌دانند:

«... و یه قضیه دیگه‌ای هم که هست، این بود که همیشه تو ارتباط بین آرمیا و بی‌تی‌اس یه حالتی بود که آرمیا همیشه می‌فهمیدن که بی‌تی‌اس داره ازشون مراقبت می‌کنه.

- چه طور؟

مثلاً این که خیلی چیزها رو به ما نمی‌گفتن و ما مثلاً می‌فهمیدیم که این یه چیزیه که ما اگه بفهمیم قراره ناراحت بشیم یا اذیت بشیم. ولی انتخاب می‌کردن که به طرفدارا نگویند و تمام تلاششون رو می‌کردن که بمونن. مثلاً یه اتفاقی که افتاد، این باز می‌گم این تجربه شخصی منه خب، سر یکی از جشنواره‌ها، آخرین، همون سالی که سال بعدش قراردادشون رو تمدید کردن، خیلی حال بدی داشت بی‌تی‌اس و با این که برنده شده بودن، مثلاً همه‌شون خیلی ناراحت بودن و این حرفا، و با این که چیزی نگفتن خیلی معلوم بود که مثلاً الان سر یه چیزی ناراحت هستن و مثل همیشه که جایزه می‌گرفتن و خوشحالی رو تو چشمشون می‌دیدیم، الان لبشون می‌خندید و تو چشمشون معلوم بود که ناراحت هستن. تقریباً دو سال بعد ما فهمیدیم که اون سال نزدیک بوده که اینا دیس‌بند بشن.

یعنی یه سری اتفاقاتی که باز ما نفهمیدیم، دقیقاً چه اتفاقی افتاده فقط یه سری چیزا رو شنیدیم، فهمیدیم که اون سال، بعد دو سال این رو فهمیدیم، که تمدید کرده بودن دیگه قراردادشون هفت سال و قرار بود هفت سال بعد بمونن، ولی فهمیدیم که اون سال نزدیک بوده که اینا دیس‌بند بشن و برا همین حالشون خیلی بد بود. ولی با این حال اصلاً نگفتن و تصمیم گرفتن موندن.

توی آهنگی که بعدش دادن، یعنی آهنگی که تو یه سال بعدش دادن، همون سالی که قراردادشون رو تمدید کردن. توی آهنگ بوی ویت لائو، توش یه تیکه رپ داره، لیدر گروهشون یه تیکه رپ می‌خونه، یه همچین مفهومی رو می‌گه که اگه من الآن دارم پرواز می‌کنم تو اوج، چون دقیقاً نقطه اوج بی‌تی‌اس بود اون سال، اولین سالی بود که رفته بودن بیلبورد، جشنواره اجرا کرده بودن، و بعد جایزه برده بودن، آرتیست سال شده بودن، خیلی اتفاق‌های خفنی براشون افتاده بود، مثلاً اینجا توی آهنگه میاد می‌گه که اگه من الآن دارم بالا پرواز می‌کنم، به خاطر توئه، و اگه من الآن موندمم، به خاطر توئه. بعد یه ذره اشاره می‌کنه که سخته این بالا بودن، ترسناکه. ولی من با این حال بازم به خاطر این که، یعنی یه جووری توی لفافه می‌گه که آره، اگه ما الآن موندیم و قرارداد رو تمدید کردیم مثلاً به خاطر طرفدارامونه، یه همچین حالتی. نه این که بیان این رو بگن، این حس رو القا می‌کنن. و خب وقتی طرفدار حس می‌کنه آرتیست داره به خاطرش تلاش می‌کنه، بازم اون ارتباطه برقرار می‌شه.



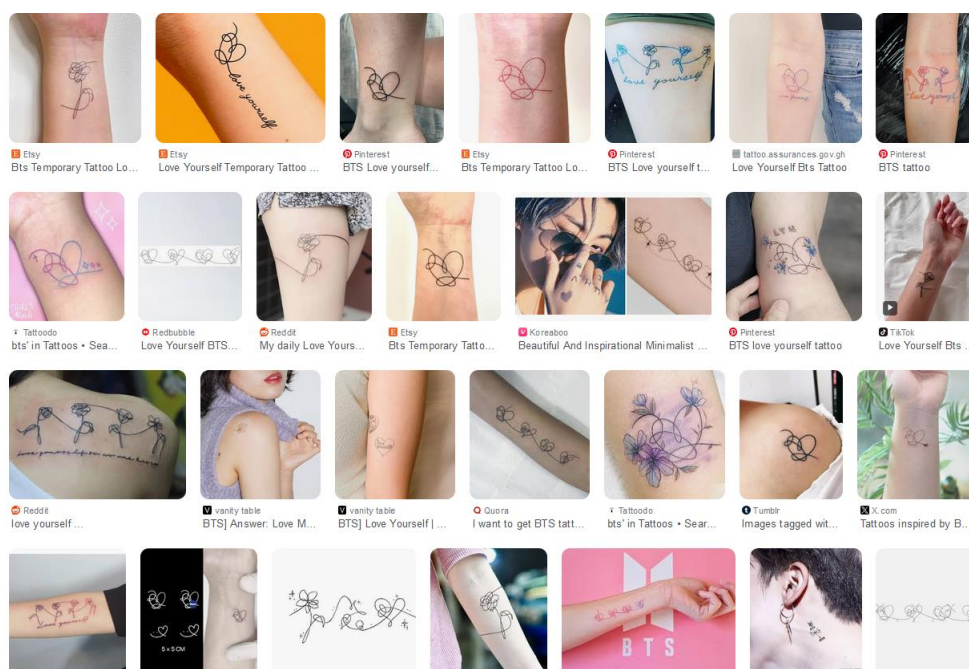
- چه طوری این حمایت رو حس می‌کردی؟

وقتی که مثلاً یه اتفاقی که پیش می‌اومد یا اتفاقی این طوری بود، یه جریانی که پیش می‌اومد، بی‌تی‌اس توی متن آهنگاشون، یا از طریق یه سری مثلاً چیز توی موزیک ویدیوهاشون، به طرفدارا می‌رسوند که آره ما می‌دونیم چه خبره و یه پیام مراقبت کننده طور می‌دادن تو متن آهنگاشون، که آره ما هستیم، ما مراقبتون هستیم، ما کنارتون هستیم و یه چیز دیگه‌ای هم که بود، این بود که بی‌تی‌اس می‌دونست یه تعداد خیلی زیادی از طرفداراشون به خاطر بی‌تی‌اس به زندگی برگشتن. و این در واقع، شاید بتونم بگم یه درصد خیلی بالایی، بیش‌تر از نصف طرفدارای بی‌تی‌اس، سر این آلبوم، یه همچین حسی داشتن که انگار یه حس خیلی بهتری به خودشون پیدا کردن. آلبومش، اسم آلبومش لائو یورسلف بود.

- اوهوم.

خودت رو دوست داشته باش. سه‌تا آلبوم بود به عنوان سری لائو یورسلف. یعنی سری لائو یورسلف خودش نزدیک دو سال طول کشید. بعد کل تمرکز این آلبوم لائو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جووری که هستی دوست داشته باش و من مثلاً ی بارزش رو می‌دیدم، یعنی مثلاً طرف می‌گفت که من واقعاً می‌خواستم همه چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم.





– اوهموم.

و مثلاً صرفاً این نبود که طرف به خاطر وابستگیش به هنرمند خودش رو نکشه. به خاطر این بود که اون هنرمند اون قدر براش اهمیت داشت که بیاد سه تا آلبوم پشت سر هم بده صرفاً برای این که به این حس خوب القا بکنه یا ازش مراقبت بکنه.»  
«– تاحالا توی وی‌ورس یا حالا بقیه شبکه‌های ارتباطی با بی‌تی‌اس، ازشون پیامی دریافت کردی؟  
نوتیص<sup>۱</sup> (توجه) منظورته؟ نه. دست رو دلم نذار که خونه (با ناراحتی).

– چرا عزیزم؟

بی‌نوتیص موندم.

– یعنی تلاشی کردی که بتونی ازشون توجه بگیری؟

وقتی که توی وی‌ورس با آرمی‌ها حرف می‌زنی، کلی پست گذاشتم، ولی قسمت نشد.

– توی وی‌ورس پست گذاشتی؟

آره.

– یعنی این طوری هست که پست‌های همه، توسط اعضای گروه دیده می‌شه؟

توی وی‌ورس افراد زیادی هستن که هم زمان پست می‌ذارن و این مسأله این جوریه که اعضاء به طور تصادفی پستی رو که می‌بینن، جواب می‌دن.

– بعد این کار رو هر چند وقت یه بار انجام می‌دی؟

قبلاً هر هفته یا هر روز بود، ولی الان یک ماهی می‌شه، وی‌ورس بالا نیامد.

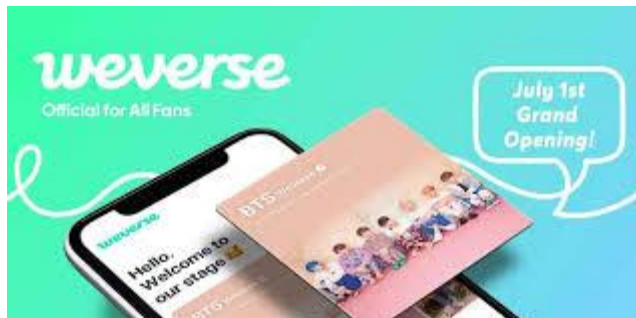
– یعنی اگه شرایط اینترنت خوب باشه هر روز و هر هفته برای گرفتن نوتیص تلاش می‌کنی؟

آره.

– می‌شه از این صحبت‌هاشون که ابراز نگرانی می‌کنن، مثال بزنی؟

<sup>1</sup> -notice

مثلاً حال مون رو می‌پرسن و می‌گن هوا سرده لباس‌های گرم بپوشین، مواظب باشین سرما نخورین، خوب غذا بخورین و به خودتون فشار نیارین».



پونه ۱۸ ساله و حدیث ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشتند، از برنامه‌های فن‌میتینگ و فن‌ساین که برنامه‌های ملاقاتی ستاره‌ها با هواداران محسوب می‌شوند، یاد کرده اند:

«- فن‌میتینگ چیه؟

توی فن‌میتینگ اعضای بی‌تی‌اس میان با آرمیا ملاقات می‌کنن و توی اون ملاقات، حالا بازی می‌کنن یا آهنگ می‌خونن و بعضی وقت اهم آرمیا رو سوپرایز می‌کنن. یه حالت کنسرت جمع و جور داره. بعد یه چیز دیگه هم هست بهش می‌گن فن‌ساین. البته فن‌ساین یه کم با فن‌میتینگ فرق داره. حالت خصوصی طور داره بعد فنا میان با اعضاء دیدار می‌کنن و امضاء می‌گیرن و عکس می‌اندازن و صحبت می‌کنن کلی به طرفدارا عشق می‌دن و همین طور طرفدارا به پسرا. بعد یه چیز قشنگی که هست اینه، اگر مثلاً یه آرمیه مسلمون بره توی فن‌میتینگ کاملاً بهش احترام می‌ذارن و بهش دست نمی‌زنن، مگر این که خودش بخواد و خیلی با محبت برخورد می‌کنن باهاش. مثل بقیه‌ی فنا».



عرفان ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از جشن فستا (سالگرد راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس) که حدود ۱۳ روز به درازا می‌انجامد، به قرار زیر یاد کرده است:

«... سال تأسیس گروه بی‌تی‌اس به فستا معروفه، یعنی سالگرد گروه بی‌تی‌اس. جشن فستا توسط کمپانی هر ساله از اول ژوئن تا ۱۲ و ۱۳ ژوئن برگزار می‌شه. توی این دوره سیزده روزه اعضای گروه بی‌تی‌اس به آرمی‌ها هدیه‌هایی مثل پروفایل‌های خنده‌دار و عکس‌ها و یا آهنگ‌های زیبا و یا کاورهای خودشون رو می‌دن که واقعاً خیلی باحال ان و در آخرین روز از فستا، اعضاء پارتی تولد برای بی‌تی‌اس می‌گیرن که کل

---

۱ - یکی از ظرافت‌های دیگر کمپانی بیگ‌هیت در تصویر بالا مشاهده می‌شود. به ظاهر در برنامه فن‌ساین که برای تکریم هواداران تدارک دیده شده است، مبلمان فضای دیدار به گونه‌ای طراحی شده است که هواداران در عمل برای صحبت کردن با ستاره‌ها، مجبور به زانو زدن در برابر آنان هستند!

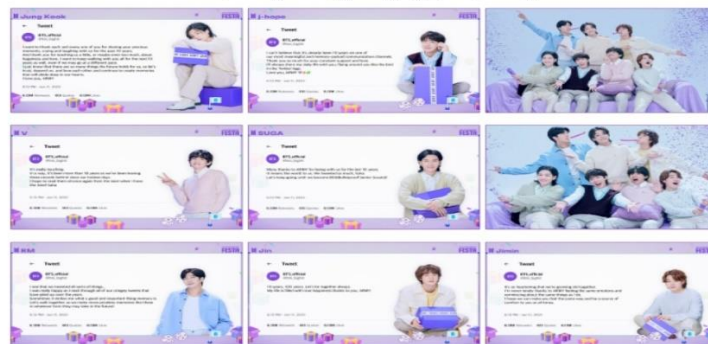
محتوای اون رو خودشون آماده می‌کنن. هر سال هشتک‌های مختلفی مثل فستا و بی‌تی‌اس و آرمی و... ترند می‌شه. در کل فستا یه چیزیه بین آرمی‌ها و بی‌تی‌اس که باهم جشن می‌گیرن و اعضا از خاطراتشون و شادی‌هاشون حرف می‌زنن که واقعاً هر آرمی هر ساله منتظر این روزه. این قدر این جشن فستا رو در رسانه‌های سراسر کره پخش می‌کنن که مردم و طرفداران هر ساله دراول ژوئن منتظر جشن ان و در سراسر جهان هم این زمان بین هواداران هر ساله جشن گرفته می‌شه و کمپانی مقداری از درآمزش رو به کارهای خیر و کمک به نیازمندان اختصاص می‌دهد.



– برگزاری جشن فستا چه تأثیری روی هواداران داره؟

چون این جشن دوازده تا سیزده روز ادامه داره، خیلی به هواداران خوش می‌گذره. معمولاً آیدول‌های بی‌تی‌اس در این سیزده روز با هواداران ارتباط برقرار می‌کنن و لحظات شادی رو ایجاد می‌کنن مثلاً خاطرات خنده‌دار می‌گن و آهنگ‌های زیبا می‌خوانن که گاهی با رقص توام هستن و هواداران انرژی مثبت می‌گیرن».

## BTS FESTA 2023 PHOTOCARD SET



### festa 4

9 Pcs of Photocards (54mm x 86mm)  
++Freebies

»– لطفاً برام راجع به فن‌ساین توضیح بده.

خب فن‌ساین یه چیزی هست که کمپانی‌ها هر چند وقت یه بار مثلاً میان می‌گن که فلان روز فلان مکان مثلاً بی‌تی‌اس می‌خواد فن‌ساین بذاره. توی فن‌ساین فنا می‌تونن به آیدول‌شون کادو بدن یا ازش عکس و امضاء بگیرن. بعد ثبت نام کردن توی فن‌ساین خیلی سخته، یعنی قبل از این که ثبت نام کنن باید به کلی سوال راجع به اون گروه یا سولویست جواب بدن، به خاطر این که توی فن‌ساین آیدول و فن کاملاً چهره به چهره و نزدیک هم بهم حرف می‌زنن و اگه یه نفر ساسنگ باشه، می‌تونه خیلی راحت به آیدول آسیب بزنه. به خاطر این تست می‌گیرن که کسی که می‌ره فن‌ساین واقعاً طرفدار اون آیدول یا گروه باشه».



دیپای ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش از برنامه‌های تفریحی و سرگرمی دیگری که پسران بی‌تی‌اس دارند، نظیر ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ و بن ویاژ یاد کرده است:

«این برنامه‌هایی که توی صحبت‌هاش اشاره کردی چی هستن و توی اون‌ها چه اتفاقی می‌افته؟  
مثلاً این برنامه بن‌ویاژ چندتا فصل داره و توی اون به جاهای مختلفی سفر می‌کنن یا مثلاً ران بی‌تی‌اس کانسپت‌های مختلفی داره، مثلاً می‌شینن باهم بازی‌های مختلفی انجام می‌دن یا خود تهیه‌کننده برنامه میاد و براشون یه چالشی مطرح می‌کنه، آشپزی می‌کنن یا یه مهمونی دعوت می‌شه تا بهشون کارهای جدید رو یاد بده مثلاً سفالگری و یوگا رو یاد گرفتن یا مثلاً توی بی‌تی‌اس این دِ سوپ هم که تا الان دو فصلش اومده، می‌رن توی خونه‌های جنگلی، خیلی خوشگل و شیک و باکلاس و مثلاً کارهایی که اون‌جا انجام می‌دن، توی اون سه، چهار روزی که هستن، به شکل یه برنامه در میاد.»

کمپانی بیگ‌هیت در فراز دیگری از اقدام‌های خویش در تلاش برای تعمیق هر چه بیش‌تر رابطه ستاره‌ها و هوادارانشان، از ستاره‌ها خواسته است تا اولاً چهره عروسکی مورد علاقه خودشان را شخصاً طراحی کنند و مبتنی بر آن، وسایل بی‌تی ۲۱ را به بازار عرضه کرده است، کمپانی در اقدام دیگری از پسران گروه بی‌تی‌اس خواسته است تا در اوقات فراغت خودشان دست به تهیه کارهای مورد علاقه خودشان بزنند و پسران هم با تهیه برخی از کارهای دستی و هنری (مرچ)<sup>۱</sup>، این تولیدها را برای فروش به هواداران عرضه کرده اند. اقدام‌های اخیر ضمن تنوع‌بخشی به رابطه هواداران و ستاره‌ها روابط نزدیک‌تری بین آنان ایجاد خواهد کرد.



ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه‌اش مورد تهیه وسایل بی‌تی ۲۱ بیان می‌دارد:

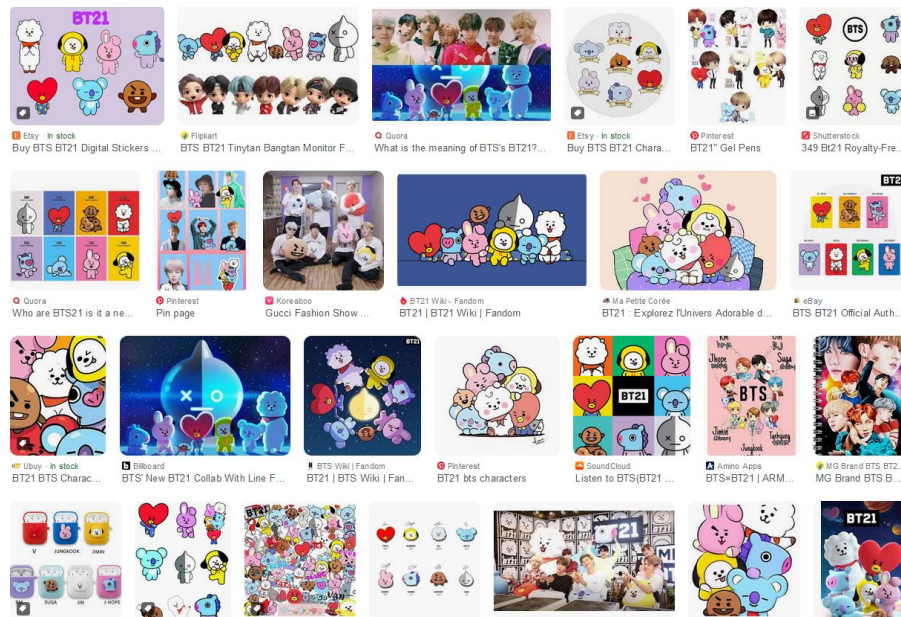
«... عزیزم منظورت از تاتا مایک چی بود؟

پسرا هرکدم‌شون یه شخصیت عروسکی دارن که تاتا برای تهیونگه و بر اساس شخصیت خودشون ساخته شده و خود پسرا طراحی کردن.  
اطلاعی داری که چرا دقیقاً این شخصیت‌ها ساخته شدن؟

تا جایی که من فهمیدم این شخصیت‌ها رو پسرا طراحی کردن تا مردم از طریق این کارکترها اونا رو خیلی بهتر بشناسن.»

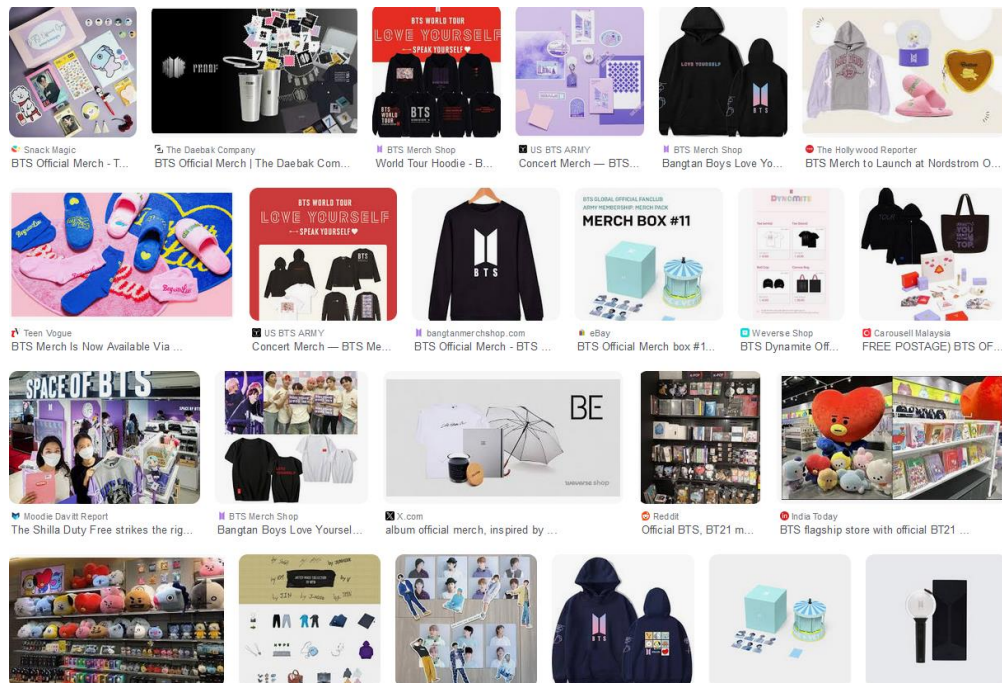
<sup>۱</sup> - مرچ به کلیه اقلامی گفته می‌شود که توسط یک اینفلوئنسر عرضه می‌گردد. طرح‌هایی که روی این اقلام وجود دارد احتمالاً باعث ایجاد یک حس مشترک بین مخاطبان آن شخص می‌شود. این طرح می‌تواند لوگو، نوشته، جمله یا هر چیزی باشد که مخاطبان فرد به آن علاقه‌مند هستند.





زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد در مورد وسایل طراحی شده توسط اعضای گروه بی‌تی‌اس اظهار می‌دارد:

«هر کدام از پسرها علاقه‌ای داره و بر مبنای علاقه خودش وسیله‌ای درست کرده است، این وسایل برای هوادارها به فروش هم می‌رسند، اما خوب قیمتشون خیلی بالا هست. ولی خیلی‌ها هم دوست دارن این وسایل رو داشته باشند، چون اون‌ها رو آیدول‌های مورد علاقه‌شون درست کردن و آن‌ها به این وسیله، نوعی احساس نزدیکی بیش‌تر رو نسبت به آیدول مورد علاقه‌شان به دست میارن».



رخساره ۱۶ ساله، از ارتباط آیدول‌ها با هواداران در برنامه وی‌ورس و بنفشه ۲۰ ساله، از لایوهای فردی و گروهی بی‌تی‌اس و برنامه‌های رئالیتی‌شو و جشن فستا یاد کرده اند که هر یک از برنامه‌های اخیر، به سهم خود در عمق‌بخشی به روابط بی‌تی‌اس و هوادارانشان مؤثر واقع می‌آیند:

«بعد برنامه‌ای که بی‌تی‌اس خیلی داخلش فعالیت داره و جواب همه‌ی آرمی‌ها رو می‌ده و عکس این چیزا رو پست می‌کنه وی‌ورسه.



– چه طوری؟

وی ورس یه برنامه‌ایه که آیدول‌های کی‌پاپ دارنش و کامنت‌های آرمی‌ها رو جواب می‌دن و روزمرگی شون رو اونجا می‌ذارن».



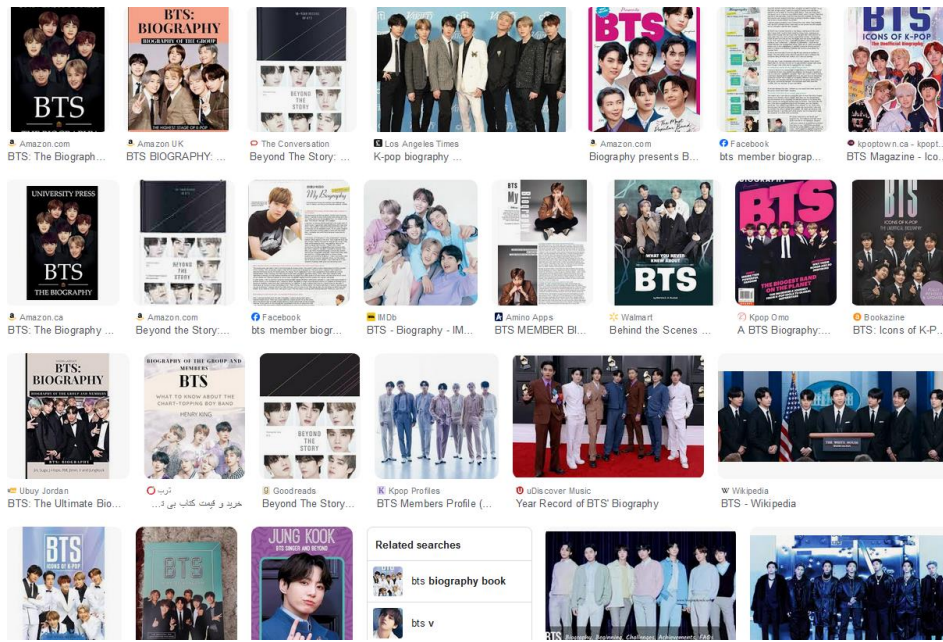
«– درباره برنامه‌هایی که بی‌تی‌اس داره، مثل ران بی‌تی‌اس و این‌ها و لایوهای به خصوصی که می‌گذارن، توضیح می‌دی؟  
در مورد برنامه که «ران بی‌تی‌اس» معروف‌ترین شونه، اما خیلی چیزای دیگه داریم مثلاً «بن‌ووایج» داریم که مثلاً اینا چند روز می‌رن مسافرت و «بی‌تی‌اس این د سوپ» داریم که اونم یه همچین حالتی داره تو برنامه‌های دیگه شرکت می‌کنن، «ریثالیتی شوها» بودن، وی لایو می‌رن، «لایو» می‌ذارن خیلی از این‌ها رو داشتیم ما یه چیزی مثل «فستا» داریم که هر ساله جشن می‌گیریم و این طوری که سالگرد هر ساله دیو بی‌تی‌اس و کانسپت‌های جدید به ما می‌دهند، بعضی وقت‌ها آهنگ حتی می‌خونن لایو گروهی می‌رند و بعد هر نامزدی یا بعد هر مسابقه‌ای که برنده می‌شن یا مثلاً چیزی دریافت می‌کنند یه لایو گروهی می‌رند برای تولدهاشون لایو می‌گیرن بعضی وقتا، خیلی از اینا رو داریم.  
– همه برنامه‌ها رو هم دیدی؟

آره» 😊😊

سونیای ۱۷ ساله، در فرازی از مصاحبه‌اش از کتاب‌هایی یاد می‌کند که در ارتباط با ستاره‌های بی‌تی‌اس تهیه شده است و زندگی‌نامه آنان را در اختیار هواداران می‌گذارد:

«– گفتید خود ستاره‌ها هم زندگی شخصی شون رو بیان می‌کنن؟

آره خودشون هم گفتن. مثلاً بی‌تی‌اس اصن کتاب هم داره که توش در مورد پسرا زیاد گفته شده. گروه‌های دیگه هم کتاب دارن. همین که تو اینستا پست می‌ذارن از جاهایی که رفتن یا کارایی که کردن یعنی زندگی شون رو دارن نشون می‌دن».



بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان ساخته است که گروه بی‌تی‌اس برای یکی از هواداران بیمار خود، بلیط تهیه کرده، با پذیرش کل هزینه سفر وی، او را به کنسرت خودشان دعوت کرده اند:

«... همیشه توی مصاحبه‌های که داشتند، از ما تشکر کردند و خیلی جاها می‌رفتن به آرمیا کمک می‌کردن، مثلاً چه جویری بگم مثلاً یه دختری بود که مریضی قلب داشت و نمی‌تونست نفس بکشه و آرزوی دیدن اینا رو داشت، براش بلیت فرست کلاس فرستادن، هزینه کل سفرش رو دادن و حتی در کنسرت باهاش عکس یادگاری انداختند و یا یکی که معلول ویلچری بود به کنسرت رفته بود، یکی از اعضاء می‌ره اون جا دستش رو بوس می‌کنه و ازش تشکر می‌کنه که به کنسرت اومده».



نسترن ۱۹ ساله و شادی ۱۵ ساله در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که دارند، خاطرنشان می‌سازند که ستاره‌های بی‌تی‌اس در عمل تبدیل به لایف استایل بلاگر شده‌اند و به همین سبب تمامی زندگی خودشان را در برابر انتظار و غم‌ه مردم، به نمایش می‌نهند:

«... به نظر من کی‌پاپ اصلاً بزرگ‌ترین فرقی با خواننده‌های هالیوود اینه که خواننده‌های هالیوود زندگی خودشون رو با تو شر<sup>۱</sup> (سپیم) نمی‌کنن، ولی کی‌پاپ یه جوریه که انگار داری با طرف زندگی می‌کنی، یعنی این قدر شر می‌کنه، انگار داری با طرف زندگی می‌کنی و انگار مثلاً طرف واقعاً دوستته. به خاطر همین یه کم زندگی شخصی‌شون رو آوردن تو صنعت دیگه، اصلاً کی‌پاپ صرفاً موزیک نیستش. یه کم به خاطر همین چیزا هست که مثلاً معروف‌تر و محبوب‌تره نسبت به آهنگای خارجی و اینا. باز هستن آیدولایی که مثلاً زندگی شخصی‌شون رو جدا کنن. ولی معمولاً این شکل از».

«- زندگی شخصی شون رو هم با مخاطبان به اشتراک می گذارند؟

آره، حالت بلاگر لایف استایل هم دارن و از زندگی شون هم فیلم می گیرن، می دارن. مثلاً غذا درست کردن شون یا کارای روزمره شون یا خرید، ولی خب یه مقدار فیکه چیزایی که نشون می دن.

- یعنی چی؟

یعنی مثلاً خب کسی اول صبح ساعت ۶ که نمی ره خرید، بعدش بیاد با اونا صبحونه درست کنه، یعنی یه کم ایده آله چیزی که نشون می دن یا مثلاً بعدش تازه بره حمام و بیاد صبحونه بخوره، تو زندگی واقعی، ما اول صبح فقط داریم می دوییم که به کارمون برسیم (باخنده) یا مثلاً هر جا می رن صف نیست، مگه می شه؟ همه جا خلوته، خب اونجا هم جمعیتش خیلی کم نیست، این جوری خیلی ایده آله در واقع.

- یعنی تبلیغ کشورشون رو می کنن؟

آره فکر می کنم یه کم این جوریه که مثلاً همه جا خلوته و صف نیست و کارها زود راه می افته و همه جا شیک و خوشگله و نو و زندگی شون لاکچریه، شاید کمپانی می خواد این جوری ایده آل نشون شون بده، چون اینا هر کاری که کمپانی بگه رو می کنن دیگه».

گلنوش ۱۴ ساله، از ارتباط آیدول ها در صفحات شخصی اینترنتی خودشان با هواداران یاد کرده، خاطرنشان می سازد، آیدول ها برای راهنمایی هواداران خویش، تمامی دقایق زندگی خود را با آنان مطرح می سازند.

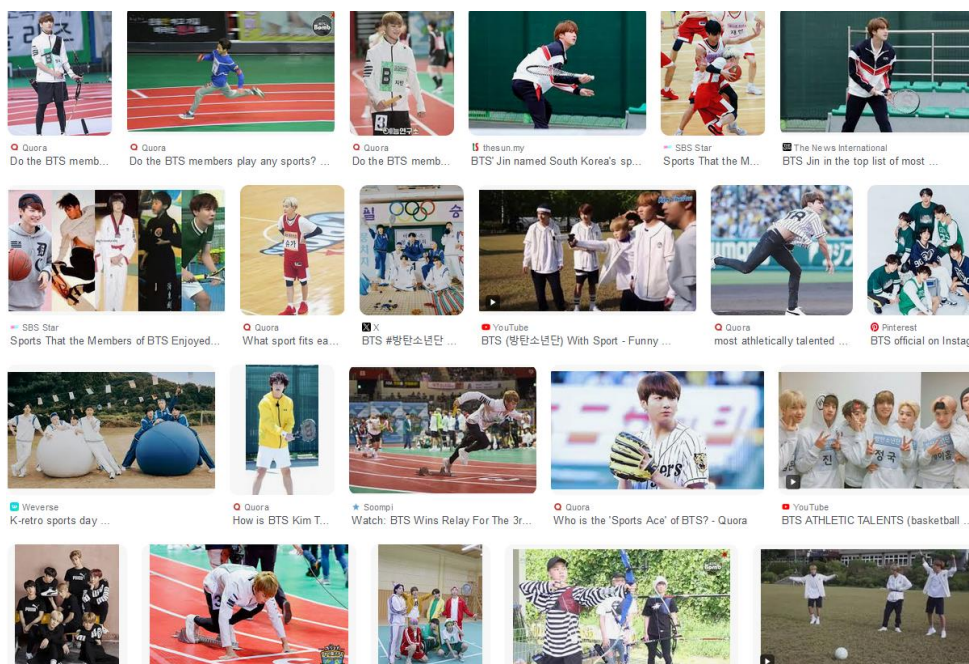
مسعود ۲۰ ساله نیز با تأکید به تصویر کشیده شدن کمترین حرکات و سکنات ستاره ها، یادآور شده است که آنان حتی فیلم ورزش خود را برای جذب هر چه بیش تر مخاطبان در یوتیوب می گذارند:

«- ستاره ها چه طور با آرمی ها ارتباط می گیرن که می گی براتون وقت می گذارن؟

نفر به نفر که نمی تونن ارتباط برقرار کنن، چون ما خیلی زیادیم، ولی همین قدر که علاوه بر آهنگ ساختن و این همه کاری که می کنن، حاضر هستن توی صفحه هاشون برای طرفدارا عکس بذارن و متن بنویسن و اونا رو شریک زندگی شون می دونن، خیلی ارزش داره کدوم خواننده ای هست که به اندازه بی تی اس بزرگ و معروف باشه و خودش رو نگیره؟ هیچ کس نیست که این قدر شهرت داشته باشه و بیاد همه چی زندگیش رو صاف و ساده با همه درمیون بذاره و این احساس رو بهت بده که دوست هست و همیشه کمکت می کنه و راهنمایی می کنه که چه کار کنی توی شرایط حساس.

- یعنی احساس می کنی اعضای بی تی اس مثل دوست و راهنمای تو هستن؟

بله، همین طوره».



«- گروه بی‌تی‌اس به غیر از آهنگ‌هاشون دیگه چه چیزهایی را برای هواداران در یوتیوب می‌گذارند؟ گروه بی‌تی‌اس هر لحظه از محل زندگی‌شون و کارهاشون و حتی از ورزش کردن‌شون، فیلم‌ها و ویدیوهای در یوتیوب برای هواداران می‌گذارند که هواداران با دیدن این ویدیوها برای بارها و بارها، از دیدن اون‌ها خسته نمی‌شن و عاشقانه این ویدیوها رو دوست دارند و این ویدیوها نشان دهنده اینه که آیدول‌ها به فکر هواداران هستند».



کمپانی در فراز دیگری از تلاش‌هایش با «ترسیم جهانی پر راز و رمز، تخیلی و رؤیایی» برای ستاره‌ها، با طرح مواردی همچون مغازه جادویی، بی‌تی‌اس آیلند، جهان بنگتن، وب‌تون و تهیه فتوبوک، روابط هواداران با ستاره‌ها را در جهانی تخیلی، پی می‌گیرد. ترنم ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در نمونه‌ای در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«- می‌دونی معنی اسم بی‌تی‌اس و آرمی چیه و چرا این اسم روشن گذاشته شده؟

بی‌تی‌اس مخفف بنگتن سونیاندن<sup>۱</sup> به معنای پسران ضد گلوله و آرمی هم به معنای ارتش هست. تئوری این دو اسم اینه که بی‌تی‌اس با آرمی‌هاش ضدگلوله هستن و وقتی هیت‌ها به بی‌تی‌اس هیت می‌دن، آرمی‌ها از اونا دفاع می‌کنن. وقتی هم که آرمی‌ها هیت می‌گیرن، بی‌تی‌اس از ما دفاع می‌کنه. تو فوتوکانسپت<sup>۲</sup> آلبوم آخرشون هم یه عکس هست بهشون گلوله اصابت کرده و گلوله‌ها خوردن زمین که دقیقاً به تصویر کشیدن معنای اسم‌شون هست. یه بار یک سلبریتی آمریکایی گفته بود که آرمی‌ها وحشی هستن، بعد نامجون در جواب به اون سلبریتی گفت که آرمی‌های ما خیلی با هوش هستن، وقتی می‌فهمن یکی می‌خواد به ما توهین کنه یا با حرف‌هاشون ما را ناراحت کرده و آزارمان بده، از ما دفاع می‌کنن، همون طور که ما هم این کار رو در مورد اون‌ها انجام می‌دیم. در واقع تئوری اصلی اینه همه آرمی‌ها تو زندگی‌شون مثل هر آدم عادی سختی می‌کشن و بعضی‌ها در جنگیدن با این سختی‌ها خسته می‌شن و از خودشون متنفر و با حرف‌های مردم دور و برشون احساس کم بودن می‌کنن، اما آرمی‌ها با وجود بی‌تی‌اس و آیدول‌های<sup>۳</sup> خودشون می‌تونن از حق خودشون دفاع کنن. یاد می‌گیرن که قبل از همه چی باید خودشون را ببینن و یاد می‌گیرن باید خودشون رو دوست داشته باشن».

<sup>۱</sup> - پسران پیش آهنگ ضدگلوله Bangtan sonyeonda.

<sup>۲</sup> - واژه کانسپت به معنای تصور کلی از چیزی است. معمولاً هنگام انتشار آلبوم یک آیدول یا گروه بیش‌تر گفته می‌شود. مثلاً کانسپت آلبوم یک گروه می‌تواند دارک، کیوت، جذاب و یا گرل کراش باشد و به عکس‌هایی که با آن مضمون کلی گرفته می‌شود، فوتوکانسپت می‌گویند.

<sup>۳</sup> - معنای لغوی آیدول بت است، اما در کی‌پاپ به خواننده یا یکی از اعضای گروه گفته می‌شود.







این مسأله مال اول کارشون بود که باید از کمپانی اجازه بگیرند، بعد دیگه الآن داخل خونه‌های جدا زندگی می‌کنن اون موقع برای این که باید کلی تمرین و ورزش می‌کردند، باید همون جا می‌موندن و دیگه نباید کسی رو می‌دیدن.

– فکر می‌کنی وقتی خانواده‌هاشون را نمی‌دیدن، چی بهشون می‌گذاشته؟

من نظر خاصی ندارم، چون به نظرم مسأله مهمی نیست، من خودم خانواده‌ام رو نمی‌بینم، من همه‌اش تو اتاقم هستم و کاری به اونا ندارم.

– بعد اون چه احساسی داره اسمش عوض شده؟

اونا واقعاً از این اسم‌ها، از این اسم‌ها خوش شون اومده که انتخاب کردن و هر چی از اون لقبایی که آرمیا گذاشتن، خیلی وایرال شد و حتی خود بی‌تی‌اس هم خودشون رو به این لقب صدا می‌زنن».

اگر چه کمپانی خبرگزاری رسمی دارد و اخبار مورد نظرش در مورد گروه بی‌تی‌اس را از این طریق اطلاع‌رسانی می‌کند، اما با توجه به این که نشریاتی مانند دیسپچ اخبار محرمانه ستاره‌ها را نشر می‌دهد، برخی از هواداران بر این باورند که خود کمپانی رأساً با ایجاد حاشیه‌پردازی برای ستاره‌های گروه موافقت دارد تا با ایجاد حاشیه‌های مختلف برای گروه، چشم‌های بیش‌تر متوجه گروه گردد:

«– شنیدم سایت‌هایی مثل دیسپچ هستن که اطلاعات خصوصی ستاره‌ها رو فاش می‌کنن، مثل چت‌هاشون و این ستاره‌ها رو اذیت می‌کنه. در مورد این‌ها اطلاعاتی داری؟

به جز دیسپچ، حالا یه جای دیگه هم هست، خبرگزاری‌ها اصولاً پیگیر کارهای آیدول‌ها، اعم از خواننده یا بازیگر هستند و جمع‌آوری اطلاعات می‌کنن راجع به هر چی، نه فقط جنبه منفیش، در مورد هر چیزی و الزاماً این طوری نیست که آسیب زنده باشه، ولی دیسپچ هر سال یک یا دو نفر رو اعلام می‌کنه که این دوتا مثلاً با این شواهد باهم دیگه قرار می‌ذارن و حالا پخش می‌شه. بعدها کمپانی‌های اون دو نفر می‌تونن رد یا تأییدش کنن، بعد این که اصولاً دیسپچ خیلی اخبارش موثقه، ولی دیسپچ ممکنه به یه سری چیزها پردازه که اصولاً ربط داره فقط به هنرمندا، مثلاً یه حاشیه‌ای برای یکی توشون باشه. ولی در صدد آسیب زدن نیستن، ولی پیش اومده که یه کمم زیاده روی کنن، ولی کارشونه (می‌خندد) (مهشید، ۲۱ ساله).



هواداران گروه بی‌تی‌اس نیز با ملاحظه سرمایه‌گذاری جدی ستاره‌ها برای طرفداران، متقابلاً وارد صحنه شده و با «ایجاد تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها)»، دست به حمایت و هواداری از آنان می‌زنند. انجام برنامه‌هایی مانند: برگزاری منشن پارتی، استریم پارتی (استریمینگ)، هزینه کردن برای استریم‌رها، ترندینگ (هشتک‌گذاری در تویتر – ایکس) و «حمایت عملی هواداران از ستاره‌ها» را به معرض دید می‌گذارد.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از فعالیت‌های متعدد خود و دوستانش در جهت حمایت از گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«– آیا این جزو تبلیغات کمپانیه یا یه انتخاب فردی یا فرهنگی که جا افتاده؟

فکر می‌کنم کاریه که کمپانی می‌کنه برای این که طرفدارا رو اینترستد<sup>۱</sup> (علاقه‌مند) نگه داره. چون مثلاً فاصله این آلبوم تا آلبوم بعدی برای این که اون طرفدار فراموش نکنه که این طرف رو دوست داره باید یه سری کانتنت<sup>۲</sup> (محتوا) بهش بدی. این کانتنت‌ها رو این وسط جا می‌دن که اون طرفدار حوصله‌اش سر نره. اعضاء هم دیگه به عنوان بخشی از کارشون پذیرفتن این رو و دیگه سعی می‌کنن لذت ببرن ازش یا حداقل چیزی که من حس می‌کردم، این نبود که این اجباریه براشون. مثلاً هفت‌تایی که می‌رفتن شهر بازی ازش فیلم می‌گرفتن و انگار که یه سریالی بود که من مدام داشتم می‌دیدم و این هیچ وقت تموم نمی‌شد. مثلاً بعد خب این برنامه‌ها تموم می‌شد، کنسرت می‌داشتن. چند روز کنسرت بود و کنسرت‌ها رو هم معمولاً زنده می‌دیدیم. لینکش می‌اومد. یکی از آرمیا که خریده بود، لینک کنسرت رو شیر می‌کرد برای بقیه همه می‌دیدن. کنسرت رو زنده می‌دیدم... خب خیلی حال می‌ده که تو فضای کنسرت رو زنده بخوای تجربه بکنی. بعد از اون جشنواره‌های آخر سال کی‌پاپ بود که همه‌ی گروه‌ها میان اجرا می‌کنن، بعد به یه سری‌ها جایزه می‌دن. مثلاً آرتیست سال، آهنگ سال، آلبوم سال که نشون می‌ده کدوم آرتیستا موفق‌ترین آرتیست سال بودن و... بعد رأی‌گیری‌های اون‌ها هست، خب طرفدارا رأی می‌دن به آرتیست مورد علاقه‌شون و برنده که می‌شد، احساس افتخار می‌کنی، چون احساس می‌کنی، خودت این موفقیت رو برای اون آرتیست به دست آوردی. یه جورایی حس می‌کنی، داری پی‌یک (بازپرداخت) می‌کنی بهشون اون حس خوبی که بهت داده رو. یه حالت انگار واقعاً یه دوستی دورا دوره که یه حالت گیو اند تیک<sup>۳</sup> (داد و ستد) داره. یعنی اون به تو گیو می‌کنه تو یه چیزی رو این ریترن<sup>۴</sup> (در مقابل) می‌دی.

– حالا تو آرمی‌های دیگه چه کارهایی برای بند مورد علاقه‌تون می‌کنید؟

اصلی‌ترینش گوش دادن به آهنگا و نگاه کردن به موزیک ویدیوهاست. توی پلتفرم‌ها که بازدیدش ثبت بشه. بعد رأی‌گیری‌ها هست. مثلاً اگه خبرش پخش بشه که مثلاً فلان رأی‌گیری باشه، می‌ری رأی می‌دی. رأی‌ها ثبت بشه، بعد نشون می‌دی که این آرتیست مثلاً چه قدر محبوبه. بعد جایزه برنده می‌شه طرف، خب جایزه می‌گیره خوشحال می‌شه، بعد تو حس می‌کنی خب تو یه کاری کردی برای اون طرف.

– بعد مثلاً این که می‌گی ویو بخوره برای اون ویدیو، مگه بیش‌تر از یه ویو می‌تونی بزنی؟

آره... راه داره. می‌تونی مثلاً چندتا اکانت داشته باشی.

– اوهوم.

با هر اکانت بازدید بزنی. می‌تونی... یه چند ساعت وایسی بعد کلیر هیستوری<sup>۵</sup> (پاک کردن حافظه‌ی سیستم) بکنی، بعد دوباره بری بازدید بزنی.

از این کارا زیاد می‌کردیم (خنده).



1 - Interested

2- Content

3- Give and take

4- In return

5- Clear history

کمپانی هایب در فراز دیگری از اقدام‌های خویش برای «تعمیق روابط ستاره‌ها و هواداران»، با پیش گرفتن برنامه‌هایی مانند: تکریم هواداران از سوی ستاره‌ها، مشخص کردن روزی به نام روز هواداران و هویت بخشی گروهی به هواداران، به انجام این امر می‌پردازد. طرفداران با ملاحظه سرمایه‌گذاری گسترده ستاره‌ها برای هوادارانشان، وظیفه خود می‌دانند که به شکل کامل و تمام قد به حمایت از ستاره‌های مورد علاقه‌شان بپردازند. اظهارات گلنوش ۱۴ ساله نمونه‌ای در همین راستا محسوب می‌شود:

«- چندتا دوست آرمی داری؟»

زیاد هستن، ولی اصلی‌هاشون که خیلی باهم دوستیم پنج نفر ان.

- با این پنج نفر ارتباط حضوری داری یا مجازی؟

یکیشون دوست دوران بچگیمه، از پیش دبستانی دوستیم، یکیشون دوست مجازیمه و سه‌تای دیگه هم مدرسه‌ای‌های من هستن.

- تا حالا شده به خاطر آرمی بودن با کسی دوست بشی؟

آره خب، همه‌ی دوستای من یا آرمی هستن یا دست به دست هم می‌دیم و اونایی که آرمی نیستن رو آرمی می‌کنیم. پس قطعاً همه‌ی دوستای من مثل خود من هستن.

- چرا همه رو آرمی می‌کنید، چی به شما می‌رسه؟

آخه ما هر چی بیش‌تر باشیم برامون بهتره. یه ارتش قوی باید پرتعداد باشه. وقتی کسی پشت سر بی‌تی‌اس حرفی می‌زنه، همه باهم می‌ریزیم سرش که دیگه یه وقت فکر نکنه بی‌تی‌اس بی‌کس و کاره.

- چه طور می‌ریزید سرش؟

یعنی پشت همدیگه در میایم. اگه یکی به یکی از ما یا به یکی از آیدول‌ها توهین کنه، خصوصاً راجع به بایس‌هامون مزخرف بگه، همه باهم می‌ریم سراغش.

- می‌رین سراغش که چه کار کنید؟

اگر حضوری باشه یا قانعش می‌کنیم که دیگه از این حرفا نزنه، اگه هم مجازی باشه همه باهم بهش پیام می‌دیم و تهدیدش می‌کنیم و قدرت خودمون رو بهش یادآوری می‌کنیم. بعضی‌هاشون که مرض دارن از قصد می‌خوان آرمی‌ها رو آزار بدن؛ این جور آدمای نفهم رو ریپورت و بلاک می‌کنیم تا پیجش پاک بشه و تنبیه بشه که دیگه با ارتش بی‌تی‌اس در نیفته.

- کنجکاوم بدونم بی‌تی‌اس چه کار کرده که این قدر دوستش دارید و براتون مهمه که به خاطرش با دیگران درگیر می‌شید؟

ما فقط بی‌تی‌اس رو دوست نداریم که، اونا هم ما رو همون قدر دوست دارن، وگرنه برامون این همه آهنگ نمی‌خوندن و این همه تو صفحه هاشون واسه آرمی‌ها وقت نمی‌داشتن؛ تنها دلیل جنگیدن و ادامه دادن‌شون عشق به ما آرمی‌ها هست. همون قدر که اونا به ما انگیزه می‌دن، ما هم به اونا انگیزه می‌دیم».



برخی از هواداران در مصاحبه‌هایشان گزارش کرده‌اند که آنان اعضای گروه بی‌تی‌اس را همچون خانواده خویش پنداشته‌اند و اوجی از صمیمیت را با آنان احساس می‌کنند:

«... کلاً پسرا ویژگی‌های خوب خیلی زیادی دارند. من کلاً همه چیزشون رو دوست دارم.

– می‌گی چه تأثیرهای خوبی تو زندگی تو گذاشتن؟

حرف‌هایی که می‌زنم. یه جوری حرف می‌زنم که من واقعاً خودم فکر می‌کنم براشون اهمیت دارم و جزو خانواده‌اشون هستم و حس امنیت و آرامش بهم می‌دن با این حرفاشون.

– جای دیگه احساس تعلق و مهم بودن را تجربه نکردی؟

ام، نه.»

«خب همه می‌دونن که پول همیشه مطرحه و همه‌ی آرتیستا دارن پول درمیارن. ولی حداقلش این بود که بی‌تی‌اس در کنار پول در آوردنش از

طرفداراش سعی می‌کرد ازشون مراقبت هم بکنه. می‌دونی؟

– اوهوم.

و این چیزی بود که تعداد خیلی زیادی از آدم‌ها تجربه‌اش کردن، از جمله خود من. من تو دورانی که تینیجر بودم واقعاً اگه بی‌تی‌اس نبود، حتی سر همین آلبوم *لاو یورسلف*، اگه بی‌تی‌اس این آلبوم رو نمی‌داد، من هیچ‌وقت خودم رو اون جوری که هستم قبول نمی‌کردم. به خاطر این که انگار نیاز داشتم یه نفری که دوستش داشتم، بیاد این حرف رو به من بزنه. و خیلی اثرش بیش‌تر از صدها کتاب بود که من پیام بخونم که هی به من بگه که... .

– آیا درست دارم متوجه می‌شم که این گروه یه جورایی جایگزین خانواده‌ای بود که احساس کمبودش رو می‌کردی؟

قطعاً، البته بیش‌تر برا من حکم یه دوست صمیمی رو داشت که نداشتم. ولی برای خیلیا آره. جایگزین خانواده هم بود. جایگزین یه جایی که حتی بهش بگن خونه. بعد مثلاً اعضای اون خانواده هم می‌شن مثلاً طرفدارایی که مثل تو اون گروه رو دوست دارن. همون چیزی رو که تو دوست داری، اونا هم همون رو دوست دارن.»



برخی از هواداران، با اعتقاد به این که گروه بی‌تی‌اس در واقع بسان یک خانواده برای آنان عمل کرده‌است، بر همین مبنا نسبت به یکدیگر از احساسی مثبت برخوردار بوده، کوشیده‌اند با پیش گرفتن برنامه‌هایی نظیر فن‌سرویس و راه‌اندازی مرکز عشق و مثبت‌نگری، در عمل به «ارایه سرویس به هواداران دیگر» بپردازند.

### ۳-۲۶- ایجاد وابستگی عاطفی در هواداران (عشق تخیلی)

«چیزی نگو، نرو، فقط به آرومی بغلم کن دختر،

لطفاً، لطفاً من رو بکش سمت خودت و بغلم کن» (فرازی از آهنگ «من را دربر بگیر» از گروه بی‌تی‌اس).



نوجوانان و جوانان در آغاز سنین جوانی خویش با برخی از تحول‌های مغزی (هرس سلولی، میلینی شدن سلول‌های عصبی، رشد هسته آکومینس)، فیزیکی (بلوغ و تلاطم‌های هورمونی)، عاطفی و روانی (مواجهه با مسایل عاطفی نظیر عشق)، اجتماعی (نظیر از شیرگرفتگی روانی و ورود جدی‌تر نوجوان به گروه همسالان، یادگیری‌های اجتماعی -نظیر ملاحظه رانت‌خواری برخی از مسوولان و آقازاده‌هایشان-)، فرهنگی (مانند تجربه سبک زندگی لاکچری در شبکه‌های اجتماعی)، زیباشناختی (نظیر طرح دغدغه‌های زیبایی، خاصه برای دختران جامعه) مواجهند که با ورود جدی‌تر آنان به جامعه، با تحول‌های اقتصادی (مواجهه با واقعیات تلخ اقتصادی در جامعه) و تحول‌های سیاسی و عقیدتی (با مشاهده فروریزی آرمان‌گرایی‌های وعده داده شده در جامعه) نیز روبرو می‌گردند.

در این میان نوجوانان و جوانان برای گریز از فشارهای مضاعفی که خود را با آن‌ها مواجه می‌بینند، ممکن است به راهکارهای مختلفی برای مهار نسبی فشارهای پیش‌رو متوسل شوند. عصبیان و پرخاشگری، انزواگزینی و کنارجویی، انتخاب بی‌قیدی و بی‌مسئولیتی، برخی از راه‌های مواجهه نوجوانان و جوانان با شرایط پرتنش اطرافشان است. اما برخی از نوجوانان و جوانان (به ویژه دختران که از عواطف توفنده‌تری نسبت به پسران برخوردارند)، با انتخاب مسیری عاشقانه، گام به جهانی رؤیایی می‌نهند که در آن ضمن ارضای نسبی نیازهای عاطفی آنان، بسیاری از مشکلات پیش‌گفته، حل شده و رنگ باخته‌اند.

فروید در نظریه‌پردازی خویش خاطرنشان می‌سازد، اگر چه در آغاز هر فرزند به والد جنس مخالف خود علاقه‌مندی می‌یابد، اما در دوران بلوغ، علاقه‌مندی و کشش نوجوان نه به اولیا، بلکه به چهره‌های شاخص جنس مخالف آنان در جامعه (و جامعه جهانی) خواهد بود. به این معنا که دختران به خواننده‌ها، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران و دیگر چهره‌های شاخص اجتماعی مرد و پسران به شکل مشابهی به چهره‌های مشهور هنری، ورزشی و اجتماعی زن متوجه شده و علاقه‌مندی و عشق به آن‌ها را در خود به نمایش می‌گذارند.

اگر از عشق اخیر که در دوران نوجوانی و اوان بلوغ در حد گسترده‌ای در جوامع مختلف بشری ملاحظه می‌شود، با عنوان عشق تخیلی یاد شود، می‌توان بیان داشت، در این عشق یک نوجوان و یا جوان، عواطف عاشقانه و پرشوری را در ارتباط با چهره‌های مشهور اجتماعی خویش و یا جامعه جهانی، تجربه خواهد کرد که علایم این عشق بی‌شباهت به عشق‌های پرشور شورانگیز نخواهد بود.





در این عشق نوجوان یا جوان با دلدادگی و دل سپردن به یک چهره هنری، ورزشی و یا اجتماعی، آرزوی دستیابی و همدم شدن با وی را دارد و از او به عنوان دوست جنس مخالف و یا اصولاً همسر آینده‌اش یاد می‌کند.

بنفشه ۲۰ ساله و ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، از گستره وسیع عشق تخیلی در دختران، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- بین دوستان خودت کسی رو می‌شناسی که روی قرار گذاشتن اعضاء حساس باشه و واکنش تندی به این موضوع نشون بده؟

آره، می‌شه گفت تقریباً همه دوستان همین جوری ان و همیشه تو حرف‌هاشون می‌گن که نکنه بایس‌شون با فلانی داره قرار می‌ذاره و رفته تو رابطه. یه وقت‌هایی هم خبر رابطه اعضاء با یه نفر میاد بیرون این‌ها همه‌شون خل می‌شن که واقعیه یا نه، نکنه واقعی باشه، نکنه دوستش داره. بعد شروع می‌کنند اون دختر بدبخت رو قضاوت کردن که این کجاش به مثلاً تهیونگ می‌خوره، این این جاش این طوریه، اون جاش اون طوریه، این با همه بوده و از این حرف‌ها».

«- ریحانه دوستان تو هم بی‌تی‌اس رو می‌شناسن؟

دوستان! همه مدرسه و همه دخترا عاشقش هستن، همه می‌شناسن‌شون این قدر معروف ان. این قدر که با دوستان تو مدرسه در موردشون کل می‌اندازیم. حتی داداش کوچیکم شیش سالشه از بس من بی‌تی‌اس رو می‌بینم، اونم دیگه یه کم می‌شناست‌شون و یه تیکه‌هایی از بعضی آهنگاشون رو حفظه، یه بارم که با بابام رفته آرایشگاه، به آرایشگر گفته موهایش رو مثل جیمین بزنه (باخنده) بعد اومده بود خونه ادای اون رو درمی‌آورد».



رنگ باختن منطق (نظیر امید بستن به دست‌یابی به فرد مورد نظر که آن سوی جهان زندگی می‌کند)، فرو رفتن در رؤیاهای عمیق، دست زدن به رفتارهای نمادین عاشقانه (مانند تتوی نام محبوب بر روی بدن خویش)، احساس خشم و حسادت در برابر رقبا و سرانجام تلاش برای حفظ و حراست از محبوب در برابر رقیبان، برخی از مهم‌ترین فرازهایی هستند که در عشق تخیلی قابل مشاهده هستند.

اگر در این قسمت، بحث محدود به گروه بی‌تی‌اس شود، بالطبع عشاق سینه‌چاک ستاره‌ها در این میان دختران هوادار خواهند بود و می‌توان انتظار داشت که خیل انبوهی از دختران هوادار، در عین طرفداری از ستاره‌ها، عشق‌ورزی به یکی از آنان را پیشه خویش کرده، در ذهن خودشان به روابط عاشقانه تخیلی خویش سامان می‌دهند.

در پژوهش حاضر، بسیاری از افراد مصاحبه شده، از شکل‌گیری عشق خویش به ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس یاد کرده، در ادامه یادآور شده اند که در رؤیاهای خویش به عشق مورد نظرشان می‌اندیشیده اند و با یاد وی زندگی می‌کرده اند.

بروز عواطف و احساسات افراد عاشق پیشه به صورت داستان‌سرایی‌های معمول در هواداران بی‌تی‌اس (و سلبریتی‌های دیگر)، به نمایش نهادن رفتارهای نمادین در ارتباط با محبوب، تلاش برای محافظت از وی و احساس خسران و شکست و بن‌بست روانی در شرایطی که فرد احساس از دست دادن محبوب (مثلاً با دوست شدن معشوق مورد نظر با یک زن یا ازدواج وی) را بیابد، پیامدهایی مانند به نمایش نهادن آن سوی سکه عشق که نفرت است، اضطراب، افسردگی و سوق یافتن به سمت خودکشی در شکست عاطفی پدید آمده، از مواردی است که در این دسته از هواداران عاشق‌پیشه قابل مشاهده است.



فراز مهمی که در عشق‌های تخیلی مشهود است، مسأله محافظت و مراقبت از عشق فرد به ستاره یا سلبریتی مورد نظر است. زیرا افراد اخیر که در سطح جامعه افراد شناخته شده‌ای به شمار می‌آیند، طبعاً فقط مورد توجه فرد عاشق‌پیشه تنها نبوده، افراد دیگری هم جذب چهره یا حرکات و ساکنات آن ستاره یا سلبریتی قرار گرفته اند. بنابراین هر فرد عاشق‌پیشه‌ای در واقع خود را با رقیب‌های متعددی مواجه می‌بیند که باید به نوعی در اندیشه آنان نیز باشد.

پس از شکل‌گیری عشق تخیلی و شروع رؤیاپردازی‌های دختران عاشق‌پیشه، مسأله مهمی که ممکن است در این میان رخ دهد، مسأله ازدواج کردن ستاره یا سلبریتی مورد نظر و به همین ترتیب وجود رقیبان بالقوه‌ای است که ممکن است گوی سبقت را از فرد عاشق‌پیشه گرفته، خود را کاندید به سر بردن یا ازدواج با ستاره یا سلبریتی مورد نظر کنند.

بنابراین در درجه نخست، ستاره مورد نظر نباید ازدواج کند، زیرا با ازدواج وی، رؤیای دست‌یابی و نزدیکی دختران هواداری که وی را عاشقانه دوست داشته و امید پذیرفته شدن از سوی وی را داشته اند، بر باد خواهد رفت.

برخی از پاسخ‌دهندگان، خاطرنشان ساخته اند که مجرد ماندن ستاره سبب می‌شود، امیدهای آنان از دست نرود و حداقل اگر آن‌ها به ستاره مورد نظرشان دست نیافتند، با مجرد ماندن وی، فرد دیگری هم به او دست نیابد تا اسباب حسادت بیش از پیش آنان فراهم نشود.



در پژوهش انجام شده، بسیاری از افراد مصاحبه شده، از شکل گیری عشق خویش به ستاره های گروه بی تی اس یاد کرده، در ادامه یادآور شده اند که در رؤیاهای خویش به عشق مورد نظرشان می اندیشیده اند و با یاد وی زندگی می کرده اند. گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش در تبیین شکل گیری عشق تخیلی بیان می دارد، «آیدول ها جنتلمن بازی در می آوردند» و همین امر سبب می شود، دختران هوادار بیش از پیش جذب آنان شوند و در یک تلاطم عاطفی، عشق تخیلی در آنان شکل بگیرد. محمدرضای ۲۱ ساله، به عنوان یک مرد (که طبق ادبیات پژوهشی، معمولاً مردان عقل گراتر از زنان عمل می کنند)، در مصاحبه اش با اشاره به رؤیای پردازی دختران، عشق تخیلی آنان را «نوعی از توهم زدگی» توصیف می کند. با شکل گیری عشق تخیلی، «اندیشه ازدواج یا به سر بردن نزد محبوب به عنوان دوست دختر»، ذهن دختران عاشق پیشه را فرا می گیرد. شیدای ۲۰ ساله، نیکوی ۱۵ ساله و رخساره ۱۶ ساله از «اندیشه های خویش حول ازدواج با آیدول مورد علاقه شان»، یاد کرده اند.



فاطمه ۱۹ ساله در گزارش خود در همین زمینه بیان می دارد: «... دیدم زمانی که اگر کنسرتی هست یا مراسمی چیزی و ویدیو یا عکس هایی از اعضای بی تی اس در بین فندوم منتشر می شه یا مثلاً جیهوپ می گه: «لاورا حالتون چه طوره»، گاهی اعضای فندم می گن که «رو پاهام بند نیستم» و «اتک خوردم» یا (این مورد رو با عرض معذرت ذکر می کنم) «حامله شدم، کوکی ازت باردارم». اینا رو توی کامنتا و پیام هاشون می بینم». برخی از افراد مصاحبه شده که تجربه عشق تخیلی را هم داشته اند، در مصاحبه های خود خاطرنشان ساخته اند که آنان برای بیرون ریختن عواطفی که در جریان عشق تخیلی شان وجود آنان را فراگرفته بود، رو به داستان نویسی آورده اند.

داستان‌سرایی‌های اخیر در هر دو شکل عاطفی صرف و داستان‌نویسی توأم با هوا و هوس فرد به صورت هرزه‌نگار، گزارش شده است. رهای ۱۸ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود به ذکر مصادیقی از هر دو نوع داستان‌نویسی پیش‌گفته اشاره داشته‌اند. وسواس‌های عاشقانه که در انواع عشق‌ها (عشق شورانگیز، عشق ناگفته و عشق به هم‌جنس) مشاهده می‌شوند، در عشق تخیلی نیز ملاحظه می‌شوند. ثنای ۱۶ ساله در گزارش خویش از درگیری‌های ذهنی گسترده این دست از افراد چنین یاد کرده است:

چرا؟

جیمین<sup>۱</sup> خیلی دوست دارم، حتی بک‌گراند<sup>۲</sup> گوشیم هم عکس جیمین هست. تم<sup>۳</sup> گوشیم هم تم بی‌تی‌اسه. حسودی می‌کنم یه کم اگه کسی از فامیل مثلاً جیمین رو دوست داشته باشه. یه جورایی بدم میاد. دوست دارم آس باشم. اگر قرار باشد به جیمین یک نقش در زندگیت بدی، دوست داری این نقش چی باشه؟ مثل پدر، برادر و از این دست نقش‌ها. دوست پسرم بهترین نقشی هست که بهش حتماً می‌دم.

یعنی الان هم به عنوان یک دوست پسر به جیمین نگاه می‌کنی؟

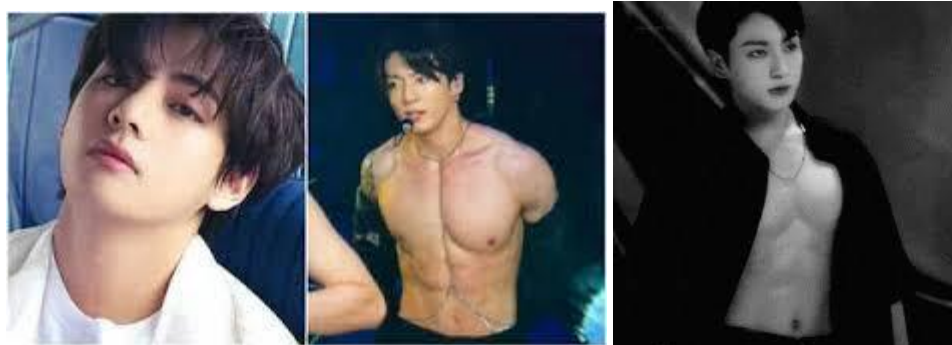
نه، الان خب دوست پسر نیست، ولی پیشنهاد بده رو هوا قبول می‌کنم (باخنده). من خیلی دوستش دارم، ولی براش نقشی نمی‌تونم در نظر بگیرم، چون باید باشه و واقعاً اون نقش رو قبول کنه، اما توی ذهنم چرا بهش فکر کردم، نمی‌تونم انکارش کنم. موقع آهنگ گوش دادن که فکرهام خیلی زیاد می‌شه، نمی‌تونم جلوی این فکرها رو بگیرم.

چه فکرهایی؟

همین که چه قدر دوستش دارم و گاهی اوقات حتی فکرم این هست که چرا من باید این قدر ذهنم درگیر جیمین باشه. می‌دونم خیلی درگیرشم و البته می‌دونم که چه قدر مسخره هست.

این که دوست نداری کسی جز تو به جیمین ابراز علاقه کنه، ارتباطی با شدت علاقه‌ای که به جیمین داری، داره؟

بله، صد در صد. هم آس بودنم توی جمع و هم میزان علاقه خیلی خیلی زیادی که بهش دارم، باعث می‌شه نتونم تحمل کنم کسی جز من بگه به جیمین علاقه دارم. انگار مال منه یا صاحبشم یه همچین چیزی».



به نمایش نهادن عواطف عاشقانه، تنها محدود به داستان‌نویسی‌های عاشقانه نبوده، در اشکال دیگری مانند دست زدن به حرکات نمادین (نظیر تتوی نام یا چهره محبوب بر بدن) یا شعارهای عاشقانه (نظیر عشق ورزیدن تا دم مرگ)، ملاحظه می‌شود. نرگس ۲۱ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از نمونه‌هایی از این دست رفتارهای عاشقانه یاد کرده‌اند.

1- Jimin

2- Background

3- Theme



فراز مهمی که در عشق‌های تخیلی مشهود است، مسأله محافظت و مراقبت از عشق فرد به سلبریتی یا سلبریتی مورد نظر است. زیرا افراد اخیر که در سطح جامعه افراد شناخته شده‌ای به شمار می‌آیند، طبعاً فقط مورد توجه فرد عاشق‌پیشه تنها نبوده، افراد دیگری هم جذب چهره یا حرکات و ساکنات آن آیدول یا سلبریتی قرار گرفته اند. بنابراین هر فرد عاشق‌پیشه‌ای در واقع خود را با رقیب‌های متعددی مواجه می‌بیند که باید به نوعی در اندیشه آنان نیز باشد.

پس از شکل‌گیری عشق تخیلی و شروع رؤیاپردازی‌های دختران عاشق‌پیشه، مسأله مهمی که ممکن است در این میان رخ دهد، مسأله ازدواج کردن آیدول یا سلبریتی مورد نظر و به همین ترتیب وجود رقیبان بالقوه‌ای است که ممکن است گوی سبقت را از فرد عاشق‌پیشه گرفته، خود را کاندید به سر بردن یا ازدواج با آیدول یا سلبریتی مورد نظر کنند.

بنابراین در درجه نخست، آیدول مورد نظر نباید ازدواج کند، زیرا با ازدواج وی، رؤیای دست‌یابی و نزدیکی دختران هواداری که وی را عاشقانه دوست داشته و امید پذیرفته شدن از سوی وی را داشته اند، بر باد خواهد رفت.

رخساره ۱۶ ساله، نگین ۱۳ ساله و دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش با اشاره به این که ستاره آن‌ها باید مجرد بماند، خاطرنشان ساخته اند که مجرد ماندن ستاره سبب می‌شود، امیدهای آنان از دست نرود و حداقل اگر آن‌ها به ستاره مورد نظرشان دست نیافتند، با مجرد ماندن وی، فرد دیگری هم به او دست نیابد تا اسباب حسادت بیش از پیش آنان فراهم نشود.

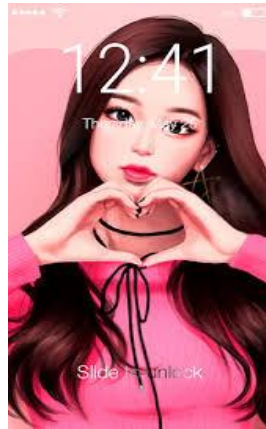


شبنم در فراز دیگری از مصاحبه‌اش، از تعصب داشتن و غیرت ورزیدن دختران عاشق‌پیشه نسبت به محبوب‌شان به قرار زیر یاد کرده است. برخی از افراد مصاحبه شده، در گامی فراتر، در اظهارات خویش خاطرنشان ساخته اند، اگر دلالت‌های آنان که در لفافه شوخی ارایه می‌گردد، دوستان را از علاقه ورزیدن به محبوب آنان باز ندارد، آنان با فحاشی و یا حتی دعوا و کتک کاری فیزیکی از آنان می‌خواهند که دور و بر آیدول مورد علاقه آن‌ها نباشند و نسبت به آن‌ها ابراز تمایل نکنند.

در صورتی که فرد محبوب دخترانی که عاشق وی هستند، با دختر دیگری رابطه برقرار کند، دختران عاشق‌پیشه احساس می‌کنند که بدن‌ها خیانت شده است. نستر ۱۹ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در همین رابطه به گزارش زیر پرداخته است:



«... یه سری سیاستای کمپانی مثلاً برای جذب مخاطب این جوریه که میان به یه آیدول می‌گن تو یه جوری رفتار کن که اون طرف مثلاً نیازی که قرار بود از طرف یه پارتنر رفع بشه رو از تو رفع کنه، یعنی مثلاً حالا به جز نیاز جنسی البته. بعد اون آیدول میاد اون خلاء عاطفی که قرار بود از طرف پارتنر پر بشه رو پر می‌کنه. بعد وقتی که اون آیدول میاد می‌گه آره من با یه کس دیگه‌ام، دوباره اون خلاء ایجاد می‌شه و فکر می‌کنه، مثلاً واقعاً انگار دوست پسرش ولش کرده رفته با یکی دیگه داره رابطه پیدا کرده، بعد احساس می‌کنه بهش خیانت شده. به نظرم هم تقصیر اون کمپانیه که میاد همچین سیاستای مسخره‌ای از خودش میاره، هم تقصیر اون طرفیه که می‌دونه اینا همه‌اش بازی کمپانیه و وابسته می‌شه».



مرضیه ۱۹ ساله و رهای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خویش یادآور شده اند که هواداران عاشق‌پیشه با احساس از دست دادن معشوق تخیلی خودشان، احساس شکست کرده، ممکن است به نفرت از معشوق خودشان برسند.

نیکوی ۱۵ ساله، در گزارش خود از افسردگی افراد عاشق‌پیشه‌ای که عشق تخیلی را پیشه خود کرده اند، به قرار زیر یاد کرده است:

«- توی دوستان کسی هست که اگر خبر رابطه اعضاء رو بشنوه، خیلی ناراحت بشه و واکنش تندی نشون بده؟

یکی از دوستانم هست که خیلی احساسیه و رو این چیزها حساسه، مثلاً یه دختره بود که ویدیو گذاشته و گفته بود که من و تهیونگ به زودی ازدواج می‌کنیم و اون ویدیو رو فرستاده بود تو گروه‌مون. بعد همین دوست احساسی من همین طور یک‌ریز داشت حرص می‌خورد و تا یه مدت خیلی اعصابش بهم ریخته بود. خیلی هم تهیونگ رو دوست داره، یعنی با تمام وجودش دوست داره و همیشه هم طرفدارش بوده و یه دید عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، یعنی فراتر از بعد آیدول بودنش، ازش خوشش میاد و حس عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، واسه همین خیلی واکنش نشون داد نسبت به این قضیه و هر چه قدر هم که ما باهاش حرف می‌زدیم که این اتفاق قرار نیست بیفته و دختره چرت و پرت گفته، قبول نمی‌کرد و همچنان عصبانی بود، می‌گفت اگه تهیونگ یه روزی بخواد واقعاً با کسی قرار بذاره، من چه کار کنم؟ همیشه توی تصوراتش هست که یه روزی می‌ره کره و با تهیونگ ازدواج می‌کنه، در صورتی که واقعاً معلوم نیست در آخر کی توجه اعضاء بی‌تی‌اس رو به عنوان معشوق جلب می‌کنه. توی سال ۲۰۱۳ که تازه دیو کرده بودند، موزیک ویدیوی پسر عاشق رو دادن بیرون، اون آهنگ در مورد دختر است که دخترا چه موجودات شگفت‌انگیزی هستن و یه دختری توی اون موزیک ویدیو هست که باید انتخاب کنه بین اعضاء و در آخر می‌ره، می‌پره بغل تهیونگ که یعنی اون رو انتخاب کرده و تهیونگ هم متقابلاً بغلش می‌کنه و دوست من سر این قضیه با این که این موزیک ویدیو قدیمی بود و هیچ حس واقعی‌ای در اون وجود نداشت، خیلی عصبانی شده بود و خیلی ناراحت بود و فکر می‌کرد تهیونگ روی این دختره کراش داره و یه ویدیوی دیگه هم بود که وقتی دیدمش با خودم گفتم، اگه یکی دیگه از دوستانم که طرفداره جونگ‌کو که این ویدیو رو ببینه، خیلی ناراحت می‌شه چون در مورد جونگ‌کوک بود و جونگ‌کوک اون اوایل کارش با میکاپرش که هنوزم هست و یه دختره هست، باهم یه مدت رابطه داشتن و دوست دختر جونگ‌کوک بود و خیلی هم واضح بود این قضیه و کمپانی هم هیچ کاری نکرده بود در این مورد، یعنی نه لاپوشونی کرده بود، نه چیزی گفته بود که این درسته یا نه، ولی خوب مشخص بود و همه می‌دونستن حتی خود جونگ‌کوک هم خیلی نشون می‌داد این قضیه رو و یه سری ویدیو هم ازش اومده بود بیرون که نشون می‌داد این دوتا توی رابطه هستن. من با خودم می‌گفتم اگه این ویدیو رو اون دوستانم ببینه، چه قدر بهش برمی‌خوره در صورتی که ویدیو قدیمی بود و مال چند سال پیش بود».

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش با یادآوری نمونه‌ای از گروه اکسو، بیان می‌دارد با ازدواج یکی از اعضای گروه، هواداران دختر زیادی تا مرز خودکشی پیش رفتند.

البته لازم به یادآوری است که در برخی از موارد افراد عاشق‌پیشه به دلایل مختلف (نظیر دلایل عقلانی، عقیدتی و مانند آن‌ها)، از آنجا که عاشق شدن و عشق‌ورزی با فردی غریبه را شایسته خود و فرهنگ و اعتقادات خانواده‌شان نمی‌دانند، عشق تخیلی خویش را به سمت عشق مادرانه سوق داده، به این ترتیب به عشق خویش حالتی پذیرفتنی‌تر بخشیده اند:

«من ویدیوهایی دیده بودم از این که وقتی از یه آرمی پرسیدن دوست پسر ت کیه، گفته بود جنون جونگ‌کوک و می‌خوام این موضوع رو بپرسم در بین فندوم این طوریه که بعضی آرمی‌ها اعضاء رو مثل دوست پسرشون می‌بینن؟ آره، هستن این دسته افراد که به نظرم نمی‌تونن احساساتشون رو کنترل کنن و افراط می‌کنن معمولاً هم آرمی‌های کم سن و سالن به نظرم که این قدر خیال پردازی می‌کنن.

– حالا سوالم اینه که خود تو آیا پسرا رو به صورت معشوقه یا دوست پسر بالقوه‌ی خودت می‌بینی و رؤیاپردازی‌هایی در این زمینه داری یا نه؟ می‌گم من خودم اون اوایل که آرمی شده بودم و هیجانان بر من غالب‌تر بود و سنم کم‌تر بود بله، خیال‌پردازی‌هایی در این باره داشتم و تو نوت گوشیم نوشتم، ولی اصلاً دیگه دوس‌شون ندارم، باهش ارتباط نمی‌گیرم و مسخره به نظر میاد برام، چون احساسم عوض شده وقتی یه کتابی رو برای بار چندم می‌خونی و هر بار احساس متفاوتی رو تجربه می‌کنی به این خاطر نیست که محتوای اون کتاب تغییر کرده، نه بلکه این تو هستی که احساسات عوض شده، پس حال و هوای متفاوتی رو تجربه می‌کنی، البته الانم همین طور هستا و اگه بهم حق انتخاب بدن، دوست دارم یکی از این پسرا باشه، اون که همراهم هر کدوم‌شون به نوعی تیپ ایده‌آل من هستن. جیهپوپ یه طوری، جونگ‌کوک یه طور دیگه، تهیونگ یه طور دیگه، نامی یه طور دیگه، شوگا یه طور دیگه، ولی جین خیلی مثل داداشمه و داشتم می‌گفتم، ولی وقتی شنیدم که گفتن بیاین با همدیگه بزرگ شیم، گفتن ما رو درک کنید، مثل وقتی که می‌بینید بچه‌تون برای اولین بار می‌ره مدرسه و ببینید ما چه قدر بزرگ شدیم، بیاین باهم پر قدرت بریم جلو و... و در کنار هم بودیم، این همه سال و این آلبوم داستان ما و شما هست، دیگه برام وایب (جو) رفیق بودن رو دادن، کسایی که تو روزایی که نیازشون داشتم کنارم بودن و باعث شدن این همه حس خوب تو رگام تزریق شه رو دیگه معشوق نمی‌بینم، رفیق‌هام ان و حتی یه جاهایی حس می‌کنم، من مادرشونم، ولی من به دنیاشون نیاوردم، خیلی عجیبه، احساس کنی مادر کسایی هستی که از خودت بزرگ‌ترن (می‌خندد). من دوس‌شون دارم و عاشق‌شون هستم، ولی به عنوان معشوقه کذایی یا دوست پسر نگاه‌شون نمی‌کنم، الان دارم به این فکر می‌کنم که مگه می‌شه کسی رو دوست داشت و در موردش خیال‌پردازی نکرد؟ هر چه قدر هم آدمی باشی که براساس واقعیت جلو بری، به هر حال یه فکریایی به ذهنت میاد و نمی‌تونی جلوی فکرها رو بگیری».



با آنچه در باب عشق تخیلی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، علایق عاطفی جوانان (خاصه در جنس مؤنث)، در اوان بلوغ علایقی توفنده است و چهره‌های جذاب هنری، ورزشی و اجتماعی، به سادگی می‌توانند مورد توجه جوانان قرار گرفته، مورد علاقه، محبت و مهرورزی آنان قرار گیرند.

با شکل‌گیری عشق تخیلی، علایمی شبیه علایم موجود در عشق‌های واقعی، در افراد پدید می‌آید و افراد عاشق‌پیشه در رؤیاهای خویش، هم‌زمان با رسیدن به وصل یار، از بر باد رفتن بنیان عشق تخیلی خویش در رنج و عذاب هستند، از این رو این دسته از جوانان، در کنار رفتارهای عاشقانه و نمادینی که با محبوب تخیلی خویش برقرار کرده و در رؤیاهای خویش خوش هستند، دست به اتخاذ مواضعی می‌زنند که تداوم رؤیاهای عاشقانه آنان را تا حد ممکن تضمین کنند، در حالی که رفتارهای حفاظتی و تدافعی این افراد عاشق، زندگی اجتماعی و روابط آنان با اطرافیان‌شان را (که ممکن است شبیه آنان به فرد خاصی عشق بورزند)، مخدوش می‌سازد و البته در صورت انتخاب فردی از جنس مؤنث توسط ستاره مورد نظر، تبعات شکست عاطفی، شبیه شکست‌های عشقی واقعی، گریبان افراد عاشق‌پیشه را می‌گیرد و زندگی را برای آنان برای مدت‌های طولانی، صعب و دشوار می‌سازد.

### ۳-۲۷- ایجاد هویت جمعی جدید در سطح هواداران

بررسی مصاحبه‌های انجام شده با هواداران گروه بی‌تی‌اس، دلالت بر آن دارد که کمپانی بیگ‌هیت با الزام ستاره‌هایش در جهت تعمیق رابطه با هواداران، هواداران را شگفت‌زده کرده، هواداران نیز به سهم خود می‌کوشند تا با حمایت متقابل از گروه بی‌تی‌اس، امتنان خود را نسبت به اعضای این گروه نشان دهند.

برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در توصیف روابط ستاره‌های گروه با خودشان، از این روابط صمیمی، با عنوان روابطی نزدیک به روابط خانوادگی یاد کرده‌اند.

هوادرانی که وظیفه خود می‌دانند، از گروه مورد علاقه‌شان به هر نحو ممکن حمایت به عمل بیاورند، با ایجاد تشکیلاتی معظم، گسترده و بین‌المللی، می‌کوشند تا حداکثر حمایت ممکن را از ستاره‌های مورد علاقه خودشان به عمل بیاورند.

اما از سوی دیگر، از آنجا که افراد زیادی در جامعه وجود دارند که از هویت خاصی برخوردار نشده‌اند، این افراد با پناه جستن به گروه‌های موجود در جامعه، می‌کوشند با پیوستن به گروه‌های اخیر، هویت نداشته خویش را به این ترتیب تجربه کنند، بالطبع افراد اخیر که از ظرفیت روانی اندکی برخوردار بوده و به طور عمده با شیوه‌های هیجان‌مدار برخورد می‌کنند، در مواجهه با تعارض‌های فراوان، به شیوه هیجان‌مدار برخورد کرده، فضای هواداری از گروه را تاحدودی به سمت خشونت و برخوردهای هیجان‌زده می‌کشاند.

به تعبیر دیگر، هواداران گروه بی‌تی‌اس شکل خود را به صورت یک ارتش آماده می‌بینند که باید در برابر نفرت‌پراکنان (گروه‌های رقیب کی‌پاپ یا هواداران گروه‌های دیگر)، با شدت هر چه تمام‌تر برخورد کرده و طرف مقابل را سر جایش بنشانند.

بنابراین به نظر می‌رسد کمپانی بیگ‌هیت در راستای ایجاد هویت جدید جمعی در سطح هواداران، با ایجاد هویت عاطفی جدیدی که احساس هم خانواده بودن را نیز در هواداران رقم می‌زند، روابط اجتماعی آنان را هم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، به شکلی که حتی معیار انتخاب کردن یا نکردن دوست توسط آنان، هواداری یا عدم هواداری آنان می‌گردد.

هواداران بی‌هویتی که برای کسب هویت به سمت گروه بی‌تی‌اس معطوف می‌شوند، در عمل با اتکاء به خصایص پرخاشگرانه خود، برخوردهای مبتنی بر خشونت و پرخاشگری را در دستور کار خود قرار داده، بسان ارتشی نیرومند، در راستای دفاع از کمپانی و ستاره‌هایش، وارد عمل شده، دست به هر نفی و انکار و پرخاشگری‌ای می‌زنند.

تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه خود، در توصیف صمیمیت پدید آمده بین ستاره‌ها و هواداران می‌گوید:

«... می‌دونی چی می‌گم؟ مثلاً من خیلی وقتاً شده که واقعاً این جور بود که مثلاً به همین دوستم می‌گم، بابا اصلاً خیلی احساس آشنا بودن، دارن و واقعاً باعث می‌شن که تو هم احساس کنی، تو هم یه بخشی از این قضیه هستی. شاید علت این که حالا طرفدارای دو آتیشه‌شون، مثلاً دیگه خیلی واقعاً خودشون رو وقف این داستان می‌کنن و هزینه می‌کنن و زمان می‌ذارن، شاید این باشه که اینا باعث می‌شن تو حس کنی که تو واقعاً مهمی و یک بخشی از این قضیه هستی.»

بعد خیلی وقتاً هم شده که مثلاً ما توی خواننده‌های غربی این جوری بودیم که اول همیشه خواننده هست، بعد طرفدار. ولی اینا واقعاً به شکل عجیبی خیلی جاها یا حداقل نمی‌گم همیشه، ولی خیلی جاها واقعاً نشون دادن که اولویت‌شون قبل از خودش طرفداراشونه و نمی‌دونم واقعاً چی می‌شه گفت... واقعاً بهترین اصطلاحی که می‌تونم براشون بگم واقعاً "They feel like home". این وسط فقط اینه فرق‌شون».

گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از ضرورت قدردانی هواداران از پسران بی‌تی‌اس، به شرح زیر یاد کرده است:

«- کنجکاوم بدونم بی‌تی‌اس چه کار کرده که این قدر دوستش دارید و براتون مهمه که به خاطرش با دیگران درگیر می‌شید؟

ما فقط بی‌تی‌اس رو دوست نداریم که، اونا هم ما رو همون قدر دوست دارن، وگرنه برامون این همه آهنگ نمی‌خوندن و این همه تو صفحه‌هاشون واسه آرمی‌ها وقت نمی‌داشتن؛ تنها دلیل جنگیدن و ادامه دادن‌شون عشق به ما آرمی‌ها هست. همون قدر که اونا به ما انگیزه می‌دن، ما هم به اونا انگیزه می‌دیم».



رهای ۱۸ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، از فعالیت‌های متعدد خود و دوستانش در جهت حمایت از گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده اند:

«- من یه سری از فن پیچ‌ها رو می‌دیدم که مثلاً قرار می‌داشتن از فلان ساعت بیدار باشن و استریم بزنین تا فلان ساعت. بین دوست‌های کی‌پاپر تو هم همچین چیزی هست؟

اینجا آدمای بی‌کاری ان که از این کارا می‌کنن. من بی‌کار نیستم. وقتم ندارم. بین دوست‌های خودمم خداااا رو شکر همچین چیزی نیست.

- حالا این افراد بین فن‌دوم‌ها زیاد ان؟

آره. زیادن. خیلیا این کار رو می‌کنن. مثلاً طرف ۴۸ ساعت نمی‌خوابه. با چندتا اکانت و گوشی و کامپیوتر هم‌زمان استریم می‌زنه. مسخره ان (می‌خندد)».



«- آیا این جزو تبلیغات کمپانیه یا یه انتخاب فردی یا فرهنگی که جا افتاده؟

فکر می‌کنم کاریه که کمپانی می‌کنه برای این که طرفدارا رو اینترستد<sup>۱</sup> (علاقه‌مند) نگه داره. چون مثلاً فاصله این آلبوم تا آلبوم بعدی برای این که اون طرفدار فراموش نکنه که این طرف رو دوست داره باید یه سری کانتنت<sup>۲</sup> (محتوا) بهش بدی. این کانتنت‌ها رو این وسط جا می‌دن که اون طرفدار حوصله‌اش سر نره. اعضاء هم دیگه به عنوان بخشی از کارشون پذیرفتن این رو و دیگه سعی می‌کنن لذت ببرن ازش یا حداقل چیزی که من حس می‌کردم، این نبود که این اجباریه براشون. مثلاً هفت‌تایی که می‌رفتن شهر بازی ازش فیلم می‌گرفتن و انگار که یه سریالی بود که من مدام داشتم می‌دیدم و این هیچ وقت تموم نمی‌شد. مثلاً بعد خب این برنامه‌ها تموم می‌شد، کنسرت می‌داشتن... - حالا با آرمی‌های دیگه چه کارهایی برای بند مورد علاقه‌تون می‌کنید؟

اصلی‌ترینش گوش دادن به آهنگا و نگاه کردن به موزیک ویدیوهاست. توی پلتفرم‌ها که بازدیدش ثبت بشه. بعد رأی‌گیری‌ها هست. مثلاً اگه خبرش پخش بشه که مثلاً فلان رأی‌گیری باشه، می‌ری رأی می‌دی. رأی‌ها ثبت بشه، بعد نشون می‌دی که این آرتیست مثلاً چه قدر محبوبه. بعد جایزه برنده می‌شه طرف، خب جایزه می‌گیره خوشحال می‌شه، بعد تو حس می‌کنی خب تو یه کاری کردی برای اون طرف».



اطلاع‌رسانی هواداران به یکدیگر در زمان نشر آهنگ‌ها، چگونگی استریم زدن و شرکت در رأی‌گیری سایت‌ها، نشریات و جشنواره‌های گوناگون موسیقی، مقابله با گروه‌های رقیبی که ممکن است برای گروه بی‌تی‌اس توطئه چینی کنند و نظایر آن‌ها، از جمله مواردی است که مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خویش متذکر آن‌ها شده است و در عمل شکل‌گیری هویت جمعی پنهانی را به معرض دید می‌نهد:

«- آیا در جریان حمایت از بی‌تی‌اس، اعضای فندوم باهم متحد می‌شند و نسبت به رأی دادن و استریم زدن و این دست از موارد ترغیب می‌شند؟

آره، ببین، من خودم اون اوایل واقعاً نمی‌دونستم استریم و اینا چیه اصلاً و حالا فن‌پیجا یا چنلایی که دنبال می‌کردم در موردش حرف می‌زدن و مرحله به مرحله بهمون می‌گفتن باید چه کار کنیم و چه طوری حمایت کنیم و قوانین استریم رو می‌گفتن یا مثلاً لینک سایت‌هایی که برای رأی دادن و اینا بودن رو می‌داشتن که خیلی کار ما رو راحت می‌کرد و می‌کنه حتی هنوزم... و بعضی از فنا خودشون اشتراک اسپاتیفای برای بقیه آرمی‌هایی که نمی‌تونن تهیه کنن، تهیه می‌کردن و در اختیارشون می‌ذارن و حتی مراقبت‌های جسمی که موقع استریم زدن لازمه رو می‌گن، مثلاً میوه بخوریم، دمنوش بخوریم و نیم ساعتی یه بار به چشم‌مون استراحت بدیم و یه چیزی که خودم اولاً باهاش مواجه شدم، این بود که خب من تازه آرمی شده بودم، خیلی اصطلاحات رو نمی‌دونستم، نمی‌دونستم چه طور باید این کار رو انجام بدم، همون موقع بود که تو یه جا دیدم که نوشته بود، الآن تهیونگ به رأی‌های ما نیاز داره، اگر رأی ندید، اسم خودتون رو آرمی نذارید! اینجا من خیلی ناراحت شدم و فکر می‌کردم آرمی بودن همه‌اش تو این خلاصه می‌شه که بری استریم بزنی و اینا و غالباً هم می‌دیدم پیام‌هایی از بعضی بچه‌ها که می‌گفتن من بی‌تی‌اس رو دوست دارم، ولی آرمی نیستم و وقتی می‌گفتم چرا مگه هر کی بی‌تی‌اس رو دوست داره، آرمی حساب نمی‌شه، می‌گفتن نه آرمی کسیه که از پسرا تو اسپاتیفای و... حمایت می‌کنه و... منم به خاطر این که خودم رو متعلق به این خانواده می‌دونستم و هی به بقیه

<sup>1</sup> - Interested

<sup>2</sup> - Content



می‌گفتم آرمی هستم، برای همین تا کام‌بک داشتن فیلترشکن خودم رو روشن می‌کردم، می‌رفتم تا از پسرا حمایت کنم و اگر فیلترشکنم وصل نمی‌شد یا بنا به هر دلیل دیگه‌ای یادم نیست، اعصابم خورد می‌شد و ناراحت می‌شدم خیلی و با خودم می‌گفتم من چه جور آرمی‌ای هستم که نتونستم کاری در جهت حمایت از آیدول مورد علاقه‌ام کنم و یه زمانی بود که یه عده اومده بودن اکانت فیک یا ساخته بودن یا خریده بودن و پیج تهیونگ رو فالو کرده بودن و یک ماه یا دوماه هم نگه داشته بودن، چون طبق الگوریتم اینستا، اگر کسی فالوت کنه و یه مدتی فالورت بمونه، بعد بلاک و ریپورت و آنفالو کنه، هرزنامه تشخیص داده می‌شه و اکانتت رو می‌بندن، حالا اینا اومدن این کار رو کردن و بعد از یکی، دوماه، اکانت تهیونگ ریزش داشت و یکی از فن‌پیجا که از این قضیه مطلع بود، اطلاع‌رسانی کرد و ازمون خواست که اگر اکانت دیگه هم داریم و چندتا اکانت داریم حتماً بریم تهیونگ رو فالو کنیم و یه ایمیلی رو هم برای اینستاگرام بفرستیم و این طوری شده که ما نداشتیم اونا به هدفشون برسند و پیج تهیونگ بسته شه.

– یعنی یه جورهایی از این طریق روی عواطف و احساسات تأثیر می‌گذاشتن تا بری تو رأی‌گیری‌ها شرکت کنی؟  
بله.

– و اگر زمانی نمی‌تونستی ازشون حمایت کنی، دچار احساس عذاب وجدان می‌شدی؟  
اوهوم و این همه‌اش به خاطر اون پیام‌هایی هست که بعضی از طرفدارا یا ادمین‌ها می‌دادن.



ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه خود هواداران بی‌تی‌اس را همچون دانه‌هایی جدا از هم ترسیم می‌کند که به قول تهیونگ، نخ بنفش بی‌تی‌اس آن‌ها را گرد هم آورده است.

رخساره ۱۶ ساله، مرضیه ۱۹ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود، هواداران و اعضای گروه بی‌تی‌اس را یک خانواده واحد معرفی کرده، به روابط عاطفی عمیقی که بین آن‌ها شکل گرفته است، تأکید می‌ورزند.

شدت علاقه خانواده بی‌تی‌اس به یکدیگر چنان زیاد است که فن‌سرویس‌هایی برای خدمات‌رسانی به هواداران گروه تشکیل شده است و به آنان در زمینه‌های مورد نیازشان خدمات‌رسانی می‌کنند.

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش یادآور می‌گردد، اعضای گروه با رسیدن به یک هویت جمعی واحد، به نوعی خود را یک خانواده می‌بینند و در همین راستا برخی از هواداران که از تخصص خاصی برخوردارند، ذیل عنوان فن‌سرویس، اعلان می‌دارند که هواداران دیگر گروه بی‌تی‌اس می‌توانند از خدمات‌رسانی آنان در زمینه‌های مختلف (پزشکی، روان‌شناسی، حقوقی، فناوری و مانند آن‌ها)، سود جویند.

برخی از هواداران خلاق، در تلاش برای حمایت بهینه از گروه بی‌تی‌اس، نه تنها در داخل کشور دست به ایجاد تشکلهای هواداری می‌زنند، بلکه با استفاده از امکانات فضای مجازی، در صدد برمی‌آیند تا با برقراری روابط بین‌المللی و تقسیم کار در جهت حمایت از گروه بی‌تی‌اس، به حمایت بیش از پیش گروه مورد علاقه‌شان بپردازند.

مهدتاب ۱۸ ساله هم در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، آن‌ها برای استریم زدن و ربات تشخیص داده نشدن، در هماهنگی بین‌المللی که فن‌های پایه و بزرگ انجام می‌دهند، تقسیم کار می‌کنند تا گروه بی‌تی‌اس در رأی‌گیری‌های مختلف، حایز اکثریت آرا شود:

«– آیا طرفدار گروه یا هنرمند غیر کره‌ای دیگه‌ای هم هستید؟

آره هستیم، مگه می‌شه نبود؟ این قدر هم ذهنم فقط با بی‌تی‌اس پر نشده! هری استایلز<sup>۱</sup> مثلاً یا کیتی پری<sup>۲</sup> رو هم دنبال می‌کنم و آهنگ‌هایی دارن که من خوشم میاد ازشون، ولی قطعاً تو مدل طرفداری و اینا فرق هست و اون فرق هم به نظرم این هستش که طرفداری از آیدول‌ها یک طورهایی اساسی‌تر و سنگین‌تره.

بعد من نمی‌دونم چرا این طوریه، ولی مثلاً خودم چندین ساعت از خوابم ممکنه بزنم که تو اسپاتیفای یا یوتیوب ویوی<sup>۳</sup> (بازدید) این‌ها رو بالا ببرم یا مثلاً تو گروه‌های مختلف تلگرامی عضو باشم یا فن‌پیج<sup>۴</sup>‌های مختلف توی اینستاگرام رو فالو کنم، ولی برای اونا این طوری نیست. حمایت آن چنان سنگینی ازشون نمی‌کنم، بلکه از آهنگ‌هاشون لذت می‌برم فقط و بعضی وقتا بهشون گوش می‌دم و خوب هم هستند. ولی این که مثلاً اون طوری جمع بشیم با فن‌های دیگه و حمایت‌های این شکلی کنیم یا مثلاً حتی پیگیر اخبار لحظه به لحظه‌شون باشم نه. این شکلی نیست.

- چرا حمایت از گروه کی‌پاپ به نوعی بسیار شدیدتر از گروه‌های غیر کی‌پاپ هست؟ و مسأله استریم زدن آرمی‌ها بسیار پررنگ‌تر از فن‌های گروه‌های مثلاً غربی است؟

اتحاد طرفدار کی‌پاپ خیلی بیش‌تره، به خاطر این که نشان دهنده قدرت و اقتدار یک فندومه. هر چه قدر که این استریم زدن بالاتر باشه هم نشان دهنده معروف‌تر بودن اون گروه کی‌پاپ و بعد قوی‌تر بودن اون فندومه. این وسط برخی از فن‌ها هستند که تمام زندگی‌شون رو مثلاً می‌ذارن پای استریم کردن موزیک ویدیو. این باعث می‌شه که به جنبه‌های دیگه زندگی‌شون خیلی ضربه بخوره، مثل این که به خاطر استریم کردن شب‌ها بیدار می‌مونن، چون نوبت استریم کردن فلان آهنگ یا موزیک ویدیو شب‌ها هست یا این که درس نمی‌خوند، چون که می‌خوان استوری بذارن و با فندوم همراه باشن، به خاطر همین ممکنه زندگی درسی و اجتماعی‌شون ضربه بخوره.

- چرا معمولاً زمان این استریم زدن‌ها برای ایرانی‌ها به شب می‌افته، به خاطر تفاوت زمانی ما با کره هست؟

نه حتماً شب‌ها نیست. ولی مثلاً یه فندوم ممکنه تصمیم بگیره که همون شبش که میاد استریم بزنه و این وسط یک‌سری اکانت‌ها هستند، مثل اکانت توییتری که اینا فندوم رو هدایت می‌کند که باید چه کار کنیم که فلان آهنگ به فلان تعداد بازدید برسه. بعد بیس فندوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارن این ویدیو رو بازدید می‌کنن.

- خوب در این زمان‌بندی به روز یا شب بودن اون کشور توجه نمی‌کنند؟

چرا، ولی ممکنه که یکی بیدار بمونه و شب استریم بذاره، چون دلش می‌خواد تا صبح مثلاً سریع حمایتش رو کرده باشه و تمام. مثل خود من.

- آیا این قضیه که حتماً به اون تعداد بازدید برسه فلان ویدیو و این‌ها برای فن‌ها مشکلی غیر از این هم ایجاد می‌کنه؟

آره، گاهی ممکنه که اضطراب پیش بیاد واقعاً برای فندوم به خاطر این که وقتی به اون هدفی که مشخص کرده اند و مثلاً گفته اند، ما باید تا فلان موقع به فلان اعداد بازدید برسیم، نرسند گروه به هم می‌ریزه و برای شخصی که مثلاً خیلی واسش این استریم کردن مهمه، باخت حساب می‌شه و از لحاظ روانی ضربه می‌خوره.

با گسترش و فراگیر شدن فضای مجازی، انسان‌هایی که پیش‌تر در برخورهای رویاروی در جهان واقعی، به شناخت یکدیگر نایل می‌آمدند، در فضای مجازی از این امکان برخوردار شدند که با افرادی که برخورد رویارویی با آنان ندارند، اما از علایق و سلیقه‌های مشابهی با یکدیگر برخوردارند، آشنا شده و با آن‌ها به تشکیل شبکه‌ها و گروه‌های مختلف اقدام ورزند و به این ترتیب در عمل به ایجاد و شکل‌دهی هویت جدیدی نایل آیند که از آن می‌توان با عنوان هویت شبکه‌ای یاد کرد.

سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از مواردی مانند: تقسیم کار بین‌المللی برای رأی دادن و استریم زدن هواداران، شرکت در رأی‌گیری‌های سایت‌ها و مجلات مختلف، تهیه طومار، ترجمه، ادیت و بارگذاری محتواهای جدید گروه بی‌تی‌اس و مانند آن‌ها، در گروه‌هایی که فقط ۳۰ مترجم داشته و ۲۴ ساعته برای حمایت از گروه مورد علاقه خودشان کار می‌کنند، یاد کرده است:

1- Harry Styles

2- Katy Perry

3- view

4- Fan page

«- به توضیحی راجع به کام‌بک می‌دید؟

آره، کام‌بک یعنی مثلاً وقتی به گروه یا به خواننده بعد از یک مدتی به آهنگ می‌دن، این می‌شه کام‌بک زدن. حالا اون مدته می‌تونه دو ماه باشه‌ها، ولی خب بالاخره بازگشت‌شونه و اینم هست که سیستم کی‌پاپ با باقی گروه‌ها فرق داره. طرفدارای باقی گروه‌ها این طوری اند که خب این گروهی که من طرفدارشم به آهنگ داد. خب بعد می‌ری گوش می‌دی و تمام. ولی ما این طوری هستیم که می‌گیم، مثلاً فلان ساعت قراره این آهنگ بیاد. ۱۲ ساعت اول ما می‌خوایم به این تعداد بازدید برسیم، ۱۲ ساعت دوم می‌خوایم به فلان مقدار برسیم و همین طوری. مثلاً این قدر بازدید برای کشورای بیداره، این قدر بازدید برای کشورای خوابه، مثلاً همه‌ی اینا مشخص می‌شه. مثلاً می‌گه این کشورا هست که باید در این ساعت بازدیدهاشون رو انجام بدن و یک‌سری کشورهای دیگه هم هست که توی فلان ساعت باید بازدیدهاشون رو انجام بدن. مثلاً وقتی سینگل اومد، تونس‌تیم تو ۷۰ تا کشور توی آیتونز اول بشیم، پس توی این کام‌بک توی ۸۰ تا آیتونز قراره اول باشیم، نه این که الزاماً قراره به اون برسه‌ها، مثلاً به هدفی رو مشخص می‌کنه که وقتی افراد دارن بازدید می‌زنن، دارن آهنگ رو گوش می‌دن، دارن پلی‌لیست گوش می‌دن یا دارن هر کاری می‌کنن به هدفی برای اون افراد مشخص باشه که خب مثلاً به اون برسن، مثلاً خیلی وقتا می‌شه که از اون هدفه رد می‌شن یا خب به اون هدفه نمی‌رسن.

- این هماهنگی کجا انجام می‌شه؟

این هماهنگی رو هر فندومی داره. یعنی در واقع شما طرفدار هر کسی باشی، بالاخره به مرور به سری پیجا به سری فن‌بیس (پایه طرفدارها) بزرگ‌تر می‌شن، یعنی بیش‌تر و بزرگ‌تر از بقیه‌ی دیگه می‌شن و توی این فن‌بیس‌ها، هماهنگی و تعیین این هدف و اینا که گفتیم، اتفاق می‌افته...

- این حالت که گفتی کجاها نمود بیرونی داره؟

مثلاً به جایی که هست توی رأی‌گیری‌ها هست. من بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس فهمیدم که صنعت موسیقی چه قدر رأی‌گیری داره. خیلی رأی‌گیری هست. بیل‌بورد<sup>۱</sup> رأی‌گیری داره، فلان سایت رأی‌گیری داره، اون مجله رأی‌گیری داره، خیلی رأی‌گیری‌ها هست. بعد فندوم‌های بی‌تی‌اس هم از دقیقه نودی‌ترین فندوم‌ها هستن. مثلاً شما داری توی سر خودت می‌زنی که آقا عقب مونددیم و بعد یک‌هو کل فندوم میاد و تو روز آخر کل رأی‌گیری رو جمع می‌کنه و به فاصله بزرگی رو جبران می‌کنه. بعد آدم تأثیری که داشته رو حس می‌کنه و بالطبع بازخورد خوبش رو هم می‌گیری.

- پس شما یک‌سره باید گوش به زنگ نظرسنجی‌های جدیدی که شروع می‌شن هم باشید، درسته؟

امم... الان نه. الان نه حقیقتاً چون فشار روانی جامعه هم خیلی زیاده و آدم به سختی حتی حوصله داره زندگی کنه. اما قبلاً... و این قبلاً که می‌گم یعنی حدوداً دو سال پیش، آره. حالا گوش به زنگ نمی‌شه گفت، ولی ما پیجیش رو داشتیم دیگه و خودمون رو آپدیت می‌کردیم و بعد مثلاً ریمایندر<sup>۲</sup> (یادآور) داشتیم و فندوم‌هایی هستن که ریمایندره‌های روزانه دارن و وقتی شما توی توییتر هستی مدام برات میاد که آره این رأی‌گیری هست، یادت نره. همین جوری داری اسکرول<sup>۳</sup> (تهیه طومار) می‌کنی به لحظه می‌ری اون رأی‌گیری رو هم انجام می‌دی و میای و آره خب به رأی‌گیری هست به نام ماما که اون رو هر ۲۴ ساعت می‌تونن بری رأی بدی و به بازه دو هفته‌ای هم رأی‌گیری انجام می‌شه و می‌تونن بری رأی بدی. اون رو مثلاً خودمون حواس مون بود که روزی یک‌بار بریم رأی بدیم. آره در این مورد، اون حالت گوش به زنگی رو داشتیم که بریم رأی بدیم و عقب نمونیم.

- کره‌ای بلدی؟

نه. از انگلیسی ترجمه می‌کردم. ما به گروهی بودیم و همه ترجمه می‌کردیم و به مرور ناچار شدیم، یاد بگیریم. مجبور می‌شدیم ادیت ویدیو یاد بگیریم که بتونیم یک سری چیزهایی رو اوکی کنیم. من خیلی از این چیزها رو یاد گرفتم و همه رو هم از سر علاقه یاد گرفتم، به خاطر این که به چیزی بود که دوست داشتیم انجام بدم و ناخودآگاه با اینا پیش اومدم. به خاطر همین من در سن ۱۸ و ۱۹ سالگی یک وقت‌هایی پیش

<sup>1</sup>- billboard

<sup>2</sup>- reminder

<sup>3</sup>- scroll

می‌اومد که در یک بازه‌هایی شبی ۴ یا ۵ ساعت داشتیم روی اینا کار می‌کردم، چون این‌ها یک برنامه‌هایی دارند به نام بن وایاژ که یک هویی و ناگهانی منتشر می‌شه. مثلاً یک مرتبه ۸ ساعت ویدیو میاد و این به صورت عادی و رایگان هم در دسترس قرار نمی‌گیره‌ها. معمولاً خریداری می‌شه، ولی چون ما ایرانی هستیم و پول نداریم و اینا از فایل‌هایی که فن‌های مهربان در دسترس مون قرار می‌دن استفاده می‌کنیم. به هر حال وقتی این ویدیوها می‌اومد، ما در جا می‌شستیم پای ترجمه‌اش و می‌گم یه دوره‌هایی می‌شد که من شب‌ها ۳، ۴ ساعت می‌خوابیدم که بتونم به اینا برسم و ترجمه رو کامل کنیم.



– چیه این برنامه؟

این مثل همون ران بی‌تی‌اسه، ولی یه کم فرق داره و مدلش این طوریه که اینا رو سالی یک‌بار می‌فرستادن مسافرت که برای خودشون باشند یه یک هفته‌ای رو.

– بعد ازشون فیلم می‌گرفتن؟

آره! با تیم می‌فرستادن شون! ولی خب چیز لازمی در کل چون وقتی شما فکر می‌کنی که یک سال یا دو سال پشت سر هم کار کردی و حتی پنجشنبه و جمعه‌ها هم خالی نیست، خیلی قضیه سختیه که حالا می‌فرستنت که یک هفته حداقل کار نمی‌کنی. البته اینا معتاد به کار اند. یعنی شما ببینیدشون می‌بینید که یکی شون هست مثلاً تو همون تایم استراحتش نشسته یه گوشه داره برای خودش یه چیزی می‌نویسه، یکی شون هست نشسته یه گوشه داره برای خودش ملودی می‌سازه. کلاً یه اعتیاد به کار این جوری هم توی کره هست.

خلاصه وقتی اینا می‌رفتند مسافرت و همچین ویدیویی می‌اومد بیرون، ما می‌نشستیم به ترجمه کردن و یه تیم ترجمه هم که وجود نداره، چندتا هست و ما برای این که از اون یکی‌ها عقب نمونیم، تند ترجمه می‌کردیم که شیفت مون رو برسونیم و یه گروه دیگه ادیت کنه، یکی دیگه ویراست کنه و همین طوری تا در نهایت ویدیو دربیاد و بره رو کانال.

– شیفت کاری داشتید؟

آره، می‌شه گفت. این مدلی بود که بچه‌های ترجمه تا این ساعت تموم کنند، بچه‌های ادیت تا اون ساعت تکمیل کنند و اینا که در نهایت مثلاً تا فلان روز ما ویدیو رو تحویل بدیم. بعد ما کار رو تحویل می‌دادیم و دیگه کارمون تموم شده بود دیگه. می‌گرفتیم می‌خوابیدیم، ولی کار بچه‌های ادیت تازه شروع شده بود.

– و این کار شما می‌تونست شب تا صبح طول بکشه؟

آره. شب تا صبح. با این که فقط گروه ترجمه‌اش که من توش بودم، ۳۰ نفر بود.

– و این بازه اوج شما در حمایت کردن بود؟

نه، این اوجش نیست. اوجش سر کام‌بک<sup>۱</sup>‌ها (اجرای جدید) بود.

– اونجا چه طوری بود، ۲۴ ساعت بیدار می‌موندید؟

آره خب شده. من برای کام‌بک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوری هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم. یک هویتی بهت می‌دن و تو حس می‌کنی بخشی از یک جامعه‌ای هستی و توی این جامعه وقتی یک نفر داره بازی درمیاره و اینا، هیچ کس بهش

<sup>1</sup>- Comeback

اهمیت نمی‌ده و بهش می‌گن فکر کردی اگر تو بری چیزی از ارزش‌های اینا کم می‌شه؟ برو. و به ازای همون یک نفری که می‌ره هم یه غمی هست‌ها، ولی فندوم خوب بلده چه طور حساب همون یه نفر رو برسه.  
- چه طور، چه کارش می‌کنند؟

ایگنور<sup>۱</sup> (نادیده گرفتن) می‌کنندش و تموم می‌شه. کسی اصلاً بالا نمی‌آرتش. تموم شد. ولی برعکسش هم هست. وقتی شما داری یه کاری رو انجام می‌دی، یه شوری هم‌زمان داره اتفاق می‌افته که نمی‌دونم چه طور توصیفش کنم. نمی‌دونم برای سال کنکورتون اردوی عید رفتید یا نه. اون جا مثلاً یه حالت هویتی هست که باعث می‌شه بشینید بخونید یا نمی‌دونم مثالش رو چی بزنم. شما با خودت می‌گی، آره من بخشی از یک جامعه‌ام و وقتی نتیجه نهایی رو می‌بینی، حتی اگر بزرگ هم نباشه، حالا گاهی نتیجه‌هاش بزرگ اند، ولی حتی اگر بزرگ نباشه هم شما حس می‌کنی که... توی یه کاری به نتیجه رسیدی. به هدف دست پیدا کردی. به هدف جمعیت که باهم تلاش کردید تا بهش رسیدید و این بخشی از جامعه بودنه، چیزیه که توی هالیوود یا موسیقی ایران یا هر جای دیگه نیست. ولی توی فندوم‌های بی‌تی‌اس هست».



به عبارت دیگر می‌توان بیان داشت، اگر اعضای گروه با طرح نقطه نظرهایی که دارند، به شکل نظری، هویت جمعی خاصی را برای هواداران خودشان مطرح می‌سازند، هواداران آن‌ها در راستای حمایت از گروه، با پرداختن به کارهای تشکیلاتی منسجم و گسترده خویش، در عمل به تدقیق هویت جمعی پیش گفته می‌پردازند.  
رهای ۱۸ ساله در فرازی از مصاحبه‌اش، از ترجمه هم‌زمان برنامه زنده (لایو) اعضای گروه بی‌تی‌اس، در تشکل گسترده خودشان به قرار زیر یاد کرده است:

«- بعد توی پیج چیا می‌گذاشتین و حمایت‌هاتون چه شکلی بود؟  
بین خب یه کانال خبری بودیم. یعنی یه کانالی که مثلاً صبح پا می‌شی خبرها رو می‌ذاری، اینا.  
- خبرها رو از کجا چک می‌کردین و می‌آوردین؟  
توییتر.  
- آهان. چه صفحه‌هایی؟  
فن پیج‌های توییتر.

- اکانت رسمی و اصلی‌ای در موردشون نیست؟  
چرا هست. علاوه بر اکانت اصلی، خب روزانه جاهای دیگه هم میان. مثلاً اگه لایو بیان، اکانت‌های مترجم داریم که مثلاً لایو رو هم‌زمان ترجمه می‌کنن یا مثلاً اونا که کاندیدی قراره بشن توی مراسمی، اعلام می‌کنن. یا اگه ترندینگه، اعلام می‌کنن. از طریق این اکانت‌ها، خبرها رو پیدا می‌کردیم، ترجمه می‌کردیم و توی کانال‌های فارسی می‌ذاشتیم».

<sup>1</sup>- ignore



ایجاد رابطه دوستی با طرفداران گروه بی‌تی‌اس از سویی و ابراز کراهت و فاصله گرفتن از غیر طرفداران از سوی دیگر، از دیگر موارد مهم در تدقیق و شکل‌گیری هویت گروهی در طرفداران پسران ضدگلوله است.



سحر و راضیه ۱۵ ساله، در اولویت برقراری رابطه با اعضای گروه بی‌تی‌اس، چنین بیان داشته اند:

«- سحر به نظرت آرمی بودن باعث شده که بین همسن‌ها محبوب‌تر بشی و بتونی دوست‌های بیش‌تری پیدا بکنی؟»

از اون جایی که الان توی ایران آرمی خیلی زیاد شده برای دوست پیدا کردن این روش صددرصد جواب می‌ده. من خودم وقتی می‌خوام با یه نفر دوست بشم، اون اول که هنوز یخ‌هامون باز نشده برای این که بیش‌تر بتونیم باهم ارتباط بگیریم، سعی می‌کنم دنبال علایق مشترک با اون فرد بگردم که باهم در موردش حرف بزنیم و یه کم بیش‌تر ارتباط بگیریم. برای همین آرمی بودن آره، خیلی تأثیر داره تو دوست پیدا کردن».



«- عزیزم گفתי دیگه توی بحث‌هایی که در مورد بی‌تی‌اس شکل می‌گیره، شرکت نمی‌کنی، یعنی الان هر بحثی پیش بیاد که مثلاً بگن گروهی که دنبال می‌کنن، برتر از بی‌تی‌اسه هم توی بحث شرکت نمی‌کنی؟»

نه، حقیقت واضح، نیازی به بحث نیست، بذار خودشون رو با حرفاشون گول بزنن».

سحر ۱۵ ساله، درباره عدم برقراری دوستی و فاصله‌گیری از غیر طرفداران در مصاحبه‌اش، چنین می‌گفت:

«- به نظرت توی سن شما اگر کسی آرمی یا کی‌پا پر نباشه، توی پیدا کردن دوست به مشکل برمی‌خوره و روش فشار هست که باید حتماً طرفدارشون بشه؟»

بین نه همیشه. یه سری آرمی‌ها هستند که می‌گن تو اگه آرمی نباشی، من باهات حرف نمی‌زنم. من خودم این جور نیستم، می‌گردم دنبال بقیه علایق مشترک. ولی خب یه سری‌ها هستن که این فشار رو به غیرآرمی‌ها میارند. البته همه غیرآرمی‌ها از این موضوع احساس فشار نمی‌کنند، بستگی به شخصیت خودشون داره، مثلاً من یه دوستی دارم که نه کی‌پا پر، نه آرمیه و نه حتی اوتاگو هست، ولی با این حال اصلاً براش مهم نیست حرف بقیه و همچنان با همه دوسته».

گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به هویت شبکه‌ای جدیدی که یافته است، خاطرنشان می‌سازد، وی و دیگر هواداران گروه بی‌تی‌اس، حتی اگر یکدیگر را هم نشناسند، هوای همدیگر را دارند:

«- پس لوازم التحریر بی‌تی‌اس هم ساخته شده؟

آره، هر چی دلت بخواد واسه آرمی‌ها می‌سازن. تا حالا لوازم مدرسه‌ام رو مامانم هر چی می‌دید، می‌خرد، ولی از این به بعد می‌خوام اینترنتی لوازم بی‌تی‌اس رو انتخاب کنم و بخرم، اگه هم نخره، پولم رو جمع می‌کنم و خودم یک جا همه رو واسه سال بعد می‌خرم.

- دوست داری همه بدونن که تو بی‌تی‌اسی هستی؟

بی‌تی‌اسی نه، بهتره بگی آرمی. من به آرمی بودنم افتخار می‌کنم. بعدشم این جواری اون‌هایی که آرمی هستن، می‌فهمن که تو هم از خودشون هستی و هوات رو دارن. این جواری دوستای خوب بیش‌تری هم پیدا می‌کنی و همیشه چندتا هم صحبت پایه داری که مثل خودت باشن. از همون اولش هم متوجه می‌شیم کی چی دوست داره و اون‌هایی که از بی‌تی‌اس خوش‌شون نمیاد سمت ما نمیان. بعد این که مثلاً دختر خاله‌ام سلیقه من رو می‌دونه و بهش احترام می‌ذاره. اگه همه این طوری بودن، عالی می‌شد.

- یعنی دوست نداری با کسی که آرمی نیست یا با بی‌تی‌اس مخالفه، دوست بشی؟

به هیچ وجه.

- خب این جواری به نظرت دوست‌های زیادی رو از دست نمی‌دی؟

برام مهم نیست. ترجیح می‌دم چندتا دوست مثل خودم داشته باشم تا این که کلی دوست داشته باشم که باهام فرق دارن و همه‌اش باهام مخالفت می‌کنن.

- تاحالا چندتا دوست آرمی توی فضای مجازی پیدا کردی؟

اووه، خیلی زیاد. آرمی‌ها اون قدر با اخلاق و با احساس و با روحیه ان که با هر کی که حتی نمی‌شناسیش حرف بزنی، جوابت رو خیلی خوب می‌ده و اگه کمکی ازش بخوای، کمکت می‌کنه. گفتم که ما هوای همدیگه رو داریم. خیلی راحت آرمی‌ها دوست آدم می‌شن. البته آرمی‌های واقعی».



دفاع از دوستان بی‌تی‌اسی که مورد هجمه دیگران واقع شده‌اند و یا اصولاً نشان دادن واکنش بسیار شدید نسبت به مخالفان، از دیگر شاخصه‌های شکل‌گیری هویت جمعی و گروهی در هواداران بی‌تی‌اس به شمار می‌رود.

شیدای ۲۰ ساله و شقایق ۱۹ ساله، در همین ارتباط چنین بیان داشته‌اند:

«- درباره نگرانی والدین از مشغولیت دایمی بچه‌هاشون با بی‌تی‌اس گفتم، برای خود شما چی این جواری نبوده که یه درگیری عاطفی و خیلی شدید به خاطر بی‌تی‌اس داشته باشی؟ مثلاً وارد بحث با کسانی بشی که هیت می‌دن و باهاشون کلنجار بری و درگیری داشته باشی؟

یه بار یکی از دوستانم برگشت گفت، اینا خیلی چندش‌ان و اینا. یعنی یه دوست دیگه‌ام داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، بعد اون این جواری گفت. اون دوستانم که می‌گم داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، خیلی هم انیمه می‌بینن و دوست داره. بعد این یکی که مخالف بود از انیمه هم بد گفت و گفت چیه من بدم میاد و چرتنه و از این حرفا و برای بچه‌ها هس. بعد من چون دوست ندارم به علایق کسی توهین بشه، با اون وارد بحث شدم و بهش گفتم، چون تو یه چیزی رو دوست نداری، دلیل نمی‌شه مسخره‌اش کنی. مثلاً منم تتلویی که تو دوست داری رو

بدم میاد ازش، ولی به خاطر تو بهش توهین نمی‌کنم. بعد گفت، آخه چرا این قدر پیگیر اینا هستید؟ منم گفتم خب چون آهنگای ایرانی همه‌اش از غم می‌گن و مثلاً می‌گن گریه کن، گریه قشنگه. ولی اینا همه‌اش از امید می‌گن. یکی از آهنگاشون می‌گه، گریه نکن عزیزم. همه‌اش توی آهنگاشون به آدم انرژی مثبت می‌دن و مثلاً حتی از کلمات انجیل هم شنیدم که توی آهنگاشون استفاده می‌کنن. بعد اون رفیق‌مون هم قانع شد و دیگه چیزی نگفت».



«- فن‌پیج‌هاشون خیلی آدمای متعصبی هستن؟

آره متأسفانه. ببین خوبه که آدم فن یکی باشه و دوش داشته باشه، ولی این تعصب مخربه و باعث می‌شه به هموطن خودت یا آدم دیگه که مثل تو هست، سر حالا یه خواننده کره‌ای! بی‌احترامی کنی و اصلاً حق نداری بگی فلانی چقد بد شده مثلاً یا فلانی قیافه‌اش رو از دست داده یا اصلاً اینا آدمای عادی‌ان، حالا چی هستن مگه. (با تعجب) این رو بگی از همه ور ریپورت و طرد می‌شی. یعنی اصرار دارن که اینا همیشه عالی هستن و کرارش ان و می‌خوان به زور قانعت کنن که حرف‌شون رو قبول کنی و بگی غلط کردم، اصن خیلی عصبی می‌شن، به خصوص اون‌ا که سن‌شون کم‌تره و این خیلی بده که در این حد اثر گذاشتن روشون».



ایجاد یک ارتش از هواداران، غایتی است که کمپانی مدنظر دارد، گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، بین هوادار عادی و آرمی (ارتش) فرق گذاشته، آرمی را هوادار واقعی می‌داند که بسان یک ارتش، آماده خدمت به گروه و مقابله با ناقدان و مخالفان آن است:

«... من یه آرمی واقعی‌ام.

- آرمی یعنی چی؟

آرمی به طرفدارهای واقعی بی‌تی‌اس می‌گن. ما مثل یک خانواده هستیم، مثل یه ارتش.

- فقط طرفدارهای بی‌تی‌اس یا کلاً کی‌پاپ؟
- نه، فقط اونایی که طرفدار بی‌تی‌اس هستن اسم‌شون آرمیه.
- به همهی طرفدارهای بی‌تی‌اس می‌گن آرمی؟
- همه اسم خودشون رو می‌ذارن آرمی، ولی همه‌شون آرمی واقعی نیستن. بعضی‌ها فقط ادعا می‌کنن که طرفدارن. هیچی از بی‌تی‌اس نمی‌دونن. آرمی بودن رو نمی‌فهمن. فقط واسه‌ی پز دادن از اسم آرمی استفاده می‌کنن.
- به نظرت آرمی واقعی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشه؟
- یه آرمی باید توی هر شرایطی هوادار همهی اعضای گروه باشه. تقریباً به یک اندازه همه‌شون رو دوست داشته باشه. خیلیا هستن که می‌گن ما فقط جونگ‌کوک رو دوست داریم یا می‌گن مثلاً ما جین وی رو بیش‌تر از بقیه دوست داریم. اینا اصلاً معنی آرمی رو نفهمیدن. آرمی باید همهی اعضا رو دوست داشته باشه و از همه حمایت کنه.
- دیگه آرمی چه ویژگی‌هایی داره؟
- دیگه... دیگه این که یه آرمی نباید طرفدار گروهی به جز بی‌تی‌اس باشه، ولی نباید متعصب هم باشه.
- چه طور می‌شه متعصب نباشه و فقط هم طرفدار بی‌تی‌اس باشه؟
- متعصب کسیه که می‌ره همه جا توی گروه‌ها و کامنت‌ها به اونایی که بی‌تی‌اس رو دوست ندارن، بد و بی‌راه می‌گه و فحش می‌ده و از این کارهای احمقانه می‌کنه. منظور من اینه که یه آرمی، هیچ وقت، هیچ گروهی رو با بی‌تی‌اس نباید مقایسه کنه اگه واقعاً طرفدار گروهه، بعد این که اعضای گروه رو هم نباید باهم مقایسه کنه.



آنچه مهتاب از آن یاد می‌کند، شکل‌گیری یک هویت شبکه‌ای بین‌المللی در میان طرفداران گروه بی‌تی‌اس است.

### ۳-۲۸- توهم‌زده کردن هواداران

- «مثل یه شاخه رز،
- مثل شکوفه‌های گیلان،
- مثل گل بنفشه،
- مثل یه لحظه‌ی زیبا،
- همیشه می‌خوام بهترین باشم،
- مقایسه کردن خودم با بقیه،
- تبدیل به یه چیز دایم شده بود،

حرص و طمع که سلاحم بود،  
تبدیل به افسارم شد و جلوم رو گرفت،  
باورت می‌شه که  
من از همه چی می‌ترسیدم؟  
تو زمان باقی موندمون،  
می‌تونم همه‌ی جواب‌هات رو پیدا کنی،  
تو کهکشانش قلبت،

تو راه شیرینی خودت» (فرازی از آهنگ «مغازه جادویی» از گروه بی‌تی‌اس).  
بررسی‌های میدانی انجام شده در سطح هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس دلالت بر آن دارند که اقشاری از طرفداران، توهم‌زده بوده و این‌گونه نیز رفتار می‌کنند.

برخورد توهم‌زده طرفداران را می‌توان نشأت گرفته از چند عامل دید، برخی از این عوامل، به قرار زیرند:

- بی‌تجربگی و توهم‌زدگی نوجوان در آغاز،
  - جو گرفتگی افراد در جریان الگوبرداری از ستاره‌ها،
  - تلاش کمپانی بیگ‌هیت برای توهم‌زده نگه داشتن نوجوانان و جوانان هوادار،
  - و سایر موارد (مانند مواجهه با ویتترین زندگی افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، گسترش و تعمیق فمینیسم در سطح جامعه و خستگی ذهنی ناشی از بمباران اطلاعاتی افراد در فضای مجازی).
- بی‌تجربگی و توهم‌زدگی نوجوان در آغاز، به این معنا اشاره دارد که نوجوانان به دلیل تجربیات اندک اجتماعی خویش، ممکن است، گاهی در برخورد با مسایل فرارو به شکل نادرست و توهم‌زده برخورد کنند. مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در مصداقی در همین جهت، بیان می‌داشت، وی در اوان بلوغ به صرف آن که نسبت به چند هم‌کلاسی خود احساس علاقه می‌کرده است، به این توهم گرفتار آمده بود که وی فردی هم جنس‌گرا هست، اما وقتی فرصت تجربه برخورد با جنس مخالف را یافت و از تجربیات اجتماعی بیش‌تری برخوردار شد، توهم خویش را کنار گذاشت:

«- آیا بی‌تی‌اس باعث شده به همجنس‌گرایی علاقه‌مند بشی یا تمایل پیدا کنی؟

بین الان کلاً بین نوجوان‌ها همجنس‌گرایی زیاد شده، چون فضای ارتباط با جنس مخالف به اندازه کافی فراهم نیست و مدارس جدا از هم هستن و این باعث می‌شه عده زیادی به دلیل حس‌نیازی که توی دوره بلوغ دارن، توهم همجنس‌گرایی پیدا کنن. از طرف دیگه هم بیش‌تر آرمی‌ها نوجوانند و این رنج سنی بیش‌تر درگیره کی‌پاپه، واسه همین با داستان همجنس‌گرایی هم‌زمان می‌شه و این طور به نظر میاد که کی‌پاپ باعث شده. توی سن نوجوانی آدم‌ها تازه دارن خودشون رو کشف می‌کنن و قطعاً تلاش می‌کنن که تمایلات خودشون رو هم بیش‌تر بشناسن و ممکنه واسه این شناخت سعی کنن راه‌های مختلف رو تجربه بکنن تا ببینند در نهایت چی مناسب‌شونه و به شخصیت‌شون نزدیک‌تره، واسه همین احتمالش زیاده که توی این دوره یه مدت کوتاهی از همجنس خودشون خوش‌شون بیاد، ولی اگر ادامه پیدا کنه و در سنین بالاتر هم همین شکلی بمونه، اون وقت می‌شه مطمئن شد طرف واقعاً گرایشش اینه. من خودم دبیرستان که بودم یه سال رو یکی از بچه‌های کلاس کراش داشتم، حتی یکی، دوبار هم به سرم زد که برم بهش بگم، ولی نگفتم. همون موقع کلاس زبانم دو ترم این جور شد که پسر و دختر رو مجبور شدن قاطی کنند، چون ساختمون پسرها داشت جاش تغییر می‌کرد، توی اون دو ترم متوجه شدم که درباره گرایشم اشتباه می‌کردم. محدودیت باعث می‌شه آدم با هر چیزی که دم دستشه، بخواد نیازهاش رو برطرف کنه، واسه همین خیلی از نوجوان‌ها دچار این اشتباه می‌شن».





جوّ گرفتگی افراد در جریان الگوبرداری از الگوها، به این معنا است که گاهی نوجوانان و جوانان، به صرف دیدن یک یا چند ویژگی مثبت و قابل توجه در فردی، الگوبرداری از وی را در دستور کار خود قرار داده، سعی می‌کنند به شکل تام و تمام از وی الگوبرداری کنند، حال آن که الگوبرداری کامل از فردی که تنها چند ویژگی مثبت از خود نشان داده است، درست نیست و فرد باید جانب احتیاط را در الگوبرداری از شخص مورد علاقه‌اش رعایت کند. به عنوان مثال، نیکوی ۱۵ ساله، در توصیف دوستش خاطرنشان می‌سازد، وی به دلیل علاقه به اعضای گروه بی‌تی‌اس، به همان ترتیب که یکی از آیدول‌های بی‌تی‌اس به فرد (هم جنس) مورد علاقه‌اش حلقه ارایه کرده و موهای وی را نوازش می‌کند، با فرد هم جنس مورد علاقه خودش رفتار کرده، ضمن دادن حلقه به او، موهای وی را به سبک همان ستاره، نوازش می‌کند:

«- نیکو جان تاحالا خودت یا بین دوستانت کسی بوده که تحت تأثیر بی‌تی‌اس به همجنس‌گرایی تمایل پیدا بکنه؟»

توی ایران خانواده‌ها، مدرسه، آموزش و پرورش و کلاً جامعه‌مون اصلاً با این موضوع اوکی نیستن که همجنس‌گرا باشی و توی سن ما و بین نوجوون‌ها خیلی‌هاشون ممکنه، واقعاً این حالت رو داشته باشن، یعنی گرایش داشته باشن، ولی مخفی‌اش کنن، به خاطر این که تحقیر نشن و مسخره نشن، به خاطر همین هیچ وقت در موردش حرف نمی‌زنن، مگر این که به دوست خیلی صمیمی‌شون بگن یا به خواهر و یا برادرشون، یعنی کسی که خیلی بهش اعتماد دارن بگن یا این که تو خودشون نگه می‌دارن. ولی یه سری‌ها هم هستن که واقعاً گی نیستن و تحت تأثیر جوّ کی‌پاپ این توهم رو می‌زنند، مثلاً یکی از دوستانم که فکر می‌کنم خیلی تحت تأثیر این‌ها قرار داره و اعضاء رو خیلی باهم شپ می‌کنه، یه بار داشت می‌گفت که دوست خودش رو یه بار بوسیده و فکر می‌کرد، واقعاً به دخترها گرایش داره، ولی من فکر می‌کنم که خیلی تحت تأثیر مومنت‌های بین اعضاء و شپ‌هاشونه و حتی پروفایلش اکثراً عکس دوتا از اعضاء باهم یا یکی از مومنت‌های بین‌شونه. روی یکی از دوستاش کراش داشت و محبت می‌کرد به اون دوستش و این شبیه همون محبت‌هایی بود که جونگ‌کوک و تهیونگ گاهی به هم نشون می‌دن و حالت تظاهر داره، مثلاً توی یکی از کنسرت‌هاشون به هم دیگه حلقه دادن و مشخص بود که این کارشون ظاهریه، ولی آرمی‌ها خیلی شلوغش کردن که اینا به هم حس دارن که به هم حلقه دادن و یا مثلاً موهای هم رو ناز می‌کنن. این دوستانم با کراشش هم همین شکل کارها رو انجام می‌داد و به نظرم یه جورهایی داشت تقلید می‌کرد».



راضیه ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، با دیدی مبتنی بر تقدس‌گرایی اعضای گروه بی‌تی‌اس را دیده و از آنان یاد می‌کند:

«- می‌تونی بگی بی‌تی‌اس چه فرقی داره که توجهت رو بیش‌تر جلب کرد و فن‌شون شدی؟

اون اولاً که شناختم‌شون، اولین کسانی بودن که همچین حرفایی رو می‌زدن که خودت رو دوست داشته باش، برای خودت ارزش قایل باش، از هر نژادی که باشی مهمی و ترجمه و محتوای آهنگاشون پر از معنی بود برام. تنها کسانی هستن که همیشه همراه من هستن و بدون این که من رو بشناسن، می‌گن دوسم دارن و برام قشنگه که بدون این که بدونن من کیم، به علایقم احترام می‌ذارن و تشویقم می‌کنن که خودم باشم و از خودم بودن خجالت نکشم و همین‌طور رابطه‌ای که بین آرمی و بی‌تی‌اسه. بی‌تی‌اس سالانه میلیون‌ها دلار به جاهای مختلف کمک می‌کنه و این برای آرمی‌ها انگیزه هست که اونا هم باهم پول جمع کنن و به یه خیریه کمک کنن.

- عزیزم خودت اشاره کردی نمی‌شناسنت، پس چه جوری می‌گی که همیشه همراهت هستن؟

اونا بدون این که من رو بشناسن، دوسم دارن و بهم اهمیت می‌دن. با موزیکاشون باهام حرف می‌زنن. با هم‌دردی‌ای که می‌کنن، انگار از احساساتم خبر دارن. منظورم از همراه بودن این بود که به یادشونم. می‌دونن این سوال برام این جوریه که انگار ازم می‌پرسن، چه جوری می‌گی خدا همیشه کمکت می‌کنه و توی مشکلات سخت همراهته، جوری که نمی‌شه با حرف زدن بیانش کرد».

تلاش کمپانی بیگ‌هیت جهت توهم‌زده نگه داشتن هواداران، به این معنا است که کمپانی برای جذب هواداران هر چه بیش‌تر، از اعضای گروه بی‌تی‌اس خواسته است، تا به هواداران خویش توجه بیش‌تری کرده و به آن‌ها در این جهت سرویس بدهند.

یکی از ابعاد توجه به هواداران، بیان جملات عاطفی حمایت‌کننده است، به عنوان نمونه، ریحانه ۱۷ ساله، رخساره ۱۶ ساله و بنفشه ۲۰ ساله، در جریان مصاحبه‌های خود بیان می‌دارند، پسران بی‌تی‌اس خطاب به هواداران‌شان در موارد مختلف گفته‌اند: «دوستتون داریم»، «عاشقتونیم»، «هر وقت ناراحت شدید، بدانید که یک نفر در سئول به فکر شما است و شما را دوست دارد». و البته دوست داشتن فردی توسط فرد دیگری که شناختی از او ندارد، حرف لغوی بیش نیست:

«- عزیزم تو اطلاعی از اصطلاح BU<sup>۱</sup> داری؟

نه اطلاعات چندانی ندارم. من تا جایی که بودم و هستم و می‌دونم اینه که ما یه جایی داریم به نام مجیک شاپ که یه آهنگم ساختن ازش و اونجا جاییه که یه آرمی می‌تونه خودش باشه، کنار پسر توی رؤیاهاش و خب یه جورایی اونجا پسر منتظرمون ان.

- یعنی یه دنیای خیالی؟

---

<sup>۱</sup> - جهان بی‌تی‌اس که با نام‌های جهان بنگتن یا بی‌یو شناخته می‌شود، یک جهان موازی است که توسط بیگ‌هیت اینترنتیمنت طراحی شده و در آثار گروه به کار می‌رود.



من اولاً جوری نبود که بخوام با فالوورام این قدر حرف بزنم و صمیمی باشم، ولی نمی‌دونم یهو چی شد شروع کردم حرف زدن و دیدم این ارتباطه چه قدر قشنگه اگه بیش‌تر شه و هی روز به روز بیش‌تر می‌گفتم. من همیشه از اتفاقات روزم توی استوریام می‌گم، چی شد، کی چی گفته، جوری که با دوستای اطرافم این جوری نیستم. خودشون هم این جوری ان، یه چیزی پیش میاد، سریع میان پیش من باهم حرف می‌زنیم. - یعنی از آدمای زندگیت یه کم فاصله گرفتی؟

آره، چون که شخصیت واقعی‌شون رو شناختم.

- یعنی بی‌تی‌اس تأثیر داشت که دیدت نسبت بهشون تغییر کنه؟ آره.

- می‌شه بگی چه جوری این تأثیر رو روت گذاشته؟

با رفتاراشون فکر کنم. می‌دونی چیه، همیشه پسرا گاهی میان بهمون می‌گن دوست‌تون داریم و عاشقتونیم. کدوم دوست‌مون میاد یهو اینا رو بهمون بگه. وقتایی که بهت نیاز دارن، دنبالت هستن و وقتیم کارشون راه می‌افته، یه تشکر هم نمی‌کنن. «جیمین یه حرفی زده بود که اگر کسی شما رو درک نکنه، این رو بدونین که یه نفر توی کره جنوبی همیشه شما رو درک می‌کنه و به فکر شما هست».

نگین ۱۳ ساله و رخساره ۱۶ ساله نیز در مصاحبه‌هایی که دارن، توهم‌زدگی خویش را به معرض دید می‌گذارن:

«- به من می‌گی که چه جوری این همه ویدیو رو حفظ کردی؟»

خوب من دیالوگ‌هاشون رو حفظ کردم یک عالمه دیالوگ ازشون حفظم، یک سری کانال یوتیوب هست، یک سری چنل که به آدم یاد می‌ده، انقدر اینا رو گوش می‌کنم، گوش می‌کنم، گوش می‌کنم تا حفظ بشم، حتی مدل گفتن، نحوه تلفظ جمله رو وقتی که هی تکرار کنی دیگه می‌فهمی، حفظ‌شون می‌شی.

- اگر من را به عنوان هم کلاسی خود که در حال ایراد گرفتن است تصور کنی، در چنین وضعیتی چه چیزهایی به خودت می‌گی؟

من مثلاً یک تایم‌هایی هست که خودم خیلی غرق افکارام شدم و دوستم می‌گه نگین جان اشک‌هات داره میاد پایین، ول کن دیگه و من این جوریم که وا من که دارم به چیز خوب فکر می‌کنم، پس چرا دارم گریه می‌کنم، دقیقاً چی شده، و همه آرمیا، فهمیدم بیش‌تر آرمی‌ها این جوری ان چون آدمای وقتی احساس شادی هم می‌کنن، باز گریه می‌کنن و یه وقت‌هایی به این فکر کنی که یک نفر، با این که ما آرمی‌ها را اعضا نمی‌شناسن، اصلاً ما تو زندگی اون‌ها هیچ نقشی نداریم. وقتی که توی یک مصاحبه می‌گن که ما آرمی‌ها را مثل جون‌مون دوست داریم، این حس را می‌ده که حتی اگر من حس می‌کنم مامان بابام دوستم ندارن، ولی یک نفر هست که دوستم داره».





«- اهوم. حالا خودت تو چه فضایی بودی که رفتی سراغشون؟  
اون موقع‌ها که مادر پدرم بودن بیش‌تر با رفیق‌ام بودم، سمت گوشیم نمی‌رفتم. وقتی جدا شدن همه‌اش داخل اتاقم نشستم و سرم داخل گوشی و این باعث شد که بیش‌تر دنبالش باشم.  
- الان با کدومشون زندگی می‌کنی؟  
من حضانت‌م دست پدرمه، ولی بیش‌تر پیش مادرم.  
- فرقی می‌کنه یعنی پیش کدام باشی تو زمانی که صرف گوشی می‌کنی؟  
من پیش پدرم، همه‌اش داخل اتاقم تنها دارم به آهنگ‌های گوشیم گوش می‌کنم و پیش مادرم، کسی که خیلی بهم نزدیک‌تره، دختر خالمه که هر وقت می‌رم پیش مادرم، میاد پیشم و این باعث می‌شه باهم به کارایی انجام بدیم سرگرم بشم، زیاد سمت گوشی نرم.  
- اهوممم. بعد فکر می‌کنی که وجودشون چه جوری کمک کرده بهت؟  
حرفاشون، کارایی که باعث می‌شن آرمیا بخندن.  
- حرف‌های قشنگ دیگه‌ای هم ازشون یادته که بگی؟  
مثلاً گفتن آرمی زندگی ادامه داره، بیاین زندگی کنین یا گفتن که هر وقت ناراحت شدی یا این که فکر کردی کسی به فکر تو نیست، به این فکر باشین که یه نفر داخل کره، داخل شهر سئول به فکر شما هست و همیشه شما رو دوست داره».



تلاش دیگر کمپانی برای جذب هواداران بیش‌تر، ممانعت از ازدواج آیدول‌ها است. در حالت اخیر هواداران جنس مخالف که از عواطف پرشوری برخوردارند، در ذهن خویش می‌توانند به عشق تخیلی خود شکل داده و آیدولی را به عنوان دوست جنس مخالف یا همسر آینده خویش، در نظر بگیرد و زندگی خویش را با همین قسم از توهمات و رؤیاهای، ادامه دهند:

«... کسی که همچین رفتاری داره، معلومه که فقط آیدولش رو داره برای این استن می‌کنه که باهاش ازدواج کنه و به محض این که آیدولش وارد رابطه بشه، میاد بهش هیت می‌ده. این جور افراد معمولاً کمبود عاطفی دارن و مثلاً با خودشون خیال‌پردازی می‌کنن که با آیدولشون تو رابطه ان و این فکر و خیال‌ا توی کی‌پاپرا خیلی زیاده. کمپانی‌ها هم به خاطر همین رفتار فنا نمی‌ذارن که آیدولشون تا ۳۰ یا ۴۰ سالگی یا هیچ وقت ازدواج نکنه. چون وقتی آیدول یه کمپانی هیت بگیره درآمدشون کم‌تر می‌شه و این به ضرر کمپانیه».





نوجوانان در جریان کاربری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن، ممکن است در برخورد با ویتترین زندگی افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام و یا خستگی ذهنی که تبعه بمباران ذهنی کاربران فضای مجازی (با اتکاء به هوش مصنوعی) است و یا تبعیت از ارزش‌های فمینیسم رادیکال (که فرضاً شعار می‌دهند، زن ایرانی باید دستش را قطع کند و به زندگی مشترک با مرد ایرانی رضایت ندهد)، گرفتار توهم‌زدگی شوند که در جای دیگری باید به این امر پرداخت.

توهم‌زدگی هواداران گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، واجد برخی از تبعات هست. این تبعات از مواردی مانند برخورد متعصبانه در مورد یک آیدول و ادعای این که آیدول مورد نظر شوهر آتی فرد است و دیگران حق چپ نگاه کردن به او را ندارند، شروع شده، به دعوای افراد سر چگونگی ربط دادن اعضای بی‌تی‌اس به هم (شیپ کردن) رسیده، از آنجا به طلاق و انحلال خانواده، به امید دستیابی به آیدول مورد علاقه و ازدواج با وی می‌رسد.

الناز ۱۲ ساله و نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، توهم‌زدگی خویش را به شرح زیر به معرض دید گذارده اند:

«می‌شه در مورد آرمی‌های متعصب هم توضیح بدی؟»

خب اونا این طوری اند که می‌گن فقط گروهی که ما ازش طرفداری می‌کنیم خوبه و یا این که نباید روی بایس<sup>۱</sup> من کراش<sup>۲</sup> داشته باشی و البته خب خیلی با هیترها<sup>۳</sup> هم دعوا می‌کنن، ولی خب من این طوری نیستم، ولی تعداد این جور آرمی‌ها زیاد هست.

– می‌شه از این مورد که گفتی آرمی‌های متعصب این طوری هستن، مثال بزنی؟

یکی از هم کلاس‌های من این طوری بود که وقتی می‌گفتی که بایس من تهیونگ هست، می‌پريد بهت می‌گفت که تهیونگ برای من هست و همین جوری باهات بحث می‌کرد».



<sup>۱</sup> – بایس Bias به فرد مورد علاقه یک فن در یک گروه گفته می‌شود.

<sup>۲</sup> – کراش Crush به علاقه داشتن به کسی در عین بی‌خبری وی گفته می‌شود.

<sup>۳</sup> – هیترا Hater فردی است که دست به نفرت پراکنی می‌زند.

«- توی دوستات کسی هست که اگر خبر رابطه اعضاء رو بشنوه، خیلی ناراحت بشه و واکنش تندی نشون بده؟ یکی از دوستانم هست که خیلی احساسیه و رو این چیزها حساسه، مثلاً یه دختره بود که ویدیو گذاشته و گفته بود که من و تهیونگ به زودی ازدواج می‌کنیم و اون ویدیو رو فرستاده بود تو گروه‌مون. بعد همین دوست احساسی من همین طور یک‌ریز داشت حرص می‌خورد و تا یه مدت خیلی اعصابش بهم ریخته بود. خیلی هم تهیونگ رو دوست داره، یعنی با تمام وجودش دوست داره و همیشه هم طرفدارش بوده و یه دید عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، یعنی فراتر از بعد آیدول بودنش، ازش خوشش میاد و حس عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، واسه همین خیلی واکنش نشون داد نسبت به این قضیه و هر چه قدر هم که ما باهاش حرف می‌زدیم که این اتفاق قرار نیست بیفته و دختره چرت و پرت گفته، قبول نمی‌کرد و همچنان عصبانی بود، می‌گفت اگه تهیونگ یه روزی بخواد واقعاً با کسی قرار بذاره، من چه کار کنم؟ همیشه توی تصوراتش هست که یه روزی می‌ره کره و با تهیونگ ازدواج می‌کنه، در صورتی که واقعاً معلوم نیست در آخر کی توجه اعضای بی‌تی‌اس رو به عنوان معشوق جلب می‌کنه. توی سال ۲۰۱۳ که تازه دیپو کرده بودند، موزیک ویدیوی پسر عاشق رو دادن بیرون، اون آهنگ در مورد دختره‌ست که دخترا چه موجودات شگفت‌انگیزی هستن و یه دختری توی اون موزیک ویدیو هست که باید انتخاب کنه بین اعضاء و در آخر می‌ره، می‌پره بغل تهیونگ که یعنی اون رو انتخاب کرده و تهیونگ هم متقابلاً بغلش می‌کنه و دوست من سر این قضیه با این که این موزیک ویدیو قدیمی بود و هیچ حس واقعی‌ای در اون وجود نداشت، خیلی عصبانی شده بود و خیلی ناراحت بود و فکر می‌کرد تهیونگ روی این دختره کراش داره». مرضیه ۱۹ ساله، از دعوای شیپرها سر توهمات خودشان به قرار زیر یاد کرده است:

«- می‌تونن برام مثال بزنی؟ برای خودت یا دوستانت بوده که با فنای متعصب بحثی صورت بگیره و اگر بوده به چه دلیل و سر چه موضوعی بوده؟

حالا دوستانم که نه، ولی دیدم بعضاً بعضی طرفدارا می‌گن که تهیونگ شوهر منه و من یه روزی می‌رم کره و باهاش ازدواج می‌کنم و کس دیگه‌ای هم چنین ادعایی داشته باشه، باهم دعواشون می‌شه سر شوهر آینده‌شون اون سر دنیا؟!»





یا شیپرای تعصبی که به شیپ‌های دیگه هیت می‌دن و فقط شیپی که خودشون استن می‌کنن رو قبول دارن و غیر از این باشه دوباره همین بساط هیت و بد و بیراه و... هست مثل بعضی ویمین شیپرا یا ته‌کوکرا که خیلی بین شون دعواست».



رخساره ۱۶ ساله نیز از طلاق گرفتن برخی از هواداران برای دستیابی به ستاره مورد علاقه‌شان و ازدواج احتمالی با وی به شرح زیر یاد کرده است:

«- یعنی چه جووری برای اونا از همسر خودشون طلاق گرفته اند و اصولاً می‌گن واسه چی طلاق گرفته اند؟ آره. حتی بعضی وقت‌ها از اونایی که طلاق گرفتن، اون مردها اومدن برای بی‌تی‌اس آهنگ خوندن، مثلاً آهنگ انگلیسی خوندن، ترجمه‌اش می‌شد که من ای کاش شبیه جونگ‌کوک بودم، جونگ‌کوک بهترین، زنم طلاق گرفت به خاطر جونگ‌کوک. سر همین چیزها، خبرش خیلی وایرال شده بود».

### ۳-۲۹- ایجاد فضایی نسبتاً مبهم

«داخل یکی از لایوهای گروه بی‌تی‌اس، تهیونگ داشت جونگ‌کوک رو معرفی می‌کرد، می‌گفت: این دوستم. جونگ‌کوک می‌گفت: من دوستم؟ من رو درست معرفی کن. همین باعث شد آرمی‌ها کلیپ‌های زیادی ازش درست کنند» (رخساره، ۱۶ ساله). نکته مهمی که در مقوله اقدام‌های فرهنگی گروه بی‌تی‌اس نباید از آن ناگفته گذشت، فضای ابهامی است که بعضاً در ارتباط با خط‌مشی‌های فرهنگی (و عیناً سیاسی، اقتصادی و عقیدتی) گروه وجود دارد. به این معنا که گروه از سویی به دلیل دادن شعارهای بسیار زیبای انسان دوستانه و از سوی دیگر به دلیل حمایت از سرمایه‌داری عنان‌گسیخته، خود به خود دچار تعارض‌های زیادی می‌شود که در حالت اخیر، پناه جستن به

زبان رمز و اشاره، از این امکان برخوردار است که با ایجاد بستری برای تفاسیر گوناگون، کیان گروه را از بسیاری از نقدهای گزنده محافظت خواهد کرد.

کمپانی بیگ‌هیت در اقدام خلاق دیگری، با طرح مواردی مانند: مغازه جادویی، بی‌تی‌اس آیلند، جهان بنگتن یا جهان موازی، وب‌تون، تهیه فتوبوک و تئوری پردازی‌های مختلف، در صدد برآمده است تا هواداران گروه خویش را به جهانی رمزآلود، تخیلی و رؤیایی وارد سازد. مغازه جادویی (یا مجیک شاپ)، نام آهنگی از گروه بی‌تی‌اس است. اعضای گروه بی‌تی‌اس، در توصیف مغازه جادویی (مجیک شاپ)، آن را مترادف خودشان دیده‌اند و به طرفدارانشان می‌گویند، آن‌ها با آمدن به سمت مغازه جادویی (یا گروه بی‌تی‌اس)، درمان دردهای خویش را در خواهند یافت.

ریحانه ۱۷ ساله، در همین رابطه بیان می‌دارد:

«- عزیزم تو اطلاعاتی از اصطلاح جهان بی‌تی‌اس که با نام‌های جهان بنگتن یا بی‌یو (BU) هم مطرح شده، داری؟ نه اطلاعات چندانی ندارم. من تا جایی که بودم و هستم و می‌دونم اینه که ما یه جایی داریم به نام مجیک شاپ که یه آهنگم ساختن ازش و اونجا جاییه که یه آرمی می‌تونه خودش باشه، کنار پسرا توی رؤیاهاش و خب یه جورایی اونجا پسرا منتظرمون ان. - یعنی یه دنیای خیالی؟

آره اگه ترجمه متنش رو بخونی متوجه می‌شی.

- عزیزم یعنی چه طور منتظرت هستن؟

حالتیه که وقتی که ناراحتی، هفت نفرن که بهت گوش بدن و آغوش‌شون به روت بازه.



- چه طور وقتی حضور ندارن، فکر می‌کنی که بهت گوش می‌دن؟

ارتباطی که باهامون گرفتن زیادی عمیقه. اون نزدیکی‌ای که بینمون هست و اون عشقی که دم به دقیقه بهمون می‌دن، باعث این فکر می‌شه.

- یعنی این طوریه که توی ذهنت باهاشون حرف می‌زنی و ارتباط می‌گیری؟

ارتباط قلبیه. یه جورایی از طریق گوش کردن آهنگاشون.

- درست متوجه نشدم، ممکنه بیش‌تر توضیح بدی؟

گوش دادن آهنگاشون تو سختیا و مشکلات باعث می‌شه حالم خوب شه.

یعنی اون حرف زدنه همون حسی خوبیه که بهت منتقل می‌کنن؟

قلبیه، صحبت کردنی و اینا نیست.

- چون از کلمه گوش کردن استفاده کردی گفتم که شاید باهاشون توی ذهنت حرف می‌زنی.

می‌تونه باشه.

- یعنی اتفاق افتاده برات؟

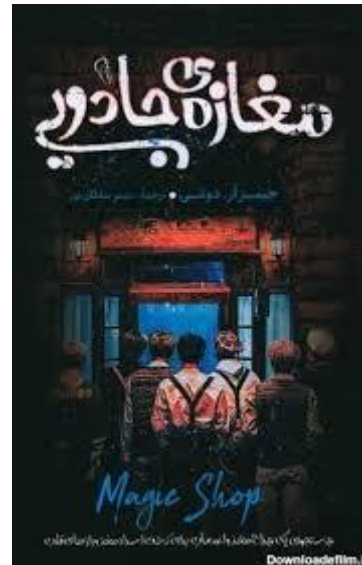
آره.

- مثلاً چیزایی که ممکنه به بقیه نتونی بگی؟

اوهوم.

- گفتی دم به دقیقه عشق و علاقه‌شون رو بروز می‌دن، یعنی دائماً این احساس رو ازشون دریافت می‌کنی؟

آره، مثلاً تو وی‌ورس پست می‌ذارن که عاشقتونیم یا هر جایی که می‌رن اول از همه می‌گن آرمی یا تو لایواشون می‌گن».



زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه خودش درباره بی‌تی‌اس آیلند، بیان می‌دارد که این جهان رؤیایی، جزیره‌ای است که در آن صلح و صفا وجود دارد و انسان‌های کارتونی آن در کنار یکدیگر به شکلی شاد زندگی می‌کنند:  
«- گفتید یک صفحه وجود داره که شما علاقه‌مندی زیادی بهش دارید. بی‌تی‌اس آیلند.

- بله، بی‌تی‌اس آیلند چه طور صفحه‌ای هست و چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذاره؟

بی‌تی‌اس آیلند هم جزو پیج‌های اصلی گروه هست و تفاوت زیادی در محتواهاشون وجود نداره، ولی یه داستان در موردش هست. این هفت نفر دارن تو یه فضایی که کاملاً آرامش و صلح درش وجود داره، زندگی می‌کنن. پست‌هایی که گذاشته می‌شن هم تماماً کارتونی هستن. بیش‌تر جنبه سرگرمی داره و کمی هم متفاوت با پیج‌های دیگه گروه هست. به خاطر کارتونی بودنش شادتر و بامزه‌تر هست... .

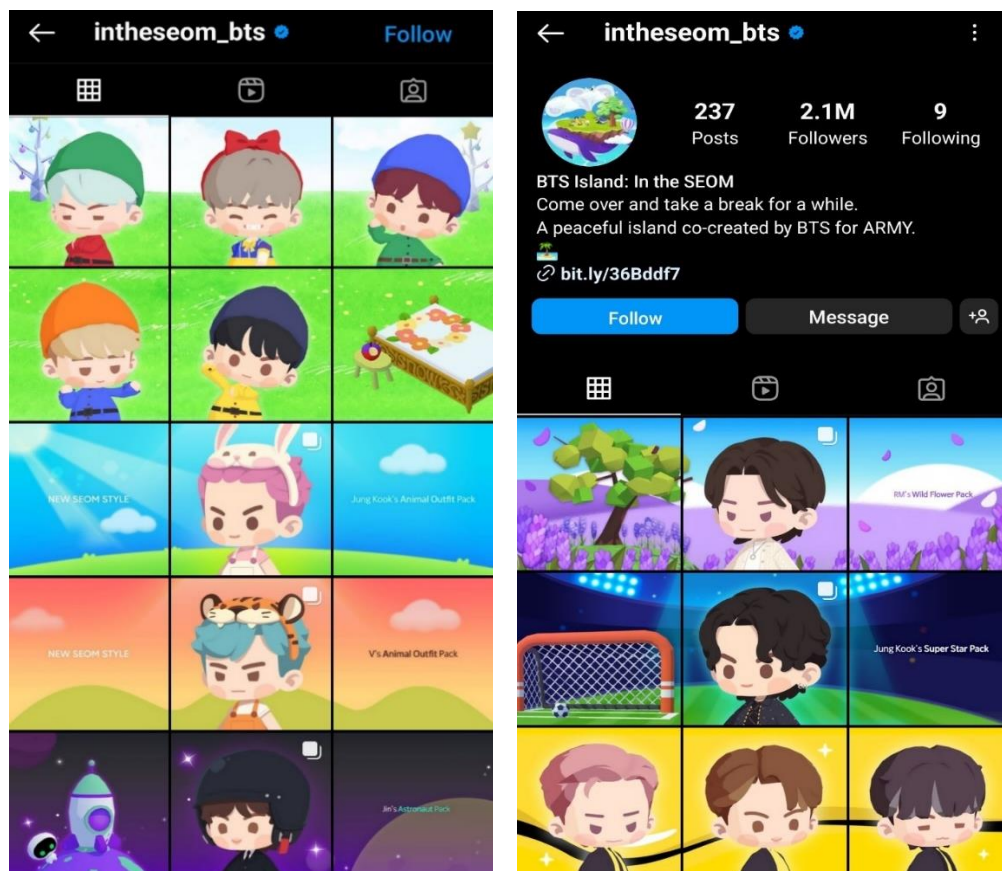
- عکس‌هایی که داخل این صفحه گذاشته می‌شه اون‌ها رو در حال انجام چه کارهایی نشون می‌ده؟

خیلی کارها انجام می‌دن که بیش‌ترشون روزمره به حساب میان، مثلاً می‌رن به طبیعت برای خوش گذرونی. پیک نیک دیگه (باخته) می‌رن پیک نیک. ولی مثلاً تازگی چندتا پست گذاشته بودن که اینا رفته بودن فضا باز برای خوش گذرونی (باخته). چون کارتونی هست یه کم چیزای غیر واقعی رو هم می‌ذارن. ولی هدف اصلی سرگرم کردن دنبال کننده‌ها هست.

- با توجه به این که گفتید داخل یک جهان پر از آرامش و صلح زندگی می‌کنن، یک مقدار آرمان‌گرایی هم داره.



همین‌طور اصلاً برای بیو<sup>۱</sup> پیج هم نوشتن که یک جزیره پر از آرامش و صلح که توسط بی‌تی‌اس برای طرفدارها ساخته شده و بعدش هم گفته بیاید برای استراحت یه کم نگاه کنید پست‌ها رو».



جهان بی‌تی‌اس یا جهان بنگتن یا به شکل اختصاری جهان بی‌یو (BU) یک دنیای موازی است که کمپانی با طرح آن، نوجوانان و جوانانی را که بهره زیادی از کنجکاوی دارند، به سمت دنیایی تخیلی و موازی سوق می‌دهد.



دانشنامه ویکی‌پدیا در مورد جهان بی‌تی‌اس یا بی‌یو می‌نویسد:

«جهان بی‌تی‌اس که با نام‌های جهان بنگتن یا بی‌یو (BU) نیز شناخته می‌شود، یک جهان موازی است که توسط بیگ‌هیت انترتینمنت خلق شده‌است و در آثار گروه به کار می‌رود. وب‌تون نجاتم بده و کتاب زیباترین لحظه در زندگی: یادداشت‌ها ۱ گروه، از همین خط داستانی پیروی می‌کند. گاه‌شماری این جهان با ترانه «به تو نیاز دارم» آغاز شد و تا زمان کنونی ادامه پیدا می‌کند. این جهان داستان هفت عضو گروه را در یک واقعیت جایگزین تعریف می‌کند و نگرانی‌ها و تردیدهایشان را در مواجهه با آینده به تصویر می‌کشد. بیگ‌هیت در یک نشست خبری در ۴ فوریه ۲۰۲۰ اعلام کرد، دنباله این جهان با عنوان زیباترین لحظه در زندگی: یادداشت‌ها ۲ را منتشر خواهد کرد که بازآفرینی پنج ترانه بی‌تی‌اس

<sup>1</sup>- Bio

در قالب پنج کتاب تصویری است و همچنین یک درام کره‌ای با عنوان جوانی، با همکاری چوروکیم مدیا و نمایشنامه‌نویس برجسته کیم سو-جین ساخته خواهد شد.

ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه‌اش در مورد دنیای موازی خاطرنشان می‌سازد، ابهام جهان موازی، امکان تفسیرهای مختلف از آهنگ‌های بی‌تی‌اس را فراهم آورده، دنیای موازی را به مثابه دنیایی بسیار اسرارآمیز در برابر مخاطبان جلوه‌گر می‌سازد:

«- عزیزم من دقیقاً نتوانستم متوجه بشم چرا این‌ها رو منتشر می‌کنن، یعنی مفهوم خاصی رو می‌خوان برسونن؟»

کلاً هر کدام از موزیک ویدیوها پشت‌شون کلی تئوری و فلانه. هر چیزی اونجا استفاده شده و هر اکسسوری‌ای، یه معنی‌ای قطعاً این وسط هست که خب حالا بعضی از آرمیا یه سری دیدگاه خاص خودشون رو دارن، یعنی تئوریا خیلی متفاوت، مثلاً توی موزیک «فیلم اوت» می‌گن که بچه‌ها توی دنیای موازین و جین داره کاری می‌کنه و حالا داره دنبال‌شون می‌گرده و اینا، ولی کلاً هر چیزی پشتش یه مفهومی داره و شاید ما درست نفهمیم و فقط یه حدسایی می‌زنن».

وب‌تون<sup>۱</sup> گونه‌ای از کمیک دیجیتال است که پیشینه آن به کره جنوبی می‌رسد. در آغاز، وب‌تون‌ها در خارج از این کشور شناخته‌شده نبودند، اما به تدریج و به‌علت خوانده شدن بیش‌تر مانه‌ها (به تمامی کتاب‌های کمیک گفته می‌شود که در کره جنوبی طراحی شده‌اند) بر روی تلفن‌های هوشمند، معروفیت آن‌ها افزایش یافت.



دانشنامه ویکی‌پدیا درباره وب‌تون «نجاتم بده» که همنام ترانه‌ای با همین عنوان از گروه پسران بی‌تی‌اس است می‌نویسد:

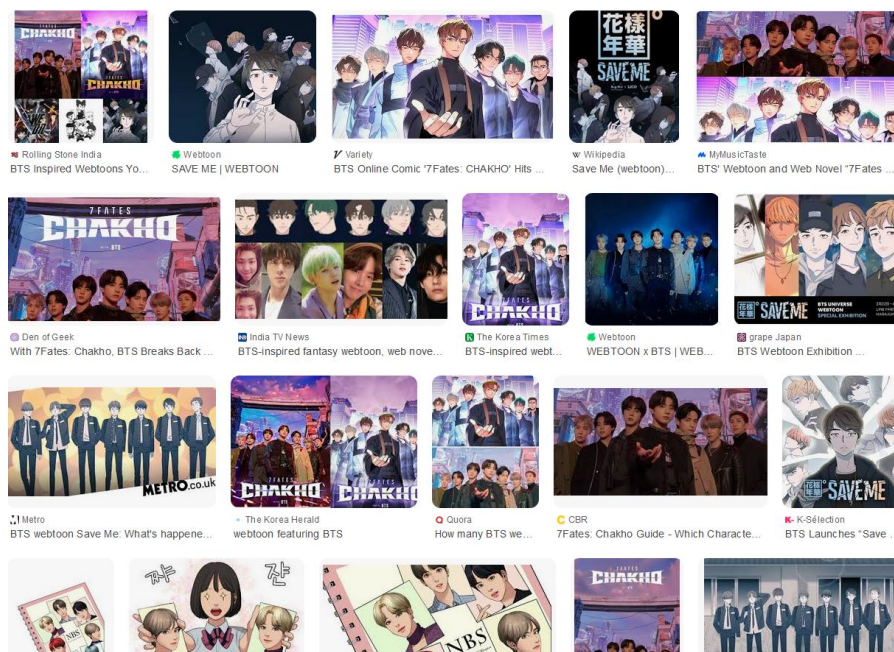
«وب‌تون نجاتم بده به معنای زیباترین لحظه در زندگی است. نجاتم بده یک وب‌تون محصول کره جنوبی و همکاری مشترک میان بیگ‌هیت

میوزیک و شرکت تابعه محتوای دیجیتال ناوور کورپوریشن به نام لیکو است. این وب‌تون همنام ترانه سال ۲۰۱۶ گروه پسرانه بی‌تی‌اس

یعنی «نجاتم بده» است و از ۱۷ ژانویه تا ۱۱ آوریل ۲۰۱۹ منتشر شد و شامل ۱۵ قسمت به علاوه یک دیباچه است.

شخصیت‌های مرکزی وب‌تون نجاتم بده هفت عضو بی‌تی‌اس هستند و از نام واقعی اعضای گروه استفاده شده‌است».

<sup>۱</sup> - Webtoon



مهسای ۱۴ ساله، در قسمتی از مصاحبه خویش به ستایش وبتون بی‌تی‌اس دست می‌زند:

«- نظرت در مورد وبتون‌های خود کمپانی چیه؟»

خب وبتون داستانی از ام وی یا آهنگ رو توضیح می‌ده. مثلاً این بازی جدید خیلی کیوت بود، مخصوصاً این که اخلاق اعضاء هم دقیقاً همونا بود. آرمیا می‌تونن باهم حرف بزنن یا حتی چونگ‌کوک هم خودش داخل بازی صفحه داره».



فتوبوک اصطلاحاً در عرف گروه و هواداران به مجموعه تصاویری گفته می‌شود که بیانگر ناگفته‌های اعضای گروه بی‌تی‌اس هستند.

ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به فتوبوک در این زمینه می‌گوید:

«جیمین تو فوتوبوک‌هایی که اخیراً منتشر کرده انگار کام‌اوت<sup>۱</sup> کرده ۵۰ درصد به زن‌ها و ۵۰ درصد به مردها گرایش داره و این رو هم خودش اعلام نکرده، فقط براساس تئوری فن‌ها به دست اومده. بقیه اعضاء درسته از گرایش‌های مختلف حمایت می‌کنن اما تا جایی که من می‌دونم همجنس‌گرا نیستن.

- خوب این تئوری‌ها چی هستن و فن‌ها چه طور متوجه این مسایل می‌شن؟

بذار من یه عکس دارم که کاملاً توضیح داده که بر چه اساسی فن‌ها به این نتیجه رسیدن.

<sup>۱</sup>- کام‌اوت به معنای بیرون آمدن و آشکار کردن است و در اینجا به معنی آشکار کردن گرایش جنسی است.



– فتوبوک چیه که ازش حرف می‌زنی؟

فتوبوکی که من درباره اعضا می‌گم، اینه که اونا میان با سلیقه و طراحی‌هایی که خودشون توی عکس‌برداری‌ها انجام می‌دن، حرف‌هایی که تاحالا تو دل‌شون مونده و به هر دلیلی نتونستن به ما بگن با یه سری تصاویر و نمادهای خاص به ما نشون می‌دن، بعد اینا رو تو یک مجله جمع آوری می‌کنن و به عنوان مرچ می‌فروشن. دقیقاً مثل همین کام اوت جیمین که به شکل مستقیم اعلام نکرده، چه گرایش جنسی داره و در قالب تصاویر به ما فهموند.

استفاده از مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی در برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، در عمل هواداران آن‌ها را با مفاهیمی چند لایه مواجه ساخته است که این امر تئوری‌پردازی‌های مختلفی را به خود می‌طلبد.

به همین ترتیب رفتار اعضای گروه در عمل بستر پرابهامی فراهم آورده است که تفسیر آن نیازمند تئوری‌پردازی‌های مختلفی است. احسان ۱۷ ساله در مصاحبه‌اش، نمونه‌ای از این دست موارد را بیان می‌دارد:

«– ستاره‌ها حق ازدواج و ارتباط با جنس مخالف خودشان را ندارند، پس به نظرت گزینه‌های جنسی خودشان را چگونه کنترل می‌کنند؟ این مسأله کاملاً شخصی و یک ابهام بزرگ در مورد آیدول‌ها هست و همین ابهام با چهره‌های زنانه و قامت مردانه آن‌ها این شک رو به وجود میاره که ممکنه اون‌ها همجنس‌گرا باشن، یعنی تمایل به برقراری رابطه باهم جنس خود رو داشته باشند. همه‌ی ظرافت‌های زنانه رو دارند، ولی مذکرند. ممکنه دچار دوگانگی جنسیتی شده باشند و البته همه‌ی این‌ها نظر شخصی منه و در هاله‌ای از ابهامه».

### ۳-۳۰- مضامین و اجراهای نسبتاً متفاوت کی‌پاپ با پاپ غربی





مضامین و اجراهای نسبتاً متفاوت با پاپ غربی گروه بی‌تی‌اس در تلاش برای هم‌آوردی با گروه‌های کی‌پاپ داخل کره و گروه‌های پاپ غربی، نیازمند تمهیدات خاصی است تا بتواند مبتنی بر آن‌ها، در رقابت با گروه‌های داخلی و خارجی رقیب، از آنان پیش افتاده و برتری خویش نسبت به آنان را به نمایش بگذارد. برخی از افراد مصاحبه شده در بررسی تطبیقی عملکرد گروه بی‌تی‌اس با گروه‌های پاپ و غربی، از مواردی مانند: حساسیت و وجدان‌کاری بالاتر گروه بی‌تی‌اس، محتوای شاد و جوان‌پسندتر، بازی برخی از خوانندگان کی‌پاپ در کی‌دراما، اجرای برخی از موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس در مکان‌های تاریخی و پرشکوه، طراحی صحنه‌های بدیع (نظیر آتش گرفتن فردی در صحنه یا آبشاری از آب) در موسیقی بی‌تی‌اس، آرایش پسران بی‌تی‌اس، رقص گروهی و رنگ‌های فانتزی موی پسران گروه، بر اجرای متفاوت گروه بی‌تی‌اس صحنه نهاده و آن را برتر از عملکرد پاپ غربی برشمرده‌اند.

ریحانه ۲۱ ساله، در قسمتی از مصاحبه خود در تبیین حساسیت و وجدان‌کاری بالاتر پسران بی‌تی‌اس می‌گوید:

«- پس به نظرت در مقایسه با هنرمندای هالیوودی، این نقطه‌ای قوتیه که کی‌پاپ و بی‌تی‌اس دارن.

این هم هست. اما تنها نقطه‌ای قوت نیست. کی‌پاپ و بی‌تی‌اس، توی سبک‌های مختلف موسیقی فعالیت می‌کنن و از نظر فیلمبرداری و تصاویر هم توی هر سبکی محتوا تولید می‌کنن و این باعث می‌شه هر سلیقه‌ای به سمت‌شون کشیده بشه.

علاوه بر این، بی‌تی‌اس نه فقط از کانسپت خوب که از استعدادهای خوب توی عرصه‌های مختلف مثل خوانندگی، مدلینگ و ویژوال و حتی بازیگری برخوردارن و این، باز هم حیطه‌ای کاری‌شون رو متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌کنه.

از پروموت خوب، مدیریت قوی و سیاست‌های کمپانی‌ها هم نمی‌شه چشم‌پوشی کرد.

گروه‌های کی‌پاپ به خوبی راه تبلیغات و جذب مخاطب رو بلدن و می‌دونن چه طور خودشون رو توی سطح جهانی بالا بکشونن.

هنرمندهای هالیوودی به نوعی مستقل و فردگرا محسوب می‌شن که هرکدام به تنهایی و توی یک سبک خاص فعالیت می‌کنن و این باعث می‌شه گستره‌ای فعالیت‌شون محدودتر بشه و صرفاً سلاقی خاص به سمت‌شون کشیده بشن و اگر هم موسیقی پاپ و عامه‌پسندی هم دارن، اصولاً از یک فن‌بیس<sup>۱</sup> و گروه طرفداری قوی برخوردار نیستن و این یعنی حمایت خیلی قوی و دایمی‌ای ندارن و تبلیغ از سمت فن‌ها کم‌تر

انجام می‌شه. به نظر من وسواس روی محتوا، تنوع و حساسیت و وجدان‌کاری نسبت به فن‌ها، توی هالیوود ضعیف‌تره».



<sup>۱</sup> - Fan base - طرفداران یک فرد، گروه و تیم معروف که به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می‌شوند.



صوفیای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش اجرای کی‌پاپ را بهتر از اجرای پاپ غرب معرفی کرده و سایه ۲۱ ساله نیز در گزارشی که دارد، استیج‌های امریکایی را خسته کننده برمی‌شمرد:

«... در کی‌پاپ خیلی سعی می‌کنن از المان‌های جدیدی استفاده کنن و خب به شنونده احترام می‌ذارن، می‌تونن لایو بخونن. در حالی که اصلاً خب تو غرب ما همچین چیزایی رو زیاد نمی‌بینیم. لایوایی که اصولاً خیلی بدن. بیش‌تر همش واسه‌ی اینه که برن توی چارت<sup>۱</sup>‌ها و خب وقتی مثلاً اجرای لایو و کنسرت و اینا رو می‌بینی، مشخصه که طرف به اون گوش و اون شنونده احترام نمی‌ذاره و اصلاً واسش مهم نیست که داره بهش چی تحویل می‌ده. برعکس چیزی که ما توی کی‌پاپ داریم. حالا شاید به خاطر سبک خیلی سختی که آسیا داره باشه، اینه که خب تمام تلاش‌شون رو می‌کنن که به بهترین نحو ممکن کارشون رو اجرا کنن و خب من این رو خیلی دوست دارم.

– یعنی بیش‌تر اون فن سرویس<sup>۲</sup> یا اون ارتباطی که آیدول با مخاطب داره برات مهمه، تا کاری که منتشر می‌کنه؟

نمی‌شه گفت، فقط این. چون خب بالاخره من بیش‌تر جذب اون قسمتی می‌شم که خب واقعاً به چیزی که دارن انتقال می‌دن به مردم، احترام می‌ذارن. می‌شه یه جوورایی همون فن سرویس. آره. این که خب به شنونده احترام بذاری، خیلی چیز خوبیه واقعاً. نشون می‌ده براشون مهمه.

– این احترامی که می‌گی رو تو به چه شکلی متوجهش شدی، حسش کردی؟

خب مثلاً یه مثال بزنم، من خودم تاحالا کنسرت نرفتم، توی این که خب مثلاً آدم وقتی که می‌ره یه کنسرتی، دوست داره که لایو اون موزیکی که شنیده رو بشنوه و ببینه که واقعاً اون چیه که پشت گوشی و دوربین و اینا هست. یه چیزی که حالا توی خیلی از کنسرت‌های غربی که مثلاً می‌بینی، خواننده‌ها نمی‌تونن لایو بخونن و کوک نمی‌خونن. و کلاً اصلاً انگار براشون مهم نیست، در حالی که توی کی‌پاپ اصلاً این شکلی نیست. خیلی سخت تمرین می‌کنن. واسه این که فالش نخونن. خوب بخونن. و یه چیز خیلی خوبی رو ارایه بدن. و خب من این رو خیلی دوست دارم که یه اجرای خیلی تمیز و خوب به بقیه می‌دن که به خاطر چیزی که اومدن و چیزی که واسش هزینه کردن، ارزش داشته باشه و خب خیلی محترمانه برخورد می‌کنن با افراد و کسایی که خب حالا توی مدیا دنبال‌شون می‌کنن».



<sup>۱</sup> – منظور چارت های موسیقی است.

<sup>۲</sup> – Fan service

سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود ضمن مقایسه پاپ غربی و موسیقی کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در حالی که پاپ غربی را خسته کننده می‌نامد، از هماهنگی موجود بین آهنگ و صحنه، رقص اعضای گروه و پوشش لباس‌های آنان یاد می‌کند: «... استیج‌های بی‌تی‌اس یه چیز خیلی جذابییه که روی ثانییه به ثانیه‌اش کار شده. الآن که استیج‌های آمریکایی رو می‌بینم، به نظرم خسته کننده می‌رسند. بیش‌تر نمایش موزیکاله تا کنسرت. - یعنی داستان داره؟

نه، لزوماً داستان نداره، ولی رقصی داره که با اون رقص یه مفهومی رو می‌خوان برسوند. هر عضوی به نسبت اون مفهومی که می‌خوان برسوند، یه هماهنگی‌ای پیدا می‌کنند و در نهایت شما یک تصویر کلی‌ای دریافت می‌کنی. بعد جدای از اون اگر بازه رقصش هم بیش‌تر باشه، باز شما می‌بینی که سطح کار فرق می‌کنه، حتی اگر یه موسیقی متوسطی رو اجرا کنند. لباس‌هایی که می‌پوشند و استایل‌شون و صحنه و همه چیز متفاوتیه و این به مرور جذب می‌کنه، حتی اگر همون لحظه اول نگی خیلی خب از این به بعد زندگی من حول محور اینا می‌چرخه. بعد من هم استیج‌ها رو می‌دیدم و هم ویدیوهای خنده‌دار بی‌تی‌اس رو هم آورده بود و همین جوری نشستیم دیدم، دیدم، دیدم تا این که نمی‌دونم چی شد که سر کام‌بک (بازگشت) فیک لائو (عشق دروغین) خودشون که همون سال ۲۰۱۸ بود، به خودم اومدم دیدم ۲۴ ساعته نخوابیدم تا تعداد بازدیدهای یوتیوب و اسپاتیفای این‌ها رو بالا ببرم».



هلیای ۱۹ ساله نیز در گزارشی که می‌دهد، موسیقی بی‌تی‌اس را در مقایسه با پاپ غربی، جوان پسندتر و شادتر توصیف می‌کند: «کی‌پاپ در مقایسه با موسیقی پاپ غربی، موسیقی «جوان‌تر» و «شادتر» و با ظاهری جدیدتر هست، انرژی زیادی در کی‌پاپ وجود دارد، موزیک ویدیوها واقعاً روشن و رنگارنگ هستند. بنابراین فکر می‌کنم، بسیاری از مردم به کی‌پاپ علاقه‌مند هستند، زیرا گاهی اوقات از موسیقی آمریکایی شادتر است، و همچنین رقصیدن با آن آسان‌تر است و حدس می‌زنم طرفداران جوان‌تر نیز جذب کی‌پاپ می‌شوند، زیرا روی ظاهر تمرکز دارد».



در کره جنوبی، در بسترسازی گسترده‌ای که در زمینه صنعت موسیقی و فیلم این کشور صورت گرفته است، این سنت وجود داشته است که افراد فعال در صنعت موسیقی، در صنعت فیلم این کشور نیز ظاهر شوند و به عکس، تا به این ترتیب بسترهای پیش‌گفته، زمینه رشد بیش‌تر افراد در زمینه کاری خودشان را فراهم آورند.

سایه ۲۱ ساله در مصاحبه‌اش در تبیین بسترسازی صنعت فیلم کره برای صنعت موسیقی، بیان می‌دارد:  
«- درباره مفهوم آیدول<sup>۱</sup> یه توضیحی می‌دید، به خواننده‌های کی‌پاپ که معروف شده اند می‌گن آیدول؟»

نه لزوماً معروف هم نشده باشه، آیدول حساب می‌شه و خواننده هم نمی‌شه گفت. مثل هالیوود نیست که بتونید لزوماً بگید این خواننده است و فلانی بازیگره. چون تنها کارشون خوندن نیست. مثلاً این بین کره‌ای‌ها خیلی مرسومه که خواننده‌ها فیلم هم بازی می‌کنند و بازیگرها هم دوتا ترک<sup>۲</sup> (آهنگ) می‌خوندن. بعد جدای از اون اینا که فقط خوانندگی نمی‌کنند. در کنار خوندن شون یه رقص هم دارند و یه پرفورمنس<sup>۳</sup> (اجرا) هم دارند و مجموعه این‌ها هست که کار این‌ها رو می‌سازه. بعد مجموع این ویژگی‌ها باهمه که باعث می‌شه بهشون نگیم خواننده و بگیم آیدول. پس اگر بگیم یکی آیدوله، یعنی هم خوندن داره، هم رقص داره و هم استایل و تیپش توسط یه تیم حرفه‌ای مشخص شده و هر کدوم منظور داره و هر موزیک ویدیوش هم برای خودش یه داستانی داره، ولی خب کره‌ای‌ها هم خواننده‌ای که آیدول نباشه دارند. مثلاً گروه‌های راک‌شون خیلی معروفه در این زمینه که فقط خوانندگی می‌کنند و نه رقصی دارند، نه چیزی. بهشون هم می‌گن کی‌راک<sup>۴</sup>. خواننده‌های دیگه هم هستند که وارد جریان رقص و این‌ها نشدن. بعد اکثر کسانی که آیدول اند، در یک گروه دیو می‌کنند. البته همه‌شون نه، خیلی‌ها هم تکی دیو می‌کنند، ولی بیش‌ترشون تحت گروه دیو می‌کنند».

دیپای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به فیلم‌برداری موزیک ویدیویی آهنگ بلاد سوییت اند تیرز در یک قصر، از این سنت بی‌تی‌اس در پردازش‌های خودش، ستایش به عمل می‌آورد:

«- می‌شه یک مثال برای این که برای موزیک ویدیوها خیلی فکر گذاشته می‌شه، بزنی؟»

مثلاً موزیک ویدیوی آهنگ بلاد سوییت اند تیرز<sup>۵</sup> از بی‌تی‌اس، پر از رنگ‌های مختلف بود و توی یه محل قصر ماندنی فیلم‌برداری شده بود و خب رقص‌هاشون هم به نظرم چیزی نیست که آسون باشه و خیلی به تمرین نیاز داره. الان که دارم فکر می‌کنم رقص‌هاشون هم یکی از جنبه‌هایی بود که من رو جذب کرد، چون واقعاً قشنگ و خاص بودن».



<sup>1</sup>- Idol

<sup>2</sup>- track

<sup>3</sup>- Performance

<sup>4</sup>- K rock

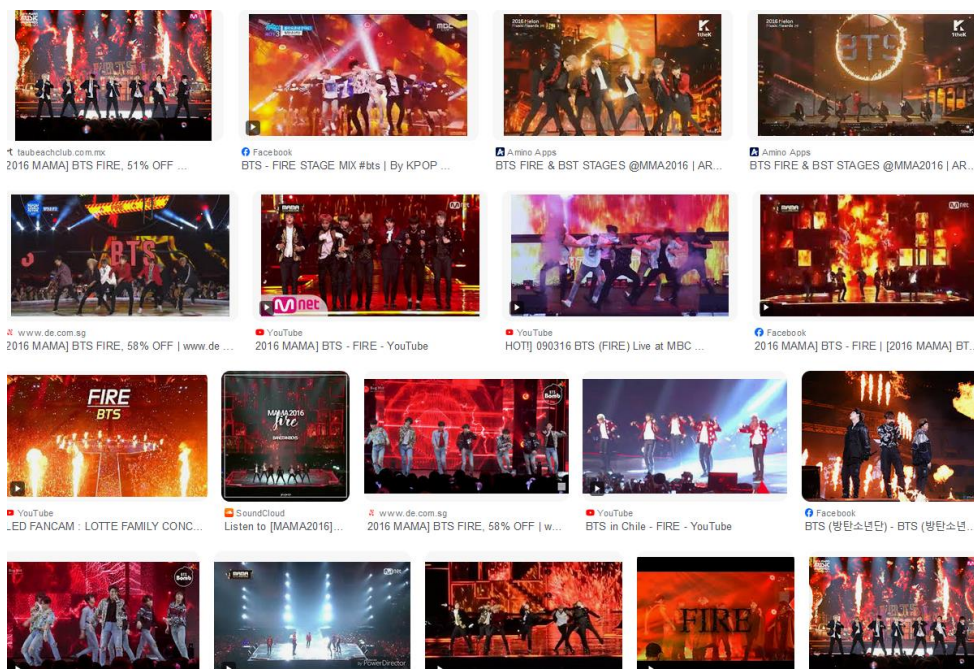
<sup>5</sup>- Blood Sweat & Tears (2016)



شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به خلق صحنه‌های ویژه در برخی از موزیک ویدیوهای گروه بی‌تی‌اس، این مسأله را امتیازی برای گروه بی‌تی‌اس نسبت به رقیبان غربی خودش می‌داند:

«چه چیزی شون شما رو جذب می‌کرد؟»

این که احساس می‌کردم به استعداد خودشون متکی هستن و با وجود این که خیلیا جدی‌شون نمی‌گرفتن و مسخره‌شون می‌کردن ولی کم‌کم پیشرفت کردن و به جاهای خوب رسیدن. دلیل دیگه‌اش هم این که من خودم عاشق موسیقی و رقص بودم، ولی خب می‌دیدم که توی ایران این کارها برای یه دختر ممنوعه یا کلاً اصلاً امکان پیشرفتی وجود نداره، ولی اونجا فضا بازه و می‌تونن از این فعالیت‌ها داشته باشن و پیشرفت کنن، برام جذاب بود. بعد به این فکر می‌کردم که خودمم می‌تونم برم اونجا مثل اونا پیشرفت کنم. بعد اولین موزیک ویدیویی که از بی‌تی‌اس دیدم خیلی جذبه کرد. اسمش «آتش» بود. بعد یه فضای ترسناکی داشت اولش که آدم رو می‌ترسوند. خیلی دیوونه‌طور بود، رقصاشون عجیب بود. موزیک ویدیوشون این جوری بودش که اولش یه مردی میادش جلوی یکی از پسرهای گروه. بعد مرده آتیش می‌گیره! آهنگی هم اول موزیک ویدیو پخش نمی‌شه. کاملاً ساکنه بعد یهو می‌ره یه جای دارکی که یه مرد خیلی مو بلند هستش که دی‌جیه. بعد با حرکت اون که انگار داره آهنگ رو تنظیم می‌کنه، موسیقی شروع می‌شه. اولین بار که اینو دیدم ترسیده بودم، چون خیلی بچه بودم. ولی بعدش خیلی دوستش داشتم».





فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از انجام آرایش پسران بی‌تی‌اس و تغییر آن به تناسب موقعیت یاد کرده و پونه ۱۸ ساله و شبنم ۲۵ ساله، با اشاره به رقص گروهی پسران بی‌تی‌اس، رنگ موهای فانتزی آنان در هر اجرایی و خواندن آنان به سه زبان، از این موارد، به عنوان مواردی که کم‌تر در پاپ غربی می‌توان مشابه آن را سراغ گرفت، یاد کرده است:

«- سبک آرایش‌شون چه طوری هست؟»

سبک میکاپ شون بسته به نوع اجرا، برنامه، موقعیت و... متفاوت هست، مثلاً در برنامه‌های رسمی و پرطرفدار و زنده مثل مراسم «ماما» قطعاً سبک آرایشون متفاوت نسبت به زمانی که برای برنامه تلویزیونی ضبط شده آرایش می‌کنن، پس سبک آرایش‌شون بسته به موقعیت فرق می‌کنه.



- در این جشنواره‌ها و موقعیت‌ها، پسرها هم مثل دخترها میکاپ می‌کنن و این میکاپ به صورت غلیظ استفاده می‌شه یا ساده؟  
بله قطعاً سبک آرایش دختر و پسر در کره‌ی جنوبی متفاوت، مثلاً دختری که از ریمل و فر مژه استفاده می‌کنن و از جزییات بیش‌تری برای آرایش‌شون استفاده می‌کنن، مسلماً اونا دخترن و آرایش‌شون نسبت به پسر کاملاً متفاوت. اما این آرایش و میکاپ در پسر شامل سایه پشت چشم، کرم‌های پودری و در کل سفید کننده مخصوص آرایش و تینت‌های لب می‌شه و گروه‌های پسر بسته به کمپانی‌ای که در اون فعالیت می‌کنن، آرایش‌های متفاوتی دارند، بعضی‌ها آرایش‌های غلیظ با جزییات بالا و در طرف مقابل بعضی تاحدودی نچرال دوست دارند، البته این سبک میکاپ بسته به کانسپتی که در حال حاضر در اون هستن هم بستگی داره.

- ممکنه از کانسپت‌ها برام مثال بزنی؟

مثلاً کانسپت بد بوی قطعاً میکاپ غلیظ‌تری داره، نسبت به کانسپتی که درباره‌ی درام لاو که چیزی مقابل با کانسپت بد بوی داره، پس این غلظت یا این لایت بودن آرایش‌شون خیلی در موقعیت‌های مختلفی در حال تغییر هست و توی بعضی از کمپانی‌ها این آرایش تاحدودی کم‌رنگ می‌شه، یعنی آیدول‌های اون کمپانی دارن به سمت نچرال بودن می‌رن و ترجیح می‌دن از آرایش کم‌تری نسبت به قبل استفاده کنند توی موزیک شوها توی برنامه‌های آخر سال‌ها و...».



«... من تو هالیوود و خواننده‌های غربی دیده بودم که پسر مثلاً بعضی وقتا یه ته میکاپی دارن یا لاک می‌زنن و این چیزا. تو اون زمانم که من فن رپ فارسی بودم، فکر کن آهنگ یه سری ریش و سیبیل‌دار (باخنده و شوخی) رو گوش می‌دادم، از نظرم خیلی کار مسخره‌ای بود و با خودم می‌گفتم که چرا پسر باید مثلاً لاک بزنه یا همیشه هری استایلز رو می‌دیدم که مثلاً تابوشکنی می‌کنه و با دامن و پیراهن عکس می‌اندازه، اما



خب همیشه برام عجیب بود. نه این که مثلاً بدم بیادا یا هیت بدم. فقط می‌گفتم خب مثلاً که چی. ولی بعد که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، دیدم که مثلاً میکاپ دارن، خیلی ارتباط برقرار کردم. نیست که کلاً صورتای نرم و قشنگی دارن، برای همین میکاپ خیلی بهشون می‌اومد و منم دیدم و دوست داشتم. یعنی وقتی فوتوشوت و عکساشون رو دیدم، نگفتم چه کاریه وا. خوشم اومد. موهاشون رو می‌دیدم، خیلی برام جالب بود که بیش‌ترشون موهاشون رو رنگ کردن و رنگای قشنگی هم می‌داشتن که خوشگلی‌شون رو صد برابر کرده بود. این چیزاشون از نظرم خیلی جالب و قشنگ بود یا مثلاً جدای از همه‌ی اینا، دنس گروهی‌ای که داشتن خیلی برام جدید بود».

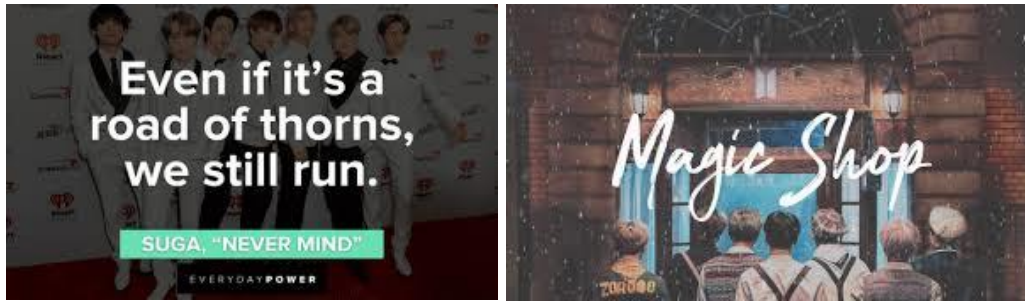


«- شب‌نم به نظر شما به طور کلی گروه بی‌تی‌اس چه تأثیراتی بر روی طرفدارانش داره و چرا این قدر محبوبه؟ این گروه‌ها به‌خاطر رقصاشون، تیپ‌هایی که می‌زنن، رنگ مو یا کیوت بودن‌شون، باعث می‌شه هواداراشون خیلی تحت تأثیر قرار بگیرن و خیلی رفتارای اونا رو تقلید کنن. بیش‌تر یعنی هشتاد درصد هواداران‌شون نوجوون هستند و محبوبیت‌شون بیش‌تر به خاطر رقص و هماهنگی و چهره و به خاطر اینه که به سه زبان می‌خونن. بعد یکی از چیزایی که خیلی برای هواداران مهمه اتحاد گروهه. به هیچ وجه دوست ندارن گروه از هم بپاشه».

### ۳-۳۱- تلاش در جهت ارایه محتوایی نسبتاً متفاوت

«- خب، داشتی از تفاوتای بی‌تی‌اس با گروه‌های دیگه می‌گفتی. یکیش محتواهای متفاوت‌شون بود... . یکیش محتوای متفاوت بود آره. یکی کیفیت موزیک ویدیوها که خیلی از کتابای فلسفی استفاده می‌کردن که خیلی جدید بود واقعاً تو موزیک ویدیوهای کی‌پاپ. مثلاً کی‌پاپ همیشه این جور بود که یه سری پسر دنبال یه دختری راه افتاده. بعد مثلاً پنج‌تا عضو داره گروه پنج‌تاشون عاشق اون دختره ان و هی براش می‌خونن. - آها... .

خیلی داستان عمیق و اینایی نبود، یه دعوای بین خود اعضای گروه رو مثلاً نشون می‌داد» (کوثر، ۲۵ ساله). برخی از مصاحبه‌شوندگان در توصیف دلایل علاقه‌مند شدن خویش به گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت، از محتواهای جذاب ارایه شده این گروه یاد کرده، خاطرنشان ساخته‌اند، محتواهای اخیر که مواردی نظیر: استفاده از برخی از مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی در آهنگ‌ها و مانند آن‌ها، عامل پیشی گرفتن گروه بی‌تی‌اس در گروه‌های کی‌پاپ کره و جا گذاشتن پاپ هالیوودی است و آنان بر مبنای همین دلایل، متوجه گروه کمپانی بیگ‌هیت شده‌اند.



ریحانه ۲۱ ساله، در مقایسه موسیقی هالیوودی و کی‌پاپ، موسیقی کی‌پاپ را به دلایل «محتوای عمیق فلسفی و روان‌شناختی»، «کاربری از اسطوره‌ها»، «پرداختن به مسایل جوانان» و مانند آن‌ها، یک موسیقی متفاوت و قابل توجه می‌داند. وی در همین رابطه بیان می‌داشت:

«- خوب ریحانه، کلاً دلیل این که خودت جذب کی‌پاپ شدی، چی بود؟»

راستش من از قبل به موسیقی‌های آمریکایی علاقه داشتم واقعاً. هنوزم دارم. ولی هیچ علاقه‌ای به موزیک ویدیوها و لیریک‌هاشون نداشتم. به نظرم اکثراً معنی‌های جالبی نداشتن و خیلی سطحی و بدون پیچیدگی و کانسپت خاصی به نظر می‌اومدن. بعد از این که چندتا کلیپ کوتاه از موزیک ویدیوهای کره‌ای دیدم، اول جذب فضای پر از تنوع و رنگ و موزیک ویدیوهای پر هزینه و چشم‌گیرشون شدم و این که توی همین موزیک ویدیوهای چند دقیقه‌ای، یک داستان و یک موضوع و چندین تئوری و تحلیل و عمق خوبی رو گنجونده بودن هم برام خیلی جذاب بود. چون به موزیک ویدیوهای بی‌محتوا و اکثراً جنسی و کم هزینه‌ی هالیوودی عادت کرده بودم و این مقدار از توجه روی محتواهاشون خیلی برام جدید و جالب بود و علاقه داشتم که ببینمشون، درباره‌شون بخونم و بدونم داستان پشت این صحنه‌ها و تصاویر و تحلیل‌هاش چیه. مورد بعدی هم محتوای آهنگ‌ها بود. متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس اکثراً از فضای آهنگای جنسی و عاشقانه و صرفاً بیس‌دار آمریکایی-اروپایی خیلی فاصله داشت و توی متن آهنگ‌ها، یک مفهوم فلسفی یا روان‌شناسی گنجونده شده بود. این از مهم‌ترین علت‌هایی بود که به بی‌تی‌اس جذب شدم.

چون متن آهنگ‌ها بسیار قوی بودن و روی یک خط داستانی و محتوایی خیلی منسجم و خوب پیش می‌رفتن و توی هر ارایه و دوره‌ای توی کار موسیقی‌شون، به یک محتوای عمیق می‌پرداختن، مثل جوانی، مشکلات نوجوون‌ها، مشکلات سیستم آموزشی، پذیرفتن خود، دوست داشتن خود و تمام ابعاد خودمون».



ریحانه در فرازی دیگر از «سوق یافتن موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس به سمت یک داستان یا فیلم» به عنوان یکی از نقاط قوت و درخشش این گروه و البته کمپانی آن یاد کرده است:

«- بیش‌تر موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس تئوری داره؟»

اکثراً تئوری‌ها و تحلیل‌های خاص خودشون رو دارن یا تئوری هستن، یعنی یک داستان و یک روایت خاص رو بیان می‌کنن که این، موزیک ویدیو رو به حالت یک فیلم و یک داستان شبیه می‌کنه تا جذابیت بیش‌تری به محتوا بده یا تحلیل هستن که به کانسپت کلی آلبوم برمی‌گردن...

در موزیک ویدیوی روز بهاری<sup>۱</sup>، با گنجوندن اسم اوملاس در قسمتی از طراحی صحنه، گریزی به اسم داستان «آنان که از خیر اوملاس گذشتند» زده شد و مخاطب به این شکل درباره‌ی داستان و مفهوم این محتوا کنجکاو شد. که این داستان هم البته تم فلسفی و آموزنده‌ی خاصی دارد یا مثلاً در تیزرهای آلبوم وینگز بود که با نوشته شدن قسمتی از متن داستان دمیان در تیزرها، به این کتاب فلسفی اشاره شد. قسمتی که درباره‌ی تولد دوباره‌ی درونی و فکری و تشبیه اون به متولد شدن یک جوجه از تخم بود.

آهنگ «مغازهی جادویی» از بی‌تی‌اس هم که اشاره‌ی مستقیم به کتاب مغازهی جادویی و تحلیل‌های این کتاب داشت. پس به طور کلی، این محتواها توسط بی‌تی‌اس معرفی شدن. حالا یا به طور مستقیم، یا به طور یک اشاره‌ی غیر مستقیم.

- گفتی که این‌ها بخشیش برای سرگرمی و جذب مخاطبه. می‌خواستم بدونم که چیزی هم بهتون یاد می‌ده؟ مثلاً چه موضوعاتی توی تئوری‌های بی‌تی‌اس بحث می‌شه؟

آره قطعاً چیزای آموزنده‌ای هم دارد. مثلاً برای من به شخصه، مثال می‌زنم، موزیک ویدیوی خون، عرق و اشک<sup>۲</sup>، باعث شد کنجکاو بشم که اطلاعات عمومی رو درباره‌ی الهه‌ها و افسانه‌های یونانی بالاتر ببرم تا متوجه بشم که بی‌تی‌اس با اشاره کردن به موضوعاتی مثل بال‌های ایکاروس<sup>۳</sup>، تلاش داشته تا چه مفهوم و درس اخلاقی‌ای رو به مخاطبش انتقال بده.



<sup>۱</sup> - روز بهاری (Spring Day) آهنگی از گروه بی‌تی‌اس است که در سال ۲۰۱۷ در آلبوم هرگز تنها راه نمی‌روی (You never walk alone) منتشر شد. این موزیک ویدیو با الهام از داستان کوتاه فلسفی «کسانی که از خیر املاس گذشتند» از اورسولا لو گوین و همچنین فیلم برف‌شکن (۲۰۱۳) از بونگ جون-هو ساخته شده است. این موزیک ویدیوی پنج دقیقه‌ای، حاوی نمادگرایی گسترده است و به مفهوم «مرگ، زندگی پس از مرگ و خاتمه» می‌پردازد. بسیاری از طرفداران و نشریات رسانه‌ای، این موزیک ویدیو را به فاجعه کشتی سوول مرتبط دانستند که در ۱۶ آوریل ۲۰۱۴ اتفاق افتاد و به مفقود شدن و مرگ بیش از ۳۰۰ دانش‌آموز انجامید. آر‌ام لیدر گروه بی‌تی‌اس در این باره می‌گوید که ویدیو بر بازنمایی تصویری متن ترانه تمرکز دارد و می‌توان تفسیرهای مختلفی از آن کرد.

<sup>۲</sup> - خون، عرق و اشک (Blood Sweat & Tears) نام یکی از آهنگ‌های معروف گروه بی‌تی‌اس است که در سال ۲۰۱۶ در آلبوم بال‌ها (Wings) منتشر شد.

<sup>۳</sup> - ایکاروس نام شخصیتی افسانه‌ای در اساطیر یونانی است او پسر دایدالوس مخترع هزارتو بود. او به همراه پدر تصمیم گرفت از زندان مینوس به کرت بگریزد پدرش برای او بال‌هایی از جنس موم و پر ساخت تا با آنها بگریزد. پدر به او توصیه نمود تا از تکبر و از خود راضی بودن پرهیزد و پس از آن از پرواز در ارتفاع خیلی پایین و خیلی بالا دوری کند. با این وجود او به توصیه پدر گوش نکرد و به خورشید نزدیک شد، موم‌ها آب شدند و بال‌ها جدا گشت و به دریا افتاد. این دریا به نام او ایکاریا نامیده می‌شود. عده‌ای خورشید را منبع آگاهی می‌دانند و سقوط ایکاروس به دریا را سمبل تلاش برای دست یابی به آگاهی زیادتیر از حد مجاز می‌پندارند. البته مقدونیان نیز به عطارد ایکارس می‌گفتند چون به خورشید نزدیک و گرم و سوزان بود.

یا به خاطر بهتر متوجه شدن تیزرهای آلبوم وینگز<sup>۱</sup> بود که مشتاق به مطالعه‌ی یک‌سری کتاب‌های فلسفی مثل *دمیان*<sup>۲</sup> شدم و داستان‌هایی مثل *دمیان*، آنان که از خیر اوملاس گذشتند<sup>۳</sup>، نقشه‌ی روح<sup>۴</sup>، بادام<sup>۵</sup> و مغازه‌ی جادویی<sup>۶</sup>، مثال‌هایی از کتاب‌هایی هستن که به خاطر همین تحلیل‌ها و معرفی‌های اعضای بی‌تی‌اس، مشتاق به خوندن‌شون شدم و البته مطالعه همیشه بازخورد مثبت و یادگیری مفیدی هم به دنبال خودش قطعاً داره».



ریحانه ۱۷ ساله (که مصاحبه شونده دیگری است)، در مصاحبه خود به این معنا اشاره دارد که کمپانی در کنار تبلیغات گسترده، با افزایش جذابیت محتوایی که توسط گروه موسیقی خویش ارایه می‌کند، این گروه را بیش از پیش در منظر مخاطبان مطرح می‌سازد:

«- عزیزم من دقیقاً نتونستم متوجه بشم چرا این‌ها رو منتشر می‌کنن، یعنی مفهوم خاصی رو می‌خوان برسونن؟

کلاً هر کدوم از موزیک ویدیوها پشت‌شون کلی تئوری و فالانه. هر چیزی اونجا استفاده شده و هر اکسسوری‌ای، یه معنی‌ای قطعاً این وسط هست که خب حالا بعضی از آرمیا یه سری دیدگاه خاص خودشون رو دارن، یعنی تئوریا خیلی متفاوت، مثلاً توی موزیک «فیلم اوت» می‌گن که بچه‌ها توی دنیای موازین و جین داره کاری می‌کنه و حالا داره دنبال‌شون می‌گرده و اینا، ولی کلاً هر چیزی پشتش یه مفهومی داره و شاید ما درست نفهمیم و فقط یه حدسایی می‌زنن.

- یعنی می‌خوان یه پیامی بفرستن؟

۱ - بال‌ها (Wings) دومین آلبوم استودیویی گروه بی‌تی‌اس است که در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۶ منتشر شد و شامل ۱۵ ترانه است. تک‌آهنگ اصلی این آلبوم «خون عرق و اشک» نام دارد.

۲ - *دمیان* (به آلمانی: *Demian*) نام یک کتاب ادبی است که توسط هرمان هسه، نویسنده‌ی اهل آلمان نوشته شده‌است. این کتاب یکی از آثار مشهور ادبی جهان است.

۳ - کسانی که از خیر اُملاس گذشتند (*The Ones Who Walk Away from Omelas*) داستانی کوتاه از اُرسولا لو گوین است که در سال ۱۹۷۳ برای اولین بار منتشر شد. یک داستان فلسفی است که از طرح داستانی بسیار ساده و توضیحات انتزاعی از شخصیت‌ها تشکیل شده‌است؛ تأکید راوی بر یک آرمان‌شهری با نام اُملاس (*Omelas*) و شهروندان آن است. این داستان در سال ۱۹۷۴، نامزد دریافت جایزه لوکس و برنده‌ی جایزه هوگو برای بهترین داستان کوتاه سال شد.

۴ - نقشه‌ی روح (*Map of the soul*) کتابی از فیلسوف معروف کارل یونگ است. گروه بی‌تی‌اس آلبوم موسیقی خود به نام نقشه‌ی روح: پرسونا (*Map of the soul: Persona*) را بر اساس این کتاب تولید کردند.

۵ - بادام (*Almond*) کتاب رمانی به نویسندگی سون وون‌پیونگ است. رمان درم ورد پسر نوجوانی است که به بیماری آلکسی‌تیمیا مبتلا است.

۶ - کتاب مغازه‌ی جادویی (*In to the Magic shop*) کتابی به نویسندگی دکتر جمیز. آر. دوتی است. در کتاب مغازه جادویی اثر جمیز آر دوتی، از زمان کودکی‌اش و آشنایی او با مغازه جادویی، تا زمانی که به یک جراح مغز و اعصاب بزرگ تبدیل می‌شود همراه هستیم. گروه بی‌تی‌اس یکی از ترک‌های خود را به اسم Magic shop یا همان مغازه جادویی را از این کتاب الهام گرفته‌اند و خوانده‌اند. جملاتی که در این موزیک گفته می‌شود بسیار نزدیک به جملات متن کتاب مغازه جادویی نیز هست. این گروه پس از انتشار این موزیک به طرفداران خود خواندن کتاب مغازه جادویی را پیشنهاد می‌کند، پس از مطرح کردن این موضوع فروش کتاب مغازه جادویی به طرز چشم‌گیری چند برابر می‌شود. به همین خاطر است که این کتاب را به نام کتاب مغازه جادویی BTS نیز می‌شناسند.

آره دیگه، مثلاً توی متن آهنگاشون هم پیام می‌فرستن برای طرفداراشون مثلاً توی «نو مور دریم» می‌گه راه خودت رو برو، حتی اگه یه روز برای زندگی داری و ضعفات رو بذار کنار که خب بهمون انگیزه می‌ده که تلاش کنیم برای زندگی خودمون و حال مون رو خوب می‌کنه.»

«... موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس هم متفاوت. به این معنا که بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که اومد، از استوری‌لاین<sup>۱</sup> خیلی دیپ و عمیقی تو موزیک ویدیوهاش استفاده کرد. به این صورت که مثلاً توی یه سال موزیک ویدیویی که می‌داد، به هم ربط داشتن. یعنی مثلاً یه حالت داستان طور بود که طرف منتظر بود که ببینه بقیه‌اش چی می‌شه و بالاخره پیام اصلی رو می‌داد که اون پیامه هم معمولاً یه پیام خیلی مفهومی و عمیق بود. بعد کاراکترسازی می‌کرد توی موزیک ویدیوهاش. از کتابای فلسفی استفاده می‌کردن تو موزیک ویدیوهاشون.

البته باید بگم که این کار هم بعد از این که بی‌تی‌اس معروف شد، تقریباً توسط خیلی از خواننده‌هایی که خب دیگه الان دارن این کار رو می‌کنن، کپی برداری شد که دیگه واقعاً به نظر من لوس شده.

– چه طور از کتاب‌های فلسفی در موزیک ویدیوهاشون سود می‌برن؟

مثلاً یه موزیک ویدیو دارن اسمش خون، عرق و اشک‌ها<sup>۲</sup> هست.



که این آلبوم رو کلاً از روی کتاب دمیان ساختن. بعد این کتاب خیلی کتاب دیپ و عمیق و سنگینه. بعد اومده بود از کاراکترای این داستان استفاده کرده بود توی موزیک ویدیوها و این، اصلاً سر همین موزیک ویدیو شد، سر همین آلبوم شد که یهو اصلاً بی‌تی‌اس ترکوند. سر آلبوم وینگز<sup>۳</sup>، اسم آلبومش وینگز بود، بال‌ها. سر آلبوم وینگز وحشتناک تو چارتای جهانی ترکوند آلبوم و بعد تو کره معروف شد و بعد دیگه همین جور رشد صعودی معروف شدن شون ادامه داشت. و خب تا دو، سه سال بعد از این همین جوری موزیک ویدیوهای مفهومی و معنی‌دارشون ادامه داشت و تو کی‌پاپ گروه دیگه‌ای این طوری نبود، واقعاً نبود.



<sup>۱</sup> – داستان پس‌زمینه‌ی یک آهنگ یا فیلم یا هر محتوای دیگر.

<sup>۲</sup> – blood, Sweat and tears

<sup>۳</sup> – wings



- می‌توننی مثالی بیش‌تری بزنی از این محتواهای متفاوت؟

مثلاً یه سری موزیک ویدیو داشتن، فک کن این آلبومه رو مثلاً تو دو سال دادن، اسم آلبوم‌شون HYYH یک و دو که اول، حالا اسم کره‌ایشه، ولی معنی انگلیسیش می‌شه <sup>1</sup>The most beautiful moment in life. یه همچین چیزی. حالا دقیق چیزش یادم نیست ولی همین بود. دوتا آلبوم بود. بعد موزیک ویدیوهای این آلبوم مثلاً در مورد هفت تا کاراکتر بود که با همدیگه دوست بودن و هرکدوم یه زندگی ای داشتن. بعد مثلاً یکی‌شون باباش یا ناپدریش خواهرش رو اذیت می‌کرده، بعد این مثلاً درگیر همچین جریانی بوده و یه روز دعوای خیلی شدیدی با ناپدریش می‌کنه، بعد مثلاً با یه اوضاع خیلی آشفته‌ای میاد بیرون، بعد مثلاً تلفن رو برمی‌داره و زنگ می‌زنه به دوستش که یکی دیگه از اعضای گروهه.



- اوهوم.

خب؟ این رو مثلاً اینجا داشته باش. بعد، یکی دیگه از اعضا‌شون نشون می‌ده که توی وان و مثلاً دوش آب همه‌چیز بازه و خب این مثلاً نشون‌دهنده‌ی اینه که این طرف مثلاً افکار خودکشی داره.

- اوهوم.

میاد درگیری این رو مثلاً نشون می‌ده. خب این چیزا واقعاً تو کی‌پاپ نبود. یعنی می‌خوام بگم اصلاً می‌ترسیدن هنرمندای کی‌پاپ که تا قبل از این بخوان، یا اگر هم بوده، اون قدری خوب کار نشده بود...

- می‌ترسیدن که پذیرفته نشه از طرف مردم؟

آره، مردم نخوان.

- مردم کره یا مردم جهان؟

کره. چون مثلاً کی‌پاپ اصلاً تا قبل از بی‌تی‌اس تو جهان معروف نبود. خیلی کم. طرفدارای خیلی کمی داشت. بیش‌تر هم توی آسیا بودن طرفدارای مثلاً ایرانی یا مثلاً کشورای چیز. یا مثلاً یه کاراکتر دیگه‌شون نشون می‌ده که توی اتاقشه و اتاقش داره آتیش می‌گیره. بعد این صحنه‌ها رو داری و بعد تو موزیک ویدیوی بعدی نشون می‌ده که اصلاً چی شده. مثلاً نشون می‌ده که اصلاً چه اتفاقی افتاده که طرف خودش اتاق خودش رو آتیش زده. نشون می‌ده که قبلاً توی بیمارستان روانی بوده یا اون یکی که تو وان آب بوده، توی موزیک ویدیوی دو سال بعدشون داستانش رو میاد نشون می‌ده که مثلاً یه اتفاقی افتاد که اصلاً این وان نشون‌دهنده‌ی افکار این طرف بوده نه این که واقعاً توی وان

بوده و حالا خیلی چیزای، خیلی ابعاد فلسفی طور چی می‌گن، رضایت بخشی داره برای بیننده. در حالی که مثلاً از اول بشینی اینا رو نگاه کنی اون طوری که این داستانا تو ذهنت به هم متصل می‌شن خیلی موسیقی‌ای رو که داری می‌شنوی برات لذت‌بخش می‌کنه.

- بعد یه حس تعلیق هم داره که مثلاً این موزیک ویدیو در طول سالیان داره پخش می‌شه و تو هر دفعه بیش‌تر، یعنی تو رو درگیر خودش می‌کنه.

مثل یه سریالی که تو منتظر فصل بعدیشی و مثلاً جای حساس تموم شده و خب اصلاً این یه دلیل دیگه‌اش هم همینیه دیگه. اون ارتباطی که تو با سریال برقرار می‌کنی با فیلم نمی‌تونی برقرار بکنی. چون خیلی طولانی‌تره و خیلی بیش‌تر درگیرت می‌کنه.

ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از ارایه آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس که همچون یک پازل در کنار هم قرار گرفته، همدیگر را کامل می‌کنند، یاد کرده است:

«- چپتر رو دقیق توضیح می‌دی؟»

دقیق نمی‌دونم چه طوری می‌تونم تعریفش کنم، اما یه توضیح می‌دم در موردش امیدوارم که متوجه بشی. چپتر مثل فصل می‌مونه. مثلاً یه فصل کاری. انگار که وقتی وارد یه چپتر می‌شن، وارد فصل جدیدی از یه کار شدن. مثل مدرسه، فکر کن از کلاس اول بری کلاس دوم. یه کم ارتقاء پیدا می‌کنی، چپتر اول با آلبوم خودت رو دوست داشته باش، در سال ۲۰۱۸ شروع شد که اعضاء در مورد آینده و گذشته‌ای که باهم و در کنار هم سر کردن ترانه می‌نویسن و می‌خونن. با انتشار آلبوم پروف راه برای ورود به چپتر دوم را باز کردن، تو چپتر دوم با آلبوم‌های سولو و سینگل‌های سولو از زندگی شخصی‌شون و سختی‌هایی که تو دوره گذشته برای شخص خودشون پیش اومده، ترانه می‌نویسن و می‌خونن، درست مثل تیکه‌های پازل که کنار هم پیچیده می‌شه یه بخش کوچیک از زندگی‌شون رو تو یه آهنگ می‌گن و بخش‌های دیگه تو آهنگ‌های دیگه و تو با هر بار شنیدن آهنگ جدید مشتاقانه منتظر کارهای بعدی‌شون می‌مونی. بی‌تی‌اس تنها گروه کی‌پاپ هست که این داستان فصل رو شروع کرده، بعد از بی‌تی‌اس خیلی کمپانی‌های دیگه خواستن این کار رو با آیدول‌شون بکنن و یک گروه مثل بی‌تی‌اس که باهم در این حد سازگار و بتونن با آهنگ‌هاشون با مخاطب صحبت کنن، اما نتونستن چون کسی به اندازه بی‌تی‌اس خوب برنامه‌ریزی نمی‌تونه بکنه، بی‌تی‌اس جووری نشون می‌دن که اگه تو گذشته این سختی‌ها رو نمی‌کشیدم یا حتی اگر سختی‌های گذشته رو فراموش می‌کردم، قطعاً به اینجا نمی‌رسیدم».



مهرتاب ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، برخی از اعضای گروه بی‌تی‌اس نظیر نامجون و شوگا، در جریان تهیه و تدوین متن برخی از آهنگ‌های گروه، با توجه به سوابق مطالعات فلسفی و روان‌شناختی خویش و یا استناد به منابعی مانند کتاب «نقشه روح یونگ»، به این کار مبادرت می‌ورزند.

«چیزی که من رو به خودش جذب کرد، اول از همه پرفورمنس‌ها و کنسرت‌هاشون بود و این شوری که توی کنسرت‌هاشون وجود داره و چیز دومی که من رو به خودش جذب کرد، پیامی بود که با آهنگ‌هاشون می‌خواستند برسوند و می‌رسوند.

- چه پیام یا پیام‌هایی؟

اول این که اعضای بی‌تی‌اس خودشون معمولاً کار لیریک<sup>۱</sup> (محتوای آهنگ) نوشتن و آهنگ سازی رو انجام می‌دن. این باعث می‌شه که از تجربیات جوونی و نوجوونی خودشون بنویسن که خود این مسأله باعث می‌شه که نوجوان‌ها بتونن باهاش و با پیامی که آهنگ می‌خواد برسونه، ارتباط برقرار کنند. مثل شوگا<sup>۲</sup> که توی یکی از آهنگاش که اسمش د لست<sup>۳</sup> بود، از مشکلاتی که توی نوجوونی داشته می‌گه که ممکنه خیلی از نوجوونا با شنیدن اون تجربیات حس بهتری در مورد خودشون بگیرن. همین آهنگ یکی از آهنگ‌های مورد علاقه خود منه. چون می‌دونید، یه حالت همذات پنداری آدم پیدا می‌کنه، چون مشکلاتی که بهش اشاره می‌شه، می‌تونه مشکلات تو هم باشه. حداقل برای من بود. یه مورد دیگه‌ای هم که هست، اینه که بی‌تی‌اس سطح کاراش عمیق‌تر از بقیه‌ی گروه‌ها هست یا شاید بتونم بگم گسترده‌تره. اونا از فیلم‌ها و کتاب‌ها برای کاراشون الهام می‌گیرن و از نمادهای مختلفی استفاده می‌کنن. حتی نامجون<sup>۴</sup> و شوگا مطالعه‌ی روان‌شناسی و فلسفی دارن و از اون برای نوشتن متن آهنگ‌ها استفاده می‌کنن. مثلاً برای آلبوم مپ اف د سول<sup>۵</sup> (نقشه‌ی روح) از کتاب نقشه‌ی روح یونگ استفاده کردن. به خاطر همین می‌گم، پیامی که می‌رسون، باعث می‌شه ما بشینیم و به مفهومی که اون آهنگ‌شون داره فکر کنیم که معمولاً این مفهوم در مورد دوست داشتن خود، امید به زندگی و این چیزها هست.

این‌ها مفاهیم مهمی هستن که به نظر من اتفاقاً توی جامعه امروز در جهان، چه توی غرب یا توی همین ایران، لازمه بهشون توجه بشه، چون که امید نداشتن یا خشم و تنفر چیزهایی هستن که در روزگار جدید، خیلی زیاد شدن و همین باعث بالا رفتن آمار جرم و جنایت و خشونت و بیماری‌های روانی می‌شه. در این مورد می‌شه به آهنگ لایف گووز آن<sup>۶</sup> (زندگی جریان دارد) اشاره کرد، پیام پشت این آهنگ اینه که زندگی هیچ وقت برای ما صبر نمی‌کنه و همیشه ادامه داره، حتی تو شرایط سخت، زندگی ادامه داره و ما باید حتی وقتی احساس ناامیدی و غم داریم، برای آینده تلاش کنیم.

پیام پشت آهنگ باتر (کره) هم اینه که تو شرایط سخت زندگی، مثل کره نرم و شکننده نباشیم و در برابر مشکلات زود نشکنیم و کم نیاریم.



1- lyric

2- Suga

3- The last

4- Kim Namjoon

5- Map of the soul

6- Life goes on

آلبوم لاو یورسلف<sup>۱</sup> (خودت رو دوست داشته باش) هم که پیامش دوست داشتن خودمونه و این پیام اصلی گروه بی‌تی‌اس هم هست که همیشه و همه جا اون رو گفته. یعنی این که خودمون رو به همون شکلی که هستیم دوست داشته باشیم و به خاطر بقیه خود واقعی خودمون رو عوض نکنیم».

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان ساخته است که در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، حتی مفاهیمی از انجیل مسیحیان مورد استفاده قرار گرفته اند. وی در همین ارتباط می‌گوید:

«این که می‌گی بی‌تی‌اس توی آهنگاشون از کلمات انجیل استفاده می‌کنن، چرا برای شما جالبه؟

خب چون می‌گن که دین صلح و محبتیه دیگه. بعد جملاتی که من شنیدم که از انجیل به کار می‌برن، همه‌اش جملات مثبتیه.

– می‌شه چندتااش رو که یادت میاد رو بگی؟

مثلاً این که تلافی نکن. جواب بدی رو با بدی نده. به همه محبت کن».



دیبای ۱۵ ساله و ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌هایشان از توجه محتوای آهنگ‌های گروه نسبت به مسایل جوانان به شرح زیر یاد کرده اند:

«... اولین آهنگ‌های بی‌تی‌اس مثل نو مور دریم<sup>۲</sup> کلاً درباره مدرسه بود، مثلاً موزیک ویدیوش هم توی یه اتوبوس مدرسه بود و همه اعضاء یه حالت گنگی داشتن و انگار به زور فرستادن شون به مدرسه. نسلی که به این کانسپت هم جذب شدن با این موضوعات خودشون دست و پنجه نرم می‌کردن و یه جورهایی با این موضوعاتی که توی آهنگ خوانده می‌شد خو گرفتن».

«... حتی موزیک‌های غمگین هم می‌تونن با اون وجهه‌ی عمیق و شاید غمگین و احساسی با مخاطب ارتباط برقرار کنن و این حس رو ایجاد کنن که شخص داره حرف‌های درونی خودش رو می‌شنوه. تنها نیست و کسانی هستن که این درد رو چشیدن و اون رو ابراز می‌کنن».

<sup>1</sup>- Love yourself

<sup>2</sup>- No More Dream (2013)

برای مثال، موسیقی‌های سولو از عضو گروه بی‌تی‌اس، مین یونگی<sup>۱</sup>، مثل د لست<sup>۲</sup>، گویای مشکلات روحی و چالش‌های فکری‌ای هستند که هر نوجوون و جوونی ممکنه اونا رو تجربه کنه و حس کنه تنه‌است، شنیده نمی‌شه و درک نمی‌شه. اما شنیدن این موسیقی، می‌تونه برای شخص امیدبخش باشه. «خواننده‌ی محبوبیم از این چالش فکری به سلامتی گذر کرده. پس من هم می‌تونم».



مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از محتوای عمیق آهنگ‌های پسران بی‌تی‌اس دال بر مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات به قرار زیر یاد کرده است:

«... چیزی که من رو به خودش جذب کرد، اول از همه پرفورمنس‌ها و کنسرت‌هاشون بود و این شوری که توی کنسرت‌هاشون وجود داره و چیز دومی که من رو به خودش جذب کرد، پیامی بود که با آهنگ‌هاشون می‌خواستند برسوند و می‌رسوند. - چه پیام یا پیام‌هایی؟»

اول این که اعضای بی‌تی‌اس خودشون معمولاً کار لیریک<sup>۳</sup> (محتوای آهنگ) نوشتن و آهنگ سازی رو انجام می‌دن. این باعث می‌شه که از تجربیات جوونی و نوجوونی خودشون بنویسن که خود این مسأله باعث می‌شه که نوجوان‌ها بتونن باهاش و با پیامی که آهنگ می‌خواد برسونه، ارتباط برقرار کنند. مثل شوگا<sup>۴</sup> که توی یکی از آهنگاش که اسمش د لست<sup>۵</sup> بود، از مشکلاتی که توی نوجوونی داشته می‌گه که ممکنه خیلی از نوجوونا با شنیدن اون تجربیات حس بهتری در مورد خودشون بگیرن. همین آهنگ یکی از آهنگ‌های مورد علاقه خود منه. چون می‌دونید، یه حالت هم‌ذات‌پنداری آدم پیدا می‌کنه، چون مشکلاتی که بهش اشاره می‌شه، می‌تونه مشکلات تو هم باشه. حداقل برای من بود.

<sup>۲</sup> - مین یونگی (Min Yoongi) که با نام‌های هنری شوگا (Suga) و آگوست دی (Agust D) شناخته می‌شود، رپر، ترانه‌سرا و تهیه‌کننده موسیقی اهل کره‌ی جنوبی است. او در سال ۲۰۱۳، به‌عنوان عضوی از گروه پسرانه‌ی کره‌ای بی‌تی‌اس، تحت نظر کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت آغاز به کار کرد. در سال ۲۰۱۶، نخستین میکس‌تیپ انفرادی خود را با عنوان آگوست دی، منتشر کرد. او ترانه‌سرا و تهیه‌کننده‌ی موسیقی بسیاری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس است.

<sup>۳</sup> - آهنگ «The Last» از آلبوم میکس‌تیپ شوگا (مین یونگی) رپر گروه بی‌تی‌اس به نام (Agust D) است که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد. متن این آهنگ در مورد سختی‌ها و چالش‌های زندگی این رپر قبل از موفقیت است.

<sup>3</sup> - lyric

<sup>4</sup> - Suga

<sup>5</sup> - The last





یه مورد دیگه‌ای هم که هست، اینه که بی‌تی‌اس سطح کاراش عمیق‌تر از بقیه‌ی گروه‌ها هست یا شاید بتونم بگم گسترده‌تره. اونا از فیلم‌ها و کتاب‌ها برای کاراشون الهام می‌گیرن و از نمادهای مختلفی استفاده می‌کنن. حتی نامجون<sup>۱</sup> و شوگا مطالعه‌ی روان‌شناسی و فلسفی دارن و از اون برای نوشتن متن آهنگ‌ها استفاده می‌کنن. مثلاً برای آلبوم مپ اف د سول<sup>۲</sup> (نقشه‌ی روح) از کتاب نقشه‌ی روح یونگ استفاده کردن. به خاطر همین می‌گم، پیامی که می‌رسونن، باعث می‌شه ما بشینیم و به مفهومی که اون آهنگ‌شون داره فکر کنیم که معمولاً این مفهوم در مورد دوست داشتن خود، امید به زندگی و این چیزها هست.



این‌ها مفاهیم مهمی هستند که به نظر من اتفاقاً توی جامعه امروز در جهان، چه توی غرب یا توی همین ایران، لازمه بهشون توجه بشه، چون که امید نداشتن یا خشم و تنفر چیزهایی هستند که در روزگار جدید، خیلی زیاد شدن و همین باعث بالا رفتن آمار جرم و جنایت و خشونت و بیماری‌های روانی می‌شه. در این مورد می‌شه به آهنگ لایف گووز آن<sup>۳</sup> (زندگی جریان دارد) اشاره کرد، پیام پشت این آهنگ اینه که زندگی هیچ وقت برای ما صبر نمی‌کنه و همیشه ادامه داره، حتی تو شرایط سخت، زندگی ادامه داره و ما باید حتی وقتی احساس ناامیدی و غم داریم، برای آینده تلاش کنیم.

1- Kim Namjoon

2- Map of the soul

3- Life goes on



پیام پشت آهنگ باتر<sup>۱</sup> (کره) هم اینه که تو شرایط سخت زندگی، مثل کره نرم و شکننده باشیم و در برابر مشکلات زود نشکنیم و کم نیاریم. آلبوم لاو یورسلف<sup>۲</sup> (خودت رو دوست داشته باش) هم که پیامش دوست داشتن خودمونه و این پیام اصلی گروه بی‌تی‌اس هم هست که همیشه و همه جا اون رو گفته. یعنی این که خودمون رو به همون شکلی که هستیم دوست داشته باشیم و به خاطر بقیه خود واقعی خودمون رو عوض نکنیم».



سحر ۱۵ ساله، در گزارش خود از رویکرد شاد و ضد دلمردگی آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس به شرح زیر یاد کرده است: «... کلاً جامعه‌ی آمریکا رو نمی‌تونم با جامعه کره مقایسه کنی، حالا هر چه قدم جامعه مزخرفی (باخته) داشته باشه آمریکا، ولی نسبتاً بازتره دیگه. خیلی بازتره.

– نسبت به ظاهر گیر نمی‌دن، مثل کره‌ای‌ها؟

چرا بابا. مخصوصاً تو مدلینگ. ولی خب مدل مشخصه دیگه باید لاغر باشه. رژیم سخت بگیره متأسفانه. ولی در مورد آیدول‌هاشون کم‌تر. هستا. مثلاً فکر می‌کنم آریانا<sup>۳</sup> یا لیدی گاگا<sup>۴</sup> بود. که اومد گفت ما رو مجبور می‌کردن رژیم بگیریم. لباس آن چنانی بپوشیم. ولی می‌دونی چیه دیگه. کمه. تعدادشون کمه».

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش بیان داشته است که استفاده گاه‌گاهی اعضای گروه از لباس‌های سنتی کره، امر بدیعی است، پرنیاز ۱۸ ساله نیز از تلاش اعضای گروه در مورد جنسیت‌زدایی از پوشش یاد کرده است که در جریان اجراهای گروه بی‌تی‌اس، در عمل به نمایش در می‌آیند: «... استایلی که تا سه، چهار سال پیش توی موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس بود، همه‌اش از استایلی جدید و بروز امروزی بود و از برندهای جهانی معروف استفاده می‌کردن، اما جدیداً لباس‌های جدیدی اضافه شده که بهش می‌گن هامبوک مدرن، همون طور که می‌دونی هامبوک

<sup>۱</sup>- butter

<sup>۲</sup>- Love yourself

<sup>۱</sup> – آریانا گراند خواننده، ترانه نویس و بازیگر آمریکایی متولد ۱۹۹۳ است.

<sup>۲</sup> – لیدی گاگا خواننده، ترانه‌نویس و بازیگر آمریکایی است. او برای بازآفرینی در تصویر عمومی خود و تنوع‌پذیری در خلق موسیقی معروف است. استایل‌های جشنواره‌های او اغلب جنجال برانگیز بوده است.

لباس سنتی کره هست، از همون پیراهن‌ها یا مثلاً بلیزهای مردونه و شلوارهای گشاد یا پیرهن‌های بلند که برای زن‌ها هست و جدیداً مدرنش کردن و ازش استفاده می‌کنن تو موزیک ویدیوهاشون و یک نوع تلفیق حتی تو آهنگ دچیتا هم شوگا لباس سنتی مشکی پوشیده». - عزیزم نظرت درباره سبک لباس‌های این گروه و آرایش پسرها چیه؟

سبک لباس اعضاء رو من به شخصه خودم خیلی دوست دارم که هر کدوم از اعضاء سبک‌های متفاوتی دارن، برای لباس پوشیدن مثلاً تهیونگ سبک لباسی که داره، کلاسیک هست پسریم بیش‌تر سبک لباس کلاسیک رو دوست داره و جونگ‌کوک، می‌شه گفت سبک لباسی که داره بیش‌تر طبق مد روز هست، چه جوری بگم شاید بشه گفت نزدیک به سبک لش خودمون، استایل خفن می‌زنه و رنگ لباس‌هاش اکثراً مشکیه و جیهوپ اکثراً لباس‌هایی می‌پوشه که رنگ‌های روشن و مایل به جیغ هستن و سبک آرایشی که دارن از نظر من می‌تونم بگم سبک خاصی نداره، چون به خاطر موزیک ویدیوهاشون یا کنسرت‌هاشون اعضاء آرایش انجام می‌دن، اکثراً هم خیلی کم رنگ و لایته، یعنی اون جوری خیلی غلیظ و ضایع نیست به نظرم، صرفاً این آرایش لایت برای اینه که صورت‌شون به قول خودمون روح بگیره برای کنسرت و موزیک ویدیو و سبک لباس‌هاشون هم توی کنسرت یا هر جایی که می‌خوان برن متناسب با اونجا هست، مثلاً وقتی اعضاء می‌خواستن برن کنسرت بلک سو آن، اگه دیده باشین، همه اعضاء سبک لباسی که دارن سیاه هست و پر داره، اونا با توجه به معنی آهنگ‌هاشون و سبک موسیقی که دارن لباس می‌پوشن و یه نکته که جالب هست، اعضاء در رابطه با جنسیت‌زدایی از لباس‌ها اقدام می‌کنن، مثلاً توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت جدا کرد و کلاً هر کدوم از اعضاء سبک لباس خودشون رو دارن و حتی اینم بگم که اعضاء همه رنگ رو می‌پوشن و این طوری نیست که بگن چون لباس صورتیه و دخترونه هس، نمی‌شه اون رو پوشید و این رو توی جاهای مختلف با کارهاشون نشون دادن.



### ۳-۳۲- تنوع موضوعی موسیقی بی‌تی‌اس

«آهنگ‌های متنوع بی‌تی‌اس» مورد دیگری بود که افراد زیادی از جمعیت تحقیق بدان اشاره داشتند. مهتاب ۱۸ ساله و احسان ۱۷ ساله، در گزارش‌های خودشان با تأکید بر این که خالق آهنگ‌های بی‌تی‌اس، افراد خود گروه هستند، از اصالت کار آنان یاد کرده اند:

«چه چیزی در بی‌تی‌اس هست که باعث شد شما هوادار این گروه بشید؟»

راستش چیزی که درباره بی‌تی‌اس خیلی توجه من رو به خودش جلب کرد و باعث شد که من طرفدارشون بشم، یکی این که حس خیلی خوبی از آهنگ‌شون می‌گیرم و بهم به انرژی مثبت می‌دن و چیز دیگه هم یا در واقع برتری‌ای که این‌ها نسبت به گروه‌های دیگر کی‌پاپ دارن، اینه که اینا از صفر تا صد آهنگ‌هاشون و پرفورمنس‌هاشون همه مال خودشونه و به اصطلاح اصالت داره، به نظرم خیلی نکته مهمیه درباره‌ی گروه

وقتی شما بدونی که متن یا رقص یا هر چیز دیگه‌ای از این گروه مال خودش نیست و اعضای این گروه اون رو خلق نکردن و از طرف کمپانی یا چیز دیگه‌ای بهشون داده می‌شه زیاد خوشش نیامد. دیگه چه ارزشی داره؟ پس آدم باید بره طرفدار اون کمپانی بشه نه این گروه».

«- چه طور آهنگ‌هاشون دلنشینه؟

بین گروه بی‌تی‌اس بر تمام فرایند موسیقی از اول تا آخر نظارت دارند. اون‌ها نه تنها متن آهنگ‌ها رو خودشون از بین مشکلات و دغدغه‌های عمومی کل مردم دنیا و یا شادی‌های عمومی همه جوانان و مردم می‌نویسند، بلکه آن‌ها رو خودشون تولید می‌کنن و اجرا می‌کنند. در نتیجه چون خودشون خالق آهنگ‌هاشون هستند، به راحتی با آهنگ‌ها خیلی عمیق و احساسی ارتباط برقرار می‌کنن و این حس و حال‌شون از دید تماشاچیان و هواداران پنهان نمی‌مونه و به اون‌ها نیز منتقل می‌شه».

ریحانه ۲۱ ساله و سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های جدای خود، از بیان دغدغه‌های شخصی و اجتماعی افراد در موسیقی بی‌تی‌اس یاد کرده، آن را امری ارزشمند برشمردند:

«در هر دوره‌ی کاری و در هر آلبوم، یک کانسپت<sup>۱</sup> کلی انتخاب می‌شه و برای بی‌تی‌اس، در اکثر مواقع، این کانسپت‌ها درباره‌ی شناخت شخصیتی و مفاهیم روان‌شناسی و رشد شخصیتی و اجتماعی هستن. مثلاً آهنگ بلک سوان یا قوی سیاه<sup>۲</sup> که درباره‌ی دغدغه‌های اعضا و گروه بی‌تی‌اس درباره‌ی خوانندگی و آینده‌ی کاری و مشکلات شهرت و قسمت‌های تاریک این شهرت و محبوبیت هست.



یا سینگل ترک پر میشن تو دنس<sup>۳</sup> که با تأثیر از شرایط جامعه، درباره‌ی انرژی بخشیدن به افراد در دوره‌ی قرنطینه و کرونا بود و همین طور از مشاغلی که از کرونا آسیب دیدن و همچنین افراد ناشنوا هم حمایت می‌کرد.

ترکیبی از دغدغه‌های اجتماعی و شخصی هر کدام از اعضا و همچنین کل گروه و حتی گروهی کلی از مردم مثل نوجوانان یا دانش‌آموزان، مفاهیم لیریک‌ها رو تشکیل می‌دن».

«- موضوع آهنگ‌های بی‌تی‌اس معمولاً چیه؟

<sup>۱</sup> - کانسپت Concept و سبک‌های خاصی هستند که آیدول‌های کی‌پاپ به صورت گروهی و تکی آن‌ها را برای ساخت آهنگ‌ها، موزیک ویدیو و آلبوم، به طور منظم و ثابت دنبال می‌کنند. این مفهوم‌ها می‌تواند از طریق ژانر، اشعار و متن آهنگ‌ها، حال و هوای موزیک ویدیوها و سبک لباس پوشیدن آیدول‌ها به نمایش گذاشته شوند.

<sup>۲</sup> - «قوی سیاه» (Black Swan) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس، از چهارمین آلبوم استودیویی کره‌ای‌زبان گروه 7: Map of the soul در سال ۲۰۲۰ است. این قطعه در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۰، به‌عنوان نخستین تک‌آهنگ آلبوم، توسط بیگ‌هیت اینترتینمنت منتشر شد. از نظر معنایی، متنی درون‌نگر از اعترافات بی‌تی‌اس و ترس از دست دادن اشتیاق‌شان به موسیقی دارد.

<sup>۳</sup> - «اجازه برای رقص» (Permission to Dance) ترانه‌ای از گروه بی‌تی‌اس است. این تک‌آهنگ در ۹ ژوئیه ۲۰۲۱، توسط بیگ‌هیت میوزیک و سونی میوزیک به‌عنوان تک‌آهنگی مستقل منتشر شد. این ترانه همچنین بخشی از نسخه سی‌دی تک‌آهنگ پیشین بی‌تی‌اس، «کره» (Butter) و سومین تک‌آهنگ انگلیسی‌زبان گروه بود. «اجازه برای رقص» در جدول‌های پنج کشور اول شد و در ده رتبه اول ده کشور دیگر قرار گرفت.

چون این هفت نفر سن شون زیاد نیست، انگار می دونن که جوونا و نوجوونایی که دارن در حال حاضر زندگی می کنن، چه مسایلی براشون پیش میاد. مثلاً یکی افسرده شده، یکی از ظاهر خودش راضی نیست و می خواد خودش رو تغییر بده، یکی اعتماد به نفس نداره، یکی دوست داره کارایی رو انجام بده که بهشون علاقه داره، ولی خب تو فضایی قرار گرفته که کنترل می شه، یعنی اختیار نداره که بره سمت چیزایی که دوست شون داره و من بین دوستانم می بینم که این طور چیزا وجود داره.

وقتی آهنگایی گوش می دی که مشکلات خودت توشون وجود داره، اون حس خوب رو می گیری ازش». سحر ۱۵ ساله، پونه ۱۸ ساله و شیدای ۲۰ ساله در مصاحبه های خودشان، از وجود توأمان موسیقی غمگین و شاد در گروه بی تی اس یاد کرده اند که امکان کاربری از آن ها هم در مواقع شادی و هم در ایام غم و حزن افراد، وجود دارد: «- مخصوص هر حس و حالت آهنگ دارند؟

آره مثلاً وقت هایی که دلم می خواد آروم بشم و در عین حال خوشحال باشم آهنگ بلک سوان کمکم می کنه، هم زمان هم رقصم میاد هم آرامش می گیرم (می خندد). وقت هایی که می خوام به خودم یادآوری کنم که هدفم در آینده چیه و می خوام چه کاره بشم آهنگ آیدول رو گوش می کنم که حس و حال آیدول بودن برای یادآوری بشه. وقت هایی که خیلی ناراحتم آهنگ آی نید یو و آهنگ فیک لاو حال رو بهتر می کنه. وقت هایی که ناراحتم ولی می خوام خوشحال شم، آهنگ بوی ویت لاو رو گوش می کنم. وقت هایی که ناامیدم سو وات رو گوش می کنم. آره کلاً برای هر حس و حال چندتا آهنگ هست که اون لحظه به مودم بخوره».



**Boy With Luv**  
BTS (방탄소년단) (feat. Halsey)  
Color Coded Lyrics Eng/Kem/Han



**FAKE LOVE**  
BTS (방탄소년단)  
Color Coded Han/Eng/Rom Lyrics  
video by JAE600H



**SO WHAT**  
BTS (방탄소년단)  
Color Coded Han/Eng/Rom Lyrics  
video by JAE600H

«- پس هم آهنگ هاشون هم خوشحالت می کنه و هم غمگین؟ آره، بستگی به مودم داره. اگر که حال خوب نباشه، آهنگای سدشون (غمگین) رو گوش می دم و اگر حال خوب باشه آهنگای شادشون رو. - آهنگ غمگین شون، تو رو غمگین تر می کنه؟ آره خب. - پس چرا گوش می دی؟ قطعاً باید یه کاری کنی از اون حال دربیای. شاید چون اون لحظه که ناراحتم، اون آهنگ حس و حال رو به زبون میاره، همون همزادپنداری که بهت گفتم. یه کم آهنگ گوش می دم، گریه می کنم، بعد اوکی می شم». «- کلاً طرفداری از بی تی اس برات جنبه احساسی هم داشته، مثلاً یه نیازی رو برآورده کنه؟



آهنگاشون برام خیلی این طوریه. یعنی آهنگ غمگین‌شون می‌تونه واقعاً غمگینم کنه و آهنگای شادشونم می‌تونه واقعی شادم کنه. یعنی واقعاً آدم رو تحت تأثیر قرار می‌ده».



مریم ۱۸ ساله و فرشته ۱۹ ساله، با تأکید بر این که گروه بی‌تی‌اس، جرأت و جسارت لازم را در تجربه سبک‌های مختلف موسیقی داشته است، تنوع کار آنان را نسبت به دیگران نتیجه گرفته اند:

«- خوب مریم جان، اون اول چه چیزی تو رو جذب بی‌تی‌اس کرد؟»

اولین چیزی که جذبم کرد، انرژی زیادشون موقع اجرا کردن بود، حس می‌کردم که واقعاً دارن از اجرا کردن خودشون لذت می‌برند و این کار رو با تمام وجودشون انجام می‌دن. حرکات و هماهنگی‌شون خیلی جالب بود، مخصوصاً با وجود این که این قدر هم رقص‌هاشون سخت و سنگینه. بعد از اون جذب آهنگ‌های مختلفی شدم که خونده بودن، سبک‌های مختلف رو امتحان کرده بودن و از این همه تنوع و سبک‌های جدید نترسیده بودن. فکر می‌کنم، یکی از دلایلی که این قدر آرمی زیاد شده، همین‌ه که هر جور سلیقه موسیقی داشته باشی، بی‌تی‌اس یه دستی توش داشته و می‌تونه آدم‌های مختلف با افکار و سلیقه‌های مختلف رو راضی کنه».

«- بی‌تی‌اس اولین گروه کره‌ای بود که تا این حد درس‌طرح بین‌المللی دیده شد. فکر می‌کنی دلیل موفقیت‌شون چی بوده؟»

قطعاً تبلیغات و زمان‌بندی و برنامه‌ریزی درست بی‌اثر نبوده. یه کمش شانسیه‌ها، چون مثلاً کار بی‌تی‌اس و اکسو خیلی شبیه به همه، اگه دقت کنی. کانسپت لیریکای بی‌تی‌اس خیلی متنوع‌تره، ولی از لحاظ آهنگ‌سازی و ویژوال و دنس شبیه هستن و فک می‌کنم تفاوتی ریزشون باعث شد، بی‌تی‌اس بیش‌تر مطرح بشه با وجود این که کمپانی کوچیکی داشتن و دیرتر از اکسو شروع به کار کردن.



همین که همه آهنگاشون خیلی دارک و اینا نیست، همه‌اش از عشق نمی‌خونن و تو کاراشون تنوع زیاده به نظرم بی‌اثر نبوده.

بعد خب فندوم بی‌تی‌اس واقعاً با بقیه خیلی فرق داره. چه طوری بگم، جهانی‌تره انگار؟ چون مثلاً برخلاف خیلی از گروه‌های کی‌پاپ که اکثر فن‌اش کره‌ای‌ان، بی‌تی‌اس انقد فن داره که دیگه نمی‌شه گفت بیش‌ترشون مال یه کشور هستن».

سرانجام ترنم ۱۸ ساله در مصاحبه‌اش تأکید می‌کند، محتوای عرضه شده توسط گروه بی‌تی‌اس از محتوای عرضه شده توسط سایر گروه‌های کی‌پاپ سالم‌تر است:

«مثلاً تو آهنگ دینامیت، اولش جونگ کوک می‌گه صبح‌ها پا می‌شم شیر می‌خورم. نه مثل این گروه دخترونه بلک‌پینک که لیساً تو یک آهنگش می‌گه، مشروب و الکل، از سال ۱۸۹۵ عه حتی از اون موقع که من نبودم برام نگه داشتن و یه جورایی طرفدارهاشون را تشویق به مصرف این جور چیزها می‌کنن، من خوشم نمی‌اومد، چون اکثر فن‌های چه بی‌تی‌اس باشه، چه گروه دیگه‌ای، از ۱۲ سال بگیر تا به بعدش فن می‌شن و اینا بزرگ می‌شن به تقلید از حرف‌های اونا همین کار رو انجام می‌دن، البته بی‌تی‌اس هم بعضی جاها صحبت‌های مثبت ۱۸ می‌کنن‌ها، ولی تازگیا این کارها رو انجام می‌دن، تو چپتر اول اصلاً نبود. کلاً یکی از دلایلی که بی‌تی‌اس رو فراتر از کی‌پاپ می‌دونم، همین سبک کاری‌شون هست که موسیقیش با کی‌پاپ متفاوت.»



ارایه موسیقی بی‌تی‌اس به زبان‌های کره‌ای، انگلیسی و ژاپنی از سویی و همکاری مشترک با برخی از خوانندگان غربی از سوی دیگر، از دیگر مواردی هستند که مورد توجه برخی از افراد مصاحبه شده قرار گرفته است و آن را امتیازی برای گسترش و فراگیرتر شدن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس دیده‌اند:

ترنم ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، ضمن تأکید بر تنوع قابل توجه آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، از ارایه آهنگ‌های گروه که بعضاً شکل تلفیقی پیدا کرده‌اند و با دو زبان اجرا می‌گردند، سخن گفته است:

«- سبک موسیقی بی‌تی‌اس چه فرقی با گروه‌های دیگه کی‌پاپ داره؟

انگیزشی هست، عاشقانه هست، غمگین هست، بعد هر سلیقه‌ای هم توش وجود داره. رپ هست، هیپ هاپ هست، کلاسیک هست، راک هست. همه نوع موسیقی رو تو یک آهنگ و یا آلبوم جا می‌دن و یک شاهکار می‌سازن. از طرفی تلفیق موسیقی و آهنگ‌های کره‌ای با آهنگ‌های انگلیسی، یکی دیگه از دلایل محبوبیت سبک بی‌تی‌اس هست.»



«- به نظرت همکاری‌های بی‌تی‌اس با خواننده‌های غربی مثل هالزی، می‌تونه باعث بشه که شهرتِ گروه‌شون بالا بره؟

این حرفی که گفتمی به کم باعث شد به این نتیجه برسم که عواملی مثل همکاری قطعاً به معروف شدن کمک می‌کنه مثلاً سیا<sup>۱</sup> و هالزی و کلدپلی<sup>۲</sup> و نیکی میناژ<sup>۳</sup> خیلی معروف ان و قطعاً همکاری‌شون با یه بند آسیایی قطعاً سر و صدا می‌کنه یا متن انگلیسی که امروزه هر چی گیر بیارن، ترند می‌کنن مثل باتر که مشابه قسمت وکال جونگ‌کوک که انگلیسی بود با یکی از آهنگ‌های دوا لیپا<sup>۴</sup> که ترکیب شده بود خیلی ترند شد» (سارینا، ۱۳ ساله).

«- شبنم به نظر شما به طور کلی گروه بی‌تی‌اس چه تأثیری بر روی طرفدارانش داره و چرا این قدر محبوبه؟ این گروه‌ها به‌خاطر رقصاشون، تیپ‌هایی که می‌زنن، رنگ مو یا کیوت بودن‌شون، باعث می‌شه هواداراشون خیلی تحت تأثیر قرار بگیرن و خیلی رفتارای اونا رو تقلید کنن. بیش‌تر یعنی هشتاد درصد هواداران‌شون نوجوون هستنند و محبوبیت‌شون بیش‌تر به‌خاطر رقص و هماهنگی و چهره و به‌خاطر اینکه که به سه زبان می‌خونن» (شبنم، ۲۵ ساله).

### ۳-۳۳- رعایت نسبی ادب در محتوای موسیقی بی‌تی‌اس

از آنجا که موسیقی پاپ، یک موسیقی اعتراضی شناخته می‌شود، بیانگر برخی از واقعیات تلخ اجتماعی و به تبع آن، خشم، کینه و نفرت است، خود به خود با ناسزاگویی توأم شده و عاری از فحاشی نیست.

برخی از هواداران مصاحبه شده، با اشاره به متن موسیقی پاپ‌های دیگر (نظیر پاپ هالیوودی) یادآور شده اند که آنان فحاشی و ناسزاگویی موسیقی پاپ مرسوم را نمی‌پذیرند، از این رو گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس را که در موسیقی خود از کلمات مستهجن استفاده نکرده یا استفاده قلیلی دارد، بر دیگر گروه‌های پاپ ترجیح می‌دهند.

زهرای ۲۴ ساله، مهشید ۲۱ ساله و گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های خویش با اشاره به فحاشی‌های موجود در پاپ‌های دیگر، بیانات مؤدبانه‌تر گروه بی‌تی‌اس را امتیازی برای این گروه شمرده اند:

«- پس در برخورد اول، شوخ بودن‌شون باعث شد که شما جذب‌شون بشید.

بله، هم فان بودن هم خوش اخلاق و شاد.

- در ادامه که به سراغ موسیقی‌های گروه رفتید، چه چیزی باعث شد که شما به آهنگ‌های گروه علاقه‌مند بشید؟

معانی شعرهاشون جالبه و اغلب برخلاف رپ فارسی الفاظ رکیک استفاده نمی‌شه و اکثر اوقات نه همیشه، درباره‌ی دغدغه‌ها صحبت می‌شه».



«- موسیقی بی‌تی‌اس را از چه لحاظ دوست داری، ریتم‌شون، لیریک یا چیزهای دیگه؟

<sup>۱</sup>- سیا (Sia) خواننده پاپ اهل استرالیا است که بیش‌تر به دلیل انزجار از شهرت شناخته می‌شود.

<sup>۲</sup>- کلدپلی (Coldplay) یک گروه راک بریتانیایی است که در سال ۱۹۹۶ در لندن شکل گرفته است.

<sup>۳</sup>- نیکی میناژ (Nicki Minaj) رپر، خواننده و ترانه‌نویس، زاده ترینیداد و توباگو است که در ایالات متحده اقامت دارد.

<sup>۴</sup>- دوا لیپا (Dua Lipa) خواننده، ترانه سرا و مدل انگلیسی است.

من تفاوت صداشون رو دوست دارم. قانون کی‌پاپ اینه که تو یه گروه باید چندتا وکال<sup>۱</sup> باشن، چندتا ریپر... یعنی چندتا آدم که رپ می‌خونن و یا وکال می‌خونن. همین موسیقی که ما می‌شنویم، این طوری نیست. مثلاً توی آمریکا بعداً هم توی ایران باب شد که ریپر، انگار باید آدم خاصی باشه... توی نصف موسیقیش فحش باشه... نصفش رو داد بزنه، مثلاً این یعنی ریپر. تعریفش توی کره فرق می‌کنه، خیلی کم پیش میاد تو موسیقی فحش گفته بشه، اصلاً این کار واقعاً نکوهیده‌ای در کره هست. از اونجا که موسیقی‌هاشون رو تلویزیون پخش می‌کنه، دنس‌ها و لبریک‌ها (متن‌های ترانه) که مشکل دارن، حذف می‌شن و ترجیحاً بهشون گفته می‌شه، رعایت کنند، اصلاً چیز زشت و فحش بده. تو آمریکا نگاه کنیم یه سری از موسیقی‌ها توی سبک رپ یا سبک جاز شروع می‌کنن به فحش دادن و داد زدن‌های مکرر و یکی از دلیل‌هایی که بی‌تی‌اس رو دوست دارم».

«... مثلاً از کلمات فحش و بی‌ادبی رایج توی دنیا و کلمات انگلیسی نباید استفاده بکنن و حتی کلمات فحش کره‌ای رو هم استفاده نمی‌کنن. البته دیگه کم‌کم از محدودیت‌هاشون داره کم می‌شه، نه این که محدودیت‌ها کامل بخواد برطرف بشه‌ها، ولی کم‌کم چون دارن پیشرفت می‌کنن و هم بیش‌تر جهانی می‌شن، بعضی محدودیت‌های اون‌ها کم‌کم داره عادی می‌شه».

اگر چه گروه بی‌تی‌اس به عنوان یک گروه پاپ اعتراضی، از واژه‌های نامناسب در حد و اندازه دیگر گروه‌های پاپ استفاده نمی‌کند، اما به سبب آن که کمپانی بیگ‌هیت در کنار اهداف اقتصادی خویش، اهداف دیگری از جمله اهداف فرهنگی را دنبال می‌کند و یکی از اهداف فرهنگی آن جنسیت‌زدایی از عشق هست، بنابراین در برخی از اجراهای این گروه می‌توان شاهد طرح برخی از مفاهیم (و حرکات) جنسی بود. ترنم ۱۸ ساله در مصاحبه خودش در این ارتباط چنین بیان داشته است:

«... مثلاً تو آهنگ دینامیت، اولش جونگ‌کوک می‌گه صبح‌ها پا می‌شم شیر می‌خورم. نه مثل این گروه دخترانه بلک‌پینک که لیسا تو یک آهنگش می‌گه، مشروب و الکل، از سال ۱۸۹۵ عه حتی از اون موقع که من نبودم برام نگه داشتن و یه جورایی طرفدارهاشون را تشویق به مصرف این جور چیزها می‌کنن، من خوشم نمی‌اومد، چون اکثر فن‌های چه بی‌تی‌اس باشه، چه گروه دیگه‌ای، از ۱۲ سال بگیر تا به بعدش فن‌می‌شن و اینا بزرگ می‌شن به تقلید از حرف‌های اونا همین کار رو انجام می‌دن، البته بی‌تی‌اس هم بعضی جاها صحبت‌های مثبت ۱۸ می‌کنن‌ها، ولی تازگیا این کارها رو انجام می‌دن، تو چپتر اول اصلاً نبود. کلاً یکی از دلایلی که بی‌تی‌اس رو فراتر از کی‌پاپ می‌دونم، همین سبک کاری‌شون هست که موسیقیش با کی‌پاپ متفاوت».



مرضیه ۱۹ ساله نیز در گزارش خویش به تکرار موارد مشابهی پرداخته است:

«- دیدن برخی اجراهای سکسی بی‌تی‌اس، چه تأثیری روی حالت‌های جسمی و روحیت می‌گذاره؟  
منظورت حرکات بیسی شونه؟  
- فکر کنم».

می‌گم واوووو (می‌خندد) و اون موقع عزرائیل سند مرگ من رو می‌بره برای امضاء (باخنده)».

<sup>۱</sup> - وکال در کیپاپ به معنی خوانندگی است. مین وکالیست (Main Voclist) نیز به فرد یا افرادی گفته می‌شود که صدای بهتری نسبت به سایر اعضا دارند و مدت زمان بیش‌تری می‌خوانند.



حدیث ۱۴ ساله و ترانه ۱۸ ساله هم با بیان برخی از معیارهای کمپانی برای ستاره‌های خودش، نظیر برخورداری پسران از سیکس‌پک و چشم‌های درشت و چهره و اندام استخوانی، از هیجان‌زده شدن خودشان در این ارتباط یاد کرده‌اند. سرانجام فرشته ۱۸ ساله، از کراپ‌تاپ<sup>۱</sup> پوشیدن آیدول‌ها و یا آرایش زنانه و تلاش جیمین بر دخترانه کردن صدای خودش به عنوان مواردی غافل‌گیر کننده برای خودشان یاد کرده‌اند.

رهای ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از نگاه‌های عاشقانه و رفتارهای بسیار نزدیکی که ستاره‌ها روی صحنه باهم داشته و رنگ و بوی هم‌جنس‌گرایی می‌دهند، یاد کرده است:

«- گفتی یه سری از رفتارهای ستاره‌ها عمدیه. منظورت چی بود؟»

این طوری که خب مثلاً کمپانی بهشون می‌گه مثلاً توی کنسرت یا توی فلان برنامه، بی‌هوا نگاهش کن. دستش رو بگیر (می‌خندد). بعد شیپرها میان این مومنت‌ها رو در میان. باورشون می‌شه که چیزی هست. و اینا باهم ان. بعد این چیزا خودش کلی توجه رو میاره سمت گروه. یعنی به نفع کمپانیه.

- چه طوری؟

مثلاً ببین نگاه عاشقانه وقتی با دست دادن و بغل کردن باشه، آدم رو به شک می‌اندازه. نه یه دست دادن عادی. اینا رو نگاه‌های یواشکی، در حالی که دورینا عمدتاً می‌گیرن و اینا. منظورم ایناست.

- تاحالا خود آیدول‌ها صریحاً راجع به گرایش‌های جنسی‌شون صحبت نکردن؟

نه. جامعه‌ی کره نمی‌تونه این رو بپذیره و براشون دردسر می‌شه. برای آیدولا. شده مثلاً بعضی آیدولا خیلی ریپیزی یه چیزی بپروتن که آدم رو دو به شک کنن که آقا این طرف حالا واقعاً پسرها رو هم دوست داره یا فقط دختر دوست داره یا هر جفت‌شون رو دوست داره و اینا. ولی نمی‌تونن هیچ وقت راجع بهش مستقیم حرف بزنن. اگر هم حرف بزنن تهش یا از گروه مجبورشون می‌کنن که برن یا نمی‌دونم کل گروه کنسل می‌شه و این جور چیزا. برای همین به ریسکش نمی‌ارزه که این کار رو بکنن.

زهرای ۲۴ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، دلیل فرهنگی رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه‌ای را که ستاره‌های بی‌تی‌اس انجام می‌دهند، تعدیل واکنش‌های منفی نسبت به اقلیت جنسی و حمایت از این گروه عنوان کرده‌اند:

«- در مورد دیدگاه‌های هم‌جنس‌گرایانه که پیرامون گروه وجود داره، چه نظری دارید؟»

این که اعضاء هم‌جنس‌گرا هستن یا هم‌جنس‌گرایی رو ترویج می‌دن؟

- با توجه به مواردی که بقیه می‌گن شایعات درباره‌ی هر دو مورد هست. اگر نظر خودتون رو در مورد هر دو بگید، خیلی خوب هست.

من به شخصه مشکلی با هم‌جنس‌گرایی ندارم، حالا یه سری می‌گن ترویج می‌دن این قضیه رو. تاحالا حمایت کردن از این افراد، اما نگفتن عضوی از این جامعه هستن یا نه.

<sup>۱</sup> - لباس کراپ به لباس‌هایی می‌گویند که طول آن‌ها در مقایسه با تی‌شرت و دیگر لباس‌های فرد کوتاه‌تر است و معمولاً نیم‌تنه بالایی فرد را پوشش می‌دهند.



پس من نمی‌تونم بگم که اینا ترویج می‌دن یا نه و نظر من درباره‌اش چیه، وقتی اصلاً بحثی از این نشده. درسته یه سری‌ها اینا رو به قول ما شیپ می‌کنن باهم، ولی خودشون این رو تأیید نکردن. من حمایت‌شون رو انکار نمی‌کنم، چون بارها خیلی مستقیم حمایت کردن مثل خیلی از گروه‌های دیگه و یا خواننده‌های دیگه کی پاپ.

- پس حمایت‌هایی از افرادی که همجنس‌گرا هستن، داشتن، ولی این که خودشون همجنس‌گرا هستن رو تأیید و یا تکذیب نکردن. بله، در مورد خودشون حرفی نزدن، ولی حمایت کردن از این قشر جامعه. علاوه بر بی‌تی‌اس افراد و گروه‌های دیگری هم حمایت‌های خودشون رو نشون دادن، یعنی فقط بی‌تی‌اس نیست که این کار رو انجام می‌ده و فعالان دیگه‌ای هم در کی پاپ هستن که این کار رو انجام می‌دن.»

«- نظر شخصی خودت در ارتباط با همجنس‌گرایی و تلاش‌هایی برای عادی شدن روابط همجنس‌گرایانه رو می‌خوام، البته اگر دوست نداری، می‌تونی جواب ندی.

نه، نه، اصلاً مشکلی نیست، حتماً می‌گم. اول این که خب آره چیزی که گفتی کاملاً درسته، یعنی فعالیت گروه به صورت غیرمستقیم هست، اگر نظر خودم رو هم بخوام بگم، خب به نظر من کاری که انجام می‌دن مثبته، کاملاً مثبته، ببین، من نمی‌گم بی‌تی‌اس یا اصن هر گروه دیگه، چون کلاً آیدولای کی‌پاپ دنبال این هستن که همه چیز رو عادی جلوه بدن، چیزایی که مردم خیلی سخت می‌گیرن شون رو عادی جلوه بدن. مثلاً این که طرف گرایش جنسیش به همجنس خودش و اینا دنبال این هستن که این رو عادی‌سازی کنن که به نظر من واقعاً مثبته، چون آخه اون طرف که تقصیری نداره به همجنس خودش گرایش پیدا کرده، اگر اصن دست خودش بود، قطعاً این کار رو نمی‌کرد، به نظر من چون کلاً تو دنیا خیلی دیدگاه‌های منفی در مورد همجنس‌گراها وجود داره، بعد حالا تو وقتی چند نفر ازت حمایت کنن سر یه سری از مسایل، خب واقعاً خوبه، چون همون طوری که گفتم، کلاً تو جهان دیدگاه مثبته نسبت به همجنس‌گراها وجود نداره و اکثراً این آدم‌ها که گرایش جنسی‌شون این طوری هست، هیت می‌شن واقعاً».



برخی از افراد مصاحبه شده، به نمایش نهادن رفتارهای همجنس‌گرایانه از سوی ستاره‌های بی‌تی‌اس را بر مبنای اهداف اقتصادی کمپانی تبیین کرده‌اند که برای جذب هر دو قشر غیرهمجنس‌گرا و همجنس‌گرا، ستاره‌هایش را ملزم به نمایش رفتارهای جنسی هر دو گروه می‌سازد. نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«... در واقع بی‌تی‌اس رو دقیقاً من دیدم چون از آخر سال ۲۰۱۶ کنارشون بودم دیدم که از وقتی که خیلی معروف شدن رفتارشون تغییر کرد.

- دقیقاً چه تغییری؟

- مثلاً نمی‌دونم... .

– الآن دقیقاً کدوم تغییر رو یادت میاد، همون رو بگو.

چه قدر می‌تونم اوپن (باز) باشم؟ (می‌خندد).

– راحت باش. اصلاً ایرادی نداره. راحت باش.

اوکی. امممم کی پاپ یکی از دلایل معروفیتش رفتارای صمیمی اعضاش باهمه. مثلاً اعضای گروه‌ها باهم ان. چون مثلاً کلاً الآن مثلاً توی همه صنعتاً مثلاً توی فیلم‌سازی، نمی‌دونم ایفلوتنسراً مثلاً هر کسی و خواننده‌ها با گرایش مثلاً بایسکشوال<sup>۱</sup> (گرایش دوجنس‌گرایی) خیلی می‌تونن مخاطب جمع کنن دیگه. تو کی پاپ هم دقیقاً این اتفاق افتاده اصلاً از خیلی وقت پیش بود. به خاطر همین اکثراً نقش بازی می‌کنن، مثلاً صمیمیتای الکی نشون می‌دن».



### ۳-۳۴- ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری در بی‌تی‌اس

«-خب در مورد بی‌تی‌اس گفتی موسیقیشون فرق داشت. ترجیح می‌دادی. موسیقیشون رو از چه لحاظی ترجیح می‌دی؟ ریتمشون یا لیریکشون یا چه می‌دونم پرفورمنسشون مثلاً؟»

من خودم آدمی‌ام که مثلاً لیریک- محورم. مثلاً لیریک برام خیلی مهمه. بعد کلاً خب اون قدر که مثلاً پرزرق و برق و برقه دیگه کی پاپ. مثلاً فضای رنگی‌ای داره. مثلاً یه سری موزیک ویدیوها. بعد مثلاً برای اجراشون خیلی تلاش می‌کنن. مثلاً پرفورمنسای (اجرای) پر دنگ و فنگی داره، رقصای خوبی داره. همه‌شون انگار یه پکیج کامله دیگه» (نسترن، ۲۳ ساله).

افراد مصاحبه شده زیادی در توصیف اجراهای گروه بی‌تی‌اس، اجرای این گروه را عبارت از یک بسته کامل دیداری و شنیداری دانسته‌اند که در آن از ظواهر جذاب خوانندگان گرفته تا رنگ موها، تیپ لباس، رقص و کلاً اجرای متفاوت گروه و تئوری‌هایی که پشت برخی از آهنگ‌های گروه وجود دارد، جذابیت خاصی به اجراهای گروه بی‌تی‌اس داده‌اند تا جایی که گاه مخاطبان ده‌ها بار پشت سرهم به دیدن موزیک ویدیوها و اجراهای گروه نگاه کرده‌اند.

گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش از دیدن ۴۰ بار موزیک ویدیو باتر یاد کرده است و تأکید داشته که واقعاً از هر بار دیدن این موزیک ویدیو، لذت برده است:

«این تماشا کردن از سر اجبار و حمایت کردن بی‌تی‌اس هم نیست. ممکنه ۵۰ بار یه موزیک ویدیو رو ببینمش، فقط به خاطر این که ازش لذت می‌برم، یعنی هیچ‌وقت به خاطر این که بخوام از بی‌تی‌اس حمایت کنم نمی‌رم و قتم رو بگذارم و ویدیو رو ببینم و واقعاً از ته دلم لذت می‌برم که ویدیوهاشون رو تماشا کنم. فکر کنم تا الآن شاید بیش‌تر از چهل بار موزیک ویدیو باتر رو دیده باشم یا حتی آهنگ‌های دیگه بایسم رو». ریحانه ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، وی در روز اول دیدن موزیک ویدیوی آیدل، تنها ۲۰ بار به دیدن این موزیک ویدیو پرداخته است. ریحانه علت این امر را جذابیت ظاهری ستاره‌ها، پوست صاف و لطیف ستاره‌ها، تناسب اندام، لاغر بودن، سفیدی پوست، رنگ مو، لباس و موارد مشابه در ستاره‌ها دانسته است:

«- دقیقاً از چی شون خوشت میاد ریحانه؟»

خب کلاً یه سبک خاصی ان، هم آدمای گروهش، ظاهر و قیافه‌هاشون، هم حرکات هماهنگ با آهنگشون، کلاً یه رنگ و لعاب خاصی داره می‌دونی. فیلم‌هاشون خیلی باکیفیت، همه چی شون درجه یکه کلاً. هیچی رو کم نداشتن. از تیپ و قیافه‌شون بگیر تا صحنه و همه چی.

<sup>1</sup>- Bisexuality

- می‌توننی مثال بزنی؟

مثلاً رنگ موهاشون یا مدل موهاشون، لباس‌های خاصی که می‌پوشن و ست می‌کنن، خیلی اسپرت و خاص ان، مثلاً یه موزیک ویدیو دارن اسم آهنگش آیدوله، خیلییی دوستش دارم. فقط کافیه حرکات شون رو ببینی یا پشت صحنه‌های فیلمش رو. مثلاً یه جای فیلم جیمین دهنش رو باز می‌کنه با کامپیوتر درست کردن یه دفعه از تو دهنش می‌ره تو یه صحنه دیگه. می‌خوای نشونت بدم؟ ببینی عاشقش می‌شی. دفعه اولی که دیدم، اون روز بیش‌تر از ۲۰ بار دیدمش. یا خیلی طرح‌های این جوری تو فیلمش داره. تو آهنگش می‌گه، عاشق طرفدارام یا این که همیشه تناسب اندام دارن و لاغرن، پوست‌شون سفید و خوشگله، فک کن با این که پسر ان، اما از یه دختر پوست‌شون بهتره، کلاً خیلی به خودشون می‌رسن و اهمیت می‌دن، در کل خیلی خوش‌تیپ هستن».



نسترن ۱۹ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان ساخته است که متن زیبای آهنگ، اجرای خوب و اجرای توأم با رقص ستاره‌ها، در عمل یک بسته کامل دیداری و شنیداری برای وی پدید آورده است:

«- خوب در مورد بی‌تی‌اس گفتم موسیقی‌شون فرق داشت و اون رو ترجیح می‌دادی. موسیقی‌شون رو از چه لحاظی ترجیح می‌دادی؟ ریتم یا لیریک‌شون (متن ترانه) یا چه می‌دونم پرفورمنس‌شون (اجرا)?

من خودم آدمی‌ام که مثلاً لیریک محورم. مثلاً لیریک برام خیلی مهمه. بعد کلاً خب اون قدر که مثلاً پرزرق و برقه دیگه کی‌پاپ. مثلاً فضای رنگی‌ای داره. مثلاً یه سری موزیک ویدیوها. بعد مثلاً برای اجراشون خیلی تلاش می‌کنن. مثلاً پرفورمنس‌ای پر دنگ و فنگی داره، رقص‌ای خوبی داره. همه‌شون انگار یه پکیج کامله دیگه».

دیبا ۱۵ ساله و سایه ۲۱ ساله نیز در گزارش خودشان، از مواردی مانند تئوری موجود در پشت سرآهنگ‌ها، صدای زیبای خوانندگان، رقص آنان، لباس‌های متفاوت ستاره‌ها و پردازش متفاوت صحنه، یاد کرده اند که جذابیت کار گروه بی‌تی‌اس را برای آنان به اوج رسانده است و تأکید کرده اند که ستاره‌ها در عمل یک بسته کامل دیداری و شنیداری برای آنان پدید آورده اند:

«- عزیزم توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه خصوصیتی وجود داره که باعث می‌شه ازشون خوشت بیاد یا دلت بخواد به طور مثال یک آهنگ رو چند بار گوش بدی؟

من اصلاً از این مدل‌هایی نیستم که ۲۴ ساعت شبانه روز مشغول بی‌تی‌اس باشم و چند بار موزیک ویدیوهاشون رو ببینم یا آهنگ‌هاشون رو گوش بدم، ولی در کل آهنگ‌های بی‌تی‌اس این مدلیه که هر آهنگ یه پیامی داره و خب من دوست دارم معنی پشت آهنگ‌هاشون رو بدونم و بفهمم برای همین لیریک رو می‌شه گفت که برام مهمه. مفهوم و تئوری‌های پشت موزیک ویدیو هم بعضی اوقات برام جالبه. ملودی آهنگ‌ها هم من رو خیلی جذب می‌کنه یا صدای اعضاء رو هم خیلی دوست دارم».

«استیج‌های بی‌تی‌اس یه چیز خیلی جذابی که روی ثانیه به ثانیه‌اش کار شده. الان که استیج‌های آمریکایی رو می‌بینم، به نظرم خسته کننده می‌رسند. بیش‌تر نمایش موزیکاله تا کنسرت.

- یعنی داستان داره؟

نه، لزوماً داستان نداره، ولی رقصی داره که با اون رقص یه مفهومی رو می‌خوان برسوند. هر عضوی به نسبت اون مفهومی که می‌خوان برسوند، یه هماهنگی‌ای پیدا می‌کنند و در نهایت شما یک تصویر کلی‌ای دریافت می‌کنی. بعد جدای از اون اگر بازه رقصش هم بیش‌تر باشه،

بازم شما می‌بینی که سطح کار فرق می‌کنه، حتی اگر یه موسیقی متوسطی رو اجرا کنند. لباس‌هایی که می‌پوشند و استایل‌شون و صحنه و همه چیز متفاوت و این به مرور جذب می‌کنه، حتی اگر همون لحظه اول نگی خیلی خب از این به بعد زندگی من حول محور اینا می‌چرخه. بعد من هم استیج‌ها رو می‌دیدم و هم ویدیوهای خنده‌دار بی‌تی‌اس رو هم آورده بود و همین جوری نشستم دیدم، دیدم، دیدم، دیدم تا این که نمی‌دونم چی شد که سر کام‌بک<sup>۱</sup> (بازگشت) فیک لاو (عشق دروغین) خودشون که همون سال ۲۰۱۸ بود، به خودم اومدم دیدم ۲۴ ساعته خوابیدم تا تعداد بازدیدهای یوتیوب و اسپاتیفای این‌ها رو بالا ببرم».



---

<sup>۱</sup>- Comeback